



ضمیمہ ﴿فہرست جلد اول از تاریخ نعیم﴾

فائدہ	۰۰۶
صلح حدیبیہ	۰۱۳
فصل اول	۰۲۶
خفی اولیہ کہ	۰۳۰
وقوعی جمیع دوا سده مقرر اولان اطوار خمسہ معتبرہ	۰۳۳
بیانندہ در -	۰۰۰
(طور اول	۰۰۰
طور ثانی	۰۳۴
طور ثالث	۰۳۵
طور رابع	۰۳۶
طور خامس	۰۳۸
فائدہ	۰۳۹
فصل ثانی (بدو و حضر اربابندہ جن و شجاعتہ متعلق	۰۴۳
حالات و اعیان دعت و راحت متعقب اولان حضرت	۰۰۰
بیانندہ در	۰۰۰
جور و کلا و تعنف امر اصورت یاسی زائل و ماکہ قہر	۰۴۵
وسطوقی مضحک ایتدو کیدر	۰۰۰
خفی اولیہ کہ	۰۴۷
ارباب سیف و قلمک حالربنہ متعلق اولان فوائدہ	۰۴۸
ارباب سیف	۰۵۰
فائدہ مهمہ و نصایح لازمہ	۰۵۱
نتیجہ کلام و فذلکہ مرام	۰۵۷
سنہ الف من ہجرت من لہ العز و الشرف	۰۶۵
وقایع سنہ الف	۰۰۰
سبب عزل و وزیر اعظم قہر ہاد پاشا	۰۰۰

۰۶۷	وقعه نفرات تبریز (عزل شیخ الاسلام بوستنازاده
۰۰۰	ونصب ذکر یافتدی
۰۶۹	ظهور فتن در سرحد بوسنه و مجارو باعث حرکت کفار
۰۰۰	(ذکر حرب وانهزام کفار
۰۷۰	خوادم شرقیه (وفیات) المولامصطفی بن محمد (المولا محمد
۰۰۰	الوائی
۰۷۱	المولی علی ابن عبدی
۰۷۲	المولی عبدالقسا در بن امیر کیسودار (المولی محمد ایدن) (المولی
۰۰۰	شمعی
۰۷۳	المولی سودی (المولی عبدالرحیم
۰۷۴	الشیخ محمد البخاری (الشیخ محمد افندی
۰۷۵	وقایع سنه احدی والف (غلو سپاه در دیوان
۰۷۸	عزل وزیر اعظم سپاوش پاشا وصدارت قوجه سنان پاشا
۰۸۹	سبب نقص هدیه اسلامیان و نتیجه ووقعه شهادت حسن
۰۰۰	پاشا در سرحد بوسنه
۰۸۱	سردار سنان پاشا بجانب مجار
۰۸۳	وقایع سنه اثنی والف
۰۸۴	ترقی عموم وعودت
۰۸۵	هجوم کفار بر بلاد اسلام در حوالی سرحد (استیلاء
۰۰۰	کفار بر حصار قبلاک
۰۸۷	تأدیب و عقوبت فراریان
۰۸۸	استیلائی کفار خا کسار بر خطوان وانهزام عسکر
۰۹۰	محاصره استرخون
۰۹۲	استمداد صدر اعظم وامداد پادشاه معظم
۰۹۴	محاصره یانق
۰۹۵	هجوم غزاة وانهزام طابور

مقدمه عصیان میخال و یوده افلاق	۹۷
وقایع سنه ثلاث والقب (فتح قلعه یانق)	۹۷
محاصره قومران	۹۸
سوء تدبیر سردار و تهاون و تقصیرش در بعض کار	۱۰۰
عصیان و یوده بغداد (خبر عصیان میخال و یوده افلاق)	۱۰۱
انتقال حضرت سلطان مراد ثالث از عالم فانی نورالله ضریحه	۱۰۳
ذکر مدت پادشاه مغفور سلطان مراد خان و بعض	۱۰۵
از محامد و مکارم و احسان او	۱۰۶
وزرای عصر سلطان مرادخان	۱۰۷
تلمای عهد سلطان مرادخان	۱۰۸
مشیح الدوله المرادیه	۱۱۲
تفصیل حوادث عصر سلطان محمد خان	۱۱۳
توجیه وزارت عظمی فرهاد پاشا (فساد کفار افلاق	۱۱۴
و بغداد و هجوم ایشان بر اربل و آفرمان	۱۱۵
سرداری فرهاد پاشا بجانب افلاق و بغداد	۱۱۶
غلولی سپاه بر فرهاد پاشا	۱۱۷
توجه فرهاد پاشا بجانب افلاق	۱۱۹
احوال فرهاد پاشا	۱۲۰
عربده طو بچیان و اخوانان قول در ادبانه دارالمینه	۱۲۱
(وصول فرهاد پاشا بنهر طونه	
عزل وزیر فرهاد پاشا و وزات سنن پاشا	۱۲۲
کلام منصفانه (تفصیل توجه قوجه سنن پاشا بجانب افلاق	۱۲۵
فرار کفار خاکسار مشورت سردار برای دفع کفار و بنای حصار	۱۲۷
ذکر حرکت کفار در سرحد انکروس	۱۲۸
توجه عسکر اسلام بجانب استرغون و انهرام شدن ایشان	۱۲۹
استیلای میخال ضال بر حصار بکرش و ترغوشه	۱۳۱

استیلا ی کفار بر حصار یرکو کی (اطاعت بغداد بتاتارخان	۱۳۴
(تسلیم حصار استرغون بکفار) استیلا ی کفار بر حصار	...
ویشقراد	...
عزل سنار پاشا و نصب لالا محمد پاشا (وزارت سنار پاشا	۱۳۵
خامسا	...
ترغیب سنار پاشا پادشاه جهان را بسفر و غزی	۱۳۶
وفات سنار پاشا و وزارت ابراهیم پاشا	۱۳۷
نزاع خواجہ سعد الدین افندی باشیخ الاسلام	۱۳۸
توجه پادشاه اسلام بغزوہ اکری	۱۳۹
مشورت ارکان دولت برای جهت عزیمت (وقایع سنہ	۱۴۲
خمس و الف	...
استیلا ی کفار بر حصار خطوان	۱۴۳
محاصره اکری	۱۴۴
فتح حصار اندرون اکری	۱۴۵
قتل عام کفار اکری	۱۴۶
امدن جوع کفار	۱۴۷
ارسال جعفر پاشا	۱۴۸
مشورت ارکان دولت	۱۵۰
محاربه در روز اول	۱۵۴
مقاله در روز ثانی و انہزام کفار بعون ربانی	۱۵۵
سیاق آخر	۱۵۹
احوال فراریان (انہزام کفار خاکسار	۱۶۱
ذکر شامت غرور	۱۶۲
توجہ صدارت عظمی با جغاله زاده سنار پاشا	۱۶۳
عقوبت فراریان	۱۶۵
عودت عسکر اسلام بمحانب اکری (عودت پادشاه پیدارسا علیہ	۱۶۶

۱۶۷	عزل سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا
۱۶۹	ذکر احوال فتح کرای
۱۷۱	ظهور سفر واج و سرداری ساطورجی محمد پاشا
۱۷۲	وقایع سنه ست و الف (عزیمت سردار اسلام ساطورجی محمد پاشا بفتح ناتا
...	
۱۷۴	مشورت و توجه بچاناب واج
۱۷۷	رأی سردار
۱۷۹	عزل ابراهیم پاشا و وزارت خادم حسن پاشا
۱۸۱	وزارت جراح محمد پاشا بعد از قتل حسن پاشا
۱۸۲	استیلای کفار خاکسار بر حصار یائق با حبله
۱۸۴	ابتداء سفر قلعه وارا د
۱۸۶	سرداری حسن پاشا بچاناب بصره (بقیه وقایع سال مزبور)
۱۸۸	وقایع سنه سبع و الف (ذکر احوال سفروارات) آمدن
...	غازی کرای خان
۱۹۱	جنگ و محاصره وارات
۱۹۵	عودت عسکر اسلام بچاناب بلغراد
۱۹۷	مکتوب خواجه سعدالدین بچاناب سردار ساطورجی محمد پاشا
۲۰۱	جنگ آکری از منق
۲۰۲	ذکر استیلای کفار بر قلاع پسریم و پولاته و پاپوتاتا و محاصره
...	بودین در دفعه اولی
۲۰۴	انتهای خادم حافظ احمد پاشا در نیکیولی بامکر میخال لعین
۲۰۶	توجه وزارت عظمی بالابراهیم پاشا (سرداری ابراهیم پاشا با سفر او یوار
...	
۲۰۸	مقتولی ساطورجی محمد پاشا سردار سابق و محبوبی و تمکیمی زاده
۲۱۱	وضع غریب سردار اکرم ابراهیم پاشا
۲۱۲	بقیه وقایع سنه مزبور

- ۲۱۳ وقایع سنه ثمان و الف (توجه سردار اکرم ابراهیم پاشا بجانب اویوار
- ۲۱۸ اطاعت آفرنجیان در قلعه پاپا
- ۲۲۰ اوصاف جیده سردار ابراهیم پاشا
- ۲۲۱ اطاعت نمودن میخال (قتل کردن ابراهیم پاشا نفرات شامیانرا
- ... در حلب
- ۲۲۲ اسیر شدن سیون حاکم کورجیان بدست جعفر پاشا (قضه
- ... قتل کرا
- ۲۲۵ ذکر احوال بمن
- ۲۲۶ وقایع سنه تسع و الف (عزیمت سردار اکرم ابراهیم پاشا
- ... بجانب قنیره
- ۲۲۷ آمدن تریاکی حسن پاشا
- ۲۲۸ توجه سردار اکرم بمحاصر قنیره
- ۲۲۹ و صف قنیره و محاصره او
- ۲۳۰ احتراق باروت کفار در قلعه (آمدن طابور کفار
- ۲۳۳ فتح محاصر قنیره و خروج کفار
- ۲۳۵ ذکر عنایت الهیه و الطاف خفیه
- ۲۳۶ ذکر عطا و عودت (سرداری حاجی ابراهیم پاشا بدفع
- قره یاز یجی
- ۲۳۷ حکم قره یاز یجی
- ۲۳۸ عزل قائم مقام خلیل پاشا (وقائم مقامی خادم حافظ پاشا
- ... سبب عزل قائم مقام
- ۲۴۰ قائم مقام شدن یمشجی حسن پاشا انور ام لشکر
- ... میخال ضال
- ۲۴۱ بقیه وقایع این سال (وقایع سنه عشر و الف
- ۲۴۴ استیلای کفار بمحاصر اوستوفی بلغراد
- ۲۴۵ ذکر دخول تریای حسن پاشا بمحاصر قنیره
- ۲۴۶ توجه کفار بمحاصر قنیره

۲۴۷	ذکر عزیمت سردار اسلام بخشی حسن پاشا بجانب طابور کنگار
۲۴۹	ذکر احوال قنیه در محاصره کفار
۲۵۱	آمدن طابور کفار بمحصر قنیه
۲۵۲	ابتدای محاصره
۲۵۳	ارسال خبر بمسردار (احوال قلعه)
۲۵۴	استعداد از سردار (تدبیر کفار برای حصار)
۲۵۶	احوال رأس کتخند او منقرضی محمد پاشا (جواب باصواب حسن پاشا
...	آمدن هر سک ماتپاش
۲۵۸	هجوم لشکر کفار بر حصار قنیه
۲۵۹	تدبیر وزیر حسن پاشا
۲۶۰	مشورت کفار خاکار
۲۶۳	تدبیر یاروت
۲۶۴	فرار خدام حسن پاشا بکفار و تدبیر عاقلانه آن مردگار گذار
۲۶۶	فصل مکتوب حسن پاشا
۲۶۹	آمدن سردار بخشی حسن پاشا بسکنتوار
۲۷۰	ظهور شدت شتاب امر الله تعالی
۲۷۱	انهرام و فرار کفار
۲۷۴	کلام عبرت الحجام
۲۷۵	تمعيب غرات بکفار
۲۷۷	ذکر بقیه احوال قنیه بمسردار
۲۷۹	صورت خط همايون
۲۸۰	نقل طوبیها بقلعه بلغراد
۲۸۱	سرداری حسن پاشا وانهرام قره یازمچی
۲۸۲	ذکر بعض وقایع آستانه و مردن قریبازمچی
۲۸۳	طغیان دلی حسن برادر قره یازمچی
۲۸۴	بقیه وقایع این سال

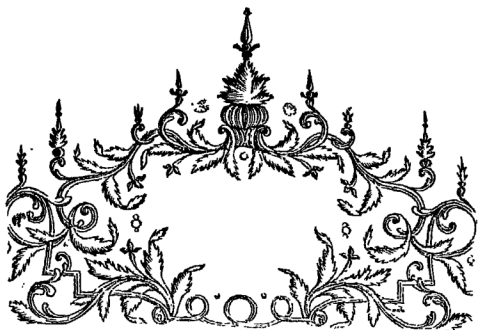
۲۸۵	وقایع سنه احدى عشر و الف (توجه حسن پاشا بفتح
۰۰۰	اوستونی باغراد
۲۸۷	ذکر عزیمت سردار بجانب اردل
۲۸۸	استیلاء کفار بخصار پشته
۲۸۹	رجعت سردار بدفع کفار خاکسار
۲۹۲	آمدن غازی کرای خان بهسکر تاتار
۲۹۳	ترقی عموم
۲۹۴	استیلاء دلی حسن بر شهر کوتا هیه و رفتن محمود پاشا
۰۰۰	(تبدیل و تغیر در آستانه
۲۹۵	وقعه غضنفر انا و اخای دارالسلامه عثمان انا
۲۹۶	توجه یمشچی حسن پاشا بچاناب آستانه و سرداری
۰۰۰	لا لا محمد پاشا
۲۹۸	تخصیص کردن محمود پاشا بقتل وزیر و شاع پادشاه باند بیر
۰۰۰	حسن پاشا
۲۹۹	التجای وزیر اعظم حسن پاشا بزمیر یکپیران جمیت ایشان
	و تلاشی سپاهیان
۳۰۲	جمیت سپاه
۳۰۵	ذکر مقتولی پویرا زوغیری از اشغیا
۳۰۸	مقتولی حسین خلیفه (احوال کوزلجه محمود پاشا) عداوت
	فریقین و قتل طر نجبی حسن پاشا
۳۱۱	ذکر بقیه احوال درین سال
۳۱۳	قتل ندازی عبد الرحمن در دیوان همایون
۳۱۴	وقایع سنه اثنی عشر و الف (سرداری محمد پاشا بچاناب
	افکروس در سفر جیل اطه و عودت تاتار خان
۳۲۰	عزل نوح پاشا و سرداری نصوح پاشا (قصه عزل
	و قتل یمشچی حسن پاشا

سبب ورود و عداوت قاسم اغا اغای یکچریان	۳۲۴
و بمشجی حسن پاشا	...
قائم مقام شدن قاسم پاشا	۳۲۵
فرستادن مهر شریف بعد از قتل بمشجی حسن پاشا	۳۲۶
بوالی دصربا ز علی پاشا	...
ابتداء ظهور فترت در سرحد عجم	۳۲۷
حرکت شاه عجم بجانب تبریز با تحریک کردغازی بك	۳۳۰
جنگ شاه عجم با تبریزیان در قریه صوفیان	۳۳۱
انفزام تبریزیان و غلبه شاه کراهان	۳۳۲
فتح شه حمله کر قلعه تبریز را	۳۳۳
مسخر کردن حاجی سر عسکر ارباب الحاد سواد شهر	۳۳۵
اردوباد (استیلاء جراق سلطان بر چلها	...
استیلاء روافض بقلعه النجه و جوانشیر	۳۳۶
(اسیر شدن حاجی امیر اردوباد	...
برداشتن عسکر بجانب النجه (رفتن عسکر ب تخلص	۳۳۷
اردوباد	...
روانه کشتن عساکر بسوی روان	۳۳۸
بناء حصار جدید در روان	۳۳۹
ورود قاصد محمود	۳۴۰
استیلاء شاه بشهر نخجوان	۳۴۱
هزیمت سردار محمود	۳۴۲
مقدم شاه عجم بر روان	۳۴۴
جنگ اول در پیشگاه روان (جنگ دوم	۳۴۵
جنگ سوم	۳۴۶
ورود بمشجی قاصد شاه	۳۴۷

آمدن یحشی قاصد بقلعه	۳۱۸
ورود خبر تقض عهد شاه عجم	۳۱۹
انتقال سلطان محمد خان ابن مراد خان	۳۵۰
اوصاف مرحوم سلطان محمد خان	۳۵۱
وزرای عظام	۳۵۳
علماء الدولة المحمدیه	۳۵۴
جلوس همایون حضرت سلطان احمد خان	۳۵۷
آمدن دو نیمی همایون (وصدر اعظم علی پاشا	۳۶۰
ذکر سبب غلامیه سپاه	۳۶۳
سرداری علی پاشا بجانب انکروس (و جغاله زاده	۳۶۳
ب سفر شرق	۰۰۰
تبدیل مناصب	۳۶۴
ذکر وقعه دلی حسن در بوسنه	۳۶۵
بقیه احوال رافضیان و استیلاء شاه بقلعه روان	۳۵۸
صورت مجلس شاه	۳۶۹
استیلاء شاه بخران	۳۷۱
محاصره قرص بعد از گرفتن روان و ذکر بعض مفاسد	۳۷۳
سرخ سران	۰۰۰
وقایع سه ثلاث عشر والف (رفتن صدر اعظم علی پاشا	۳۷۴
بجانب بلغراد	۰۰۰
تفصیل توجه نشان پاشا بسفر عجم	۳۷۷
نزول سردار بقتلاقیان (و محاصره شاه	۳۸۰
رفتن سردار بجانب ارضروم و عودت شاه (سرداری	۳۸۱
لالا محمد پاشا بصدارت عظمی در بلغراد بعد	۰۰۰
وفات وزیر علی پاشا	۰۰۰

فرار کفار از پشته	۳۸۲
تعمیر حصار جان قورزان و فرار کفار خطوان (فتح قلعه واج)	۳۸۳
محاصره استرغون	۳۸۴
تمه (ظهور پوچقایی اوشوان از امر اردل)	۳۸۵
محاربه بجزار و نمچه	۳۸۷
ظهور پوچقایی	۳۸۸
ظهوری کوزلجه محمد پاشا (مقتولی قاسم پاشا)	۳۸۹
قائم مقام شدن صارجی مصطفی پاشا و تشریفات بعض	۳۹۱
اعیان باناصب	۰۰۰
قتل قائم مقام صارجی مصطفی پاشا و قائم مقامی صوفی سنان پاشا	۳۹۲
ظهور و صید پادشاهی (تمه) تبدیلات	۳۹۳
(صید شاهی و تولد شهزاده سلطان عثمان خان)	
آمدن وزیر اعظم لالا محمد پاشا (مأ مور شدن کچدهان)	۳۹۴
علی پاشا بدفع اشقیبا	
و قایع سنه اربع عشر و الف (سرداری محمد پاشا)	۳۹۵
بجانب استرغون	
مشورت سردار	۳۹۶
توجه سردار بمحاصره استرغون	۳۹۸
فتح قلعه ویشغراد (فتح دپه دان)	۳۹۹
احراق واروش	۴۰۰
فتح واروش و قلعه	۴۰۱
استیلا پوچقایی در حصار اوپوار	۴۰۲
آمدن پوچقایی بسردار	۴۰۳
ابتداء مقدمات صلح نمچه	۴۰۵
وقعه جفاله زاره در سرحد عجم	۴۰۷

۴۱۲	قتال سرخوش ابراهیم پاشا با خروات
۴۱۳	مقتول ^۱ محمد پاشا ابن سنان پاشا (رفتن پادشاه جهان
	بمباشگاه ادرنه (حرب طویل وانکسار نصوح پاشا
۴۱۵	رفتن پادشاه بجانب پروسه
۴۱۶	آمدن سرکشان سپاه
۴۱۸	عودت پادشاه باستانه (اطاعت طویل (عزل و نصب
۴۱۹	دعوت صدر اعظم محمد پاشا باستانه (حرکت یکپریان
	و سپاه و تأدیب کردن سپاه
۴۲۰	آمدن صدر اعظم باستانه
۴۲۱	مقتول ^۲ دلی حسن در طمشوار
۴۲۲	ظهور دخان (وقایع سنه خمس عشر و الف (سردای ^۳
	وزیر محمد پاشا و وفاتش و وزارت درویش پاشا
۴۳۱	مقتول ^۴ درویش پاشا و وزارت مراد پاشا
۴۳۲	سبب قتل درویش پاشا
۴۳۴	کوندربلن خطه هایون مضمونی
۴۳۵	ذکر انعقاد صلح با کفار نمچه
۴۳۶	خلاصه صلح نامه
۴۳۸	وقعه نصوح پاشا در بغداد
۴۴۱	ذکر بقایای وقایع این سال



﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾ وبه نستعين

جد بی غایه و شکر لایهایه عوالم ملک و ملکوتیه مفیض نظام
اولان خداوند ذوالجلال والاكرامه اولسون که نوع بنی آدمک
حیات و عاقبتن اعتدال مزاج و حفظ صحت اسبابیله مقدر ایلدوکی
کی دولت و سلطنتک دوام و بقا سنی دخی قانون عدلی اعمال
و اتفاقی کلمه رجال ایلله مبسر ایده کلمشدر ﴿ و ارادت علیه و مشبت
لم یزایه سی دین و دولت اسلامیه مک دوام و بقا سنی جانبنه تعاق
ایتدوکنک علامات و اضحه سندد رکه مزاج ملک و دولته برده
عضال و بدن هیئت اجتماعیه سندد برمرض قنال حدوت
ایتدیکه اول حکیم علی الاطلاق معادل تریاق عرق نزاعی قاطعه
نیجه تراکیب ندا بیر نافع ایلله معالجه مورثه الافاقه و کاهچی
نیشتر تیغ ایلله خون فاسدی اراقه تیسیر ایدر تعالی شانه و عظام برهانه
﴿ و اطباء و شریف صلوات و شریف نجبات اول سلطان علین رسول

رب العالمین محمد المصطفی علیه من الصلوات از کاهار من التسلیات
 اوفاها حضر تیرینک مرآت تجلیات اولان روح اطهر و انور لرینه
 اولسون که ناموس دین مبین و میران شرع متبنی ایله الی آخر الزمان
 حفظ حد و د و تسویه امور هر موجود اولوب سنت سنیه سنه
 اتباع و اتقیاد عامه عباد و سبله سعادت مبداء و معاد
 اولد یقی جهنمه بعثتی رحمة للعالمین در صلی الله علیه و علی آله
 و صحبه الجعین

(التمهید علی ما حرر فی بعض کتب الاخلاق) (اما بعد) و تشاکه
 اقتضای قضای ربانی کمال عنایت عابیه ازاله و تمهات موهبت
 لم یزاله تشدن عوالم علویه و سفلیه نک تنکتنای عدم مندن منضه
 پیرایه وجوده کلشن مرادایدوب کن فکان امر عالی لازم الانسانی
 شرف صدور بولوب کواهل هیئتا کل انسانی خلعت (لقد خلقنا
 الانسان فی احسن تقویم) کریمه سبله مکرم و معزز و لباس استعدادین
 (و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفصیلا) کریمه سبله معلم و مطر زوناج
 احترام (و هو الذی جعلکم خلائف فی الارض) کریمه سبله سرفراز
 و تعلیم علم لدنی ایله ممتاز ایدوب صحائف فؤادنا بنا کلرین مهره اسرار
 عرفان ایله مجلا و زیورایمانه محلا ایدوب جام جهان نمای ملک
 و ملکوت و مرآت عوالم لاهوت و جبروت ایتدی (و تشاکوا
 تشاسلوا اباهی بکم الانم یوم القیامه) نک خطاب مستظا بی آوازه نبی
 شرف صدور و آفاق ارضده و اطراف جبال و جوانب سوا حلد
 بمن ثبوت بولوب روی زمین ذراری نوح بشر ایله شمعون
 اولد قدده اول قهرمان قدرت یزدانی جاعت افراد انسانی اماج
 تیرا احتیاج و هد ف درد و بلا یه اماج والی اجل مسمی بقاسنه تعلق
 ایدوب ارواح اطیفه لری اجسام کثیفه لر یله پیوند بولدوخی برله
 بالطبع تمدن و ذواتلرند تمکن قلوب طالب اجتماع و هربری

بر جهت ن آخره محتاج و راغب ابتفاع اولوب تدبير معيشتلری
 بی معاونت و ظاهرت محال و بقای شخص نوعی بی مخالفت
 و مشارکت عديم الاحتمال و هر وجهله محتاج اختلاط و مضطر
 ارتباط اولمیرله اختلاف مشارب و تباین آیین و مذاهب سببیلله بعضی
 بعضنه زور و قوت و مال و مکننت ایلله غالب و هر آینه غالب اولان
 مطلوب اولانی رفقه اطاعته چکمه طالب را کثر حاصلاتی حوریه
 تصرفه کتورمه که راغب و کندویه لایق امور دن غافل و متابعت
 هوا و مطیاعت نفس بر اغرایه مائل اولوب اندفاع اشکال عناد
 و انتزاع عروق نزاع و ارتفاع فساد ایچون ارباب علم و حکمت
 و اصحاب دانش و معرفت رؤسا و حکام و سواس طبابت انسام لایدر که
 مدار سیاست اولان رعایت قانون عسده الله هر فردک آخر دن
 حسا و معنی دست در ازن معطوع و تصرف ماعدا دن ید تعدیسین
 منوع قبول کندی و حشیه راضی و قانع قیلار (فعلی هذا نظام عالم
 و اصلاح احوال بنی آدم بمقتضای مشیت الهی متضمن فوائد نامتناهی
 اولمخله روی زمینده تعیین خلعه و سلاطین و نصب ملوک و خواقین لازم
 اولوب ید مؤیدلر یله اقطار ارضی حراست و اهل بیغی و عدوانه سیاست
 ایتمکی وسیله انتظام امور انام قلمدر صطبه دوات و سلطنت کریمه (توقی
 الملک من تشاء) ما صدق اوزره اراده عایه ازیله و مشیت الهیه
 ایزلیله سینه مقوض اولوب دیلد و کنه و یرمشدر (خنی اولمیه که
 مؤلف کتاب مستطاب نعیمای جوم صدر کلبده احوال دوله دایر بسط
 و تمهید ایلد و کی مقدمه بلیغه حکمت اشتباهه تعریف و توصیف
 اولندی بی اوزره ملک و سلطنت معناسنه اولان دوات بر نوع آیین
 اوزره اجتماع بشریو بدن عبا رتدر و هر دوات و سلطنت وجهور
 وجهیتده لاجرم اجرای قواعد دین و تنظیم امور مسلمین ایچون
 بر حکم قاهر لازم و اهدر که مر اسم او امر و توامی بی محافظه ابدوب

قوانین سیاسیه کاینقی رعایت اولنه تا فرق ملت افسر دولت ایله سر فراز
ولباس سلطنت طراز شریعت ایله اعزاز زبوله و بالاتفاق
هر دولتک قیام و بقا سنه شرط اولان سیاست در و بوی محله
سیاست احکامند ن عبارت در واحدکم دخی . یا عقاید
حکمت عملیه دن بر قسم اولان سیاست ملوک کی و یا شرعیه
کتاب الله و سنت رسول الله صله و آرد اولان احکام الهیه کی
سیاست شرعیه که احکام الهیه در سیاست عقلیه دن مغنی اولغله
ملوک و سلاطین اسلامیه به دستور العملدر و هر پادشاه دل آگاه
و وزیر صاحب انباه که انکله عامل اولدی تأیید الهی ایله منصور
اولوب سعادت دارینه وصول بولدی معیار شرع و عدله اعتبار
اینبوب داعیه نفس ایله ظم و هوا و هوسه اتباع ایدنر حقیقه
غیرت الهیه ظهور ایدوب مجازات اوله ککشار در سیاست ملوک
تعبیر اولنان احکام عقلیه مطلق ضبط و ضبط امور دولت و جمعیّت
و نظام ملک و ملت ایچون اقتضای حال و وقتیه کوره عقلانک تابع
و نجر بار ایله بسط و تمهید و عقد و تأیید اولنوب جله نلک اتفاقیه
دستور العمل قلنش بر آلائی قواعد و قوانیندر و جله ملوک نصارتک
احکام الهیه لری اولنوب نظام حال لری و بقای جمهور
و جمعیّت لری مجرد بومقوله مدارات سیاسیه عقلیه لزینه
کای مرتبه ده اعتقاد و اعتماد و اعتبار لری درو اتفاق آرای عقلا
دخی بونک اوزرینه چاریدر که امروزه سیاسیه شرعیه و عقلیه نه
مساخمه و مساهله به مساعغ بوقدر اهمال اولتور سه مرتبه
تهاون و تکامله کوره نظام ملک و ملت رخنه دار اوله
و هر وضع و جرکت که دائرة احکام شرعیه دن و دائرة
قوانین عقلیه دن خارج اوله فلا جرم اختلال پذیر اولوب
قرین مثال اوله

الكلام في احوال الدول الاسلاميه واحوال الملوك
والسلاطين العثمانيه

نقاشان كارخانه معاني تهر كشان كارنامه سخن داني جوهر يان
بازار حوادث و اخبار صيرفيان دار عيار مناقب و آثار اولنگ تاريخ
عبرتدار ده دول اسلاميه تك و قابلي جمع و درج ايله ضبط و حمايت
و ملل اهل ايمان سر كند شتري كتب و تحرير ايله حفظ و ضيانت
ايدوب تبشير ظهور فايز النور شعائر شرع محمدي عليه افضل
التهانيادن الى هذا الان منتظم سلك شهور و سنين اولان ايام محبت
آثار و ازمان سعادت شعاري عد و شمار و هرمائه كامله سن برقرن
اولق اوزره اعتبار و پراعه براعتله ثبت ايدوب پيرايه دست اشتهار
ايتشلدرد و قرون معدوده مذكوره تك مدتي خلالتده كتب توار يخ
ناطق اولديغي اوزره صاحب سر ير و افسر اولان ملوك و سلاطين
ستوده آيينك افرادي بيكدن بيرون و جلوه نماي منصبه ظهور اولان
دولتلك عددي يوزدن افزون اولوب بتقدير الملك المتعال نيجه لري شرط
بقايه موفق اوله ميوب حكام مملكت و مدبران دولتلك قدرين
بليوب بو وجهله شايسته لطف رحمن اولمذ قلرندن رفاهيت
وزاجتلي محنته مبدل و زمام دولتلي ايدى ديكرانه محول و نيجه
لرينك تغليات دهر ايله بنیان دولتلي متزلزل بلكه اصول چييتلي
باد صر صر فنا ايله مضجع اولمشدرو و بعضيلري عون صمداني
و تأييد آسماني يه مظهر اولوب اسباب قيام و بقايه موفق
و استقرار و استمرار ايله زمان دولتلي الى قيام الساعه پروتق اوله جفته
قبل اكهيدين موعود و مبشر اولمشدرد

الكلام في ظهور الدولة العلية العثمانية

نهج محرر اوزره وقتنا كه صفحات ادوار و صحايف روزگار اوزره ملك حكمت
وخامه قدرت ايله سنين مئين هجرت بشير و نذير عنوال مشروح

اوزره رسم و تسطیر اولنه رق غره غرای قرن ثامن افق
 طلوعه مقارن و نوبت تحریک قلم عدالت رقم سلاطین
 سلیمان آیین عثمانیانه رسیده اولدی جناب **ک**ارگاه نسق ساز
 جهان و شیرازه بند مجلد آسمان جل شانہ و عظم سلطانہ
 حضر نلریک اقتضای **ح**کمت علیه و سبق عنایت از لیه سی
 تجدید قواعد دین مبین و احبای سنن فخر المرسلین ایچون
 علی وفق العاده اسباب خیر و صلاحی آماده اید و ب صبحه
 صد دانه قرن ثانیة فائحه غره غراسن و الا ترین قاطبہ ملوک
 آفاق اولان سلاطین آل عثمانک جواهر و زواهر خلافت لیه تربین
 بیور و بتاریخ هجرت نبویه علی صاحبها افضل التحیه سکن یوز
 سنه یه قرین اولد قده ارادت علیه از لیه و مشبت الهیه لم یز لیه برله
 آفتاب عالم تاب ابد پیوند عثمانیا تک جد امجد اعلالی
 ابو الفتوحات و الغازی السلطان عثمان الغازی حضر نلری بدرقه
 مهر توفیق و ظهور نجم هدایت رفیق ایله بیرا یه بخش سریر و افسر
 اولد قده روزر و رشوکت اسلامیان و قوت دولت اهل ایمان مر داد
 و افز و نتر اودای و اول قرن سعیدک اولندن بو وقته کلنجه فله الحمد
 اعقاب و اخلاف سلطنت اتصاف لری انفاذ اوامر اکهیه ایله ترفیه
 احوال عباد و بلاد و امضای سیوف غزا و جهاد ده بذل مقدور
 و صرف جد و جهد نامحصور لایدوب آرای جهان آرا لیه کردن
 غروس سلطنتی حلیه معد لته آراسته و چهره مخدره مملکتی
 کلکوننه حکم سیاست ایله پیراسته و صفحه جهانی مفصله
 عدل و داد ایله زینکار ظلم و بیعدادن زردوده و هام کافه
 انامه ظلال مر حمتلرین ممدوده قیلدیلر و اعلاء کلمه توحید ایچون
 میدان غزاده شمیر ساق همت عالمگیر و تجرید شمیر مغازی

سحر ایلله شرمه مشرکین ایضا کاتوا مقهور و مدمر و ظلمت آباد شرک
 و کفر اولان نیجه اقلیمی مشکات شعار اسلام ایلله منور و صحت صوت
 خسرویه لری و مرجع پادشاهانه لری فضای فسیحه الار جای
 جهانده جلوه کرم و مسامع عالمیاند و لله المنة مقر طوتوب
 صدای یم و یأس کشور کشای و دبده کوس جان داری اهدای دینه
 رعب و هراس و زمره موحدینه اسنیاس و یردی خلاصه
 شیران صوت نشان سلاطین آل عثمانک ایلم دولت دائم القرار لرنده
 و هنکام سلطنت ابدی الاستمرار لرنده نیجه نیجه یدی باشلور در آهین
 شیر نیجه قهر لرنده سوراخ ماره کیرمش سوسمار بمقداره دوند یلر
 و قهر مان ممدات نشانلری حظیره سند نیجه اعدای بدخواه
 بیجیل صورت جل سیرت سیم الحباطدن یکمشی تاره دوند یلر
 بخون مبداء ظهور دولت عثمانیه دن بروسلاطین جهاد آیین اعلاء
 کلمه الله و تحصیل رضای رسول الله ایچون امر غزاده ارتکاب
 میثاق و مهالک ایلله تو سبع بمالک و قح بلا دیو مسالک ایلد یلر
 ذین مبین اوغرند بذر جان ایدره رک و سعادت دارین ایچون
 محنت و عناچک رک ضرب دست شمشیر ایلله صبت دولت لری عالمگیر
 اولدی سایه دولت لرنده امت محمد آسوده و عباد الله دار الامن
 استراحتده غنوده اولغله قوت شوکت لری متمادی و تأیید حق ایلله
 الی هذا الوقت رعب انداز قلوب احادی و تزايد شان و شوکت لری
 و ابهت و جلال لری عون عنایت صداتی پرله مترادف و اسباب
 تجدد و اقبال لری و نصرت و ظفر لری متضایف اولوب آیت کریمه
 (ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون)
 ماصدقنه مظهر اواد یلر
 (نیجه کلام و فذلک مرام بنیان دین مبین و اساس شرع

متین سید المرسلین بر حصن حصین و قلعه مستحکم و رضبند که جلالت
 قدرت و صرامت قهریته نسبت ارکان ملل مختلفه خشب مسنده
 طغوت و ادیان باطله و قواعد عاطله لری او هن من بیت العنکبوت دن
 و دولت قاهره عثمانی بر سلطنت عظیمه جهان بناید که شان
 ز شو کنتازی یانده ملوک اطراف و مکتلرینه نسبت سلاطین
 اکناف مساکن بی نوا و ضعفای بی سرو پا کیدر واکر چه دول
 سائر اسلامیه ده فریضه جهاد در کار اولقدن خالی اولوب
 طلوع کوب درخشان دین محمد بن برو آینه کلمه اسلام
 دولتریک غزا و مجاهد لری علم عالمه لاحقد و بومعنا ابله کتب سیر
 و تاریخ اطقد اکن دول سائر نک دولت علیه عثمانیه کی طوب
 ضاعقه کردار و خیره آتشبار و تفنک رخنه دار و سار تفون
 جرییده ماهر حبله کار و ماکر خدعه اطوار افرنج بد کردار طائفه سی
 کی خصم کر انبار لری اولوب جنود بجنده عثمانی آیه کریمه
 (قاتلوا المشرکین كافة کایفا تلونکم كافة) ماصد قند امثال برله
 امر ربانی مطاوعت و فریضه جهاد و مسارعت کوستر و ب
 عبادت اصنام و صلییده شریک و همیا جلّه ملوک و ملل نصاری
 بری برله استنصار و (الکفر مله واحده) قوی اوزره بری برین استنفار
 و تقویه ادیان باطله و تأیید ملل عاطله لری ایچون زنا رهند میان
 غیرت اولوب هجوم عوملرند عسا کر عثمانیه مرارا و کمرار اصواش
 و شش جهتدن زبله کش آتش جنک و پر خاشده محصور لری ایکن
 ینم غیرت دینه بی الدن قوموب عنایت حقّه توکل ایله (آناه للیل
 و اطراف النهار) سمندل و ارناره جنک و یکارده محکم و استوار و صیف
 و شهاده پر کال مثال داتره حرب و کار زارده ثابت و برقرار اولوب تعبیری
 کنجایش پذیر حوصله تحریردن دور و اوقف صنوف جنک و جدال

وفنون حیرت نمون حرب و قتال شدت لرینه متحمل اولماری خارج
از دایره تسلط اولغله نغلا و عقلا دولت علیه عثمانیه سرد فتر
چله دول اسلامیه و سلاطین آل عثمان سر تاج قاطبه ملوک
و پادشاهان و مکمل ناموس عامه اهل ایمان اولوب غزا و جهاد
یوزندن شان و شوکت اسلامیانی کماله ایر کورد کمری نمایان
و مستغنی عن البیاندر

(درستایش حضرت پادشاه جهان) پس مبدأ سلطنت سنیّه
عثمانی اولان قرن سعید ثامنندن اشبوقرن ثانی عشره منبت مقرونک
اواسطی اثنا سنده وقتا که نوبت خلافت سنیّه عثمانی و دولت
سلطنت بهیمة خاقانی خلاصه دودمان دولت و اقبال و تقاوه
خاتمان سلطنت و اجلال دیهیم افر و زمسند خلافت سریر آرای
ملک و دولت سلطان البرین و البحرین خادم الحرمین الشریفین
خدایو کامکار خاقان بلند اقدار ولی نعم عالم مالک رقاب الامم
شوکتلو مهابتلو کرامتلو السلطان ابن السلطان الظافر فی الملاحم
و المعازی شهمنشاه جهان سلطان محمود خان الغازی ابن السلطان
مصطفی خان علیه الرحمة و الغفران حضرت لرینک جناب مهابلرینه
کلوب انساب باب دولتمایری ایله شرفیاب اولوب اسم سامیلری
ایله روی درم و دنایر پرزیب و فر و جواهر ثمنیه القاب همایونلری
ایله رؤس منارده السنه خطبا درج الدرر اولوب کرمه (انا جعلناک
خلیفه فی الارض) ماصد فی اوزره کسوه خلافت عظمی دوش
غیرت پوش ملوکانه لرینه اکسالا و نوب ذمت همت خسروانه لرینه
کفایت احوال بریه فرض اولدی جناب همایونلری دخی بر موجب
(اذا صلح الملك صلیت جنوده) هوادن ترفع و تلذذ نفسانیدن
منع بیوروب امانت کبری و خلافت عظمی ایله رعایت رعایا و تدبیر
امور برایا ایله مکلف اولان اساطین سلف محمدت آثاره و سلاطین

خلف اولی الامر را اقتدا و اثرلینہ اقتفا برله تنظیم مناظم ممالک
و بلاد و تسویه مصالح عباد ایچون اول امر ده تقدیم اهم مهام
بیوروب مطلع خلافت دائمی القرا ده و عنفوان سلطنت ایداستمرارده
تأسیس بنیان دین و دولت و تشبید قوای بخت سلطنت دن نمونه
عد اولیان قهر و تد میر اهل بغی و عناد و ازاله خار و خاشاک ارباب
فتنه و فساد و صرف همت رستمائه ایله صفحه دیباچه سلطنته
آرایش و سر لوحه غره غرای خلافت عظمایه عنوان فتح
و ظفر ایله نمایش و یرمکه مظهر مظاهرت توفیق نعم الرقیق
اولدیلر چون تشبید قواعد امور جمهور و تسدید معاهد حدود
و تغرور و باخصوص دفع و رفع شر و شور اهل رفض و الحاد و قهر
و تد میر شرمه ضلالت نهاد موجب رضای رب العباد در جنای
هنا بونلرینک ایام و لبالیبری همه مصروف نیاز نیل آرزو و آمال لری
اولشدر بدرقه مهر توفیق رهنمونی هدایت طریق اولوب اول عنده
خزلان حال و مرده خسران ماکل دخی مقهور القرجام و مد مر
الانجام اولق مرجو و مامولدر حضرت حق و قیاض مطلق
هر حالده توفیق رفیق ایدوب تعاقب حوادث و تراکم عوارضات
حسیله و یابر مقتضای طبیعت کونیه و اقتضای تمدن بشریه جابجا
نظام عالمده خلل و انتظام امور بی آمده زلال ظهورندن حفظ ایدوب
ایام سلطنت مینت اقترا نده تقویه بازوی سلطنت و تحکیم بنیان دین
و دولت و تنظیم امور ملک و ملت و ترفیه احوال برابا و رعیت دلتخواه خیر
خواهان دولت اوژده مقدر و مہسر ایلہ آمین بحرمة سید المرسلین
(چون روابط دوام قیام قرانین دین و دولت و ضوابط نظام
ملک و ملت و ضبط و ربط تواریح و اخبار و حفظ و حراست
معارف و آثار ثبت و تحریر کتب و صحایف و قید و تشطیر دواوین
بوابط ایله مہسر و اشاعت انواع علوم و اذاعت آثار و فنون

تکثیر کتب ایله مقدر اید وکی علم عالم شمول خسروانه لرند و محاظ
و مقدر در بواصر خطیر الشانه توجیه نظر کینا اثر ملوکانه
بر له ایام سلطنت مینست اقترا لنرند و غیر مسبوق بائشل و جد
مستحسن ایله کتب مبسوطه اخبار عالمی تکثیر و توفیر لاسپا دولت
علیه عثمانیه کی بردوات فسیحه الاکنافک و قایع و اخباری داستان
خلافت آشیان و دودمان سلطنت توأمان آل عثمان دام سلطانههم
مدی الازمانک مناقب و آثاری تقویم سال پارینه مثال انداخته
طایفه اهل اوق رواداشته غیرت شاهانه و رضاده و حجت
بادشاهانه لری اولمسوب بقای ذکر دوات و مایه ستایش سلطنت
اولان و قایع دولتدن گذشته و سابقه بی تکثیر کتب تواریح ایله
تجدید و احیایه التفات خسروانه لری میذول بیورلنی مأولدر
و بوندن بویه روز بروز جلوه نمای منصف بروز اولور آثار و حوادثی
دخی بی اندر بی ضبط و تحریر ذایل و وسیله اولوب کتب تواریح
اسلافک نیک نام لری بی الی انقراض الدوران پیرایه زمان تذکار
و اختلاف نیجه عقده اشکال لرینه مدار انحلال اوله جق فواید
جلیه بی اشتمال ایمکله ذاتما سلاطین عظامک مقبول و مرغوبی
و وکلای دواتک حل و عقد مهمام انامده مرجع خوبی و عقلا
صاحب قیاسک معیار و مقیاسی مشابه سنده اید وکی ضمیر مهر
منیر خسروانه لرند روشن و ظاهرا و باطنه قاید شاهراه توفیق طبع
همایو نرینه رهنمای سر منزل تحقیق اولوب ایام سلطنت
سعادت اقترا لنرند ابتدای آفرینش حضرت آدم علیه السلام دن
بوآنه کلمجه هرور ایدن مینده بوعالم کون و فساد ده وقوع
بولان اعراب حالات و اعجب ظهورات تازیخ لری بی رسم و املا
و نسخه لری توفیر ایله احیا و ایقا باخصوص کتب تواریح
دوات علیه ابد پیوند عثمانیه مک تصحیح و تکثیرینه و ابدی دعوام

و خواصه تناولده و طالعه نشیوع و انتشار ینه غیر مستنوق بالمثل همت
مالا کلام ملوکا ناری مبذول بیور لمق مآثر مجوده و محاسن ایام
مسعوده لرندن عدولتوب بوعنایت بیعتانک حصوایله اباء کرام
واجبداد عظام بالکه سلفده کچن ملوک پیشین و سلاطین خیرایله
یاد و ارواح گذشتگان اهل ایمان آنافا تاخرم و شادان اولمیرله زمان
سلطنتلرنده نیجه نیجه امور پراشکالک سهولت ایله قهضه پراعت
استهلال اولق مرچودر

الکلام فی اوصاف مفتی الانام و کیفیت استیذان واعلام
وقتا که اول باری مبدی بدایع الصنائع اقتضای تقدیری برله
درلر علیه ابد استمرار عتیقه درخرفت طباعت صحف و زبر و زق نهای
بحلای ظهور و بوخا نویندا مشاطه روی دلارام عروس سطور
اودی ماهیت و کیفیتی تشیع و تخری اولتوب فن مرقوم فی الواقع
اعمال صنایعیه میاننده اشرف المساعی و اجود المتافع بر نوع
کتابدن هبانت اولوب تکثیر کتب و وسائله و احتیای علوم و فضائله
و نشر و شیوع فنون پراعتباره بوسيله درکه زیب و زبور صحائف
روزگار اولمغه شایسته امر مرغوب و کار محبوب ایدوکی حضرات فحلام
و کلای و الامقام و صدور علمای عظام و جمهور غول کرام
کثرهم الله الی يوم القيامة پیشگاه فضائل دستکا هلرنده مسلم
انشرت اولوب اساس و مناسی قواعد شرع مبین و صون الاندزاس
اوزره مؤسس و مبنی قلمتی ترفیع قدر و شهرت و مزید شرف
و رغبته وودی اولمغه فضلالی فحلام اتفانی آرای عالم آرائی عن
ثبوت بولدغه فتوای شریفه شرف و صدوز و فن جلیل القدرک
مطاویرنده مندرج اولان مزایای جلیله ید رمز و اشارت ایله علوم
و معارف اکسبانه کشایش اسماع و احراز فضائل و کالاته ترویج
طباع ایچون پراعت باهر البزاعه معجزیتا نلریله نیجه نیجه دقایق

وحقایق حاوی ینایع عبارتند ن زلال معانی جاری جواهر کلام
 ثریا نظام ایله مالامال تقاریض بلیغله ایله مقامه آرایش و معانی
 مطبوعه ایله مقاله نمایش و پردیلر و طره آرای عروس نصفت
 و طغرای پیرای ناموس رأفت پادشاه بججا صاحب عنایت
 حضرتلر ینک جانندن دخی خط همایون ایله معنون امر شریف
 شرفیافتنه صدور او اوب فن مرقوم بو طریقه دستور العمل
 یوزملغه شروعنه مبادرت و فن مرقوم ایله کاتب عملنه مسارعیت
 اولتوب قلله الحمد و المنه ابتدای ظهور و شروع اولان ینک یوز قرق بر
 تار یخندن قرق الی سنه سنه کلنجه بش ستمه مدته کتب و رسائل
 انواعتدن حجمی صغیر و کبیریدی ینک جلدن زیاده کتب نفیسه
 شیرازه بند حصول اولملغه علوم و معارف طابا لبرینه و دانش و فضائل
 راغب لبرینه موافد جلیله و اسمطه جزیه بسط اولنیدی چون فن
 مرقوم ایله کتب توفیرنده و عاجزانه شروع مصمم اولان هر امر
 کزین و کار بهترینده اولی الامر و باخصوص کتابة طاق
 فضیلت حلال مشکلات فتوای و تقوای دستور العمل خاص
 و عام رهنمای راه شریعت پیشوای اصحاب طریقت اولان
 صاحب وجوده بهر حال عرض و اعلام وظیفه عبدعوز و استیذان
 و افهام لازمه خلوص بنده ناچیز اولملغه فن جلیل القدر تار یخنده
 دخی لایعد و لایحصى شرف و فضل مقرر اولملغه بو ایامده اسب همت
 عاجزانه و اظهار فیه زاغب و نسخنه لرینی نکثیر ینک داعیه سی خاطر
 فاتره غالب اولملغه آراینده کان انجمن اخبار و پیراینده کان چمن
 اخبار متبعان توار یخ و آثارک تحقیق و تقریری وثقات مورخینک
 رسم و تحریری اوزره ابتدای خلقت حضرت آدمدن بو دمده
 کلنجه مرآت کاشانده عرض دیدار ایدن افتخار یافتنکان زمره
 اخبار آثار بنی متضمن مآثر معتبره علی الخصوص عهد همایون

اسلامده مسند عز و احضامده فرمان فرما اولان خلفای راشدین
و سلاطین کزینک مأثرو آثار بنی مشتمل و كذلك ظهور شعائر شرع
مبین محمدی و آیین دین احمدی در مقدم سریر سلطنته پانهاده
اولان ملل متنوعه نك مشاهیر ملوک پسندیکه سلوکك اوضاع
و اطوارینه شامل و علی الخصوص طلوع کوكب رخشان دولت
ابد پیوند عثمانیاندن بروسپهر جاه و جلال و مطامع انوار عز و اقبال
مهر درخشان آسمان ملك و دین و اجله سلاطین نصفت آیین
انار الله براهین اسلافهم و طول اعمار اخلافهم حضراتك
ابریر خالص عیسار سکون و حرکات و سپر و غرواتی تحریر دلپذیر
اوزره سبک قالب ضبطه شرفیساته اختصاص اولان مورخین
ثقاتك آثار کثیره البرکاتلری بواشاده توفیر و تکثیر نسخ ایله احیا
اولمقی و جمله یه وقایع و آثار دولت علیه نسخه لری سرنامه قلنقی
عمده المقاصد اولمقدن ناشی و مقصود اصلی یه دخول و ساحه
مراده و وصول ایچون کتب توارخ آک عثمان میاننده مرحوم نعمتاتاریخی
بر تارخ شهر سلاست تعبیر جلالت تقریر تکلف اندن معرا لطیف
ورعنا اولدوغندن غیر ی نسخه سی نادر قیمتی وافر رغبات انام
غالب و فقیر و غنی تملککنه طالب و راغب اولمیر یله توارخ سائر یه
ترجم و بعد التصحیح حاوی اولدوغی خرائد لطایف ناشنبده سنی
نویس طبعات ایله سلاک تحریر یه کشیده ورشته جع و تسطیر یه نظم ایله
نسخه سنی توفیر و تکثیره و بوطر بقوله یتمنا و تقاضا اولد دولت علیه فسیحه
الار جای کثیره العطاءك اخبار و آثار ی تجدیدینه عاجزانه نیت
و عزیمت و تحریرینه تشبیر ساعده همت ایدوب صدد شروعده اولدوغی
بحر زخار علوم شتی مسند نشین صدر و الای فتوی لابس لباس
ورع و تقوی مفتی الانام شیخ مشایخ الاسلام کریم الاخلاق
کثیر الاشفاق مولانا اسمعیل افندی حضر تلمیزك حل مشکلات
دقایق علومه محل و مرجع قبول کل اولان مجلس رفیع علی القدر

و محفل منبع رفیع الضد زلینہ فرض واعلام واستیذان مافی المرام
 ایچون رقعه مطلوب مرفوع پیشگاه مکارم مصححو بلری قلند قدہ
 جناب سعادت تلمی مقتضای لطف و مروت و لری اوزره عاجزانه بخدمت
 و مشروع اولان امر مرقمی تحسین و رای برزین مصلحت بد زلینہ انالہ
 امضا و تسلیم و عبد حقیر لری اوتہ دن پر وضو و الا لریہ انتساب
 قدیم الیہ فخور و فریح وظل ظلیل همجواری سعادت کتبت لریلہ
 مستیظ و مشتریح و وجوہیہ لطف و کرم لریلہ مالوق و ما یوس
 و حایت کرا تمام لریلہ محی و محروم بندہ لریدن اولد عمن نانچی
 امر مرقمہ دخی یوقول لری حقہ و بندہ پرور کک مرقمی
 کاکان اجر او مقتضای مروت و لطف و همجواری اوزره کرمی
 توبه و جیلانہ تریمہ لریلہ انعام و احیایو مزلہ شیر و عنیم
 اقدام و سعی و اہم اولوب در عہدہ و التزام اولان امر جلیل
 الا عتبارک و جہ احسن و رسم مرغوب و مستحسن اوزره حصولہ
 غیرت و حجت و خط و خطا و سقا شدن نجیبی لریلہ استقامت
 و تصحیح عیار بندہ سعی و اقی و صرف تمکنت الیہ نسیہ و انکسار
 بیور مزلہ مستعینا باللہ العظیم و تنوکل علی کرمہ الامیر منوال
 مشر و ح اوزره کتیب و اریح بامک احیاسی لریلہ وسیلہ تاریح
 نعمایک توفیر و انعامی و اخبار و آثار دولت علیہ عظمایک تجدد
 و احیاسی امری تبرکاتہ مقصود قلوب عاجزانہ مشر و ح
 اولمشیددی زیوش طالع کہ کتاب مستطابک قبلہ اتی اولان الف
 کاملہ ہجریہ دن ابتدا و لنوب خاتمہ می اولان ششمہ احمدی و سبعین
 و انعم وصول مبسر اولد قدہ تاریخ مرقمک ذیل مقام بندہ اولان
 رائد افندی تاریخی واکاربخ ذیل اولان چایی ترانہ و تسامی
 و شا کر افندی تاربخ لریلہ کار بخندن زمانہ د کلچہ دولت غاید
 ابد القیامک وقایع ایام و شہور و اغوا می متصلہ رسم و انعام

وتسطينا اليه احيا اولونوب من بعد ذنبي بودولت عليه ابد استمراره
 زبور ضحكات جريده ظهور اولان حوادث و آثار وساطت اقسام
 وتايغ تويسان ايله بوندن بويله الى ماشاء الله ضبط واتقان اولونوب
 دار الظنا عنه خطيله نسخته لري تكثير وتوفير دن خالي اوليه
 وكذلك مبدأ شروع اولان الف كمالك مافوق بمعنى اول آفرين محمد
 ظهور دولت عليه به كلنجه وزمان طلوع دولتن الف من قومه
 ايرنجيه كتب تواريج تحري وتبع و برر نسخته ضرر عوبه و معتبره
 استمضال اولونوب طريق مرقوم ايله توفير و تكثير اولنه رق وتايغ
 دولت عليه عثمانيه بري برينه اتصال و تمامها تواريج خاتم تكثير
 كتب اليه استسكان مال بوله والله الموفق للصواب واليه
 المرجع والمآب

هذا الكلام في توصيف الوزير الافخم جناب الصدر الاعظم
 هر خاله و هملي الخصوص بوخلالده ذكر محاشن حصن شهر ياري
 والى انقراض الدوان بقاى اشتهاى و اطراف و اكنا فده محامد
 عليه جهما بناتيك شيوخ و انتشاري عمده المقاصد اولد و عنه بناء
 دولت عليه خيمروانه لرندن حصه منبذ نعمت بلكه مجرد سابع
 سا بيان جايده كراتيهما لندم استظلال ايله بهره ياب عنايت اولان
 اعلى و ادنا دن هر فردم استعداد و استطاعت مرتبه ده شاكر النعم
 و نائير الكرم اولق فريضة ذمت همت بر خدمت ايدوكى بياندن
 مستفيدر باوجود كه جناب همايه نلري عون و عنايت كرد كاري به
 موكل و بواهر محجرات سرور كائنات عليه افضل الصلوات و اكل
 التحية توسل بوله باكران اما نبت كبرياى متحمل و و ديمه خالق
 البرايا اولان عباد اللهك احوالى متكفل اولوب و كلايا موالى ليرى
 زقيه عباد ده مصروق و تايغ افكار اصابت شمار لري معتز
 امر بالمعروف و النهي عن المنكر و تايغ مائل خيرات

و مزاج سعادت امتزاج جلی راغب آثار و حسنات او اخله گرفت
 نو پیدای طبع کتب غرایب منظوی اعمال صنایع میبندد منافع
 جالبه و محاسن جمیله بی محتوی برفن مفید و اثر جدید ایدوکی بودند
 اقدام ایدو اعلان و صحت و جوازی افتا و بیان او امله ضمینه زمرة
 موجودینه امداد و اسعاف و اسعاده مقرر ایدوکی محاط علم عالم شمول
 خسروانه لری بیورلد قدغه فن مر قوم جلوه کر مرآت نظر انور
 و نگاه چشم رغبت و قبوله مظهر و طابع فقیر عبد حقیر دخی عواطف
 علیه شاهانه لردن دستمایه التفاتله موقیر بیور لمغله منوال مشروح
 و بحر راورزه مقدماماً ذون و ما مور اولدغم خدمت طباعت امرینه
 کماکان مداومت و مواظبت کوستر ملک اوزره برات ما موریت حقیر
 تجدید پذیر بیورلد یغندن غیری قریحه کریمه ملوکانه لردن
 سنوح و ظهور بر له بویه برفن بدیع الاطوارک رؤیت و تمثیلند
 عبد عاجزه اعانت و اقدار لازمه ذمت علوه و محنت و مهمه اساطین
 دولت ایدوکن وکلای و الامتنامه تلقین و نزد خدام کرامه تحسین
 باخصوص فن تاریخ دانسته جم الغائده و کثیر العائده بر مطلب
 عجیب المذهب اولوب فرمان فرما اولان ملوک و وزیرایه لازم و مهم
 ایدوکی ذکر و یاد و باخصوص دولت علیه ابد استمرارک ابتداء
 ظهورندن بودمه کلنجه گذران ایدن واقعاتی سلاک سطور کشیده
 قلوب ایام سلطنت مینت مقرر و نلرنده شیرازه بند تفردایله ضبط
 و ربط اولنقی و نسخه لری و فرت بولوب قیمت یسیرایله ایدی ناسه
 تنباول اولنقی تعمیم موافق فوائده ایچون بذل نعمت التفات
 پادشاهانه لریله سر ایاز باب هیز و استعداد و اصحاب افاده
 و استفاده به ترتیب ضیافت اکرام و غیر ایدوکن تفهیم و تذکیر
 بیوردفقرنده دستور کار دان عادل مشیر در یادل بی عادل آصف

کرم الشیم وزیر جلیل الهمم امین صاحب مہنت و ساعد یمین
 ملک و سلطنت مہمد قوا عدالمعدلة و الرأفة مشید معاقد المرجحة
 و انصافه ناظم مناسطم المملكة العثمانية ناهج مناهج المصالح
 الخافیه اعنی به علی پاشا سیر الله له من المرادات ما يشاء
 وقواه فی صعب الامور و وقاه عن فترات الذهور و حضر تارینک دخی
 جوهر وجودی عرض غرضدن مبرا و هر حاله طالب رضای
 مول اوایوب عادت حسنہ لرینه غایت و خصلت مستحسنہ لرینه
 نہایت اوایوب اول دستور کرم الاخلاق و باهر المروءة و الاشفاق
 معدمات حال معالی مال لریندنبو بر سر کار روز و شبیری تنبع اسباب
 تراید شوکت و افزایش شان و ناموس سلطنته اشتغال اولغله و اوایوب
 اطرافت انسام شرافت ارتسامده ابتدای خلقت آدم علیه
 السلام دن بودم کلنجہ دیباچہ طرازان صحائف آثار اولان ثقات
 مورخین کلکشت حدایق تحقیق ایند کلری زہور پر نور خطایق
 اخبار روز روز روضہ عالم شہود دن بجهان افروز و با وجود طلوع
 کوکب رخشان سلاطین آل عثمان دن بووقته کلنجہ وقایع و آثار دولت
 ابد پیوندی و مناقب و سرگذشت سلاطین شوکتندی اختوا براه
 رشته تالیفہ چکیلن جواهر کلمات درر انتظام و بارعة کلام بدیع
 النظام یعنی مجلدات کتب مبسوطہ مالا کلام جامع اولدینغی وقایع
 خلائیق یوایامده اخینا اولمقی امری دلخواہ لرینه موافق دوشمکله
 و بجه مشروح و محرر اوزره فن طبع و تمشیل ایله کتب تواریح
 نسخہ لر ی کثرت و وفرت و عباراتی صحت و استقامت و ایلدی عوام
 و خواصده حصول و بهای رخیص و بمن پسیرایله تساول و وصوله
 همت پیور و بواہر ذی شاک رؤیت و تمشید شدہ عبداحقرہ کریماله
 امداد و اعانت و اسعاد و دستہ دستہ بجوار جلیلہ و عطایای

جزیره لر ایله بنسده ناجیزی شایسته عتاب و سزاوار رافت
 و بو طریقله طایفه اهل ایمانه رافت و شفقت یورملرله قلله الحمد
 و المنة عاجزانه مباشرت اونان تواریح طالع تبرکا و تناسرنامه
 قلنان نعمت تاریخی نسخیه لرینک فوایح روایحی دمیده و همت
 آصفانه لرله جلد اول و ناییدن عز و اغاز اولنان یشر یوز جلد
 کتاب قوت قریبه ختامه رسیده اولدی نظر و مطالعه و تتبع
 و ملاحظه سنه طالب و راغب اولوب فن جلیل تواریح صحت
 تأسیس همد و انیسلری و مطالعه غرایب ادوار ایله تشخیص افکار
 و مسامره حوادث اعصار ایله تشبیط خاطر و لذایذ روایات
 و آثار ایله ذائقه حافظه فی تلذیذ ایتک اعتیادنده اولان اصحاب
 عرفان و ظرفای عصر و زمان اولان مزایا شناسانه کتابک کثرت
 اورا قایلین حاصل اولان ثقلانی مورث کلال و موجب فتور و ملال
 اولمیش ایچون بو یوزدن دخی خاطر لرینه رعایت ملاحظه سیله
 منصف کتابده فاصله و بریلوب جلد اوله خاتمه نمیدیلدی
 و منبدا جلد ناییده دخی تبرکا و تناسر میادی شروعه ذم مصنفینه
 واجب هر اسم تعظیم تقدیم اولمیدی و چون خجای کتاب
 مسطاب دولت علیه اید پیوندیک وقایع و آثار ندین عبارت و کتب
 هر قومه نک بو اوانده احیاسی و شیرازه بند اتصال و اتحادی وجه
 مشروح اوزره خلیفه یزدان سلیمان زمان اسکندر خدم دارا حشیم
 حضرت تاریخک نظر عنایت و التفات و رغبت ملوکانه لرله جلوه نمای
 منصف وجود اولغله سر لوحه مجلدات نسخ با الجمه نام نامی واسیم
 سیاهی خسروانه لرله وایه داشت شرف عز و اقتدار بولوق
 شایسته اولوب ابقای حسن شانز ایچون لای آیدار منقیزی
 آویزه طاق اشتهار و مظلومه یلدار مدحتلری کتابه رواق زرینکار

ایمک اقتضا ایلدی فیاض مطلق و واهب علی الاطلاق جناب حق
حضر تلمری جلست تائینک و عا جزانه عزم و آغاز اولندوغی ارزیه
تواریخ دولت علیه نك اول و آخرین احبسلوا تمام ایلده رسیده شیرازه
کار قلیق مقدر و بویله بردولت فسیحه الاکناف بحیمة الاطرافک سابقه
ولاحقه مناقب و آثاری شیرازه بند اتمام و اتصال بی انقصام ایلده
عالمده یادونه کار والی آخر از بیان امتداد و استمرار دائم اقرار ایلده
صیت و صدای سلاطین صلابت شملک نام و شان و اختیار ایلده
و آوازه جلال و جلالت تلمری ایلده افواه عالمیان رطب اللسان و اواق
روزی و مقدر ایلده این (چون امر مر قومه منوال مشروح
و محرر ارزیه آغاز و شروع حاکم لائشریف ساز مقام صدارت عظمی
و رونق افزای مسند و کالت کبری صدراعظم و انجم قطب رزرای
عالم حضر تلمری نك هنگام صدارت و ایام دولتی رینه مصادفت ایلده و ایدار
شرف عز و اعتبار او اوب اتمام و اکیلی دخی همت و عنایت تلمریله
وعون و اعانتیله قرین حصول اولدی صحیفه عنوانی انلرک دخی
جلال مدایتیله محلی و مطر زو مناقب ملیحه ایلده مزین و معزز
اولقی عنوان اعتبار و دستمایه افتخار اواق مقرر اولدیغندن غیر
تحفه مور عاجزی بارگاه سلیمان زمانه عرض و تعریف دخی حسن
همت بی همتالی بنه توقیف اولنوب جناب مکارم نصا بلرندن
حقیرانه رجا و نیاز و لیلور که رفته قلم نوید ا پریشان ادای عبد
حقیر اولان تحفه حقیرانه مزک قصور و کسوری نظر خطا پوش
عنایتیله مستور بیوریلوب بوسه کف در ی بالانین مسند
تاجداری شهسوار عرصه شهر یاری سلیمان نظیر رونق افزای
افسرو سر یر پادشاه بلند بارگاه شهنشاه مکارم دستکاهک حضور
همایونلرینه عرض ایلده قدری اعلا و طغرای حسن قبول عنوانیله
اعلا بیوروب بوسه کین و بنده کتر تلمری دلاشاد و احیایه ایلده

و کذلک مزایا شناسان اسرار و بیان و رمز آشنایان دقایق عرفان اولان
 ارباب البابان رجا و نیاز اولان و که رسم و املا و طبع و ادا ده
 واقع اولان هفتوات و عشر اتمزه صغیح جیل ایله
 مامله و قصور و کسور بمزی کال
 کر مایله مساعد و مساهله
 پیوره لر

تاریخ نعیمہ
روضۃ الحسین فی خلاصۃ اخبار الخلفاء
جلد اول





{ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ }

اطا بف جد و سپاس * و شرايف شكر بي قياس * مالاك الملك
واللكوت * صاحب العز والجبروت * تعالى شأنه وعز سلطانيه
حضر تليزته اولسونكه * حضرت علم و تقديرنده مندج اولان
حالم تدوين و تسطيري اقتضاي مشيت ذاتيه ايله ابداع و انشا
ونها نخله فيض تدبيرنده مندرج اولان صورت تفصيل و تصويري
ارادت و عنايت ازايله سبله اظهار و هويدا ايلدي * و تقابل اسما
وصفاته مظهر اولان اصناف مخلوقاتي ماهيات مختلفه و استعدادات
متنوعه به مظهر ايتكمه كي پادشاه جهان و كبسي فقير و ناتوان
كي حافل و حكيم و كبسي نادان و سقيم اولوب (ورفعنا بعضكم فوق
بعض درجات) خواستجه احوال كاشانه مغايرت ايله ثبات و يروب
دائرة جهيت مخلوقاتي بومباينت ايله منتظمة الحركات ايلدي
* و جواهر تحيان بيمد و زواهر تسليمات لايعد سلطان سررعيلين

قاید ركب الانبياء والمرسلین محمد المصطفی علیه من الصلوات از کاهها
 حضر تلرینک ذات اقدس و روح مقدس لرینه اولسونکه حکمت
 علمیه و عملیه بی جامع اولان دین مبین و شرع رصین ایلله عانه عالمه
 مبعوث اولوب رسالتنه اوضح دلالات و اعظم معجزات اولان نظم
 کریم اعنی قرآن عظیم ایلله جله عبادی طریق نجاته ارشاد ایلدی
 قبائل عرب صعب الانقیاد و تنافس ریاستله متعسر الاتحاد بر قوم
 اولوب لکن طبیعتاری ماسکات متعوجه دن سلیم و جبلتاری فواید
 قبیحه مترفه دن عاری و غیر سقیم اولغله اول حامل اسرار
 نبوت امر دعوتیه مدارک اسباب ممکنه دن سالك اولوب ابتداء
 فطرت اولی اوزره باقی قبول خیره منتهی عقلای جبل
 و اصفیای کبار قبیلک ارشاد هدایتنه مبادرت ابتدیلر خلع شرایف
 اسلام ایلله تشریف مراتب عظام ایدن اصحاب کرام امرینه رام
 اولوب فرمان رحمانه مبشر بالجنته اولان عظمای بنام وقایه وجهه
 مقابله استخدام بیورلغله تأیید حق تألیف قلوب رجال نجات ایلله
 مزاج جمعیت اعوان و انصاره قوت و یردکد نصکره کیمنی قول
 مقبول ایلله تسخیر و کیمنی سیف مسلول ایلله تدمیر ایلده ركب اول مظهر
 تام جلال و جمال اولان سید صاحب کمال لطف و قهر ایلله اعتناق
 مخالفی قلاده اطاعت ادخال ایلدی * و دخی جد و ثنا و درود
 دعا دعای بنیان دین و قوایم ارکان شرع مبین اولان آل و اصحاب
 و عترت و احباب لرینه اولسونکه تقویت امر دین و تمشیت احکام سید
 المرسلینده بذل جان ایلله دامن ذرمیان اولدیلر و مزید سماحت لرندن
 عامه امتی ندای حی علی الفلاح ایلله سمات فوز نجاته دعوت ایلدیلر
 صنیع مشکور لری بر کاتبه بادیة محمده رعی ناقه ایدن عشایر ذوقافه
 مستترج ظل خضارت و صحاروی وحشده نکد خوشونت ایلله
 مر العیش اولان اقویای قبایل حلوا مذاق نعم ثروت و دولت اولدیلر

شکر الله سبحانه ورضی الله عنهم دنیا ده مقصد اسنای عز و علا به
 نائل و عقباً به مصعد والای رفیق اعلا به واصل اولدیلر ❦ مرآت
 ضمیر اهل بصایره روشن و باهر و واضح و ظاهر در که علم توارخ
 و اخبار و فن مناقب و آثار خلاصه معارف و معلومات و تفاوت فضائل
 و مدرا کاتدر دور افتادن بود مه کلنجه جهسانده ظهور ایدن
 حوادث و غیره تعلیم و عهد آمدن بووقته ایرنجه کون و مکانه
 حدوث ایلین وقایع خیر و شری تفهیم ایچون موضوع نفی
 عیم بر علم جلیل و عظیم اولغله اتم و دول پیننده مشاغل و طوائف
 و ملل عندنده معتبر و متداول اولوب داغما سلاطین عظام
 و حکام کرامک مقبول و مرغوبی و فضیلا بنام و عقلای انا مک
 معنی و مطلوبی اوله کشدر نفی عامه به ماید بر علم کثیر
 القوائد در که علمک حدس و زکاسنی زیاده و عقلانک تیغظ ابله
 دید بصیرت لرین کشاده ایدوب عوامی اخبار سالفه به واقف
 و خواصی اسرار خفیه به عارف ایدر بو بحر بی ساحل غورینه
 اطلاع حاصل ایدن متبحر کمالر جواهر کالانه نائل و لالی
 حقایقه واصل اولوب مقتضای تحول ادوار ابله اقالیم
 و امصارک تبدلات اطواری ضمننده نیجه اسراره متفطن اولوب
 و دول سابقه ده اتساع نطاق محال و اتم ماضیه ده تقلبات
 احوال نوجهله ظهوره کلوب تمدن بشریه به تفرق و زوال
 و دولت اجتماعیه ده تطرق انتقضا و ارتحاله باعث و بادی
 اولان علل و مبادیدن خیر بر مرد روشن ضمیر اولور زیرا عمران
 دواتده طبایع اصلیه مقانده بعض کالات غریزه واردر که
 اخبار امور جزیه اکاتب و قروع روایات و آثار اول اصله راجعدر
 طبیعت عمران و امرجه بلدان ابله خاصه هیئت اجتماعیه انسانیه ده
 مقرر اولان اصول حادث و قواعد سیاست تاریخ شناس اولان

عقلاى صاحب قيا سلك ياننده معيار و مقياس مثابه سند ه اولوب
هر حالده اخبار و قايعدن نقول مجرد يه قانع اولوب . مخالفه
و خرافات و غث و سمين حكاياته فريفته اولسا ز غايبي شاهد دن
قياس و حال مفقودى موجوددن اقتباس ايدوب كثر تيجارب و طول
مما رست ايله بر رتبه يه وارر كه مبادى افعالدن خوا تم اعلى بيلوب
صدور امور دن امور صدورى ادراك ايلر و مرآت عقليده صواقب
احوال متبين و صور خير و شر بديهى كې متعين اولور چون فن تاريخ
شريف الغايه جم افقا نده بر مطلب عزيز المذهب در قدماى
كلىدن نيجه مورخين عجائب و قايع ربع مسكون و غرايب
حوادث دهر بو قلمونى جمع و تسطير ايدوب اخبار ايام و آثار انامى
متضمن نيجه كتب نجرير ايتديار بعه هر عصر ك ما هر لرى
و شعر و انشاده سوزده قادر لرى نو بنو صدور ايدن امورى و كوروب
ايتشد كلرى حادثات جمهورى يا زوب مصنفات سلفدن
ميل ايتد كلرى نسخيه يه ذيل ايتديار فن تاريخده مطول و مختصر
نسخه لر چو غا لوب اختلاط اقوال اختلاف ماله مؤدى اولدى
تصحیح حكايات سابقه و تنقيح روايات لاحقه همچون متأخريندن
نيجه اصحاب در ايت اهتمام و دقت ايله بوفنك مؤلفا نندن جمع اباب
و غث و سمينى تفريق ايله تقاوه آنارى انتخاب ايدوب انظصار
اولوالا ابايه سزا يادكار كك بلرباز مشر در اين ابى جمله نك (سكردان
السلطان) و حايى ابن شحنه نك (روض المناظر) و مقرز نك
(خطط) و (كتاب المساوك) نام عربى تاريخ لرى متأخر اولان معتبر ايتدند
خصوصا ابن خلدون مقرينك (عنوان المبرق ديوان المبتدا
والخبر) نام عربى تاريخيه يه بالكر مقدمه سى رنك ب و جواهر علوم
و نو دار حكيم ايله مملو برد فينه نا يادر مؤلفى لله دره جمله
مورخينه تفوق ايتشد رنار نجي مغرب احواله متعلقدر لکن جمله

معلوماتی مقدمه درج ایشد و لسان فارسیده غیث الدین
خواند امیرک (حبیب السیر) و (نکارستان غفاری) و لسان ترکیده
خواجهمرحومک (لاری ترجمه می) و عالنیک (کنه الاخباری) کذلک
مقبول و معتبر تاریخ دندر حاجی خلیفه دیمکله مشهور کاتب چلبی
بیک تاریخندن بیک الشمس بشه کلنجه دولت عثمانیه تواربخنی یازوب
(فذلکله) تسمیه ایشد ر حق بود که سلاست تعبیر و حلاوت تقریر ایله
تکلفدن معرا بر مفصل تاریخ رعنا در کذلک لطافت تعبیر و وجازت
تقریر ایلله (قره چاپی زاده) عبد العزیز افندی مبدأ دن علی وجه
الاختصار تحریر ایدوب بیک الشمس یدی حد و دنده کلنجه دولت
عثمانیه احوالی بر خوش ترتیب ایشد ر بقاع مخصوصه و دول
معدوده به مختصر و متفرق تواریخ مشهوره و غیر مشهوره ایسه
فی نهاییه در **فائده** وقایع یازان یاران و حوادث ضبط
ایدن اهل عرفانه بر قاجار ایلط لازم و قواعد مهمه وارد
(اولا) صادق القول اولوب اقاویل باطله و حکایات زایفه یازمه
بر خصوصک حقیقتنه واقف دکلر ایسه مطلع اولنلر دن تفحص
ایدوب تیقن حاصل ایتدی یکی موادی یازمه (ثانیا) السنه ناسده شیوع
بولان اراجیفه التفات ایتدیوب وقایعک ماهو الواقعی یازمه بیلن رجالک
معمد و موثوق اقوالنه رغبت ایلله زیرا نیجه امورک کیفیت و قوعی
و سبب صدور ی اربانه معلوم ایکن عقول ضعیفه اصحابی تصورات
ضعیفه لر بته منی معنا لرو یروب غلط و یا خود هیچ اصلی یوق
سوزل اشاعت ایدر لر بین العوام شیوع بواش بومقوله ترهاتی
کرچک ظن ایدوب تفقد ایلدن نقل ایدوب یازنلر هر عصرده قتی
چوق بولنور (ثالثا) ضبط اولنه جق امور حوادث کوبه نک
نه قسمندن ایسه بالکزن نقل و حکایتی ایلله اکتفا ایتدیوب قصه دن
حاصله السنه جق گوشه لده دقایق نافعده درج ایلله زیرا سفر

وحضر وذهاب وایاب و عزل و نصب و سلم و حرب و دخی سائر بمقوله
حوادثی ساده یا زمره چندان فائده یوقدر بلکه هر زمانک
مقتضای حالی و رجال عصرک مسالک و مال احوالی و نظام ملک
و مالدیه اعمال فکر و مشورتی و ما حاصل نتایج ملحوظات
و رویتاری و اعدا طرفیه مقاتله و متارکه ده مختار وقت اولان
مصلحتی و حصول ظفر و بالموق ضرره مؤدی اولان اسباب
و علتی کرکی کبی دانای کار اولنردن استخبار ایتد کدن صکره
اطلاعی هریه محله کوره ایراد ایلک لازمدر که بعد زمان قرأت
ایدنر نیجه فوائد بجهریه یه مطلع اوله لر بوقوائم دن خالی و ساده
تاریخک حیره نامه دن فرقی یوقدر (رابعا) مقادیر ناسه عارف حق
کوی و منصف اولوب متعصب و مکابر و متعسف و متها تر اوایه
مد و حیثه لباقی اولمان آشارینی جایه و یا ثنا ایدر سه یکدیب
اوله جق مرتبه افراط ایله اطرا ایتیه و مدوح الماثر اولان رجال
اکبری تعلق اغراضه بناء ذم و قدح ایدوب غدارلق ایتیه هر حالده
نفس الامر نه ایسه اتی بیان قیدنده اوله (خامسا) مشکل
عبارات و مغلق اصطلاحاتی ترک ایدوب سهوات ایله قرائتی ممکن
تعبیرات اختیار ایله قاموسه محتاج لغات و منشیانیه تنابع اضافات
و اصطلاحات تاریخیه یا قشمن مکر مراد اظهار اهلیت و عرض
بلاغت و فصاحت اوله خواص ایچون تألیف اولسان (عتبی)
(وصاف) تاریخی کبی (سادسا) مطلع اولدینی لطیف نامه لر
و فائده مند اوله جق حکایه لر و صدده مناسب نظم و نثر ایله نادره
مضمونلر و نادره لطیفه لر نخر بر ایله (سابعا) علم احکامه و افق
ایسه قرانات و تحویل سنین و کسوفات و سائر طوابع اصول
فن اوزره حکامتی ضبط ایدوب فواعل اجرام علویه نک که علی
نعمهم مدبرات امر اطلاق ایدر لر قوایل اجسام سفلیه ده ناهور

ایدن تأثیر اتنی وهیت اجتماعی دولته متبیین اولان حال اتنی تفقد ایدوب
ظاهر الاثر دلائلی وقایع ضمیمه درج ایدیه بیاور ایسه اظهار اهلیت
ایتمش اولور دیرلرته که تاریخت محرری بعضی محله رعایت ایتمیشدر
بوشروطه ممکن مرتبه رعایت ایتمک مورخینه لازم و مستند ~~ایتمش~~
الفقیر) بودر منقول ارباب هنزدن * خبر عملیه یکدر کیم وززدن *
زره کوهر دن الوردیده لذت * اولور علم و خبر نور بصیرت * کتب کو یا ندیم
بی مخنددر * خیر حال کردون کهنندر * زبان حالله اولدیفه کو یا ایدر
محرمله اسراری افشا * تواریح اولدی دهرک ترجانی * وقایع ییلدر
یوقدر زبانی * کهمی بسط مقال ایلر سیردن * سوز آچر غزوه خیر
البشردن * خبر و بر کهمی نام آراندن * حکایات سلاطین جها ندن
* کهمی ابضاح سردولت ایلر * بیاز حال ملک و ملت ایلر * نو و کهنه
حوادث اول آخر * اولور تار یخدن معلوم و ظاهر * تواریح اولدی یغیچون
فن عالی * آکار غبت ایدر طبع عالی * بوفنک صاحبی کامل نظر در *
بوفندن غافل اولان بی خبر در * وقایع یازمه اهل معارف * کیم
اولور دی سلف حالینه و افاق * کلن اخوان ایچون سابق اکابر * همجا
ایتمیلر حلوا ی حاضری * ایدوب اخلافه شفقت اهل حکمت *
اثر وضعیده چکدیلر مشقت * بودر لایق که ارباب منکرم * اوله وضع
اثر سمته عازم * بولوب بر منشی * عذب الیبانی * نگاه لطفه مظهر ایدیه
آنی * عبارات بلیغه اوله قادر * وقایع ضبط ایدیه یازمه مآثر *
اولور جلب دعایه بر وسیله * ارباعث اولور ذکر جبهه *
(حالا اورنک نشین سلطنت و مسند کزین خلافت کوهر *
دودمان اقبال اختر آسمان اجلال خدیو کامکار خاقان بلند
افتدار شوکت پناه عظمت دسنگاه یکانه آل عثمان (سلطان
مصطفی خان) ابن سلطان محمد خان عزه نصره واید الله عزه
حضر تکریمک زماه سعداقتارلریده صدر اعظم اولان عالی حضرت
والا منتهت امین الدوله و یمین السلطنة محمد قواعد المعدله

والرافعة مشيد معاهد المرحمة والنصفه ناطم مناظم المملكة العثمانية
 ناهج مناهج المصالح الخافانية مصلى مغلقات امور بدبر مشكلات
 جمهور وزيرى نظير مشير صاحب تدبير (حسين پاشا) مشكل كش
 قواه الله فى مصعب الامور ووفاه عن فترة الدهور حضر تبارى
 (نظم) جوان بخنى كه دوران كهن سال * بدوداده نويد هن
 واقبال * بخلق خوش جهاني بنده كرده * رسوم مجدود انش
 زنده كرده * اول مفيض الخيرات وكثير المبرات شريف الاخلاق
 كريم الاعراق جيل الخصال وزير صاحب كالدر كه سبته
 برسكنيه سى هلم وعرفان خزينه سى وفواد معالى نهادى حقايق
 واقفان دفينه سيدر فن تاريخك لطافتى معلوم عز نثرى اولغه
 اوقات خالیه يام ويا ليله بوفن عالينك كتب نقبى همدم
 وانيسلى اولوب دائمًا مطامعه غرايب ادواريله تشخيص فكر
 ومسامره حوادث اعصاريله تنشيط خاطر ايدرلرايدى لذايد
 روايات وآثار ردن ذائقه حافظه بى برمرتبه ملتذذ ايدوب تاييج
 روايات واخبارى احاطه تام ايله شويلا اخذات بشردر كه احوال دول
 وامدن برامرد فائق اكلسه تفصيلاتنى ايراد ويان ايدرلرايدى
 واطوار اجبال بنى آدمدن برمعنى عميق ذكر اولنسه مشكلاتنى كرى
 كى توضيح وعيان بيوررلايدى اول دستور مهذب الخصالك
 يشكاه اقبالنده جواهر ما نردن قيمتاو زواهر مفاخر دن رغبتلو
 نسنه اولمد يغندن لابن المعتز (شهر) فن عز من دون الانام مقامه
 فاحسن ما يهدى اليه الكتاب * مغفوه منجه تاريخه متعلق بر مجموعه
 عجيبه ومورخ خطيله برمسوده غريبه حضور والارينه اهدا
 اولمش كه رجال عصر احمد خانيدن شارح المنار محمد افندى
 نام ملاك مخدومى بنه صلادان احمد افندى نام كسبه اسلوب
 عجيب اوزره بر تاريخ ترتيبه مباشرت ايدوب سلطان احمد خان

مرحوم عصر نندن د ورسطان محمدی ده کوپرلی محمد پاشا
 و قنده کلنجه ممالک محروسه و دولت علیه نك وقایع و حوادثی
 مفصلا یازوب وقایع سابقه بی (حسن بکرزاده) تاریخندن اخذ
 وضم ایتمک اوزره نسوید ایدوب هنوز ترتیبی مقدر و بیاضه
 چکیلوب تحریری مبسر اولمزدن مقدم مؤنی ارنحال ایدوب سنین
 چندیندن برو اول مسوده بیجا بیج طاقی نسیانه دوشوب هیچ
 اندر هیچ اوله یازمش واقعا مورخ مزبور متیقف و آگاه و متجسس
 صاحب انتباه اولغله دقائق احواله واقف و قتی چوقی وقایعک
 نتایجنه عارف اولغله تکلفدن معرا و روزمره بی ادا ایله وضوح
 اوزره مفصل و مبشر و ج تحریر ایلش صاحب دولت حضر تری
 اول مجموعه پر عبك من المطالع الى القوافی ومن القوادم الى الخواتم
 مطاویسته اولان مخاوی به مطلع اولوب و (المرأ بأثاره یذکر کل
 مانفع قد یشکر) مفهو منجه مشتمل آثار سلف بویله برنسخه
 ضایع و تلف اولتی روادکلدردیو احیاسنه بذل همت بیوردیلر
 ابقای محاسن آثار ایدن خیرات جلیله المقداره عون حق ایله
 موفق اولغله بوتاریخک مجددا استکتابنه فرمان باصواب بیوردیلر
 * نامدر رغبت و یرن سرور لره * سکه در حالت و یرن سیم وزره *
 مضمو نجه نام مکرملریله شرفیاب قلمخی اوزره ترتیب و تبویب ایله
 بشقه بر کتاب اولق خدمته (لنامه) آرزو مند عنایت داعی صدر کریم
 * منزوی کنج غر بت بنده بی کس نعم * قوللر بی مأ ووروبو خدمت
 جلیله به استخدا ام ایله مسرور بیوردیلر بو فقیر دخی بر موجب
 فرمان حضرت تحریرینه تشیر ساعد همت ایدوب بعض محله
 اقتضایدن متماتی تواریخ معتبره دن اخذ و الحاق ایله تکمیل
 و عصریمز کلنجه کاینخی ضبط و ترتیب اولما یی واقعاتی ضم
 و تذیله دفت ایلدم قایع کلیه بی حاوی تواریخ سائره دن معنی

برخفته بلیغ او اسنه سعی بیدریغ قلنوب نام کرامیلرله شهرت
 شمار او ایچون بوشکتاب نامداره (روضه الحسین فی
 خلاصه اخبار اخا فقیه) تسمیه سی سزاوار کورلدی حق
 سبحانه و تعالی اتما فی مبسر و راحت ایله تحریر و اختتامی
 مقدر ایلیسه اثنای شروعده قلب حقیر طلوع ایلدیکه اشبو
 کتاب زیانام سعدانتمار ایله مسمی اولدیغی کبی دیساجه سی دخی
 جلائل مدیحیه سیله بچلی و مطرز و مقدمه سی کند و زدن ظهور
 ایدن خدمت جلیله و مناقب ملیحه ایله مزین و معزز اولسه نورعلی
 نور بر کتاب بی قصور اولوردی فلاجرم عدم استطاعه ایله بواصر
 عسیره دخول و قلت بضاعه ایله بوکار خطیر اقدامنه بوالفضولانی
 ایدوب نفس الامر اولقی اوزره ادای ستایشلرینه قدرتم مرتبه سی
 سعی و کوشش لازم کلدی و (حسن الذکر ثمره العمی) مفهومی اوزره
 ابقای حسن ثنای ایچون لائی ابدار منقبتی آویزه طلاق اشتهار
 و منظومه یادکار مدحتی کتابه رواق زردکار ایتک اقتضا ایلدی
 (نظم) نظم فردوسی اگر اولما سه اولمزدی عیان * بزم کیکاوس
 و رزم رستم و اسفند یار * نام بهرامی اولوب نظم نظامیدن بلندن *
 اولدی شعر انوریدن وصف سنجر آشکار * ملوک و وزرائک
 از کار جلیله لرینی تأیید و نام کرامیلرینی صحایف ایامده
 تخلیه ایدن وصف سدید و کلام جید اولد یغنده شک یو قدر
 (نظم) سخن آرایش دیر کهندر * یه کوکدن نزول ایدن سخندر *
 سخنن غیری اولسه پالک کوهر * انی ارسال ایدردی حی داور *
 اول کریم الاخلاق باهرا المراحم و الاشفاقک عادت حسنه لرینه
 غایت و خصلت مستحسنه لرینه نهایت و ابواب دریادن قطره
 و خورشید دن ذره مقدار ی شمه علیه لرینی مخبر احوال و سحبه
 مرصیه لرینی مشعر بعض آثار و اقوال ایراد ینده جرأت

ابد و ب واقعی بیان داعیه سببه خدم اولیان کلامه جسارت
ایلد م اول مصدر افعال حسان و مستند الیه مروت و احسان
حضر تلریدن رجای صادق بودر که خطا و سهوه معامله هفوف بیوردر
و بو صحایفه نظر ایدن فضل و کمال اربابی علما دن ورد و قبول
اصحابی ظرفادن مستعدادر که قصور و عثرات واقع اولش ایسه
اعتراض کونه تعبیر و تعبیی روا کور محبوب فلم کر ماريله تصحیح
ایده ل و مطلع اولد قلری هفوات و ذلالت طعن و تزیب ایله
مواخذمه به جواز کوسر محبوب وجه وجهه ایله توجه بیوره ل
والله ولی التوفیق (نظم) چون غمی ماند جهان بیقراره نام نیکوبه که
ماند یادگار * تنظیم بلاد و ترفه هساد ایچون ملوک
کفر ایله مهاده و جهات اربعه ده اولان فرق نصاری ایله
مصالحه خصوصیدر که بر مقدمه و ابکی فصل اوزر بنه ترتیب
نتیجه کلام ایله ایضاح مرام قلتمشدر اول حکیم شفاخانه ازل
و حاکم فرمانروای بارگاه لری جلت قدرته و عمت رحمته حضرت تلرینک
فیض عممی جمله کائناتی مقتضای ما هیاتلری اولان کالات
طبیعیه لری به ارشاد و دائماً عباد بنه انفع و اولی اولان مصالح
خیریه بی ایجاد ایلبوب مقتضای تقدیری ایله منقلب اولان ازما
ودهورک شائنه مطابق و ابناى عصرک مزاج استعداد لری به
ووافق مصالح نافع بی تیسیر ایتک اول منصرف حقیقینک بدایع
صنایعنددر انوار جمال و جویبار جلالتدن کلزار امن و خاوار رحمن
پرورده اولغیچون ادیان و مثل پائنده کاه صلح و کامجنک و عساکر
و دولده که شتاب و که درنگ اوزره اولماسنی اراده بیورمشدر اشرف
مخلوقات هادی سبیل نجات علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات
حضر تلری قوت قدسیه ایله خوارق عاداتدن اولان تصریف
ذوات اعبا نه قادرلر ایکن حفظ صور اسبابی امنه تعلیم و رعایت

وسائل و معداتی متمسکان جبل و ثقی شریعتی تفهیم ایچون
نیجه امور ده ظواهر اسبابه رعایت بیورر ایدی و هجره
قاهره ایله مشرکینی مغلوب ایتک و یلبه سماویه ایله جله سی حیاتدن
مسلوب اولق حیرامکا نده ایکن حفظاً لصور الاسباب اولسید
عالی جنابدن حدیده صلحنده جلوه نما اولان اطوار حکمت آثار
دیده حقایق بیننه حکم الهیه به مبنی نیجه شیوه خفیه اظهار ایدر
صلح مزبورک احوالی تبرکاً بومقدمه به سرنامه قلمتی مناسب
اولقله دستمایه هر فان ایله متأخرینک صاحب نصابی یکنانه
عصر نابی افندینک سیر نبویه به ذیل اولق اوزده ترتیب و تحریر
ایتد کلری نسخه لطیفه دن اخذ اولتوب بوحایف اندک مایه کلام
استاد ایله مزین مقاله ایله پیرایه بولسون ایچون عینی ایله نقل
و تحریر اولندی (صلح حدیده) امام ربانی خطیب قسطلانی
بووجهله تحریر بیورمشلردر که اول دانای حقایق ملکوت وینای
دقایق جبروت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هجرت علیه تک سنه
ساد سه سنده برکیجه حالت منامده صحرائ عالم مثالی تماشا ایدر ایکن
کوردر که مائه مهاجرین و انصار ایله حریم خاص خدا اولان
بیت معلای طواف و تحلیق رؤس و تعایق شعرا مثالی اشغال
نسکیه به درکار اولمشلر صبحدم بوواقعه بی اصحاب کرامک
سامعه لرینه تقریر بیورد قلندره هر بری فایز مدارج ابتهاج
اولوب بوخرشید فتوح همان اوسالده برج وقوه تحویل ایدر
امید یله تدارک مهمام راه بیت الحرامه شروع بیورد بلراکه چه
وح ضعیف والاری نقش پیکاردن مصفی ایدی لیکن جمعیت
عنده فریش صف بسته نما نعت اولد قلری تقدیرده جله
شمسیره محتاج اوراق ملاحظه سیله برصا رمد شمن سوز
استصحابیله اکتفا بیورد بلرو منزل ذی الخایفه ده یتش رأس

بدنه هدی برای امتیاز تجلیل و تقلید و اشعار یوریلوب ساثر
 فائز دستمایه اقتدار اولان موحدین دخی هدا یالین بر طریق
 مسنون تقلید و اشعار ایدوب جله نك تعهد لازم امور
 ناجیه بن چند ب اسمینك کردن التزامه تحمل یورلدی و اول
 منزلدن بشر بن سفیان خزاعی جهیت فریشتدن خبر کتور مک
 خدمته تعیین یورلدی میقات ذی الخلیفه دن احرام ایله
 زیور بند اولوب نعره لیبکی اوج عرشه پیوند ایلدیلر ذی الاشطاط
 نام محمله بشر بن سفیان آستانه رسالته رومال ایدوب جمعیت
 قریشک وجهه هزم نبوی په سد دیوار بمنعت سود اسبله
 تدارکده اولدقلرین ابلاغ ایلدی موکب شهنشاه رسالت علیه
 اجل التحیه ثنیة المزار نام محلدن کذا راید رکن رکوبه خاصه لری
 اولان نافه قصوی بلا اناخه و اشاره کرسی چارپای وجودین
 بساط ارضه وضع ایدوب نشین زمینده مستقر اولدی هر طرفدن
 اقامت و تحریکه اقدام اولد فجه دخی زیاده رشته استحکام
 صامعین حوالی رکاب فلک مایده بولنان بره اصحاب غالب
 قصوائک تاب و طافتی فرسوده دست ناتوانی اولمق کرکدر
 دید کلرنده حضرت رمز آشنای دسبیه حقیقت علیه افضل
 التحیه قصوائک ساق اقتدار ی سوار بسته عجز واعیا اولدی
 اعتقادی شایان دکادر بلکه اصحاب قبله صف ابایل ایله
 سد هوای هزم حرم ایلین جناب رب العالمین حکمة قصوائک
 دخی پای عزمنه عقال سکنته توقف اوروب جناب کعبه
 معلایه رخصت و حرکت ویرممشدر دیولب جنبان جواب
 حکمت فصا ابولوب بالا قضا حدیبیه نام موضعه بربر
 قلیل المایر امنده حلقه بند خیام آرام اولدیلر و طائفه قریش بو
 عزیمندن مقصود کارزار قیاس ایدوب صورت بمنعت کوسر ملری

پیکار محتاج اولمیه دیو خراش بن امیه خراعی رضی الله عنه
 نامرد سفارت بیورلدی مجمع قریشه واروب مسموعی اولان اقول
 صادقه بی تبلیغ ایلد کده سفهای کفسار استکبارلندن سمع
 قبولله اصفا ایقبوب بی موجب واقتضا خراشه سنک اندا زاذبت
 اولدی لر سر اپرده نبوی یه کلوب قریشک امر اضردیه
 خصوصتلی شربت تیغ زهر آیدار دن غیر ایله علاج پذیر اولدیغنی
 اشعار اید یجک بوقفل مشکل بندک مفتاح تعبیرات وحشت زدا
 ایله کشادی امر نده جناب عریدن چشم داشت توقع
 اولدی لر حضرت فاروقی بو وجهله معذرت خواه اولدی که
 صلابت عمرانه مهبواره بدکیشان قریشه شمشیر غمای خصنام
 اولدیغنی انلرک دخی فسا زده یقینلری اولمغه هر بری گوشت
 پازه بدغمه دندان عداوقی تبر ایشلردر حالا اقتضای وقت اوزره
 اراده علیه کر میانه دن رفع پرده وحشته متعلق ایکن بویله محله
 ناهوشمندان قریشک بو کینه یه معامله نا پخته لری افساد مصلحت
 ویکیدن ایقاد نأثره مخاصمه سبب اولمق وهمی بو کترینه عیانکس
 بما نعمت اولمده در اعدا رصادقه فاروقی قرین قبول بیور بلوب
 جناب عثمان رضی الله عنه اهالی مکهدن علاقه کیر الفت وقرابتی
 بیشمار اولمقین خدمت سفارت عهد همتلرینه تحمیل بیورلدی
 جناب ذی النورین رضی الله عنهنک مقدم مکرمین جمهور قریش
 احترام اوزره تلقی ایتدی لر حضرت عثمان رضی الله عنه بسط کلامه
 آغاز ایلد کده هر بری یاعثمان اول خصوصک حصولی منازعات
 اکثریه موقوفدر شمدیلک اتی تأخیر ایده لم سنکله بیغزده ثابت اولان
 حقوق مقتضا سنجهدیدار پراتوار یکه مشتاق اولوب سنک دخی
 عروس دلارای بیت خدایه اشیاقک واردر شمد بکی حالده ذوق
 طواف در کار اولمغه دفع آرزو ایله دیومراعات مهمات مهمان

نوازی کوسر د یلر چونکه جناب خیر الوری طلبکاری وصال
 کعبه علیا یله بوقدر ارتکاب مشاق حرکت ییو روب انلر هنوز
 نمکچش مائه وصال اولمشیکن انلردن مقصد م خوان مرامه
 کستا خانه ال صونمق آداب عبودیتنه منافسد رد یو حضرت
 ذی النورین صورت نمای استغنا و لیحق بو معامله ناز قریشیری
 منفعل ایتمکله دخی مقال مصالحیه کوش قبول طوتمبوب بر قاج کون
 کوشه نشین زندان چشم اولد یلر حضرت عثمانک مدت ملحوظه دن
 زیاده مکئی خلانده غدر قریش ایلر صحرای عدمه انتقالی اراجیو
 دخی میان اصحابده شیوع بولمغله سبیل سماویده مسطور اولان
 بیعه الرضوانده بیعت واسطیه وقوع اولدی یعنی بو معامله
 درشت کفار آفتاب ضمیر سید الانبیاء ذریعه انکشاف اولمغله اول
 حوالیده واقع شجره سدره سایه سننده شاخ برومند ابدان میوه فشان
 حیات اولنجیه دک کفار اوزرینه صاعقه بار پیکار اولق شر طبله
 معاهده دست مبايعت ایلد یلر کما قال الله تعالی (انقد رضی الله
 عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة) حضرت ذی النورین
 خدمتکنذاری رسول باری خمننده ناکام نشین دائرة مخالفتین
 بولمغله بو بیعتدن مجرم اولماسون ایچون حضرت دستگیر امت
 علیه افضل التحیه دست چیلرین کند و طرفلر دن و دست
 راستلرین حضرت عثمان رضی الله عنه طرفندن یکدی بکره عقد ییورد یلر
 بو معاهده خبرتک وصولنده قریشه خوف عظیم مستولی اولوب
 حضرت عثمانی مطیه اکرام ایلر سر ایلرده اجلاله ارسال ایتدیلر
 بنی خزاعه قبیله سندن بدیل بن و رقاء بارگاه سید الاصفیاء کاوب
 نیت خبیثه ضمیر لری نه اید و کن استخبار ایلد کده جناب سید الانام
 علیه الصلوٰة والسلام حضرت لری یابدیل مطلقا شوق طواف
 خانه خدا ایلر نمجذب اولوب بر فرد له معامله کار زار خاطر دن

گذار ایتمه مشد راما قریشك جبابیتری تحر يك شمشير خصوصته
 عجب منهجكدر كه همواره اظهار معادات ایدر لر اما ینہ كندی
 كردن ینہ ذریعہ خراس خرنپاش اولو را ینہ نافع اولان تحصیل
 دسمایه استراحت ایچون بزم ایله برمدت فتح دكان آشتی ایتمكدر
 شویله كه مقام استكسار ده تعند ایله قائم اوله ار حضرت مولی
 حقیچون حرف خطا نمود وجودلرین صحیفه كوندن حك ایدرب
 پرلرین انوار دین بیضا ایله تذهیب ایتمكجه آسوده فراغ اوابی
 احتیام یوقدر دیدیلر بدیل كلمات حكمت آمیز سیدالورایه زمزمه
 استكسان چكوب بجمع قریشه معاودت ایلدكه دفعه تو حش
 خصوصت ایده چك كلام نصیح انجام ایله صالحه سعى تام ایلدی
 یهوده كویان قریش دیدیلر كه ای بدیل سز جابیداری محمد ایله
 متصف برطائفه سز انلر حقیقه اولان كلامك حایه و غر ضدن
 خالی دكلدر و ضمیرلری نیت پر خاشدن خایدر دیدیلر كك ندن معلومدر
 دیدیلر قرضا كلاملری صدق اولدوغی تقدیرده انلرك بوگونه
 وضع غالبانه ایله ام القرایه دخوالر ندن و اول محلده بزم سر
 و دستمز دن سبوی شكسته و شاخ بریده كبی حرکت مما نعت
 صدور ایتمك كنندن قبائل اعراب پیندره بعد ازین نامز پست اولدن
 غیرى نه فائده بی مترتبدرد یونجه قیل و قالد نصكره بالآخره
 سر كوجه اشرا كدن هر وه بن مسعود ثقی بی بوجه سفارت
 پیشگاه خیر البرایه ارسال ایلدیلر سایه مظله اقباله وصولده
 دهان كندیده سندن بومقالات مزخرقه حدوث ایلدیکه
 باجمده غریب رك بیکله لایله عقد شبكه الفت ایدوب جویبار
 فرابتكده پرورش بولان ماهیات حقیقت آشنایی دور انداخته
 ماء الحوت زندگانی ایتمك داعیه سنه دلبسته اولمش سن اما حیف كه
 دماغی پامال خیال ایتمش سن میان خیابان قبائل اعرابده

فنی نهال بالار و اقبالی کورد ککه شجره اصلندن منشعب اولان
اغصان اوزره حواله تیران مقام ایلیه بو خود درجه وقوعه
ترقی اید. چک تصور دکلدر ایا ماکر نهنگان عیان بنی عدنان
دخی وجه آسان اوزه گرفته شصت دمارمی ایلورلر حال طور نام
مقامده مقابله راه عز مکه سد شاهقه تمکین ایتشلر در سکا
واسطه پرواز اهتراز اولان طائفه اول عقابان شکاری چنگالنه
تاب آور اوله جق قدر محسوس دکلدر طرفیندن لوای آشوب
تحریک جناح کفاحه درکار اولیجق هر بری تیهو پیچد کی برچانه
پران اولوب سنی تنها و اکذا شته ورطه خصما اید. جکلرین
نه عجب ملاحظه ایتامش سن دیدی ترهات شعور ربای عروه
میران حوصله صدیقه غایت کران کلوب اشع شتوم ایله شتم
ایدوب ای بدکوی وهرزه طراز برکالای اندک یاب وجود مزی
نیچه دفعه زیر قدم شهریار رسالته پای انداز ایتد یکمز ثبوت
یافته حد تواتر در بعد الیوم دخی زلال حیاتن اجرای مجرای وفا
ایک ایچون ابدانمزمده آماده فودان ایکن شمدی سن بزیمی
کریز پا صف مصاف عدا اید رسن سناره ضمیران اصحاب
رضوان الله علیهم انجم سیاره کی سر سعادتمدار نبوی اطرافند.
جانبله کردان اولدیغی جهانیا نه روشن ایکن شمدی بدر آسمان
رسالت پیرامنده بزیمی هاله صف استواریمز متفرق اولوب
بهین کاتبه ایوان ابداع جنابن برالای بنیاد افکن ارکان ولا میاتند.
فورزدیدی بو خدک تیز پیکان اگرچه عروه نک جکلرین چاک چاک
ایلدی اما هنوز لبه مظلمه جاهلیتدن صبحگاه عالم افزو ز اسلامه
نارسا ایکن حضرت صدیق رضی الله عنه عروه بی اون شتر
احسانبله ورطه هولناک دیندن کار تخلیصه انداخته ایدوب
اما هنوز قریزی بارامتاندن ره یاب اولما شیدی بنا برین

نه حال ایسه بو مائده تلخ حوصله سوزی هضم ایدوب یا بن جافه
 بو آتش شکیب سوزی مقدمات اجرا ایلد بکک زلال احسانه
 تلافی عدایده لم دیوب سد دهان ایلدی اما عروه کفت و شنید
 خلانده مجلس معلا رسالنده بالجه پروانکان شمع جهان
 فروز نبوتک حرکات و سکناتن سنجیده ترازوی چشم اعتبار
 ایدوب جانب قریشه عودت ایلد کده مطلع اولد و غی احوالی
 تقریر ایدوب اگر بنم مقال خیر خواهانه اعتبار اید رسکنز اول
 هن بران چکر شکاف پنجه سندن تخلص کریان ایچون نامه
 صلی بر ساعت مقدم حرز بازوی جان ایده سز دیدی و اصحاب
 محمد علیه السلام آداب و اطاعت و شکوه و شوکتلرینی مشاهده
 ایتدیکی اوزره هلی التفضیل سویلدی عروه نک معجون مقال
 عافیت بخشی معتل مزاجان قریشه موافق دو شمشین بعد ازین
 ازاله ماده مختصمت و تصحیح طبیعت مصالحه ایچون سهل
 بن عروی توکیل و درگاه نبوی به روبراه ایلد یار سهل بارگاه فلک
 دستکاه چهره سای اولیجی رسم نیازمندانه اوزره کلمات
 مهاده نهیه شروع ایدوب نسخه مخالف الارقام قبل و قالده
 نجه دفعه طرفیندن تقلیب صحایف رد و قبول و ترکیب مفردات
 حل و عقد اولنوب رشته پرکره کفت و شنید کاه قصر و کاه
 تطویل و مسوده کونا کون حرف ابا و رضا کاه اجال و کاه
 تفصیل اولند قد نصکره بالاخره صحیفه صلح و اتحاد بوش و طایله
 منعوش اولدیکه وصال یت معلایه مشتاق اولنر بود دفعه معانقه
 محبوب سبه پوش کعبه مکرمه دن تخلیه اغوش امید ایدوب
 سال آتیه ده ینه قضای عمره مئوبه ایچون احرام بند اوله لر
 واول زمانده زبور منشان قریش سه شانه روز پیرامن کعبه دن
 کاره چکلوب شهد خوان وصالی درد ممانعتدن مصفی ایلد لر

واون سنه چارسوی ایامده دکا کین سوق السلاح کار رازدر بسته
 اولوب متاع صلح و وفاق آیین بند بازار اتقاف قننه وقریشدر
 اسلامیان و اسلامیان دن جوار قریشه مراجعت ایدنلر مزاجه
 یکدیگر دن مأمون اوله لر بقیه شر و طندن بری دخی بودر که
 بلاذن ولی مشرکیندن پناه اسلامه کلنلرک وجهه امانته المصلحه
 دیوار ممانعت کشیده قلوب برعکس قضیه سایه عالی نطساق
 اسلامدن بادیته شراکه معاودت ایدنلر ممانعت اولمیه
 اما بوشرط معهود مجرد مسلمین ایله قریش بلیشه منعقد اولوب
 سائر ممالک و قبائلک بوسلسله ده حمله تعلقلری بولمیه
 * مرویدر که رشته شرط مزبور سی سهل بن عمرو سوزن دلدوز
 زباننه امرار ایدوب فخر عالم صلی الله علیه وسلم قبوله شایل
 کور ییچک بوبار سنکین وزن طاقفت شکن میران تحمل اصحابه
 غایت کران کلوب کمال ملال ایله بربرارینه اطاره حمامه نگاه حیرت
 واستغراب ایلد بلربا لاخره حضرت عمر رضی الله عنهنک چله
 سخت کره حتی کمال تحملدن برجسته اولوب تحقیر مزمره یقین
 نیبله یوخسه نه آن که اسقای خار زار شک ایچون اوله همان یارسول الله
 (الست نئی الله حقاً والسنا علی الحق وعدنا علی الباطل) یعنی
 یارسول الله سن نبی برحق الهی دکلپسن و سالت مسالت تصدیق
 اولان مؤمنین دخی حق اوزره دکلر میدر و وعدو لریم بطلان
 اوزره دکلر میدر دیو سؤال ایلد کده باغبان ریاض حقیقت
 علیه افضل التحیه (بلی یا عمر) دیوب گوش یقیننه تعلیق کل غنچه
 جواب بیورد قلنده یارسول الله بوردای ذات و خوار یی به تسلیم
 کردن رضا نه مصلحت ایچوندر دیو دلخواه قریشه بومر تبه
 مساعده دن صندوقه ضمیر لرینه آویخته اولان ففضل اشکار
 قنچی ایچون جوابی مفتاح اولیچو بوجمله جواب حکمت

نصاب بیوردی که یا عمر بن ربیع فرموده: فرمان برم بوماده صلحه
چشمه امور خار و خس محذور ایله مستور اولدیغی سنی تشنه
کرد سراب زار و اضطراب ایتمو نکه بنم حقه دهان حکمت
آمیزمدن صادر اولان ترکیب حکمت آمیز مقال اجزای رضای
لهیدن خالی دکلر بلکه هر جزئی مزاج معلول عالیدن ازله
مواردیه کفر و اشرا که دوایش فی اوله جتی نیجه خاصه
بافعه وفایده خفیه بی مستلزمدر یا عمر لوحه بجای خاطرک
ژنک آلود ملال ایله که اول خدنک راست سمیا سخن که کان
عنبرین توزده تمدن انداختدر لاحاله نشان مقصوده اصابتی
فرردر یا عمر قریب کف زنان رجت جوش طاف اولوب
عروس مرا می بی مزاجه اغیار خرامنده شبستان حصول
مشاهده ایدرسز دیو جریحه خاطر فاروقه نیکپاش تسلیت
اولد یلر ما حاصل شیکه صلح قالب ایجاب و قبوله افراغ
اولندقد نصکره حضرت علی کرم الله وجهه خامه عنبر چکان ایله
ارقام شمر رطی خط و خال وثیقه عهد ایتمک طرف نیویدن منتظر
اشارت ایدی اولاکیشده دلکش ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾
ابروی پیشانی ورق عهد نامه قلعه شهر یار سریر آرای
عز و علا علیه اسنی النجا یا جانندن مشار اولیحق سهل
بن عمرو تحریرک لسان اعتراض ایدوب بو نقش نوییدی سکه
تعبیر بز بازار اعتبار بزمده بیرواج اولغله بیننده شهر تیاب
اولان نقش قدیم باسمک اللهم پیرایه پیشانی سطور قدسون
دید ی نزاع لفظی منتج معنی اولما مغین اعتراض اولمادی
(هذا ما صلح رسول الله) لایق بر اولیحق سهل یزد دهان
سفه هه کنسادی و یروب دیدی که یا محمد اگر سنک منظومه
نورقم رسالتک بزم محفظه قبولیرده جایگیر اولوب فرستاده

عالم آفرین اولدیغک نقش کاتبه اعتقادیمز اولبدی چو قد ن
اعتراض بر طرف اولور دی دیدکده جنساب فاتحه طومار
خلقت وخاتمہ کتاب نبوت علیه اکمل التحیه حضرت تری
یاسهل بنم مرآت عالم غامی رسالتده جلوه صورت حقیقت
روشن چشمان هدایتده نمایاندر سزک کی افسرده
دلان زمهریر خذلانک نقش نکار انکارندن نه ژنکار عار
لاحق اولور دیو جنساب مرتضی یه شکه وفه زار سطور دن
بنفسه لفظ شریف رسول للهی بر چیده ایدوب مقسمه
سنبیل بویای لفظ عبد اللهی نشاند ایتک ایچون قلم نازنین
جنیش ابرو ایله اشارت بیوردیلر خلیفه دیرستان ولایت
کرم الله وجهه یار رسول الله بنم نه حد مد رکه د بوالخانه
کبریاد ن قلم حکمت نکار ازل ایله ذات جلالت مدار که تعیین
بیوریلان القاب معالی نصاب رسالت اوزره وضع خامه تغییر
ایلم دیو پیشتنه تأدب واستغضایه تواری ایلیمک همان
خواجہ مکتب خانه ما اوحی علیه افضل الہیا باوجود که
هرگز انا مل مبار که لری قرین قلم اولسا مشیکن دست
مرتضی دن قلبی اولوب صحیفه همد دن قوت نبوت ایله سبز
نوخیز لفظ رسولی برکنده ایدوب برینه شبوی لفظ عبد اللهی
انشاد وابقا بیوردیلر وکل غنچه لب اعجاز نثار لرین لبر یز تبسم
ایدوب یا علی بو صورت محو واثباتک عینی قریبا جناب ولایت
نصابک دخی صحیفه احوالنده ظهور ایدوب بالاقضاء مساعده
مراد خصما ایدوسن دیوقوت اعجاز نبوی ایله پرده صورت
باز قضا دن ظهور ایلیمک واقعه بی صفیه قلمیح و اشارت بیوردیلر
والحاصل توفیق خلاف فریقین ایچون کتبہ سطور
کتاب عهد ترتیب صغوف ایدوب میان مسلمین ومشرکینه

نخل ایلد کده بعض اشراف انصار ومهاجرین واعیان
 مشرکینک علی طریق الشهاده اسمایری طراز ذیل سطور
 اولوب نقش فصوصلری محافظه ماده مهاده یه نکهبان قلندی
 اول ائنده ناکاه سهلک شکوفه سفال صلیبی اولان ابو جندل
 که دلالت باغبان هدایتله سیراب یافته ساقیه ایمان اوغین پدر
 بد اختری تکلیف عنیف از تنداده زنجیر آهنینی علاوه ستم اینشدی
 بوخلالده فرصت بولوب اسفل وادی مکه دن دایره خیام
 اسلامه جان اتوب کلدی سهل فرزندینک آهو ی رمید و وار
 دام بلادن چسته اولد بغین کورچیک همان مقامندن سک
 درنده مثال پرتاب ایدوب اوغلینک رخسارینی ضربگاه طنبجه
 آزار ایده رک کریان کشان جانب مکه یه اعاده ایلدی ابو جندل
 ملتجای دلسوختگان عالم اولان نخل رسالت علیه افضل التحیه
 جانندن سایه حایه کورچیک بادبان آسمان رس فریاده کشاد
 و یروب ای آسوده نشینان ساحل ایمان بحمد الله تعالی سفینه ضمیرم
 کالای والا قیمت توحید ایلله مالی اولوب هزار رنج و تعب ایلله کرداب
 پر آشوب کفار مایه سندن کناره نجاته لنگر انداز اولمشیکن
 لایق مبدر که ریسمان امیدیمی سکین استغنا ایلله قطع ایدوب سپرده
 دست سبلی زن اهداء دین ایلله سرزید کده اصحاب رضی الله
 عنهم بو پیرایه نود و ختمه صلح اولدخی بالای ضمیرل بنده ناجسبان
 کلکله تاثیر سرمای حزن و انفعال دن لرزه ناک اولمشلرایکن بوجامه
 تفاخر طراز استغنا دخی اندام خرد لر ینسه کوتاه کورنگله اندوه
 حیرت و حیات مضاعف اولوب محبوب هوا صاف آلام از قالدیکه
 زلال حیاتلرین افسرده ایلله آینه جبین نبویده دخی صورت
 چین تاثیر نمایان اولوب یا با جندل عروس نو خطبه صلحه هنوز
 زیوز بازو قلنان سوار میثاقک حلقه شروطنه ابتدایزم جاننزدن

سوهان غدر حواله ایتم رخنه انداز اهانته کاریدر
 بزدن خود بوحالتک احتمالی صد وری نامتوقمدر طریق
 محبت دین قوییده چند روزه سموم جور و ستمه تمهمل اولکه
 قریبا احکام تقویم الطاف خفیه الهیه دن تقلبات
 فصول وایام مستنیع تعدیل هوای مرآمد ردیو تسلیت پیوردیلر
 ابن اسحق جناب ابن عباس رضی الله تعالی عنهما سادن
 روایت اید وکه ابریق صلح و وفاق شست و شوی آلابش
 جنک و شفاق ایلد وکه سرچریده اتیاعلیه افضل التحابا
 حضر تازی لوازم نحر و مدبی مراعات پیوروب هرتار مشکبارلی
 شانه زده مژگان کروییان اولان سرعرش کذارلین تراش ایلدیلر
 ابوالقاسم سهیلی زهر الزیاضنده بو وجهله شکوفه پرور خبر
 اولشد رکه وردنوشکفته باغ هدا باجلله اصحاب کرامد اراقه
 دمای هدا یا وحلقی رؤس ایچون اشارت یوره قارنده جان فروشان
 بازار محبتک ماملرینه مخالف ظهور ایدن سرمای شوق فرسای
 میثاق کانون کرم امیدلین افسرده ایتمکله غلبه حیرتد
 هیچ برنک اناملندن سکین فرمانه قوت امثال بدید اولمادی حتی
 اوج دفعه تکرر فرمان قدر توان پیورلدی اماینه هیچ بری دست
 امثالی اشنای کر مطاوعت ایلدیلر بوحالتدن پیشانی قرتاب نبوید
 کره ملال غمایان اولغین همراز شبستان عفاف ام سله رعی
 الله عنهما جنابته صحاب کرامک معبر طلم کذار اطاعت پانهاده
 اولد قلرندن اظهار رنجش ضمیر پیوردیلر ام سلمه رضی الله عنهما
 دیدیکه یار سول الله بوماده ده مجلای خانه خاطرک خبار نشسته
 ملال اولسونکه دست بسته بسملکده اطاعت اولان اصحابک
 حاشا ریمان فرمانکده دست و پای نزد جنابان ایلده رمعهله
 رهباب فرمانکز فروزان اولد یغی ساهند سارعا اتقاده

مسارعت ایتمدکاری جهندن دخی معذورلردر انلرك
 شمدی وجهه امید لرینه سداولان ككوه آندوه
 مشكل ككذار نفس شعور لرین كسته ایتمكه شاهین
 دوخته چشم خردلی هوای حیرتده پریشان پرواز اولق
 بعیددككدر بو قدر سننیدن بروصرف انقاس آر زوایله
 لمعان اولان چراغ امانیلری تنویر مجلس مقصود ایده كك
 زمانده بادنا ككام خبر صلح اطقا ایلدی شمدی ایلردن
 صادر اولان ميوء ناپخته حر ككات ثمره نهال
 حیرت لریدر مناسب بودركه آنكه تلخ ساز ذائقه خاطر خطیر
 اولیوب مقتضای وصف کریم خلق عظیم اوزره وضع تكلسل
 کونه لرین پس انداخته قفای تسامح وانماض بیوروب خاطر
 خواهكز اولان متناهی مربوطه فوئدن مذبحه فعله کتوررسز
 اول مرتبه دنصكره اصحاب ستوده جنابك دخی ضروری
 ترددری اتباعه متحول اولماق ناممکنلدر دیوب خانه ضمیر
 منورلرین غبار رنجشدن تصفیه ایلدی علی الصباح شكافنده
 سینه قریب جناب سید البشر حضرت ناری هوادی هلال نمود
 هدائی بوسه لب کاردایله مجازی خون ایتمكه شروع بیورد قد
 عامه اصحاب هربری اساله خون ایله مارض صحرایی کل کون
 ایلد بلرو اعمال خلق و تقصیرده دخی سرمورخصت داده
 تقصیر اولمدر اولر اول محله ناکاه فرمان حضرت مرسل الزیاح ایله
 ربیادعنبر بوی چاروب دارمیان پند خد متكلست اولوب
 تراشه موی اسلامیان خاك عطر ناك حرم محترمه اهدا وهبیر
 پیرامن ام القری ایلدی بومعامله لطیفه الهیه سر پرهنگان منصه
 تسلیمه وسیله تسلیت اولوب مرأت ووزکارده علامت قبول عمره
 مشاهده سیله نائل بشارت اولد بلر منزل حدیده ده بکرمی

کون اقامت اولوب بعده نواحی خیول هجر نسرایه فقول
ایلدی طی راه اثنا سنده سوره مبارکه فتح منزل الوب انوار
بشیر ایله قلوب مؤمنینی تنور ایلدی و صلح حدیبیه تک او چنچی
سنه سنده فتح مکه ایله مبشر اولوب نهال مصلحت پر حکمت
بر وفق مراد بر آور اولدی بو واقعه عبرت اترك تفصیل
کتب سیرده محرر در عقلای روشن رایه خفی دکلدر که
صلح حدیبیه ده اولدای اسرار کائنات علیه اشرف
التحایاتک سیاق مذکور اوزره خواهش اعدایه رضا
کوستمرلی حاشا ثم حاشا مقتضای عجز واضطرار دکل ایدی بلکه
اول سلطان سر بر ارشاد علیه السلام مرادری مراعات صور
اسباب ممکنه و تمسبت امور تدریجه بی علی طریق التعلیم امت
مرحومه یه تفهیم نیور مقدر اول خورشید مشرق نبوتک انوار
سنت سنیه و آثار سیر مر ضیه سی سبیل قویمه دلیل شافی و صراط
مستقیمه رهنمای کافی در دل تشنگان بادیه حیرت اولنله راویه اخبار
اطوار لرندن سرچشمه عرفانه یول بولور و غشاوه اوهم
وظنون سبی ایله حقایق بین اولیان عیانه خاصیت براهین
احادیث درنشاری روشن بخش یقین اولور

﴿ فصل اول ﴾

معلوم اوله که ملک و سلطنت معانیه اولان دولت بر نوع آیین اوزره
اجتماع بشریه دن عبارتدر اسرار طبایع اشیایه واقف حکمت
نظریه و عمایه دقایقه عارف اولان محققار دیدیدیلر که انسانک
اجتماع حال انفرادی حائیه مماثل و اکثر امورده بر برینه موافق
و معادل ایدیکی امعان نظر ایله حد بداهته و اصل اولشدر نظم
جلیل (و خلقتکم اطوارا) ده بو عمایه ایما واردر دیمشدر انسانک عمر
طبیعه سی اوج مرتبه اوزره تقدیر اولور سن نمو و سن وقوف و سن

انحطاط لکن قوت و ضعف ترکیب سبب تفاوت اوزره اولوب
 شخص ضعیف البینه نك سن انحطاطی قوی التركيب اولان
 کسسه دن مقدم اوله کلشدر پس انسانك دولتن عبارت اولان
 اجتماع حالی دخی اوج مرتبه اوزره در زمان نمو زمان وقوف و زمان
 انحطاط بواوج مرتبه کدلك تفاوت اوزره در اول اجلدن سلفه
 بعض جمعیتلر چوق یکمیبون زمان انحطاطه واردی و نیجه سی
 آفته اوغرایان یکتلر کبی سوء تدبیر آفتی ایله زمان وقوفده کندی
 و به مضبسی بود دولت علیه کی قوی البینسان راسخ الارکان اولغله
 امتداد بولوب زمان وقوفی کچ یکسی و بوازمه ثلثه نك کرک انفراد
 و کرک اجتماعنده علامتلی وارد در تدبیر امور جمهوره مباشر اولان
 مهره مدبرین یلوب اصلاح مزاج و سائر علاج تدبیرنده اکا کوره
 عمل ایدرلر نه که معالجه جسمانیه و روحانیه ده قاعده کلیه در
 والاسوه تدبیر ایش اولورلر زیر اشیخ فانی په اولان علاج صبی په
 ال و برمن و هکسی دخی مفید اولر نه که تفصیلاتی کلسه کرکدر
 و هیکل مخصوص انسانی عناصر اربعه طبایعنده اولان اخلاط
 اربعه دن تألیف و ترکیب اولوب حواس و قوی واسطه سبله زمام
 تدبیر و تصرف نفس ناطقه نك کف کفایتنه ویرلر یکی کی هیئت
 اجتماعیه بشریه دخی ارکان اربعه دن تألیف و ترکیب اولوب
 حواس و قوایه نظیر اولان اعیان دولت و ساطعی ایله لجسام تدبیر
 و تصرف نفس ناطقه متمانده اولان سلطان عالیشانك دست حکمنه
 وابسته قلمشدر ارکان اربعه دیدیکر، علما و هسکر و تجار و رعا یادر
 زمرة علما بندنه خا ط محمود اولان دمه بمثل او اوب قلبه منبع
 روح حیوانیدر و روح حیوانی بر جوهر لطیفدر که غایت اطافندن بندنه
 بالذات جریان ایدمه یزوب دم اتی حامل اولوب عروقدن اطراف اعماق
 بدنه کتوروب جله اعضا و جوارحه ایصال ایدر لاجرم بدن انکله

حیات بولوب منتفع اولدیغی کبی علماء شریعت و حقیقت دخی
روح حوانی مشابه سنده اولان علم شریفی مبدأ فیاضدن بالذات
ویا بالواسطه حامل اولوب اطراف بدن مقامنده اولان امبلره
وعوامه ابرش دیروب بدن دخی روح حیوانیدن منتفع اولدیغی کبی
اندر دخی علمدن منتفع اولورلر و روح حیوانی قیام بدنه سبب اولدیغی
کبی علم دخی دوام جمعیته سبدر و عسکر باغم مقامنده و تبحار
صفیه و رعایا سودایه مشابهدر که طبیعتی ترایی و سغلبدر بواخلاط
اربعه کسر و انکسار ایلر بریزدن منتفع اولوب مزاج بدن صحت
بولدیغی ~~صکبی~~ اصناف اربعه بالطبع بدنی اولیق حسبیه بری
بریزدن منتفع اولوب نظام جمعیت و مزاج دولت صحت بولمشدر
و بواخلاط اربعه اعتدال اوزره اولیق و اجبدر تاکه مزاج بدن
مختل اولیه اگر کیمت و یا کیفیت جهشدن بری رداعت پیدا ایدرب
فاسد و یا غالب اولورسه اخراج و تسکین ایلر تدارک لازم کلور پس
رعایا که سودا مقامنده در طب و تشریحده تابشدر که طامام هضمندن
صکره براز زمان معده یه غذا وارد اولماسه طحال راز سودا دوکوب
بوش قالمسون و بعض خلاله مؤدی اولمسون دیو تدارک ایتدیگی
کبی معده مقامنده اولان خزینه عامره یه دخی غذا مشابه سنده اولان
مال وارد اولوب تهی قالدقده رعایا فقرامی اموال دوکوب هر بار
خزینده بی بوش قوموب تدارک اوزره اولورلر اما انلر مقهور
و تنکسر اولوب کار و کسبدن قالدقده بو تدارک بئسر اولوب
خزینه بوش قالدور اول اجلدن سلاطین سلف رعایای ظلمدن
حایت ایدوب قصبات و قرانک خراب اولمسنه و رعایان بری شهره
کلوب ساکن اولوب زراعت و حراشدن قالمسنه رضا و یرمز ایدی
و بدنه سودا غالب اولدقه و سوسه و مال خویا مثلوا امراض
یابسه ظهور ایدوب خیالات و سهر روحی ضعیف و بدنی نحیف

ابتدیی کی وسعت حال و ترفه رعایا اعتدال دین بیرون اولسه پیر
 جهمینلری و نزاع غوغالری ظهور ایدوب تکالیفده حکامه سرکشلاک
 ایدرلر و لکن رکن سودا نک کند و طبیعته تغیر و نفعی نادر و اکثریا
 فساد ی خلط آخر احتراقندن صادر اولوب امراض سودویه
 دکه حالد مهلاک اولدیغی کی رعایا دن عملکته ضرر متصور
 دکلدر کاه یجه نهج و فورانله صیاح و مذبذبلری اولور سه اندفاعی
 آساندر تجار که صفرا مقامنده در خلط صفراک اعتدالنده لطایف
 کیوسک انهمضامی کثایف و اثقالک اندفاعی خدعتی بحرای طبیعی
 او زره اولغله بدن عافیت ایله خوش حال اولدیغی کی تجارک اعتدال
 حالی مصالحک نظامنه و اخذ و اعطا و معاملاتک دوامنه و ملباس
 و مطامک و فربله نظام و رفاه جمعینه سببدر چکنکه صفرا ردی
 و متغفن و باحد اعتدال دین تجاوز و غالب اولسه بدنده حییات
 رنیه و صفرة بشره احداث ایدر که ذلک تجار و اغنیایه ضرر
 و انکسار ایرشسه و یا خود مختر و مرانی طماعلر کی کتم حقوق
 و حبس فضول ایله دنیا پرستلر افراط ایله اعتدال دین عدول
 ایتسه لزجای فقر و مجاعات ایله خلق عالم زبون و کودت
 افلاس ایله جمال مملکت دیکر کون اولور و عسکر که بلغه مشابه
 و معاد ایدر بلغه بدنده لزومی و نفعی و کثرتک ضرری و طغیان
 کدری نیجه ایتسه عسکرک دخی او یلجه در صحت بدن نیجه
 اخلاطک اعتدالنه موقوف ایتسه نظام جمعیت دخی
 اصناف اربعه نک اعتدالنه منوطدر اگر چه طریفه دخی
 اعتدال حقیقی متصور دکلدر لکن کسر و انکسار بر مرتبه
 حد دن افزون اولیه که عرض مزاج دن چقمغله صحنه خلل
 کلیه بچان انسان سن و قوفی نجا و زایلسه برودت و رطوبت که
 بلغه خلقی و پیرلاک طبیعتی در لاجرم اول سنده بلغه غالب

اولوب حکمتی اجرا ایدر هر بار اخراج و تسکین اولند چنه
طبیعت کبر و تولید ایتک اوزره در وسایر اخلاط دخی اکا
منقلب اولغه مبلده در کذلک زمان وقوفدن صکره هر دولتک
عسکری زیاده اوله کلمشد ر بمقدار یوقلنوب ضبط و نحر بر اولنور
ایسه دخی خالق بالطبع عسکر بلکه میل ایدوب هیچ اولنر سه
کسوه و قیافتده تقاید ایله کتد چنه چونما لمقده در امدی اولسند
اولان کسنه بلغمی بالکلیه مغلوب ایدوب مغلوبیتی حالند
طور غور غه سعی اتمه سی عبثدر بلکه اول حالده اولانه مناسب
بودر که بلمغک منر رسن غلیه سی مرتبه سنه را ضی اوله
چون اخلاط اربعه درت صنفه مشابه اولوب نفس نا طقه سلطان
وقوت عاقله وزیر و مدرکه مفتی مقامند در ویدنده معده خزینه
وقوت ذایقه صراف و وزان و جاذبه محصلار و ما سکه خزینه دارل
وقوت ها ضمه دفتر داران و کتاب و قوای دیگر سائر ضابطلره
نظیر دوشوب معده یه وارد اولان غذا قوای مذکوره تصرقله
محلته توزیع و تقسیم اولنوب بدن غذا لند یکی کبی جله اصناف
دخی خزینه دن بالذات یا بالواسطه منتفع اولوب بکنورل چنکه
ذکر اولنا قوتلر اعتدال اوزره اولوب برینه ضعف و یا فتور
کله مزاج بخل اولد یغی کبی طوایف مزوره خیانت و فساد
اوزره اولورلر سه مزاج دولته ضعف و فتور کلور و زمان وقوف
آخر لینه دکن بو قوتلری قویدر صکره تدریج ایله فتور کلوب
هضم عملنده قصور ظهور ایدر چون هر صنفک تمدن واجتماعی
حائنده مراتب اعمار و اطواری واحد یا اشخص انسانینک
مراتب اعمار و اطوار نه موافق اولوب هر انسانک سن نموسن
وقوف و سن انحطاطی کبی هر دولت و جمعیتمک اطوار ثلثه سی
اولد یغی معلوم اولدی (خنی اولیه که) اطوار ثلثه دن

هر برینک مقتضیاتى طور آخر ملازماته مغایر در (مثلاً) انسان
 حال صغرده پدر و مادر تربیه لرینه محتاج اولد یغی کبی هر دولتک
 قیام وظهوری تعصب و تعاون رجا الله در بدمه هر کس اعمال
 فکرورای ایله اسباب معاشه دست رس بولد یغی کبی هر دولتک
 نظایمى دخی قانون عدل ایله جلب اولنان خزاین و اموال ایله
 منتظم الحال اولور و هر انسان سن غموده نیجه تر قیدن خالی
 اولمازسه هر دولتک 'واثلی اواسطه قریب زمانه دکن مال و رجال
 و شوکت و اقبال جهندن یوما فیوما نشورنما ده در هر شخص
 سن وقوفده کالین بولوب نیجه بر حال اوزره طور رسه هر جمعیت
 اواسطندسه زمان مدید برقرارده اولور و بر وفق (خیر الامور
 اواسطها) حقه قابل و عدله مایل ملوک هر دولته بوخلاله دوشر
 و هر انسان سن وقوفدن کچوب سن انحطاطه وارد قده
 حواس و قوی تنزله آغاز ایدوب کند کچه ضعف پیری
 نیجه غالب اولورسه هر قومک اجتماعی حالی اواسطدن اوخره
 وار نیجه زمان انحطاطده تمام بو منوال اوزره اولور یعنی
 منشأ حواس و قوی اولان حرارت رطوبت غریزه نقصانه توجه
 ایتمکله ضعف هضم و قصور تغذیه بدندن هناصره و هن وقوایه
 فتور کلد بکی کبی حرارت و رطوبت عزیزیه معامنده اولان
 و کلای دولت و سائر قوای بدینه مشابه اولان ارکان و خدمه
 سلطنت تغیر کیفیت جهندن نقصانه یوزطو تغله قصور رآی
 و سوء تدبیر دن اخلاط اربعه به تشبیه اولنان اصنف چارگانه ک
 حالی مختل اولوب رداءت کیفیت تزیادی شدت اختلاله
 علت اوله کلمشدر و هر شخصک علامت شیخوختی صابج و صفتال
 اقلیغی اولد یغی کبی هیئت اجتماعیه ده زینت ظهوری نشانه
 انحطاطدر زمان و قوف انقضاسندن صکره زینت و رفاهیه

اعتنا آثار از یاد و وضع قدیم مهجور اولوب هر کس
توسیع دایره شان و عنوان آنکه باشلو کند بکجه واسطه ناس مسکن
ولیا سنده و ز راه بلکه ماو که مشارکت رتبه سنه قریب اولوب
انفراد واجتماع مصر فی ارتوب کتد بکجه تزیید بولقدن خالی
اولز وارد فجه ذوق و راحت عرف و عادت اولغله رجال حرب
حضور حضری کدر سفر اوزرینه ترجیح ایده رک مستلزم
انواع مشقت اولان بجاهده بی حراست و حایثه قصور ایدر
اکسر چه (اکل اجل کتاب) فحواستجه هر ظهور و انقضای
محکمه ازل و آزالده قضا و امضا اولنمشدر لکن آیت کریمه
(بحواله مابشاء و یثیت) مفادی اوزره قضا و معاقق ثابتدریس
بوتد برجه هر جمعیت زمان انحطاط نهایتیه وارنق لازم اولوبوب
بلکه تناول سم ایلسه قبل حلول الاجل کبر و اجلی ایله اولدیک
کی سلفده قانون عدلی اعمالده اهمال ایدوب جور مسکنه کیدن
اصحاب دولتک شوکتلری قرین زوال اولدوغی معلومدر
و هر شخصک که سن انحطاطی نهایتیه وارنجه سلامتله بقا سنده
ارا دت علیه الهیه تعلیق ایلسه اول شخصکی بنفسه حفظ صحت
اسبابه مهندی یا خود بر طبیب حاذقک تدبیرنه مقارن قلد یغی کی
بر دولتک غایت انحطاطیه بلوغی مراد الله اولوق دخی ملوکده
رشد و سداد و یار طبیب حاذق مقامنده حسن تدبیر اصحابی و کلایه
افتران و اسناد در و هر دولت بقا سنک شرطی سیاستدر یوبخی
یا عقلی اوله حکمت عملیه دن بر قسم اولان هلم سیاست ملوک کی
یا شرعی اوله کتاب الله و سنت رسول اللهده وارد اولان احکام
الهیه کی سیاست شرعیه سیاست عقلیه دن معنی اولغله
ملوک اسلامیه دستور العملدر هر پادشاه دل آگاه وزیر صاحب
انتباه که انکله حامل اولدی تأیید الهی ایله منصور اولوب سعادت

دارینده وصول بولدی معیار شرع و عدله اعتبار ایتموب
داعیه نفس ایله ظلم و هوا و هوسه اتباع ایدنلره غیرت الهیه
ظهوری ایله مجازات اوله کیشدرملوک کفایت بقاء د ولتری
مدار سیاست عقلیه لرینه اعتبار لریدر دنیا کفر ایله یقین ظلم ایله
یقلوزدیده کلزری بوندن نشئت ایتمدر و هر وضع و حرکتکه دائره
قوانین شرع و عقلدن خارج اوله لابد زوال واختلاله مؤدی
اوله کیشدر بوفصلده بومحله کلجه ذکر اولنان فوائد حاجی خلیفه
افوالدن منتخب کلیاتدر بعض فواید ایله تمییز و سباق
دیگر اوزره ترقیب و تحریر اولتمشدر

وقوعی جمیع دولده مقرر اولان اطوار نجسه معتبره یاننده در
معلوم اوله که عادت الهیه و ارادت علیه بوجهله جاری اوله کیشدر که
هر دولت و جمعیتک حالی دائماً برقرار اوزره مستقر و وثیره و اخده
اوزره مستقر اولوب هر بار اطوار مختلفه و حالات متجدده په متقل
اولمده در شویله که بروقتک حالی عصر آخره متایرو بر طوزک
اقتصادی طور سالفه محالقدر و ایشای عصر بولند قلمری
طوزک احوالیه مؤتلف و رجال وقت مقتضای زمانه لری اولان
کیفیت ایله متکیف اوله کیشدر در زرا لازمه وقت امتثال و مماشاة
و مزاج دولت عصره اتباع و مراعات طباع مخلوقاتده حکم
خفیه مبین بر خلق جبلیدر پس اطوار متغایره دولت غالب حالده
بش طوزی تجاوز اینز (طور اول) دولتی ایدای غیردن ابتزاع
و ملکه استدلالیچون مداخله لری قهر ایله بقیه عز و نعمته ظفر و قیددر
و بطورده صاحب و لیک حالی اخلاق حیده ایله مزوق
وضیانت اهراض و حفظ نوا میس ایله موصوف تقض عهد
و تعزز و تکبردن متجنب نشون عیش و لباسه فانی مکاره و مشاقه
صا برآمده متضایب اولوب غلبه و شوکته هلت اولان عصمیه

رہایت ایدوب خیر و شہرہ قومی و عسکرئی ایله یکرنگ و اکنسار
 واقنسار مجد و غنایمہ جملہ انصار ایله مشترک اولوب فوادی نفسہ
 تخصیص ایله کندوبی اہواندن ممتازا یتمکلمہ مواساۃ ومدارا اتمکدر
 (طورثانی) مقصود اصلی واعز والذمطالیب انسانی اولان ملک
 ودولتہ ظفر مبسر اولد قدن صکرہ قومی مشا رکندن منع
 وعونه وانصاری امورہ مداخلہ ومعارضہ دن ردع ایدوب
 مفردا ملکی تصرف ایله استقلال وقتیدر بوطورہ صاحب دولتک
 حالی ظہور دولتہ سبب اولان قبیلہ وعشیرت مثلاً طایفہ کہ عزتہ
 مشارک ومنافع دولتہ مقام سماردر لامحالہ وقت بد اوئدہ مالوف
 اولدقاری مشارک غرائب و تطاول واسنبلا ایله ناز واستغنا یہ
 باشلسہ لکر کدر دلخواہلری اوزرہ مطالب متو عہ یہ راغب
 ومزاج مالکہ مضر مشہبات و هواریخی اجرا سمتہ ذاہب
 اولغچون اوضاع قبچہ و حرکات شنبہ لری صدور ایتدکدہ
 برورنری قمرق و کوزلری صندرمق ایچون مخصوص بندہ لر
 وعبد مملوک مثال احسان دیدہ کسنہ لر پیدا ایدوب وقت احتیاجدہ
 ائیر ایله استعانت واجتماع ایدرک اسکیری تأدیب وضبط وبرر
 مرتبہ متعینہ ونسق منتظمہ ربط ایلوب امر ندہ مستقل
 ونصاب ملکی کامل اولغہ دولتی شرکادن تخلیص و شرافت
 مجد ومعالی اہل بیتہ تخصیص اتمکدر زریاد ولت وساطتہ
 لازم اولان قوت عشیرت والتحام عصیت برامر و ہمیدر کہ
 اہل ارحام واقارب متفق الرأی والتکلمہ ومعاشرین وذوی
 القربای متحد القلب والرؤیہ اتمکدہ سبب حقیقیدر کذلک
 استرقاق اولنان عبہ وموالی واجرت وانعام ایله استخدام اولنان
 خدام واصطناع معروف ایله قولتی قبول ایدن احرار وادارات
 مکرم واحسان منمنسندہ بندہ لک اختیار ایدن یار فار لر مجازا

عصیت حکمند داخل و التهامی قوت پذیر اولورسه قبیله
و عشیرت منافعه موصلد هر جهینک مبدأ ظهورنده عضیتک
جهت حدتی اهرم اموردندر لکن دولت بداوتدن حضارته
منتقل و بطور ثانی به واصل اولد فده مابه الامتياز بعض خصوص
ایله عصیت سابقه دن ممتاز بر قوم خاص انتخاب و مظهر
اختصاص اولق لوزم سلطنتد رکه حین ضرورنده احد همانک
انتصار یله آخرک ثورت رهوتنی دفع ممکن اوله و بواتخاب
وامتياز افعال مذوحه و خصائل مستحسنه به مبنی و لیسافت
شایعه به مربوط بر عنایت معتدله ایله اولفه محتاجدر که خلوص
دیگر انک ابطاله و سابقه خدمت اصحابنک صداقت و اعتمادی
زواله باعث اولیه دول ماضیه ده علی الخصوص بودوات
هلبه ده عن اصل سیف و قلم و سایر خواص و خدام طریقتی
تنوع و اوجافلرک دأب و آیین و لباس و طرز قوانینلری بر بزرینه
مغایر اصول و قواعد تغیر اولند یغنده حکمت بودر که عون
صمدانی و تأید اسمانی ایله مؤید اولسان جمعیتلر بطور ثانی
تدارکنده عاجز اولوب اکثر یا ذکر اولندیغی اوزره کثرت شرکا
و تخالف احوال غلبه سیله بطورده مضاعف و هبیا اوله کثرتدر
مبنای جمعیتلری فاسد اولان مفسد رکه نچه دفعه ظهور ایدوب
بطورده بلوغدن اقدام دوات عاید همتانیه نک تاراج کرده
بد قاهره لری اولشد

(طورتالث) فراغ و راحت و سکون و امنیت و قشیدر
بطورک حالی مرغوب طباع بشر اولان لذائذ و مشتهیاتدن
قضای و طریقتدر بواقایده ثمرات ملک و مالی تحصیل و محامد
و خیراتدن بمد صیت و تخلید آثاره سعی جمیل ایدوب ضبط ایراد
و نفقاتده اقتصاد ایله مالی توفیر و مضانغ عظیمه و انصار منسعه بی
تعمیر ایلوب و محتاجین و مستحقینه احسان و اکرام حواشی بی مال

و چاه ایله بهره مند و وجوه اعیانی مناصب مالیه و توقیرات
 لایق ایله سر بلند ایدل و ریاض دوانده نورس نهال پرورش ایدوب
 زلال محبت یله درخت میوه دارل بشدیرلر یعنی اخلاق مهذب نجه
 مؤدب لری ایلر و چکوب صدق و خلوصی مجرب مستعد کسملری
 سرگاره کنورب منار عز و علاءه روشن چر اغلر پیدا ایدرل
 و عساکر و خدایمک نفقات و مواجبلرینی غره شهو رده اخراج
 و توزیع ایله معاشلرین توسیع ایلرل که اثر عطایازی و قیافتلرند مظاهر
 و ایلم زینت و آهیا دده ملا بس فایز ایله متجسس اولرلر ایلم مسالیه
 فخر و مباهات و فرق محاربه به قهر و نکایات حاصل اوله بوطورده
 اصحاب دولت بی منازع و مشارک رای و تدبیر لنده مستقل و استعداد
 تام ایله تنظیم قوانین امورده مشغول اولوب وضع و حرکت لری قانون
 معول و بعدهم کلایه دستور العمل اولور بوطورده اولان اساس دولت
 مشید و بنای سلطنت مهمل و لغله عشریت و عصیتان رمندن مستغنی
 اولور اول جهندن که ملک و دولت اهلنه نصاب مخصوص ایله
 استقرار یار یست میسر اولوب اعقاب کنز بنی و ریاست ایله واحد ابعد
 واحد تحت نشین اوله قی کندی که ضابطه ریاست لری محکم و شامخ و انقیاد
 و تسلیم عقیده سی عقول ناسده راسخ اولوب اعدالیه مغالیه اتمک امور
 اعتدال یه دن عدال و لغله بعد ذلک عصیت ایله استعانت حاجت اولر
 و د که حاله کسته ریفه اطاعت لرندن سر کشک ایلز (طور رابع)
 قیامت و مناسله طور یدر بوطورک اصحابی طو رسابقده و یکنلرک
 قانونلرینه تابع و انلرک موضوعی اولان جهات منافعه قانع اولوب
 خذوا النعل بالنعل آثار سلفه اقتضا و نفع مستقیم اوزره ماضیله
 اقتدا ایدرل اسلافه تقلیددن نکول و طریقه سابقیندن هدول
 ایدرلر سه فساد عمل امر مقرر در ابتدا مجد و دولتی بنا ایدلر
 متأخریندن زیاده فکر سدید و عقل رشید صا جلدلر تا سهس

ایند کلزی مصلحت مفارقت و خاوت بشی دزته هلندر بو طور ده
وکلانک قوتتری کمال و عظمتک ثرتتری نصاب کاله واصل اولوب
عسکرینک بطوفی شعبان نعم راحت ایله مرفه و بطران هرکس
بر مرتبه معینه به بالغ و مشاغل معینه دن خالی و فارغ اولورلر
بویامده اصحاب مناصب مرکز لنده ثابت قدم اولوب
تبدیل و تغیر نادر واقع اولغله مسالک طرفه ساوک متعسر
اولوب رتب درجات اربابنک القاب و اعتباراتی حالت واحده اوزره
متمادی اولدیفندن متحرکدر درجات اعتلا به ارتقادن محروم اولوب
اورتالغک اوضاع و اطواری بر مدت بوسیاق اوزره جاری اولور
کیده رک دوعای نخود و بطر منازعاته مصدر اولوب اصحاب جاه
وجلال یکنه نحاسد و تنافس سببی ایله تقاق دوشر اغراض نفسانی به
مبنی عزل و نصب و رفع و حط ظهور ایدوب رفای اقران و امثال
قع و استیصال ایله منافع دولتی کندویه حصر و استقلال تصورن
ایندلر طریقه انصافدن عدوله باشلیوب کار دانان دولتک قلوب
متغایره الامانیلری تألیف و توفیق قبولندن قالور علی الخصوص
نه طعی رشا و ارتشا طریقه مستوره و مناسبت معقوله دن خارج
افشا اولوب حل و عقد اموره مالک اولان رجال مطلقا مالیه میال
اولوب استعداد ذاتی و استحقاق حقیقی رعایتی متروک قاله قبول
فساده مراج دولتک استعدادی دخی زیاده اولور بومخذورات سببی
ایله صورت حقانیت قالبینه افراغ اولنمش غرض آمیز دعوال و طمع
و طول ایله مبنی حیل ایله مدسوس خیر خواهلر شککنده مدهال
حدوث ایده رک اصحاب تزویراتک تحریری ایله متهوران عسکر
دخی پرده بیرون وضع و حرکت باشلر شور و شرر بینی ابطال ایچون
مشاق سفر ایله اشغاللری بالضروره لازم کلور و اعمادیدن اخذ
نار ایچون توسیع دیار و قهر کفار بهانه سبله انسدادی پیشکل برقیو

آچیلور و جهور عسکر راه سفرده بذل موجود و مهالك محذوره ده
انعام وجود ايتكله بلوغ ظفر مبسر اولوب بعده ابواب آسایش
كشایش بولور سه فهو المطلوب والاوصول مطلوب عسرتلی و حصول
فراغ دخی صعبوتلی اولقله سفرل متعاقب و زحمتلر متتادی اولور سه
اضاعت مال و اتلاف رجال بهر حال مزاج دولتک فتور و کلانله
سبب اوله کلمشدر بوغوايک چاره سازلغنده تدبیر حکیمانه ابتدا
سفر غائله سی بر طرف و ایام خالیله ده تنظیم اموره همت صرف
ايتكله ممکن اوله کلمشدر

✽ طور خامس ✽

تذیر و اسراف و اضاعت و اتلاف طوریدر بو طورده قرنائه سوء ظهوری
ایله بلا استحقاق بذل و اتفاق اولنور بو طورک اصحابی اسلافه مغایر
قوانین و توسیع مساکن و ملایسده احتشام تام تانه تصبیع ماله
باعث زینتله پیدا ایدوب (شرار الامر محدثاتها) خواصی اوزره
عجیب و غریب آیینلر احداث ایدرل خزانین مجموعه نسوان و سائر
مشتهیات مطبوعه نك زیب و زینتی مثللو اسرافات غیر مشروعه یه
صرف اولتمضله خونه دخی فرصت و رخصت بولوب مستلذات
نفسانیه یه متعلق و ساوس شیطانیه تدارکی ایله حریم دولته بول
بولوب بر حیلله ایله جهات منافعده استیلا و اموال عظیمه ادخار
واقفنا ایدرک اموال موجوده تلف اولوب واجبات دین و دولتدن
اولان سد ثغور و تعمیر مملکت و توفیر خزائن و تجهیز هساگر
مصلحتلری مهمل قالوز مهمات دولتی جبرایچون ماله احتیاج
ظهور ایدوب و اموال میریه دن غیری اطرافدن مجتمع اولان بدع
تکالیف محصوللری ییله مصارفه کفایت ایتمز اولور وقت و سعنده
ملوک و وزرا همتی ایله خدمات نافعده و جهات موجهه دن ادخار
مال ایلینلردن استمداد اولنوب اثواب و ذخائر و امنعه و جواهر
مبايعه سیله سایه دولتدن عظیم سرماییه یه نائل اولنلردن استقراض

اقتضا ایدر انلر دخی اظهار تفقرایدوب جزئی شبئی ویرسدر
 خانام برباد اولدی دیو فریاده باشلرلر نعوذ بالله تعالی بو طور
 خلالتده متعاقبا سفرلر دخی اقتضا ایتش اوله اشتداد ضرورت
 ایله وکلا متعیر وبالضروزه استغراض نامبله لاجل المصادره اغنیایه
 محجر اولورلر جور و غدر آوازه سی شیوع بولدینی کبی ظلمه اطراف
 دخی متولره دست دراز اولقلغه باشلر مال و منال شق جان اولخله
 سرمایده دارانه خشیت سربان ایدوب ممولان ملکوت و اتا بکان
 دولتک کی چیج شریفه کتمکده راغب وکی دیار مصره و یا بلاد
 بعیده په هارب اولوب تخلیص ماله کونا کون احتیال ایدرلر بلر ترک
 مال و عزتک احتفاظی ینه مستفید اولدقلری دولت مبارکه
 سایه سنده ممکن اولوب آخر ولایتده مئسلط حسودلر مکریدن
 و دیار غریبه غدارنه ابلر شردن آسوده اولق و مال و جان قورتارمق
 محالدر بودا هیده دهیلتک امتدادی مضرات کثیره نک اشتدادنه
 باعثدر طریق اندفاعی بر عاقل و روشن ضمیرک حسن تدبیر یله ابتدا
 سهرا غائله سی بر طرف قلوب بعده طبع فنوع ایله تنظیم اموره شروع
 بیورمق ایله حصول پذیر اوله کلمشدر (فائده) این خلدون مقدمه
 تاریخنده بردارنه عدلیه ذکر ایدر قتالی زاده علی اقتدی مرحوم
 اندن اخذ ایدوب اخلاق علائی نام کتاب لطیفنده درج ایتشدز
 خلاصه سی بودر که ملک و دولت عسکر و رجال ایله در و رجال مال
 ایله بولنور و مال رعایادن حصوله کلور رعایا عدل ایله منتظم الحال
 اولور جیع دولتہ قطرق ایدن ضعیف و کللال دائم بودر ترکنتک
 اختلالیدن منبعث اوله کلمشدر بواساسلرک تزلزلنه باعث نیجه اسباب
 و حوادث ذکر ایتشدر ضرری جله سندن اشدا ولان سفرلر تمتد
 اولوب بین الوکلا اختلاف اراظهور ایتکدر قوت مالیه و اتحاد
 قلوب رجال اولدقیه سفرله شروع ایتک بین العقلا متوعدر

تواریخچه اطلاعی اولنله معلومدر که سلفده نجه ملوک مال قلی
ووکلا و عسکرینک عدم موافقتی مخذورندن سلسله جهادی محرک
اولوب صلیح و صلاح سمته سالک اولدیلر بعضیلردخی یو عوارض
صعاب دردندن اهون شری ارتکاب ایدوب بلیه کفار استیعامندن
مالکی تخایص و عباد اللهی مهلمکه تلفدن حفظ و تحفی نیتی ایله
نجه مضیق محذوره عبور ایدوب ضون عموم ایچون کشدول بنی لاعلاج
سهام لوم و ترزید آماج ایتمشلدرد (امام مقریزی کتاب الملوک لمعرفه
دول الملوک) نام تاریخنده ذکر ایدر که مایه سادسه دهسکره ملوک اسلام
یئینده عدم اشلاف وفاق حسی ایله مخاصمه و شقاق ظهور ایدوب
مجادله یکنبکره مشغوللر ایکن فرانسه کفره سی و سائر ملوک کفار
علی الخصوص غنچه طرفندن لشکر بی شمار استمداد ایدوب عظیم
دونما ایله آق دکن یالیرینه استیلا ایتمشیدی ملوک ایوبیه دن سلطان
مصر ملک عادل فوت اولوب اوغلی ملک کامل سلطان محمد پدیری
یرینه جلوس ایلد که سائر برادرلری حکومتنده بولند قلمری و لایملری
منتهیلا ضبط ایدوب حق و تبدیل قبول ایتمکدن ملوک کامل
مجادله و منازعه لیه بمحضور اولمشیدی فرنک کبلری آق دکن
یالیرینه و مصر و اسکندریه اطرافنه یتاشوب ساحل بجموده قتی
چوق موضعه استیلا ایتمشلر ایدی ملک کامل عساکر مصریه ایله
تک الجمول نام محله ایکن ملک افرنج اولان ایمپراطور لشکر کفار
بی شمار ایله صیدا اسکله سنه چیقوب و صیدا قلعه سنی ضبط
و تسخیر ایلدی ممالک سارزده فرمان ران اولان ملک عادل
اولادلری و سائر حکام و ارکانله ملک کامل اراسنده افتراق کله
ووکلا و عسکر یئینده تحاسد و اهراسه مبنی تحلف آرا و تضاد
سرا اولوب امر غزاده امانت و اتفاق صوری کوسزدیلر و لکن
معنا نفاق اوزره ایدیلر عیاذ بالله تعالی اسان حال خیانت مقاللردن

دیار مصره طابغه فرنگ مستولی اولورسه شام الیزه شامی دخی
 الورسه حجاز حاضر مرده بنی ایوب اوغرنده تلف جان یتیمکه
 موجب نذر دوانندن حصه مند و عاقبتدن بهره مند اولئر جنک
 یلسون دیو غیرت اسلامیه په لایق اولین مغال ترشیج ایدوب
 بلکه یومقوله زهاتی ماینلرنده تفوه و تصریح ایدر اولدیلملک کامل
 مدافعه اهداده عاجز و فرومانده مقاتله و مقاومت عدم قورشدن
 مدارا ابله حمله په آغاز و دفع سرورزه مهاده ابله چاره ساز نه ذاهب
 اولوب قاضیه سیکری شریف شمس الدین ارموی مواد صلحی
 سولشملک ایچون توکیل و امیر فخر الدین بن شیخ الشیوخ ایلچی
 تعیین و ارسال اولندیلمر ملاعین افرنج ایسه صیدا قلعه سنی تعمیر
 ایتدکدن صکره بنی محبابا حکایه دخی اسطیلا ایدوب صورت ظاهرده
 مسلمین ابله مصافات اوزره معامله ایدوب محاربه و مقاتله و قتل
 اسیر متعلق تعرض ایتمرز ایدی مخاذیل حبله کار کانه تمک قلاع
 مأ موله وصولندن صکره مسلمینک مال و جانلرینه ضرر بر یوقدر
 صورتنی کوسه و ب حیر انصافده کورنملکه مرض فرنگی کی
 سرایت و استقرار ایچون بو خدعه بی اظهار ابله مکارلک ایدر لر
 ایدی مر بوران و کبلار دخی واروب ملاعینی وجه معقولیه
 مصالحه په ارضا خصوصنده نزاع کثیر و مکالمه طویله دن صکره
 بالاخره من بعد مسلمین ابله مة تله ایتماک شرطیله و بعد ذلك
 ایلرو ممالک طمع و هجوم ایتماک قبیله و دخی بعض شروط
 و قبولیه قدس شریف قلعه سی افرنجیه تسلیم اولمقی اوزره اون
 سنه ویش ماه مدته دك ملک کامل ابله افرنج ایلر طوری پندنه
 عقد هدیه اولوب قدس قلعه سنی فرنگه تسلیم ایشلر و ایام
 خالیه مصالحه ده ممالک اسلامیه ده اولان اختلالی دفع ابله شوک
 اسلامه قوت و قدرت کلدکده یتد قدس شریف استخلاص

و کفار دین اخذ نثار اولسون دیو بوقضیه ما لله ايله دفعه غائله یه
تصدی ایتشلر واقعا اون برسنه سرورینه دك تنظيم احوال عسکرده
حسن تدبیر اولوب شام پادشاهی ملک ناصر داود قوت قاهره
جنود ايله کلوب قدس شریفی ید کفاردن استرداد ایتشد ر
جمله توار یخلمده مسطور در که اول ائشاده طوائف افرنج سفینه لایله
آق دکن ده فتنه انکیر اولوب تاریخ هجرتک درت یوز طقسسان
تاریخنده سواحل عربستانه استیلایه باشلوب انطاکیه و پیاس
و بانیاس و اسکندریه مصر و یافه اسکله لینه و صیدا و بیروت
و طرابلس و حکا و قدس شریف قلعه لرینه مستولی و کتیکه
فساد لری اشتداد بولوب انطاکیه و بعلبک و رها و حلب اطرافنده
پیاده و سواری تفنک انداز عسکر کفار ایصال مضرت ایدوب رها
و شام و حلب سرحد مثال دفعاتله محصور اولشیدی مخاذیل
مشرکین دیار مصر و شامی تمامها ضبطه قریب اولشلرایدی
بعون الله تعالی بنی ایوب شعبه سندن سلطان صلاح الدین
ظهور ایدوب اول شجیع کامل ورشید و عاقل سلطان ذیشانک
حسن تدبیری ايله اهل اسلام شوکت تام بولوب اتفاق کله واتحاد
قلاوب ايله عساکر موحدینه قوت کلوب سیف قهرایله اول ملاعینی
مقهور و مدمر ایدوب قلاع و بلادی استرداد باشلوب منصور
و مظفر اولدیلر مخاذیل مشرکینی اول اراضی طاهره دن
قلع ورد ایدو رک الی یوز سکسان طقوز حدودینه کلنجه بالکلیه
کفار خاکساری اول سواحلدن تبعید و طرد ایلدیلر ملک صلاح
الدین ایوبی نور الله مضجعه اویله بروقت اختلالده و دفعه فساد
حوالده و تألیف قلوب رجال و جمع مالده نه وجهله تدبیر دلپذیر
ایلدیکینی کند و دولتی علماسندن عبدالرحمن شیرازی جمع ایدوب
برمفصل کتاب ایتشد ر حتی عالی مرحوم ترکی لسانه ترجمه شکلنده

بعض فوائدی اخذ ایدوب خارج از صدد نیجه مباحث و نکات ایله
تزیین عبارات فصد ایدوب (نسیجه السلاطین) نام کتابی تألیف
ایتشدر بو فقیر اوجز عبارات ایله علی طریق الاختصار مهم اولان
فوائدنی انتخاب ایدوب باشقه برساله مخصوصه اولوق اوزره
بو تاریخ دیباچه سنک آخرینه ضمیم و الحاق ایلدم مطالعه ایدنلر
دهاء خیر ایله یاد ایتنک مأمول و مرجودر

فصل ثانی

دول و امم پندنده دأب و معتاد و طبایع بنی آدمده قرار داد اولان بعض
خصوص مسلم الشریک تقدیمی ضمننده امور طبیعییه و خصائل
اصلیه یه متعلق نیجه قواعد نافعه و فوائد مهمه کلیه نفهیمی ایچون
مرتب نوادر مهمه بنی متضمن بعض مقدمه اندر
(بدو و حضرات باندنه جبین و شجاعتیه متعلق حاللر و اعتیاد دهن
و راحتی متعقب اولان مضرتلری بیاننده در)
معلوم اوله که اتم و حشیه سائرک اوزرینسه غالب و قاهر و غیرک
نعمتی تغلب ایله انتزاعیه قادرلر در غلبه و شجاعت و حش
و بداوته کوره در هر طایفه تک بدوی نژاد اولملری اگر چه غلاظ
و شداد و اکثری بی ادب و بهایم تمساده در لکن هوایق راحتدن
متجرد و بهادر لغده متفرد هجوم خصمادن خائف و تیغظ و انباده
ایله جوانی طائف اولوب بازینی غیره تحمیل و خایینه ساری توکیل
ایتیوب راحته مألوف اولماغله بئس و شدتیه موصوفلر در نعم
ولذاته الف عاداتیه توحشلمری زائل اولدیغی مرتبه شجاعتلمری
مضمحل اولوب طبایع و سنجایاتک رفت و نزاکتی عوائد مألوفاتک
کثر نیدن نشأت ایدر حیوانات پری و دواب و حشیده بو معنی فتی
ظاهر در که تربیه انسان ایله خصب عیشیه مأنوس اولسه مشی
و حرکاتی و حسن ادب و صفاتی متغیر اولور اصطیل کبارده پرورده

اولان نازك و سمين آتلكه افسان كې اقدية موقته به معناد و صيف
 و شته ده مناسب جل و پيراهنلره اعتياد حاصل ايتشدور بر آتمه دن
 منزل بعیده كلسه وراكي نزولدن صكره كزديرله دن باغلنسه
 قولاي ترك يلكه تلف كرده مرك اولور تاتار و عرب آتلى بويله
 دكل محنت حر و برده متحمللردر انساخ دولت و رسوخ ملكت
 و سلطنت وقتنده ضرورت عيش و خشونت لباسه قناعتده تجاوز
 اولوب زينت و رفاهيته ميل و محبت مقتضاي طبيعته نعم و ثروت
 زياده اولدقده مساكن و ملابسده توسيع ايله تمتعه اعتياد كلوب
 نوافل حظوظ و ملذوذات عوائد ضروريه قيبيلندن اولوب ذوق
 و راحت عرف و عادت اولمغه باشلرتولد ايدن اولادلر زياده ناز
 و نسيم ايله پرورده اولور ق رفاهيته الفتلى پد لرلندن زياده
 اولوب اخلاق و اعقاب ابوينك ظل دولتلرنده مهملد راحتده
 نعم و لذائذه انغماس ايله نشو و نما بولوب آيين
 آدميت و آداب انسانيت تعلفه مستعد اولمىلرى
 تعظيم جبلى ايله كند و نفسارى خدمتشدن بيله مترفع و مصالح
 ضروريه لريني كورمكدن مستكف اولورلر و كبده ركعت
 و راحت الف و ملكه طبيعت اولوب لازمه جنك اولان اسلحه
 و آلات و فنون شاقه رياضات اعمالنده اهمال اولورلر
 شجاعت طباعه كلال و فن فروسيته زول ايرشوب محافظه
 نفوس و اوله ملوك و حكام موكل و مقاتله خصوم و عداوته
 عسكربلر مغرورديوب كندولر ولايتنده حضوره مانوس
 قلعه و بيوت ايچنده محروس و غربته چقماملر جفاچكمه مشلر
 كاروكسيه اشتغال ايله سايه دولته مرفه الحال اولورلر
 بومثوله عقلى سخييف و قايى ضعيف اولنلر نعم راحت ايله
 اطفال و نسوان كې بطران اولوب خامى موى و پير

مثنوی منزله سنده اولان حاکم وقت ومدبران مملکت
غیا بنده زعینجه تعرضلر ایدوب شویله کرک ایدی بویله
اولمق بکرک ایدی دیوما پینلر نده دانشورلک ستارلر
و کار سازان دولتک کنبد و عقلاری یشمدیکی تدبیرات
صائبه لرینی بکنیوب حسد جیلی بلا سبله حرف اتارلر
مستغرق اولدقلاری نعمت را حنک قدرنی بلزلر و آسوده
اولدقلاری دولتک قیمتی اکلله مزلر بوسباق اوزره امن
و راحت ایلله مزاج خلقه قصور و غفلت مستول اولوب خلاق
بسات شیشافشبتا منسلخ اوله رق رفته حضارته مستغرق و عیال
یتیم کی حوائی افرایه ملحق اولورلر

❀ جور و کلا و تعنف امرا صورت یاسی زائل
و ملکه قهر و سطوتی مضحک ایتد و کیدر ❀

علوم اوله که انسان استخلاف اصلی مقتضا سنجه رئیس
بالطبع اولوب نشاط قوای حیوانیه سی استکمال مطالب
و آمله باعث برملکه نفیسه در غیرک تغلی تحتند . معهور
و آخرک تسلط و تحمکنه مطیع و منفاد اولقده مجبور اولسه عجز ایلله
شوق نفسانیسی زائل و بلوغ مطالب و آمالی اولان هوسی
اسنیلای کسل ایلله مضحک اولور طلب عزت ایچون سعی
و اجتهادی قهر و مغلوبیت ایلله فساد و ازار نفوس آیه
رغبندن ساقط و ارزوی آمالنده قانط اولسه مشاعیدن
مرتد ع بلکه اکل و شربدن منقطع اولور حضرت عمر رضی الله
عنه عصر نده سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه سر عسکر
اولوب کوفه قربنده حرب قادسیه وقوع بولدقده اصحابدن
زهره بن خویه کبار اعدادن جاوس نام کسنه بی قتل و یتش بیک
دیزر قیتلر ثوب و سلینی اخذالمدی سعد حضرت تلری نهچور

بندن اذن صد و رایتدین تعقیب و قتله تقدیم ایلدک دیو غنام
 ذی قیمتی زهره یدندن اخذ و مصا دره مراد ایدوب زهره
 غنامی تسلیمدن امتناع ایتمکن دیوان عمری په عرض و انتزاع
 ایچون اشیذان ایلدی حضرت عمر رضی الله تعالی عنه رضا
 ویر میوب زهره کی آهوی ساحه شجاعت اولان بهادرک قرن
 شهامت و شوکتی منکسر ایتک قلب صفوت نهادنی تغیر
 و افساده سبدر دیو جواب نامه یازوب جناب سعد دخی حسب
 الامر اول سلب کران بهایی کبر و زهره په ارسال و تمامها زهره
 جاننه ایصال نیورد بلربو وضع کر پمانه دن قصد جناب فاروقی
 حیات دینک خاطر رین فساد دن حایت و کماة موحدینک فلو بن تکدر
 و تغیردن صیانت ایلکدر بوسیدند رک خدام و اطفال قسمی شدت
 غضب ایله تخویف ایتک قلبی ضعیف و بذیه حیت و همتی نحیف
 ایلر و تعلیم علم و صنایعه افراط ایله ضرب و تعذیر دخی جولان
 طبعی مقهور و دیده شوق و ذکاکی کورایدن بلکه استعداد مناسب
 ترغیب و ترهیب ایله تربیه و تأدیب لازمدرک جواهر طبیعتلری
 فاسد و ثروت غیرتلی کاسد اولیه کندلک جله اصحاب یقین
 و علمای حکمت بین ارهاق حد و تعنف ایله حکومتی مشند
 ایتکی مناسب کورمدیلر خصوصاً اطوار و ولتدن طور رابع
 و خامسده و زمان و قوف او اخرنده هیچ تجویز ایتدیلرملوک
 و حکام بقیکم قاهر و باطش و عورات ناسه تفحص دقیق ایله
 مغش اولوب بعض خصوصاً صلااح ذات البین و ذنوب
 جزیه دن ممکن مرتبه اغراض عین ایتیوب جرایم صغیره په
 عقوبات عظیمه و ذوات عزیزه په تعذیب الیم ایدر ایسه خلقه
 خوف ایله ذل شامل اولوب اکثر خلائق کذب و ضنت
 و مکر و خدیعت ایله متخلق اولغله حرارت محبتلری منجمد

وسوء سریره ایلہ نیت صفا پرری فاسد اولور موطن حر و بده اقدام
 و مدافعه خصومه قیام ایتموب بلکه ناموس حقیقی افساد
 و سباج حاییتی بر باد ایدر لر بختیکه ولاه عباد الله رفیق و حال لرینه
 شغیق اولوب سیئات لرندن نجا و زایلہ استقامت و اشرا ب محبت ایلہ
 استقامت معامله سن ایدہ لر امر اتحاد دہ جا نینسندن توافقی
 و مدافعه و معاونتدہ تعاضد ایلہ نصرت حاصل اولور و حسن
 و فاقده اصل عظیم تلطف و رأفت ایلہ امر معا شلرینه نظر
 و اظهار تودد یوزندن بذل احسان و کرم کوسرتلک ایتمکدر
 قلوب عبادک جذب و رغبتنه یوقدر حبیلہ و وسیلہ یوقدر
 (خفی اولیه که) ذکر ایلد یکمزرفقی و مواسات ملکه سی اکثریا
 حق و بلہ اربابنده و یا تبیلہ و تغافل ایدن تیقظ و تفتن اصحابنده
 اولوب شدید الذکا اولان عرفاده نادر یوانور حبیلہ و قمرن و دقایق
 امورہ متفطن اولان حکامک انظار ی مدارک ناسک ماوراسنه
 ناظر و جاسوس افکاری نفع و ضرر جهشتدن هر خصوصک
 اوائل و عواقبنه مطلع و علی ماہی علیه مختبر اولغله فوق الطاقہ
 تکلیف ایلہ خلقه تعنیف ایدر لر بو مقوله اذکیا (الجاهل عن بعض
 الامور تغافل) مفهومی اوزره خلق ایلہ مسامحه معامله سن
 ایدوب (شعر) و اذا الکرم آیتہ بخدیعه * فرأیتہ فیما یرید
 یسارع * فاعلم بانک لم یخادع عاقلا * لکنه من فضله یخادع *
 مضعونی اوزره متبحر هلاکته تلطف ایلہ طبعنه غالب اولغله
 رضای خلقی جالب اولور و الامداری معقوله بی طرح و افراط
 حزم و عدم حسن اعتقاد ایلہ خلقی قدح ایدر سه هر امرک
 فحریته تسلیط نظر یلہ عبادی مقام مجردہ امساک و ضعفای
 مقهور و اهلاک ایلر حضرت رسول اکرم صلی الله تعالی
 علیه وسلم (سیر و اعلی سیر اضعفکم) یورد قاری بو معانی

مؤید در ابو موسی الاشعری والی عراق ایکن خدمتده اولار
 زیاده که ابی سفیان او غلیدر فرط ذکا و تعسغهله معروف
 دهات عربدن ایدی بعض خدمات ایله دیوان عمریه به کار کده
 عزل اولندی جناب خلیفه دن استفسار ایدوب عزله علت
 امور مده عجز و یا خود خیر تقیدر دید کده حضرت فاروق
 رضی الله تعالی عنه جوابنده عزلك عجز و یا خیانت ایچون دکر
 بلکه فضل و عقلکی ناس اوزریشه تحمیل و فرط کیاستکی
 تسلط ایله عباد الهی حزین و عویل ایتمکی مکر و کوروب
 عزلکی ترجیح ایلدم دیو یوردیلر (بنابرین) افراط ذکا
 و کیاست حکام صاحب سیاسته عیدر و بو انکچون درکه
 حدت فطانت و شدت ذکا و فراست اصحابنه لسان خلقده
 شیطان و مشیطن درلرکه بو تفصیلدن حکامه حق و بلاد
 لازم ایدوکی فهم اولنجه بلکه اثره تغافل و فورانه و تسامح
 مبالغه فرط ذکا وحدت کیاستدن افغدر بعضیلر زعم ایتدیلرکه اخلاق
 سائرک اعتدالی مدوح و طرفینی مذموم اولدیغی کی قوت فکریه ناک
 دخی حد متوسطی مرغوبه و طرفینی مقدوح اوله لکن حق بودرکه
 قوت فکریه و فطانت عقلیه ناک افراطی مدخول اولوب انجق
 امور عامه و معاشرت ناسده علی وجه التدقیق اعمال ایدوب تغافل
 و مدارایی ترک ایله خلقی مبهور و بی مجال ایلک نامه قولدر افلاطون
 الهی دیمشدر (من تتبع خفیات الذنوب حرم مودات القلوب)
 * ارباب سیف و قلم حاللرینه متعلق اولان فوائده همه در
 سیف و قلم تأسیس دولته آلت و لازمه مهام سلطنت
 اولوب ابتدای دولته تمهید مرام و استقرار احکام ایچون
 سیفه احتیاج زیاده در اول وقتده قلم تنفیذ حکم خداوند کار
 ندمتکار در سیف ایسه بلوغ مقصد و حصول مطلبه عین

و مدار در گذرک اواخر دولتند. ذکر سیفت ایدن طور ضعف
 و انحطاط قوتند. ارباب سیف ایله استظهار وسیفه احتیاج و افتقار
 مقرر و تلك الحالتینده قلم اوزرینه سیفک مزیتی اظهار در فلهمذا
 ارباب سیفک چاه و دولتی رفیع و نعمت و حشمتی وسیع اوله کیشدر
 اما وسط دولت و عهد کال شوکند. استقرار مصلحت ایله بعض
 مرتبه سبقتن استغنا کلوب تحصیل قوائد و ثمرات و جمع اموال
 جبابیات و ضبط واردات و اخراجات و نقض و ابرام و اجرای احکام
 مثلاً امورده تصریف قلم احتیاج مقرر اولقله قدر قلم اعتدالده
 و ارباب قلم رغبت ارباب سبقتن زیاده اوله کیشدر بو وقتلرده سیوف
 مضاجع زوایاده موقوف طوروب حدوث نایبه و یاسد فرجه ایچون
 لزومی اولدجه میدان اعتبارده اشتهار بولم بوحالده اصحاب رأی
 و تدبیر اولان علمای روشن ضمیر و کاتبان عطسارد عنوان ملوک
 و وزرایانده مقبول و ملتفت و نائل نعم مکنت و ثروت اوله کیشدر لر
 عقلای اصحاب قلم عقل رشید و زرای سدید صاحباید در عرض
 دولتی صیانت و ناموس نظام سلطنتی حایت ایدر لر بحالاس همایونه
 همدم و سرار معظمه به محرم اولقلرند. نیجه قوائد نافعۃ العوائد
 وارد ر بوطا ثقه به افراط رخصت ایله رطایت اولنسه ده نظام
 دولتده مضرا و لموب بو قسمدن حدینی تجاوز ایدن قتی ناد ر بولنور
 زربوزمره ده استعداد حقیقی ایله تعینه مستعد مرد صاحب وجود
 معدود و اولور اغراض زائله ایله سرآمدک د عواستند. اولان
 جوع عوام کبی بسیار اولوب کثرت پذیر اولن هر عصرده بر
 یا خود ایکی انجق بولنور علمای اهلام و اصحاب اقلامدن
 بودیدیکمز کبی تعین و استقلال حاصل ایدن ارباب رأی و کال
 هر خالده سبک مسلك اعتدال اولوب اکثر مصالحی تناسب
 لایقسه به بنا ایدوب و خیم العاقبه افعال ناستوده به مصدر
 اولق دکل بلکه بین الحساد موضوع بحث اوله جق حرکات

نافه دن یله اباید لر هر عصرده صاحب حل وعقد امور
و مقتدای انام و مرجع جهور اولمغه البق واولی اولان
بوصفات معتدله ایله متصف بولان عقلادر بومقوله ذوات
کامله دن ضرر کورلر بعض مرتبه تراجلری اولورایسه ده
تعدیل و اصلاحلرند. عسرت چکلر اما اصحاب سیفک
احوالی بونلره مغایر ایدوی اصحاب تجربه یه ظاهر در

✽ از باب سیف ✽ انتفات و اعزاز ایله بروجه اعتدال ممتاز
اولد قلرنده بنای هنرلری بی یاد فنادن صیانت ایچون اغور دین
ودواتده چان و باش بنلی ایله خدمت ایدوب معرکه غزا و مقاتله
اعداده صدق درون ایله اقدام و اهتمام ایلرل مقتضای حیت ایله
مهلکه موتدن دوغوب غیرت داعیه سیله سیوف قاطعه دن
یوز چویر مرلر اما چنکه نظر دن ساقط ورتبه لری هابط اولوب
سارخلقدن امتیاز لری قالماسه کسل و یأس ایله شدت شکیه لری
زائل و ذل و حقارت سیبیله بسالت و صرامت لری مضحمل اولور
بو حالده طرف دولتدن ویریلن موجب و هطایا اجر حایت
ولایمه مؤنت شکسده اولوب نفسنی موت ایچون ایجار و ایچه
ایچون اولمکی اختیار ایدنلر نادربو لغفه باشلر بونوعه اهمال
عنایتدن عسکرینک فقدان معونت و همی سیبیله شجره منیعه
جمیتک شوکتی مختصد اوله کلشدر (وجه آخر) طوایف
مزبوره په عطا و بخشش لرایله اکرام و نوازشده افراط اولوب
دلخواه لرینه ماملر لری اوزره مساعده و سارترجیده مبالغه
اولور سه عتف و رعونت میدانسد. ارضای عنان ایدوب
سر اقتیاد لری قلا ده تسخیردن خروج و مدخلاری اولیان
ابواب اموره و اوج ایتمکه باشلرلر بوجهد و ردن قطع نظر مزاج
عصر کلازمه سی اولان ترفه و راحت عارضه سی آله ده

سرایت اید و ب حوائج و نفقه لری عطیه و علوفه دن زیاده
اولوب ضعیف قوی به و اصغر اعالی به تقلید اید. ركه مصارفی
چرخالدر ل اثواب و زیب و زینت ماللرین اسراف و غیرت اقران
نامه اولان محض جهالت ایله شوبله اتفاق و اتلاف ایدر لركه
اکثری فقیر و مدیون و مس ضرورت ایله حاللری دیگر کون
اولوب حروب و غزوات ایچون تکلیف سفر اولند بقه عده
و عتادندن عاجز و حیران و خرج راه پیدا سنده قاصبر
و سرگردان بوانوب برایشه برامق ممکن اولمز دیرلکری چالینوب
و اتمکری آخره و یریلور اینسه انلره دخی بو حکم جارید راکر
اسرافاته کوره عطایا و یریلور سه مصارف دولت ارتاز و احداث
مکوس و مظالم ایله بیوت رهیا نمهدم اولد یغندن غیر یینه
کفایت ایلر پس لایق اولان بودر که هر حاحده طریقته اعتداله
سلوک اولنوب اصحاب سیف و قلند هضم دولت و کار سازغه
قادر استحقاقی واضح و ظاهر مستعد لری منج و مکارمه مظهر
ایدوب ضیق القلب و تنك حوصله اولنلره فوق الکفایه اکر ام
و عنایتدن حد را اولنه و کتم حقوق لازمه ایله زیر دستان
عقوقندن دخی احتراز اولنوب هر طریقده لیاقت و استعداد مرعی
اولق دوام نظامی مستدعی اوله کاشدر

(فائده مهمه و نصایح لازمه) معلوم اوله که هر دولتک سن و قوف
آخر یکله طور رابع و خامس و قتلریدن بهر حال مصرف ایراده غلبه
ایدر بوحاللر دتکثیر ایراد و تقلیل مصارف حد اعتداله واروب برقرارده
طورهقی و ذکر ایتدیکم بعض خلل و نقصان بالکلیه مندفع اولق
امر عسبر در نهایت الامر اقتضا حسیله مصارفک تقلیل و تنزینده
و سایر امور مخله نك تنظیم و تحو بلنده بر قاسم قاهرک قسری
لازمدر که برقرار و دوام اوزره جاری و نسق مستقیم اوزره متمادی

اولمرسه ده تعدیل مزاج ایچون تنفس مرتبه سی باری تدارك
 اوانه تدبیر امور چهوره مباشر اولان حل و عقد اربابی اگرچه
 اول هصرک مقتضای اولان تدابیر صائبیه واقف و دقایق
 و حقایق مصالح نافعیه وجوه ایله عارفلر در لکن کاتب چلی
 مرحوم (رب حامل فقه الی من هو افقه منه) مضمونی اوزره بوباید
 بر قاج کلام نصیح انجام ذکر ایتکین علی سبیل المناسبه تحریر اولندی
 اوقات مذکور ده چاره ساز لقه سعی ابدن و کلاهی
 همت پردازه ابتدالازم اولان امر مهم خزینه یه وسعت و رجال حربیه
 قوت کلنجیه یه دك سفر غائله سنی بر طرف ایدوب تدریج ایله
 تنظیم بلاد و ترفیه عبادیه سعی ایلوب رعایا فقر اسندن ممکن
 مرتبه ده تکالیف طاقت گذاری تنزیل ایتکله رعایت و استراحت
 ایله بنه لطف جبل بیور مقدر ونه حال ایله ممکن اولور سه مال
 میریدن تداخل رفع اوانوب بلکه دولت علیه نك بر سه لک موجب
 مصارف نه کفایت ایده جك قدر مالی تدارك و موجود خرینه
 ابتدر مکه ممکن مرتبه جد و جهد ایلوب زواید اسرافاتی تدریجاً
 تقلیل و تنزیله بذل دقت ایتکدر زیرا بر سه لک مصرفی احاطه
 ایده جك قدر نفود خزینه ده حاضر بولمقده نیجه فائده واردر
 و توفیر مالدۀ فائده تامه مستقیم امانا و مقصد دفتر دارل استخدام
 ایتکده در هقلای تجسارک فائده لری پیعده دکل شراده در
 دیدنکری مثل معنیدار سوزدر لیکن قطع اسرافات و هدر
 دیوملوک و اراک نك اسباب احتشام لری رفقه دفعه تبادر بیور لیه
 زیرا وسعت دولتیه زینت و احتشامه میل و محبت امور طبیعیه دن
 ایدیکی معلوم اولشیدی ترک عادات و مخالفت مالوفانک نفی کثیر
 لکن حصولی غایت مرتبه عسیر در خلع فاخره و سمور کیمکده
 و زراعت و وفی اسلحه و آلات قوللغه عبود خلق مالوف و اباهن جد

ینارنده معرفت ایکن خشونت زی و بذات لباس اختیار ایله
 وضع متاده بی تغییر آحاد ناسی ایله مهان و تحقیر ایدر
 سن و قوفدنصکره طور رابع و خامسده قوت عصیته عرض و شوکت
 بدایته بدل ملوک و حکام ممکن مرتبه احتشام ایچون تکثیر عنوان
 و تنوع ابهت و شان ایله منبع الجناب اولوب کاهیجه خلقه عرض
 بیدار ایدرلر سه اکثر اوقاتده احتیاجده ایلرلی لازمدر و مشکلات
 امور ملک و ضرورت مالیه بی عانه به طیور محبوب مدبرینک حال
 و مقالندن آوازه جا و جلال بین الخلق شهرت بولوق لازمدر که
 دولت بود بده مطنطنه ایله متدرع اولمغله و هن قوی اجا نه
 شایع اولمیه مدبر کچین بعض مدبر حقا کی اچیه یوقدر تدارکنده
 عاجز اولدق مصلحت بتک کوچ اولدی بز شویله ایتسک ایش الدن
 کتمشدی دیو شکایت افتخار آمیز ایله خلقه بشت شکوا ایتدک
 ذلت و خواراخذن قهری نتیجه سی یوقدر سرکارده اولان حل
 و عقد اربابی اجابت غامه به بلکه بر طریق ایله بر مرکزه نائل اولمش
 کتم سره قادر اولین کسنه له کشف راز ایتدوب نقد ر مستغنی
 و بی نیاز کورنسه لر اولقد شانیلری عزیز و کلاملری نافذ اولور
 و ملوک و حکامک صحبت ناسدن مجتنب و اکثر اوقاتده مستور و محتجب
 اولمیرنده نیجه فائده خفیه وارد ر ناس ایله کثرت استیناس قانون
 ادبی عاطل و حجاب و مینتی باطل ایدر و رای پرده تعظم و تعز زده
 مستور اولان حاکم و قور دین خلق حذر و متفکر اولوب آیا
 نه تدبیر ایدر و نه کونه مصلحت صدور ایدر دیو متوهمانه تصورده
 اولورر خصوصاً کاهیجه مدوح و مستحسن مصلحتلر ظهور
 ایدوب بعض مستحقینه بی غرض رباییت و ملاطفه و ناهموار
 و بی پروا له بفته مؤاخذه و تأدیب صورتلر و کاه پسندیده
 حرکتلر نمایان اولور سه یومافیوما ازدیاد شان ایله مدوح جهانیان

اولور بشرط آنکه ابواب حکومت روی اصحاب مصلحت اوقات
معدوده ده مسدود اولماق کرکدرکه مصالح عباد فاعطل اولیه
وبو سیاق اوزره وراى ستر مهابتده رزنت عقلی ایله حرکت
ایدن حکام سفاک و غدار و هتاک استار اولنلردن زیاد خلق
تخویف ایله کلشدر (ابن خلدون بومعناده بر حکمت رعناذ کر
ایدوب دیرکه انسان بالطبع کاله طالب و اینی چنسی بیننده امتیاز
راغبدر هرکس استعدادنه موافق وادیده تعین کسب ایش
بر شخصک مبلغ عقلنه معرفت اولوب انک شانه وصول ایچون
اوضاع و اطوارنده اکا تقلید ایله حرکت ایدز کالات انسانیه
کپی مدوح هنر تعلیمی اولغله البته ناقص کامله و وضع رفیع
اقتضایده کلشدر اوضاع و اطوارنده قائم بنفسه اولق تقلید
تحقیقه ایروب اتصاف بالکمال رتبه رسوخه بلوغد نصیره اولور
شبان و عوامده بلکه قاطبه عامه انامده مشاهدزدرکه دانشور لکنه
اعتراف ایندکری کسنه نک کیفیت ایله اتصافه چالشوب تکلم
و اطوارده بلکه لباس و دستارده اکا تشبیه ایله اعتنا ایدوب هر جالده
اکا اویارل و سوزینه اعتماد و اعتقاد ایدرل بومقوله تقلید اهلنک
اعمالدن فرق اولماز مراد حسن و قبحه بالطبع مهتدی اولدجه
عین بصیرتلی اچماز چنکه حاکم وقتک حرکاتی نظام عقل
ونهج مستقیم اوزره اوله البته مهابتی ابتداء قلوب عقلایه مستولی
اولور عوام ناس مقتصداننک توفی و حذرندن خبر الدفتری کپی
لاحاله تسلط و اهمه ایله مرعوب القلوب اولورل حضرت لقمان
دیمشدرکه (سلطان العقل علی باطن العاقل اشد من سلطان السیف
علی ظاهر الاحق) و هرگاه که حاکم عنف محض و جبر صرفه میل
ایدوب طرز و طوری قانون اعتدال دن خارج اوله البته تیر طعنه
هبط و بین العقلا کار و کرداری مزیف اولور بونلرک متجسس لرندن

غیره نقایض جهاله منعکس اوله رق عقلانک تبری و سخطی رتبه
 مهاییق منخط ایدر هوام هوام بهائم خلیع العذاره دونوب عمر بنی
 عبد المزیك (طبیعه الانسان لا تقبل النصح المجرد والمنع المحض
 مالم یظهر سلطان العقل والاخلاق المرضیه فیہ) تلامی مصداقجه
 نه قدر قهر و زجر اولنورسه خشیت و همیه قدر منفعل اولمازلر
 خلقک اکثری بر آوازه یه یلر ایشتد یکنی سویلر مدح و ذمک
 اصلنی یلمازلر رد و قبولک سبین اکلمازلر کو پر یلی محمد پاشا سمر حو مدن
 منقولدر نازک سویلش لر ایکی عاقل کار کار در منفی القلب
 اولسه لر عالمی زیر تنخیره الورلر و ایکی کامل خدمتکار عامه عالمی
 افتدیلرینه دوست ایتمک و دوستلرینی دشمن ایتمک قادر در دیمش لر
 نفس الامر ده بویله در بزینده صده رجوع ایده لم
 چون ملوک و وزرا و حکام و عظامک مساکن و ملا بسده ی زب
 وزینتی لازمه حشمت اولوب اطوار مذکوره خلالتده انقطاعی هیئت
 و رغبتک انعدامنه باعث ایدیکلی مقرر اولدی لایق بودر که
 بو خصوص تدریج ایله کوریلوب رتب و درجانه کوره مراعات
 اولانوب حدود سلف افراط ایله تجاوز اولنجه و ارکان دولتدن
 اولمانلره بو خصوصده چندان رخصت و یرلیه یالکیز قوت مالیه
 ایله مشتهیات نفسانیه لرینی اجرا ایدنلردن انماض عین اولنورسه
 منصب و جاه عزتیه رغبت قالمز عتبه علیه دیر لکنی اغنیا عینیه
 آلر خدمت دولت و مسکریان ایله سائر ناس یلننده برمریت محسوده
 و تفارت معتدله لازمدر که طرفیه تازیانه شوق و غیرت اوله
 و وزارت و امارت و مولویت و حکومتلر مستعدینه سزاوار
 کوریلوب مناصب سیفیه و مراتب علمیه و قلیه فایت ندرت
 اوزره و یریلوب اعتبارات عزیزه بی رخصت ایتمکده چوق فائد
 وارد در علی الخصاص رتبه علیه وزارت تقلیدنده اقصى الفایه

امساك و احتراز لازم در اوقات خاليه ده عسكر ساطاني و خدمه
و غلمان سده فلك عنواني چريد و رماح اوينامق و رخس باديا
قولتمق و تبر و خشت اتمق و ضرب تيغه مشق ايمك سمنه ترغيب
و لوازم شجاعته فخر ايص ايمك لازم در و بومقوله كالات
شجاعانه ده اظهار هزايده نلره اعطاي بخشش ايله سمنده غير نلرين
جنبشه كتوره لركه صنايع شجاعتي اعمال خلقك كانون چينلزي
اشمالنه سبب اوله و علما و فضلايشه مباحث دقيقه و مسائل
عميقه القاليدوب فوائد نافعده بي متضمن رساله ل بارنلغه محرك
اولوب قوت فضل اظهار ايدنلره لياقت و حيتيني مرتبه الثقات
بيورلمق معالم علمي اندر اسدن و مشارع سعي و طلبي اظهار اسدن
صبا ندر و معارف جريته اصحاب بدن فوائد و يادكاره متعلق
منشآت و اشعار مثالو آثار صدور ايتديكجه نگاه الثقات ايله منظور
و استعداد لري مرتبه كرم و عاطفته مسرور بيورلمق اصحاب
رشد و تميزي شوق انگيز ايتديكچدن غيري ايقاي حسن ثنا
و طريق علم و عرفاني احيايه سبيل و صلح و راحت ائساننده طلق
للسان و عذب البيان و اعظلم خلقه اصول اعتقادي و قواعد
دينيه پيسان ايدوب پادشاه اسلام و حكام كرام مجبني قلوب ناسه
ادخال و عباد الله اطاعت اولي الامر مهبال ايدو چك فوائد
لايقه و اخبار و آثار نافعده ايراد ايدوب صلاح و عبادت و سكون
و راحت ترغيب ايديجي سور ل سويلك لازم اولديغي كي سفر
زمانلرنده دني فضائل جهادي بيان و قلوب موحديني غرا
و شهادته فخر ايص و تشجيع ايتده چك مقالات شوق انگيزي بسط
و بيان ايمك مهمدر حتي غروات و جهاد ائسانلنده حروب
اسلافه متعلق مناقب نقل اولتمق و شيرين زبان قصه خوانلر
ناسك جمع بكاهلرنده شهنامه و سار حكايات مشهوره سويلك

بالان اگر كركك محرك عروق شجاعه تدريس بوقضيه ملوك
 فرس قديم ماینده معروف ایش دیر غالباً کثرت اوزره ایشیدیلن
 معنایه طبیعت انسانیه بالضروره میل اولدیغنه بنادر زیر اقبال
 عربانك حروب و مقاتله سی وقتسده پیره زن سایطه لری
 اشترسوار اولوب تحریك غیرت و اشعل باثره حیت ایدر اشعار غریبه
 ابله شجاعت لری اقدامه تحریص ایتدکلری دأب مشهور دخی
 بوقضیه بی مؤید در (نتیجه کلام و فذالک مرام بنیان دین
 مبین و اساس شرع سید المرسلین بر حصن حصین و قلعه متین
 و رصندیر که جلالت قدرت و صرامت قهرینه نسبت ارکان ملل
 مختلفه خشیه مسنده طاغوت و ادیان منسوخه لری و قواعد
 باطله لری اوهن من یت العتکوت و دولت قاهره عثمانی بر سلطنت
 عظیمه جهان بنیاد که شان و شوکت لری باینده ملوک اطراف
 ضعیفای بی نوا و قوت مکنترلینه نسبت سلاطین اکلاف مساکن
 بی سرو پا کیدر مبدأ ظهور دولت عثمانیه دن بروملوک جهان
 آیین اعلای کلمه الله و تحصیل رضای حضرت رسول الله ایچون
 امر غزاده ارتکاب مشاق و مهلك ایله نو سبع عالمک و قح بلاد
 و مسالک ایلدیلر دین مبین اغوونده بذل جان ایدرک و سعادت
 دارین ایچون محنت و عنا چکدرک ضرب دست و شمشیر ایله صیت
 دولت لری عالمکیر اولدی سا یقوتلر ندره امت محمد آسوده و عباد الله
 دارالامن و استراحتده غنوده اولغله قوت و شوکت لری مقادری
 و تأیید حق ایله الی هذا الوقت رعب انداز قلوب اعدا دیر تاریخ
 هجرت نبویه علیه افضل التحیه ک بیک طقسا ن اوج سنه سی
 حد و ندره مرحوم و مغفور له سلطان محمد خان ابن ابراهیم خان
 حصار ناریک و آخر عصر سلطنت لرنده مرحوم قره مصطفی پاشا
 صدارتده ناکاه تعلق اراده الله ایله قداحه قضا و قدر دن شراره فتنه

جهیده و چارسوی عالیانک کالای امن و راحتش رسیده اولغه
 نائرة آشوب و شقاق نعمت مرای حضور و وفاقی احراق ایدوب
 ملت اسلام نصرت آثار ابله انکروس کفاری پیشنده منعقد و مرتبط
 اولان رشته صلح و صلاحه انفصام و سد سدید هدنه به انهدام
 واقع اولدی اطوار دول بمحذره ذکر ایتدی کمز طور رابع مقتضای
 اولان بعض حالات غریبه اقتضای ابله انکروس سفری آچیلوب
 وزیر مر قوم مصطفی پاشا مرحوم جیوش دریا خروش ابله واروب
 نمچه تختکاهی اولان بی قلمه سنی محاصره ایدوب تضریب و تخریب
 ابله بلاد اهل ضلالی پایمال ایددی قریباً قلمه به ظفر بمسز
 اولور امید ابله محاصره و مقاتله به بذل مقد و راید رکن
 مرآت منبع کود کارده خلاف ملحوظ صورت هائله بیدار اولوب
 اطراف و نواحی حیده اولان جبال و ضوا حیدن جوع کفار غیوم
 صاعقه بار کی ظهور ایدوب متوصلاری اماطه قصه ابله
 عسکر اسلامک جواتینی احاطه ایتدی لر سیلاب ناکه ظهور قضا
 هجومندن مجامع کار و بار عمومیه ابتلائی خسارت ابله تفرقه
 خبیث لاحق اولدی وزیر مشارالیه تخلف مقصود دن حزین
 و ناکام عسکر اسلام ابله سمت عوده اماطه لجام ایدوب مهمام
 تدارک مافاته قیام ایچون مشنای بلغراده آرام ایلدی لر سردار
 اعظمک بوسفر نده نتیجه ظفر و نهال عزیمتی بار اور اولدی بیخی
 ایچون سلطان محمد خان حضرتلرینک طبع همایونلری مغیر
 اولوب اگر چه صورت اسماعیلی متضمن توازش نامدل کوندرلدی
 لکن نهانی اعدام وجود سردار ابله سد ثلثه ناموس دولته فرار ویرلدی
 رخنه بی آچان قیار وینایی ییقان بیار مضونی اوزره
 بوشر مسار لغت چاره ساز لغی طریقه جلّه مالی بذل و نثار ایدوب بلکه

دفع تار مرتبه سی بر کاره دست رس بولق ملحوظ ابکن
 بعض کبار کاردان و مقر بان عرض دولتی صیانت سیاقند
 بمقد مات واهیله ایله تحریک غضب پادشاهی ایدوب شهباز
 منساقط الجناحین شکارگاهه واره من وقهر مان ترسیده نکه
 بردخی مقبله خصامه طوره من منفور قلوب ناس اولاک اندن
 برایش بلکه مساس یوقدر همان وجودی ازاله و مالی وملکی
 جناب هما یونه نواله اولیق معقول رد یدیلر بالاخره پادشاه
 بلند چاه حوض تلرینک سیف مسلول قهر و غضب لرله
 مصطفی پاشا مقتول اولوب خرائت اموال پیشما ری یغما یه
 کیدوب برکدک سد ایتمد یکندن غیری اول بلیه هائله کتدیکه
 مشدد اولوب برچاره مناسب کورلدی بعده اهدای دیندن
 اخذ انتقام و قلاع سرحددن محافظه ده اهتمام ایچون
 هر سنه انکر و س جانتبه سفر اولتیق اقتضا ایلدی وارد خسه
 اول سرحدلر ده نازه فساد اشتداد بولعله سال بسال خرینه لر
 صرف اوانوب کوندریلان سردارلرکاء غالب کاه خائب اوله رق
 تلاف اموال و اهلک رجال و نیجه قلاع حصنه به اسنیلای
 اهل ضلال باعث اختلال اولدی و نذیک ملاعینی دخی بعض
 بوا هت سنبله امانت صلحه خیانت ایدوب سفاین دو نمای
 فتنه خیر ایله آق دکر می شور انکیز ایلوب سوا حل بحریه دن
 مزوره مملکتشه مستولی اولدی ککذک مسعودید کارنی
 خنازیرد خواراق سمترینه اسنیلایه عاق اولوب غوائل
 شرو شور و اطر فده دخی ظهور ایتدی حاصل کلام
 ممالک اسلامیة کجوانب اربعه سنده دشمن دین و اوله سی
 امت محمد دغ غه و بزوب عرصه ملک بحر و سه به غلغله
 صالیدی بواوقا تلر ده مهر صدائره نائل اولان وزرای عظیم

بوام و رحيل الشعور نداشتند قیام ایدوب جانب برو بجهه امرا
 و عساكر كوند رمكده و مواجب و مهمات ايرشد رمكده
 دواعی ضرورت له كونا كون زجتله چكده كلرندن غیری
 كیمك عزلی تعجل و ایام حكومتی قلیل اولوب كیمك دخی
 عسدم استقلال ایله تلاشی احوالی مصالح مهمه تعطیلنه
 سبب اولدی كه تحاسد و تشاجر و كلا و كاه غدر عزلی و تبدیلات
 ناجر جا مانعنی ایله كركی كپی برایش كورامدی اگرچه عساكر
 نصرت شعار و غزوات صبارتار بهرشنه بهمد كفاری كشته
 تیغ دما را ایدوب نیجه سی زنجیر بسته اسیر و ذنبه كرفسار
 و دار و دیارینی احراق یا تار و اموال و اشیا سنی تار و اموال
 هر طرفدن ملاعین خاكساره اضرا ایله برو جهله جلادت
 كاری ایدر لر ديكه مملكتلری خراب و كند لری ناتوان
 و بی تاب قالوب عاجز و ناچار متار كه و مصالحه كوزلرند
 او چار ایدی لکن رعونت كفر ایله تكالیف نامعقوله ایتد كری
 ایچون كلا ملری مقبول اولماز ایدی تبدل و زرا و قنسه
 د و شوب بر مرد صاحب وجود ایله اصلاح ذات البینه متعلق
 مكالمه عهود صورت بولدی بو امر مشكل نیجه مدت ممد
 اولمضله خراین و عساكر كك قلت و ضرورتلرینه بادی
 و كثر ت تكالیف ایله رعایا نك ضعفنه مؤدی اولدی نیجه
 وزرای نامدار و دلیران كار كذار شهراه شهادته كیدوب
 تمادی حروب و قتال ایله طبع شجاعانه شامت و كلال كلدی
 تخفیف تكالیف ایله رعایای آسوده و تقلیل مصارف ایله توفیر
 خزینه ایتك و طوائف عسكری نك تابع ضرروب سبزدن
 كلال دیده اولان سیوف نصرت خیر صاعقه ریزلر نك
 فرح و سكون ایله كاكان برنده و تبر ایتك و بمالك بحر و سه به

تطرق ایدن اختلالی دفع ایدوب امور ناسه حسن تدبیر ایلله
نظام ویرمک بروقت راحت وزمان امنیته موقوف اولد بغندن
حصول ما هو المطلوبه دك تیغ قهر و انتقامك نیام وقوف
ومتارکده آرامی اقتضا ایتش ایدی بوئنالده کلن صدور
کرام دخی مصالحه ایلله حصول فراغدن غیری تنظیم اموره
مساغ اولد یعنی یالوب اوله که برجله دلیرانه ایلله صلح غالبانه
میسر اولیدی دیو بزکاه نثبتده پیانه شهادهتی ایچدی کینک
نجرع غصص وتوقع فرص ایلله وقتی فوت اولوب عمری
یکدی (خلاصه کلام بودعوی مغایق آلاک سر رشته
پیچیده اشکالنه نه ناخن حسن تدبیر ایلله انحلال ونه شمشیر قاطع
الغزاه کرکی کبی انفصال میسر اولدی تاهجرت نبویه تک
بیک یوزسکرنجی سنه سی که غوغای معهودک ابتدای ظهورندن
اون بش سنه مرور ایتشیدیکه رخنه جدار حجاب اساسه دك
ایتمش و کریبان چاکلی جامه مصلحت دامانه دك یتش ایدی
(الملوک مله موز) خواسی اوزره پادشاه ربع مسکون حضر تلمری
قریحه بافر استلرندن مهر صدارتی دستور سالف الذکر بلغراد
محافظه سنده اولان حسین پاشا حضر تلمرینه احسان
یتکله اظهار کرامت بیوروب کویاوقفل مشکل کشاکش مفتاحی
اناره تسلیم و بویاب مطلقه عزام انقناحنی کندوره تفهیم ورد بلر
(نظم) * اتفاق ایتکله رأی شه نشاه و وزیر * مصلحت
هر تقد رصعب ایسه اولور یسیر * متحد اولسه وزیر ایلله فین
طبع ماوک * بزالبتده سهوات ایلله هر امر عسیر * مضمونی اوزره
اول دستور گاردان و وقور نادر الاقران مشکل کشای فانون
دولت نبض اشناهی مزاج سلطنت صاحب عقل راجح داننده
دقایق مصالح صحیح الرأی و صاحب فکر اعنی وزیر

سالف الذکر حضرت تری مسند صدر شریفی تشریف یوردر قریبی
عموماً ملوک امت عیسی و حکام طوایف نصاری استماع
ایتد کارند و دید بلرکه هنوز مسند صدارتہ وعد و قولی معتمد
و معول پرو زیر اعقل و اکمل کلدی قهر و سطوتی مرہوب و لطف
و شفقتی مرہوب اصیل و حسب برد ستور نجیک مقدمیہ
چہرہ کریمہ ناک مملکت شمدی متبسم اولدی سنین چند یندن پرو
مملکت ورعیتن خراب و آنش قهر غزہ ایله قلمز کباب اولوب
کثرت سفردن طرفینک طبا عندہ فتور و دواتینک مملکتندہ
اختلال تام ظهور ایلدی عهد میددن پرو امید مزاولان
مصلحتیہ مباشرت یامید و بویله بروز یر معذرت پذیردن مہاندہ
خصوصندہ استدعای مرحمت ہنکامید ردیو نچہ ایمر اطوری
انکلتہ و فلنک قرالارینہ نامہ کوندروب اصلاح ذات البینہ
توسط لرینی نیاز و وندیک ولہ و مسقوک دخی دارالامان صلحہ
الھما قارینی التماس ایتد کدہ انلر دخی آستانہ سعادتدہ اولان
ایلمچارینہ تحریر و سپارش ایتلر بلہ ایلمچیلر دخی بارکادہ والای وزیر
روشن رایہ اتجا و صلح و صلاح خصوصی رجا ایلدہ کلرندہ
کان کرملرندن ضعیفای مخلفینہ شفقتہ رجا لرینہ مساعداہ ایله
مرحمت یوردر بلر و شوکت پناہ و عظمت دستکادہ پادشاہ
جهان پناہ حضرت تری رجا واسنیدانند نصکرہ دقایق شرعبہ
و حقایق حکمیہ نک مزایا سنہ واقف و تصورات مسئلہ نک
نصدیقات یقینہ سنہ عارف اولان بندکان صاحب
ایماندن اشکال مختلفہ اقوالدن مال و مطلوب اتنا جنبہ
قادر وادارہ قواعد مباحث ایله جریرہ کاران مجاہد لنینک
ازام واقفماندہ ماهر عمردہ ذوی الالباب رئیس الکتاب مخلص
کرامی محمد رامی افندی داعیلرینی توکیل و تعیین ایدوب مکالمہ

حوال ایچون متوسطینی خد متلرینه قوشوب ارسال ایلدیلر
 نچمه طرفندن دخی مکالمه ایچون تعین اولسان وکیلارکاب
 فارلو فچمه نام محله بولیشیلوب مراسیم مقننه اوزره مکالمه ایچون
 مواضع معینه تعمیر و ترتیب اولنوب و نچمه و و ندیک و مسقوله
 وکیلاری متوسطین ایله حضور رئیس و قوره حاضر اولوب
 مواد مصالحه مکالمه سنه مباشرت ابتدایر جناب رئیس الکتابک
 اول بحال سده اولان حرکات و قورانه و سکنات عاقلانه سی حیرت
 امکان اریاب انجمن اولوردی اول بلیغ نکتہ دان و فصیح عذب
 البیان کلامید بیع الانسجاسی حضار مجلسی تصاویر دیوارکی
 متعیر و بهوت ایدوب متصدی سؤال اولنلره جواب ملزمانه سی
 عقد اللسان سی و سکوت اولوردی گفت و شنید واجوبه
 مفیده اثنا سنده درج دهانلرندن عیان اولان لائی شاهوار
 گفتار تا جرآن بندر محاوره بی شاشروب سرمایہ داران مناظره
 و مناقشه بی افلاس عجز و ندانته دوشوردی اول بحال سده
 صدور ایدن اوضاع کاملانه و تعیرات مدققانه جمع و تحریر اولنسه
 برجموعه نظیر اولوردی نتیجه کلام مکالمه مواد مصالحه
 ختمه ایدوب شرایط متعدد و مدت معینه ایله طوائف
 مزبورینک هر بریله انعقاد صلح و کلاسی طرفینک رضاسیله اتمام
 اولنوب علی الوجه المعقول تهادن و مصافحات صورت پذیر ختام
 اولوب تمه کلاه ایدی و رئیس رفعت انیس عودت ایدوب
 کلد کد نصکره دولت علیه طرفندن ابراهیم پاشا یا لکر نچمه
 طرفنه ایلیچیکه مامور اولوب اعظام واجلال ایله ارسال قلندی
 و دأب قدیم اوزره نچمه طرفندن تدارک و ارسال اولسان یوک ایلیچی
 ایله سرحدده ملاقات اولنوب نچمه ایلیچسی بوجانبه کلوب
 پاشای مشارالیه نچمه دیارینه روانه اولدی عتبه علیه خسروانییه
 هر برینک ایلیچسی تحف و هدایای غایبه الاثمان ایله کلوب جبهه سایی

اولدی بو واقدا تک تفاصیلی تاربخک نهاییند، سنه مذکوره
 وقایعی ذکر اولندیغی محله، مفصلاً ذکر اولنسه کرکدر
 جناب رب العالمین پادشاه روی زمین حضرت ندرینی بومصلحت
 ناده ایله عباد و بلا دکر فاه و راحتنه باعث اولغه موفق قلدیغی
 کبی ملک و دولتک نظامنه و خلل پذیرا ولان امور سلطنتک انظامنه
 دخی معین و نصیر اولوب مشکلات مهمانده تفسیر حسن
 تدبیر ایله یاور و دستگیر اولق
 مسؤولدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
(سنة الف من هجرة من له العز والشرف)

سنة من بوره محر منك غره سی که يوم السبت در هجرت نبویه نك
اوچوز الی درت یك در یوز طقسا نطقوز بی کونی اولوب
بوسال مبارک فان قران اقدم سابعینک یوز سکسان درت یك
التیوز طقسا ن اوچنجی ییلی وتاریخ خلیفه عبرانینک بش یك
اوچوز النجی ییلی که ملک المؤید حسا بیلهدی یك ایکیوز
اون النجی سنه در وطوفان نوحک درت یك طقوز یوز یتش
دردنجی ییلی در که منجمین حسا بنده ایکیوز یتش طقوز سنه
نقصان اوزره در وقران اعظم علویتک ایکی یك سکز یوز یدنجی
ییلی وتاریخ بخت نصرک ایکی یك اوچوز اوتوز سکتنجی ییلی
وتاریخ اسکدرینک یك طقوز یوز برنجی سنه سی وتاریخ میلاد
عسا نک یك بشیوز طقسا تنجی ییلی وتاریخ قبطینک یك
اوچوز النجی ییلی وتاریخ یر دجرد یك طقوز یوز الی طقوز نجی
ییلی وتاریخ جلالینک بشیوز اوتوز اوچنجی سنه سی وقران اوسط
علویتک یوز الشمس یدنجی ییلی در عقول قاصره اصحابندن
برکروه زعم ایتدیله که الف کاملدن اول قیامت قوپه
باخود الفی کچر سه تفاسوت قیه اولان اوتوز سنه بی تجاوت
یتجه و بو بایده بعض مقدمات واهیه بلکه کاذبه یتسک ایتدیله
دور قمرک مدنی تمام اولمق کچی ویغمر علیه الصلوة والسلام
قبرنده یك ییل مکت ایلدیور ایت اولنسان حدیث موضوع
کچی و بوحکم قواعد شرعییه وحکمیه مخالف ایکن نیجه کیمه ر
تغافل ایدوب کما بار یته یازدیله کذب صریح اید وکی ظاهر اولدی
والعلم عند الله تعالی

وقایع سنة الف

(سبب عزل و براعظم فرهادپاشا و صدارت سیاوش پاشا) مقدمه
ارضروم اها البسی اول دیارده قشلیان نوبنجی یکجیر یلرک ظلم و تعدیلرندن

مکتوبی کوندروب رفع اولنگارین رجا ایتشلر فرهاد پاشا
دخی تعدیلرین دفع ایچون نلری اولدیاردن قالد یروب دردولته
اوطه لینه کله لرد یوامر شریف کوندرمش مضمون ایشریف
ارض روم خلقک معلومی اولد قده جلیتارنده مرکوز اولان
شدت شکیمه تقاضا سیه یکیچریلر تدارکیرین کوروب قالدیجه
صبر ایتوب فرصت خفتندردیوب امر عالی یه مغرور بلا امهال
اخراجری ایچون هجوم ایدوب یکیچریلر طعن وازدرایه باشلدیلر
مجادله و مشامه ماینلارنده مضارب و محارب یه مؤی اولوب بر قاج
یکیچری دوشوب باقیرلی شهر دن طشره اولدیلر و زبر اعظم
طرفندن فرمان شریف اشاعتی سببیه ارض روم خلقک کندیلر
اولان شناهلرین مکتوبلر ایله اوطه لینه وضا بطلرینه
بلدردیلر جانی الاخره نک بکر منجی کونی صدر اعظم فرهاد
پاشا دیوانه کلوب آشدن اینوب دیوانخانه یه طوغری کیدرکن
یکیچریلری قیرمغه ارض رومه امر کوندرلش پادشاهک
بوکارضای وارمیدر دیووز یه هجوم ایدوب شور بایدیلری
ضابطلر ارایه کیروب کوجیه فتنه بی تسکین ابتدیلر بالاخره
دیوان طعاسی بنیوب اول حال ایله طباغلدیلر بواجوال فتنه آثار
مسموع پادشاهی اولد قده فرهاد پاشا یه خط هما یون کوندروب
سببی استفسار یوردیلر مقدم ارض رومدن رفع لری مناسبی
خصوصی پادشاه حضر تلرندن استیذان ایتک بعده اوجا قیری
طرفندن مکتوب ایله رفع لری مناسب و حالاً قضیه بو کیفیت
بهر اولدقن صکره اصلانی صحتی اوزره حضور هما یونه عرض
واعلام ایتک واجب ایکن فرهاد پاشا ملاحظه قاصره ایله
رافع حالی یاندن ابا ایدوب یکیچریلرک اغالردن شکواری وازایدی
دفع اولندی دیو تلخیص ایلدی یکیچری اغاسی صراطورچی
محمد اغادر حال عرله که شمال اولوب یینه سلحدار شهر باری

خلیل افاجی قری صکره بوسوز لک اصلی اولیوب شکایت وزیرک
 کندو سندن ایدوکی معلوم پادشاهی اولد قدح ایر تسی که
 وقت عصر ایدی فرهاد پاشا بی کذب اختیار ایتدیکی ایچون
 عزالہ تہزیر اوچی دفعہ سیاوش پاشا بی مقام صدر تہذہ جائیکہ ایتدی بلر
 و فہ نفرات تبریز تبریز قولری دائم اشرف و فساد و تغلب
 و عناد اوزرہ ہمیشہ ایقظ فتنہ پیشداری و والیرینہ اطالہ
 و تکلیف امور شافہ کار و اندیشہ لری اولغله تبریز و آذربایجان
 محافظی وزیر دلیرطواشی جعفر پاشا اول طائفہ یہ ایتعاع
 قصدیلہ و بعض قلاع یوقلمق نامیلہ تبریز دن چیقوب مقدم
 اکراد بکلرندن استمداد ایتش ایدی جلہ سنی عملہ کتورو ب اکراد
 لشکرین استقبالہ چیقدقلرنده بیت بشیوز اشقیای اکراد عسکریلہ
 و کندو لوندی و ایچ اغازیلہ قتل عام ایلدی
 (عن شیخ الاسلام بستان زاده و نضب زکریا افندی)
 حسن بک زاده دیر کہ شہر رجیدہ اناطولی قاضی عسکری شاعر
 ماهر باقی افندی دن بعض فضاۃ رکاب ہما یونہ رفع رفعہ
 ایدوب شکایت ایتد بلر باقی افندی واقف حال اولد قدح مفتی افندی
 کندو برادری استانبول قضا اسندن اناطولی صدرنہ
 نقل ایچون تحریک شکات ایدر دیو کمال تہور ایلہ دیواندہ
 بو بوستان او یوقلری بنسندن استرلر یوکلری قرق ییلدر
 تخمخ دلیرانہ ایلہ بوغازین ایرتلار دخی بر درست نغمہ سی
 صادر اولمش دکلدر یازدیغی فتو الر دخی متونہ مخالف قدر
 اول منصبی ہضم ایتدی یکی بیشہز قرنداشی اولان جا موسی دخی
 بزم یریمزہ کتور مک ایچون شکایتچی پیدا ایتک انصاف بیدر
 دیو بیچ طعن آمیز سوز لری سویلر جلہ سی مفتی افندی یہ نقل
 اولوب انلر دخی باقی افندی نیک اشعارندن میخانیلر بیت الحرام
 دبر بغان شیخ الحرم و دخی یوسف بیازین اباسنی رعنا ییلورم

یبتنی ایراد ایدوب بونلر کفر صر یحدر کفر دن تھاشی ایتین
 مرتشی وراشی نیجه صدره لایق اولور اکر عزل و نفی اولماز ایسه
 بن دخی ترک افنا ایدوب و سلطنت اخرا یه چیقوب کیدر بن دیمکله
 باقی افندی اضطرار به و دفع ضرر قید نه شتسابه باشلوب صدر
 اعظمه و خواجه سعد الدین افندی یه واروب اکر فتوی زکریا
 افندی یه اولرسه بکا و یرک یوم به بشر یوز فتوی ویره یم دیوب
 مفتی افندی دخی عرضحالنی طوغا بی باشی درویش انا و سلطنتیه
 پادشاهه ایصال ایدر پادشاه غیور مفتی مذکورک سلطنت اخرا یه
 کیدر م دید یکنه ببحضور اولوب زجبک یکر می سکن بی کیجه سی
 عز لئه فرمان هما یون صدور ایدوب منصب فتوی روم ایلی
 صدری زکریا افندی یه وائلرک یری باقی افندی یه توجیه اولندی
 برادر مفتی دخی استانبول قضا سندن عزل و یرینه ادرنه دن منفصل
 صنع الله افندی و آنک یرینه ابوالسعود افندی زاده محمد افندی کلدی
 سنه مزبوره یعنی بیک شوالنک ید بی کونی باقی افندی
 دخی معزول اولوب یری اناطولیهدن معزول منلا اجد و وائلرک
 یری استانبول قاضی سی صنع الله افندی یه وائلرک یری ادرنه دن
 معزول شمس افندی یه توجیه اولندی و برکون مقدم قیوچی
 باشبیلر دن محمود انا به یکچیری انا لغی و یریلوب سلفی خلیل
 انا قسطه و فی بکی اولشیدی و فرهاد پاشا عز لئه سبب اولان
 ارض روم غوغاسی که ذکر اولمش ایدی اول خصوصی تقبش
 ایچون وزیر جد ید طرفدن برقپوچی باشی ایله یکچیری اوجاغدند
 شدید چور باجبار تعیین اولنوب ارض رومه کوندلیدی وارد قده
 حکم همایون مو جبنجه بر نیجه کسنه بی بردار و برفاج نفری
 در دولته احضار ایدوب ائلر دخی انواع عقوبته گرفتار اولدی لر
 بو عقهده اهالی ارض رومک دروننده قالمشیدی مسکرمه ابازه

پاشا خر و جنسده اظهار و اول طائفه دن مراد لری اوزره
اخذ تار ایلدیلر

ظهور فن در سرحد بوسنه و بحار و باعث حرکت کفار
بوسنه بکمر بکسی حسن پاشا نفسنده برار و متحرک کسینه
اولغله کفاره اقتصدن خالی اولوب نچسپه چاساری
در دولته ایلچی کوندروب اظهار تظلم و عرض انکسار ایلوب
حسن پاشا بی بوسر حددن یا خالد یرک یا خود صلح بر طرف
اولورید کجه پاشای مومی البهک وزیرا عظمه و درویش اغایه که
مصاحب شهر یاریدر انتسابی اولغله سنک غائله کزی دفع
بنه که بالکز اول کفایت ایدر دیو جواب و برلشیدی پاشای مزبور دخی
جایته مغرور اولوب بوسنه عسکر بی خالد یروب بهکه قلعه سنی
محاصره ایتدی و سکن کون دو کوب طقوز بی کونده قحنه موفق
اولدی مسترفی عسکر قود قدن صکره اول حوالیده یکی حصاری
بنا ایدوب سنجاقنی فرهاد پاشانک دلی باشیسی رستم بهکه و پردی

ذکر حرب و انهنز ام کفار سنه مذکوره جادی الاولیسی که
اول فصل بهار ایدی حسن پاشا پنه بوسنه عسکر بی ورعایاسنی
فالد یروب عظیم جمعیت ایله جانب کفساره عازم اولوب بیکی
حصار قریبده نهر قوبه اوزرنده بر کویری بنالیتدردی و خروات
دیاری جانبیه کجندی اول سرحدک نامدار بکاری و قلاع
صاحب لری واردل بانی و خروات جنرال بریره کلوب عظیم عسکر ایله
فارشولد یلر بر مقدار جنگدن صکره عسکر اسلام غالب کلوب
لشکر کفار منهرم اولدی براز تعقیب ایدوب خیلی کافر قیرد یلر جله
طابور لری اغتنام اولوب جبه خانه لری واتی عدد قانبرونه طوب
وسا اموال و ارزاق لری الینوب قبضه تصرفه کیردکن صکره
خروات مما لکنه آقین صالوب بیحد اسیر و اموال الندی ایکی بیک کله
و ایکوزنده کافر در زنجیر اولوب طو پلرایله در دولته کلدی

بوئندن صکره کفار خاکسار جمعیت بی شمار ایله اوزر یمن کلک مقرر در
اکاکوره ند بیر اولته دیومقد م اعلام ایتشیدی اکنن مفید اولدی
﴿ حوادث شرقیه ﴾ بوسالده شاه عجم اولان عباس ناسپاس اشکر
بی قیاس ایله اوزیک خانی عبد المؤمن خان ایچون قزویندن قلقوب
خراسانه متوجه اولدی خان مزبور جرجان سرحدینه کلشیدی
شاه ایله مقابله ایده جک دکوموجود عسکری اولد یغندن دونوب
نیشابوره کتدی شاه دخی تمایقایدوب دافسانه دک واردی
سبزوار واسفراین نام قصبه لری الد قلن صکره جانب قزوینه
مراجعت ایتدی ﴿ وفيات ﴾

(المولی مصطفی بن محمد المعروف بخسرو زاده) دروغر صاحبی
متلا خسروک سبط رشیدیدر یدری روم ایلنده ایک قاضی
ایکن طقوز یوز قرق رمضانده تولد ایدوب علماء عصر دن قاضی زاده
وصا جلی امیر دارا لافاده سنده اشتغال دن صکره طقوز یوز
التش اوچده مولانا ابوالسعود افندی دن ملازم اولوب التمش
یدیده یکر می ایچمه مدرسه یه نائل و سکسان یدیده هلی پاشا
خارجته واصل اولمشیدی طفسان اوج شعبانده مرض منمنه مبتلا
اولوب تقا عدا اختیار ایتدی طفسان سکرده افافت کلوب طرابلی
قاضیسی اولدی الف کامل صغر نده معز ولا کلر کن آق شهرده
سعال دن وفات ایلدی مولانای مزبور علم و معرفت ایله
مشهور کریم الطبع و این الجانب تکلف و تصلفدن متجانب ایدی
غلطاط عوامی جمع ایدوب قطب مکینک یمن تاریخی ترجمه
ایلشدر و ترکی اشعاری واردر

(المولی محمد الوانی) وان قولی دیملکه بنام و انواع معارف ایله
مشهور انام اولوب طریق علمه سلوک ایتدکده اولاحامد افندی دن ملازم
و بعض مدارس غلبه ده افاده یه مداوم اولمغه قرق مدرسه سنه
منفصل ایکن طقوز یوز یتش یدی ذی الحجه سنه محمود پاشا

مدرسی اولشیدی بعده خانقاہ و علی پاشای عتیق مدرسہ لرنده درس
دیوبیتش طقوزده ردوس مقبسی اولدی سکسان برجرمنده صحنه
کلوب مقبسی افتراسی بعده سلانیک قضاسی ومولوبت ایلله کوتاھیه
قضاسی ویریلوب طقسان برزی الحء سنده سکسان اچہ وظیفہ ایلله
مقاعد اولشیدی طقسان سکر زمضائنده مدینہ منورہ قضاسی عنایت
اولوب الف کامل رجینده عالم بقایہ واصل اولدی مولانای
مزبور علم وصلاح ایلله مشهور فقه واصله قوی الاتساب جامع
نوادریحساب ایدی آثار علمیه سندن درر حاشیه سی وترجیح بینات
وسباحتہ متعلق رسالہ لری وارددر صحاح جوهری بی ترجمہ ایتشددر
وسلطان محمد خان جامعنه وضع ایلدی امام غزالی کیمیای سعادت
دخی ترجمہ ایتشددر بوقطعہ بدیعہ سی سبب شفا عت اولق ماملوددر
* بودر آیین عرب بر قومک اولسه سیدی *

* آزاوور که قبری اوزره بنسده آزاد اولیه *

* سنکه فخر الانبیا وسید الکونین سن *

* حاشیه لله قبر که یوز سورن آزاد اوایسه *

(المولی علی بن عبیدی) بتلی علی دیمکله معروفدر پدری
عبدی چلی در که مفتی چوی زاده شیخ محمد افندی ک برادریدر
طقوز یوز اونوز سکرده تولد ایدوب علمای بصرنندن محشی
سان افندی دار الافاده سنده تحصیل کاله اشتغال وطقوز یوز
التش اوچده ملازمت ایلله طریق تدریسی اولین آمال ایدوب
حسب العاده مدارسده افاده ایدرک سکسان برصفرنده ردوس
فتواسی و سکسان اوچده صحن مدرس وطقسان اوچده
اسکراار والده سندن بروسه قضاسی وطقسان سکر شه بانسده
استانبول قضاسی توجیه اولوب طقسان طقوز رجینده معزول
اولدقدنصرکه الف کامل شعبه بنسده وفات ایدوب محمد اغاجامعی
قرینده والده سی شریف خانون امجدی ساحه بنسده دفن اولندی

مولاناى مرقوم فروع واصوله انتساب ايله موسوم صافى فؤاد ملك
نهاد آدم ايدى

(المولى عبدالقادر بن امير كينسودار) صاچلى امير لك اوغلى
يلائحق افنديدر طريق علمده حركت ايله سنان افنديدن
ملازم اولوب طقوز يوز سكسان برده پيرى پاشامدر سه سنه خارج
اعتبار ايله مدرسى وسكسان طقوزده صحنده برماه صدر مجلس اولدقن
صكره مرعشه وكوتاهيه يه مولويت ايله قاضى اولدى طقسان بش
شواننده طرابلس قضاسى ويريلوب عدم رضادن نيتيزبان
درازايمكليه ننى اولمشيدى طقسان طقوزده يكيشهر قضاسى
ويريلوب الف كامل ربيع الاخرنده معزولا فوت اولدى مولاناى
من بور افراط نهور ايله مشهور ايدى ديودليل شقايقده يازلشدر
لكن الفاظى سست وراكيبى نادر سندر

(المولى محمد) آيدن آق حصارندن منشى مخلصى ايله معروفدر رياض
علوم ومعارف بولندن كذارايدوب ابوالثيث عليسى دارالافاده سنده
اشتغال وبعده صدر عاليقدر جعفر افندى يه اتصائل ايله طقوز
يوز التمش اوچده ملازم وسمت قضايه عازم اولوب ديار
مصريه ده نيجده زمان حكومتندن صكره مدينه منوره ده
شيخ الحرم اولمشيدى الف كامل حدودنده عالم بقاءه واصل اولدى
بقعهده مدفوندر مرحوم مرزبور فضائل جليله ايله مشهور
السنة ثلثهده شعر وانشايه قادر خاصه علوم اديدهده مستحضر
نوادرايدى مختصر ووجيز تفسير كلام عزيز يازمشدر مشايخ
نقشبنديه يه ارادتي ومعارف جريئه دن حسن كتابتي وارايدى
فارسي اغنده منشى ومثلث جمع ايتلشدر مقامات تحريرى يه برشرح
موجز اكاتبسودر

(المولى شمعى) شمع فكرينى ابقاد ايدوب مستحق مراتب

اولش یکن مشرب فسادن حصه دار و پرکار همنه نقطه تصوف مدار اولمغه فارغ و آزاده و دائره ترك و تجرده قرار داده اولوب تعلیم ابناء ناس و خدام اکبری جهت معاش قلمش ایدی الف کامل حدود نده ره ح پرفتنو حی ملا اعلاویه واصل اولدی مولائی مزبور معارف جزیه ابله مشهور مقدمات علوم افاده سنه قادرایدی مشوی شریفه برشرح یازمشدر و دیوان حافظی و گلستان و بستانی ترکی شرح ایتشدر طلائی با ننده مقبول و متداولدر (المولی سودی) بوسنوی الاصلدر بازار اعتبارده کالای هم و عرفاندن مظهر سود بیشمار اولوب طریق علمه سلوک ایتد کد قصره بر مقدار وظیفه تقاعد ایله قناعت ایتش ایدی ابراهیم پاشا سراسر ایتده اولان غلمان خاص تعلیمه تعیین اولتوب اول مشغله ایله یک حد و نده عزم عقبایلدی ملای مرقوم سودا کر جنس فاخر علوم مبانی مقدما تی سد ید معلم مغید ایدی مشوی به شرحی و کافیه و شافیه به ترجمه سی وارد مقبول اولی الانظاردر

(المولی عبدالرحیم) قناتی زاده علی افندی کوجک برادری کرامی چلبی در تکمیل سرمایه علوم مدن صکره علمای عصر نندن عبد الکرم زاده افندی و یستان افندی خدمت لرنده اشتغال ایدوب خاصکی مدرسی حسن بک افندی به معینه بعده ابو السمود افندی به انتساب ایله قدری مزید اولشیدی قصور التفاندن داکیر اولوب بر وسه قاضی عرب زاده عبدالباقی افندی خدمت مشغول اتصال ایتدی و طوقوز یوز للی طوقوزده ملازم اولوب اولای بکرمی ابله ادر نه ده بکری بکی مدرسه سندن سالک طریق قضا اولشیدی روم ایلینک بلاد جلیله سنه والی و بعده سیروز قضا سی ایله رشک نداموالی اولوب ایتده علاقه کثیره پیدا ایتشیدی بعده انقرده و بکشهر نده قاضی ایک لف خدمتده داین اجل تقاضی اولدی

مرحوم مرقوم کمال فضیلت ایله موسوم ایدی کرامی مخلص ایله
تذکرة الشعرا ده مسطور و اشعار در درباری رشته سلاک مسطور در
(الشیخ محمد البخاری) بخاراده مبنای هلو می تشبید و فنون
الهییه بی تمهید ایند کدنه کره مشایخ نقشبندییه ایله صحبت
و فیض نظر لایله تکمیل آداب طریقت اینشیدی دولت علیه
سلطان مرادی ده محروسه قسطنطنیهیه نازل اولوب بعده
روم اینلده سلسله طرح اساس اقامت اید و بیک منه سی
حدود دند و رحلت ایلدی چار سوا یچنده تربیه مخصوصه ده
مد فوندد عزیز مرنور کرامات جلیله ایله عالمده مشهور برزهد
مرتا ض و غایت منشرع ایدی

(الشیخ محمد افندی) بروسه ده حصار ایچنده قوافلی امامی درل
برامامک اوغلی اولمغله قوافلی زاده دیمکله مشهور ایدی
تحصیل علم و کمال و علماء عصرندن مر حبا افندی
خد متلرند و اشتغال ایند کد نصکره حسن کتابت و انشت
ولسان فارسی و معما ده سرفراز اولمغین مصر بکزر بکیرندن
مقاعد کیلاری علی پاشا و وزیر فرهاد پاشایه برمدت معلم
و منادم اولمشیدی بعده شیخ حکیم چاپلی به خدمت و برکت
الفت صحبت لایله تکمیل طریقت اینشیدی برمدت زاویه امیر
بخاریده سجده نشین ارشاد اولوب بیک حدود دند و دارفنادن
دار آخرته انتقال ایندی و بوتاریج حدود دند و سیواسی
شعبی افندی بکه عبرت نما و مناقب خلفاء اربعه موکلشن آباد و مولود
نبی و هشت بهشت و منازل و مراتب الاخلاق و نقد الخاطار
نام کتا بلری تألیف و دخی نیجه کتب تصنیف ایتش بحر زخار
علوم شتی بر شیخ عالمقدار ایدی و آق شهرلی نصوص افندی
و شیرزدان علی و ترابی واعظ و دخی نیجه بونلر امشالی واعظ

اول عصر ده اطراف ممالک عثمانیه ده بنی نهامه اولوب احوال رینه
کری کی وقوف مہسر اولماغله یازلامشدر بقدر زمان ظفر
مہسر اولورسه الحاق اولغق ارباب کرمدن مر جودر (یت)
مسبحی مدحی بودکلی بجر دی * بکترسک یوری وار سنده ایله
﴿ و قایع سنه احدی والف ﴾

آخر صفرده منلا اجدادی مزلومر قوبک یرینه فتوادن متقاعد
بستان زاده محمد افندی روم ایلی صدری اولدی و بیع الاولک سکرند
شاه عجم ایلیسی کلوب بکرمی بشنده کیلان حاکی اجدخان دخی
آستانه شاه جهانہ التجا یدوب کلدکده اعیان دولت علیه الی ایله
اسکله به واروب تعظیما استقبال ایتدی لر و قرق چشمه فربنده
واقع یوسف پاشا سرایشه نزول ایلدی اول مهمان مکرم
شیشه لایق التفات نزل شاهانه وادرات خسروانه ایله
کرام اولندی مر قوم اجدخان شاه عباسک زارندن قاجوب
سایه پادشاهی به التجا ایتشیدی ائن طرف ملوکانه دن اولار
نوازش و اکرام کند و ما مولی مرتبه سی اولدیغدن محزون
اولوب ناچار بغداد کتمکده استیجازه ایتدکده بغداد خزینه سند
مقدار کفایه تمبشینه وظیفه تعینی ایله اذن و یریلوب ینه سنه
من بوره رجبنده عزم بغداد ایلدی لکن اکثر اقربا و متعلقاتی
شر و اند اوغله یر مقتضای تلون طبیعت و استعلا ی رهونت
حکومت بلا اذن جانب شروانه عطف عنان ایدوب حدود
کجه به وار دقده بی اجازت کتدی یکی ایچون کجه میر میرانی
مر بوری طو توب بیس و تذلیل ایلدی

﴿ غلوی سپاه درد بان ﴾ وزیر جدید سیوش پاشا امور
صدارته مشغول اولوب ریسم الاخر کیکرمی اوچنچی کونی
یوم ثلثا ده قوله علوفه چقبوب یکچیری به تماما مواجب لری

و یرایوب ایچہ بتشمیوب ایچ خرنینه دن امداد اولغا مغله
سپاه علوفه سی تدریج تکمیل اولتی اوزره تکلیف اولد قده
خیر نقصان اوزره علوفه المازز دیو فریاد ایدوب دیوان همایونه
غلو ایتند یلر اول عصرده رشد و تدبیر صساچی نادره اقران
مقبول سلطان باش دفتردار امیر پاشانک باشی ایستوب اغارینی
طاشلیدیلر حضور همایونه عرض اولنوب ایچ خرنینه دن بی توقف
بوزیوک چقه ویرلسیکن ینه المایوب پرزه چقد قلرینه بناء عنادل ینه
مصر اولدیلر چاوش باشی و قیو جیلر کنخدا سی اوج درت دفعه
واروب مرادیکنذر علوفه کرنی الیکر دفتردارک باشی نیلر سز
دیدیکجه طاش یاغدر دیلر بعده قاضی عسکرلر چیقوب علوفه کز
ویرلیدی دفتردار آل رسولدر خلاف شرع نیجه قتل ایدر سز
دیدیلر دیکلنمندی صکره نصیحتی متضمن خط همایون
چیقوب قاضی عسکرلر کیرو واروب اوفودیلر اصفا اولنمندی
بعده وزرا قالقوب قارشولر ینه وارد قده ینه طاشلیدیلر بالاخره سلیمانیه
واعظی امیر محمد افندی و کوچک ایاصوفیه واعظی ابراهیم افندی
صوفیلر یله دعوت اولنوب وزرا اوکنده اسکمله اوزرینه اوتوروب
واقع حال معلوم اولدقن صکره بونلردخی واروب ایکی دفعه نصیح
و پند ایتدیلر سود مند اولدی بعده یکر می قدر سادات کلوب
آل رسولی بی کناه قتل نه دیمکدر دیو فریاد ایتد کلر نه
طاش یاغدر یروب برایکی سیدی مجروح ایتدیلر بالاخره دفتردار
محموزه سنی چیقاروب باشنه یشل صارق صاروب قضایه رضا
دیو اوکلرینه وارمغه قرار و یروب پاشان و اهل دیوان فریاد و فغان
ایدوب دوندردیلر و ریاستلر ندن کله بویالی محمد پاشا که دفتر داری
سومزدی وزیر اعظمه خطا ب ایدوب دولتو نیجه بر بوشخصی
صیانت ایدر سز کچنده محمد پاشای میرعلانی وزیرایکن و بر دیکر

بو خود برد فتر دارد و یروب فتنه بی دفع ایدک دید کده قاضیه مسکر
 بستان زاده قارشو لبوب رفع صوت ایله بودیوان یزید دیوانیدر که
 بونده آل رسول باشی غلطان ایده لر بونه بی معنی سوز در صبر
 او انسون کوزه لم نیه منجر اولور دیوب صبر ایندر دی اول حالده
 یکپیری اغاسنه خط همایون کوندربلوب دیوانه دعوت اولندی
 عمو یاا باشیری ویکپیری چا و شلری نفرات ایله چارسولری
 طولشدیلر سر جبدن بیحد شقیلر کلوب سرباه طولشیدی زمان
 عصره دک نزاع ممتد اولوب آخر الامر قیوجیلر یوقاروده
 اولان سیرجیلری و شکایتجیلری سوروب اور کودر کن غیرت
 حق ظه ورایدوب سوق تقدیر ایله بره اورک صداسی واصل سمع
 صغیر وکیارلوب طرف شهر یاریدن اشارت و دفع غبار
 دته به اجازت صدور ایتدی قیاس اولنغله دیوان اصحابی
 و مطبخ عامرہ خدای اللہ بنه بر اوطون الوب کیمی مطبخ آلاتی
 و کیمی باغچه پارمقلقلین قابوب سپاه اوزرینه قوبولدقلرنده
 ضروری یوزلری دونوب طائفة مزبوره آردلندن ابریشوب
 ضرب قهرمانی ایله بر خوش کیشیلر اول زمان زخام نهزامده
 مکر سرای مطبخنه اوطون کتوزمش عربه لاورته قپوده بولنوب
 سدره ایتکله چانلر طشره یه پول بوله میوب بر برین پامان
 ایدوب باصه رق طشره جا آتوب بو حال ایله او چوز الی
 بدی آدم ایاغ النده روبراه دهلیز عدم اولوب باقیلری کوچبله
 تخلیص جان ایتدیلر حکمت خفیة الهیة لم یزایسه بلیه لرینی
 بو طریق ایله دفع ایلدی لاشملری آیرتلوب دریاه دوکلدی
 یکپیری اغاسی کلوب طشره ده اولان سیرجی جمعیتی طغیدوب
 پول آچملغله دیوان اصحابی حقیقوب کتدیلر
 اول طائفة غیر خائنه نک بویله منهزم و معدوم اولدقلرینه

سلطان جهان حاضر نلری زیاده ممنون وشادمان اولوب
سیاوش پاشایه خلعت فاخره احسان ایتدیلر و سپاه علوفه لری
ایچرن مهیا اولان کیمه لری کما فی الاول توزیع ایتدیلر و دفتر دارلرک
اوچی بیله دفعه معزول اولوب حاجی ابراهیم پاشا باش دفتر دار و برهان
افندی اناطولی دفتر داری اولدی

(عزل وزیر اعظم سیاوش پاشا و صدارت قوجه سنان پاشا)
اشقیا بویوزدن کوشدل و تأدیب اولمغله وزیر اعظم حضر نلری
خلعت فاخره ایله تشریف اولنوب ایرتسی کون بوکونه سرور ایله
وقت عصره دك قوله بنوب شهر استانبولی طولاشوب اهل
سوقه و نرخ اموریه عظیم تقید ایدوب کمال دبدبه و عظمت
ایله سرانیه کلدکه طرف شهر یاریدن قیوجیلر کتخراسی کلوب
ریبع لاکرک یکریمی بشیمی کونی ایدی مهر همایونی سیاوش
پاشادن آلوب مقدمه ملغره یه نی واجلا اولنسان وزیر اعظم سابق
مشهور قوجه سنان پاشایه کوندردی دونکی کون خلعت کیوب
اکرام اولمشیکن بوکون سیاوش پاشانک عزتله خلق عالم حیران
اولدیلر مکر طرف خلافتده اولان اعداسی فرصت بولوب وزیر مشار
الیهک صدارتی ایامنده ایکی دفعه دیوانه عسکرک هججی تأثیر
کعب شو میدر محصل ذاتنده اوغور یوقدر دیو پادشاه مالپناه
حضر نلریه یکدکلرینه بنشاء عزل اولنوب تقاعد علوفه سی
ویرلدی و قضاء ایام نحوست اینجه وزارت ویرلیوب تکبیل
مخلد قلندی سنان پاشا جادی الاولی غره سنده کلوب اوچخی
دفعه صدر الوزرا اولدی بواننده سائر مودور و معزولار قطیب
و وزلری آصف رأی دیوانده بوکونه ترتیب اولندی صدارتن
معزول فرهاد پاشا ثانی ابراهیم پاشا ثالث جفله زاده سنان پاشا
رابع جراح محمد پاشا خامس بویالی محمد پاشا سادس خضر

پاشا سابع ایدی شعبانک اون بشنده شهراده عجم میرزا حیدر سنت
اولغله محمد پاشا سرانده ارکان دولته عالی ضیافت اولدی
(سبب نقض هدیه اسلامیان و نتیجه و وقعه شهادت حسن
پاشا در سرحد بوسنه) نتیجه ایله اولان صلح بوزلما سنه سبب بوسنه
سرحدنه حسن پاشا وقعه سیدرکه حدود رومده بوزغون
سنه سی دیومشهور اولمشدر تفصیلی بودرکه سابقا سمندره
میرلوا سی اولان احمد پاشانک خلف صلیبی اولان مصطفی
پاشا که شجاعه ایله کزیده امر اوساطان زاده صف ارادرو پدیری
سرایی آت میدانده بوزیلوب سلطان احمد جامه نه چاپکاه
اولمشدر سنه سابقه ده مشار الیه مصطفی پاشا که کلبه سنجاغنه
متصرف ایکن ممالک کفاره آقنلر ایدوب نتیجه و خروا ت چنه لری
دخی سنوری تجاوز و ممالک محروسه به دخی تعدی ایدرل ایدی بوسنه
بکار بکسی حسن پاشا دخی اولطرفده ایکی قلعه بنا ایدوب
واسینی نوغراد قویوب بر ایکی دفعه کفاری بوزوب خیلی یوز
اقلیغی ایتشیدی و فتح طابور خبر به در دولته آدم کوندروب
بوند فصره کفار عظیم جمعیت ایله اوزریمزه کلمت مقرر در بالکن
بوسنه عسکری ایله ایش کورلر عمرما روم ایلی عسکری دخی
مأمور اولقی لازدر دیو امداد طلب ایتشیدی وزیر اعظم سابق
سیاوش پاشا کندی منسوب اتشدن کیرلی حسن پاشا به روم ایلی
ایالتن ووروب امداده تعین ایتشدر پاشای مزبور دخی روم ایلی
عسکریه سرم سنجاغنه داخل اولمشیکن پروچانده ستان پاشا
وزیر اعظم اولدی مکر بوسنه والیسی اولان تللی حسن پاشا
سنان پاشا یه اولکی وزارتنده استانبولده اولان خانهدینی
و پرمشیکن بعد العزل تسلیمدن امتناع ایتکله ستان پاشا رنجیده خاطر
اواب حسن پاشا یه غیظ ایتشیدی اکابناء اواخر رمضانده کیرلی

حسن پاشایی روم اینلندن وزارت ایله طمشواره نقل ایدوب
 کندواوغلو محمد پاشایی روم ایلی امیرالامراسی ایدوب کوندردی
 حسن پاشا ایسه کله جگ امداده مغرور اولوب ایکی سنه دنبرو
 صلحه مغایر دیار کفار اقلرایتدیکندن ماهدا بودفعه
 دیار کفار دن سبقت نام حصاری محاصره ایتشیدی کفار
 دوزخ فراردخی حسن پاشا صلحی یوزدی دیوعظیم جمعیت ایدوب
 قنیره حاکمی زرین اوغلو دید کیری ملعونکه امرای کفارک
 سالاری ایدی کلی تدارک واغر عسکرله قاقوب بوسنه
 سرحد یته یورودی حسن پاشا امداددن مأیوس اولوب
 لکن کفار عسکری اوزرینه کلز ملاحظه سبله یکی حصارده
 نهر قوپه اوزرینه کوبری قوروب خرواب جاننه کچمشیدی
 اول ائاده لشکر کفارک هجومی ایشیدوب اوزرنده اولان موجود
 اون بیک قدر بوسنه عسکر یله بی بالک جنکه حاضر اولدی حسن پاشا
 بهادر بی فکر اوله کفاری کوزنه کسدیروب غرور عظیم حاصل
 ایتشیدی کفارخاکسار چاسار قرنداشی مقسایلانوسدن استبداد ایدوب
 نجه نیک بیوک بکلرندن بری مبالغه عسکر له امداده کچمشیدی
 حاصل کلام فرق بیک قدر دزیتی ملا عین ایله کلوب مقابل
 اولدیلر آهن پوش لشکر کفار کال کثرتدن دریا مثال موج اورودی
 حسن پاشا غرور شجیه انه مقتضایه اهدایه قباله به قرار و یروب
 مشاهیر غراندن سرخوش ایراهیم پاشانک پدری غازی قوجه
 می بکه امرایتدیکه صوبی کچوب قتال ایلیه می بک دخی کچوب
 کفارک مبالغه ایله کثرتن مشاهده ایتدکده کلوب اوتغنده پاشایه
 خبر و یروب بونجه کفار ایله بی محابا عقاله سبب تلفدردید کده
 حسن پاشا شطرنج اوینار بولوب بره محنت کافرنه ملعوندرکه
 کثرتدن اندیشه اوانه تیر یورنسون دیوب کندی دخی سوار اولوب

عسکر اسلام فوج فوج گوره صو ینک جسر نند پکوب جنگه
ابتدا اولندی کفار علیه کوسرتوب وزیرین اوغلو ملعون اقدام
ایدوب جنگ عظیم یوز کوسرتدی تا که کلیس پاشایی مزبور
سلطان زاده مصطفی پاشا شهید اولدی و کافر ازور نیق لایق
بوزوب تار مار ایلدی لندن اوسک آلابنی بوزوب نوه عسکر ینکه
یرارتنک اندازلرد بر پشتیه ارقه و یروب محکم قورشوناشوب چوق
کافر قیر دبلرزین اوغلی اقدام ایدوب نوه عسکر ین دخی قیروب
عسکر اسلامی کیویه سوروب کوپری به طیانده زحام وضیق
عظیم حاصل اولوب کوپری باشند قوج غازی می ینک دخی
شهید اولوب جسر دخی کسلوب حسن پاشا غرق و نابود اولدی
بوقعه ده اگرچه حسن پاشا اهتمام تام ایدوب بیله اولان عسکر
اسلام محاربه ده رستلک ایتمکده تقصیر ایتد بلراکن کفار عسکر نده
نجه دن امداد طریقه له کش وافر کافر اولوب قرق ینک
قرد برنتی ملاعین وار ایدی سکر ینک قدر آدم غرق و شهید اولوب
حسن پاشا ایله رستم پاشا ینک دختر زاده سی محمد ینک و اوج
سبحاق بیکی دخی غرق اولد بلر کنار بوغلبسه ایله استفا
ایدوب درندی سینه احدی زالف شوالنده درد و لنه اولاق ایله یو خبر
موجش ور و دایند کده دریای غیرت پادشاهی تلاطمه باعث و محار
سیرینه سبب حادث اولدی

(سرداری سنان پاشا ایچانب محار) چونکه فرهاد پاشا
کشور کسلاک ایله اشتهار بولدی صدر اعظم سنان پاشایه دخی غیرت
دوشوب برسنه دن برویج قرالی خراج و یره بوب بوسنه بکار بکشی
غازی حسن پاشا دخی کفار باهر الضلال جنرالی ایله جنگ و قتال
ایدوب اول صوا شده انهرم کلر وقوع بولوب حسن پاشا
و مصطفی پاشا و نیمه امرا نیمه ینک عسکر اسلام ایله شهید اولد قاری

سبب نقض عهد در دیوب انکروس سفرینده جازم اولادی
 هر چند که شمندی زیم ایلی سرحدلی سلطان سلیمان دوری کبی
 شجعه الله مملود کلدر سرحد دیوکاری ایچ ایله دوشمکه اول
 دیوکلره استانبول و سائر شهر سایه پروری او شمکه آموز سرحد
 اختلال اوزره در حال گذاردن خیرکسینه قالدی سفر اولدیغی صورتده
 دخی زمان شتاقرب اولغله مصلحت کورلر باری بهاره صبر اوانسون
 و تمام مهمات کوراسون دیدیلر بو مقدمه لرنیجه بخش اولوب
 سنان پاشانک عزمی منع اولندی و بو منعی فرهاد پاشا طرفندن
 دسبسه یه حمل ایدوب منع ایدنلرک اکفاری متضمن فتوالر ایشدیر و ب
 اون بش کون ایچنده تدارکن کوروب عظمت مالاکلام ایله سفره چقوب
 سناه حدی و الف شوانک اون ایکنی پنجشنبه کونی عظیم آلا ایله
 حرکت ایلدیلر بو خصوصده سنان پاشانک سرعت واستجالی
 بر مرتبه ایدیکه اون بش کون ایچنده تدارک کوروب بوندن اقدام
 پادشاه سفره توجه ایتیمجه دفترخانه و یکچیری اغاسی کتک قانون
 دکل ایدی اکابنیه اون ایکی ییک یکچیری ایله کنجده اامور اولوب
 التی بلوکدن علوفه جیان یسار و عربان یمین بلوکلی آستانده
 قالوب دردی سفرلی اولغین اوج کونده وزیر سراینده علوفه لری
 ویر بلوب دور اولندی و یوم مزبورده چیقلوب شوال شریفک
 اون سکن یچی کونی کوچوب روانه اولدیلر و فرهاد پاشا آستانده
 قائمقام اولدی سنان پاشا ذی القمه اولنده ادرنه به واروب
 بش کون اقامت ایدوب درتوز تفننک انداز قول قریدا شلری
 یازیلوب بلغارده وارنجه اغالیه یوللرده صف باغلوب سلاملر ایدی
 اوزنجه اوایه وارد قده اهالی ولایت رجاسیله ایکی چفته خان ویرجامع
 و عمارت و چفته حمام و دکا نلر بناسی ایچون کدو مالندن اوتوز ییک
 غروش و وروب تعمیره آدملر تعیین ایشدی محل مزبور خرابه

در بندهایدی ایکی قریه اسکان اوانوب معمور اولدی قلبه
وصوفیه دن یکرب یاغو دینه قضا سنده باطعین دربندی مخوف
منزل اولغله بر پاشنه ورخان بناسی فرمان اولندی ذی الحجه ک
یدیسنده بلغرا ده واریلوب قوله ذخیره توز یغند نصکره جبه خانه
و مهمات شبقه لرایله بودینه کوند ریلوب ذی الحجه ک اون یدیسنده
کو چوب سرم صحر اسنه قوند ریلوب و ذی الحجه ک آخرنده اوسک
صحر اسنه قوندیلر و قرارا یتموب سوروب بسیرم و یولا نه قلعه لری
قمنه عزیمت ایتدیلر

وقایع سنه اثنی والف

سنه اثنین والف محرم الحرام سنده اوسک کیور یسندن
عبور ایدوب درت کون اورتاق ائشا سنده بودین طرفندن
دلر کلوب نیجه ایمراطوری و ساز کفار بکری بکرمی بیک قدر
لشکر ایله یانق قلعه سی ائشده حاضر در دیو خبر و یر دیلر مشورت
اوانوب وقت تنکدر حالا سکتوار سمته بسیرم و یولاته حصا بری
قمنه وارلق مناسبت در دیو او طرفه توجه مقرر اولدی ریم ابلی
بکر بکسی محمد پاشا بودیندن الی عد دیال یز طوب و ایکی قلنبورنه
و ساز مهمات قادیروب اوستونی بلغرا ده کوتورمکه مأمور اولدی
و بودین محافظی حسن پاشا ایالت عسکر یله آماده اولق تنیه
اولسندی مهساج صحر اسنده ایکی کون مکث و لاذ علوفه سی
و یریلوب انا طولی عسکری یوقلانوب جان قورتارانده واردیلر نصف
محر مده دال دره سی نام محله بودیندن کلن جبه خانه و عسکر ایله
جمع اولوب اوستونی بلغرا ده وارد قد بوسنه بکار بکسی
چرخه جی و انا طولی عسکری کیرویه قلوب عشرين محرمه بسیرم
صحر اسند وارد قد بودین محافظی حسن پاشا سر حد غازیلر یله
قلعه یه هجوم ایدوب محاصره و د لیرانه جنک ایله اوج کون ایچنده
کفار عسکری اضطراره دوشوب و یره یراغی دیکدیلر امانلری
مقبول اولوب قهر دانی حرنی کفار ایله اهل و عیالاری ایله چیتوب

کتمکه مأذون اولوب ریا قلوب قلعه ضبط اولندی ووجه غازی
قینوب سنجاق بکی نصب وبودینه ملحق یازلادی درت کون
آرامد نصکره پولاته حصارنه وارلادی برصغیر حصارایدی
اما وروشی کبر واطراف بقا ورجانی کوه وپشه زارایدی دلاورل
قلعه یه یور یوب متر یسه کیر دیلرایکی کون دو کیلوب غرض
صفرده کنار استپان ایله تسلیم حصار ایندیلر قلعه ضبط اولوب
پسپرمه الحاق یازلادی غزاة دل کتوردیلر کفار عسکری یانقده
اوتوروب اوستونی باغراده کلک مراد لری اولسد یعنی خبروردی
و کفارک برطابوری تانا صحرای سنه زول ایتشیدی اوزرل پشه وارانه
مشاوره اولسد قدح قاسم کرنی قریبدر جائز که وار یلیجی اکلنک
اقتضایده دیو فراغت اولمشیدی بو ائشاده سپاه اغاسی خرم بلوک
خلقتدن جمع کتیر ایله یاقوه طاغنه کتندی کافر طابوری اردو یه ایکی
میل قریب پرده ایدی اول کیچه کو چوب ایتسی صباح نما زناه
اوزرل رینه کافر دو کیلوب مزبور اغایی سجداده سنده شهید ایندیلر
بیراغی الزوب بلوک خلقتدن فیجه لر ناپدید اولدی پری سلحدار
اغاسنه توجیه اولندی

﴿ترقی عموم وعودت﴾ سردار اکرم موجود اولان سپاه
ویکیچری یه شکرا نه قتم عموم اوزره ترفیل و یروب بودین ستمنه
روانه اولدیلر نصف صفرده که روز قاسم ایدی بودین صحرای سنه
زول اولندی و عسکره مواجب و ذخیره ویر یلوب یکیکچری کتخداسی
وز غریبی و طور ایچی بودین قلعه سنده نوبخی قلوب جبهه بی و طویلی
و صر به جیلر پشته به تعیین اولندی اغار و کاتیلر پاشاینده قاقوب
باقی یکیکچری به سکر پشته قشلاق فرمان اولندی روز قاسم دن
اون کون هر ورنه نصکره سپاه سردارک چادرین یقدر یروب بلغراد
قشلا سنده دوزدریلر ربیع الاخرک اون بدیسنده بلغرا ده کلدیلر

دفتح نامه ایله رضوان افغا آسمانه کوندرادی سپاه اوغلانی
 زمره سنه نیکبولی وودین و سلطه داره صول قول قشلاق
 تعین اولندی

هجوم کفار بر بلاد اسلام در حوالی سرحد * سردار اعظم
 بلغراد کتد کده عسکر کفاره باش اولان چاسار قنداشی هر سگ
 مات باش نام مله ون زدن اوغلو و غیری بکریله اوستونی باغرا ده یور بیوب
 قتال عظیم ابتدیلر محمد الله نیجه بیک کفار دوشوب طوبرلاندی لشکر
 کفار بره قدار دفع اولد قده حسن باشا بدون و پشته و اطراف عسکرین
 قادیروب کفار اوزرینه قریب اولد قده لشکر کفار قات قات صافلر
 دوزوب ملاقات اید نیجه کفار آهنه مستغرق سورش دیمکله معروف بر نوع
 عسکر که آتی و کندی کولند هر جسم آتلی بر برینه زنجیر ایله مر بوط
 هجوم ایتد کلرنده حسن باشا به غازیلر غیرت و قنیدر دبه کوردی
 کفار بیکن کلکله سوز دگیوب بودینه فرار ایتدیلر حسن پاشا
 توابعیله کفار اورنه سنه دوشمکله وافر کا فرد پله غی کفار دخی
 حسن باشا به برد قلیج او شور دیلر لکن زده پوش اولمغله کار ایتدی
 حربیه و کوندر مقوله سندن بره قدار مجروح اولوب آندن آیرلدی
 حصه ارغاسی احد افام به سادر آت ایرشد یروب و افرقت الدن
 صکره دلوری و بشلویان و اتباعی ارایه آلوب برکناره چیقوب نجات
 بولدیلمیدانه قالان پیاده ر تا اخشا مه دک جنک ایدرک جله
 شهید ارادیلر و سائر عسکر بدون و پشته اطرافنه پراکنده و پریشان
 اولدیلر حسن پاشا مجروح ایدونه کلوب واقع حالی بلغراد سرداره
 اعلام و استمداد ایتدی

(استیلای کفار بر حصار فیلیک) بدون عسکری انهرامند نه صکره
 لشکر کفار دوزوب طولاشه رق فیلیک قلعه سنه واروب محاصره
 ایتدیلر سردار نظر فدن امداده کوندیلن سنان پاشا زاده محمد پاشا

وساثری برقوانغی بش ایدرک آهسته کیدرکن محصور ادران مسلمان
 جبهه خانه وطوپاری فنیایه ویردکد نصکره ناچار قالوب سنه
 من بوره ربیع الاولنده ویره طریقله حصاری تسلیم ایدوب چیقديلر
 کفار بونلرک نقود وایوجه اثواب ولباسلرین صوبوب آلدیلر ایکی
 اوچبوز قدر آدم مرتد اولوب فیلکده قالدیلر فیلک خلق اکثر رفض
 واخلاده میل ایتدکلری، قدما مشهور ایدی لاجرم شأ ثلری جله به
 سرایت ایلدی تقدیر الهی اول سنه قاسم نصکره ایکی آی قدر
 کوچک یاز اولوب میوه اغا جارینه وارنجه سرسبز اولوب میوه ووردی
 اول اجلدن ملا عین کشت وکذا رایدرب نیجه قلاع وحصونه
 مستولی اولدی فیلکدن چقان فراریلر سچان حصارینه کیروب
 آلائی بکسی وجهه عسکرسی کفار خوفندن فرار ایتلریله بولدقلرین
 یغما ایلدیلر وفاقچیلر کافر کلوب حصاری خالی بولوب بشوز قدر
 حربی کافر قویوب ضبط ایلدی مراوه ناحیه سنده صوته قلعه سی
 عسکری دخی خوفلرندن اطرافده اولان کهساره فرار ایدوب
 بش اون نفر ایله دزداری قالمشیدی کفار کلدکده طوپلره آتش
 ایدرلر ایچنده عسکر وارا یمش دیو کفار تعرض ایتزلر همان بوقلعه
 کیدر شتمندن خلاص اولدی صوته دن آتلان طوب صداسی
 کلدکده واج قرینه کلن امرا و عسکر کافر کلیور دیو فرار اردنجه
 اولوب خلقه غلغله ویردیلر بواثناده تاتار عسکر به نیجه بیک
 امداد کلدی صداسی شایع اولغله کفار کیوچکیلوب صوته
 عسکری ینه قلعه لرینه کیدریلر بعده الدن کیدن طغوز پاره
 قلعه نک اهل فساد عسکری وغیرتسن مارا توزلری بالجهله
 واجده فرار ایدوب غصب و سرقه وفساده باشلوب بعده
 پاشا کتخداستی کوندروب طاغندی وضابطلرندن بش نفری
 بودینده صاب اولندی واطرانه طاغلری حربی کفار طوتوب

بونلر نه تركة يار نه بزه ديوجله سنى فلجند ن كچوردى كفار نابكار
 واج قربنده لشكر ترتيب ايدوب نوغراد حصارنى محاصره ايدوب
 جنگ عظيم ايتديلر و بواثناده مزبور بكارك دخی بعضىسي واجدن
 فرار ايدوب بر بلوك كفار كلوب طشمره سن ياقوب غارت
 ايتديلر جادى الاخره نك اون طقوز بچي خبس كوتى نوغراد دن
 طوب آوازي كسلد كده واجده اولان بكار نه حكمتدرديو اخشام
 اول جانبه توجه ايدوب كورديلر كه كفار عسكرى هر طرفدن اوشوب
 ايچنده اولان خلقى زبون ايدوب ويره طريقله حصار دن طشمره
 چيقاروب ذليل و عريان مسالى و ير مشلر كلد كلرنده قره قريدى
 واجلى به فافل اولالك كفار اردنمزدن كليورنه كونكره طور رسن
 نرسه عبرت يتر ميوز ديوفرياد ايتديلر بكار دخی واجده قرار
 ايتوب بودينه كنديلر واجده اولنردخی بو حالتى كورد كده قرار ايتوب
 بودينه عزم ايتديلر واجده دير دارايله دوت بش نفرى قالدی
 صوته قلعه سن دخی حسن پاشا امريله آتسه ياقديلر بو طرفدن
 نوغرادلى و سچانلى سردن كچديلر كيجد كلوب واج واروشنده
 تنفس ايلديلر خانه لر بوش قاز و طاق و سائر ما كولات دوكلش
 قالمش بونلر قويلوب صباحه دك غارت ايلديلر بواثناده كفار
 آنلوسى دخی كلوب احاطه ايلدى ايچرودن سردن كچديلر
 طوب و تفنك ايله نيجه سن مجروح ايتسد يلر ملعونلر زبون
 اولوب نوغراده طوغرى كتسد يلر
 (نا ديب و عقوبت فرار يان) اوائل رجبه شهر دار زاده محمد پاشا
 و حسن پاشا اتفاقله برو طرفه الدن كيدن حصار لك سرحد بكارى
 و غازى چله فرار ايتكلاه قلعه لر ين و ير مشلردر ديوعرض ايلديلر
 صوته اغارى نوغراد الزديغى كپ قلعه يى احراق بابنده امر
 كوندرلشدى نيچون طوب يلر تخلص ايتد يكر ديوجبس و عقاب
 اولاندى و نوغراد محافظه سنده اولان سمندره بكي ادنهلى

رمضان زاده بی بیخون و پره ایلد یکت دیو حبس و حقارت ایلد یلر
و نوغرا دیک قمره قریه لی محمد بک یکبیر یلردن خفیه صلب اولندی
و نوغرا د اغارندن بهمنی غار یلر یله صلب اولتمله غزاة سرحد
احوالی مکدر اولشیدی مزبور محمد بک سرحدک اسکی غار یلردن
وعصرینک اضلارندن ایدی بو ائشاده سو بوسقه پلنغه سنده که
شموشقه دخی دیرلر برمه دار تلوغر قالمشیدی کفار کلوب محاصره
ایلد کلرند پلنغه ده قاله جق عورتلری و اوشاقلری کندو الریله
قبل عام اید و ببر اوغوردن کافره قویلو ب بول آچ یلر و صحرایه
دو شوب کتدیله کافرک اوچ بدت آلا یو کرک آتلوسی
یونلری تعقیب ایدی برکون ویر کیجه قو و ب کندی غزاة متصل
جنک ایدو بایریشلری اوق و تفنک ایله دفع ایدرلردی بو طریق ایله
خلاص جان ایندی یلر.

(اسنیلاء کفار خاکسار برخطوان و انهمزام عسکر) مقدمانوغرا د
الذیه قده ایچنده بولن رمضان زاده کئخداسی چاوشی که قراله
کئورمشلرایدی قرال اطلاق یتکله ماه رجیده بودینه کلوب
ایمپراطور کئسدیسی ایکبوز یک خنزیر ایله بودینی محاصره یه کلک
تدار کتده اولدیغی خبر ویریکله بودین قلعه سنک لوازم تحصینی
وجمله تدارکی کورلدی اول بهارده عسکر اسلام حرکت ایتمدن
کفار نوروز دن اقدم ایکی طایور ترتیب ایدوب برین استرغونه
برین خطوانه کوندرمشیدی خطوانه کبیدنلر توغرا دی آتشلرایدی
بعده جادی الاخرده خطوانی محاصره ایندی یلر خطوان بکی ارساللر
پاشا بر اهل کیف آدم ایدی ابا قلجه بهادر و خطوان خلقی جنک
قادر کیسه لرایدی مزبوره دیر نوب طوب ایله وافر آدم اهلاک
ایتمشلرایدی و فریا یی کوندروب بودیندن امداد استدی یلر
شعبان شریفک سکرند بودین خلقک ابرامیله سنان پاشا زده



محمد پاشا و بودین و البسی حسن پاشا ممکن مرتبه عسکریه
کشتی بیلر استرغون دخی محصور ایدی لکن خطوان
امداد فی نظر بمایدوب کفار عسکری خطوانک جانتب شما پسند
ودیندن بکن صوکارنده طابوین فوروب طرور رایکن عسکر
اسلام دخی شعبانک اون برنده صوبی عبور ایچون بر میل قدر
یوقارویه کیدر کن کفار عثمانیاتی فرار ایدر صانوب صوبی
پکوب برو طرفه طوغراند یلر عسکر اسلام دخی صف آراسته
اولوب وستان پاشا زاده محمد پاشا سپاه زمهره سنی یانتب آلوب
کیر و طور دی حسن پاشا ایلرو وازوب سرحد غزایلر یله
محاربته عظیمه ایتسد یلر کفار آهن پوشدن فتی چوغی طعمه
شمشیر اولوب غزاة سرحد دن دخی جمع کثیر شهید اولدی
حسن پاشای دلیر دخی درنده شیر کی تیجه جوشللو کافر
خاکه صالیدی قضا ایلر پیراهن زرنه ناز باروت اصابت ایدوب
لبانی طوتشدی غزاة کوچ الله سونیدر ووب احراق ناردن
مجر و ح اولدی بنه غیرتندن عسکری جنکه تعویض ایدردی
سردار اعظم حضرت تلمری اول مختط عسکری بادی نظرده
کفار عسکری صانوب ضعیف القلب اولغله سنجاضی
دوشروب بودینه طوغری عزیم ایلدی سائر عسکر دخی ناچار
چوزیلوب سرداره پیر و لک ایتدیکی کی انهر نامه متهوی اولان کفار
یورکلنوب تعقیبه کیکله انقره بکی نیرانی پاشا خطواندن
چینوب غزاة ایلر کفار طابورین بلاصوب بعض عثمانیم و طوب
واساری الوب کیر طوپلری چویلر یلر کفار دوتوب بنه قلعه بی
محاصره ایلدی اول رمضان ده دیک و کدی خطوانلینک تیجه
حسن تدبیرندن کفار عاجز اولدی یلر بو محاربده ده دخی درت
بیک قدر آدم شهید اولدی و کفار دن وافر ملاعین طعمه

شمشیر اولدی واقع حال در دواته عرض اولوب اکثر بهادر لاق
حسن پاشانک ایکن وزیر اعظمک حسن تربیه سیله نام اوغلی
محمد پاشانک اولدی وایالتنه ضمیمه وزارت ایله مرصع تیغ زرین
وخلعت سمر کوندرلدی

محاصره استرغون کفارک بر بلوکی که مقدمه استرغون
محاصره سنه کلبیدی خطوان جنگند نصره جله سی منصف
شعبانده استرغونی دو ککه باشلدیلر عایدخی دم زمدر دیوب
اطاعتدن چقبوب واهالی قرا کفاره قاچوب نیجه ملعت
ایتدیلر شعبان آخرنده بر مقدار کافر عسکری واج اوز ریشه
دوشوب نیجه کسنه بی شهید ایلدیلر قرق الی یاز اتلو
و مارتلوز عورتلرین و اوغلانلرین سوار ایدوب سوروب
کوتردیلر مقدمه بوشنه و سمندره جانندن کلن ایکی بیک قدر
سراخور استرغون التسه کوندر بلوب الاریشه سنجاقلر
ویرلدی که شکاردن نه الورل ایشه کندورلک اوله بونلر خیانت
ایدوب کفار ایله خبرلشدیلر و طورد قتلری استرغون
و اروشی قبوسن آچوب حربی عسکره منضم اولدیلر و الحاصل
کفار استرغونه صار بلوب یومیه بیک سکر یوز قدر طوب
اتارلدی برو طرفدن یکجیری و حصاراری و سایر عسکردن
براسردن یکدیلر کوندرلدی درت قدرغه ایله اوج دفعه
و نیجه شایقه ایله امباد کوندرلدی امرای دریادن ردوس یکی
بیله کوندرلشیدی واروب کیردیلر و کفاردن کلن قدرغهاری
استرغونه اوغرا تمبوب و نیجه ایشده یرابوب ارلک ایتدیلر
کفار نیجه ایام دوکدکن صکره یوریش ایدوب منهرم اولدیلر
و اکثری هلاک اولدی ینه فارغ اولوب ایراقدن مجار عسکری

د وکوب قلعه دیوار لږ ښک چوق بریځی خاځله بکسان ایتدیلر
 نو غراد و فیلک خلقي کي ویره ایله صاغ چیتوب قلعه بی ویرک
 د پوهزار لغویات ایله حبله کاری ایلدیلر بزروم ابلی غزاق
 وایم ایل بهادر لر یوز ویره بیلرز دیو متفق و متحد جنکه
 تثبث ایتدیلر ملا هین اشته تانار عسکر یکن قابلو بغه به
 بنش امداد کره کلبورد یواشتهز ایتدیکجه بوکون یاربین بودیندن
 عسکری پایان امداد کلبور بزه خبر لری کلدی خنر لر لر یزلر
 سزی قابلو بغه به بندیروب جهنم یوللرز دیو محاوره ایدر لر ایلی
 مکر کفار پیئنده بطی الحر کتبه قابلو بغه به پیئندی دیو
 ضرب مثل ایدر لر ایمش اوچنچی دفعه ده جله سی بردن
 یوریش ایتدیلر ضابطلری اولان ملعون جائل واری
 برالتون زنجیر طاقمش اردلرنجه کلبور جله بی اوکنه قانوب
 سورایدی استرغون بکی شوملعون دوشسه جله کفار
 دوزدی هر کیم اوره یانور ایسه بولک و سنجاق بیه دیلر سه ویریلور
 دیمکله بودیندن یازیلوب کلبور دن عثمان نام بهادر جزایر
 تفنکی ایله بارودن التون زنجیر لی کافری نشانه الوب یا الله
 دیوب بریاغلی قندق ایله کوکسندن اوروب تپه سی اوزرینه
 آتندن اشاغی یقار سوروب کتوردیکی کفار در حال ترسینه
 دونوب عقبجیه فازیلر چیتوب نیجه کافر قیردیلر منتهزم اولان
 کفار طابور لر رینه واروب قلیجه کلبور لری قالمامله اطراف
 رعایا سی کافر لر ندن امداد یتشدر دی یتنه فراغت ایتموب
 دوکدرک حصار ی خرابه ویردیلر آچلق و مشقت دخی خلقي
 ناتوان ایتشیدی قرال عسکری دخی کلوب کافر قوتلوب قلعه به
 آتش یاغد رمغه باشلدیلر رمضان شریفده سردار طرفندن
 طشوار و الیسی و یوسنه و الیسی نیجه عسکر ایله کلوب پشته

یا قه سنه قوندیلر استرغوندن طوب صداسی کلوردی
 بونلر ایسه سرداره اعتماد ایتوب خطوان جنگی کبی اولمه دیو
 توقف ایذرادی هله متصف رمضانده یوریوب اینجه قراوللر
 دخی سحری کفاره کوزمکله برایکی دیل الوب یان ویردکلرینه
 مجموع کفار طابوری براغوب آردلرینه دوشدکده استرغون
 غزاتی چیقوب آج قوردکی طابوره قیولدیلر یکدن زیاده کافر
 قیروب نیجه سنی اسیر ایتدیلر و طوپلرینی چویدیلر و یوکلنه
 بلد کلری قدر باروت و اشیا الوب قصورینه آتش اوردیلر و نوب
 مغنم حصاره کیردیلر کفار مخدول و قوب بغضب ایله
 و دین قریه لرینه چیقان یلقچیلر صتا شری بودن عسکری
 چیقغاله یته طابورینه کتدی حاصل کلام سردار اعظم
 بودین قرینه کلمنجه کفار خطوان و استرغوندن
 ال چکمدی صکره قاقوب قومراند بریره کلدیلر بواشاده طمشوار
 و الیسی امداده کلوب بشته ده ایکن یا اتندن بر پلنقه خلق
 نصیبان ایتدکاری خبری کلدکده پاشای مزبور واروب
 سر بها ایریشوب باغیلری قیل عام ایلدی
 (استمداد صدر اعظم و امداد پادشاه معظم) کفار بد نام

صیکر اسلامک اول بهارده عزم و رزمی محقق ییلوب مملکتلرینه
 قریب قلعہ لری بذل مع و رایله الوب دورودراز محاصره و جنگلردن
 خالی اولما ییجی سنان پاشا بو کار مشکله اشغال ایله نار محاربہ بی
 اشغال ایتد یکنه نادم اولدی اما برایش بشارمدین فراغت محالدر
 دیواحرالی در دولته دفعت ایله عرض ایدوب خزینه و عسکر لازمی
 اعلام ایتشدی لکن حرکت عسکر هر زمان وقت معینده اولوب
 بیوقت حرکت عسکر و وایلی عسکری وقت حصا کوزمکله مفید
 اولدی سنان پاشا چید یغنه پشیمان و بر مصلحت کورلیه جکنه

جایزم و حیرا اولوب بالاخره سرحد امر اسنه رقلع حکامنه
و عسکر اعیانی ایله رؤساسته و مشیخ و علما سنه مجضر
ایتدیروب در دولتده اولان اعیان وارکانه مکتوبلر کوندر دکنه
مطابوب اولان خزینه و عسکر ارسالده استیصال اوتوب اول
زمانه دیکچیری اغازی پادشاهدن غیری ایله سفره کتمک قانون
دکل ایکن لالا محمد اغا بودغه مأمور اولسی بیکچیری عسکری
وجهه جی باشی ابراهیم اغا ایله بیک نفر جبهه جی بیله قوشیلوب
در درقات اردو ایله غره رجیده داود پاشایه جیتسوب بلغراد
کندیلر آستانه خدمتده سکبان باشی قالدی یوندن اقدام بش یاره
قدرغه ایله قبودان جغاله زاده دونه عسکرینی جیتسوب نصف
شعبانده بحر سفیده کتمش ایدی قریم خانی غازی کرای خان
دخی سردار یاشنه واروب خدمتده برابری بولتی ایچون اوامر
کوندرلدی وزیر اعظم سنان پاشا دخی متصرف رجیده بلغراد
قشلا سندن اوتاق جیتسوب آنلری جایاروب نصف شعبانده سره
صحرانده کچدی و عسکره ذخیره و مواجیلری و برادی سیواس
والیسی محمد پاشا و مرعش والیسی محمد پاشا و رقه والیسی علی پاشا
و بودین سرداری احمد پاشا و بوسنه ایالتی و برلین میخایلی
احمد پاشا کلدیلر ابتدا تانا حصارینه بده یانق قلعه سنه توجهی
مناسب کورمکله مهمات لازمه اول سمتة نقل و توجه اولندی
آخر رمضانده بیکچیری اغاسیله کوندر بلان عسکر اردو به ایرشدی
وزیر زاده محمد پاشا طو پلر اوزرینه و بودین مجاهدلی حسن پاشا
چرخه جی و بوسنه والیسی قراولجی و اناتولی بکار بکشی
ساطوری محمد پاشا صاع قوله سائر بکار بکیلر مصل قوله
و مرعش بکار بکشی قوتون ارده دمدار امین و ترتیب صفوف
اوتوب رابع شوالده تانا صحرانده واردلر تابر صحرانده بکلسازه

قریب نهر طونه قارشوسنده وقومران قلعہ سی براطہ ده واقع
ایکی میل قدر تانایہ قریبدر کفار عسکری دخی طونه نک
اوتہ جانبنده آلابنی ترتیب ایدوب تانایہ وارنجہ همه نسان کیدوب
هر کون اظهار کر وفر ایدردی تانا قلعه می اول کون محاصره
واوچنجی کون ویره ایله فتح اولوب ایچنسه عسکر قولندی تانادن
چیقان کافر ل قومرانه کتدیلر اول ائنده تانارخان دخی کلوب
عاشردی القعه ده اردویہ ابریشوب وزیر ایله آت ارفاسنده
مصافحه ایله کوریشوب وزیر اعظم اوتاغنه نزول ایلدی وبره قعه
علی النساءوی اوتروب بعد الطعام بر مرصع اتون لکن و ابریق
کلوب ال یودقدن صکره خاک سلسلدارینه ویرلدی و بر مرصع
شمشیر و رخت زرین و غداره و دبوس ایله بر مکمل اسب مزین
چکیلوب اکا سوار اولدی و میردن بش یک التون تشریف
قدوم و برلارب جله بکلب و بکلب و جوه عسکر و اچارا و کونه دوشوب
بارکانه ایلدیلر و منزل مزورده صار تن قلعه سنی کفار
براغوب کتکله ضبط اولندی

(محاصره یافت) حصار مزبور کلوار اسمبله مسمی برجانی
نهر ربا طونه به دو گولدیکی محصل و برجانی صوایله مملوعظیم
خندقدر اصمه کوپری ایله کچیلور عسکر اسلام غازیلری طشره ده
طورن کفاره هجوم و آلابرینه قویلوب خیلی باش و دل الدیلر
و مترسلر انوب ذی القعه نک اون سکرته محاصره ایدوب قول
قول دو کتکه باشلدیلر سپاه اوغلانی زمره سی صحراد قراولده
سلسلدار مترس بکلمکه وایکی بلوک خزینه و اوطاق بکلمکه تدیین
اولندی یک نفر سردن کچدی یازیلوب ایکی یردن طو پراق
سوراکه فرمان اولوب کونده یک قدر بدالوشقه اتیلور دی کفار دخی
طونه نک اوتہ جانبنده طابور قوروب قلعه نک طرفینه کوپری قوریلوب

قبوسی قیامگاه آتلو و پیاده قول قول دخول و خروج و جدن خالی
اولیوب یکر می کون بویله دوک. یلر و چاسار قردنشی هر سگ ماتباش
نمیجه و بحار و ساثر کفارک اجناسندن بوز بیک قدر لشدن کراوزرینه سردار
اولوب قومران جانینه قوندی ایچرو قلعه ده قرالک دامادی
غروف نام کبر کیر حاکم ایدی ماه مزبور اوائلنده علی الغفله کفار
چقبوب آتلو و پیاده اون بیک قدر ملعون مترسری باصوب اوج
بیک قدر عسکر اسلامدن شهید ایتدیلر عاشر ذی الحجه ده ایدی
اهل اسلام عید شریف اشغالنده ایکن چقبوب خسارته باعث
اولدیلر اکاه بولسان قوللر اوغرامیوب بعض موضع ایصال
ضرر ایتدیلر هله هجوم و مدافعه دایرانه ایله بوز لری دونوب
قلعه یه کیردیلر حصار قبوسی قیامگاه و مترسار قلعه یه ایصال
اولمغه چاره اولیوب وزیر اعظمک اوغلی ایله حسن پاشایه تبدیل
منصب اقتضا ایدوب روم ایللی الاتی حسن پاشایه بودین
محافظاتی صدر اعظم سنان پاشاک اوغلی محمد پاشایه توجه
اولوب حسن پاشا قبو مقابله سنده مترسه کیروب اون پاره طوب
ایله دوکه رک خواه و نا خواه حصار قبوسی قیامگاهی و هرایش
اهلنه تفویض اولمقی فائده سی ظهور ایتدی

(هجوم غزاة وانهزام طابور) ذکر سی سبقت ایدن هر سگ
ماتباش بوقدر بیک کافر ایله طابورنده اوتوروب اوته طرفدن
قاعه یه امداد ایدردی جله نک رأینی بونک اوزرینه قرار ویردیکه
قارشو کچیلوب طابور بوزلما د قیقه قلعه یه ظفر عسیر در بقاء علیه
بودین واستغوندن جسم مهماتی تدارک واحضار نه فرمان
اولوب عریه لایله کراسته وشایقه لایله طوبنازلر کلوب اوج کوپری
بری جاموس در یلرندن بری طوبنازلر دن و بری شقه مقوله سندن
مهیاقلوب بنا سنه شروع اولاندی التیوز قدر سندن کچلدی

یاز یابوب اونه باقه یه مروره باشلدیلر و برآز تاتار دخی کچدیکنی
 کفار کورد کده آلائی آلائی پیساده و سوار قارشو کلوب پرودن امداد
 عسیر اولغله طاقت ممکن اولوب شناورلکله مرور ایدن کچدی
 باقبسی شهید اولدی کفار تکرار کچمک خوفندن طونه کنسارینه
 مترس المغه باشلدیلر ایکی بیک قدر فدائی قابقارایله کچوب کافر
 کرز آچدرمیوب مترس لرینی وطوب لرینی الوب ملاعینی قاچرد قلزنده
 فی الحال کر پرلره مباحثرت اولندی و پرو جانیک یالسی منساره
 قدر بوکسک اولغله بال عین طوبیلر وشا هیلر قوریلوب ضرب
 اولند فیه ملاعین اولدکارینه باقبوب طوبیلر الایلرینی سوکوب
 لاشه لرینی میدانه سررکن یته طورمیوب فیه کتارینی ضبط ایتکه
 هجوم ایدرلر ایدی اخشامه لایمجد کافر قیرلدی هله کتاری آغله چاره
 ایدمه میوب طوبیلر یته چکلدیله کو پرلر اول کیجه تکمیل
 اولوب چوق لیلده عبور اولندی عسکر طفر شسارلشکر تاتارایله
 بالجه طابوره واردینی کی قراره محالری اولوب لو یواز یقه سنده
 اولان کو بریدن بربرینی باصه یقی کتدیله عسکر دن کیجه طابورمه وارلر
 وافر غنایم الوب صبح وارتلر دخی آخر لقند چوق غسینه بولندی
 طوبیلر وباروت وجهه خانه عربته لری و سائر بارو بنکاهی وجهه دن
 کبسه نفودایله مملو فوجیلر ونهر طونه ایچنده اوچیه ز قدر
 شیفه ودریزه قدر طوبیلر باروت ودانه لرایله اوج بیک قدر
 چادرلری جله میری ایچون ضبط اولندی وهرسک ماتیا ش
 بحر فوج و فرانچیه عسکر یته باش اولان دوقه قرنداشی طوبایله
 مقتول اولدیفندن ضیری اون بیک قدر ملاعین مقتول وکیمی اسیر
 و محذول اولدی قضاتندن سیروزی کریم زاده (فهزموهم یاذن الله)
 آیت **کریه** سنی تاریخ دوشروب مقابله سنده ترحاله
 قضاسی احسان اولندی بوند نصیره قلعه جوتوب اربعه سندن

کرکی کی محاصرہ اولنوب سال آئندہ قحی ہسراونجہ دوکشد
 (مقدمہ عصیان میخال و بودہ افلاق) افلاق و بودہ لری مهمات
 سفر ایچون طوب ہر بہ سی و باز کیر لری ویرہ ککشدرد سابقا ہسیرم
 سفرینہ ایک اوجیوز بار کیر کوندرمشیکن تکرار بلغراد دن بار کیر
 و ذخیرہ طلبند و خزینہ تحصیلند صدر اعظم طرفہ شدن آدمار
 واروب بلغرادہ محلہ ایرشددر مملکہ معاتب اولمشیدی بعدہ در تیوز
 بار کیر و خزینہ و ہدایا سی یانق التندہ بشمککہ وقتی ایلہ کلدی دیو
 آدمہسنہ قتل فرمان اولنوب اوغلی محمد پاشا شفا عتیلہ قور تیلوب
 ہدیہ سی رد اولندی و اولیہ ممالک براییک مہمل کافر اندہ اولق
 بہ لازم ان شاء اللہ تعالی اول بہار دہ سفر بمز افلاق اوزرینہ در
 دیوب آدم لری محبوس و در نشدہ بلغرادہ اطلاق اولنوب مؤکد
 اوامر حلیہ کوندر لمشیدی میخال ضال ایسہ عصیانہ مہدی بر کافر
 اولقلہ بوتہور و غضب معاملہ سی طغیانہ سبب اولدی کہ سال آئندہ
 ذکر اولنسہ کر کدر و بوسفرہ کلورکن غازی کرای خان کفار
 مملکتند یانق باصمامش برلردن کلوب نیمہ غزای عظیم ایتشدرد کہ
 تعمیر اولماز سنہ ثلاث والف وقایعنددر ربیع الاول اواسط نمیدہ
 کریمہ شاہ جہان فاطمہ سلطان وز برخایل پاشاہ عقد اولنوب
 اسکی سرایدہ جمعیت نسائہ خلوت وقت مسا اولدی و ربیع
 الاولدہ ماوراء النہر سلطان عبداللہ خان طرفندن ایلمچی کلدی
 و بواسطہ قیودان چغالہ زادہ دونمبای ہمایون ایلہ مسہنہ
 قلعہ سی اطرافنی اووب برقاج قالینلرین آکوب ترسانہ ککشدرد
 کفرہ و یہود کوک و صاری دلبند صارلردی تذلیل مراد اولنوب
 سیام و قمری چوقہ دن طاقیدر کیمک فرمان اولندی
 وقایع سنہ ثلاث والف
 (فتح قلعہ یانق) چون سنہ ثلاث والف دخول ایلسدی یانق

قلعه می محاصره سیده برای اولشیدی طو بلر و لغملر ایله درون
و بیرونی تخریب ورخنه دار اولوب طبر اقلر سور یلوب ماه بحر مک
اون یدنجی کونی یارین یوریشدر دیوندا اواندقده اطف حق ایله
کفار خوفه دوشوب طابور افرامندن و محاصره ده بیحد کفار مرد
اولد یغندن کندولره دهشت مستولی اولوب استیانه رضا و پردیلر
والا یوریش اولسه ایکی اوج تخنه کو پریدن کچمک عسیر ایدی
وطو بلر خوفندن ایچروده وافر کافر حقورله کیرمش و جنگندن ال
چکمشیدی عنایت حق ایله اوکیجه کفار نامدارلندن ایکی بیک
کافر چیقوب استیسان ایچون حضور سرداره کلدی لر مسئولاری
قبوله قرین اولوب امان و یرلدی ایرتسی باشلری اولان غروف نام
پلیس اون بیک قدر کافر پرخدید ایله چیقوب بوغچسه عسکرینه
یوف که قورقوب زیر زمینسه و بوجافله کیردی لر یوخسه یوقدر
بیک تفنگچی سزی قلعه به با قدر می کرک ایدی دیواغلیه رق اوکلرینه
دوشوب کتدی ماملکلرینه تعرض اولغیوب کیلره طولدی ر یلوب
دارالکفرلرینه کتدی لر صکره چاسار مزبور غروف دیوار ایچنه قویوب
اوزرینه دیوار پایدیلر و اوتوز در در و قبه اتار ایکی پنج طو بلر پیره زنان
کفساردن برکافره تک وقفی اولوب کفار اوج پاره قلعه رهنی ایله الوب
کوندر مشلرایمش استیسان وقتنده سرداردن و یرلسنی نیاز ایدیلر
مساغ شرعی اولما مغله مساعده اولندی قلعه ضبط اولوب
سینجاغی عثمان پاشایه و یریلوب طوقوز اچیه ایله ایکی بیک نفر اوج سنه
محافظه یه باز یلوب اوج بیک بیکچری و اوچیز طو پچی و بیک نفر
جبه جی تعیین اولوب مهمات لازمه سی تکمیل اولندی مزبور
هزیمتد نصکره غازی کرای خان پاپا قلعه سنه وارمشیدی
کفسار فرار ایدوب قلعه ضبط اولدی

(محاصره قوماران) آخر محرمده قوماران اطه سنه کلدی یانق آتور سه

بزخی ویره ایده رزدیو مقدم سرداره قوماراندن مکتوب کلوب
 یانق فتح اولند قد نصکره ینه رجوع ایدوب ویرمدیلر ایام شتا
 و برد شدید وقتی ایدی محاصره اولنسه انقنق قابل ایدی دیسونلر
 ایچون سردار محاصره ایلدی لکن یانق جنکنده عسکرک شوقنه
 فنور و طبعتر ینه کلل کلبیدی بر قاج دفعه کفار چاقوب مترساری
 بصوب عسکر اسلامدن چوقی بهادر شهید اولدی سردار کورد بکه
 فتحی عسیر و روز قاسم دخی حلول ایلدی ماه صفر کاید بسنده
 کوجب اول حوالیده اولان قلاع و حصارله ذخائر و مهمات فونیلوب
 بودین طرفه عزیمت و هودت ایلدیلر حسن بکزاده و عالی و طوپو بچیلر
 کاتبی عبدالقادر تار یخلرنده یارمشلر که قوماران حاکی بنددن
 چاغروب روم ایللی بکبر بکبسی حسن پاشایی کوندرك قلعه یی و پرلم
 دیدکده وزیر اعظم سنان پاشا رد ایدوب سوزینه باقه سونلر طوبلری
 اورسونلر دیوتنبیه ایتد کده اول ساعت یکچیری مترساری براغوب
 چقمقلاغه کوچدیلر بو کلامی کاتب چلبی فدا که ده ردایدوب
 بو بر خام و مردود سوزدر دیوانده و محل وقعه ده حاضر اولمشلری
 تکذیب ایلد یلردیمشدر ماه صفر کلبشبی کونی غازی کرای خانه
 اذن و یر بلوب ینه اول بهارده کلک اوزره خلعتلریله و عرض ایتدیکی
 دیر لکری و یرمکله اکرام اولنوب یوللادیلر یرمیز اسنی ییک قدر
 تانار ایله استونی بلغراد طرفنده قشلاغه قودی وزیر اعظم بودینه
 کلوب یدی کون اوراق ایدوب اوغلنی یکچیری و روم ایللی عسکری ایله
 بودینه قودی لالا محمد پاشایی اناتولی عسکر یله اوستونی بلغراد
 قشلا سنه تعیین ایتدی بوسنه بکبر بکبسی احمد پاشایی اوسکه
 کوندردی سیواس و دیار بکر و قرقه و حلب و شام قوی اجازت ایله
 ولایتلر ینه کتدی یلر طوپلر و جبّه خانه بودینه قالدی مواجیلر
 و ذخیره لر و یر بلوب ر بیع الاول اوائلده مشتایی بلغرا ده کلدیلر

مقصد ما یا نایق قلعه سی قتی مرده سیله رضوان اغا آستانه یه
کوندلر لمشیدی اون درت کونده کلوب طوب و تفنگ شلکری
اولد قد نصکره سردار و خان طرفنه خلعت و سیف و مجوهر
سرغوچار خط هما یون ایله کوندریلوب جمله بکلیاره و اعیان
دولته خلعتلر کوندردی

(سوه ند بیر سردار و نهان و تقصیرش در بهض کار) دفتر دار
ابراهیم افندی تحریری اوزره بوسفره کلن عسکر بر تاربخده انکروس
سفر لرینه جمع اولدیغی معلوم دکلدن بالکرا و توزیک قدر قپوقولی
و ارایدی روم ایلی عسکری بی نهیا یه ایدی سلطان سلیمان
مرحوم نصکره انکروس سفری واقع اولما غله خلق غنیمت امید بله
تشنه ایدی و روم ایلی عسکری قدر در لکسنز عسکر کلشیدی اقیقی
ویورک بر ایالت عسکری قدر و ارایدی تاتار قرق بیکدن فرزندزایدی
ارباب تیمار بیکچری منرسه کیرد کده ما عدا سی بوش نصیب
اوقات ایدر لدی خان و سائر ارکان افنه اذن استد بجه بر مملکتی پامال
ایتد کده نصکره اننه نک نفعی ندر دیر لایدی والا طابور انهر ا مندن
صکره بجه دک وارسه لر عسکر اسلام او ککنه حائل اولور
یوغیدی و بر عذر دخی بودین مملکتی غارتدن حمایه اولمبوب شکوایه
کلنره بر مملکت ییقلما بجه بری یا بلالاز دی مملکه رعایای اسیر و فریه لری خراب
و تد میر ایتدیلر اول سیدن رعایا نک توانا سی حیدود اولوب بر پلنغه دن
بر بنه بش التیوز آدم جمع اولد رجه کیدلزدی قرا و قصبات غارت
اولوب زوئی بر ایکی دفعه یا قدیلر بلغراد کمر نلر دن خراج
الدیلر و اعظم خطا افلاق و یغدان و بود مر بنه مدارا ایتبوب
جفا ایلدی کیدر هدی سی کلشیکن قبول ایتبوب آدمی قتل مراد
ایدوب مجلسن فائده غضب ایله بغی و عصیان ایتدر مک
خطای فاحش ایدی

عصبان و یوده بغداد انکروس سفرلی آجیلوب چاسار
 جله امرای کفساره نامه رکوندروب پادخی فرق نصاری اهل
 اسلام اوزرینه هجومه دعوت ایتکله اردل وافلاق و بغداد یکجهت
 اولوب عصبانی مقرر ایلد یلر و طونه یالپسندده اولان اماکنه تجاوزده
 باشلدیلر اول زمان بغداد و یوده سی سنان پاشا نصب کرده سی ایدی فرهاد
 پاشا عرلی مراد ایدوب برخی بغداد بکرزاده سی دیمکله معروف برتازه
 اوغلان و یردی حتی اول اوغلان کندی خزینه سنده پرورش بولاش
 اسلامه کلر بکی دخی سولنوردی معتاد اوزره برقیوچی باشیله اسکمله
 چارشی قوشوب کوندردی لکن سلفی عصبان ایدوب کلنری
 ترسته دوندردی آستانه دن امداد رجا ایلد کلرنده سنان پاشا
 کتخدانلار بکار بکی اولوب مرعشدن معزول بولان مصطفی پاشایی
 رمقدار عسکر ایله تعیین ایدوب کندونک آخر زامانی اغارینی
 فرمان اولسان بدلدن تخلص ایچون بیله قوشوب ایکی بیکچیری
 ایله کوندرمشیدی وارد قارنده طونه منجمدا و لاش بولنوب روستی
 صحرا سینه قونوب طوپلری برکوی یقاسنه کچورک اوزره ایکن
 عسکر کفار علی الغفاله باصوب مصطفی پاشایی نیجه آدم ایله قتل
 و نیجه سی اسیر ایدوب بعده بغدادک طغیان بوما فیومامشدد اولدی
 (خبر عصبان میخال و یوده افلاق) افلاق مملکتده
 قیون و صغر و عسل و نمک چوق اولوب و یوده رنجید اولند
 استانبول تجاری و اغنیاسی ایچه و یروب واروب ایچه لرینه
 رعایان قیون و عسل و رغن جمع ایدرلر ایدی و زیاده مرابحه
 مقابله سنده بواشیایی طلب ایتدکجه نیجه نزاع واقع اولوردی حتی
 معامله جیلر ایچه استنبوب بکلره سب و لعن ایله جفا ایدرلر
 مزبور میخالک دارالاماره سی اولان بکرشده درت یکدن زیاده
 دایرلر کما اکثر یکجیر یلر واکار قوی ریاخورلر ایدی هر کون اوزرینه

هجوم ایدوب سراین طاشلوبالارینه کیرن اشیاپی آلوب
 قیوسنده بولسان آدمیری دوکرلردی جفا واذیتلری مالمونک
 جاننسه کار ایدوب برکون بونلری دعوت ونضیحت یوزندن پرقاج
 سوزایله اظهار مروت ایلوب بنی قتل اینسه کز مالکیز ضایع
 اولورکلرک سوزمه تابع اولوب افلاق ملکتنی نواچسنه تعین اولان
 آدملرایله واروب تحصیل اولسان مالی کتورک وایچندن ایقه کرنی
 الوک دیدکده نیجه تردد وعنادد نصکره راضی اولورلر لکن تحصیل
 ایدوب کتوردکاری مال جله دیوشنه وفا ایتموب مرابجه لری استرل
 حسابلری کورلمکسه برکوی قاضیسنی دعوت ایدرخسته بولمغله
 نائی علی جان افندی وارر زیر افلاقد اهل اسلام ایله بردهوی
 لازم کلسه برکوی قاضیلری واروب فصل ایتمک مأمورلر علی جان
 حسابلرین کورر مثلاً التمش یوک ایقه دعوی ایلان آدم تمسک ابراز
 ایدر کرچک تمسک بنم اما بکانه ویردک اجناسیله بهاسیله بیسان ایله
 دیدکده نیجه ابرام وزاعد نصکره یانه راضی اولورمک لاتقداون یوک
 ایقه برمر صغ خنجر یکریمی یوک ایقه بر رخت بش یوک ایقه جله
 التمش یوک چیقار اعدی مسلمان ویردیکک اشیاپی ربعی بهاسنه
 ال بش یوک ویردیکک شئی بریوکه ال ویریم دیو هزار نزاع و مجادله دن
 صکره التمش یوک او تو یوک راضی ایدر وقاضی به سبیل رحمت
 ایتدیرر کندی کاتلر بنه دخی یازدیرر اون یوکدن اشاغی اولنلری
 بونلر جرنیدر دیو حاسبه داخل ایتز بووجهله جله دیونی التمش بیک
 ایقه به ایتدیرر مرزورناب علی جانندن منقولدرکه طشره چقیدم
 اسکیدن آشنا برکافر یانمه کلوب علی جان خواجه یکریمی بلایق
 دوستم سن بوساعت چیقوب ایکنندی به قاله برکوکیده یله
 طور میوب روسجغه جان آنه کورایش ایشدن کچیدی دیوب کندی
 واقعا شهرده خلاف عاده حرکت ویکانه کفار کروهنگ کوشه کوشه

جعبه بن کوروب فی الحال قوچی به بنوب عاجل بر کوی به کلد کده
 قاضی فی آگاه ایدوب قالقجه مکر ملاعین اول ساعت جله داینلری
 واند اولان مسلانلری قتل عام ایدوب کره ایله کلوب برکوی بی
 باصیدیلر غیری چاره اولوب شنساور اولغله برزه رک طونه بی
 قارشویه کچدم بر آدم دخی کچدی فقط ابکیم خلاص اولوب
 عومایر کوکیده اولان درت ییکدن زیاده اهل اسلامی ارکک و عورت
 اکثریسی قتل ونیجه سنی اسیر ایدوب بعده آتسه یاقیدیلر بوقعه
 سنه انین والف جادی الاولیسنده وقوع بولدی بفسدان سمته
 بولنلر کلی وآق کرمان وقورسوه بفسانسه کچوب روسجقدن
 محضر ایله آستانه به خبر کوندربلوب احوالی ییلدریلر روسجق
 خلقی قالقوب بالقانه و اطرافه طاغیدیلر هنکام شتا اولغله آستانه دن
 تیرجه عسکرندارک اولنجوب بهاره قالدی
 (انتقال حضرت سلطان مراد ثالث از عالم فانی نورالله ضریحه)
 سنه ثلث والف جادی الاولیسنده پادشاه مغفورک عزاجی مخبرف
 اولوب علاج اطب تأثیر دن قالدی ابتدا خسته لکنده سنان پاشا
 کوشکنه اینوب خواننده و محرمان داخل مجلس همایون اولدوقده فلان
 پیت فلان نقش اوقونسون دیمک قتی نادر واقع اولمش بکن
 خلاف عامه * بیمار ای اجل بوکیجه بکله یانم آل اوقونسون
 بیوردیلر و اول ائشاده مصردن ابکی قدرغه کلوب قصر همایون
 مقابله سنده معتاد اوزره طوپلر آطوب شتلاک ایتدکده مجلس پادشاهی
 قریند اولان جاملر اوتوردقلری مقعد اوزریشه برزه برزه دوکلدی
 برخی شتلاک ایتدکده ساثر جاملر دخی دوکلدی بوکافر بیقلورمی بوخسه
 دیو بیوردیلر بوقدر دونما شتلاکرنده معظم قالیونلر طوپندن عالم
 زلزله به واررکن برجا مه خطر اصابت ایتمیوب شمدی قدرغه طوپندن
 ریزان اولغی آتار تطیره حل ایله متاثر اولوب بو کوشکه آخر کابشمر در

انجق دبودیده لی کریان ولجیه لرینه اشک روان سیلانه باشلدی
وما مر بوزک خامسی ایله اثنتیده نخت جه فی ترک ایدوب تحته
نشویده قرار و محمل نابوت ایله عالم لاهوته گذار ایتدی لر
بر ایکی هفته وزرا و قاضیه سکرلر عرضیه کیروب مصالح
کورله دن قالمشیدی باب السعاده اتاسی و زرادن بر فردی
اکاه ایتوب بوستانچی باشی فرهاد اتایی صوکتور مک
بهانه سیله دعوت و بوسری کشف ایدوب اوامه مغنیه سده
میرالوا اولان اکبر شهرزاد کلان سلطان محمد خان جنبه سریر
خلافه جلوس ایچون دعوت نامه ارسال و سرعت ایله
یتشمکه استیصال ایلدی وارد قیده مصر ایالتی احسان
ایتلردی لکن کد و طلبیه منصبی قید حیات ایله متصرف
اولتی فرمان یو رلدی ایکی کوند نصکره و زرادن ابراهیم
پاشا اکاه اولوب صوفی عثمان اغا نام اتاسی مکتوب ایله
بوستانچی باشی اردنجه کوندردی بعد قاعه مقام فرهاد پاشا
استماع ایدوب تحصیل یقین ایچون صوکت دیوانده ایکی حجت
و تلخیص ارسال ایدوب چقد قده یازیلن خط پادشاه خطنه
تقلید اولغله کند ویه یقین کلوب اول کون بلاعرض بر قاج
سبحاقلر توجیه ایلدی و تعزیه و تهنیه نامه ایله براغاسنی
کوندردی ایرتسی زنداندن بر قاج واجب الازاله چبقاروب
تخویف عوام ایچون قتل و لاشه لرین اعلان ایتدی و قول کزوب
ضبط و ربطه مشغول اولدی ماه مر بوزک اون اتیشند
صلا و قنده پادشاه جدید مدانیه اسکله سندن قدر غه یه
نبوب کلوب سنان پاشا قصر نه نزول و حرم همایونه دخول ایتدی
والده مکرمه ایله کوریشوب سیاه شمله ایله ماتم لاسلرینه کیردیلر
یوم جمعه اولغین جامعدن چبقا جق زمانه دک امر بیعت تمام

اولدی اندن پادشاه مغفورک نعشی صحن سرایه چبقار یلوب
 خواجه سعد الدین افندی آخر خد مقدر جنازه پادشاهه
 اداء نماز ایدیم دیو استیجازه التماس ایتد کده وزیر فرهاد پاشا عرض
 ایدوب اذن همایون صد ورایلدی لکن سعد الدین افندی
 چیقجه مفتی بوستان زاده افندی امامنه شروع ایدوب تکبیر
 یتیم بولتمه یین ناچار اقتدا ایدوب اتما مند نصکره خواجه افندی
 دلگیر اولوب ولی میت بکا اذن و پریش ایدی تکرار اگاه ده
 لازمدر دید کده مفتی افندی جواب و یروب پادشاه جهانک
 بالذات اقتدا ایتلری اذندر نماز تمام اولدی اگاه ده لازم دکلدردیو
 منع ایتد کده خواجه افندی ملتسی قرین حصول اولمديغنه
 متکدر اولوب مفتی افندی ایله یینلرند عداوت حاصل اولوب
 (البغض یوارث) خواستجه موروث اولدی جنازه مغفور نمازی
 ادا سند نصکره پادشاه مالیهه حضرتلری طوغری حرم طرفه
 کیدوب وزرا وارکان دولت جنازه ایله ایاصوفیه جوارنده احضار
 ایتد کلری مزاره کلوب دفن ایتدیلر واول زمان قیامت نشانده
 پادشاه جهان پناهک برادرلری اولان اون طغور نغرشه زاده
 بیگانه ککند جانستان ایله شهدا قرمه سنه الحاق و پدرلری
 مرحومه همراه اولوب ابرتسی علی الصباح جمله سنک مفتی
 فندی نمازین قیابوب پدر جنت مکانلری ایاغی اوچنده دفن

اولدیلر رجه الله علیههم اجمعین

(ذکر مدت پادشاه مغفور سلطان مراد خان و بعض
 از محامد و مکرم واحسان او) سلطان مراد خان
 مرحومک سن شریفلری الی سنه کامل و مدت سلطنتلری یکرمی
 سنه یه اخلدر صلب کرمیلرندن بوز ایکی عدد ولد تولد ایتدند
 شهید اولان شهزاده لک کباری درت عدد ایدیکه

نوعی افندی تعلیم رینه مأمور ایدی اسماعلی سلطان مصطفی
سلطان بایزید سلطان عثمان سلطان عبداللهدر ماعداری
چشمه شیر مادر زدن نیم سیر ایدیلر سلطان مصطفی طبع موزون
صاحبی سخن کوی ایدی والد ماجد لری انتقلنده جاندن
نا امید اولوب بو بیٹی سولشدر * ناصیه مده کاتب قدرت
نیازدی بیلیم * آه کیم بو کلشن عالمده هرگز کولدم * پادشاه
مرحوم خسرو عالی همت مجمع البهرین کرم و کرامت محب
مشایخ و صلحا مربی فضلا و علما خوش طبع و فهیم عاقل
و عال و کریم اولوب تخت سعالترنده ثابت ایکن پرکار همت
و شوکتی اطراف ممالکه ایریشوب سیف صارم رأی و شجاعتری
منصور واعادی دین و دولتری مدمر و مقهور اولمشیدی علما
و شعرادن آثار علییه و شعریه عرض ایدلره الطاف علییه لری
درایغ پیورلوب جواز سنیه اعطسا ایدر لرایدی زهد و صلاح
سمتیه سالک اولوب فن تصوفده فتوحات صیام نام پرکتاب
تألیف ایتشدر مخلصاری مرادی اولوب عربی و فارسی و ترکی
اشعار لری واردر اسرار تصوفه متعلق مذاق رجال الله اوزره
سخن پردازلقه طالب و طریق مشایخ اربابی و اصحاب سلوک
ایله مکاتبه و محاوره به راغب اولوب گاه رؤیایینی تعبیر و گاه
اشعار در ربازی شریح و تحریر ایتدیروب اصحاب بواطنی ارباب
ظاهر دن ترجیح و اهل حقیقت و اصحاب قلوبه انجذاب
طبیعتلرین تصریح ایدر لرایدی مغنیه ساده شهرزاده ایکن ایکی
مناره لی برجاع شریف بنا و یاننده بر مدرسه ایجاد و مجسده
عمارت و خان و تابخانه دخی یاپدردیلر و مکه مکرمه حرمه
سققی رخام ستونلر ایله کار کیر و معراب الرجه و خطمی تعبیر
ایتدردیلر و صریه نیجه بیک فلوری دخی الحاق یوردیلر

و بشکطاشده آوده اولان يحيى افنديك قبرى اوزرينه دخی
برقبه رفيعه بنايتدر ديلر
(وزراى عصر سلطان مراد خان) (وزير محمد پاشا) سلطان سليمان خان
عهدندن بروسدر اعظم اولوب ديوانده شخص مجنون ضريبيله
شهيد اولان وزير ذى قوتدر (احد پاشا) انك رينه وزير اعظم
اولوب درت آيدن صكره وفات ايتشدر (لالا مصطفى پاشا)
قبريس و شيروان مملكتلرينك فاتحيدر عبثه عليه ده قائم مقام
ايكن انتقال ايتشدر (قوجه سنان پاشا) يانق فاتحى امورديده
و كار زموده وزير در و سر در اعظم دخی اولشدر (زال محمود
پاشا) حضرت ايوب نصارى عليه رجه البارى جوارنده واقع
زال پاشا نام جامع شريفك صاحبيدر وزير ايكن وفات ايتشدر
(وزير حسن پاشا) بو دخی حنف افقه وفات ايتشدر (وزير
سباوش پاشا) بر دفعه قائم مقام و اوج دفعه صدر اعظم اولوب
بعده متقاعد ايكن فوت اولشدر (عثمان پاشا) اوز تيمور پاشا و غلو
ديدكلرى رستم زمانه و قهرمان يكانه در صدر اعظم ايكن
عجم سفرينيه سردار اولوب تبريزى فتح ابتدا كد نصكره مرىضا
فوت اولدى سنه ۹۹۳ (مسيح پاشا) عثمان پاشاك برينه صدر اعظم
اولوب بعده متقاعدا فوت اولدى ۹۹۷ (فرهاد پاشا) ايكن دفعه
شرقه سردار اولوب بعده صلحه باهت اولغله صدر اعظم اولوب
بعد العزل وفات وركاب پادشا هيده قائم مقام دخی بولنشدر
(ابراهيم پاشا) داماد سلطان جهان ايدى (وزير جراح
محمد پاشا) معرو فدر (جفاله زاده سنان پاشا) مع الوزاره
قيودان ايدى (بويالى محمد پاشا) حلب بى كى بى كى كشدن
متقاعد ايكن فوت اولان پير احمد اوغلدر ركناب ديوان
زمره سندندر وزرايه تذكره جى و يوليله رئيس انكتاب اولدقدن صكره

سکره جلال زاده پرینه نشانی بی بعد حلب والیسی بعد
وزارت ایله ایکی دفعه فیه نشین اولش برکامل وعافل وزیردر
استانبولده جامع شریف ومدرسه و خانقاه بنا ایشدر

استانبولده علیلا وفات ایشدر فی شهر رمضان سنه ۱۰۰۱

(خلیل پاشا) دما دپادشاهی ایدی (خضر پاشا) مصره والی
اولشیدی (جعفر پاشا) قوجه محمد پاشا ک دما دی براختیار
وزیر اولغله مرحوم اولشدر سنه ۹۹۵ (حسن پاشا)
طواشیدر لیکن شجاع وفحولینددر شروان ایالتیدن کلوب
وزیراعظم اولدی (وزیر علی پاشا) محمد پاشا سلطاننی الوب
وزیرایکن فوت اولدی (محمد پاشا) مع الوزاره روم ایلی ایالتنه
متصرف وزیرقتولدر (وزیر یوسف پاشا) اخالقندن چیممه
فرنکی لاصلدر قرق چشمه قربنده کندی سراینده خدمتکارلی
النده شهید اولشدر (وزیر شمسی پاشا) مصاحب و آل اسفندیار دندر
طقوز یوز سکان طقوزده فوت اولدی (وزیر حسن پاشا)
محمد پاشا زاده ک ایله معروف اکثر با مع الوزاره روم ایلی میره برای
اولوردی (محمد پاشا) سنان پاشا اوغلودر حسن پاشایه قرین
وبرینه منافش ایدیلر تجاوزه تعالی عنهم

(علما ی عهد سلطان مراد خان) (حامد افندی) جلوسده مفتی
بولوب اوج سنه روزنده فوت اولشدر (خواجه سعد الدین افندی)
ابن حسن جان پادشاه دخی سنجافده ایکن خواجه سی ایدی
جلوسده نصکره کا کان خواجه سلطان جههان اولوب امور صلدان
غیری تدبیر ملکوت و مصالح سلطنت رأی برینه مفوض اولان قوجه
خواجه افندی حضر تلریدر (قاضی زاده افندی) هدایه
ومفتاحه شرح یازن مفتی دوراندر (معلول زاده افندی) روم ایلی
قاضی عسکر لکندن قاضی زاده پرینه مفتی اولوب حسن جاز زاده

خواجہ افندی به مدارا ایتمه کله ائله دخی بعض غلط قتلین
جمع وحضور همایونه عرض ایدوب عزل ایتدیردیلر ویا لک
نقیب الاشرف اقلی ایلله قالوب وفات ایتدیلر سنه ۹۹۲ (چری زاده افندی)
قتلاری بین لعلامعتبر ابدی معلول زاده یرینه مفتی اولوب رفع
ظالمه ساعی ایدیلر فوت اولدیلر سنه ۹۹۵ (شیخی افندی) چری زاده
یرینه مفتی اولوب وقعه معهوده ده معزول اولدی (بوستان زاده
افندی) معروفدر (ذکر یا افندی) علامه عصر شارح
هدایه ومفتاح ومحشی صدر الشریعه اولان دولتو در دستبوس
خلعت بهار ایچون سرای سلطانی به وارفته اول آند
فوق مرضی عارض اولوب بدرجه ده فوت اولدیلر سنه ۱۰۰۱
(عبدالرحمن افندی) سلطان سلیمان و سلطان سلیم عصر لرنده اولان
قاضی عسکر لک لکندن ما عدا دولت مرادیده برسند به قریب
قاضی عسکر اولوب وفات ایتشدر در فی ربیع الاول سنه ۹۸۳
(ناظر زاده افندی) استانبول قاضیسی ایکن فجأة فوت اولدی
سنه ۹۸۳ (اختری زاده افندی) یوزاللی افچه ایلله اناطولی صدر ایتدن
متقاعدن ایکن فوت اولمشدر سنه ۹۸۹ (حسن بک افندی) اناطولی
صدر نندن متقاعد ایکن وفات ایلدی ۹۸۶ (بخاری زاده افندی)
طرابلس شام قضا سندن معزول فوت اولدیلر سنه ۹۸۶ (محشی
نان افندی) اناطولی قاضی عسکر لکندن ایکیوز افچه ایلله متقاعد
ایکن فوت اولدی سنه ۹۸۶ (نشانچی زاده افندی) مدینه دن معزول
فوت اولدی سنه (همشیره زاده افندی) سلطان سلیم مدرسی ایکن
فوت اولدی سنه ۹۸۹ (سنان زاده افندی) فوت شد سنه ۹۸۷
(کامی احمد افندی) ادرنه دن متقاعد فوت شد سنه ۹۸۷
(معلم زاده محمود افندی) صحن مدرسه سندن نشانچی اولوب
بعده معزول فوت اولدی سنه ۹۸۷ (بابا افندی) رستم پاشا

خواجه سی اولغله مولوبت طریقه سلوک ایدوب وظیفه مولوبته
متصرف ایکن فوت اولدی (صاری کرز زاده افندی) حلب الشهباء
قاضیسی ایکن فوت اولدی سنه ۹۸۷ (عبدالواسع افندی) ابوالسعود
اولغیدر (عزیز افندی) شهرزاده خواجه سی ایکن فوت اولدی
سنه ۹۹۹ (خضر بک چایی) برو سده مناسرت مدرسه سنده فوت
اولدی (خسر زاده مصطفی افندی) دررغر صاحبی ملاخسروک
سبط رشید پطوق یوز طقسان سکرده طرابلس قاضیسی ایکن
سعاله مبتلا و اوب کلورکن آفشهرده وفات ایلدی سنه ۱۰۰۰
معرقلو لبن الجناوب آدم ایدی غلطات عوامی جمع ایدوب
قطب مکی تاریخی ترجمه ایتدیلر ترکی نازک اشعاری وارد
(وان قولی محمد افندی) عارف و عالم و کامل کسسه ایدی طریق
علمده سخن مدرسه سندن مغنساقتواسی ویریاوب بعده مولوبت
ایله سلاتیک و بعده کوتاهیه منلاسی اولدی اندن مدینه منوره
مولوبتدن سکسان اچ ایله مقامدا مدینهده فوت اولدی
سنه ۱۰۰۰ فقیه و متین و لغت شناس ایدی درر حاشیه سی
و ترجمه بینات و سیاساته متعلق رسائلی وارد در صحاح جوهری بی
ترجمه ایدوب سلطان محمد خان جامعنه وضع ایلدی و کیسای
سعادت دخی ترجمه ایلدی (عبدالقادر افندی) ابن امیر کبوداری
پلانجی افندی دیمکله معروفدر طریقله کوتاهیه منلاسی اولوب
بعده طرابلس قضاسی ویرلد کده عدم رضا ایله اکاپره اطاله
لسان ایتک تهمتیه نفی اولشیدی افراط تهوور صاحبی ایدی
ذیل شقایقه یازشدر که ترکیبی سست و الفاظیده نادرست در
یکبشهر قضاسندن معزول اولدقده فوت اولدی سنه ۱۰۰۰
(مولانا محمد آیدینی) الحصار دندر دیار مصریه ده نیجه زمان قاضی
بعده مدینه منوره ده شیخ الحرم اولدی مستحضر نوادر بر فاضل

وماهر كسنة ايدى السنة ثلاثه ده شهرى وازدر حريرى مقام تته
 بر شرح موجز اكا منسوب در شيخ الحرم ايكن فوت اولوب بقيعه ده
 دفن اولمشدر سنه ۱۰۰۰ (شمعى افندى) ترك و تجريد
 اربابند ن بروجود كامل ايدى ابناء ناس و خدام كارى اوقومتغله
 تعيش ايدر درویش مشرب پر كسنة ايدى معارف جزئيه و مقدمات
 علوم افاده سنه قادر اولوب مثنوى شريفى و ديوان حافظى
 و كلستانى و بوستانى تركى شرح ايتشدر ۱۰۰۰ سنه سنه ده
 فوت اولدى (سودى افندى) بوسنوى الاصل بر مرد صاحب
 معرفت در طريق علم سلوك و نصكره بر مقدار وظيفه تقاعد ايله
 قضايت ايدوب ابراهيم پاشا سراينده اولار غلام خاص تعلیمه
 مشغول ايكن وفات ايلدى سنه ۱۰۰۰ مثنوى به و ديوان حافظه
 شرحارى و كافيه و شافيه و كلستانه ترجمه و شرحى وارد
 مقبول اولى الانظار در (عبدالرحيم چلبى) قتالى زاده على افنديك
 كوچك قريداشيدر سروز قاضيسى اولوب رشك انداز
 موالى مروت ايله محشم بر خدوم صاحب فضل
 ايدى وفات ايتد يلقى سنه ۱۰۰۰ (ملا عبد الكرام امام سلطانى)
 مغنيسا ايدر طريق علمه سلوك ايدوب مغنيساده درس ايكن
 سلطان مراد بن سليم خان اول دياره وارد قده اماملى وفات ايدوب
 یری بونلره اولش ايدى جلوس همايونده مراتب عاليه احراز
 و افراندن ممتاز بعده قاضى بكرلك تقاعديله سرفراز اولدى
 مزبورك علمى مبانه وضعى عاميانه احوال غريبه ايله مشهور اولوب
 بعض آثار خيريه سى صدور ايلدى جمله دن برى يهود طائفه سى
 نارنجى دستار ايله ملايانه عمامه لى صارينوب صباح و اخشام
 قر اكله لرده فرق اولغزدى يساغ ايتد پروب قرمى و مور چوقه
 نقيه كچك ايله ممتاز اولمرتته باعث اولمشدر و قاسم پاشا ده محلات

مسلمینه قریب یهود مقابر بنی رفع و بر کیکه ایچنده بر مسجد
 بنایتی دی نهایت در مند همچو نلره بحجب او یون اوینا دوب آلت
 لهور دیونجه بیکاه حیوانی قتل ایتدر مشدر فوت شد سنه ۱۰۰۶
 (مشایخ السوله المرادیه) (شیخ بولاق محمد چلبی) سلطان محمد جامه نده
 واعظ ایدی صدر شریعه دن تدریس ایدردی (شیخ محمد افندی)
 حمیدیدر ایاصوفیه واعظی قوال بالحق جری آدم ایدی (شیخ امیر
 افندی) سلیمانیه ده واعظ و مذاکر اوقبوب حل مشکلات ایدردی
 (شیخ خضر افندی) یا باباشی زاده در تقی ونقی واعظ خوش لهجه
 ایدر (شیخ تاتار ابراهیم افندی) مرتاض و محدث ایدی سلطان
 محمد جامه نده از بردن نقل تفسیر ایدر لردی (شیخ شعبان افندی)
 نقشبندی در امیر بخاری زاویه سنده ارشاد درویشانه مشغول ایدی
 بادشاه حضر تلری زیارتیه وارردی (شیخ قورد افندی) اهل
 حال و تعبیر منامانده صاحب کمال مرشد عزیز ایدی (شیخ
 حسن افندی) قوجه مصطفی پاشا جامه نده سجادیه نشین عزیز
 معروف در (شیخ محمود افندی اسکنداری) بابا افندی وفات ایتد کده
 روم ایلی قاضی عسکری بولسان صنع الله افندی تعریفله فرهاد
 پاشا سلطان محمد جامه نده واعظ نصب ایلدی بر شیخ حلوا اللسان
 و فاضل کاردان اولغله اکابر د و لتک فلبنی جلب ایدور
 صکره خواجه افندی مخاد مبله الفت ایتد کده صنع الله افندی
 تریه ایتد بکنه نادم اولوب زمان فتوا سنده رغبت و التفات ایتدی
 خواجه زاده لک رغتی متراید او اوب جغاله زاده و بعض وزرا
 پنجشنبه وجهه لرده مجلس وعظنه مداومت ایدرب کتد کده ناس
 مراجعتلرین از توب کیدرک بر مرتبه یه واردیکه پادشاه جهان
 بیله قطب زمان اولسنه جائز و معتقد اولدی صکره رستم پاشا
 صکره سی مایشه خام مشار الیه جامع و خاتمه یاپدروب

جامع سلطان محمد ده اولان وعظدن فارغ اولدیلر شیخ ابو الوفا
طرزنده جامعده خطابت و امامت مراسمی کند و ادا ایدوب
ارشاده مشغول اولوب صبت کرامتی عالمکبر اولدی اکثر بلادده
خلفا کوندروب طریقتی الی هذا الان استمرار بولمشدر
سلطان مراد خان مرحومک مرشد خاص و مرئی بااختصاصلری پیر
نفاع شیخ شجاع افندیدر که مرحوم مرحومک دخی مغنیه سادده ایکن
عرض ایتدکلری رؤیا لرینک تمبیری عینی ایله ظهور و انفساس
طبیعه لری تأثیری ایله بین الخلق معروف و مشهور اولوب
جلوسلرندده استانبوله کتوردوب فاخر سرایلر تمیلک ایدوب
وظایفنی وظایف خواص مقرینه باغلوب پادشاه شیخی
دیملک معروف ایدی باب سعادتیه منسوب اولنلره مناصب عالییه ميسر
اولوردی بردرجه ده مرجع ارکان دیوان اوامشیدیکه از دحام
عظمادان حضورلریته وارلقده باب سهولت انسداد بولمشیدی
دارا السلطنه ده منصب الان و معزول اولان المیده اولمز یزی
زیارت و دست بوس انسا بلری ایله فخر و مباهات ایدر زایدی
ودوشد کجه امداد و انجاد لرینه مائوس اولورلایدی سنه ثمان
وتسعين وتسعمائه ده وفات ایتدیلر

(تفصیل حوادث عصر سلطان محمد خان) جلوس هه ایونک اوچنجی
کونی عامه ارکان دولت ماتم لباسلرین چیقاروب دستبوس هه ایونله
مشرف اولوب انعام عام و ترقیلر و یریلوب یالکزیکچیری طاققه سنه
الهی کره یوزبیک و التمش بیک التون ویرلدی و مرده ایله مغنیه سایه
وآران بوسلنجی باشی فرهاداغایه خدمتی مقابله منده تقود و تحف
بکرمی بیک فلور بیک قدر انصامات اولنوب کندور جائنه سنه
بوسلنجی باشلیق بطریق التائید مقرر قلندی سنجاقدن بیله کلن
لالا محمد پاشایه ذایلزی زوجی اولغین وزارت و یردیلر و سنجاقدن

کلن قوللری دفتر اولتوب قانون اوزره دیرلکری ویرلدی اغالرک
 کینی میرا خور و کپی قیوجی باشی و کیمنه یلورک اغالنی ویرلکله
 اعزاز بیوردیلر و خواجه لری منلا نوالی قبل الجلوس آخرته
 انتقال اتمکین سعد الدین افندی کا کان معلم سلطان جهان
 اولغله کامران اولسدیلر و ماه مزبورک یکریمی اوچینی چعه
 کیجه سی چاوش باشی افا کوندریلوب پدرلی زمانده دیاربکردن
 معز و لا کلد کده یدی قله ده حبس و تذلیل اولنان دیوانه ابراهیم پاشا
 ظالم و سفاک و بی باک اولد یغیچون قتل اولندی و ایرتسی مرحوم
 پادشاه زمانندن قلان اغالر و خواجهلر و دلسزلر که فرجه بولوب
 اموره مداخله ایدرلر ایدی طشره چیقار یلوب اکثرینه مصرده
 بر مقدار علوفه تعیین بیورلدی و جادی الاخرده یوک چیقمه فرمان
 اولتوب ایچ اوغللاری قانون اوزره حرم همایوندن اوجاقلره چیقیدیلر
 (توجیه وزارت عظمی بفرهاد پاشا) صدر اعظم
 اولان سنان پاشا دولت محمد خانیده عدوسی اولان
 فرهاد پاشادن اخذ انتقام امید ایدرکن خلاف ملحوظ
 در دولتده فرهاد پاشا قائم مقام بولمقله جناب پادشاهی به تقرب
 حاصل ایدوب چادی الاخره نک التنبی کونی که پنجه شنبه ایدی
 وزارت عظمی کند و سنه احسان اولتوب مهر جدید ویرلدی
 و مهر عشقی اخذ ایچون سنان پاشا به آدم کوندردی مزبور دخی
 بلغراد قشلا سندن جان آتوب کلورکن یولده خاتم و کالته واران
 آدم مصاصد فاولوب مهری الدی و کندوسی ملغره به فرمان
 اولندی بلغرادده وزرادن ساطورجی محمد پاشا قائم مقام و دفتر ار
 حاجی ابراهیم پاشاه ناظر خزینه و دفتر خانه او اشبدی دفتر لری
 مهر لیوب قلعه به قودیلر
 (فساد کفار افلاق و بغداد و هجوم ایشان بر ابراهیم و آق کرمان) مقدا

بغدان و بوده سی آوردن بشر اوزرینه واروب میرند راجد بک غرات
ایله متفقاً قبله و جنگ ایدوب نکر اکلنی و آ فکرمان اوزرینه کلوب
افکرمانی محاصره ایلدی اهل ولایت مقدما غازی کرای خاندن
استمداد ایملر یله عادل کرای برقدار عسکر ایله ایریشوب هجوم
ایند کلرند قراری فراره تبدیل ایدوب ملاعینک کیمی مقتول و کیمی
فرار و نیجه سی دخی اسیر اولدی افراق و یوده سی میخال ملعون
سر عسکر خباثت اثری ابر لاله کوندریوب علی الغفله باصد قلرند
خلقی قلعه یه کیروب کفار واروشی نالان و احراق ایلدی و طبور
فوروب محاصره یه اغازایند یگر نکرار اوج درتیک تا تار صبارفتار
عسکری بوز اوزرند طونه بی کیروب امداد ایتمکله طابور لری بوز بلوب
بیکنن زیاده کافر قیرای تکرار ملاعین خاسرین مجسار واردل
و افلاقی اشقیاسندن یگریم بیک قدر عسکر جمع ایدوب طوبلر ایله
کلوب ابرائی محاصره نیتی ایله هجوم ایند کلرند اهل قلعه قارشو
چیقوب برقدار جنگ و ییکارایت دیلر لکن کفار خاکسار بسیار و مقاومت
مشکل و دشوار اولغله قلعه یه کیروب جنگه باشلدیلر نظر طونه نک
بوزی چوز بلوب امداد عسیر اولدیغندن ناشی کفار امین مرتبه کیروب
قلعه بی دوککه باشلادی و لغملر یوریدوب عظیم جنگ ایتمکله خاق
ما یوس او اوب ویره ایله چیقمه مشورت ایند یلر قزه چاوش محمد بک
و مصطفی چاوش ارا یه کیروب مجاری بکارینه دیلر نیجه یمین و یروب کسنه یه
ضرر اولیه جفته کفیل اولغله کیلر ایله جله سی اوتیه بقایه کچور ملک
اوزره قول اولندی بعده امت محمدی کچور کن بیک بول قدر
ماللری برنده البقویوب خلقی فریاد و فغان ایدرک تصور و
چیقاردیلر و کفسار احاطه ایدوب اهل اسلامدن کزیده بنی اسیر
یلدیله و کینی صویوب و کینی اولدیله مکه باشلدیلر قزه چاوش بوعلانی
کورده بره کذا بلرقنی عهدیکن بر ملتده بو اولور می دید کده مجاری بکاری
قلعیه کفاری منع ایدوب بر قاجنی اولد ز دیلر و خلقی طونه دن

چکوروب کوندرد یلر و میخال ملعون مقدما ذکر اولند یغی اوزره
مرعش بکلبکبسی مصطفی پاشای شهید ایتمکله طغیان مزید
اولوب هر طرفه ایصال شرو شور ایستدکه هسکرندن
درت یلک قدر کفار سلسیره طرفه غارنه کیدوب سلسیره میرلواسی
مصطفی بک اگاه بولتمغین جمع عسکر جرار ایله اول ملاعینه سد
رهکنذار اولوب درت یلک کافردن یوزی قور تلیوب قلیچدن
چکورودی و تمام انتقام حاصل اولدی

(سرداری فرهاد پاشا بجانب افلاق و بغداد) سابقا یرکوکلی تخریب
اولدقدده در دولت فریاد نامه لر کلوب میخال ملعون همجواری
اولان ملوک کفاردن استمداد ایدوب یوزیکه قریب لشکر
منحوس الاثر ایله عمو مانهر طونه و بحر سیاه ساحلنده اولان واروشلری
تخریب و غارت و عبادالاله ایصال خسارت ایلدیکی خبرلری واصل
سمع همایون اولدقدده وزیر اعظم سردار اولوب اول بهارده اول جانبه
کتمکله مأمور اولدی و مهمات لازمه کوریلوب نوروزدن مقدم
عساکر نصرت مآثر ایله کلوب انجمنکاهه قاشمق اوزره امراء
جوانیه اولمر مطاعه کوندردی و روسجه قدن یرکوکلی یقاسنه
عبور ایچون جسرو مهمات و طوبازلر و کراسته احضاری ایچون
امر عالی اصدار اولوب مهمات لازمه و استادان ماهره تدارکی
باینده سلسیره و نیکبولی و ودین امراسنه مؤکد تذهیله اولندی
و صدراعظم و انجیده دکن ممکن مرتبه محافظه اولتی ایچون اناطولی
بکلبکبسی لالا محمد پاشا سردار تعیین اولوب و دینه واردی سنان
پاشا زاده محمد پاشا کهروم ایلی بکلبکبسی و بودین محافظه سنده
ایندی منصبی و دین محافظه سنده اولان وزیر حسن پاشایه
و یریلوب احضار مهمات مذکوره به مأمور اولوب و سلمی محمد پاشا
بودیندن قاقوب بلغراده کلدی

(غلوی سپاه بر فرهاد پاشا) فرهاد پاشا سفر مهمانته سعی آم
 اوزره ایکن سنه ۸۵۳ و الف شعبانک اون ایکیچی **کون**
 دیواندن چیقوب سرایشه **ک**یدردی مکر مقدما کجه
 قلعه سنده اوج سنه قیا نوب محافظه خدمتی ادا ایتد کد نصکره
 بلوکه ملحق اولقی شرطیه اداء خدمت ایدوب کلن اون بیک
 قدر قول اوغلاری ملازمتدن عاجز اولوب دیوان عالی قیو سنده
 فرهاد پاشایه سلامه طوبوب محافظه خدمتتری ادا ایلدک
 شرطیرموجبجه اسمایلیمن آستانه دفترینه کجوب علوفه لریم
 دردولندن چیقسون انتظار **ک**مکدن حالیز خراب اولدی
 دیون باده ابرام وادازه کلام ایتد کلر نده فرهاد پاشا بونوره سزک
 وظایف کز کجه و تبریز خزینه سندن ویرلک فرمان اولمشد برنیچون
 امره امثال ایتوب فتنه انکیز اولور سز اولوالامرہ اطاعت ایتیلر
 کند ول کافر و عورتلری باین اولد بغین بلز مبرسدیوب اوزر لرینه
 عتله هجوم ایتش انلردخی بوکلام فتنه انجامدن مضطرب اولوب
 سرعتله بلوک خلقی اراسنه کیروب اوج سال علی وجه التکمیل
 کجه قلعه سن اعدادن محافظه ایدوب وظیفه لریم ی طلب
 ایتد یکمز ایچون بری اکفشار ایلدی بویله سر دارندن او مارز
 دیونجه گفتار فتنه کارا بله تحریک فساد ایلد یلر آخر کار جله
 سپاهی و سلحدار طائفه سندن وزیر سابق سنن پاشا هوا دارلری
 دخی انلرایله همزیان اولوب ایرته سی دیوانه کلد کلر نده فرهاد
 پاشانک باشی کسلمیجه علوفه الماز زدی مکه باشلد یلر وهر کیم علوفه
 کیمه لینه یایشوب کورتورمک دیلدیسه طاشلد یلر اغار اول کروهه
 پند ایدوب سویلدیلر سود منسدن اولدی چاوش باشی و قوجیلر
 کتخدانی واروب نصیح و پشد ایلد یلر طاشه طوئیلر انلردخی
 فرار ایدوب کتد کجه فتنه لری از یاد بولوب بالاخر مجله کجه لورک

علوفه لرین تسلیم ایدم لم منزك مراد يكز به ايسه مساعده اولنسور
 ديديلرنا ثيرايتيويوب برافقه قبول ايتمز ديوان قپوسندن وزراي صاخ
 چيقارمز البته بزه فرهاد پاشاك باشي ديوملتمه لرین عرض
 ايتد يلر و ترك ادب ايدوب هنك حرمتده مصر اولد يلر بوقضاي
 پادشاهه عرض اولند قدده قاضي كركري نصيحتده كوندر ديلر كه
 شاعر باقي افندي وابو السعد زاده منلا افند يدر وارد قلرنده انلري
 دخی اسلمويوب فرهاد پاشاك باشي ديواياقي باصد يلر اول محل فرهاد
 پاشادخی پایه سريرا علايه عرض وانما ايدوب بن بنده دن صادر
 اولان كلام محامنده لالا محم - پاشا وسائر وزرا حاضر ايد يلر كه اطاعت
 اولي الامرا ايتينلرك ديتلر بنده ضرر مقرر در ديدم بوسوز ده
 نه خطا واردر بوقولكر ديتان كتمكله پادشاهه وزيار كسك اولمزلكن
 بومرادر لينه مساعده اولنديغي صورتده كيدم رك طغيا نلري
 اشتداد بولوب مقاومتلري مشكل اولور برمرتبه كه تنفيذ احكام
 نمكنا اولمز بوغائله دفعنده تدبير صائب بودر كه يكچيري اغاسي
 حالا عرضه كيرد كده شفاها تنييه همايونلري اوله كه
 او طه لردن مسلح زاده جه يكچيري كوروب جبه خانه التده
 طورهلر بوستايي باشي قرلاري مأمور اوله كه توانا بوستنا نچيلردن
 وافريني پرسلاح دمور قپواو كنده مهيا ايليلر وجهه سي
 اشارت عاليه مترصد اولهلر وزرا ديواندن چيقد قلري وقت سپاه
 هجومه تصدي ايدرلر ايسه هر طرفدن اورتا به الوب جزا لريني
 وره لر وزير اعظمك بونليهي طبع همايونه خوش دوشوب
 بوتد بيري قوه دن فعله كندور ديلر قاضي مسكرلر عرضدن چيقوب
 وزرا عرضه كير مشرايدى بالذات فرهاد پاشاه خطاب ايدوب
 بيور ديلر كه سن بالكر وئده طور بنم طرفدن تكرار وزيرلرم واروب
 نصيحت ايتسو نلر كار كر اولمز ايسه رأي سابق اوزره تدارك لريني

كوره لم في الحقيقة وزيرا عظم حضور پادشاه معظمه توقف
 ايدوب وزرا سپاه طاشقه سنه نصيحه وارد قلزده اول هتاك
 بي باكلرا سلبوب طاش اوروب هجوم ايتد يلا اول محل يكيچرى
 وبوستاچى اشارت عليه مقتضا سنجه بوشانوب واروب آن واحده
 سپاهى طاشقه سنى طاشاغنديلر ايكي كشي بربرده قالميدوب
 منزم وقتنه لرى منعدم اولدى اول غوغا ده داماد خليل پاشاك
 باشى ولا لا محمد پاشاك بازوسى طاش زخبله آزرده اولوب يكيچرى
 اغاسيله معا ديوان خانه په كلد كلرنده تفصيل حال عرض اولندى
 وديوان طاشاغدى فرهاد پاشا بنوب سراينه كلى ودينى تفكر ايدوب
 تحريك اشقايه باعث كندونك دشمنى قوجه سنان پاشا ايله جغاله زاده
 سنان پاشا هادارلى اولماسنه جزم عرض ايدوب سنان پاشا
 حقنده كوزينه ميل چكيلوب قره حصاره اجلا اولنوب ساژل ينك
 رنجى حمله ندن كلننك همچون فرمان پادشاهى صدور ايدوب
 اول تداركه عزيمت ايتد كده بهض عقلا محرملى وغازى نصيح
 ايدوب بوست سببه امشاله جريان ايدوب اقرا نه صرايت ايدر
 ديوميل قضيه سندن فراغت رجا ايتد كلرنده سنان پاشايى
 ملغره په وجغاله زاده يى قره حصاره اجلا ايله اكتفا ايتد درديلر
 و اعث فتنه درديو سياوش پاشايى قونيه په ننى ايدوب سارمظنه تهمت
 ارلان وسايط شروشوره جزا لى ويريلوب فتنه بالكله دفع اوارى
 و ايرتسى طرف سلطنت دن يكيچرى زمره سنه يوزيك غروش انعام
 اولنوب واون نفر اوجاق اغازى خلعت ايله اكرام اولندى
 (توجه فرهاد پاشا بجانب افلاق) مفر افلاقه خروج يراغى كوريلوب
 سنه ثلث والف شعبانك اون بدنى كوتى وزير اعظم فرهاد پاشا
 لاي ايله دارالسلطنه دن چيقوب داود پاشا په نزول ايتدى وزيثانى
 بولن ان ابراهيم پاشا قائم مقام نصب اولندى يكيچرى اغاسى

بمشجعی حسن پاشا آستانه ده قالب زرچی باشی اغا اون بیگ یکچری
 نفراتیله سفر همایونه تعیین اولندی و اون قطعه قدر غه ایله
 طوبار و سائر مهمات طونه ایله روسجغه کوندردی لکن داماد
 ابراهیم پاشا که قائم مقام ایدی اگر چه صورتاً تتیم مهمات شغلند
 کورینوردی اما فرهاد پاشایه مخفی عداوتی اولدیغنه بناء نیجه
 مهمانده اغرض و لوازم دن اعراض ایدردی فرهاد پاشا انیسای
 طریقه پادشاهه استغاثه نامه لر کوندروب بکرش اوکنده دشمن
 مهیا اولوب سرحد یمن اولان روسجغه قریب اولدق هنوز یاغرده
 عسکر قلیل بولانلر دخی علیلدر دشمنک حقتدن کلکه جمع کثیر
 و بوبابده عسکرلری بوسمتیه تنفیر کر کدر دیون نیجه کره اعلام
 ایتشیدی ابراهیم پاشا ایسه پادشاهم عسکرک قای فرهاد پاشا دن
 تمام نفرت اوزره در آنک اوکنده عدویه سینه کر مرلر زمانده ممول
 اولان وجه اوزره مصلحت کورمرلر جله عسکری قلیچدن بکچورسه
 دخی کدویه اعتبار و علی التندّه طور معنی اختیار ایتنلر دیو عرض
 ایدوب بو کلام حیلّه انجمام سیاقنده مفتی الانام اولان بوستان
 زاده بی کندویه هم زبان وقضاة عسا کردن باقی فندی بی ووزرادن
 جراح محمد پاشا و حسن پاشا و جغاله زاده بی کندویه همدم ایدوب
 رایحه عرض اسنشماسام اولماسون ایچون بکاسر دارلق کرکر
 و صدارت ایچون غرضم یوقدر مرادم نصرت دین و دولت و پادشاهمه
 سزا خدمت در دیوب قوجه سنان پاشایی فرهاد پاشا اوزرینه ترجیح
 و بومعنائی نیکجو اهلحق سیاقنده تصریح ایتدکده سنان پاشانک
 بر قاج بیگ التوفی ایله مسموع الکلام اولنلری ارضا ایتکده بوبابده
 ابراهیم پاشانک قولی تأیید ایلدکلی اجلدن کلامی کار کر دوشوب
 طبع پادشاهی فرهاد پاشا عزتسه میل ایلدی
 (احوال فرهاد پاشا) فرهاد پاشا ایسه شعبانک یکری
 برنده داود پاشا دن قاقوب چورلیه وارد فده بیسک نفر

تغلك انداز قول قزنداشى يازلىق فرمان ايوب حسين نام رسلى مى يه
افا لغنى ويردى وهر منزله تحرير اولنوب وقت عصر لرده اوتاق
او كنده سلام لر ايدى

(عربده طو پچيان واخوانان قول در ادرنه دارا المنجه) رمضان
شريفده ادرنده اون كون اوتوراق فرمان اولنوب بو ائشاده عتيق
سفر ايدن دريوز نفر طو پچى كلوب حلا فرمان اولان موجوده الحاق
اولنوب بونلره باشقه بر چادر اوته لى ايچون لازم اولغله اردوده
بركبير چادر فروخت اولنوركن آلوب قورديلر قول قزنداشلى
دخى مزبور چادره مشترى چيقوب ويره سيه استد كلرنده صاحبي
طو پچيلره نقد ايله بيع ايتد كند نصه كرم تكرر اطلب ومغروانه طو پچيلر
چادر بنه هجوم ايلد كلرنده طو پچيلر دخى جمع اولوب نصيحت ايلد يلر
قبول ايتجبوب شتومه آغاز ايتد كلرنده بونلر دخى قالدوب كينى
دو ككوب وكينى بحروح ايدوب طاغند كلرنده صاحب دولته واروب
شكوا ايلد بلر بوزو رلر بوب جله سنى مردود ايلد يلر بوشاده
رمضانك يشنده بغدادن وافلاق ولا يلى ايلت قينوب بغدادن
سابقا شرعان بكر بگبسى جعفر پاشايه وافلاق ساطورجى
محمد پاشايه توجه اولنوب جله مالكى مقاطعه اولقى اوژره قيد
ودفتر دارلى دخى بگبشهرلى محمد بگه ويردى واون ايكي بيك
موظف قول يازلىق فرمان اولندى

(وصول فرهاد پاشا بنهر طونه) ماه شوال مكرمك
اواخرنده وزير اعظم كلوب روسجمنه داخلى اولد قده كوپرى
جكراسته سى مهيا قلنشيدى نيكبوليدن طونبازلر كلوب
غرة ذى القعدة ده كوپرى پئاسنه مباشرت اواندى دل طوتيلوب
ميتخال كفاريد فعال جمعيتى ايله بكرشده اولديغى واردل ومعلمدن
يتش بيك قدر امداد كلديكى خبرى الدى ماه ذى القعدة اولنده

روم ایلی بکلیر بکیمی حسن پاشا افلاق و بحار دن اخذ ایلدیکلی
 بشیوز قدراسیردرت یک قدر پاشا ایله الایلر کوستر و ب کلوب اردویه
 ملحق اولدی وزیر اعظم سکز دیرکلی بر سایه بان الشده اوتوروب
 کوپی احوالنه ناظر ایدی بش الی کونده کوپی و سحقی اوکنده
 نه وسطنده واقع اطسه یه اولاشوب اونه سی برکوکلی قلعه سنه
 وارنجیه واسع اولوب انجیق بشیوز قطعه طو نیساز کبیر ایله تمام
 اووردی قلعه یه قریب بر مقدار صیغ اولغله فاز قرا یچون کیر
 بالوانلر قطع اولغله سنجاق بکلیر تمین اولندی کوپی بووجهله
 یاپلغده بلغراد ده درت بلوک خلقی ایله دفتر دارسابق ابراهیم
 پاشا مواجبلرین و یروب اوتور لر ایدی وزیر اعظم فرهاد پاشا
 دخی میخال بد فعال غائله سنی بر طرف ایتد کد نصرکه بغراده
 کتمک تخمیننده ایدی

(مزل وزیر فرهاد پاشا و وزارت سنان پاشا) مقدا ما ذکر اولند یغی
 اوزره داماد ابراهیم پاشا و سارستان پاشا هوادار لری فرصت بولوب
 غمز و نفاق ایله طبع پادشاهی بی فرهاد پاشا دن تحویل ایتد بر دوب
 بالآخره معزول ایتد دیلر سنه ثلث و الف ماه شوالنک سلخنده
 سنان پاشا دعوت و مهر وزارت کوند لر دی ذی القعدة غره سنده
 کلوب صدر وزارتده قرار ایتد کده سلفی فرهاد پاشا انک ازاله سی
 تدارکنه باشلدی میخال ضال ایله مخفی متفق و عسکر اسلامی
 اهدام خصوص سنده یکدل و متحد در دیواسناد مسامحات ایله
 مرتکب کفر و ضلال اولمشدر دیو کفر و قنسه فتوای ایتد یروب
 مهر خافانی بی الوب وجودنی ازاله ایتکه قبوجیلر کتخداسی
 احداغا تعیین اولوب یدینه خط همایون ویرلدی وجهه خانه
 و مهمات سفر یه بی ضبط ایچون باشقه بر مرعالی ویرلدی بر فاج کون
 مقدم فرهاد پاشایه کند و آدم لرندن بعضیسی جان آتوب ایرشدی
 وقصه بی بیلدر دی بیچاره فرهاد پاشا نک جان باشنه مهر ایوب

چنانچه تدن مایوس اولدی انجق شو قد رندارک ایده بیلد بیکه دیوان
 ایدوب طرف دولته ما جلا کتمک لازم اولدی دیوب یرار وتوان
 آد ملردن اوج بیک قدر بهاد رایله بنوب تحقیقه مهری ساطور بی
 محمد پاشایه و یردی و مهمات سفریه وادوات جنکه هر نه لازم
 ایسه جمله محمد پاشایه تسلیم ایدوب امور عسکری هلی ملاء الناس
 توصیه ایلوب اتباعیله آت بویینه دوشوب قیو جیلر کفخدا سنه راست
 کلبه جک بر یولدن ماه صافی السیر کی چکلبوب کندی و آستانه
 دیو کیجه بی کوندزه قاتوب یوریدی قیو جیلر کفخدا سی
 احد اغارو سجنه کلب ایکی کون مقدم فرهاد پاشا کتمش
 بولمغله ساطور بی محمد پاشایله معا واقع حالی درد دولتد عرض
 ایتد یلر سنان پاشا هنوز استنا نبولده ایدی وشام قوللری سفره
 کلسلرایدی سنان پاشا شام عسکرینه فرهاد پاشا مک قتلنه فتوای
 شرعی الفحوی وارد باشی بنم مالی سز کدر دیوب اول سواران
 بی باکی بولنه صالیدی فتوا مک تفصیلی بودر که طونه یالیرینک
 آکزدن فرهاد پاشایه شکایتجیلر کلوب اهل و عیالیز کافره
 اسیر اولدیغندن ماعدا مجلسلرنده عیالیزه قدح سوردر لر غیرت
 اسلام یوقیدر دید کلرنده علف ایله یاسز انلرک عور تلرین
 اسیرایتدیکیز خوشمیدر دیمش اوله و بوند نصکره کفر و قتل لازم
 کله بوستان زاده نک فرهاد پاشا ایله عداوتی و سنان پاشا ایله
 صداقتی صورت شرعه فونیلوب فتوا یرلک اقتضا ایتشیدی
 سلحدار غاسی رضوان اغاشام قولی ایله اوزرینه کوندرلد کد نصکره
 وزیر اعظم سنان پاشا دخی کند و تدارک کوروب سفره چیه مقیمه حاشنه
 شروع ایلدی کوندریان شام قولی بولده فرهاد پاشا نک نرینه سی
 قطار قطار کلور کن راست کلوب بی محابایغما ایتدی لر حتی کند یسی
 بر محل مرتفعده ناظر ایدی بر غیریدن منقوار که شام قولی

فرهاد پاشا به راست کلدکار نده فرهاد پاشا براق کبسه سیم وزر
صا خوب اول طائفه غارت نفوده مشغول اولاد قلنده و زیر مذکور
اوزایوب مسافه قطع ایلدی شب امیر اقتسام مالدیه بر ریله غوغایه
دوشدیلر و یوللرده دوکیلن اثوابی یغمایه اوشدیلر فرهاد پاشا
استراجه طاعلرینه دوشوب قرب استانبوله یتشوب لئروز نام محله
اولان چفتلکنه غره ذی الجله ده وصول بولدی و انده اختفا ایدوب
نفود و جواهر دن هر نه سی وار ایسه والده سلطان حضرت تری
طرفه اهدا ایشدی جرمی عفو و لنق مرده سبله مسرور اولدی
سنان پاشا روسجغه ایریشوب فرهاد پاشا مهندن فراغت ایتشیک
آستانه ده قائم مقام اولان داماد ابراهیم پاشا برخدعه غریبه دخی
انشا ایدوب الامان اوغلی دیمکله مشهور صلون نام یهودی و ساطیله
فرهاد پاشا دن بر مرصع خنجر آلوب جرمی عفو اولندی اختفادن
ظهور ایتسون چفتلکنه و قنده دیر ایسه متمکن اولسون دیوب
بو مضمون اوزره عفو متضمن خط همایون چبقاروب کوندر دکه
در دمندا غافل اول خطی بران امان بیلوب خط همایون و کلام ملوکده
خلاف مقتضای عدل و انصاف ذکدر اعتقاد یله اینانوب
اول اغاری ظهوره باشلدی بعده ککند و دخی چفتلکنه
روزی دیوب احبابی واروب زیارت ایدوب اصدفا سبله کورشمکه
باشلدی یغی کبی بر سحر اقتضای قضا و قدر ایله بوستانچی باشی
فرهاد پاشا غایب لای ناکهائی کبی زور بازان بی امان ایل چفتلکی
باسوب پاشائی اخذ ایدوب کتوروب یددی قله ده حبس ایتدی
سنه اربعه و الف صغریه کبشی کونی ایدی بعد الغروب ابراهیم
پاشا او قبی زاده قلیله بر تلخیص انشا ایدوب پایه سر را عیالیه
ارسال ایتد کده مدلولجه فرهاد پاشا قتل متضمن خط
شریف صدور ایدوب چارش باشی چوران سلیمان اغا کوندر ایوب

وقت هشاده قلل سبعة به اربوب زخم کنند کشته بی امان ايله
اول دستور و قوری بی جان ایلدی مرحومک جسدی جوارا یو بدیه
مهیا ابتدا یکی کنیده مد فون اولدی

(کلام منصفانه) مرحوم فرهاد پاشا نیک بچم سفر لنده بو قدر
خدمتی و شاه اوغلنی کنوروب اعدایه بو مرتبه حقارتی
مقابله سنده بو وجهله مکافات اولندی مرحوم سلطان مراد خان
پاشای مرحومک قدرنی ییلوب دائم حایت ایدردی لکن سلطان
محمد خان صافی دل و سادده درون حیل و خدعه وادیرینه هنوز
غیر متعطن اولغله غرضه مبنی مصنع کلانه اعتماد بیوروب احوال
بویله اولدی

(تفصیل توجه توجه سنن پاشا بجانب افلاق) پاشای مزبور سنه
ثلث و الف ذی القعدة سنک اون برنده داود پاشا صحرا سنه چقمشیدی
و آستانه ده ابراهیم پاشا یشه قائم مقام قالمشیدی سنن پاشا ادرنه به
واروب و آندن چالق قوای در بندندن کچوب شیمی دن و هزار غراندن
واروب ذی القعدة و اخرنده اردو به داخل اولدیلر مذکور
کوهری پر کوکی حصارینه قریب اولمشیدی انعام ایتدیر یاوب
ذی الحجة نك نصفنده وزیر اعظم جمله عسکر ايله کچوب وروم ایل
ایالتی عسکر ايله والبسی حسن پاشا چرخه جی و ساطور جی محمد پاشا
شام قولی ايله صاغ قوله و سلا نیک و نیکولی بکری کوهری
محافظه سنه تعیین اولندی آستانه دن کلن یدی قطعه قدرغه
دخی جیه خانه و مهمات ایلر و سجنه یناشوب ذی الحجة نك
اون یدیسنده یر کوکبدن دخی کوچلدی و قالو کران باشی که
میشه زار در بند اولوب ایلروسی بکرش بوغازی واندن
بکرش درت میل ایدی اول منشه زاره نزول اولندی بوغازه
قراوللر واروب خلق سکونده اینکن بکرش بوغازدن

نوز قویوب کنار الایلی ظاهر اولدی آت او غلانی اوری کوب
 چادرله کلدیلر عسکرینوب قار شولدیله وزیر اعظم صف
 باغلیوب اوکلنده اولان بتاغه تختلر دوشه یوب یکچیری
 طاغله سی مبشه زاره دوشوب وطایغ باشنه اون شاهلی طوب
 چبقاروب کفاری طویدیلر اورتی یولدن عسکر اسلام
 یوریوب ملاعینی کیرویه سوروب طویدیلر یز یلوب غلبه صورت
 کوستردیلر پراز کا فر قریلوب وقت عصرده باقیسی پریشانلق
 ایله یوغاز اوکنده طوردیلر جمله عسکر آمده وزیر قالدو کران
 دربندینک بری باشندله قرار ایتدی کفار بکرش یوغازنده
 آتشلر یا قوب غلغله و حرکت اوزره بیرا قلد ایله کیجه ایچنده
 برالای جاموسلری سورلردی بهجة التوار یخنده مسطور در که
 قالدو کران کوپریسی قریبنده که اورمانلی و بتاقلی محل ایدی
 نزول اولند قده برالای کفار چیقوب قتله باشدیلر و اورمان
 اغزینده طویدیلر و تفتکچیلر دو کولوب مضایقه و پردکلرندله
 ساطورچی محمد پاشا حیدر پاشا حسین پاشا ایاس پاشا زاده
 مصطفی پاشا عسکر و افرایله کوپرونی کجوب اعدایه مقابل
 اولدیلر ضحوة کبرادن بین الصلوتینه دک محکم جنسک ایتدیله
 دشمندن اون ایکی طوب انفذله کرچه غلبه کوردی لکر
 محل مزبور بتاق و اورمانلی یول اولغله سالف الکر محمد پاشا
 قاجرا بکن مجروح و حسین پاشا و حیدر پاشا و مصطفی پاشا
 بتاقلره باتوب شهید اولدیلر سردار اعظم حضرت تلی من ذریع
 الغنم حصده المن * فواستجه اول سال نحو ست مالدیه کندودن
 غرضه مبنی صدور ایدن احوال شامت مال نتیجه بخش سوء حال او اوب
 کما زک بوهج و منده کندودنی قاجوب بر بتاغه دوشدی
 ورخشندن ایریلوب بتاغک برندن چیقوب رینه دوشه رک

اوتوروب کاہ طور رکن حسن نام بروم ایلی بهادری ایریشوب
 ارقه سنه الوب بتافدن چبقاردی مزبور دلی حسن بتاجی اسمبله
 اشتهار بولوب صکره فوجه مراد پاشایه دلی باشی اولمشیدی
 (فرار کفار خاکسار) اول کیجه ضر بن طویلر اوزرنده
 بریکچرینک فتیلی وزنه سنه آتش اولاشوب یاروق علواند کده
 فربنده اولان یاروت سرکیلرینه واروب برکوردی ودخان
 پیدا اولیجق عسکره غافله دوشوب کلانک صداسی آفانه
 چیقادی کفار لشکری عسکر اسلام شیخون ایتدی دیو
 بربرینه کیروب کیجه ایله فرار ایتدیلمیخال بد فعال ایلغار ایله
 بکر شه واردی وپراز کافر عسکری بغداد سمتنه کندی
 بعده اردولرین قالدیروب بکر شه قرار ایتدیلمیروز
 قتله وقت تک اولغله اورمانک اوتیه باشنه صحرايه وارلق
 عسیر اولوب کیرویه عودت و نزول اولندی ایکی کون مکث
 اولوب کفار دن دبل کتوردیلر کفارک بکر شه واردیغی
 خبر ویرمکله ذی الحجه تک اون سکزند ه حسن پاشا عسکر یله
 کچوب در بندی مرور و صحرايه نزول ایدوب اقچیلر نواجی به
 طاغیلوب اسیر و ذخیره و حیوانات سوروب کتوردیلر
 میخال بکر شمی تخلیه ایدوب ترغو ویشته یه واردی انده
 دخی قرار ایتوب اردل سنوزنده اولان صعب المروطه غلر
 جائننه کندی وزیر اعظم ذی الحجه تک بکر می سننده در بندی
 کچوب عسکر ایله بکر شه واروب صحرايه نزول ایلدی بکر شه
 کلبالرینه محراب و منبر وضع و انوب نمازلر قلندی وقبله اوزه
 وضع اولسان یال دزل طویلری و صلیلری قیروب سورتلری بوزدیلر
 (مشورت سردار برای دفع کفار و بنای حصار) وزیر اعظم
 اوتاغنده اعیان وارکان جمع اولوب افلاق و بغداد و لایتر و

کافره ویرلدن هر بار نجه کدورت وعصیانلری باعث مشقت اولبور
همان بونلری با کلیه رفع ایدوب بعد الیوم برهست حکم قلعه
بنا اولنوب باشقه بر ایالت قبلهسه وترغو شته دربندینه دخی
بر قلعه بنا اولنه دینلد کده حاضر اولبور ای صواب
ظن ایدوب قرار ویردیلر تلخیص یاز بلوب آستانه یه کوند رلدی
وایاتی ساطورجی محمد پاشابه ویرلدی وزیر اعظم جله اعیان
ایله بکرش واروشنه واروب الکندره و بوده نك مناسرت بکه
قدیمی قلعه یری ایدی معمار لر ایکی قات حصار لرینی ذراع
الوب تعمیر ایتکه مباحثت ایلدیلر و کراسته و سایر مهمات
تداریکی سپارش اولنوب ذی الحجه نك اواخرنده قلعه بناسنه
شروع اولندی و اون ایکی کونده اتمامه ایردی تفصیلی کله چک
سالده ذکر اولور

(ذکر حرکت کفارد رسرحد انگر وس)
سنان پاشا زاده
محمد پاشا سردار اولوب انگر وس سرحدی محافظه سنه
مأمور امه شوالک غره سنده بودینه واروب بلغراد دن دونمایداله
کلن ذخیره بی در انبار ایدوب اطراف قلاع سرحده نوبتیار
کوندروب کندوسی چادر لر ایله کرز الباس نام محله چیه بدی
انا طولی بکلر بکبسی و بوسنسه و قرمان و سبواس و بودین
و طمشوار و حلب و سکتوار بکلر بکبسی و یکبسی کفنداری
وسپاه و سلیمان و علونجیان عین و هلو نجیان بسار بلوکلری
اسکی بودینده در نك ایدوب اوتور دیلر مواجب و ذخیره لر
ویرلدی و یچده نمجه قرالینک جمعیتی اولوب طابوری بو طرفه
کله جکدر د یو یافق بکلر بکبسی هتمان پاشا دن خبر کلدی
بعده ذی القعدة و اواخرنده کفار الی بک قدر ییاده و بکرمی
بیک قدر سوار ایله کلوب استرغونی محاصره ایتدیلر بر و طرفه

سردار و سائر بکرها یکی جمله عسکر اونیك قدر انبجق وار ایدی
چوقلق دشمنه وارلق معقول کورلیوب دشمن مقابله سنده اولان
طاغہ ارقه و پروب اوتوردیلرکه امداده حاضر اوله لر و قلعه بی
دو ککه ممکن مرتبه مدا فعه ایده لر
(توجه عسکر اسلام بچاناب استرغون و انهرام شدن ایشان)
غره ذی الحجه ده سنان پاشازاده که سرداردر و بودین بکربکبسی
صوفی سنان پاشا و طمشوار بکربکبسی میخالیجلی احمد پاشا
و سکتوار بکربکبسی تریای حسن پاشا و حلب بکربکبسی
محمود پاشا و یانی بکربکبسی عثمان پاشا اونیك عسکر ایله
استرغون اوزرینه واریلوب مقابله دشمنه قونیلر وارلدیغی کون
بمقدار جنگ اولوب ایرتسیینه دشمن اوزرینه واریلوب کافر
طابوردن چقبوب قات اندرقات دیزلدی عثمان پاشا کفاره هجوم
ایدوب الدیغی جکردان قلعه سن برادر دیلر و اول جانبده اولان
طوبلری چویلدرکندن کفاره دهشت کلکله دردنجی کونی الای
ترتیب ایدوب کیدرکن سردار اولان بادکار عارضی جرأت تحصیلی
ایچون مست و لایعقل اولوب آت ارقه سندن استغراغه باشلوب
کندوی بتورمشیدی همان یور یسونلردیو سوبلردی کورنلر طعن
ولعنه آغاز و عسکرک ارادلی زبان درازلق ایدوب محمد پاشا و عثمان
پاشایه چاوشلر کلکله بوسغیهک سوزنی اشیکدن اولمک بکدر
دیو یوزو دیلردیه دن فریسه وارلدیغی کب کفارتقنک سرپوب
نیجه غازیلر ایله عثمان پاشا شهید اولدی بعده طونه یالپسند اولان
یکی طایبه که کفارک مترسلی ایدی اکا توجه اولوب طایبه بی
فتح ابتدیلر و ایچنده اولان ملاعینک کیمی طونه یه دوکیلوب و کیمی
مقتول اولدی درحال کفسار طابورندن امداد ایدوب یوریدیلر
ایکی عسکر میدانده بربرینه فارشمنه قرب اولوب طوب و تقنک

آبیلورکن سردار هسکر صندی صانوب اتباعیه یوز دوندروب
بودینه طوغری توجه ایتمکله سائی دخی فرار و بودین یوانی
اختیار ایلدیلر تریای حسن پاشا نتیجه احوال بویله اولدیغنی
کورنجه اردویه کلوب چادرلین بوزدی جله آغریغنی اوکوز
عربه لینه یوکلدوب واردین طوی که سلطان سلیمان مرحوم
یادکاری ایدی اوکوزلی قوشدروب بودینه طوغری کتدیلر
بعده سردار اوپلاغنه کلوب کوردیکه اطاقده بر فرد یوق ذی قیمت
اشیا دو کلوب یاتور لوندات بر مقدار یغما ایدوب بودینه
طوغری کتدیلر کافر بو وضعی حیلله یه حل ایدوب فرار یلری
تعقیبه مقید اولوب ایراقدن چادرلری طوبله برق کلسدی
برمنفس اولدیغنی ییلد کدنسکره چادرله داخل اولوب یغما
ایتدی اناطولی قولی سردار احوالشدن غافل برابراشوری
موضعده ایدی بوسنوی شاه اوغلی سلسله سندن قره علی بک
اناطولی بکلر بکبسی لالا محمد پاشانک اقر باسندن اولغله بر ایکی
چور باجی ایله قلعه دن چیقوب پاشای مزبوره کلدیلر سردار
کندی سز نیه طور سز الله بول ویرسون همان وقتیه کبدک
دیدیلر بر مقدار کیدوب اطراف یارلری عسکر قایلش کوروب
عسکر اسلام صانوب توقف ایتدیلر کفار هسکری اولدقلرینی
قلعه دن استخبار ایتدکلرند مهضیر اولوب کچی کیده لم وکی
قلعه یه کیره لم دیوب هله ضروری قلعه یه کیردیلر اول کچه
ارپه توزیعنده قلعه یه بیک درتوز آنلو کیردیکه معلوم اولدی
بول بکی شمسی پاشا زاده ییله کیره شیدی قره علی بک محمد پاشایه
سز بریرار قولاغوز قوشایم کفار غنیمت و عشرت وغفلته
ایکن بر ایکیوز قدر یرار آدملر یکن ایله چیقوب کبدک زیرابونده
محصور اولان بیکچری وقول اوغلی مایوس اولدقلده ویره ابله

ویرلر نام سزك اولور دیدی محمد پاشا جوابنه چقباسرق
 قلعه بی بوشالتدی دیمزلی کتمک مشکلدردیوب قطعی جواب
 ویردی ابرتسی کفار قره علی بکی دهوت ایدوب کلسون
 مکلمه ایده لم دیدیلر امرای عسکر جله علی بکه واروب مقتضای
 حاله کوره جواب ویرمسنی معقول کوردیلر بر قاج امور دیده
 چور باجی قوشوب کوندردیلر او یوار جیزالی پانی مقاوش نام
 ملعونکه سرحدلده متعارف و معلوم و اسلامه عداوت ایله
 موسوم اولوب یانق قلعه سن اغاج طوب ایله آلان خنزیردر علی
 بکه دیدیکه سزکله قدیمی قومشلیق واردر عساکرک حال
 معلومکز در سز و هیا لکزه نافع اولان ویر ایله قلعه بی ویرتکدر
 علی بک دخی جوابنده بزم عسکر بزمه نه اولدی انلرک سعی
 قلعه به باردیم قومق ایدی حالا اناطولی بکلیر بکسی محمد پاشا
 وشمسی پاشا زاده محمود پاشای اوج یک نفر توانا و کزیده بهساد
 عسکر ایله کوز بکره قارشو قلعه ایچنه قودیلر قلعه بی انلر ضبط
 ایتدی بنم علاق قالدی دیدکده ابرتسی فرق پاره طوب قوروب
 ملاهین قلعه بی دوکیکه باشلدیلر بوقصه نک بقایاسی سنه آیه به
 قالدی چونکه سردار محمد پاشا بودینه کلدی وجوه عسکر بریر
 کلوب بعد المشاوره یانق ابالتی محمود پاشایه ویریلوب بلغراده
 عسکر سورمه آدملر کوندردی نوغراد و اول حوالینک
 کافرلی بوکیغت وقوعند نصکره فرصتدر دیوب واج قلعه سی
 اوز رینه کلوب محاصره ایتدیلر ایچنده اولان عسکر مردانه
 دیره نوب قتی چوق حربی کافر دوشوردیلر کفسار مایوس اولوب
 خائب و خاسر دونوب طشره ده بولد قلمی حیواناتی سوروب
 کتدیلر سنه اربع و الف وقایعنده ذکر اولنور
 (اسیلائی میخال ضال بر حصار بکشر و ترغوشته)

وزیر اعظم ستان پاشا بکر شده اغاج و خشیدن حصار یا بوب طوب
و مهمات لازمه و یک نفر یکپیری و یک نفر قول اوغلی یا زوب
وضع ایدوب یک درت محرمنک اون اوچنده ترغوشته صحراسنه
واردی خلقی مقدم فرار ایتکله خالی بولنوب بکرش کی بوکا
دخی اغاجدن قلعه یاغنه پاشلوب انکی قات و اطراف غیبی
خندق کسیلوب برماهده اتمام اولندی طویلر و مهمات و عسکر
وضع اولندی و ذخایر و مواجیلری و یریلوب ماه صفر الحیرک
اون ایکنجی کونی عودت اولندی اولکی منزله نزول اولندیغی کون
میخال بد فعال عسکر ایله اورماندن چیتوب ترغوشته یه صارلندی
اردودن طویلر صداسی اشیدیلوردی اوج کونده ضربا و قهرا
آلوب ایچنده قالان علی پاشا و قوجی بسکی و سایر اعیانی شیشه
صاحبوب آتسه قارشو کباب ایدوب بقیه عسکری اسیر و قلعه یی
احراق ایدوب چکیلوب کتدی و اول کونکه قلعه نک محاصره
خبری سزداره کلوب استمداد ایتدکلرند عسکر اسلام مضطرب
اولوب طوررکن منزله کاهلرینه قریب اورمانلقدن اوچیزنفر
کافر چقبوب روم ایلی عسکری واردقده جله مجروح و منهرم
دوغمکله تعاقب مضاییدن عسکر دهشت مستولی اولوب تکرار
قلعه یه عودت پاینده مشورت اولندقدن برتدار که بحال اولوب
بالاخره بکرشه کلدیله اون بش کون اوراق فرمان اولنوب
عسکر و سایر تجار مقدمه یکمک آردنجه اولغین بر فرد هرور
ایتدرلامک ایچون محکم تنبیه ایله آدمار تعین اولنوب کتدیکه
عسکرک تلاشی و هراسی ترفیده اولدیغی کورلدکده بکر شده
اولان طویلر چکیلوب جسه خانه لر ایله عربله ره تحمیل اولنوب
یاهدقلری حصار ی بعد التخلیه احراق ایدوب قاره مجال قالمایچق
نصف اللیلده کوچوب کویری جاننه کتدیله وایلغار ایله بوغازی

چکوب برکوی به کلوب اوج کرن اوزراق ایتدیله و شاشقه نقدن
 ناشی سوء تدبیر اقتضا ایتدیکه کو پریده آدم تعین اولوب اون
 بیک قدر هر به واسیردن پنجک انسه ز پرامقدا عسکر اسلام
 اردل سنورینه افن ایدوب نیجه بیک هر به واسیر و دواب سوروب
 اردوده رخصت بهایله بیع ایتشلر ایدی سوری سوری اغنامی
 تبارالوب سائر اشیا ایله کو پریدن هر و ایدرکن امین و کاتب
 اوتوروب چکنلردن مال خمس دیواچه جمع ایدرکن میخال
 منال کفار عسکرین سوروب قریب کلبیکی معلوم اولدقده اول
 مالدن بکلیوب سنان پاشا کیجه ایله چکوب جسه عسکره اذن
 و یرلدی صباح اولتجه یکچیری و طوپلر وجهه خانه نک بر مقصداری
 چکوب هنوز سائر آغراقی برنده دو کلوب قالدی مزاجه دن
 اور تالق روز حشر کی بر پرندن غافل و متخیر ایکن بین الصلوتینده
 کفار الایلی ظاهر اولوب کلوب برکوی صحرانده طایور
 قور دیلر و اغراقلر هجم ایدوب بغما و غارت بهاشلیدیلر
 و برکوهی پیاده آلا یلر ایله دمه خنزیره شالی طونه یا بستندن
 یوریروب بایردن طوب و تفنک آته رق کو پرویی اورتدند
 کسدیلر اوزرنده اولان عسکر و آغراق طونه یه دو کلوب بهعضیلر
 کو پری اوزرنده مدد الله دیه رله طونه اقدیسی ایله کیدوب فریاد و فغان
 جهپائه زلزله و یردی بود فعه ده صویک اونه جانندن بو طرفه
 یکمه سی متعذ راوان اهل اسلامه کفار بی امان قلیچ قویوب
 بر متفسد امان و یرمیوب قانلرین سیل روان کی اقتسادی نیجه بیک
 نفوس اور تاقده ضایع و تلف اولوب اقچی طاشقه سنک اکثری
 قارشو یقصاده بولنا غله هیچ فرد خلاص اولوب اول زمانده
 اقچی کوکی کسلوب منقرض اولدی و طوب وجهه خانه نک اکثری
 نصیب دشمن اولوب برکوی واروشنی ملا عین احراق ایدوب

قلعه سنی دو ککه باشدیلر بومرتبه مصیبت و خسارت بروقتده واقع
و یوبله انهنزام بر تار یخده ظه و رایتدوکی شیع بو لمامشدر
(استلای کفار بر حصار برکوی) اول زمانده حصاره بر مقدار هسکر
قیسا عمشیدی مخا ذیل کفار اوچ کون دو کوب ماه صفرک اوتچی کونی
یور ویش ایله آلوب ایچنده اولان مسلمینی قتل عام ایدوب طوپلری
دوندروب اردویه آغمه باشلدی

(اطاعت بغدادن بتاتارخان) بواننده خان تاتار غازی کرای خان
حضر تارندن نامه ایله اغازی کلوب خان عسکر ایله بغدادنه کلوب
رطایا اطاعته قائل و باعث فساد اولان میخمال ایله مرتد اولان
رضوانی اله کتور مکه متکفل اولدیلر و بعدالایوم امراء تاتاردن بری
کنندوره حاکم نصب اولتیق استدعا ایتدکلی نامه سنده مندرج
واغال ینک اسانندن منقهم اواغین بو تو جیهه رضا و برلبوب
اغماض اولندی

(تسلیم حصار استرغون بکفار) سنه ماضیه ذی الحجه سنده کفار
استرغونی محاصره ایدوب اوزر زینه کان بودین عسکری
بوزلد قد نصکره ملاهین خاسرین شدت ایله حصاری دو ککه
مباشرت و ایچنده اولان اهل اسلامه ضعف و ضرورت مستولی
اولغله دور و دراز جنگ وجد الدن نصکره مقامتدن عاجز اولوب
ماه صفر اوائلنده ویره ایله قلعه بی کفاره تسلیم ایتدیلر قلعه دن
چیقان مسلمین قرق الی مقدار کبلره سوار اولوب جملہ
بودین طرفه کتدیلر

(استیلاء کفار بر حصار و شغراد) استرغونی آلد قد نصکره
کفار حصار مزبور قریبده و شغراد نام صعب قلعه بی دخی
احاطه ایدوب بودین یکچیری اغالندن معزول عثمان افانک
خباتی ایله انلردخی ویره ایدوب ایچنده اولان خلق بودینه کتدکده

مسفور عثمان اغامرد اولوب قراله واردی وشبقه پوش بنده سی
اولوب اول قلعه رده سابقا کفار زماندن کمرل التنده باروت
خزینه سی اولدوغی معلومی اولغله کفساره خبر و یروب کفساردخی
کیلر ایله آلوب کتدیله

(عزل سنان پاشا ونصب لالا محمد پاشا) چونکه جانب افلا فده
سنان پاشا نك سوء تدبیر یله عسکر اسلامك انهرامی واو غلیتک
جبا نلخی سیدیه استرغونه کفسارک ظفر بولدیغی و کسندونک
جال آتوب بودینه قسانوب برایشه قادر اولما د یغی خبر لری کلوب
مصائب مترادفه دن اهل اسلام وارکان دولتک جکر لری بریان اولدی
بو قضایا معروض حضور پادشاه اولدوقده ربیع الاولک اون التپسند
سنان پاشا معزل و ملغره یه طرد ایله مخنول اولوب خاتم صدارت
لالا محمد پاشا یه ویرلدی پاشای مومی الیه مریض اولغله دسلبوس
ابتدیکی کوندن غیر ی دیوانه وارمق مبر او لیوب شیر یغچه دن
فراشه دوشوب اونچی کونی وفات ایدوب جنازه سی شیخ و فاقر بنده
دفن اولندی

(وزارت سنان پاشا خامسا) قائم مقام ابراهیم پاشا بوا یکی
دفعه تبدیلار ده مهر همسایون کندو یه ویرلک امیدنده ایدی
مبسر اولیوب فرهاد پاشا قتلنه باعث اولدیغیچون پادشاه کندو یه
دلکیر اولغین تبعید یوروب حرمان ایله محازات اولندی لاجرم
سنان پاشا نك معیتلری فرجه بولوب پادشاهم سنان پاشا قولک
برامور دیده پیر و فن و زار تده مهارت تحصیل ایتش و زردر
دیوتمریف ایتلر یله مهر صدارتی تکرار سنان پاشا یه عنایت ایلدیله
ملغره دن ایلغار ایله کلوب ربیع الاول او اخرنده دیوانه واردی بودفعه
سنان پاشا ایله ابراهیم پاشا یلنه شفاق کلی دوشوب برمر تبیه
یواردیکه دیوان عالیده مشافهه ابراهیم پاشا یه خطاب باعث ایدوب

قامت مقامی که هر جا به نامناسب سر دار کوندروب
 باعث اختلال اولدیغ امور قتال سیندن عام بوسور و اشکاله
 کبردی بونجه مصائب سوء تدبیر کردن و قلت عقل کردن ناشی
 اراشد دیدی و پردفعه دخی حضور یاد شاهده یوزینه بومقوله
 کلمات بارده ایدوب بنم ایچون پادشاهه عمل مانده اویش دیمشله
 اگر بوسوزی سویاین ابراهیم پاشا ایسه کلسون فضای سرایده
 کتسد و ایله صرقلشالم مزراق اوینالم حضور همما یونده
 ابراهیم پاشا تک دامننه یا پشوب چکمش بو وقتلرده جهان پرفته
 و کدورت و حقد و حسد دن درونلرده خشیت و خشونت آکار
 و اصاغری بی راحت ایتشدی

(ترغیب سنان پاشا پادشاه جهان را بسفر و غزا) بر کردن تک و تنها
 قوجه سنان پاشا حضور پادشاهه نیک رای عرض ایدوب پادشاهم
 من بعد کشور اعدایه سردار تعیین ایتک محض خطا در زیرا
 انیکدن خالی دکلدر تعیین اولسان یا صدر اعظم و یاسار وزیر دن
 بری اوله وزیر اعظم اولورسه آستانه دوانده قامت مقام اولان تک
 صندارتنه طالب اولوب یوزاغرتد یغین استیوب مهمات کورمه
 تقصیر ایتدیکی ایچون ایش بتز رزاد ن بری اولور ایسه وزیر اعظم
 خسته ذاهب اولوب شاید خدمتی مقبول اوله اولاجلدن وزارت
 عظمایه لایق کوریله دیو خوف ایدوب ایش کوردیکی مراد
 ایتز بوسیدن نیجه سالدر که بونجه خزائن و هساکر تلف اولوب
 مصلحت کورلر بویله اولمقدن ایسه مرحوم جدیدک سلطان
 سلیمان خان حضر تلری کبی بریمک باری بالذات سفره عزیمت
 یوز که تا که نیجه فتوحاته سبب اولوب بعده تأکید مصالحه یه قابلیت
 حاصل اوله و غزوه خمسروانده دن اعدای دینه هراس و خوف
 دوشردیدی بویله خواهه سعید الدین افندی دخی وزیر

همدستان اولوب سلاطین جهانیه کشور ستانلق لزونی حضور
 همایونده تحقیق وغزا وجهاد فضا ثلثی تقریر ایله مقال
 وزیر ی تصدیق ایتلریله پادشاهی جهاده مائل وسفره کیمکه قائل
 ایتدیلمر ممسلاطین مرادخان مولانا خواجه سعد الدین ابن حسن
 جان مقدما اوغلی غمیله مقیم کوشه ماتم اولوب طرف
 سلطنتدن هنوز نوازش اولنماش ایدی والده سلطانک سوقله
 ینته مقام اولنه اعاده قنوب کافی الاول ازمه عقد وحل کف تد بیرینه
 تسلیم اولغشیدی لوازم سفر تدارکنه فرمان فضا جریان
 صادر اولوب خواجه سعد الدین افندی ملازم رکاب همایون
 اولغده ما مور قلندی اوائل رجیده جراح محمد پاشایه خزینهدن
 یوزاللی بیگالتون ویریلوب ذخیره اشتراسیچون بلغرا ده کوندردلی
 وفصل شتایه باقلوب انسان ذخیره بلغرا ده ایصال اولندی
 واردوی همایون وارنجیه بلغرا ده میری ایتبارلی ذخیره ایله مامو
 بولوب و بوللرده اولان کوپر یلر تممیر اولتق ایچون وسار مهمات
 لازمه ایچون قلمروه امثله مطاعه کوندریلوب بلغرا ده ذخیره
 نظارتده اولان دفتر دار سابق فرمان بکار بکبسی حاجی
 ابراهیم پاشایه و شقی ثانی دفتر داری کچدهان هلی چاوشه و کدا
 اوامر علیه کوندریلوب کوپر یلر وسغینه لر و طوبتا زروسار مهمات
 لازمه بی حاضر ایتلری تنبیه یورلدی واستانبولده مهترخانه یه
 متعلق میری اوطاقلر وجیه خانه مهماتی نشانی حیره پاشایه
 درعهده قنوب فرمان واول نواحیدن جمال و بغال تدارکی
 میرا خور کبیر طر نفجی حسن اغا ایله قونوی علی زاده محمد چاوش
 نام مرد صاحب وجوده سپارش اولنوب تدارک لوازم سفر یه
 اقدام تام اولندی
 (وفات سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا) وجه مشروح اوزره

وزیر اعظم سنان پاشا احضار مهمانان به مجرد وسایع ایکن عمری آخر
اولوب ضد صورتی فرهادیا شاقولند ن صکره کند و نک
عمری دخی بر سنه به واروب سنه اربعه و الف شعبانک بشنخی کونی
یوم اربعه عاده وفات ایدوب نازی ایا صوفیه ده قلنقی اثنا سنده
قبوجیلر کتخداسی احمد غامهر صداتی کتوروب جامع شریفده
سجاده اوزرنده ایکن ابراهیم پاشایه تسلیم ایلدی یا نلرنده بولنان
علمای عظمی امدن خواجه سعد الدین افندی وغیر یلرو بعض
وزرا اول محله مصافحه تهنیت ایتد یلر نازی قلند قد نصکره
سنان پاشایی پرمق قبوقرنده بنا ایلد یکی تر به سنده دفن ایتد یلر
وزیر اعظم جدید ابراهیم پاشا کند و سراینه کادی اعیان دولت
وارکان سلطنت اوج کون مراسم تهنیتی اجرا ایتد یلر

(نزاع خواجه سعد الدین افندی باشیخ الاسلام) ابراهیم پاشایه
مهر صدارت احسان اوئند یغنک او چنخی کونی خواجه افندی
تهنیه به کلوب صدر اعظم ایله هم نشین اولدی اول محله طوبه یالبری
محافظه سنده اولان محمد پاشا زاده حسن پاشا دن مکسوب ایله
میخا ل مختارک و سائر افلاق بویارلر ینک محضر لری و ضراعت
نامه لری کلوب حاضر اولغله خواجه جهان ایله وزیر پاشا پشایان
او قومغه باشرنده ایکن ناکاه مفتی الانام بوستان زاده دخی تهنیت وزیر
چیفه کلکله مجلسه مصادف اولوب وزیر ایکی جانبنده اول ایکی طور علم
جل راسخ کی قران ایدوب الت یا نلرنده اول ایکی صاحب سعادتک
اولاد کرام لری دخی علی الترتیب اوتوروب کلن کاغذلر خواجه افندی
یدنده بولماغله صوت اعلا ایله قرائه آغاز و یو بهانه ایله باب مشاوره یی
باز ایتمکله خواجه جهان مناسب کوردیکی ند بیر صائب مفتی افندی
خلافت ذاهب و نتیجه مقدمات اراسنی مناقضه و معارضه ایله سالب
اولوب طرفیندن سؤال وجوابده تکرر و معارضه و مناقشه ده تکرر

شیوع و وقوع بولوب تغییر بآت ایله رفع اصوات و خلاف
 و مکاتبات متمادی اولدی خواجه افندی بو وجهله جواب ویرمیشدیکه
 چونکه افلاقی بویار لری و میخال استغای جرایم ایتمشله مناسب
 بودرکه جواب یأس و یرلیوب صدق وند امتلرینه دلالت ایچون
 میخالک اوغلی رهن طلب اولسه بوموال اوزره مکتوبلریا زیله
 مفتی افندی خواجه افندی نیک رأینی جدانماسب کورموب
 طرف خلافت ذاهب اولوب من بعد میخالک نه عهدی و نه اسلامی
 مقبول اولقی کر کدر دیوب نزاع وجداله باشلدیلر آخر موافقت
 ممکن اولیوب خلاف و شقاق متمادی اولیق مغایر امر مادی
 حرکت صدوری احتمالیله مفتی افندی یرندن قالعوب وزیره منوجه
 اولوب بر تهنیه یه کلدک منافشته یه کلدک الله تعالی مقامکری
 مبارک ایله دیو خانه سنه روانه اولدی مفتی افندی نیک بو وجهله
 مشاوره دن اهرامته خواجه افندی زیاده بحضور اولوب
 بن رئیس الکتابلی ایدوب کلن کاغذ لری قراءت و اظهار صواب
 ایچون مشورت مراد اولمشیکن ابتداءه رأیزه مخالفت بعده ترک
 مشورت ایلک لایق میدی دین و دولت مصلحتی اولنله عرضی قویوب
 حسن مشاورت ایله اتمام خدمت اولسه اولما زمیدی مشیخت
 اسلامیه بووضع مناسبمیدر دیو خیلی کلمات ایدوب صکره تدبیری
 یا لکر کتشدوسی ایدوب اگر میخاله واکر بویار لره لازم کلن
 اجوبه بی رئیس الکتاب موسی چایی یه یاز دردی آندن قالعوب
 منزلته کندی

(توجه بادشاه اسلام بغزوه اگری) چون لوازم سفر سباق محراروزره
 حسب الفرمان مهیا قلوب فصل بهار داخل اولدی ماه رمضان
 شریفک اون بشته طوغلر نصب اولوب شو الده بعد العید آتلر
 چایردن کلوب اوتاغ همایون داود پاشا صحرا سنه قورلدی

شوال مكرم بكرمى در نجى كوفى يوم الخميسه عظيم آلايل تنبيه
اولنوب پادشاه ظفر جلبس لشكر نصرت اينس وجهه علما وكبرا ايله
بالحميد والتقديس موكب همايون ايله چيقوب عزم سفر
نصرت اريوردى يوللرده سعد الدين افندى هر كون قبل الوزرا
پادشاهه يناشوب امور عالمى كاخچتار سويلشوب ادر نهيه وصول
ميسر اولدقده مخدوم ثانى اسعد افندى ادر نه قاضيسى بولمغله
باباسنه تعظيم پادشاه ذیشان حضرتلى استانبول قضاسى
اكا احسان ايدوب موكب همايون قلبه جاننده متوجه اولدقده اسعد
افندى استانبوله كيدوب قائم مقام خادم حسن پاشا قاضى سابق
عبد الحليم افندى طرفنده بولمغله والده سلطان حضرتلرينه
استشفاع همچون تقديم نياز يتكله شفا عتريله قضاء مزبورينه
سلفنسه مقرر اولوب اسعد افندى يى استانبوله قوموب كيرويه
دوندرديلر بوحال غرايت مال خواجه افندى يه منعكس اولدقده
وزير اعظمه واروب حسن پاشا ك اساعت ادبندن شكابت واوغلنه
اولان اهنتى حكاييت ايلدى صدر اعظم دخى اوطاغ همايونده
واروب قضيه يى عرض وخواجه افنديك تكدر خاطر يى اعلام
ايشد كده مهدي عيسى سلطنت مدق در خلافت والده سلطان
حضرت تليريك شفاعتى ايله اولمشدر نهايت مولانا اسعد افندى
طريق اخرايله تسليت اولنسون ديوجواب صورتنده فرمان همايون
مندو را يتكله ابراهيم پاشا دخى اسعد افندى يى قاضيه سكر
پايه سيله تسليت ايلدى بعده صوفيه دخول حبشه خواجه افندى يه
مرض حى اصابت ايدوب اكري فتح اولندقده شفا پذير اولمشدر
حضرت پادشاه ذى القعدة ك سكرنجى كوفى ادر نه دن حركت
وبشجى منزله قلبه يه وارديلر قلبه قاضيسى چلبى قاضى نهر ريجه
ناظر برعظيم قصر بنا ايدوب پادشاه عالمپناه حضرتلرينه برمالى

ضیافت ایلدی فلبه ده درت کون تقاعد ائنا سنده عیش وعشر نلر
 اولوب چلی به مولویت ایله فلبه قضاسنی مجددا ایفا وقید حیات ایله
 اعطا یورد یلر بائچنه دیدک لری منزله وارلدقده سنان پاشا اوغلی
 محمد پاشا مکمل الای ایله کلوب بائچنه صحراسنده سلامدی بر منزل
 ایلرو وارلدقده دسنبوس ایلدی دخی ایتسی ذخیره ایچون مقدم
 بلغراده سکوند ریلن جراح محمد پاشا استقباله کلوب آلا ی
 کوسترد کد نصرکه شرف دسنبوس ایله مشرف و بلغراده وارنج
 هر کون پروزیر آلا ی کوستوب بلغراده وارلدیغی کون وز پراعظم
 ابراهیم پاشا جله دن زیاده آلا ی کوستوب مظهر تحسین بیحساب
 اولدی آدن بلغراده قارشو خنکار تبه سی نام برتوده اوزره
 بارکاه همایون قوریلوب نزول اولندی طویلر و تفنکر آیلوب شتاکلر
 اولدی آند نصرکه عسکره انبار دن ذخائر توزیعنه شروع اولوب
 بر مقدار دخی سفاین ایله طونه دن سرحدل طرفنه کوندلرک
 فرمان اولندی بوئنده قلعه استرغونی کافره الدیروب سرحد
 حراسنده تقصیراتی سببیه سنان پاشا زاده محمد پاشا مظهر غضب
 پادشاهی اولوب بلغراده قلعه سنه حبس اولندی وجهه جاز و بغال
 و املاک و اتقالی میری به قبض اولندی بلغراده مرحوم سنان
 پاشا نک نزل ابنی تعیین ایتدیکی کجدهان علی چارش که شق ننی
 پایه سنده ایدی آک دخی خدمتنده بعض قصوری مسموع همایون
 اولغین قلعه قیوسنده صلب اولغی فرمان اولغیشیکن قلعه ده
 حبس و مصادره ایله اکتفا اولندی بعد ایکبسی ییله عفو و اطلاق
 اولوب سنان پاشا زاده نک و زارقی دخی مقرر اولوب لکن مان و ملک
 میری به کتمکین مهمات سفر دن حبه به مالک اولماغله بلغراده
 محافظه سنده الیقوز یلر امانته کجدهان بذلتاب و توان ایله اردوی
 همایوندن ایرلیوب سفره ییله کندی

(مشورت ارکان دولت برای جهت عزیمت) پادشاه عالیشان
حضرت تری بلاخر آردن قاقوب ساوه نهرین کجوب اسلاقمین
جوارینه وصول بولد قده امر او کبر اوزیر اعظم اوطاغنده جمیت
وطرح بساط مشورت ابتدیلر که آیا قومران محاصره سنه می شروع
اولی در یوخسه اگری ققنسه می عزیمت احری واولی در اول محل
جغاله زاده قومران ققح وانوب طونه یالیلری محافطه اولنق
مناسب کورینور دید ~~سکده~~ سائر وزرا دخی قومران برنامدار
قلعه دکلدر حضرت خداوند کارک توجه بیورد قلزینه دکر وانک
ققحله ققنار ودول کفارد اغدار اولز لکن اگری بر حصن حصین
خصوصا نجه بلادی ایله دخی اردل ولایتلری پلشد بر حصد
فاصل واقع اولوب نواحبسند معادن اولغله شهرت شعار اولمش
وکفاریچند خبلی اعتبار بولشد بر بوتقدیرجه اول ققح اولغضله
دین و دولته منافعی چوقدر دیوانی ترجیح ایدوب اگری به طوغر لیلر
وتل ووارادین قلعه سی اوکندن سکدین صحرا سنه عبور ایچون
نهر طونه ده سفاین اوزرینه برجسربناسی فرمان وانوب یکچیری
افغانی نچار ایله ایلرو واروب درت کونده جسری تمام ومهیا ایلدی
پسر پادشاه عالیشان حضرت تری جله وزرا و سپاه ایله اول جسردن
طونه یی کجوب سکدین صحرا سنه نزول وطوپلر وجهه خانه وسائر
اغراق مرور اینجه بر کون مکث و ارام بعد کوچیلوب بشنچی
میزلده سکدین قلعه می مقابله سند ضرب خیام وانوب قلعه
مقابله سند نزول ابتدیلر

وقایع سنه خمس و الف

پادشاه عالیشان تبسه صوبی ککایله سکدین صحرا سنه نزول بیورد قلزنده
اول وضعده روم ایلی امیرالامراسی وزیر صف شکن حسن پاشا
ابن الدستور محمد پاشا عوماروم ایلی عسکر ایله کلوب آلائی کوسرتدیله
آیلیری غایت مزین خدامنک اکثر آلائی مذهب خبلی محشم و معنون

وزیر ایدی شوکت و شانی ساروزرایه غالب کورندی اول وزیر نامدارک
و صولندن عسکر اسلامه تازه قوت حاصل اولدی قلعه کوب
ماو پلری مشارالیه حسن پاشا و دین ساهلندن طوبه کیلرینه قویوب
بعض روم ایلی امراسنه محافظه ایتدیره رک سکدین برابرینه دك
تیسه صویندن کتوروب یئشدرمک ایله اداء خدمت شایسته ده
ید طولی کوستردی و اول محل سرحددن فریاد جیلر کلوب محضر
و شکایت نامه لرینی پاینده سریر اصلا به عرض ایتدیر مضمونی
یوایدیکه کفار خاکسار خطوان قلعه سنی محاصره ایتک اوزره در
و بونجه خسارت ایتشدر امداد ایرشمزسه مستولی اولق مقرر در
محصور اولان مسلمانلری قلیچدن کچورمه سی محل ربیب دکلدر همان
پادشاه جهان مقصدار کفایه لشکر ایله جغاله زاده واروب یئشون
دیو فرمان یوردیلر

(استیلاء کفار بر حصار خطوان) جغاله زاده سنان پاشا
اگرچه حاضر لنوب خطوان امدادینه چیقدی اما سیرنده غایت
بطور اوزره حرکتیه بناء محلی ایله ایرشمیوب کفار خاکسار خطوانه
مستولی اولوب سکاکن و بلکه نسا و صبیان جمله قتل عام ایدوب
قلعه بی یه برابرهدم و خراب ایتدیر کلری خبر وحشت اثری اردوبه
وصول بولدی بو محله بوته قصیره بناء جغاله زاده مظهر قهر اولسی
ملحوظ صغیر و کبیر ایکن اصلا مظهر عتاب اولدینی * ان هذا لشیء
عجاب * خواستجه حیرت انداز عقل شیخ و شاب اولدی بو ائشاده
عسکر مواجب طلبی بهانه سیله دفتر دار حاجی ابراهیم پاشایه
هجوم ایتدیرکندره عزول اولوب برینه کچده سان علی جاوش
باش دفتر دار اولدی محرمک اون سکرزنده لندخلوقه سی چقرب
یانجه عوما قول طاقه سنک هر نفرینه قانون اوزره بیکر ائجه انعام
و یرادی بوند نصکره صولتی قلعه سی قریبه وصول بولند قد

سفاین ایله اول محله دك كتوريلان اژدر دهن و مارتق طوئيلر
 وجهه خانه و كله رى يتسه صوبى اندن اوتة جانب خلافة جريان
 ايتكئين اكرى به كتوريلك اوزره كياردن چيقاريلوب وضونلق
 اطرافنده اولان فواحيدن كاوتندارك اولنوب واخشابدن قيراقلر
 تصنيف اولنوب وارضه مماس اولان جانبى شعوم واذهان ايله
 طسلا اولنوب طوئيلر واول مقله آلات اول قيراقلر تحمیل اولنوب
 اژدار باردارقشياوب صنعت جراثقال ايله اكرى ستمشه طوغرى
 چكه رك روانه اولديلر ويوارلقلر ايله سائر آلات جبهه خانه يى
 عسكراسلامه توزيم و دوا به تحمیل ايتدربوب اكرى به وصول
 بولنجه كتوريلك فرمان اولندي صونلق منزلندن كوچيلوب
 اوچنجى قوناقدە قلعه اكرى دامننده اولان دشت پهنایه
 وصول بولوب آلات جبهه خانه يى برموجب دفتر كس تسليم
 ايتديلر

(بحاصره اكرى) تاريخ خمس والى محرم الحرامك يكرى
 سكرنجى كوفى شهنشاه جهان اكرى صحرا سنده ضرب خيام
 ايدوب ايكنى كون تنفس و مئرس آلاتى ترتيب و برينى تجسس ايتديلر اول
 قلعه مزبور مسافه يعيده دن كوه مثال كورينور برقلعه سردر فلک
 اولوب قات اندرقات برجلرى و بانلرين قورر بارولرى و جوانب
 اربعه سن كوزل طولمه پلنقه لى واصل حصار برطاغ اوزره
 واقع اولوب اوج جانبى قيا اوژنده محكم طاش و كرج ايله ملمع
 و مصنع و انجى بروجله طولمه كه اصلا طوب كار ايتمز و جانب
 شرق سنده بر معدنى طاش متصل اولوب و طايه لى استحکام
 ايچون برعريض و عميق خندق كسلش بر حصن حصين ايدى
 حصارده يكي كافربكى اولوب برى چاسارك اقرباسندن نچمه سردارى

و بری مجاربکی ابدی انله و ساراهالی قلمه به دعوت ایچون
 بر امر شریف کوند رلدی حضرت عمر رضی الله تعالی عنہک
 (قدم النذرین یدیک) کلام حکمت انجاسی اوزره عمل اولندی
 مفهوم امر بواید یکه اکری ایچنده اولان بکلر و ساراهالی بتاش
 اولکنر که شوکتله عزیمت اکری فتحد ر ایددی اول الله تعالی سیک
 امر شریفی ایله سزی دینزه دعوت ایدرز اگر مسلمان اولور سکر
 سزه ضرر دم طوقیموب حالکر اوزره اموال واه لا ککزی تا کان تصرف
 ایدوب آسوده اولک و اگر دینه کلز سکر قلمه بی برا غوب چه قوب
 مملکتلر کره کیده سزی و خسه بود هوتک برنی قبول ایتموب چنکه مباشرت
 ایدوب بکا و عسکریمه فار شو طوب و تفنک و خیره اتارسه کر صکره
 لله و رسول الله حقیچون سزی قتل عام ایدوب بریکزی خلاص ایلم
 بیلش اوله سز و امر شریفی کوتوران آدمی ملا عین اخذ ایدوب
 چاسوسد رد یو حبس ایلد یلر عسکر اسلام متر سه کیروب برکیجه
 ایچنده جوانب قلمه به طوپلر قوریلوب حسب فرمان قلمه
 محاصره اولوب هر قوله بر وزیر تعین اولوب الله الله ایله جنک
 و محاصره به شروع ایلد یلر و روزو شب آرام ایتموب طوب و تفنک
 و لغملر اتغنه قیام کو ستر دیلر مترسدن و قلمه دن اتیلان طوب و تفنک
 آوازه سی جهانی طوب و باروت دخانی سمحاب مظلم کی عالمی
 قاپلیوب کله و فذقی ضرر بدن عسکر اسلام زمین شهادته سیریلوب
 جنک آتشی کتد بکجه مشعل اولدی لکن عسکر مسلمین و غزات
 موحدین اصلا الدرمیوب مردانه حمله و شیرانه چنکه کیروشوب
 بوژ چویرمد یلر اغم و طوب زخندن رخنه لراچیلوب برهفته ده
 سور قلمه نک طشره قاتی الینوب کفار خاکسار ایچرو فاته کیر دیلر
 عسکر اسلام چنکه اقدام و تضییقه اهتمام ایدیلر
 (فتح حصار اندرون اکری) ایکی اوج کره لغملر اتیلوب گدکلر اچلدی

لکن بر قانچ کون لیل ونهار کثرت امطار ردن جیوش مسلمین
پای در کل او اوب یوریشلری بیهاصل ایدی امارو زوشب طو یلرایله
دوکنکدن خالی دکلا ایدی ماه صفرک اون سکرچی کونی دستاری
مصطفی اغایه بیکچری اغا لخی ویرلدی ایرتسی بوم السبت که
صفرک اون طقوزچی کونیدر زیاده یغمورل یاغوب قلعه نك
هروجهله فخی مشکل او اشیکن عسکر اسلام زجت تامسه ایله
هجومده بذل مقدور واهتمام تام ایتد کلر ندن ناشی قلعه ده اولان
کفارک قلوبنه رعب وهراس مستولی اولوب وقت ضحاده خلاص
جان امیندیه استیمان ایدوب عواطف ملوکانه دن مال و جانلرینه
امان احسان اولوب ایرتسی ایکی نفر بکلر و سکر نفر بکر اده لی
چیقوب مترسبه و زربانته کلد یلر و صولتی بکی بکشتاش بک قلعه به
رهن کوندردلی طرفیندن عهد و امان فرا رزاده اولد فد نصکره
مزبور لی حضور همایونه کوندروب بزدن برایکیم اسلامه
کلک استرزد بملکه آخر خلعتلر کید رد یلر و فتح و نصرت توبتلری
چالوب شنکله ایتد یلر روم ایلی بکلر بکسی حسن پاشا
ویکیچری اغاسی و طوپچی باشی و جبهه چی باشی قلعه به کیر وب
ضبط ایتد یلر

(قتل عام کفار اگری) صفرک بکر فخی کونی بوم الاحدده کفار خاکسار
هزار ضعف و انکسار ایله چیقوب بر منزل پر کتورمکه سپاهی
اوغلانی اغا سی تعین اولمشیدی کیدرکن بیکچری طائفه سی
الار ندن بعض اثواب چکوب الوب حقارت ائشاننده هنوز جادرلر
اراسندن چیمادین درونلری یانمش سرحد عسکری و تانار لشکری
بونلرک خطوان سکاکنه ایتد کلری غدره انتقاما قلیج اوشوروب
بر آنده جلله سنی طعمه شمشیر ایتد یلر و متنفس فور تولسدی کرچه
پادشاه عا ایتداه چیقان بکلره امان کاغدی و یروب بمین ایتشدی

لكن اول چيقتان اشخاصه تخلص اولنوب بش يك قدر هريان
 كفار حلف تيغ آبدار اولدى زير اسر حد قومي زمان سابقده
 نظم * يوقدر منز كله ويره مز اكر بلي كيدى اكر بلي * ديو تركيب بند
 ايدوب توركي باغله مشا ايدى بو دفعه وجوده كنورد يار اول بكار
 بلغراده كوندر يلوب ايچ حصار ضبط اولنوب قول قول آجيلان
 كدكلري يانغه مباشرت ايتديلر ويوم مز بورده خطوان قلعه سي
 بناسنه فرمان بكار بكبسي خضر پاشا وصونلق وسكدين بكلري
 تعين وار سال اولندى و دلسز غافغ مرده سيله استابوله روان اولدى
 يكرنى اوچي كوفى ارباب يماردن هر بش نفره بر كيل حنطسه
 قلعه ده محافظه اربا بنه ذخيره جمع اولندى ويوك طولر
 متر بسدن قلعه يه نقل اولندى يكرى بشيچي يوم الجمعة ياد شاه جهان
 ملازمان درگاه ايله وار شده اولان بيوك كلباساني جامع ايتديروب
 ججه نمازي فلندى

(آمدن جوع كفار) بواشاده كلن جاسوسلردن غيرى النسان ديلار
 خبر يورديلر كه چاسار اولان مقسمليانوس چه وله و پا پاواسپانيا و سائر
 اجناس كفاردن استمداد ايله مبالغه عسكر جمع ايدوب يوز يك قدر
 پياده و سوار ايله اوچ منزل قريبرده توقاي قلعه سي قريبنده
 مهاج اواسنه نزول و طابوره دخول ايلدى عسكر اسلام ايله
 مقاتله على الاطلاق اتفاق ايدوب يايضة اسلامي اورته دن ازاله
 ايدرزوبا جهله مز دين اغورينه قير يلوب كيدر ز ديوهزيمت هزيمت
 اثر خبر لري تحفيق اولندى فتح نامه ده مسطور در كه موكب عالي
 سرحدده پيوسته اولد و غي كفارك معلومي اولد قده پنج واسپانيا
 فراللى و پا پا و دوقه وارد لك ويدى فرالك نغير مام اسلوبي اوزره
 اوچوز يك قدر عسكر هزيمت اثرى اكرى جانيلرته

جمع اولوب یوز پاره طوبلر و مرتب جبهه خانه لر ایله مهیا بریره
کند ککر نده فکر فاسد لری اوزره مسلمین اکر ی قلعه سنی دو کر کن
علی الغله اردوی همایونه شیخون ایدر خبر قح مسموع اولد قده
قلعه دن ما یوس اولد قلی کی یکی منزل قریبده طابور قوروب
اکریدن قالقد بغی کی قلعه اوزرینه واروب کیر و حصار ی المتی
قصد نده اولد قلی خبر الغله عسکر اسلام ایله اوزرینه واریلوب
مقابله یه فرا رویر اشیدی چاسار اولان مسفور مقسملیا نوس
اعمی و اعرج بریاسار اولمغله قرینداشی تا جنی هر سک ما تباشه
کیس دیروب جله عسکر ی اکاتفویض ایلیوب اولدخی اردل ایله
بر اولوب اردوی با صمق بخی ایله طولور ایچمشیدی دیو بعض
تواریخده یازر و بعضی بنده نادر دی کومش ایاق که قرال وزیری
ایدی ییله تعیین اولد یغنی یازر

(ارسال جعفر پاشا) کفار طابوری محل قریبه کلوب دشتک هسا کر
پیشمار ایله یا قشوب قصد کرند ایتد کیری محقق اولد قده وزرای
شجاعت نشاننن طواشی جعفر پاشا بر مقدار عسکر ایله اوزرینه
کوند رملک امر اولنوب الی بلو کدن سلحدار و علوفه جیان یسار
و متفرقه لدن اهل زعامت و نیاری ییله قوشوب کوند ریلر
جعفر پاشا اردودن ایرلدیغی دم طاقت اندیشلک ایدوب دشمن
طرفنه جاسوسار کوندروب کیف و کم اعدا یی تفحص ایتد کده
یدی قرال و عموم کفار جمعیت ایدوب بیضه اسلامک ازاله سنه
یاخود جله سی قیرلغه اتفاق ایله عسکر دریا مثال چکوب
کند کیری خبرین آکوب جعفر پاشا بو معنای عرض ایلیوب
بونیچلین انجمنه بوقدر عسکر یسیر ایله بنم وارد یغم بو طرفی سبب
تذایل و تحقیر در و بنم وجودم کتد و کنه غم دکل دین اغور بنه
قدا اولسون ناموس سلطنته کسر ترتب ایدر دیو اعلام ایلدی

وکلای دولت اول سردار نادره تحمل اسناد ایدوب بالاخره
 روم ایلی امیر الامراسی ولی پاشای ایاتی عسکر یله و اوتوز یاره
 مبانه طوب ایله وزیر مومی الیه قوشوب من بعد بهانه بی
 قویه سن واروب دشمنی حقله سن دیوتلج و شور خبرل
 کوندردیلر جعفر پاشا دخی بورای ناصواب سرفضاظهورینه
 مقدمه دیوب انجق کندویه مصحوب اولان لشکر ایله کفسار
 طابوری اوزرینه واردی و آلابلرین باغلیوب طوبلرین ابکی بولوب
 نصفی بتاقدن اوته طرفه کچردن کچیروب قوردی دخی کفسار
 کلامشیدی بعدمه فارشودن قره طانغرکی کفار آلابلری نمایان
 اولدی و مهساج صحراسنی قیلادی جعفر پاشا برفاچ سرحدلی
 ایله برپشته اوزرینه چیقوب کفار اردوسنه نظر ایلدی کوردی که
 برپجربی پایاندر صحرائی طونوب چالغایور جعفر پاشا یاننده
 انجق اوج بیک آدم وار ایدی کلدیکنده بناه بر مقدار الله لم
 صاندی وقت عصر ایدی بر مقدار جنگه شروع صدنده اولدیلر کفار
 آهن پوش برصدمه ایله آلابلرینی خرق ایدوب علم اوزرینه
 ایردیلر و راست کلدکلرین اوروب دوشوردیلر جعفر پاشا بشاق
 وراستده کوکسن کروپ دلیرانه طوروب جنگه ثبات قدم کوستردی
 پیشکامنده شاطرلی و قفساننده فالان ایچ اوغلنلرینه ورنجه
 قیرلیدی آزالاشیدیکه پاشای دخی آهل عسکرک نیجه سی شهید
 اولوب باقبسی فراره یوز طومشکن کندوسی ثبات قدم کوستروب
 دوغندی بعض کار ازموده اغالی دیزکننی دیوشیروب دیدیلر که
 دولتی آزعسکر ایله چوقلغه فارشو طورلق بهساد رلق
 دکلدر طعن دشمندن احتراز ایچون کندوبی یهوده یره تلف
 ایتک تهلکه یه خان اتمقدن عشری قدر بلکه بیکده بری مقصداری
 اولبان لشکر قبل ایله بو قدر جمیته فارشو طورلرین بوضورنده

کیرو عسکر اسلامه عودت ایله آدم لکه انمز عسکر یکزی و کندو
وجود یکزی بوبله تلف ایتمکدن جهور عسکر ایلله متفقاً قتال
ایتمک دخی نافعدر دیوب سمّت سلامته صرف ایتملریله اخشام
دخی اولمشیدی آریلشوب (العود احمد) مفهومن اختیار ایدوب
شب تار ایچینده آت باشنی اگری الشده چکدیلر کیدن طوپلر
واشیا و انقال جله کفارّه خالدی اوتوزدن مجاوز پیاده و سوار
شهید اولدی اکر کیجه اولسیدی بر متفس خلاص اولق
نحال ایدی اوج کونلک یول لیلّه فرارده یکشبه راه اولدی
و اول ایل پرویلده بو وقعه سپی ایلّه جهان لوله ایلّه طولدی
واقعه معروض شه نشاء اولدقده جعفر باشانی تعقیب صورتند
طابور کفار شب تار ایچینده اردوی باصمق احتمالی وارد
دید کلرنده ولی پاشا روم ابلی امیر الامر الغندن عزل و کما فی الاول
منصبی محمد پاشا زاده حسن پاشا نامدارک وزارتیه منضم قلوب
عسکر ایلّه اردوی همایونی احاطه و محافظه ایتمک فرمان اولندی
(مشورت ارکان دولت) علی الصباح صلوة مفروضه ادا سند نصره
وزیر اعظم ابراهیم پاشا و خواجه جهان و سائر وزرا و ارکان اوطاغ
همایونده جمع اولوب (و شاور هم فی الامر) مفهومجه کفار ایلله مقابله
و متارکد بیننده اولوب اثباتی ایچون مشاوره اولوب ارکان دولتک اکثری
بعض حلل و اهیه ییانیله ترک مقابله رأین ایتد کلرنده خواجه
حقیقت بین مولانا سعد الدین افندی سوق کلام ایدوب البتده
اعدای دین ایلّه مقابله واجب اولوب اوزریمز کلن خاصرین ایلّه
جمله من شهید اولنجیه دک مقاتله یه اقدام واجبدر زبر انلرک
اوزرینه وارمیوب طریق آخره منصرف اولدیغز تقدیرجه
کفار اظهار جلالت ایدوب بزی تعقیب ایتمک مقرر در وضعفای
عسکریمز ی مرغ چینه ورکچی دامه دوشرمک اظهار در

خصوصاً بود دولت علیه ده بر پادشاه عثمانی بردشتمدن بلا سبب
قوی روگردان اولدینگی مسموع دکلدر دیو اول مجلسه سوبلدیکندن
ماهدا حضور همایونه کیردکلرند پادشاه حاضر تیرینه دخی بونک امثالی
کلات نتیجه البرکاتی و جاها القابلدی و بو قلعه دامنی بریست
محل اولغله ضیق اوزره در اعدای دین اوزریمزه کلورسه
حرکت میدان تنکدر اکری اطرافنده اولان قلل جباله
ملاعین خامرین طوب چیتارورسه حال دشوار اولور طابورلی
اولدوغی صحرا بر واسع فضا ایش مهم ولایق بودر که اهدا
بزم اوزریمزه کلزدن مقدم بر انلره هجوم ایتک اوزره عموماً
اول صحرا به واریله دیوب اول نحر یزدلیک کلام دایندیری قلب
پادشاهه تأثیر ایدوب نهاد جلالت نژادلرند مرکوز اولان
شجاعت موروته ظهوره کلکه محک و بادی اولدی بعد
بمضایر روم ایلی والیمی حسن پاشا عسکر ایله کفار اوزرینه
کوندر لمکی القایتدیلر لکن بوا امر عظیم پاشا وارمغله اولور بتر
ایش دکلدر الا بالذت پادشاه حاضر تلی تمام عسکر
اسلام ایله وارمق و محکم تدارک کورلک کرکدر دیمکله توجه
همایونه رضای شهر یاری حاصل اولدی تاتار خان برادری
فتح کرای سلطان رئیس الکتاب قلبه مکتوب یازیلوب اوله که
برایکی دل آله سز دیو نسیبه اولندی بوند نصکره صدر اعظم
ابراهیم پاشا اکزی قلعه سنه واروب کونوره جک طوپلری انتخاب
ایدوب نماز شامه دک رئیس افندی قلبه قلعه محیا فظه سنه
عسکر یازوب و کدکلی بر کیدوب صوفی شان پاشا ایله مع الوزاره
اناطولی امیر الامرایی اولان لالا محمد پاشا بی دخی ایالتی عسکر به
قلعه حفظنده قویوب وقت فروید اوطاغ پادشاهه کلوب آلات
کوچ و ادوات قتال احضار نه کوشش اوزره ایکن خواجه افندی

طرف شدن برند کره ورود ایدوب مضبوطی بواند یککه اگر چه
 اناطولی عسکری قلعه محافظه سنه تعیین اولمش اماطابورایله
 مقابله حینده پادشاهک برچانی بوش قاق لازم کلور محل
 خطر در کفسار قلعه به هجوم ایدر سه امداد وارنجه طبائزل
 اماروز مصافذه قلعه دن حربکا هه امداد ایرشک متعذر در
 کرکدرکه اناطولی عسکری رسم قدیم اوزره صاغ قول جانبنه
 تعیین اولنه پس فی الحال لا لا محمد پاشاک عسکر به احضارینه فرمان
 کوندر بلوب موجی اوزره حرکت اولندی بونجه کون قلعه قنجه سخی
 ایلش عسکرلک اکثری ذخیره ستر آنلری وگندولی آج و محتاج ایکن
 غزای اکبر در دیو بریر منادیلرند ایدوب غیر تکشان دین اولان عساکر
 موحدین حاضر و مهیا اولوب اسباب حرب و ضرر به چکه دوزن و یردیلر
 (توجه عسکر اسلام بجانب کفار بد نام) ماه ربیع الاولک غره سنده
 علی الصباح قوللر وچنا حلدوز بلوب پادشاه عالمپناه حاضر تلری
 متوکلا علی الله کمال شوکت ودارات ایله سوار اولوب یوردیلر اول کون
 زمان عصر اوله دیک کید بلوب جعفر پاشاک اول قوند بغی
 منزله نزول اولندی وزیر اعظم بریشته به چیقوب طوران خیام
 طابور کفاره نظر امان صالوب یارنکی کون تقابل صفین وقوع
 یوله جغین اتقان ایلدی وقت غروبده پاشای مرقوم اوطاغنه کلوب
 نماز مغربی ادا ایتدکد نصره طرف پادشا هیدن برخط شریف
 عجیب العتوان ورود ایدوب مضبوطنده ستهک لالام سن بوتده محاربه
 ایچون ستری سر دار ایدوب بن بوارادن استانبوله روانه اولسم
 اولزمی دیو یور مشلر و زک جان باشنه صخیرایوب متخیر اولدی
 و بومعنا درجه امتنا عده اولد بغنی تحریر و منعه متعلق کلمات
 نسطیری ایچون رئیس افندی به تلخیص تسوید ایتد بررکن آدم
 کلوب ستری پادشاه استزدیووزیری طلب ایتد بلر وقت عشاده

وزیر اعظم رئیس افتدی ایله اوطاغنه کلوب حاضر اولدقده قرواغاسی
 غضنفر انا اوطاقدن چیقوب وزیر ایله بعض کلمات ایدوب ایکبسی
 معادرون بارگاهه کیروب حضور پادشاهه تبدیلر انلر ایچروده ایکن
 فتح کرای سلطان طرفندن طاہور دن آتمش آتمش اوج نفر آه ن پوش
 کافر لاری باغلو درز نجیر دلار کلوب اوطاغ اوکنده دیرلندی دلری
 اسلطقاق صد دنده ایکن غضنفر انا ایله صدر عالی ایچرودن
 چیقوب وزیر غضنفر اغا یه سعاد تلو پادشاهمنك نذر سیور دقلری
 فلور یلری شمدیدن افراز ایدوب امانت و یرک دیوب اغادخی
 اوله ایله لم دیدی بعده دلری سوبلک دیلر کفارک سیاق
 مذکور از ره و فزنی و آلات جنکارتک کثرتن و قرالرجله بیضه
 اسلام ازاله سفه اتفاق ایتدکلرین واردل باقی اولان زینعموندلرین
 یله اولدیغن فصلا یسان ایتدکلرند جله دلار قتل اوتوب بعده
 وزیر اعظم اوطاغنه کلدی علی الصباح ترتیب صفوف اولنوب سوار
 و پیاده لشکر ایاغنه بنوب ما در بیع الاولک در دخی کونی که
 روز جمعه ابدی آخر لاق کیروبه قالوب پادشاه اسلام یمن و یسار
 آلبیر یله آهسته آهسته یور یوب صحوه کبراده طوب ایرشیمه جک
 قدر بعید یرده قرار اختیار ایلدکن صکره بعض اهل وقوف
 کلوب ترتیب اولنان صفوف طاہور دن زیاده اوزاق و طابور اوکی
 بشا قدر طوب و تفنگ ایرشیم و چرخه جیلرالی اعدا یه ینشمر دخی
 ایلر و وارماق عازر دیمکله بره مقدار دخی ایلر و وار یلوب آرام اولندی
 پادشاه جم چاه قطب وار علم اوکنده قرار ایدوب الی بلوک خلقی ققادر
 اولدی پادشاهه ماله سی بره مقدار کشاده قلوب برجایند و وزیرای عظام
 علی الترتیب و برطر فده خواجه جهان ایکی قاضی عسکر لر ایله شاه
 سرافراز متوخه اولوب قرار ایلدیلر دو اب و اخیال و انقال کیروده طور و

متفرقه زمره سی مضبطنه تعیین اولندی بکچری عسکری تفنک
پردوش پیش پادشاه جم جاہدہ جوش و خروش ایله طور د بلر طوب
عر باری دخی اوکلرنده زنجیر لایله باغلنوب روم ایلی والبسی اولان
حسن پاشا طمشوار بکلر بکبسی ایله بر جانبده اناطولی و قرمان و حلب
و مرہش بکلر بکبیری بر جانبده سائر لری پر اویرندہ دیار بکر امیر
الامر اسی معتاد اوزره طایفه لشکر اولوب طلیعه سردار لخی
جغاله زاده یه اصغر اندی

(بحار به در و زاول) چون ایکی عسکر بر برخی کوردی چرخه ده
ستان پاشا و قمع کرای و دیار بکر بکلر بکبسی مراد پاشا و سائر
دلاورل غیدانه آت صحرادوب و نعره راوروب نیر و نیر و شمشیر ایله
صوا شوب کفار ایله اللہ سمکه مباشرت اولندی میانده اولان بتاق
حائل اولوب براز صواشد بلر مزبور بتاق محاج اواده واقع بر نهر
صغیرک تاخیدر که بر یکدلی وار در هر یردن یکد ویر مزایدی
کیدہ رک جنک فریشوب مقابله پادشاهیدہ اولان وزرا ایلر و اوروب
صغیری ترتیب و عسکرہ استانت و غیرت ویر مکه جکه تحر بص
و توغیب ایتد کدن صکرہ کبر و کلوب پادشاه اسلامه احوال اعلام
اید لر ذی کفار خاکسارک اوزناق سورا اوزون طو پلری اوغله
عسکر اسلامی ضد مات قوارع ایله کنند و زہ یاقلشدر مبوب
عصبر و قتنه قریب پادشاهک اوزرندن بر طوب دانه سی کچرب
بلوک خلقی آلایلرندن آشوری دوشوب بمحمد افه کسنه یه ضرر اولندی
اما پادشاه اسلام عسکر یله محل خطر نا کده طور دش بولمغله
خنکاری اول محلدن قائد یروب صکرہ شهید اولان متفرقه اغایی
یونس اغاک حاضر قوراش خیمه سنه ایتند یلر صغوف اسلام
اصلا یرندن حرکت ایتیب ثابت اولد یلر عصر ثانی وقتندہ
چرخه چیلر صواشد قلری بتاق که کتارنده بر کتبه خرابه و ارایدی

جمله کفار پیاده لرسته بتاق ایدی ملاعینک پیاده لرندن بر قاج یک خنر بر
 سر بازی غرور شراب ایله کنبسه یاتنده کی بتاقدن پرو طرفه یکم که اول
 آغاز ایدوب اهل اسلام اوزر لرینه تنگ باغد پروب آتش فشان
 اولد قلزنده محله قریب بر پشته آردندن جغاله زاده سان پاشا کین آجوب
 چرخه بی طاقه سی اول ملاعینی ارایه آلوب طرفه العین ایچره قلیچدن
 کچوردیلر و لاشه لرینی بناغه طولدر دیلر طبل و کوسلرین و قطع اولمش
 فرسلرین پیشگاه پادشاه کتوردیلر بقایای ملاعین بیم جان ایله
 فرار ایتد کلر نده طابور لرینه واصل اولدین لشکر تاتار ایدین الوب
 جمله سبی مغلوب و اسیر و گرفتار قید زنجیر اولوب گروه گروه غازیان
 تاتار اول عذره و بخاری پیشگاه شهر یاره کتورد کلر نده جمله سنک
 کله سنی سیف ایله غلطان اتمک فرمان اولندی اول کون محمد بالله
 یوزاق قلدری اولوب لکن اخشام ایریشوب هواده دخی غیم و باران
 بلور کله طرفیندن دونیلوب آرام اولندی و هر کس یوکن
 طوردیغی یرده بقوب کیف مالتفق نزل ایلدیلر و بعضی چادرلرین
 قوروب دخول اتدیلر بر مرتبه اختلاط و ازدحام ایدی که عسکر
 اکثری آت ارقا سنده کوند رینه طیسا نوب طوردی صبح اولجه
 قراولر جوانب عسکری محکم صیانت ایتدیلر
 (مقاله در روزناتی و انهرام کفار بهون ربانی) ماهر بیع الاولک
 بشیجی کونی که بوم السبت ایدی علی السهر پادشاه اسلام سوار
 اولوب کوسلر اولدی و رایات فتح و ظفر اچیلوب آلا یلر ترتیب
 اولوب متوکلا علی الله تعالی اعدای دین اوزرینه توجه ایتدیلر
 کوردیلر که دونکی کون بتاق ورا سنده جمعیت ایدن کفاردن کنبسه
 یاتنده بر کافر قالمیوب جمله سی اول کیچ طابور لرینه کبر مشار طلوع
 شمس وقتنده کفار بتاغ کچداری محافظه سنه مقید اولوب
 صول طرفه کی کچدن نصف میل بعد صحراده بر کلبه سار بنده

آلایرین دوزوب حائلسن مقابله قصصین ایدوب بالمواجه
 طور مق تدبیرنده اولدی همان عسکر اسلام دریاکی خروش ایله
 یورینوب اول بتاقدن جانب طابور دشمنه هبور ایدوب طابور
 اوزرینه آلایرین قوردیلر یکجیری دلاورلی تفنکه ال اوروب
 طوبلر دخی علی الترتیب دیزیلوب هرکس قول قول یرویرنده
 طوردیلر لکن پادشاهی بتاقدن اوته یکجور میوب اوطاغ همایون
 اوکنده طور غوروب خاصه همایون اولان خدام ذوی الاحترامندن
 غیری نه قدر طوائف عسکریه وارایسه بتاقدن اوته جانبیه
 یکجوب آلایر باغلبلر سردار طلیعه اولان جهاله زاده چرخه جیلر ایله
 طابور اوکنه واروب (المناوشة فی القتال اذان الفریقین)
 اول نهاردن بین الصلواتین یکججه اغاز مناشه و قتال ایدوب
 لکن کفره و غرره وقت عصر اولججه اصلا طابور دن باش
 کوستره میوب مکرکه تدارکاری محکم ایش وقت عصر اولد قده
 ناکاه پیاده لشکرین قوچلر ایله طابور دن د وکوب آردلر
 فوج فوج بحر آهنین موج کی سواری آلایرین دیو راستوار کی
 آنلره قفادار ایلوب اونیک قدر تفنک انداز پیاده و عقبجیه
 بش ایتی یکدن متجاوز مرتب نمجه اتلوسی ایله و كذلك طوبلرک
 جله سنی مهیا ایدوب یکقدمه تفنک و ضرر بزنلره آتش ایدوب
 زمره خنیزم مثالی پر یورش یوردیلر که رستم و زال اولسه حائل
 اولیق تصور اولمزدی لشکر انکروس هجومی اصحاب غرا
 قتلرنده معلومدر هجوملرینک و هله اولی ده آتشنه طور باق
 مرتبه محالده ایدیکی تنوع وقایع ایدنلره خفی دکلدره ملاعین
 اولامینه اسلامیه یور ییوب کوه آهن کی ثل وانکسار قبول ایتوب
 صاخ قول صفوفن کبرویه توسکروب صول قول جاننده منشر و غا
 اولان قیو قولی آلایری اوزرینه دوشوردیلر و زور هجوم ایله

بتافتن برو کجوردیلر مقدمه الجیش اولنلری ایسه ناتار عسکرینک
ایچنه انضمام ایله فتح کرایه ارقه ویردیلر لشکر کفار ائام جنود
اسلامک بو وجهله انفا لرین معاینه ایتدکرنده قوی دل اولوب
صاغ قول طرفدن دخی بئاغی برویه کجوب اوطاغ ممایون
اوزینه هجوم ایدوب پیشگاه پادشاهه ایردیلر اول محل روم ایلی
امیر الامراسی حسن پاشایه کلوب ایریشه سن دیو ابلغار ایله
چاوش کیمش ایدی اکا بئاروم ایلی عسکری ایله حسن پاشا
اول محل هولنا که جان اتوب ایردکده صاغ قولدن اردوی
همایون اوزینه واران کفارک اردلرین حله ایتدکده کفر
تفنگ اندازلی اکا یوز طوتوب لاینقطع تفنگ سربوب فندق
باغدر مغله روم ایلی عسکرینک دخی یوزین چو یروب اول محل
اکثر سپاه نصرتدن مایوس اولوب فراره یوز طوتوب دشمندن
یوز چویردیلر باقی لشکر دخی خلاف معتاد اسکافی ایچ اوغللری
صحن فضا ده کورمکله پادشاهی دخی فرار ایلش تصور ایدوب
کریزه یوز طوتدی لر طرف طرف طاغیلوب بودین و بلغراد سمنلرینه
کستدیلر کفار دخی ظفر یاب اولدق ملاحظه سیله اردو چادرلرینه
کیروب یغمایه ال اوردیلر ایکی ییکدن زیاده ملاعین ایلر و سوروب
پادشاهک سجاده سنه براوق منزلی قدر محله جنگ ایدوب
اردو ایچنده تفنگدن فراغت اولنوب مسلمان و کافر بربرینه
سیف ایله کیریشوب یقه یقه جه جنگ ایدر اولدیلر وزرا وارکان
دولت پادشاهی احاطه ایدوب طوردیلر بعض ملاعین اوطاغ
همایون طنابارینه ال اوردقده اندرون اغازی بریدن قلیج او شوروب
قتل ایلدیلر اول روز سختبردن برسات ایدیکه طامه عسا کر
(بلغت القلوب الحناجر) معنا سنی مشاهده ایلدیلر مولانا
سعدالدین افندی پادشاه حضرتلرینه (ان النصر مع الصبر

وان مع العسر يسرا) مضمونلرین بیان و تفسیر و صبر و شپا
 فوز آمانی و حاجات ایلہ متلازمان ایدیکنی تفریر ایدوب اول پادشاه
 دین پناه حضرت پیغمبر علیه الصلوٰۃ والسلام خرقه شریفلرین
 کیوب بنیاتی مرصوص جدار وار ثابت و برقرار اولوب حضرت
 عالم الاسرار و الخفیایه مناجات و کمریه و خضوع و نیاز بزلہ
 درگاه بی نیازہ رفع ید حاجات ایدیکنی نسیم قح و ظفر پرچم
 نوح محمدی بی تسبیح ایلدی کفار آتش نثار عساکر اسلام
 چادرلرین قایلوب مال غنایمہ پریشان اولیقنی بغایہ اللہ الرحمن
 صف مرتلری بوزیلوب قورلمش چادرلرہ بزرابکشر کافر
 غالبانہ دخول ایدوب بی پروا غرتہ مشغول اولد قلمزدن عسکر
 اسلامک آت اوغلنلری و آشچی و خربندہ و دودہ بی و سائس
 واردوبی خدمتکار طائفہ سی چادرلرہ گیرن کفارہ کبریشوب
 بالطہ و نجات و بولد قسری آلات ایلہ قیرمغہ باشلدیلر بوسبب ایلہ
 ملاعنہ ضعیف حال طاری اولوب قرارہ مجالاری قایلوب طابورلرین
 اولوب فرار ایتدکلرند کفار بوزلدی دیو آوازہ اولوب ایشیدن
 اهل اسلام دونوب ملاعنیک اکسہ سنہ دوشوب بروجهله
 قیردیلرکہ روایت صحیحہ اوزرہ زمان قلیلده یوزیک قدر کفار زمین
 قهرنارہ دوشوب وقت غروبده طابورلرین کوروب منتهی اولنجہ
 اول میدان وسیعده کشتهلردن پشتهلر یغیلوب پیادهلردن خودجان
 قورتلوب بقیہ السیوف اولان سواریلری ظلام لیلده بریرده قرار
 ایدہ میوز ہر طرفہ پریشان و ضعیف اولنجہ دشت و درہ دیمبوب
 کر یزان اولدیلر اللہ الحمد و المنہ اول پادشاه عالی جاہ ہون حق ایلہ
 منصور و مظفر اولوب عزیمت صادقہ و ثبات قدم برکاتیلہ برنیک
 نام تحصیل و عرض و ناموس دین و دولتی تکمیل ایلدیکنہ اسلافندن
 بومر تہیہ بر پادشاه واصل اولدی

(سیاق آخر) بومقامه کنبه بعض اهل وقوف تحریریدر اما اول غزاده
حاضر اولان دفتر دارچوی ابراهیم افندی نوبا بوسیاقه مغایر تحریر
یتسدر غالباً کند و انا طولی بکار یکسی لالا محمد پاشایه انتسابی سببیه انک
قولنده بولنوب یورغون الایلر قومندن اولمغله تعصب ایدوب
وجهه لرازم وقعه بی تتبع و تحریر ایتشد ر علی کل حال براهل وقوف
کسنه اولمغله انک دخی کلامنک مالی خل اولندی مزبور دیمشدر که
چون صباح عسکر اسلام الایلری دبز بلوب اول محل جنک اولان
کلبسا جاتینه عزیمت اولندی کورلدیکه مزبور کلبسا قرینده دیار
کفار دن کسنه قالمیوب طابور کتمشدر پس اسلام آایلری
یکجیدن یکجوب طابور سمتنه یوریدیلر کفار طوبایلر وارنلری
بالشدر میوب تبهید ایدردی وقت عصر قریب اولمجه اصلا
کفار باش کوسرمدی وقت اول عصرده کفار حرکتنه کلوب
کروه کروه کورنیلر اولایاده نمجه الایلری جهه سی آهن پوش
لارنده بر حربیه و بر قاج الای دخی کوک نیوره مستغرق لارنده
مشغور دید کلری تفنک که اون بشر بکر مشدر درهم اتار و بر قاج
الای تفنک انداز مجار هاید و دزی که بوز لایدن زیاده پیاده هر الای
بشربوز قدر کافرایدیلر بعد مجارک اتلی الای صافی صرقلی
و بیراقلی که سار بر اشجار کی کورینوردی و بر نیجه نمجه
وجه و له و سار اجناسک سواری آایلری که هر بر کافر اوچر بشر
مجار تفنک لری کنورد بونلر دخی الای لایدن زیاده ایدی کفار
کندونار بخلرند بو عسکری مبالغه کثرت اوزره بازوب
هر مملکتدن و هر ملتدن چاسار امدادینه کلن قرالری
و هر سکلری اسلار یله و هر برینک عسکری عددنی تحریر و تعیین
ایلوب ایکیوز لایدن زیاده یازمشلردر و بونلردن خبری بعض
عسکر دخی هنوز کلمشیدی دیمشدر و بالجه پیاده لری او کنبه

ایاق ایاق عسکره فندق سرپه رک یوریوب کلدیلرستان پاشایه
مراد پاشا و بوستانچی باشی علی پاشا امداده کوندریلوب
ملحق اولدی لکن کفار بالجله تفنک انداز اولغله مقاومت ممکن
اولیوب اسلام آیلاری پراکننده بتاغی کچوب صحرايه یابلدیلر
کفار عسکری طوب و تفنک اتارق و کوس و ترمپه لرین
چانزرق بتاقدن کچوب اردویه طوغری یوریدیلر حسن پاشا
روم ابلی عسکريله صاغ قولده طابورک مقابله سنده کچد پاشنه
واروب طوغری و کفاری منع ایلك فرمان اولنشدی کلوب
اومحله طوردی لکن کفار هجومندن برآن قرار ایدم یوب
تفنک زورندن سائر الایله ملحق اولدی کفار بی با و بی پروا اردویه
واصل اولوب هنوز عسکر اسلام منهزم اولمزدن مقدم غارت
و یغمايه قویلدیلر حتی برایکی بیراق ایله بر نیجه کافر خزینه
عامر یه هجوم ایدوب محافظه سنده اولان سپاه و یکچیری
طاغددیلر کفار خزینه سندوقه لی اوزرینه چقبوب حاجلی
بیراقلرین دیکدیلر و رقصه باشلدیلر چون بو حال منظور
پادشاه دریا نوال اولدوقده خواجه افندی حضور همایونلرنده
حاضر و بوا امر عجیبه ناظر اولغین افندی شمدنصکره چاره
و تدبیرنه دردیو یورمشلر انلردخی پادشاهمه لازم اولان بریکزده
ثابت و برقرار طورمقدر جنکک حالی بودر اجداد عظامکن
زمانلرنده اولان طابور محاربه لی اکثری یویله اوله کلمشدر معجزات
محمدیه ایله ان شاه الله تعالی فرصت و نصرت اهل اسلامکدر
خاطر شریفکری خوش طوتک دیو تسلیت ایتدیلر منقولدرکه
امرای کفار پادشاه عالیجا هی اول حالده آت اوزرنده تمام
حیرت و انفعاله و خواجه افندی رکابی برابرده طوروب ایکی
الری دعایه مرفوع تضرع و ابتهاله تصور ایتدروب گویاکه

او قور او فورر دیو تصویر ذبلنده نجه لسانده خواجه افنديك دعاسی قبول اولدی دیو یازمشلر

(احوال فراریان) اول وقتده ایچ اوغلنلر دن سراسر کسوه ولباس ایله اوتوز قدر غلام اکرلی و اکر سن بر بار کیره سوار اولوب فرار ایتکله سار عسکر دن برکوه فرار یلرک فرارلر بنه باعث اولدیلر پادشاهی سوال ابدنلر بر فوجی به بنوب وقت عصر ده میرا خور افا اوکنه دوشوب کتدیلر دیمکله عظیم پریشانلق و بر دیلر

(انهر نام کفار خاکساز) چون لشکر کفار اردویه کوروب عمرنده کور، مدیکی غنایمی کوروب چادرلر مستولی اولدی و ایچنده اولان اشیای قبضه تصرفه کتورمکه مشغول اولوب حرب وقتالیدن قالدیلر عسکر اسلامک دت بلوکده بری کشیددی و فرار ایتشیدی وقت غروب دخی قریب اولوب عسکر اسلام اسباب عادیه دن قطع امید ایدوب مجرد عنایت الهیه به مرقبر ایکن ناکاه رجال الله ظهرو ایدوب چادرلر ده اولان آن اوغلانی و اشهی و قره قوللجی نامنه غازیلر بر کفار قویلرب بالطه و قزمه و کورده و لبو دمقرله سی آلات ایله هجوم ایدوب وافر ملعون دپه لدیلر در حال اول قوم ضالده آثار هزیمت ظاهر اولدی و کافر قاجدی صداسنی قو یاردیلر اردو اطرافدن سرسری کرن اورکش آلایلر دونوب هجوم ایدوب یئتدکلرینی قلیچدن کچوردیلر صف صف زنجیره چکلش حربی پیاده لری جسته جسته دوشوب اکثری خوفندن هلاک و نیجه بیک کفار طعمه تیغ تابناک اولوب آن واحد ده بی منت الی ییکدن غنیمت اوز کافر قلیچدن کچوب نیجه سی دخی بتاقلره باتوب آنده باشلری کسلدی و زیر سنان پاشا یاننده او تارایله اردوی همایونک ضلع چایانیه

کلن بکرمی یک قدر کافرانلوسن بیچی ساعتده خدای شیر شمشیر
ایلیوب نیجه سن دخی صویه دوکدی جان حقیرلین خـلاص
ایدنلر قراری فراره تبدیل ایلدکلرنده قیح کرای عسکر تاتار ایله
هر طرفدن یور ییوب قیره قیره طابورلرینه دوکوب **ک**فره
چادرلرنده تحصن ایتمکی مراد ایتدکلرنده انده دخی فراره محـال
بولیوب چادرلین وجهه اشیا و مهماتی براغوب یکتسا باشلریله
طاغله دوشدیلر اوزیک فلوریلک طغسانیدی پاره اعلی
طوبلرین ونچیره و بی نظیر شاهلی ضر بز نلر و مکمل جبهه خله لری
ضبط اولندی طرف **ک**فارده غلبه ائاری بیدار اولمشیکن
جزئی زمانده بو قدر نفوس معدوم و منکوس اولق صنع بشر
دکدر دیو مشاهده ایدنلر اعتراف ایتدیلر و بالجمله بو غزای اکبری
مهاج و چالدران محاربه لرندن زیاده ایدوکن اثبات قبلدیلر
زیرا بو غزاده قیریلن کفار مهاج مقتوللرینک ضعیفی قدر
ایدوکنده اشتباه یوقدر دیدیلر

(ذکر شامت غرور) پچو بیلی ایدر بو سفر طغبارا جلوس
عقینده واقع اولغله انعام جلوس و بریلن قیو قولاری سکسان
یکدن زیاده واللی بیکدن متجاوز بیوسفرده موجود ایدی روم
ایلی و اناتولی و سائر ایالتلر واقعی و اشکعی و تاتار و بونلرک
خدمتکارلری التمش بیکدن متجاوز ایکن بو قدر عسکرک انهمانده
وجود و برلردی حق علیدر که بوجمله تک اول محمله برادنی
عسکر قدر جنبشی و بهادر لغری مشاهده اولغدی زیر کفارک
هجومی کورنلرک معلومیدر پس کفار اول ترتیب غریب ایله شدت
و کثرتلرینه اعتماد ایله مغرورانه کلدیلر اهل اسلامک دخی بو طرفده
کثرته استناد و اعتماد و ارایدی اسلامیانک حالاری بر قبل
اوزرنده قالیمی کوشمال اولنوب کفار خاکسار دخی کمال غرور لرندن

اهل اسلامي کليت ايله سلب ايدوب آل عثمانك كزيده عسكري
پريشان اولدى ميدان بزه قالدی صانوب وجود ويرمدکلى اراذل
عسکر بی تیغ ونيزه کفاری برمرتبه قيردیلر که الی قیام الساعه
نقش کاتبه روزگار اولدی سنه خمس و انف ربیع الاولینک بشنجی
کونی بوقح کلی مہسر اولدی

(توجیه صدارت عظمی با جغاله زاده سنان پاشا) چون
محاربه دن دونلدی جغاله زاده سنان پاشا صدر اعظم ابراهیم
پاشا دن اقدم حضور همایونه کیروب بوقحہ قولکر سبب اولمشدر
دیو افتخار کونه وافر لاف و کذاف ایدوب خواجہ افندی و غضنفر
اغادخی مطلبنه مساعدہ اولنورسه لایقدر دیو امداد ایتلریله
کندویه مهر صدارت اقرار اولندی وزیر اعظم اولدم دیو
سرور ايله کندو اوطاغنه کلوب تهنیه و دستوبس ایتدردی
مع هذا ابتدا چرخه دن فرار ایدن کندوسی ایدی دیو نقل
ایدرل ابراهیم پاشا جغاله زاده قضیه سندن بی خبر انہزام
اعداد سرور یله حضور همایونه کلوب اثناء تهنیت
و مکالمہ اصلا پادشا ہدن تغیر وضع صدور ایتامکله کند و
اوطاغنه کلوب قہر اعدادہ یولدا شلغی ظاہر اولنرہ انعام و احسانہ
مشغول اولوب عزل خاطرینہ خطور ایتدی و فرار ایدنلرک عود تی
ایچون اولافلر کوندردی یوم الاحد صباح اولیجی ابراهیم پاشا
وزرادن جراح محمد پاشا و جعفر پاشا یله بالاتفاق سوار اولوب طابورده
قلان خیم و آلات و مدافع کفاری کورمکہ لشکرکاہ کفارہ کیدہ جک
زمانہ خواجہ افندی اوطاغ همایونه واردی بو آنہ دک مہر
شریفک ابراهیم پاشا ہدہ طور د و غنک حکمتن غضنفر اغادن پسان
اولوب اولدخی سئلہ دیو جواب وریجک خواجہ جہان استغراب
ایدوب چونکہ ابراهیم پاشایی عزل مراد همایونلری دکل ایدی دونکی

کون سنان پاشا نك التماسه مساعدہ دن مباعده يوراي كرك ايدى چون
 بومر تبه اولدى بركونده رجوع ايلك اظهار تلوند بويانه ايله
 شايد بر فته قويه ديمش غضنفر اغا بوكلامي بن پادشاهه ديمكه
 قادر دكلم زيرا ابراهيم پاشايه محبت وعطوفتن مشاهده ايده يورم
 ديدكده اول محلده ميراخور كبير احمد اغا بركار نادان ترك اولغين
 جرأت ايدوب خواجه افندى لساندن بونصیحتي پادشاهه نقل
 ايتكده نه خطا وارد ديوب غضنفر اغا اصلنده فرنگ وجفاله
 زاده ايله همچنيس و همرك اولغين بواراده سنه مساعدہ كوستوب
 پادشاه طابور سیرینه كنسه كرك قننى اسب رهواره سوار
 اوله جقارین استفسار طریقی ايله سنی حضورینه ائتكرلنده اكسن
 ديوب اول ترك نادان دخی آت طاشمق اثناسنده مناسبت دوشروب
 خواجه افندى حضرتلری طشرده مهر شریف ابراهيم پاشاده
 اولديغندن قبل وقاله احتمال ویره يور ديدكده پادشاه بر مقدار تأمل
 ايدوب قيوچيلر كئخدا سى وار سون السون و كوتورسن سنان پاشايه
 ورسون ديوار بيورد قلرنده قيوچيلر كئخدا سى دخی واروب
 پاشاي چادرينه بولوب طابور ستمه روان اولدى و زيردخی طابور
 سيرندن كلور ايكن بولده دوچار اولوب واقع حال بيلسدرده كده
 خيمه سنه دك معيت ايله كلوب و زيرمهرى تسليم ايدوب اولدى كوتوروب
 جفاله زاده يه تسليم ايلدى فى نفس الامر قبح و نصرت ابراهيم پاشا
 يوزندن اولمش كن جفاله زاده بر قورى ادعا ايله حارزه دارت اولدى
 اما بوندن صكره پادشاه جفاله زاده ايله امتزاج ايتيوب اول
 وز زنجيب التذبير دن اطوار غريبه ظهور ايلديكه هر وضعى
 شاه و سپاهك دهشت قلبه و طامه ناسك كند و دن نفرته
 سبب بلكه اهل شفا و نك جعيثنه و خارج از اداب حر كنه
 علت اولدى

(عقوبت فراریان) جمله مواددن بری بودر که طایور مقهور بعون
الله الملك الغفور فتح اولند یغتك ابر تسی ~~کونی~~ کندوسی صداریه
نائل اولدیغی کی تصدی امورایدوب عسکرک موجود و ناموجودنی
یوقلا یوب اوج کون زعماء و ارباب یثار و قیو قوی یوقلا نوب
اوتوزیک نفر دن زیاده هسکرک فراری نامبله دیر انکری کسلیوب
هر قنده بولنور لسه قتلارینه فرمان اولندیغندن ماعدا دو نوب
فرار ایدنلری مظهر نکال و قهر و استیصال ایلوب مار الذکر
متفرقه یونس اغا که وقت محاربه ده پادشاه عالمیه ملک چادرینه
اینس ایدی و بر بلوک اغا سی و بعض متعین وجوه لشکر دن کزیده
آدملرک یونلرین آورد ردی شهید مشار البهه یونس اغا وزیر
سابق مرحوم قوجه سنان پاشاک میرا خوری یوم مصافده
پادشاه خیمه سنه وار مقبله منظور اولمشیکن نیجه یکنه اهلر ایله قانن روان
ایدوب عبرت عالم ایتمکی روا کوردی و کفره بخیره لشکر اسلامه (الحرب
خدعه) مصداقجه حبله تصور ایتمشیکن بوفراری نامن طاقوب
دشمن اللرنده عسکر اسلامه بوبله شین اثباته شهرت و یردی
وفراری نامن و یردی یکی کسه لک ماملکلرین میری یه قبض ایدوب
بولدیغی قتل و مصافده ایدر لک نیجه لری اقلیمله قاچوردی صکره
معاودت اولنوب بلغراده کلند که حبش ایالتدن منفصل سهراب
پاشا ایلله جا هی نام متفرقه بی پیره زنلر باسیله تشهیر ایدوب
رسوای جهان ایتکله بوند نصکره بونجه مقطوع الوطایف
عسکر خائف تکلف ایچون جهانی طائف اولغیه یله قادر اولوب
جان خوفنه دو شملکه اهل تلبسه برقیواچیلوب ارباب اغراض
عداوتی اولان کسسه لره بومقوله نام اسناد ایدوب جهانیان مبتلای
مخت اولوب آخر الامر اکثری فرار ایدوب اناطولی دیارنده جمعیت
و جلالی طائفه سی بالضروره انلردن ظهور ایلدی :

(من زرع الفتن حصص المحن) فواستجبه بموقوله اوضاع نامعقوله
 كندويه ده باعث زوال دولت اولشدر و سوء تدبيرك بری دخی
 بودر که تاتار خان اولان غازي کرای خانی مسند خانیندن معزول
 و اول سفرده بولسان قزنداشی فتح کرای خان نصب ایتکله
 تاتاره اختلال و یروب عاقبت فتح کرایک مقتول اولسنه باعث
 اولدی

(عودت عسکر اسلام بجانب اکری) کفار خاکسار منهنه
 اولدیغی کیمیه وقت عشایه دیکو سرچا انوب شنلکرا و اولدی
 ایرتسی دیوان قور یلوب تهینه غزا ایلد بلراوج کون اول صحرا ده
 اوتور یلوب عسکر یوقلندقد نصکره طرفجی حسن اغایه یکچیری
 اغالغی توجیه اولندی طابوردن انسان طقسان یدی پاره طوپلر
 صولتی قلعه سنه چکلمکه بکلر بکلره و سنجاق بکلرینه و عسکر
 سارته یه توزیع اولنوب ماه ربیع الاولک اون برنده کروز قاسم ایدی
 اکری قلعه سنه عودت اولنوب کلندی ماه مزبور و اسلطنه ده بوغزای
 عبرت نما فتح نامه سبله قبوجی باشلردن علی اغا آستانه یه کوندربلوب
 مالک محروسه ده شهر دو نمانی تنبیه اولندی اکری محافظه سنه
 بیک نفر قول اوغلی و بیک اکری یکچیری یسی باز یلوب اوج بیک
 یکچیری ایله طور ناجی باشی نوبتی تعیین اولندی روم ایلی
 بکلر بکبسی ولی پاشا دخی بو دین محافظه سنه کوندربلوب
 برفاچ بیک یکچیری بله قوشلدی

(عودت پادشاه بدار السلطنه) ماه ربیع الاول و اخرتده پادشاه
 عالمیناه سعادت ایله اکریدن کوچوب صولتی و سکدین
 یولی ایله وارا دینه واندن بلغراد کلدیلر ایکی کون استراحتدن
 صکره وزیر رابع حسن پاشای بلغراد سردار قویوب دار السلطنه یه
 توجه بیوردیلر

(عزل سنان پاشا و وزارت ابراهیم پاشا) سنان پاشا نك خشونت طبع ايله
 ناملايم حر كتي وسوء تدبیری سبی ايله شاه و سپاه كندودن تمام
 نفرت ایتشیدی سفردن مراجعت اولنوب ادرنه به قریب خرمنلی
 نام موضعه كلند كده والده سلطان طرفندن قیللی دلسزدیمككه
 معروف بی زبان سلیمان اغا كلرب مبارك باد غزا ايله مكاتب شریفه
 كتوروب بولده عربیه همایونه یانه شوب سپارش اولان امور ی اشارت
 ايله نفهیم ایلدی منزل مزبوره نزول اولندیغی کبی چاوش باشی کناچی
 عمر افا کو ندر یلوب مهر وزارت جغاله زاده سنان پاشا دن النوب
 وزیر سابق ابراهیم پاشا یه تسلیم اولندی ووز بر معزول جغاله زاده
 کلیولی معبرندن کچور یلوب افشهره نئی واندۀ عا طل و خالی قاعد
 اولقی فرمان یور لدی وزیر جدید ابراهیم پاشا د سن بوس پادشاه
 عالیجاه ايله مستعبد اولوب سعادت ايله اوطاغنه كلد كده میر آخور
 احسانا كه تحريك قضیه اید ندر عزل اولنوب سائر سنان پاشا
 هوادار لی دخی جله مطرود و محمد ول قیلندی و بالجمله فتح کرای
 خان اولد قد نصر کړینه غازی کرای ایشا اولتیق و بلغراد ده سردار اق ايله
 محمد پاشا زاده حسن پاشا ليقونمش ایکن عزل اولنوب برینه ساطور چی
 محمد پاشا سردار اولتیق جله ابراهیم پاشا یی عزله ییله بولمناك
 جزاسی ایدی خواجه افندی دخی خواجه لكندن رفع و بعده سلسله
 علمایه و سائر اموره مدا خله ایتوب منزوی اولتیق فرمان اولندی
 (خلاصه كلام یو فتح جلیله جغاله زاده نك خدمت وشجاعتی
 فی الجملة ظهوره كلیشیدی لکن قیحه هلب مستفله بن اولدم دیو خود
 فروشله صدر اعظم ابراهیم پاشا نك و سائر وزرا نك مساعیرین محوایدوب
 معاونلرم ساعده سیله طلب مهر روزا رنه جسارت ایلدیکی طبع همایونه
 کران کلب یكشدن غیر ی مهر كندویه ویرلمكده تأخیر اولندیغی ایچون

خلق بینده فتنه علایمی و گفته و وارد دیو پادشاهی تحریف
ایدوب وزیر اولد یغندن خاطر همایون زیاده مغبرایدی بودند
ماعدی کندوسی نفسنده دلازار و غضبناک و مدار ابلر متهور و بی باک
اولغله فرار یلره اولان عقوبتده بچله و افراط ایدوب نفوس کثیره
قتل ایتد یکنندن جمله نك قلی کند و دن نفرت ایدوب زوالی
استر لدی عزل اولنوب ینه ابراهیم پاشا وزیر اولد یغندن مانده یه
حیات تازه حاصل اولدی ائدن کوچ اولنوب داود پاشا صحرایه
نزول یورلد قده نشانی لام علی چلبی اکری و طابور قح نامدرین
جغاله زاده نامنه یازوب بیهوده ستایشلورده افراط ایتد کین عزل اولنوب
موسی چلبی موقع دیوان اولدی و برینه اوقچی زاده رئیس انکاب
اولدی ابرنسی قبل الطلوع تا نئم مقام خادم حسن پاشا و مفتی
یوستان زاده الای ایله کلوب داود پاشا باقیچه سنده دستبوس
تهنیت فتح و قدوم ایتد یلر جادی الاولینک التبی کونی ایدی جله
اعیان و ارکان الای عسکر اسلام ایله رکاب همایون اوکیچه دوشوب
کال شوکت و دارات ایله سرای همایونه اولاشدردیلر اوج کون اوج
کیچه شهر دو نغاسی اولوب فرمان ابالتی نوح پاشایه و پرلدی اول
اشاده خواجه افندی یه جفا ایچون مخدوم بزرگ محمد افندی بی
انا طولی صدرندن عزل ایدوب برینه خاندان آل حسن جانله
عداوت کلیمه سی اولان مکه مکر مهنن معزول قوش بیچی نصب
اولندی ایکی کوند نصکره روم ابلی صدری داماد افندی و مرزور
قوش بیچی و روم اینندن منفصل شاعر باقی افندی مجلس آصفیده
جمع اولوب خواجه افندی بی اجلا یه سعی ایدوب مکه مکره
قضاسنه کوندر ملک ایچون اوقچی زاده قلیله تلخیص یازدر دینار
وزیر اعظم دخی اول تلخیص موجبه والد ساطانه و مقرب اغازه

تذکره یازوب خصوص معهودی تلخیص ایشیکن کاغذری
ارسال یافته ایکی کون تأخیر ایدوب بعده کوندردیلر بوارالقد
خواجده افندی قضیه دن اکاه اولوب مقربان حرم سلطانی طرفه
قولی و مالی عمله اشتغال ایدوب خواجده افندی بر پیردر
بدعا سندن اندیشه اولنور عتبه علیه دن کند و سنی تبعید ایتیم
امان بعد امور دولتدن بر شیئه مداخله ایتدوب متروی اولسون
ومن بعد عربی عبادته صرف ایتسون دیو جواب کلوب و بعده
علم سلسله لری لازم کلد کجه صدر اعظم کندوری تصدی
ایدر ب اقتضا حینجه مفتی انام بوستان زاده افندیله مشورت
ایدر لری ایدی

(ذکر احوال فتح کرای) مقدمه اگری جنکنده جغاله زاده
وزیر اعظم اولد فده غازی کرای خان معزول ایتدیروب برادری
فتح کرای اگری جنکنده عظیم خدمتده بولتمشیدی دیو خان نصب
ایتدردی فتح کرای قبولده چوق تردد و امتناع ایدوب بو خدمت
جلیله کیو غازی کرای کدر بنم اولور برادر مدر و نامدر دیمشیدی
بالضروره ابرام ایله قبول ایتدیر مشیدی وزیر ابراهیم پاشا خانلیخی
کیو غازی کرایه ابقا خصوصنده وزیرا و اعیان ایله مشورت ایلدی
چون غازی کرای خانلغه رغبتی و تاتر ایله الفتی و عموم تاتار
کندوبه حسن اطاعتی عقلا و نقلا و ضوح بولوب خانلق فتح
کرایده قلوب سه باعث فتنه اولوب غازی کرای خان اختیار
عصیان ایلمکی متضمن بر مکتوب نمایان اولدی پس ایکی قطعه
خانلق مقرر نامه سی یازیلوب متفرقه باشی چرکش خندان اغابه
تسلیم اولنوب سپارش اولدریکه فریم اقلیمه وصول کرده اگر هسکر
تاتارک غازی کرایه ازدیاد رغبتلرینی مشاهده ایدرسک غازی کرایه
مقرر نامه سن و بره سن اگر فتح کرای تاتاری کندوبه منعقاد ایش

بولورسه مقررنامه سن و پروب غازی کرای در دولت دعوت ابلیه سن
 خندان اغا بوابکی منشور همایونی آلوب کفه به واصل
 اولدقد غازی کرای کی به کیروب دارالسلطنه به عزم ایتمش ایکن
 خندان اغا موجب فرمان ابلیه عمل ایتموب غازی کرای خاله حقوق
 سابقه سی اولغله الطاف لاحقه امید یله همان مقررنامه سن
 تسلیم و نیجه حیل تعلیم ابلیدی اکابناء غازی کرای خان سفینه دن
 جیقوبینه کفه به واروب خندان اغا تعلیم اتید یکی حیل به عمل
 کتوردی و مقررنامه سن اظهار ایدوب خانلق ده واسن اعلان ابلیدی
 فتح کرای خان دخی بو قضیه به حس اتید کده مقدمه چاره جو باغی
 تقدیم ایدوب کندی خانلقده تقریری مشتمل بر خط همایون
 کتور تمشیدی غازی کرای امر شریفی ابراز اتید کده فتح کرای
 دخی خط همایونی اظهار ایدوب خانلق تراغنه دوشوب جوع
 ناتار ایکی فرقه اولدی بالاخره شرع شریفه مراجعت اولندقد
 متقلد منصب قضا اولان عبدالرحمن افندی فتح کرایک تمسکی که
 خط شریفه رسکره کلکین مقررنامه اولدر دیو غازی کرای خانلقدن
 دور ایتمکی تصریح ایتمشیکن کفه مغتبیسی مولا ازاق غازی کرای ابلیه
 الفتنه بناء ابتداء ظهور دولت عثمانیه دن بو آنه کلنجه ممالک
 اسلامیه امر همایونله ضبط اولنه کلد یکنندن ماعدا فتح کرایک
 النده اولار تمسک خط شریف اولدیغی شبهه لیدر شاید مصنع اوله
 اگر مضمونی مؤید بر امر شریف اولیدی عمل اولوردی والا بلکنر
 خط ابلیه اولمز اعتبار طغرایه در بویه اولیحق مقتضای امر همایون
 اوزره غازی کرای خان و اطاعت ایتمینر عامی و باغی اید یکی
 بی کاندردیو فتوی و پروب منصب خانیت غازی کرایده قرار ایدوب
 فتح کرایک تمسکی لغو محضه چیقدی جله ناتار غازی کرایه انقیاد ایدوب
 فتح کرای تمخیر قالدقد بعض احقر کندی و به جبر و تکلیف عتیف

ایدوب غازی کرای خان اولو برادر کدر کر کد که حضور ینه واروب
 بیعت و معذرت ایلیه سن دید کدر نده هر چند که در دهنده امتناع ایدوب
 آنکله عدم اجتماع قصد ایلش و طرفینک احوال در دولته عرض
 اولوب فرمان جدید ظهور ایدنبجه صبر لازم ایکن نادانلر ابرام ایدوب
 بالاضطرار اول ساده دل خائزاده برادری غازی کرایه واروب
 د سنوس ایلش حضور ندن طشره چیقار کن قپوا وکنسند
 مجتمع اولان غازی کرایک اتباعندن بر جع تانار میرزای بوتوب
 ایچلر ندن بری بیچاره فتح کرایک باشند بر کولنک اوروب سائرلی
 قلم او شورب پاره پاره ایلدیلر آنکله دخی اکتفای قیوب رؤسای
 جنکیرنی وفاقنبجه اولاد صغارینه وارنبجه جله او جاجن یله قتل
 و بر باد ایدیلر غازی کرای بی منازع مسند خائیده قرار ایدوب میرزای
 و جله تانار مطیع و فرمان بر اولمقله نزاع و اختلال مند فاع اولدی
 فتح کرای وجیه و جبل و محبوب اللقا پرتازه بهادریا دشا هلعه
 لایق بیکت ایکن سنان پاشاک نامناسب همی ایله پاره یه آتیاوب
 اولاد واعقابی ایله محو اولدی غازی کرای خانلقد مستقل اولوب
 چرکس ولایتی اورتاسند فرمان ایله بر قاعه بنا سنه باشلشیدی
 اتمام ایلدی بواشاده خندان اغا شاد کام دار السلطنه یه کلوب
 وجه مشروح اوزره تانار ییشند نزاع و شقاق واقع اولد یغنی
 نیلدردی پادشاه عالیناه حضرتلری زیاده بیحضور اولوب مصلحت
 وقفه بناء کتم ایلدیلر

(ظهور سفر واج و سرداری ساطورنجی محمد پاشا) چون سابقایانکی
 حصار و وسالده اگری کبی قلعه استوار آتوب واج اواده بود کلوکغار
 خاکسار کشته تیغ دمار اولد یغنی جاساره باعث ناله و زار اولشیدی
 پادشاه عالیناه اول سرحدلده اکلمنیوب دار السلطنه یه توجه

یورد قلزنده تکرار چاسا رجع لشکر کفار ایدوب یانق اوزرینسه
 یوردکاری معروض عتیبه علیه اولد قدسه سابقا بلغزاده سردار
 تمین اولنان حسن پاشا جغله زاده نك نصب کرده سی اولمغله
 و دین محفظه سنه تمین اولنوب غره شعبانده طونه یالبسی
 محافظه سندن کلوب وزیر خامس مقامنه جلوس ایدن ساطورجی
 محمد پاشا عسکر اسلامه سردار تمین اولدی مومی الیه اظهار
 فقر ایتمکله صدر اعظم ابراهیم پاشا پادشاه عرض ایدوب
 جبه خله ومه ساتی جله میریدن الیویروب اوزنیک فلوری خرجلق
 دخی طرفی شهر یاریدن انعام صادر اولدی وزیر اعظم کندو
 تلرین و قطار لرین و پردکن صکره سائر وزیرایه دخی جمال
 و بغال صالوب الیویردی الی بلوک و یکچیری کتخداسی علی اغا
 اونی یک قدر یکچیری الیه سفره مأمور اولدی و اتمکچی زاده
 احد افندی سفر دفترداری اولوب مواجب ایچون ایچ خزینه دن
 یک یولکچیه ویرادی روم ایل و اناطولی و قرمان و سیواس و دیاربکر
 و من عیش و رفقه ایالتلری ییله مأمور اولدی سردار مشار الیه
 تدارکنی کوروب ماه شوالک بکرمی اوچنچی پنجشنبه کونی آلائی الیه
 بنوب وزیر اعظم و شیخ الاسلام و وزرا و اعیان کرام امر تشبیه
 بالمعیه قیام ایدوب دارالسلطنه دن چیقوب اوطاقله نزول ایلدی
 و تاتارخانه دخی سفره کتمک ایچون مکتوب کوندرلدی سردار
 ظفر شاعر اونی اش کون حلقه لومزلنده ارام ایدوب اتمام لوازم
 کلیه و جزئییه اولد قد نصکره کوچوب طی مراحل ایده رک
 عسکر اسلام ادرنه یه اندن ذی الحجه نك یدمچی کونی صوفیه به و بکرمی
 طقوزنجی کونی بلغراد صحراسنه نازل اولد یلر
 وقایع سنه ست والف
 (عنایت سردار اسلام ساطورجی محمد پاشا بقیم تا تا)

سندہ بیک الی محمد بنک ایکنجی کونی سردار ساساوری
 محمد پاشا بلغراد داخل اولدی بکرمی کون اورتاق
 ندا اولوب عسکره ذخیره توزیع قلندی ومهمات کوردلی سکرنجی
 کونی اناطولی بکار بکسی محمد پاشا کلوب عسکری ابله ملحق اولدی
 عسکر نهر ساوه اوزرنده اولان کو بزدن سرم جانبندہ یوماقوما
 پکراردی بکرمی اوچنجی کونی سردار عالی مقدار دخی کلوب
 سرم صحرا سنده قوندی بوسنه بکار بکسی حافظ احمد پاشا بودین
 محافظه سندہ ایدی کلوب زمون صحرا سنده ملاقی اولدی واوسکده
 دیار بکر والہسی مراد پاشا کلوب داخل اولدی طی مراحل
 ایدرک صفرک اون ایکسندہ جان فورزان منزله واریلوب
 روم ایل بکار بکسی ولی پاشا بودین بکار بکسی میخا جلی
 احمد پاشا بودیندن قارشو کلوب بودینہ قریب کول باشندہ
 استقبال ایلدی مقدما کفار خاکسار یانقی محاصره ایتشدی
 مشاوره اولوب امداد نہ وارلاق مقرر قلندی الی بدولشقه درت
 قشورنہ مهماتی بودیندن دال صحرا سنده نقل فرمان اولندی
 ولی پاشا واحد پاشا عسکر ابله واروب طویلرقلنہ کشیدلر سردار
 اسلام دخی صفرک بکر مدسندہ دال صحرا سنده نزول ودرنک
 ابدوب سیواس ورقه ابالی عسکری ابله بکار بکساری کلیدلر
 بوائندہ یا نقدن آدم کلوب دللر کنوردلر خبرلری بوایدی کہ
 مقسملیاتوس قرق الی بیک کافریابلہ مقدما یانقی محاصره ایتشدی
 سردار و عسکر اسلام کول باشنہ قوندیغی خبری کلکله قاقوب
 قومران اطہ سنہ پکریدلر اول آراقندہ یانقی غازیلری فرجه بولوب
 قلندہ دن چیقوب ایکی بیک مقصداری اسیرالوب برایکی بیک کافر
 دخی قبل ایتدیلر بعدہ طویلرکلدکده کوچیلوب ماہ صفرک
 بکرمی النجی کونی ثابا قلندہ سی قریندہ قونیلوب بلا توقف

طوپر قورلدی و دوککه مباشرت اولندی حصار مزبور یانق
سنه سی فتح اولمشید ی صکره کیر و کفار مستولی اولوب اغله
تکرار فتحی لازمکشدی ماه مزبورک سلخنده عموما قیوقولی ایکی
بولوک اولوب بری استرغون جائنه و بری قومران طرفنه قرارله
چیتدیله و قلمه یه نغم ایتدیله بولوب زیاده ایله اقدام اولندی لکن
آچیلن کدک یوقش یرده واقع اولغله یوریش ایدن غزاتی خیره
وطاش ایله دوندر دیلر کرچه دخول مہسراولندی اما محصور
اوللر دخی نغم و طوپدن صقیلوب من بعد برکون طور بلور ایسه
هلاک خوفی مقرر ددیو کیجه قلعه دن اینوب سازلغ فرار ایلدیله
و قومران قاعه سنه کتدیله اناطولی بکلر بکبسی محمد پاشا اول کیجه
قراولده بولغله تعقیب ایدوب بر مقدارین قتل و کپن اسیر ایلدیله
قاعه قربنده اولان کولک جریانی قومران سمتنه اولوب مجراسی
یتاق و سازاق اولغله بر مقدار کفار اکا کیر و ب خلاص اولدیله
غره ربیع الاولده قلعه ضبط اولوب سکر کون دخی اثناء اقامتده
یانق قاعه سنک طوب ضریله خراب اولان یرلی پایلوب یکریمی
بک کبل ذخیره قونولدی ایچنده بولک شریطیله قپان قول
او غوللاری اغاری ایله کلوب مدت محافظه من تمام اولدی
دیو دفتر کیرمک طلب ایتدیله بکلر بکبسی رقی ایله برسنه دخی
مهل و بریلوب آستانه یه عرضه حواله اولندی و ماه مزبورک سکرنجی
کونی کوچ اولوب آجی ~~کول~~ باشنه قوند قسارنده فرمان
بکلر بکبسی توح پاشا کلدی اونجی ~~کون~~ اسکی بودینه
نزول اولندی

(مشورت و توجه بجانب واج) بواشاده بودین خلقی
عرضحال ایدوب استرغون کفار دوشلیدن بری بودین
سرحد اولوب امن و امان قالماشده در حصار مزبورک
فتحی اهم مهماندن روز قاسمه دخی زمان وارصکره دخی کرجک

یاز اولور کفارک جمعیتی بوسنه اول مرتبه د کلدان شا. الله توجه
 پورسه فتحی مبردر اولملاسه در دولته یازوب محضر لر وشکوا
 نامه لر کوند ریز دید کلرنده مشاوره اولنوب یکجیری زمان
 تکدر متریس زمانی یکدی استرغون حصاری سائر قلعه لر
 فاس اولنن دیدیلر بودین خلقی الحاح ابلد کلرنده سردار دونوب
 انلره ابتدی برسر جهله کز متریس امدادینه کلورسه کز جان و باش
 ایله خدمتده اولورسه کز بز دخی عسکر اسلام ایله توجه اید رز
 انلردخی جهله برسر و چشم دیوب عهدی محکم ایتدیلر طوبی
 باشی بکرمی قطعه بدالوشقه واون عدد قلوبورنه مهحایله
 کیلره قلوب کتمک ترتیبده ایکن بامر الله تعالی اول کیمه
 بر شدت شتا واقع اولوب بر ذراع قدر قاریاغدی هر کسک باشی
 قایسی اولمغله استرغوند فراغت اولندی ماه مزبورک اون
 ایکنجی ~~ک~~کونده تریایک حسن پاشا کلوب بو ائنده اردل اوغلی
 طمشوار قلعه سنی محاصره ایتدیکی خبری کلمکله هنو زاردویه
 داخل اولیسان سیواس بکار بکبسی محمود پاشا ورقه بکار بکبسی
 علی پاشا و ادنه بکار بکبسی محمد پاشا یانلرنده اولان عسکر ایله
 طمشوار امدادینه وارمق ایچون امرار کوندلدی و پوئشاده
 کفارک طابوری استرغونی بکوب واجه کلدیکی خبری وارد
 اولمغله طابور اوزرینه وارلق مقرر اولوب عسکر اسلام بش
 کونده پشته صحرانسه کچوب ماه مزبورک اون بشنجی کونی
 سردار دخی کو پریدن عبور ایلدی ایرتسی کون عظیم قاریاغوب
 کیجه کوندز عسکره عظیم رحت و بردی ماه مزبورک اون
 سکنجی کونی کوچیلوب آرمودلی نام منزله قونلیدی ایرتسی
 اول محله کی ایله ~~ک~~کله جک طوپلره توقف اولنوب تاتار
 طاقه سی طابوردن بکرمی نفر دل کتوردی اردلک دخی امداده

ایشمه سن خبر ویدی بعده کوچیلوب ماه من اورک یکر می
 برنجی کوئی واج قربنه زول اولندی حصار مزبور بودینک
 بر محله سی مقباضده اوغله قهقنی مراد ایتدیلر کفار دخی واجک
 اوست یانده طونه یالینسده بطا بورایله بر طار یوغازده قوش و قلعه یی
 تخلیه ایتمیشیدی طا بورک بر جانی طونه ورجانی عظیم صعب
 طاغ و اوکنه عریض و عمیق خندقلر کسمش و پر رتیه لر ده
 طایدلر قورمش بیچنه طوب و تفنک انداز طولدرمش اوزلر ینسه
 وارلغسه امکان یه فی اردلر ینه کچمک طاغی اوج درت کونده
 طولا شغسه موقوف ایدی وارلدیغی کپی اسلام چرخه جیلری
 چیقوب کافره طوغرلدیلر اوج درت مجار آلای دخی طابوردن
 چیقوب بر مقدار اللشدک نصره قیامق و یروب عسکری
 طوب الته چکروردی و ترتیب عسکر بواسلوب اوزره ایدی
 اناطولی و قرمان و بوسنه و سیواس بکار بکسی صدغه روم ایلی
 و بودین عسکری صولده فیوقولی و یکچیری ایله سردار قلبده
 طوروب دیار بکر بکار بکسی مراد پاشا و سکتوار بکار بکسی
 لی انصوح پاشا چرخه ده بدل مقصدور ایتدیلر ایتسی که روز
 قائم ایدی اسلوب سابق اوزره جنک اولتور ایکن اسپاتیه دن
 کلن پیاده کافرلک بلاو باشلی بر قبودانی کلوب اطاعت ایتدی
 و اسلامه دوندی طاغ باشده جنک ایدن پیاده یی بوزوب اول
 محل ضبط اولتورسه قح بروردی دیمکله برازیکیچری و آت
 اوغلاقی طر پان و نیجاق ایله یوریوب اردلر بجه بوسنه و بودین
 عسکری قفادار اولدی وارلدقده عظیم خندقلر و طا بورلر ایتشار
 جنک ایتدیلر روم ایلی بکار بکسی دخی کوندیلر بخواه و ناخواه
 ملاعینی مېشه لکدن چقاروب صحرا یه سوردیلر وافر کافر
 قرادی لکن طابوردن عظیم آلایلر چیقوب آدی آلای امداد

ایتمکه طوب و تفنک عسکره رخنه و یروب تکرار سلطدار قبولی ایله
 امداد اولندی بوندن صکره سردار کفار مقبلیان طابور دن
 چاقوب آلائی آلائی یورودیله و طابور دن عظیم طو پلر آتیلوب
 کلی مضایقه ویرلشیکن عسکر اسلام میدان کارزارده مرده
 طوروب کون زواله ابرنجده محاربه ابتدایر اخشام ایریشوب طیل
 اسایش چاندی طایغ باشند اولان کفار اوز رینه سکتوار
 پاشاسی دلی فصوح پاشا سردار اولوب اتدن اتوب پیاده
 اوکریته دوشوب عظیم جنک ایتشیدی تکرار آتیلوب شوق
 اولان دلاورلایله میدان کیروب اخشام اولنجده اولقدر دلاورلر
 ایتدیله که وصفه کلر ایر قسی حریدن ال چکوب مجروحلری تیار
 و شهیدانی دفن و درمزار ایتدیله دخی ایر قسی روم ایلی عسکری
 ایله بودین عسکری اردو تک اوکنه کچوب طابور مقابله سند
 قوندیله و عسکر اسلام فوج فوج واروب اوکون دخی اغشامه دک
 جنک ایتدیله بالاخره مشاوره اولتوب قش ایر شیکله طابوره
 ظفر بمسر اولوب طونه و دراوه اوزرنده اولان کو بریلر
 خلل ایر مک خوقی وارد ایمدی عسکری سلامت یقاسنه
 چقارمق اولی درد بو اتفاق ایدوب ماه مزبورلر کیری سکرچی کونی که
 روزیکشده ایدی اغزاق ایله کوندیلوب عسکر کیرویه رجعت ایلدی
 (نخبده محیر اولتان بود که واج حصاری التمه وارد قلری
 کیسه متریس قورلغه مباحثت اولتوب و محصور اولان
 کفار خوف و خشیت دوشیکله قلعه تک بعض یرلری
 آتیه اوروب طابوره ملحق اولدیله ایر قسی حصه اده وافر
 ن ادو زواله کیردی دیمشدر واج حصاری کرچه خیال ایدی
 اکن طابور اده ایکن ایچیه آدم قروق مخاطره در دیومقید اولتدی
 (رای سردار) مقابله کونک ایکنی کونی سردار رائی ایله

اوجیوز قطنار دوه حاودلینسه بیراقلر دیکلوب سپاه آلائی
 اردینه دیزدیلر ایراقدن برمهانیلی آلائی کورینوردی عسکر
 اسلام سردار ایله آرمودلی منزله بعده پشتیه چکلوب قبون
 اطه سنک یاننده دکرمنلر مقابله سنده قونلدی اول محله اردل
 اوغلی طمشواری حبلی زماندر محاصره ارزره دردیو فریادجیلر
 کلکله سیواس بککریکبسی محمود پاشا یه بوسنه عسکری و بعض
 روم ابلی امراسی قوشلوب کوندر ملک تدبیر اولندی ربیع الاخرک
 ایکجی کونی مزبور محمود پاشا کوچرب کندی وقول علوفه ایچون
 غلواته دیلر یانق قوللرینک دخی اموری کوریلوب اوج کونده
 نهر طونه اوزرنده جمر قوریلوب بشچی کون سردار کچوب کرزا لباس
 تپه سی قرینده زول ایتدی واول اشاده کفار خاکسار دخی طابورین
 بوزوب ملک کلرینه پریشان اواقلری خبری الزان دلار دن تحقیق اولندی
 سکرنجی کونی جزء بک صحرا سنه قونلقدقه بودین بککریکبسی
 وداغ ایدوب کندی بوند نصکره عسکره اجازت ویریلوب سردار دخی
 طی مراحل ایدرک ماه مزبورک اواخرنده بلغراد داخل اولدی
 واحواله سز حد وسفری وقوی اوزره در دولت عراض واعلام
 ایلدی فرمان بککریکبسی نوح پاشا و بوسنه بککریکبسی تریاک
 حسن پاشا بودین محافظه سنده قالدی و مرعش والبسی دخی یله
 تعین اولندی ویک نفر قول اوغلی یاز یلوب ترقی ایله بلوک خلقندن
 بودینه قیساندیلر روم ابلی یچویده وانا طول اوسکده و باجقنه
 و صونورد ه قشلاقی بلرک خلقنه اجازت ویریلوب اغاری بلغراد ه
 قالدی بواشاده قوجه مراد پاشا و بودین قاضیسی هابل افندی
 و مراد پاشا دامادی قاضی زاده علی پاشا کافر ایله خبر لشوب
 صلح وصلاح سوبلشمکه و اج صحرا سنه واروب و کافر دن دخی
 برفاج شایع کلد یلر کفارک بورنی هواده اولغله نتیجه ویرلدی

(عزل ابراهیم پاشا و وزارت خادم حسن پاشا) چون سردار
 ساطوری محمد پاشا بوسنه تاتارخان کلبه بکنند غیری مأمور اولان
 عسکر دن دخی کل قلیل المقدار ایدی دیو عرض واعتذار ایتشدی
 پادشاه عالمینه حضرتلری مقدمه خان ماده سیچرن صدر اعظم
 ابراهیم پاشایه مغیر اولوب و بودفعه عسکر وارمدیغی ضمیمه
 ووالده سلطان طرفه ابراهیم پاشاک تقصیری وخادم حسن
 پاشاک بذل اموال ایله التیام و تدبیری اکار دیف و تنه اولوب
 برکون بعد العصر شیخ الاسلام بوستان زاده حضور همایونه
 دعوت اولوب آغاز کلامده پادشاه حضرتلری بیوردیلر که
 صدارت عظمای آخره توجیه مراد همایوندر کجه توجیه
 انساب اوله دید که مفتی افندی دخی پادشاه ابراهیم پاشا
 قولکرم موجب عزل اولور جرمی وارمیدر دیو استغهام ایتدکه
 جرمنه نه سبب یوقدر از جله غازی کرای خانی ابقایه آیانی
 باصوب فتح کرای کپی بر وجودک افناسنه سبب اولدیغی
 جرم عظیم دکلبدر بیوردیلر مفتی دخی جراح محمد پاشا وزیر ثانی
 بولندغله یولک دکلبدر دیدکده پادشاه حضرتلری اولیله دراماندبیر
 ونصرفی یوقدر بیوروب خادم حسن پاشایی ترجیح واستانبول
 محافظه سنده حسن تدبیر وسلوکنی تصریح ایدر لر مفتی افندی دخی
 میلی حس ایتکله مدحی ستمه سالک اولوب لیاقتنه متعلق
 اطرا ایلدی ماه ربیع الاولک بکرمی اوچنهی کونی بعد الدیوان
 قیوجیلر کتخاسی عبدالله غا طرف پادشاهیدن کلوب مهر شریفی
 ابراهیم پاشا دن الوب خادم حسن پاشایه تسلیم ایلدی ابراهیم پاشا
 رموجب فرمان اسکندارد صالیه جق اسکله سی قرینده اولان
 باغچه سنده متمکن اولدی حسن پاشا بهر هفتنه صدق در خلافت
 والده سلطان حضرتلری نه مبلغ عظیمه و هدایای واقعه خدمت

ایتمک شرطیله نائل رتبه صدارت اولمشیدی اول سبیدن زمان
 صدارتنده جله مناصبی اقبه ایله صاتوب حددن زیاده رشوت
 آکوب عالمی بربرینه قانندی مناصب طالبلرینه سزیدن الدیغم مبلغی
 کیمه تسلیم ایدرم ییلور مہسزدیو نامہ قول کلات ایتمکله اول عایه
 لذاتی السنه ناسه دوشوروب هتک پرده ادب ایتدیکندن ماعدا
 غضنفر اغا ایله دخی حسن زندکانی ایلیوب کون کوندن تحاسد
 ومعدات از دیاد بولدی حتی اول وزیر غافل اغای مزبورک
 زاله سنه قصد ایدوب کسنه واقف اولمدین رضای همایون
 اولغیچون جمعه کونی ایاصوفیه ده سجاده او زرنده پادشاهه
 یتاشوب بعض مفاسد اسنادیله قتلنه اسنیدان ایلد کده پادشاه
 غرض محض اید وکن طویوب رضا ویرمدی دستور خادم
 سوبلیدیکنه نادم اولوب اول سودان فراغت ایتشدی پادشاه
 حضرتلری بوخصوصی والدہ لرینه سوبلیوب والدہ دخی غضنفر
 اغایه نقل ایدیچک اغا دخی مکافات قصدیله مانند خانمہ دوزبان
 آغاز بیان ایدوب حسن پاشنا آشکاره ارتشالالوب بئی ولدہ
 سلطان حضرتلری قنسطہ کسمشد رد یو اشاعت وافشا
 و صغار و کبارہ وبای وکدایه اشتکا ایتمکله سزى تشہیر ایدوب
 دللرہ دوشوردی بوشکایتدن مرادی اشفایای عوامی باشیکره
 اوشورب قول غلوایتدرمکله سزى حضور پادشاهیدن دورا بلکدرکه
 کند وسی امورندہ مستقل اوله و مقدمجه بنم خون ناحقی اساله
 ایتدرمک استرکه بومعنایی پادشاهه افادہ ایدرکسنه بولنیمہ دیوب
 بوخصوصہ یکچیری اغامی طرنتجی حسن اغائی اشفاد ایلدی
 پادشاه حضرتلری حسن پاشا احوال نفیحص پیورد قده اریاب
 مناصبہ والدہ سلطان حضرتلری تذکیرایتدیکنی خبر ویردیلر پاشانده
 شیخ الاسلام بستانزاده انتقال ایدوب حسن پاشا خدمت افتابی

شاعر باقی افندی ایله قره چلی زادیه عرض ایلدوب بونلره مساعد
پادشاهی اولوب خواجه سعدالدین افندی به توجیه فرمان
یورلدقمه حسن پاشا مناسب کورموب او ج دفعه تلخیص کوندروب
باقی افندی به توجیهی مراد ایلشیکن کبرو سعدالدین افندی به
توجیه اولنه دیو فرمان صدورایتدکرده پاشا ایله افندی موی الیهک
یئتمده اولان عداوت قدیمه بقاء حقدنه نیجه نرسن اکلات یازمغه
جرات ایتدکرده پادشاه مقبر اولوب منصب افتاده اول منلای
عالمشانی تقریر یوروب سعدالدین افندی هم مد سلطان جهان
وهم مفتی دور زمان اولغله نائل سعادتین و حائز ریاستین اولدی
و حسن پاشا حقدنه خواجه افندی و غضنفر اغا و طر نقچی
حسن اغا اوچی اتحاد ایدوب پاشاک و والده سلطان حقدنه مکر
و کیدی اولد یغنی دخی نیجه مفاسدن تحقیق ایدوب واجب
القتل اولمشتی تبلیغ ایله پادشاهی غضبه کتور دیلرماه رمضان
ایکیجی کونی اسکله ده والده سلطان بنایدن چکی جانک اسانسی
وضمنه مباشرت ایلدکلری حینده واقع جمعیتده بوستانچی باشی
فرهاد اغا کلوب حسن پاشای ایدوب و برقایغه قویوب
حسب فرمانیدی قلله په کونوروب محبوس ایتدی بش ائی
کوند نصکره کیجه ایچنده قتل اولنوب مد رسه سی التمه اولان
ربه په دفن ایتد بلر یکچیری اغاسی طر نقچی حسن اغا واروب
سر این مهر لیوب ما ملکن قبض و جانب میری به تسلیم ایلدی
اماخرینه دارنی کند و خانه سنه کتوروب حبس ایتد کد نصکره
هلاک و ناید اتمکین ما مول اولان مرتبه مائه ظفر بولمندی
(وزارت جراح محمد پاشا به از قتل حسن پاشا) مهر وزارت
ابراهیم پاشایه ویرملک ملو ظ بلکه مقرر اینکن خواجه افندی
صرف ایتد یروب جراح محمد پاشایه تسلیم اولندی

(اسبلاء کفار خا کسار بر حصار یانق با حبله) قلعه مزبورده بیکچری
اغاسی اولان فاجر بکلر بکبسی محمود پاشا نك ضد کاملی
اولوب کفار طرفدن برجه ذخیره کلز ایکن بونلری اغفال
و اضلال ایچون کبلر و عربله لایله یولک یولک خیر کوردی محافظه
ار بابی شرابه دوشوب و بدنلری بوش قویوب و قیوجسار قیوی
بکلمز اولدی بو خصوصده پاشا نك و غیرک سوزینی دکیلوب مجرد
حصارک ممانته اعتماد کلوب غفلت ابتدا یلر پچوی سنجاغی
بکلر بکی اولان محمد پاشایه اریالق اولمغله ذخیره سی اکثر
عربله لایله پچویدن ککیدوب هر سنه ایکبشر اوچر بوز عربله
ذخیره ککیدر و عودتده کفار یوللرین بکلیوب جله
او کوزلرین آلودی بو طریق ایله پچویدن بش التی یک او کوز
دار حربه کندی بعضی ناحیه ده اصلا او کوزلر قالمیوب رعایا
عورق ایله صبان چکوب چفت سورر اولدی اوائل رمضانده
کفار عربله له کلی تعدی ایدوب یانق واکری به کیدن برقاج یوز
ذخیره عربله ری اوزرینه کلدی قول اوغلی اغاسی قنوز مصلی
اغا و کهنداسی هلی کتخدا یانلرنده اولان آنلی عسکری فرار ایدوب
قالان پیاده و او جیوز با حقه لی تفنگ اندزی سوروب نیجه سن
هلاک و نیجه سن اسیر ایدوب با حقه دن کیدن برابکی یک او کوزی
عربله لایله سوردی و مقدما یانغه ایکی یک قدر جبهه جی و ایکی
یک قول اوغلی باز لشدی بونلر ک اکثری پچویده و قوبانده
و استونی بلغرادده تا هل ایدوب بو تقریب ایله یانق قلعه سنی
براقغه حصار ی تهی قالمغه قریب اولمشیدی و پر سنه مقدم تا نا
قلعه سی اغاج طوب ایله الیوب بر فرد متنفس خلاص اولماشکن اصلا
کچمه متنبه اولوب احتیاط ستمنی اعتباردن اسقاط ایلد یلر
اعدانک علامت کید و مکرری کورینوب طور ر ایکن
(اذا جاء القضاء علی البصر) فحوا سنجه بصیرت لری باغلندی

بر کیمه پالغی دید کلری خنزیر که قومران قیودانی ایدی بر قاج
 بیک پیاده کفار احضار ایدوب کند و دخی بر اینکی بیک سوار
 ایله کلوب پیدا ایتدی بکی افاج طوی اورتوب کندی عسکرینه
 یله کوسرمدی و یانق قپوسنه کتوروب بری طرفه کمال غفلتن
 برقات چام تخنه سی ایله یالیش قپوسنی قپا یوب حکمه
 کوپر یسنی یله حکمه مشلر ایدی بر قاج مرتد کافر نصف اللیلده
 قپویه کلوب نوبچی دیو طشره دن چاغرد بلربکچی بر اوغلان
 او یانوب کپارسز دیدکده پچویدن ذخیره کتوردک یولده دشمن
 اولاشدی عربلر ایله قپارق کوچله قورتلدق شمدی آرد یزدن
 کلوب بصارل قپوی آچوب ذخیره یی قلعه یه الک دیوب سؤال
 وجواب ائتمسده اول افاج طوی یاشد یروب اوغلان دخی
 واره یم قپوجیه خبر ویره یم دیوب کندی بوقدر رفت و کواونجه
 طوی مراد اوزره یناشد ردیلر اتش ایتدکده قپوی پاره پاره
 ایتدی کی کروه کروه ملاعین کپروب ایچروده کپی سرخوش
 کپی بکی بولنوب غالمار اکاه اولیحق جان باشلرینه صحرایوب
 ایکی طرفدن کفاره هجوم ایدوب حتی طشره اخراج ایده جک
 مرتبه یه کتور مشلر ایکن دشمنک کثرتی بونلرک سورتنی کسر
 ایدوب دوکشی دوکشی جله سی شهید اولدیلر یانق
 قلامه سی بو جله ایله کفار تصرفنه کبردی (مرویدر که
 بیکچیری افاسی اولان دست فاجری پالغی دید کلری کافره دری
 کتور ردیلر اون بش یکریمی بیک قدر التون یانجه یله بولندی
 بولتون یه صفلردک قلامه محافظه سنه صرف ایتسک
 اولمازی ایدی بوبله قلامه می بکنوردیوب یاشنی کندیروب برکوندره
 دکدردی و قلعه محافظه سنه اهمال ایده نک حالی بودر دیوندا
 ایتد یروب کزدردیلر مسلمانلردن ایحق بش الی کسنه خلاص اولوب

بودینه کلدیلر ماعداسی دیار عدمه کتسدیلر ماہ شعبانک
یکرمی طفوزنده بودین بکتر بکبسی بواحوالک یازوب سرداره
عرض واعلام ایلدیککی خبری واصل اولدی (اغاج طوپک
هیتی شلا بریوک هوان دیککی توجدن دوکولمش فالیه سی
دبنده واورته برده در واطرافنده درت بش دوکه حلقه زی
ویله دوکولمش محکم قوللری وار در سجاده قدر چار کوشه
اللی یارمق قالدکللی بر محکم پلبد تخته سی اطرافنه اول قوللری
مقابل حلقه لمیخلنوب هر کوشه سنده واورتا سنده بزقارش بوغون
مسمار لر قاقلمشدر اوجی طشره ده طور اول هاوه ناک ایچینه
باروت طولد یروب اغزینه تخته حلقه لردن فرنگی اورغان ایله محکم
بند ایدرلر وایکی تکرلکلی برعربه اوزینه قدرلر وعر به نک کیروندن
اوزون مرتک اوقی واردر هواپی فشک کی آتش ایتدکده
عر به نک طوغری ایلر وکتسنه اول اوقی سیدر قیو اوکنسه بقین
ایلدوب آتش ویدکلرنده طوغری قیوه واروب نه قدر محکمده اولورسه
یقار واکسر ری قیو تخته سنه میخلاتوب باوت زور یله سدسید
اولورسه ده ینه هینم ایلر

(ابتداء سفر قاعه وازاد) چون هنگام شتائجماعه اوروب بهار
قریب اولدی بلغراد قشلا سنده اولان ساطورچی محمد پاشا
کاکان سردارلقده قلوب مجددا سفر ایتک وکفار خاکسار
جانیته کتکه ما نور اولوب صحرای بلغرادده نصب خیام و ترتیب
لوازم و تکمیل مهمات امر یله قیام ایدوب سنه ماضیه ده برللو
باشلو ایش کورلدیکنندن غیر ی یانق کی حصار دخی الدن
کیدوب عدم عسکر و تانار ایله اعتذار ی مقبوله کچوب بودفعه
مستوفی خزینه وعسکر کوندرلدی ودر دولته مشاوره اولنوب
نمرحد امورنده اهل وقوف اولر دیدیلر که طمشوار سرحدنده

ازدل او غلوقلاعه اطاله یدایدوب البیوه ویاثوه وواراد وچناه
حصارلرین کفار المشر شویله که بودفعه او اطرفه سفر اولرسه
طمشوار دخی الدن کیدرو بومفه زمه طمشوار سرحدلرین محضرلر
کلوب سردارک تلخبصنی دخی کتوردیلر جراح محمدپاشا او اطرفلر
احوانی سرداره حواله اولی دراسترغون وبلغلر سمنلرینه کفارک طابوری
وارا بکن اول جانلری محافظه اهم کوریتور دیدکده بوسال
قلعه ره مستوفی ذخیره وعسکر ایله امداد اولنوب اولد اوزرینه
سفر اولنق کرکدر اولد ولایتی غارت زده اولنجیه افلاق وبعدان
ضبط اولتمزدیو اتفاق ایتدیلر تلخیص اولنوب بومفه موده خط
شریف چقدی بوبلده خبرنه ایسه سرداره حواله اولنوب خلعت
ایله ارسال اولندی وغازی کرای خانه دخی قانون اوزره خرچاق
ومکتوب ایله قپوچی باشی علی اغا کوندریلوب زیاده عسکر تاتار
ایله سرداره ملحق اولق فرمان یورلندی وآستانه ده بلوک خلعه
ایکی واجب ویریلوب جزیه دفتری فروخت اولندی وعلامه لرین
الدیلر وایچ خزینه دن بشبوز بولک ایچ ایله اردو وبلوک خلایق ماه
شهبانک غره سی که توروز سلطانای ایدی استانبول دن چیقوب
بلغراده توجه ایتدیلر سردار دخی رمضنک اون ایکیمبی کونی
روز خضرده بلغراد صحرانسه اوطاقلرین چیقاروب خنکارته سی
نام محله نصب ایلدی شوالک بکرمی اوچیمی کونی روم ایلی
بکریکبسی ولی پاشا که اوسکریده قشلامشیدی کازیه نزل ایلدی
ذی القعدةک اون دردنجی کونی یوم الخمیسده سردار بلغراد دن
طشره چیقوب خان حضر تارینک کله سی مقر دردیوتداری ایچون
طونه یالسی قاضیلرینه ذخیره تدارکی ایچون چاوشلر ارسال ایلدی
واردل ولایتنه سفر مقرر اولغله ذی الحجهک طقوزنجی کونی
بلغراد دن اشاغی طاشلق یورق نام مغلدر دهر طونه اوزرنده

جسر بناسنه به شرت اولندی کمال اهتمام ایله اون سکرز کونده
یک سکرز یوز اللی ذراع قدر جسر محدود تمام اولوب عسکر
اسلام اردل سمته یکجه شروع ایتدیله و اول کونده تاتار خان
طرفدن آدم کلوب روسجه راصل اولدیغین ییلدردی و بودین
محافظه سنه مأمور اولان قرمان و مرعش ایالتلری عسکری
و بکری یکیلری عید ایتدی دفسکره بلغراد صحراسندن کوچوب
اول طرفه کتدیله و اوماه ذی الحجه او ایتدیله سردار اسلام دخی
کو پزیدن عبور و پانچوه صحراسنه نزول ایتدیله و سفرک باقی احوالی
تفصیلا کله جک سالدیه بیان اوله جقدر ان شاء الله تعالی

(سرداری حسن پاشا بیچان بصره) یوسال خلالتده بصره سمترلنده
عصیان ایدن سید مبارک جلیقنده مرکوز اولان خیانتی اظهار ایتدیکده
نیجه یک مفسد و شقی کند و یه رفیق و هوادار اولوب بصره
ولحسا سرحدلنده اولان قصبات و قری و بندرلری اوروب قتل
نفوس و غارت اموال ایله کلی خسارت ایتدیکین وزیرای نامدار دن
وزیر حسن پاشایه رمضان اوائلنده بغداد ایالتی و ییلوب بغداد
و شهر زور و اول سرحدلده اولان امر و عسکره سردار تعیین
اولندی و سابقا اهالی بلاد اول بد حالک ضرر قصصدن استماع
ایتدیکده عجم شاهی طرفه آدم کوند روب استمداد ایتدیلر ایتدی
اکا بناء اول طایفه نک مضرتی دفع ایچون اوج یک قدر قرلباش ایله
اوج نفر قوربچی باشی کوند ییلوب انلر دخی طرف خلافت اولوب
بلکه اولکیدن زیاده تعدی و تجاوز اوزره اولدق لرینی حکام در دولت
عرض و اعلام ایتدیکین اوائل ذی الحجه ده شاه عجمه دفعی ایچون
مستقل نامه تحریر و ارسال اولندی

(بقیه و تاج سال زبور) وینه بوتار یخده والده شاه جهان صفیه
سلطان بناسنه قوجه همت ایتدیکی مدرسه هنوز تأسیس اولمسه سن

جهت تدریسی ابوالیمان مصطفی افندی به توجیه اولنوب سلجانیه
جامعده سورہ انعام اولندن عقد مجلس درس عالم اولندی و بوسنه
شعبانده یکجیر یلر کاتبی محمد افندی یکی قبو و لوی خانه سنی اتمام
ایلدی که الی الان بحکم ارباب الفت و فارغای دلکشای سماع و صفاد
چراح محمد پاشا رتبه صدارته نائل اولدوقده جغاله زاده سنان پاشایه
قبو داتلق رتبه سنی توجیه ایله اعزاز ایتدی لر و وزرادن خضر
پاشایه مصر قاهره ایالتی توجیهی ایله اکرام اولندی و سنه مزبور
و تایعندندر که قرمان بکتر بکلیری سفر دورا دورده اولوب ولایت
خالی قانغله لارنده سوخته نامه اوج یکدن زیاده اشغبان ظهور
ایدوب انواع فساداته تصدی و مصادرات و اولاد و عیال ناسه
تعرض ایتکله بیحد خبثت و تعدی ایتدکلرنده اهل مملکت
متفقا اولاراذل ایله حروب و قتال ایدوب اکثرین قتل ایشدی لر
(وقعه غریبه) بوسالده ظهور ایدن اموردن بر امر غریب بودر که
بعض اهل قلم قلمی ایله بر مجموعه ده مسطور اولدوغی کورلدی
ربیع الاخرک اون سکرانچی جمعه کوفی وقت ظهرده شام شریف
آلای بکبسی بکر بک خاتونی که اعیان شامدن چری باشی قزی
عایشه خاتون دیرلر ایدی وقت جلدن اوج ماه مدت مرورنده
توأمان ابکی ولد وضع ایتد کد نصکره بر جراب القا ایدوب شقی
اولند قدده تم الاعضا هنوز حیات سرایت ایتد مش اون درن
ولد ظهور ایلدی ابکبسی ارکک اون ابکبسی قزواج ایلدی
بومقوله امور حد امکاندن دور دکادر حنکا بوکا غلط طبیعت دیرلر
کثرت ماده و اعتدال مزاج رفوت طالع اعانتی ایله قوت مصوره
تحملی مقداری ماده بی تقسیم و تصویر و محک و سعتنه کوره
تناسب اعضایی تنیم و قصیر ایدوب مبداء فیاض جانیندن
استعداد و قابلیت کوره تناسب اعضا و روح بخش اولور

وفایع سنه سبع والاف ذکر احوال سفر وارات

سنه سابقه ده سرحد آنکروسه سردار اولان ساطورجی محمد
پاشا به خط همايون کوندرباوب اول سنه تقص عهده ايدوب اگری
وقعه سنده قرالرايله متفق و متحد اخسارت اسلامبانه جهدايدن
اردل و بوده سی زيموند ديدکگری ملهونه کوشمال ايچون اردل مملکتسه
کوروب ياقوب ييقوب تالان وفارت و ایصال خسارت ايدوب وغيری
برخصاره التفات و برقلعه يه اعتبارايتامک اوزره محکم تنبيه و تاکيد
ایله مأمور اولوب خواجه شهر یاری طرفدن دخی مضمون سابق
اوزره مکتوب نصح امير ارسال قبلندی بلغراد فرسند کوبريدن
طونه صوین کچوب پانچوه صحرا سنه دیرنک ايچون سنه سابقه
اواخرنده نزول ايتشیدی و ذی الحجه نك يکری بشنده بچکرک
صحرا سنه قونوب انده مکت و آرام اختيار ايتشیدی سنه سبع والاف
مجرمی قصه نده روم ایلی بککری بکبسی ولی پاشا وفات ايدوب یری
انا طولی بککری بکبسی محمد پاشا به توجیه اولمقله مشارالیه محمد
پاشا اوسکده جمعیت اوزره ایکن کوچوب اردوي همايونه ملحق
اولدی انا طولی ایالتی اگری بککری بکبسی صوفی شان پاشا به واک
یری صولتی میرلواسی بکتاش پاشا به و یرلدی و مذکور بچکرک
قصبه سی که محمد پاشا هر حومک اوقافند ندر اول منزل نامخلده
ناتارخان ورودنه انتظار نامه تمامه الی بش کون اورتاق اولندی
اول اشاده بودیدن فریاد جیلر کلوب ناتا قلعه سنه کفار مستولی اولد یقین
ییلدردی و در عقب استونی بلغراد دن دخی آدم کلوب پولاتانک
شاه صره اولد یقین و کفارک جمعیت و هجومن اعلام ایلدی عجله
سمندره عسکری بودین محافظه سنه تعیین و ارسال اولندی
(آمدن غازی کرای خان) برایکی کون مقدم خان قریب کیشدر
دیو خبر واصل اوغله الایلر تنبيه اولمشدی ماه محرمک یکری
التنجی کونی قرق ایلی بیک ناتار عسکری ایله غازی کرای خان

حضرتلری کلوب سردار دخی مرتب و مکمل آبلر ایله استقبالی
ایدوب اوطاغنه ایندردی وعظیم ضیافتلر و خلع فاخره پادشاهی
ایله رعایتلر ایلدی خان حضرتلری دخی وضع ملوکانه ایله
سردار واعیان ذوی المقداره انواع نوازش والتفاتلر کوستردی
بعد سردار اوکنه دوشوب خان حضرتلرینی احضار اولتان
بارگاهه کوتورروب دوندی سردار اوطاغنه قریب برعالی اوطاق خان
ایچون و براتاق حرمی ایچون قور بلوب جله لوازمی احضار
اولندی و یوز نفر میزازه خلعت و خانه مکمل طشره و ایچرو
لباسلری فاخره اواق اوزره سمور کورکلی ایله زردوز بوغچملر
ایچره و ابکی مجوهر اکرلی مرصع رختلی آت پیشکش ویرلدی
ماه محرمک یکریمی یدنجی کونی سردار و بکلو و بلوک اغارلی
کرار خان حضرتلرینه واروب ملاقات ایندکرنده درد ولندن
کلن خط هما یون قراعت اولتوب تمام اولنجیه خان و سردار
وسازی آباغ اوزره طوروب دعادن مسکرمه مفهومنده مشورت
ایچون سرحد اختیارلری و اهل وقوف اولتورایلر و کلدی
نه یولدن اردلستان غارتنه وارلق کرکدر دیو وافر مشاوری
اولند قده سرحد صاحب وقوفلری آغز کلام ایدوب
اردل ولایتنه کیره جک او ییج یول وارذر بری قلعه لیسوه یولی و بری
شبش ولوغوش یولی و بری وارات یولیسدر دیدیلر غازی
کرای خان ابتدای معقول اولان بریولدن واراقدر که مناسب
دلیل ایله اغراق و عریبه لایله ابطال رجال همراه قلمقی ممکن
اوله اکر اعدا مقابله ایدر سه جنکه امکان اوله دیک کده
سرحد لوژدن براختیار ایندی پادشاهم شبش ولوغوش و لیسوه
یوللری ضعیف اولقله بیوز یان وجهه اوزره مروره قابلیت یوقدر دشمن

بلورسه جنگ و مقابلہ تصور اول لغز اول صفت ابلہ متصف اولان
جاده و سیمہ راه و ازات درکہ هر وجهہ فسیح و عریض در غازی
کرای خان دخی ایتدی و ازات قلعه سنده اولان کفار جیقوب
راه مہ کری باغلیوب خسارتہ قادر لمید راول احتمال واریسہ
اولا قلعه فتح اولوب بعدہ کید ملک اقتضا ایدرمی و قلعه بی محاصره
ایتدی کمزده مکث طویل لازم کلورمی اولمجلدہ خاطر سردارہ
رعایت ابلہ بعض مدائنه جی عاملر ایکی اوج طوب ابلہ قلعه مک فنی
قابلدر دیوب اولاحصار فتح اولوب بعدہ ژ یغموند اوزرینہ کید ملک
معقول اولدیغنی تفریر ایدوب بومشورت اوزرہ قرار ایلدی بلر
اول جانہ توجہ مقرر اولیغی اردو دفتر داری اتکمچی زاده لوازم
اموری کوروب قلعه کیرلک مهماتی تدارکنہ باشلدی بواشاده
بلر اددن چیقلہ لی خان کلنجہ یہ دلک ایکی آی قدر زمان کچوب
وقت سفر نصفندہ قریب اولمشیدی و بچکر کده الی بش کون اورتاق
اولمش و مدت آنقالمشد بیکہ ماہ صفر اوائلندہ طمشوارا غارندن
یوغون اغانام شخصی مہکرا سلامہ قولاغوز راہ آموزنجین ایدوب
کوچ ایلدی بلر نهر مورش کارندہ چناد قلعه سیالہ نزول و محاصره
اولوب برقاج طوب ائلدقدہ ایچندہ بولنان کنار قلعه لرن براغوب
اطرافدہ اولان کھارہ وچنکستانہ فرار ایتدی بلر حصن چناد بی تعب
مہکرا اولوب لشکر تانار فرار ایدن کفار ی دوشیروب کینی قتل
واکثرین اسیر ایتدی بلر اولکون سردارک اوطاغی اوکندہ بوز الی قدر کافر
قتل اولوب چناد امارتی اول اشدہ بلر ادا نظری اولان شمشقی ابراہیم
بکہ ویرلدی اوزماندہ نشانچی عبدی چلی بولطیفہ کونہ پیتی دیمشیدی
شمیدی زمانہ منصبی اکثر شقیسیدہ در *

* اینانمز ایسک اشته بری شقیسیدہ در *

اندن کو چیلوب برکوه باشکوه اوزرندہ واقع اولان دلاغوش

نام پلنقه دامنه نزول اولندی بعده اراد قلعہ سی صحرا سنہ قور نلد قدہ
 خالی بو لطفله ضبط اولندی اول ائشاده اردل اوغلوندن یلچی کلوب
 خان حضر تلری یزی شوکتلو پادشاه حضر تلریله بارشدرسون
 دیومکتو بلرکتوردی بواشاده عظیم یغمور لر یاغوب عسکره تعب
 و بر مشیدی ماه صفرک طقوزنده ارضروم بکر بکسی مصطفی پاشا ایالتی
 عسکر یله کلوب وصول بولدی ماه صفرک اون برنجی کوننده
 مورش صویندن عسکر اسلام هزار تعب ایله بکرب کالر یله بر قاج
 قوناق کتد کد نصکره اور دو بک نام ویرانه پلنقه قرینده کو پری
 باشنده نزول اولندی انده کر له عسکری سرداری استقبال ایتدی
 رایکی پادالوشقه بری کوله دن بری دخی طمشوار دن تدارک اولندی
 ماه مزبورک یکر می درنده ویکری بشنده بر قاج ارماقلر و عظیم
 بتاقلر هزار مشقت ایله بکراوب وارات صحرا سنہ سکن نجی منزله
 نزول اولندی وان بکر بکسی یوسف پاشا اول محله کلوب وصول
 بولدی چناد منزلدن خان ایر بلوب طریق آخردن دیار کغاری غارت
 ایدمک کتمشیدی وارات قرینده کلوب ملاقات ایتدی صفر الخیرک
 یکر می طقوزنجی کوننده وارات قلعہ سی التمه نزول اولندی قلعہ
 مزبوره اردل ایله نیجه بیننده اطراق واروشلی معجور و آبادان بر حصار
 استوار ایدی متانت و وسعتی بر مرتبه ایدی که یکر می بک عسکره
 کجایش ممکن ایدی واروشندن طشره باغلی اولان یشته به وار نیجه
 بیوت و مسکنلری تخمینا سور قسطنطنیه دن داود پاشا با نیجه سی
 منزله وارردی زیبا باغ و بیستانلری فضایی طوغمش بر سواد معظم
 اید بکه تعبیر اولنماز قلعہ به بوندن اقدام بر قاج بیک نیجه عسکری
 کیور و بر برایکی سنہ درانلر مسلط اولش و بحار طائفه سی نواحی و قراده
 قرار ایشیدی

(جنک و محاصره وارات) مقتدا تاتار عسکری کلوب واروشه

اولاشد قده موجود اولان کفسار چيقوب برکون و پريکجه الشوب
 عاقبت خرات تار واروشی احراق يالنا ايتکله کفسار اهل و عياللرين
 قوچور ايله طرف آخردن چيقاروب فرار ايتدکلر نده تاتار اردلرندن
 ايريشوب کساريني قتل و صغاريني گرفتار ايدوب واصل غنایم
 بيشمار اولدیلر بوندفصکره خان تار و سردار عسکرک نامدار ايله
 مشورت ايدوب تخریب ممالک ايله تعقید کفایت ایدرمی یوخسه
 وارات تسخیرینه سعی اولی میدردینلکده مجله سی یکدل اولوب
 ممالک محروسه یه قریب شویله برمتین قاهه که اردل و غنجه تک
 کلیدیلر و کدرگاهده ملاعینک یئنده سدسیدیلر قویوب کتک
 معقول دکلر دیکله بورای موجه کور یلوب ماه ربیع الاولک
 غره سی که یوم جمعه ایدی وارونک کلف و کارگیر مزین اولرینه
 کیر یلوب متریس قازمه حاجت اولدی موجود اولان اوج باره
 طوب ايله دوککه باشلدیلر ایتدادن تخریب بلاد ايله مأمور
 اولدقلر چون دامنکیر اولسون دیو طوب کتورمکلری و سارقله
 کیرلک لوتزمنک موجود اولدیغی ووقت تنک قالوب یوبله برقله
 مستحکم زمان قلیطده التقی مستعد ایدوی قتی ظاهر اینکن طبع
 سرداره نماشاة و همان وقت کچورمک قصد یله بورای معوجه یه
 ذاهب اولدقلری خطای فاحش ایدی چون قلمه ذکولمکه باشلندی
 غایت استحکام اوزره چفوب خبر ویر دکلرینه مناسقض کور نمکه
 مقدما قرا لردن بری فرقیش کون محاصره ایدوب تسخیرینه
 ظفر بولموب خاتبار جعت ایلمش دیو سولمکه باشلندی اوج طوب
 کفایت ایتوب آکری بکلر بکسی اولوب سنا بقا انا طولی ایالتی
 ویریلن صوفی سنسان پاشایه احکام کوند ریلوب اوردو پککه
 چک سن اکریده اولان طوبلردن لوتز میله اون یازه طوب کتوروب
 یئشدره سن دیو فرمان اولمشیندی جواب وصولی تراخی یه

دوشد کده قپو کخنداسی اولان بایردلکومی اوغلو دیکله معروف
 شخصه اقدام اولند قجه خبرکلدی طوولری عربله بیدر مشال
 چکه جک جاموسلری اگری فریه لرندن جمع ایدوب قوشنلردر
 دیو دروغ ایله جواب وکاه مزور مکنوبلر کوسرتمکله قریب
 ناصواب ایدوب اکریدن مهمات کلیوب اطرافیده اولان کوله
 وبلغمه لده بولسان باروت ویوانق شبا فشیاً جله جمع وصرق
 اولنوب یرایش اتمکه کفایت اتمدی و برایکی لغم آیلوب قلعه
 مستحکم اولغله تأثیر اتمدی بواثاده تا مارطاشه سی اقینه کتمک
 استد کچه سرداران شاء الله بعد القح یله کیده رزدیو اردل
 ولایتمه تاءرواقچی الله کریته اقینه اجازت و یرعیوب بی سبب
 بونجه عسکر وایغاره رغبت ایدنلره اجازت و یرمدی و بحکم خدا اول
 ایامده قرق کوبدن زیاده علی التوالی یغمورل یاغوب کثرت بارانله
 دشت ودره سیل فراوان اولوب قلعه حوالهسی بمشاق طوولراق
 واکثر برلی زیاده بمشاق اولغله عسکر متحیر اولوب ویکچیزی
 متریسارینی سیل باصوب چامور ایله طوولدیروب اکثری چادرله
 کلکله ضابطلری مضطرب الحال اولشیدی و شهر ایچنده اولان
 نهر هر کون طاشوب کچدورمز اولوب اردوده چادر دن چادره
 وارلن اولدی و شدت روزگار بر مرتبه ده ایدیکه ختام عظیم متحیر ایله
 قیام ایده محبوب قازقلری کوتورز اتار و حیوانات ایاغی قارنده وارنجه
 ره تبار ایدی نهایت خلق بر قاج کون نخوم بقدر و غنم وقرق ایله
 ختم اولوب بر ایکیشراجه به قیون الدیلر اکثری صوتلق
 رعایا سفندن ویرازی حر بی رعایا دن سورلش وارات صحرا سی
 سوزیلر ایله طولمشیدی اردل اوغلی دید کلری ملعون ایسه ضعب
 المور و طاشغله کوروب تحصن اتمشیدی عسکر اعلام بورچنلر ایله
 متحیر وسیل ویاالحق بلا سبله متحیر اولوب هر کس جانندن بیرار

ایکن ناکا بودین طرفندن فریاد جیلر کلوب سکسان بیک قدر
کافر کلوب اسکی بودینی تخریب واهالسنی قتل و تعذیب ایدوب
حالا عظیم طوپلرایله بودین حصارینی محاصره ایتشدیر اگر سرریه
امدادده تکامل اولنورسه بودین الدن کتمسی مقرر در دیو عرض
و محضرلر کتوردیلر بوندن اقدم دخی کون باشنه برر فریاد بجی کلوب
کفار طابوری یا نغماندن واجه واسکی بودین طرفنه توجه
اوزره در کلن دشمن اغر دشمندر برایکی بیک هسکر کوندر مکه اواز
بالذات سردار ایرشک لازمدر دیو عرضلر و محضرلر دخی کلشیدی
بوقضیه دن سردار و عسکره حیرت و دهشت مستولی اولمشکن وارات
اوزرنده عسکر اسلام شورابه مشتقد باغلنوب قالمغله کفار بودین
اوزرینه کلدکده فرصتی غنیمت یللوب میخال بدفعال دخی حمله ایله
طونه بی پکوب نیکیولی طرفنده محافظ اولان وزیر حافظ پاشایی
باسوب قاجروب عظیم خسارت ایتدیکی خبری دخی شایع اولدی
و در عقب بودین فربنده مقدما فتح اولسان تاتا و پیبرم
و پایاقلمه لرینه دخی کفار مستولی اولد قلمری خبر وحشت اثری
کلدی بو وقایع هائله نک تفصیلاتی ذکر اولنسه گر کدر مصائب
مترادفه بک استماعندن عقلمر شاشوب امداده هسکر کوندر لدیکی
تقدیرده مسافه بعیده اولدیغندن غیرتی بیسه و طونه کی دریاهال
ایکی نهر دن عسکر چکیم جسر موقوف اولدیغنه بناء فازی
کرای خان و سائر اکابر و اعیان ایله مشاوره اولنوب چاره سی شمد بک
خان حضر تری بر قایج بیک تاتار الغار ایشد یروب پشته یقا سندن
نمایان اوله لر سردار و خان دخی کلیور دیو آوازه چیقار مغله
محصور اولنلری تقویت ایدله دینلسدی لشکر تاتار بحسب
الفرمان اولطرقه الغار ایله روانه ایلدی بواشاده اگریدن طوپلر
کلکه خلق انتظارده ایکن صوفی سنان پاشا تهی دست چبقه کلوب

طوب چکه جک جاموس بولندی دیو اول معنوه جهسان بیمنی
عذر لر بیان ایلدی

(الحاصل) عسکر اسلامه شدائد و مصائب بریری آرد نجه متعاقب
ارلوب حصول مأمولدن قطع امید ایتد باریکری کونه دک وارات
اطراف و نواح سنک مأ کولانی قالمیوب ذخیره بی تاتار مسافه بعیده دن
کتور مکه محتاج اولغله برکیل شعبیر او جر بشر التونه صا تبلور
اولشیدی مقد ما خان عسکر تاتار ایلد اردلستان تخریبی ایچون
اقبنه اذن استدیکه سردار اولان ان شاء الله برابکی کونه دک
قلعه بی فتح اید وب ییله جه کیده رز دیه رک بوا منه ایلد اوقات
چکوردی نه قلعه اندی نه مراد اوزره افن اولدی شدت برددن ال ایاق
طوتمز اولدی

(عودت عسکر اسلام بیسانب بلغراد) وارات قلعه سنک فتحی
حصوله قرین اولمیچق بودینی تخلص ایچون پشته بقا سنه کتمک
نامی ایلد وارانندن قالمیوب صولتی سمنه روانه اولد یلر کذر کاهده واقع
دره کثرت باران ایلد دریای عمان کی اولوب طمشوار پاشا سی اسمعیل
پاشایه دخی کیدیلور کن کو پر یلر یاقمق سپارش اولمشیدی اصلا مقید
اولیوب برکو پری ییله حاضر ایتماش کلبدشه انجق اوج صوچکلمشیدی
برینک کو بریسی واریندی عودنده اون ایکی نهر عظیمدن صالار ایلد
عبور لازم کلوب هر برندن هزار محنت و مشقت ایلد کچلیدی صولده
اکثر ناسک یقیاس طوارری هلاک اولوب کندلوری دخی شدت برددن
در حاصل ایتد یلر و ذخیره سز لکدن یاوان بغدادی اکلی ایلد اکثر
عسکر زحیر مرصنه مبتلا اولوب دوکلد یلر قالد یلر و ذکرا و انسان
صولدن طو پلری بلامارل ایلد چکوب چکور دیلر قوجه مراد پاشا
بوسفر ده دیار یکر بکر بکبسی ایدی و حلب بکر بکبسی محمود پاشا
وصوفی سنان پاشا هر بری بریوندر وغه کیروب طوب جهکد یلر خلی

ترغیب ایچون بو گونه اختیار مشقت ایتدیلر کوله دن واراده اوج کونده وارلمش ایکن بود فیه اون ایکی کونده هزار محنت ایله کلندی هر قونافده صغوقدن و اچلقدن و ذخیره سزلکدن بتاقلرده بیجه یوز آدم قالوردی کرله صحرانده تریای حسن پاشانک کهنه داسی اسکندر بیک که صکره پاشا اولمش در فریاد چیلغه کلوب کفار بسیرم و پولات و تاناقلمه لرینی الیدینک صحیح خبرین کتوردی و امدا ده فایده اقدام ابتدی لکن مواعید عرقویه ایله ابراسی یولل دیلراندن کو چیلوب صوانغه کلندی کرله وصول نفقه کذلک ما کولات ایچون عظیم عربده اولوب براتک براتونه بیع اولوردی انده برکون اوتراق اولند قده مقد ما ذخیره کیلری انده حاضر در امید یله کلتمشدی عسکر کورد یلر که تیسه نهر نده ذخیره کیلرندن اثر یوق بودینه کتک افسانه سی دخی اسان عسکر ده بر بهانه اولوب جوع مفرط غلبه سیله ناتوان اولان عسکر دریا کی خروشه کلوب همان یکپیری غلوا یدوب سردارک اوتا غنی یاشنسه یعقوب دخی هربری النده بر رهبریم پاره الوب فرار ایدرکن سردار نامدارک ضربات متعددده ایله یاشن یاروب طاش ایله یازوسنی بره لدیلر مطبخ و کلارینه قویولوب آنوا حیدده یغما ایلد یلر اگرضا بطلری ایرشمسه وجو دین پاره پاره ایده جکلر نده شبهه یوغیدی بمده دفتر دارا تمکچی زاده چادرین یعقوب غارت ایتدیلر ضابطلری توسطی ایله هله دفعه فساد اولندی و بودینه کتمکدن فراغت اولنوب طوغلری سکدین یولنه کوندر دیلر وقت غروب ده کسردار چادرلی اطرافنده کزوب و طاغنه کیرمه خوفندن عار ایلدی بوند نصکره حصن حصین بود بنی الله اصنار لوب سکدینه توجه ایتدیلر سکدینه نهر تیسه ارز نده ذخیره کیلری بوانوب عسکره توزیع اولمغله بر مقد اربدنلرینه تاب و توار کادی اولمغله روز قاسم کلکله کفار طو یلرین بتاقدن کوچ ایله

چهاروب خامساً کتد کلری خبری کلری اما بودینک واروشنی
 احراق و تخریب و نیجه خلقی قتل و تعذیب ایله ایلد یکی خسارت
 و طغیان مورت آلام و احزان اولدیغی تفصیلی کلاسه کر کدز سردار
 بو اخبایرمضا ثب آثاردن محزون اولوب الم و غم ایله جانندن بیرزار
 و مزاجی بوزیلوب تحیف و زار اولدی بوانده واضطراب ایله
 و ارادین کور یسندن هبور و بلغراده مرورایدوب غازی کری
 خانه صوبور و عسکر تاتاره سکدین سنجاغی قیشلاق تعیین اولوب
 روم ایلی بکر بکسی پچوی سنجاغنه کوندردلی بکیچری و بلوک
 خلقتنه و کندی اتباعنه قشلاق و یروب مواجیلرینی بلغرادک
 متمرکز لرندن و باز کاتلرندن استعراض و تسلیم ایلدی روز قاسم
 کچوب عظیم قاریاغوب شدیقیشلار و صفوقلر اولدی بوسفر مشقت
 اترده بر نیجه حاصل اولوب خسارت کلی کورندی مفتی الانام خواجه
 سعدالدین افندیك سردار مشارالیه ایله دوستلغی و علاقه سی
 اولغین بو ائشاده کندویه بر مکوب نصیحت اسلوب کوندز مشیرلیدی
 فوائد و نصایحی متضمن اولغین ایرادی مناسب کوردلی
 (مکتوب خواجه سعدالدین بجانب سردار سا طور جی محمد پاشا)
 سرحد ممالک اسلام حفظ الهمی ایله محفوظ و غزوة مجاهدین فتوح
 و غنائمدن محفوظ اولمق دعا لاری و طیفه نظیفه شام و سحر اولوب
 بدرقه توفیق رفیق طریقاری اولمق ثناری ابلاغیله انهاء داعی
 دولت عثمانیه و ساعی نظام ملت ایمانیه بودر که سهیسا لار جیوش
 اسلامیدن مراد محافظه حدود بلا دروغ و قلع اهل فساد و عناد در سنه
 اولیده حسب المراد بر اثر مرتب اولوب یانق کبی احصین حصون
 تطلب اعدادن مصون اولوب بیله سنجه بسپر م و بولانه و سمارتین
 و پاد او تاتامشاندن نیجه قلاع الیزدن اقتلاع و دخی نیجه پلنقدر
 انقطاع اولندی نوبت بودینه و استونی بلغراده بلکه اگری به
 کلدیکی واضح اولوب اول وجه له سرحددن عرضلر کلکله تلاقی

مافات و دفع مجافات امیدی ایله خان حضرت نلرینه تکلیف مصافات
 وارسال عسکر ایله قصد دفع آفات اولنوب سنه ثانیسه ده جمیع
 مرادیکزه سعی اولنوب لشکریه شمار کوندورلشکن کوپرونی
 اردل سمته قوروب اللی بش کون بعد العیور خان حضرت نلرینه
 انتظارنا یله اوتوروب مکث اولمغله هم اعدایه سمت توجه اعلام
 اولنوب وهم یوزیمکه اقدام اولنمغله خوف و عجز وقت عسکر علامتن
 دشمنه طویروب نی وجه پکیده بو قدر اوطور مغله لشکری حبس ایله
 بوزوب دشمن آگاه اولمغله اقبال واحالن جباله چکوب سلط و سبکبار
 محافظه میخال دیو عبور و کذا رایتدیلر درد ولندن تخریر وارسالی
 تکریر اولنان نامه های پادشاهیده قلعه کبرلک ییلی دکلدار دلستان
 ایچنه اقرن صالوب تخریب ایده سن دیو یورلش ایکن ایکی قلعه ایله
 اولنوب قبشه قالوب نثره فتنه اعدایی دائرة ممالک اسلامیه دن
 منقطع وقتنه لرینی منقطع اتحدین برایکی قلعه لرین المی
 مقتضای وقت دکل ایدی الندی صورته النان قلعه لریمزه بدل
 اولمزوانکله دشمن زیون اولزاکری قهی ایله نه اتشلی سبندی
 ونه یورکری کوبندی استرغون وقو مران قلعه لری النش اولسه
 یانق دخی محفوظ و بودین اهلی محظوظ و قربنده کی قلعه نلک دخی
 استرداد می ملحوظ اولوردی طابور لری قارشو کلز دی ایسه
 اردلستان ایچنه کروه کروه عساکر اسلامیه و جنود عثمانیه وافواج
 تناریه کوندروب واقنلر صیلمغله زراعت وزرعن واصل وفرعن
 یاقوب ییغوب خاندانلرین ویران و خانما نلرین تالان ایده لروبو دین
 واکری واستونی بلغراد طرفلرینی محافظه ایتمه ده فکر
 وملاحظه دن خالی اولسه سزدیو تا کید ایله خط همایون
 کوندورلشکن اول الامرک مختافتی شامتی ایله برایش کورلیوب قلعه
 کیرلک اسبابی فایرمدین اوج طوب ایله وارات کپی دشوار قلعه به
 صارقوب مهتدا نزلدن منتهای رحلته دکل باران وکل مسلمین

الایلی بن زبون و سرحدل حفظنه مقید اولما غله بودنی و اطرافنی
ویران و مغبون ایتمک سبب اولوب وارات النسخه عسکراسلامی
اکلیوب ناتاری دخی حبس و الغار طلب اید نلری ی. اغ ابله تبس
ایدوب اردلستان ایچی سالم وایمن قلوب اردل وپوده سی خائب
و عسکریمز غالب ایکن فرصتی فوت ایدوب مملکتلری آسوده
اولغین میخال مختل دخی قلعه ابله عسکرک باغلند بغنی کورمکله
اردل جا بنندن بی بلك اولوب مملکتزه قویولدی واول دیار اهلنک
دریسی صوبادی بوزمان آل عثمانه اولان ضرر وکزند
بی شمار بواکی ییلده سوء تدبیر و عدم مساعدت تقدیر ابله ظهوره
کادی رب العالمین بترندن صاقلیه خان حضر تارینه اضطرار
اولند قده جواب معقول و عذر مقبول یا زارلر قلعه کیرلک دانشیغنی
ناتار کاری دکلد اما ایلغار ابله تخریب دیار و نهب و غارت ممالک
کفسار و اسارا ایله ذخایر احضار ایتمک وظیفه ناتارد اول باده
تقصیریمیزی اولدی هروجهله امره امتثالدن غیر ی ایشمن یوقدر
کل دید یکن کلدک اوردید یکن اوردی اوردی یکن اوردی یکن
دید یکن قشلاق بکله دید یکن بکلسدک اغور یکن زده اسیلر
وصوفلر چکدک آخور طاملرنده باندق امر سرداره مطیع اول دید یکن
اوارق دبو عذر لر یازارلر بو تقدیر تمسک ایلله پادشاه اسلام امری
طو تلیوب عدم مساعدت اسبب ایلله قلعه دشوار اوزرینه دوش وار
دینلد بن دوشولدی تختگاه انکروس و یتش ییلدن بروحروس
اولان بلده اسلامیه نك آب روینی پایمال اعدا ایدوب سکرینک
خانه سی مهدوم و مساجد و مدارس و معابد و معلم خانه خان
و خانه لری کالعدم اولوب بو مصیبت جکر سوز ایلله شب روز اهل
انبا هک آمو و اهلری تباہ و مرحد اهلنک کونلری سیباه اولدی
دشمن دین قلعه لری میزی مفر و مأوی ایتدیلر بازو قش اطراف زده

حاضر وضعف تدبیر من ایله خدا صغلیه قصد تدبیر من وجه
اضافه ناظر اولدی یلر اسبابلری آماه و مترس اتقالی قلاع من بوره
ایچره نهاده و شایقه لری فوق العاده اولوب بزم پناهمر اولان
حصون دشمن زبونه قوت اولدی قولاق استرکن کوزدن چختلدی
عسکرک ضعیف سی حال دو کیلوب کلکده سرحد لردن کاغدلر
کلور که مدد نوروزدن مقدم کلنسون نوروزدن برما هه قریب زمان
کچدی هنوز هسکر دو کندیسی بو بکا کلدی یا کیدن کیمدر قشلاق
تعیین اولملر ایسه مملکت تخریب ورعا با تعدیب و تضریبی ایله
مقیدل و وظایفی بالتام استرلر عسکری موجود دکل شروع محمدری
اجرا اولتمیوب مظالم ویدع شروع و شیوع یولغله ضبط و ربط
قالدی الله ورسولی امری طوبیلا مغله حکام امری دخی طوبیلا
اولدی ظلم شوملغنی شوکا هودی اولور که سردار اولان انساب
و اتباعی صاحب منصب و تیاری و نائل مال بسیار یتکله بری برندن
بونی کور و پ قانون شکنه کیرمشدر فرهاد پاشا اغلاری بر قاج یلده
ایکبشر اوچر یوزیک چقه لک زعانت صاحب لری اولدی محصورلری
کزیده بیمار صاحب لری اولغله افندیلر یتیمه دخی زیاده خدمت و صداقت
ایتمک لازم ایکن احتیاج لری قالمیوب وقتنده بر یسی اجیبوب افندیسی
اوستنه اغلیانی کورمدم و کیمی نفرچاوش ایکن بر ییلده افسانه ایله کاه
دفتر دار کاه قیوچی باشی کاه نزول امینی اولوب الی بیک قزل التون
قبض ایدوب یتیمه مالک محروسه ده بد ل نزوللر یتیمه دخی صرف
ایدوب مدار جج امور اولدی و قس علی هذا و دوشن محموللری
مجلته و سرحد اهله و یرمیوب حفظ نفس ایله اوقات ضایع ایدن
و کلای دولته شرعانه لازم کلور فتوا سنی سرزدن استر زامید در که
یو ییل دخی خفقان قلب ایله کچیمه وز مبالغه دکلدر خدای عالم السرائر
شاهد در که یور کیمز اوینار اولدی خوف و خشیت غلبه ایلدی

(وشاورهم فی الامر) امرینه امتثال اولیوب خود را تاق
و خود پسنداك خردند ایشی و عاقل رویشی دکلدر پیغمبر
دخی وحی ایله مغیبه واقف اولورکن اسنشاره ایله مأمور اولوب
امنده سنتی جاری ایکن ترك اولتوب برقاچ حواشی و خدام سوزیله
امور عظام تمشینه اقام بین الخواص والعوام مستقیم کررلماشدر
سرفه قدن اخلر سر اتبعا عکر خزینه صاحبی اولتی سو بلنور
حواشی به اندامی اکایره دوشرمی برقعه که قرال برتاریخته فرق
بش کون دوکوب المغه قادر اولوب دوغش اول تار یخدن برودخی
زیاده استحکام واحصا ننه اهتمام اولتس ایکن اوج طوب ایله
امق ستمک اول بهانه ایله قیمرده پادشاهی ارلان امور مهسه دن
کیروفاق عقلمدن بعید ایدی، بودینی پوشکه قومق روای ایدی
بودر امت محمدك دیارینه واسلام ودولته ضعف ایرکوره لك
جوابنی کیم ویر الحکم لله الکبیر المتعال

(جنک اگری ازق) بوخلالده تکر وس سرحدی سمند مظهر ایندن
وقایع جزیه دن بری اگری ازق چنکیدر سردار محمد پاشا بلغراده
داخل اولد قده بودینی محافظه سنده اولان مسکوره جمع اولسان
ذخیره بی کبلره قویوب محرم اغانام آدنی سردار ایدوب یانه
تفنگ اندازلر قوشوب دونما ایله کوندردی سکا رز توغنه واروشلرینه
طوغری چکریوب اگری ازق دیدکلی اطه ده قانیره کفاری
و طرافنده اولان پلنقه لك جدیددی جمع اولوب لحشا پلنقه سی التنده
النون اولوق و غلنبدن برقاچ بیک کافر شایقه زایله علی السحر کبلره
هجوم ایند بلر اطه به تفنگ انداز زیاده دوکوب قره دن دخی چنکه
مباشرت ایند کلدنده عسکرا سلا جست دیره نوب قره ده اولان کفاری
دوندر دبلر هجوم واقدام ایله بمحمد الله کفار نهزم اولدی بلر بوغانله بی
غره رجیده دفع ایدوب سلامتله کچریلر بودینده ذخیره مضایقه اوزره

اولغله سكتوار وقوپان اطرافندن دلی نصوح بك مستوفی ذخیره
 ابرشدردی و صوبوردن غازی کرای خان دخی بر بلوک تاتاری او یوار
 سمتنه اقیهه کوندروب حیلی اسیر چیقاردیلر
 (ذکر استیلا ی کفار بر قلاع بسپریم و پولاته و پاپاوتانا و محاصره
 بودین در دفعه اولی) چونکه غزات اسلامک اردل ولایت عزمی مقرر
 اولدی سردار کفار اولان مقسملیان سنه ماضیه ده امداد بنه کلن
 فر نکدن بش بیک اتلواون ایکی بیک تفنگ انداز تالیسان عسکر ایله
 و قرنداشی هر سک ماتیاش دخی نجه والامان و مجاروسا کفار
 عسکری التمش نیکدن تجاوز پیاده و سوار ایله کلوب یانق قرینه
 جمعیت و تورون ایدوب اردل اوغلی امداد بنه ایر شمک بابنده
 مشورت ایند بلر اکن سردار وارات قلعه سنی محاصره ایدوب
 اردل ارغلی صعب طاغله منحصن اولغله امداد کچندان وجهی
 یوقدر و بودین سرحدی طرفری خالی قالوب بودین قلعه سنی
 محاصره ایتمک فرضتی زما نیدر یا ظفر بولوب آور ز ظفر بوسرا و لرسه
 باری بودغدغه ایله وارات تخلیص التمش اولور دیو کروه اتبوه ایله
 یور ییوب اولایسپریم و پولاتا و پاپاوتانا قلعه لرینی ایادی مسلکدن
 افتزاع ایندکد نصکره ربیع الاخرده قرق پاره طوبوتنک و ادوات
 جنگله اسکی بیدینه قونوب اکثر پیاده لرین طونه دن کیلر ایله مقدم
 کوندروب کلش لر ایدی ماه مزبوره بودین واروشنی محاصره ایندیلر
 طرفیندن بر نیجه کون محاربه و مقاتله دنصکره واروشک دیوار لری
 ضربه طوب ایله یر بر خاکه بر اولوب طونه جانلری خود کشا ده
 اولغله اعداء دین هم صودن هم قره دن زیاده هجو ملر ایدوب
 عاقبت ایام محاصره تک یدنجی کوننده وقت سحر دن غروب شمس
 وار نجه حددن بیرون جنگ وجدال و حرب و قتال اولوب محافظه ده
 اولنلردن مرعش بکلر بکبسی سنان پاشا و سا بقنا پاپا بکلر بکبسی

اولوب اوستونی بلغراد محافظه سنده ایکن بودین استخلاصنه کن
 سمندر پاشا شهید و بوسنه بکلی بکسی تریای حسن پاشا و سمندره
 بکی محمد بک مجروح اولوب سائر غزات اسلامدن دخی انجلی کلنلر
 کیدوب کماردن دخی اضماق مضاعف نفوس ضایعه قتل اولندی
 لکن گروه مشرکین کثرت اوزره صافی ایش اولوب متو لبایوریشلر
 و هجوملر ایدوب عسکر اسلام مدافعه دن بی تاب و توان اولد قلرنده
 واروشدن کچوب قلعه محافظه سنه صرف همتی مهم کوردیلر و اتفاقه
 اول کجه عموم اوزره بودین قلعه سنه کیروب واروشنی خانی
 قوید یلر ایتسی کفار واروشنی تنها بولوب کال غرور سرور ایله
 داخل اولدیلر و بلا توقف قرق پاره طوطی بزیر متر سلمه قوروب
 هر کون بیکدن زیاده طوب ایله قلعه بی محکم دوکوب لغملر
 یوردیلر لیل و نهار تسخیری یابنده سعی بی شمار ایلدیلر محصور
 اولان غزات اسلام دخی مقام مدافعه ده طوروب قلعه بی محافظه
 امرنده بذل مقدور ایلوب و ارات التنده سردار و خان ناتاره بربری
 آردنجه فریادنامه لر کوندروب شویله که باندات ابر شجیه سر قلعه ناک
 الدن کتمه سی مقبره در دیو استاده اقدام ایتدیلر لکن ناتاروسائر
 عسکر کیمی محاصره ده و کیمی اول اطرافه پراکنده اولغله
 کوچوب کتمه ممکن اولوب اولاخان حاضر تلرینک برآر آدملرندن
 شهباز میرزایدی بیک تاتار عسکر یله و آنک آردنجه اکری بکلر بکسی
 بکتاش پاشا اکری قوی ایله بعده ایکی نفر سلطان دخی یکریمی
 بیک قدر تاتار ایله ار سال اوانوب کیر و فریاد جیلر کلدکنده خان
 برادری قالغای سلامت کرای بر قاج بیک تاتار ایله آخندن کلوب
 اول باول ایزیشن عسکری یوللدیلر واروش چنکنده شهید اولان
 سان پاشا ناک بری بودین بکلر بکسی میخانجلی احمد پاشا یه و بودین
 حالا اردوده موجود اولان طمشوار بکلر بکسی دیوسلیمان پاشا یه

ویریلوب اکا دخی پدی سنجاق بکاری و بلوک خلقتدن ترقی ابله
برقاج یوز نفر قوش بلوب بری بری آردنجه کوندردلی ایام محاصره
دخی قرق کونه وارده شیدی مقدما بودین بکدر بکسی اجد پاشا
وسر عسکر بزهم بودین قلعه سنی وهم پشته بی محافظه به قادر دکیلوز
پشته دن فراغت اولوب اهلی بود پشته کچسون دیونا معقول
ملاحظه ده ایکن صونلق بکی قولاقسز عثمان بك كد مور قبوده
نیجه یرارایی سبقت ایتشیدی صونلقلی سرحد غازیلری ابله
وقت عصرده یشوب اول فکر فاسدی بوزدی پشته بی یانته
الوب صباحه ذك كفاره فارشو پشته دن وافر طو پلرد بزوب
جهمیلترین صونلق صونلق ایتدی سائر عسکر دخی ابریشوب
بودیندن دخی عسکر اینوب هجوم ایتد کاردنده کفارک یوزدی دنوب
روز قانم وزمان شتادلول ایتکله بودین محاصره سندن فارغ اولوب
دازوشده اولان جوامع و مساجدی، ابنیه واسواقی احراق و تخریب
ایلوب و اج اواسنه طوغرنی چکیلوب کندی الله تعالی
بودین قلعه سنی بوجهمله مکر واستیلاری الذین خلاص
ایلدی

(نهرام خادم حافظ اجد پاشا در نیکبولی بامکر میخال امین) . قدما
بوسنه بکدر بکسی حافظ اجد پاشا طونه یالیری محافظه سنه
مأمور اولوب و دین سرحدینه عزیمت ایتشیدی بوسال ربیع الاولنده
یائنده خدمت محافظه به تعیین اولنان ادنه خاکری رمضان زاده
برقاج سنجاق بکاریله و دیندن قالدوب محافظه طریقه ره رو سنجق
وسلستره طریقه رینه عزیمت اوزره ایکن اثناء راهده بکبرلی قرینده
سنادین صحراسی دیمکله معروف محله که نزول ایتدی میخال
بد فمال اردل سفری ظهور ایتد کده غصیه یانته ندافت اظهاری
ابله اغفال سمته ذاهب اولشیدی و اراده عسکرک حاله مظلم

اولدینگی کی حیلہ سنی عملہ کتورمکه مبا شرث ایدوب دیومنام لغینی
ایلچلاک ایله حافظ پاشا یه کوندروب خا کپا یه یوز سورمکه
استیدان ویکیدن عقد مصالحه ایله قبول عبودیت شتاب ایلدی
ایلچی حیلہ کار حافظ پاشا یه بولشوب احوالی بیلدر دکنه
میخال ضال خاکای وزیر بالاجلاله رویال ایتکه مرخص اولوب
یوم موعودده پاشای معهود طونه ساحلده اوطاغ معلی عود
قوروب انواع زیب وزینت ایله اسباب اختشام ترتیب اولوب
میخال گذاریده چکی کشتی یه انتظار ایله قرار ایتدیلر ایه بعیددن
قریزی چوقه اورتولی قوچیه لر نمایان اولوب میخال ایلچیبسی
اولان دیولامیندن استخبار ایتدکنه خزینه ویشکش عربه لریدر
دیوجواب وروب بواسلو یه منتظر ایکن ناکا لشکر دشمن خلاف
ملحوظ برسمتدن ظهور ایدوب بی سازو سلاح تماشا یه مهیا اولان
خلفه قولدیلر میخال ضالک عسکری بکرمی یه کدن متجاوز اولوب
حافظ پاشا باندده اوج بیگ آدم انجق وار ایدیکه اکثری آلات
حربدن خالی ایدی نمایان اولان هدیه عربه لری طوب حربه لری
چیقوب ملاعین کفار جنکه هجوم ایتدیلر بمقدار محاربه اولوب
مقاومت محال اولغله فراری اختیار ایتدیلر بومصیبت ناکا
طهورندن پاشالک عتلی باشنندن کیدوب آت بویزه دوشوب
منهزما طرنوی جاننه کتدیلر نیجمامت محمد شهید اولوب بو قدر
اروپنکا نصیب کفار اولدی بو غلبه دفسکره میخال ضال
نیکیولی قلعه سن محاصره ابتدی بوجه وزغره خلقندن حیلی
عسکر جمع اولوب دفع ورفعه هجوم ایتدیلر بکرمی کون مقداری
اهل قلعه ایله محاربه دفسکره طشره دن هجوم کوروب
محاصره دن فارغ اولوب طونه بی کتدیلر بکرش طرفه کتدیلر
(مر ویدر که حافظ پاشالک جله ماملکنی یغما وغارت ایشلردی

کیدیکی لباس و دستارنی دخی میخاله کتورد کلرنده ملعون ایدی
اهانت قصدا یوب پاشانک سلیمسی ولباسنی بفرتوته عورته
کید یوب سرداری طوئتم کورک دیو صسکرینه کوستر وآنکله
بونک فرقی یوقدر دیو شحات ایدوب گولردی بوند نصکره
پاشای مزبور نیکیولی به کلوب قلعهک خرابه برلرینی معمور ایتدی
و هزار غراده واروب قشلاق تدبیرنده ایکن طوئنه یالباری
محافظه سنه دردولندن وزیر رابع محمود پاشا تعیین اولوب ادرنه به
کلدیکی خبری ورود اتمکله اوان شتاده کوچوب شنی قرینده
محمود پاشا ایله کوریشوب جهادی الاخره واسطنده دارسلطنه به
داخل اولدی وزارت رابعه پایه سیله شرف بولدی

(توجیه وزارت عظمی با ابراهیم پاشا ثالثا) چون سردار ساطورچی
محمود پاشا برایش ایلر و کتور مدیکندن قطع نظر کفار بودین قاعه سنی
محاصرو تحریب ایتدیکی سردار مزبوره وزیر جراح محمد پاشانک
تقصیراته جل اولمغله ایکسی دخی عزل ایله معاقب اولوب ابراهیم پاشا
یرارو کار کذا رفوت و قدرت صاحبی بروزیر عظیم الشان در هر وجهه
سردار لاق حقندن کلور دیو جادی الاخره نک طقوزنجی کوئی خاتم
وزارت کندوزه احسان اولندی جراح محمد پاشا تقریسه مبتلا
اولمغله دیوانه وار مقندن قلوب نشانچی پاشایی سراینه کتوروب
شکایت عرضحالنی اوقودوب قانون اوزده احکام ویرمه وارباب
حاجانک مصالحنی کورمه تعیین اتمشیدی وکالت ایله صدارت

اولمز دیو پادشاهه ییلد یوب معزول ایتدر دیلر
(سرداری ابراهیم پاشا باسفر او یوار) وزیر اعظم ابراهیم پاشا
درت آیدردولنده مقیم اولدقد نصکره ولایت انکروس مخصوص اوزرینه
سردار اولوب کتمکه مأمور اولدی قبودان خلیل پاشا قائم مقام و جغاله
زاده سنان پاشا ثانی قبودان اولوب تکمیل مهمات سفریه دن نصکره

شوالک بکری یدنجی کونی عظیم آلا یار ایله استانبولدن
چاقوب یکپیری اغاسی طرفنجی حسن اغا والی بلوک وسائر
قبوقولنی یانته الوب اول جانبه نشرلوا فتح النوا سوق اهلام رجال
وفا ایلدی حسن بک زاده تاربخنده دیرکه سردار ساطوری محمد
پاشا ایله سفرده بولوب وقت عودت شدت شتایه مصادف
اولغله هزارمشقت ایله استانبوله داخل اولدیغمه ابراهیم پاشای
مسند صدارتده بولوب تذکره جیلکری خدمتمنده استخدام اولتمق
میسر اولدی پادشاه عالیه حضرتلی اندرون همایوندن مصارف
سفر ایچون خزینه ویرمکده تردد اطهار ایتدکلرنده سردار اکرم
کوچ امرنده تراخی اختیار ایدوب آخر کار خواجه افندی
طرفنه فوق الحد مر اجعت و طلب خزینه ایچون استمانت ایتکله
خواجه افندی دخی مه رعلیا وشاه قلعه کشاطر فلرینه ضراعب
نامه یازوب اول اثناده مشورت بهانه سبله حضور شهر یاریده عقد
جمعیت اولدقد خواجه افندی شفاها طلب خزینه به جرأت
ایدوب والده سلطان حضرتلی دخی اعانت ایتکله مقدار کفایت
خزینه ویریلوب بلاتاً خیر کوچ اولدی برهان افندی سفر دفتر داری
لام علی چلی دفتر دار قائم مقامی اوقچی زاده اصافه نشانی
ومدحی چلی رئیس الکتاب قائم مقامی اولوب سائر مناصب دخی
مناسبی ایله ویریلوب سردار عالیقدار ویکپیری اغاسی عساکر معینه
ایله متوجه راه اولدیلر اوجیوز نفر عین و یسار باوکلرندن ملازم
یازیلوب روز مهه ایکندی دیوانته حاضر اولورل ایدی سلوری
نزلته وارلدقد ابو السعود زاده افندی وفات ایدوب شیخ الاسلام
خواجه افندی حضرت تریک بیوک محمدومی محمد افندی پدری
رجاسیله صدر روم ایللی اولدی لکن مهمات سفری آماده بولنماغله
سردار اعظمه همراه اولسی متعذر اولغین کندولره بدل قضاء

روزنامه سیله زمره اشرف قضات دن مولانا معصوم افندی
ارسال یورادی وموسی چلی زاده محمد افندی باش دفتر دارلقدن
عزل اولوب یرینه مولانا پرهان الدین افندی دفتر دار نصب
اولندی وتکمیل مهمات سفر ایدوب ادرنه ده انوی همایونه
برشمک شرطیله استانیوله کوندرلدی ویکچیری اغاسی
طریقچی حسن اتا زمره بیکچیر یان ایله چالچ. منزلده اردودن
ایریلوب قرق کلپسایولندن بلغراد کندی

(مقوله ساطورچی محمد پاشا سردار سابق ومحبوسی اتکچی زاده)
چون ابراهیم پاشا سردار اولوب آستانه دن چیقیدی بلغراد
محمد پاشایه امر واستقامت نامه کوند وروب مرحد اموری
ومواجب عسکرو سائر مهمات احوالی سپارش ایله اغفال
ایلدی وسردار اعظم اون ایکچی کونده ادرنه ده داخل اولدی
سابقا سفر دفتر داری اولان اتکچی زاده احمد پاشایی عزل
وحبس ایتد کده قاقوب ادرنه ده کلشیدی مخفی ایک سردار
کنخداسی حجر کتخدا وساطتیه ظهور ایلیوب پاشایه یواشدی
بذل اموال ایله عمل ایدوب دفتر دار پرهان افندی اسکوب
سمتلیته تحصیل امر له کوند ریلوب یرینه اتکچی زاده دفتر دار
اولدی لکن مذکورک نصیبی برای مصلحتد رینه پرقاج کوند منکره
اخذ وحبس ومالی مصادره اولتی لازم ایدیکی دردولته تلخیص
اولتوب موجبیه خط همایون کلشیدی کتم اولتوب وقتشه
تاخیر اولندی حسن بک زاده تار یخنده نقل ایدر که سردار قبله
صحر اسنه نزول ایتد کده صوبور محافظه سند اولان غازی
کرنی خان طرفندن آستانه ده روانه اولان عبدالعزیزاغا پاپوس
وزیر اربوب ساطورچی محمد پاشا سلسله ایالتی تاتارخان
مشارایمه ارباق طریقله وپردیکن ییلدردی وساطورچی

محمد پاشا خایله موقع منشور ابراز ایدوب سرداردن دخی مقبر
 نامه رجایتدکده اگرچه مساعده دن اعراض اوزه ایدی اماخان
 عصبیان ایدوب شاید صونبور محافظه سن ترک ایلده دیوساطورجی
 محمد پاشا ویردیکی امره بناء طریق اوزه پرامر شریف و یردی
 اما آستانه به خفیه مکتوب کوند روب وریلن امره لصلحه اولوب
 فی الحقیقه تحقیق خطای محض اید وکن پیلد روب اگر تحقیق
 و تقریر اولورسه خان مشارالبه ساطورجی ایله وفاق اولورسه در
 کندویه همراه ایدوب فراریته لری احتمالی اولدین افهام ایلدی
 حد ذلتده تانارخانک ساطورجی ایله فرارلری مقررایکن بوند میرایله
 ابراهیم پاشاک خواب خرکوشنه و مکاتب دافریته فرشته اولوب
 قائمشد رد فترداردخی زمان قیلده حبلی مال تحصیل ایدوب
 علوفه ویرلیدی بده کوچیلوب قلیه به کچلیدی و صوفیه فر بنده
 حاجی قرمان منزله نزول اولندقد میکیچی اغامی رفوناقی ایلروده
 اولمغه سبکیار دعوت قلندی اول کون یکچیچی اغامی فوجی ایله
 کلوب وقت غروبده سرداره ملاقی اولدی و تنهاه شوریدن صکره
 بعد العشایه منزله کتدی مکر ساطورجی قلنده اول زمان
 خط همایون وارد اولمش اول خید متک اداسی اغایه سپارش
 اولمش بلغراده ایرشمه سی تنیه اولندقد اغادخی بلا توقف روانه
 اولوب ذی الحجه تک اون ایکچی کوشنده بلغراده قریب حصار جق نام
 منزله واردقد سردار سابق اغالری ویاژنده یونان ضابطلری
 استقباله کوندروب آایلر ایله بلغراد صحراسنه قوندردی قضا و قدر
 حکمدن غافل اولوب صدیق قدیمی اولان غازی کرای خان
 دعوت و تنیه ایتمشکن بصیرتی باغلتوب منته اولدی ابراهیم پاشاک
 استعالی مکتوبلرینه ونه که عرض و تخریر ایلدی ایسه حصوله
 مساعده کوسرتدیکنه اعتماد ایدوب مغرور اولدی و ضیافت

یراغن کوروب اغایی و اوجاق ضابطه لرینی وقت عصر ده منزلده
دعوت ایتدی و هنر پرینه خلعتار کید یروب انواع رعایتلار ایتد کد نصکره
اغ خط شریفی اراز ایدوب حاضر اولان یایا باشلری فی الحال
طوبتوب خدمتی ادا ایتدیلر ساطوری محمد پاشا دردمند بو طریق ایله
دیار عد مه کندی بیچاره به عید اضحی قاره بیرام اولدی کتخداسی
ابراهیم خسته ایدی برکی به بنوب پاشا نك . و ذنی حسین نام ندیمی
ایله با حقه یقاسنه بکدی و صونیورد . غازی کرای خان یاتنه واروب
صفندی و نیجه فاسد خبرلر ایله خانی تغیر ایلوب خان قریم
جانبنه کتمک تدار کند . ایکن بعض میرزا لری مانع اولوب تأخیر
ایتدرد بلر بو طرفدن ابراهیم پاشا طی مراحل اید . رک باطیچه
نام محله کلده بیکچی اغاسی طرفندن برکد کلورکروب ساطوری
محمد پاشا نك حقندن کلدیکی خبرین کتوردی و بیکچری اغاسی
نسر دارك مغلقاتنی مهر لیوب کتخداسنك دخی مالمکی بیله ضبط
اولند یغنی یازوب اعلام ایلد کد . در حال پاشای کامکار سپاهیلر
اغاسی الاجه محمد اغا ایله محضر اغایی چاغیروب دفتر دار
اتمکچی زاده املاکنی قبض و اموالنی تفتیش ایلک دیو یوردی
ایرتسی منزل مزبور دن کوچیلوب بشنجی منزلده ذی الحجه نك
اون یدنجی کونی الای عظیم ایله بلغراد صحرا سنه نزول اولندی
اتمکچی زاده بلغراد قلعه سنده محبوس و خلاصدن هر وجهله
مایوس ایکن عسکر اسلام مصالحنی و سفر لوازمی تدارکدن
خبردار و اهل و قوف دفتر دار در دیویر ابراهیم پاشایه القا ایتدیلر
برکون حبسندن چیقار یلوب دفتر دارلنی کامکار ایشا اولمغله
کاروبارینه رواج و یرلدی اول دخی دامن در میان ایدوب اسباب
سفر دن بر ماده ده عسکر اسلامه زحمت چکدر مدی خزینه
و مهمسات اوورینی کرکی کبی مکمل کوردی سردار کامکار

ذی الحجه اخرينه دك بلغر ادمه اقامت ايدوب انبار و ذخاير خصوصي
 و دونما سفينه لرني تقيد تام ايله كور و ب احضار ايلدي
 (وضع غريب سردار اكرم ابراهيم پاشا) پچوبلي بومفامده
 الاجه محمد اغادن نقل ايدر چونكه ساطورجي محمد پاشاك قنلي
 خبري كلدي پاشا مجلسنده ايدك بو خبري كيم كتوردي كذبدر
 اصلي بوقدرديو غضبه كلوب حربي كتورتدي سن بوني كيمدن
 ايشندك ديدكده كندم آنده حاضر ايدم ديه جك باق شو
 كافري بنم حضورمده دخي بلان سوبار پادشاه باشيچون بونك اصلي
 چي قماز سه سني اشد سياستله قتل ايدرم ديو خبر و ردي و حضار
 مجلسه خطاب ايدوب اي مسلمانر بونه اولم ايشدر پادشاهدن
 اذ نسز و بنم خبرم بوغبكن بيكيچري اغاسي شويله نامدار وزيري
 قتل ايله بو كا اعتماد ايلك تحقيق كذبدرديو كاه شرط وكاه عيبن
 ايلوب واردخه اغزي كوپردي مجنونه دوندی راوي ايدر
 بن قارشوسنده ايدم اشارت ايتدي يانه واردم سرا ايتدي سن اتمكجي
 زاده بي قنده بولورسك واروب قالدريجادر بكة كوتور محكم حبس ايله
 چون طشره چيقوب محمد كندراك چادرنده بولدم قاله قدقه مصاحبت
 ايدرك يله كندم و بزم چادره بيورك ديدكده متغير اولدي زيراروي
 مذكور الاجه محمد اغا اولزمان جلاد باشي مقامده ايدی و سببندر
 ديدی فرمان معلومی اولد قدّه كندايه آدم كوندردی كنددا
 كندو چادرندن اعلام ايتدين كوتورديكنه غضبه كلوب پاشايه
 واردی الاجه محمد وضعندن شكایت ايلدی پاشا عيبن ايتدي بكة خبرم
 بوقدر كذبدر بولوك اغاسي ندر كه سنك خبرك بنم اتم اولميد بردفتراري
 فضولي حبسه كتوره ديو بو كاه كوره سوزل سويلوب الاجه بي
 كتورتدي سن نيچون بردفتر دار آدمي حبس ايتش سن عيبن ديدم
 كندام اتمی و ردي ديو بول اهل دنوانه كورك مسلمانلر نه كونلره

قاله من بر بلوك اغامی آدمیت علاقه سی یوغیکن شوبله برمتعین
 آدمی حبس اید بن بونی قتل ایدرم دیو بر ساعت شتم ایدوب بعده
 یوزینه باقوب کافر سنی دیو باش بار مغنی آوجی ایچنه آلوب
 صقوب محکم حبس ایلله دیمکه اشارت ابتدی محمد کنخدا
 احوالی بلر ایدی یورک صالیو یرسن دیدکده آه کبدک بولاطیفه میدز
 بر ساعت حبس بر ساعت اطلاق اولتور می دیمک قضیه یه
 واقف اولوب گتدکده لاجه پی یاننه چاغروب بولغانبلدکی
 هله پک طوت دیو تکرار تنبیه ایلدیلر لاجه دخی سلطانم کوزل
 امانی کنخدا بکدن نیجه قورتا در سز دیو نیازده پاشا اول یانه
 سوبلر سن بنی دکلده دیو پیازده بولمقوله اوضاع هریبه سنی
 چوق و حبله و خدعه سنه نهایت یوقی روز یرایدی دیو تحریر
 ایلشدرم زور اتمکچی زاده صکره فرصت بولد قده لاجه نک
 تقبشینی فرمان ایلله الرب درد مندنک ماملکن لاجه مندره دک
 صاندردی و باشنه دنباک عقوبتی کتوردی

بقیه وقایع سنه من یوره

تسویل شیطانی ایلله بر فر و ما به مجهول النسب سلطان سلیم ثانی
 اولادندن شهید سلطان سلیمان نام شهرزاده اولسق ادعاسیله
 استانبول اطرافنده بعض قصبات وقراده وراثت سلطنت لافن
 ایدوب انخذ اولند قده سرسودازده سی قطع اولتوب جسدی
 آویخته چنگال سیاست قلندی فی ربیع الآخر سنه ۱۰۰۷ سنه
 من یوره ده فرانچیه درقه سنک آلات حرب و سلب ایلله ملو بش پاره
 قالیبوی غفلت ایلله جزیره سافر لیمانه لنگر صالوب کفاری قلعه په
 استیلا ایشلر ایکن مخالف روز کاره یوبی هوای اسلامیانه موافق
 دوشوب قالیونلری خواه و ناخواه کناردن ابراق دوشدکده طشره ده
 بولان دوتوز قدر فیرک طعمه شمشیر اولدی فی شهر رمضان

پادشاه توران زمین عبدالله خان که سوق لشکر به کران ابله متصرف
کشور خراسان اولمشیدی بوائاده عازم دارالجنان اولدقدہ اوغلی
عبد المؤمن خان چانشین اولوب اوضاع و اطوار ناہمواری طاقت
شکن اوز بکیان اولغله هجوم ابلہ پاره لئوب یرینہ تلم خان لقی ابلہ
معروف اولان نورالدین محمد خان جالس اورنک توران و خراسان
اولمشیدی اشبو سالده شاه عجم شاه عباس خراسانہ لشکر چکوب
مزبوری ہراتدہ قتل و خراسانہ استیلا ایدوب فلاح مفتوحہ خراسانکہ
بکرمی درت پاره قلعه درہ غنا حارین فتح نامہ ابلہ صورت صدا قتدہ
تحفہ در کاہ پادشاه آل عثمان ایلدی ماہ ذی الحجہ دہ ایلچہسی ابلہ
در دولہ وصول بولدی

وفایح سنہ ثمان والف

(توجہ سردار اکرم ابراہیم پاشا بجانب اوپوار) یک سکر سنہ سی
محرم الحرامی غرہ سندہ پاشای کامکار بلغراددہ احضار اولنسان
ونما کیلرین قائد یروب کندودخی سمند عنیمتہ سوار اولوب کو پریدن
عبور و زمون صحرا سنہ نزول ایلدی براق کوند نصکرہ کو چوب
ماہ مزبورک اون سکرندہ اوسک منزلتہ قوندی برہقتہ اندہ او توروب
بکرمی دردندہ کو پری بکلمدی و بکرمی ید پسندہ مہاج صحرا سنہ
وار یلوب منزل مزبور دہ روم ایل بکلم بکرمی محمد پاشا ورقہ
بکلم بکرمی علی پاشا کلد یلم بکرمی طغوزندہ یوقلمسہ طریقلہ
ہسکر اسلام آلابری ترتیب اولوب سردارہ موجود لری عرض
اولدی سابقا ساطورجی محمد پاشا قتلدن غازی کرای خان مغفل
اولوب سفردہ ہمراہلق نہمتی ایراث سوء ظن ایلش و ہمسہ
تابع اولمش ایدی بودفعہ سفرہ کلانک وصو نبوردن قانقوب کتک
داعبہ سندہ اولدیغی بعض اوضاععتدن استہسار اولندقدہ
دفع وحشت ایچون آغر پیشکش ایلہ منزل مزبور دن میخا ایچلی

احمد پاشا و سیواس بکلی بکسی محمود پاشا و سلیمان
 اغاسی صوبه ارسلان اولوب تعظیم و توقیر ایلله سفره
 دعوت ایتدیلر برهفته قدر اقامتدن صفرک یدنجی
 کونی بانوسکه واریلوب بالقجی زاده مصطفی چارش اردل
 ایلچسی ایلله کلوب واصل اولدی اون برنجی کونی طونه
 باباسنده کول باشنه زول اولند قده خانک مکتوبی کلوب
 یج طرفدن صلح رجاسنه کندویه خبر و آدم کلدیکی اعلام
 ایتدی و طونه دن دونما کلوب ایر شمله شکر اولدی
 یکریمی برنده جان قورتران صحرا سنه قونلندی اول کون
 کوز فصلنک ابتدای ایدی درت کون اقامت ائاسنده
 خان حضر نلری کلوب قرشویقاده آرام ایتکله سردار اکرم
 قایق ایلله واروب ملاقات ایتدی و اول منزلده استونی بلغراد
 غاز بلری کلوب کفار دن براقدر دقلری ایکی قطعه
 غاج طوی کتوردیلر ماه صفرک یکریمی یدیسنده عظیم
 شوکتله بودین قرینده کرزالیاس صحرا سنه زول اولوب
 عسکر تاتار دخی اوتنه یقسان پشته یه قوندی و دونما کلبی
 دخی کلوب بودین سکاکنه تازه جان حاصل اولدی قوبان ذخیره سیله
 بودین بکلی بکسی دخی کلدکه همان اول کون طونه اوزرینه
 جسر بناسنه شروع اولندی و قزل حصاره دوشمه کسدر مکه
 کلی عسکر و قراولر کوندیلوب جله زعما واریاب تپاره بک باشنه
 برکبله ذخیره که نصفی دقیق نصفی شعیر اولقی اوزره
 بودین قلعه سنه تسلیم اولتی فرمان اولندی و درت کونده جسر
 تمام اولوب عسکر پشته یقاسنه کچمکه شروع ایتدی ماه ربیع الاولک
 یدنجی کونی سردار دخی کلوب اوتنه جانبدار قرار ایلدی

کفار خاکسار طابوری استرغون قرشوشده جکر دلند
 اوافله اوزرینه واراق رأی اولشیدی یوم مزبورده
 خانه مکمل آت ورخت و خلعت و مرصع شمشیر و سایر
 انعامات شاهیه اعطا اولوب جان بولا دزاده حسین
 پاشا دخی عسکرایله کلوب نزول ایتدی ماه مزبورک اونچی
 کونی منزل معهوددن کوچبلوب ارمودلی نام منزله
 قوندلده واج کفره سی اول کیجه حصاری آتسه اوروب
 فرار ایتدیلر بکرمی برنجی کونی واج قرینه نزول اولند قد
 طابوردن آدم کلوب صلح ایچون اوج کونه دک عسکر
 حرکت ایتونلر دیو مهل طلب اولنوب اوچی کونده
 یلچیی اول خانه کلوب بعده سرداره واردی پری طرفدن
 مراد پاشا و تانار خانک احمد اغاسی و محمد کتخدا طابوره
 ارسال اولنوب ایکی کوندن صکره عدم صلح
 خبری کلکله کوچلدی نوغرا دقلعه سی برطاغ باشند
 حواله ایدی طوپلر آتوب عسکره ضرر ایتدی سهولتله
 کچلدی و بشغراد مقابلی طونه کنارنده ویره کل قلعه سی
 قرینده یکی پلنقه نخلیه اولنش بولنوب سکانی فرار ایدرکن
 اکثری مقتول و اسیر اولدی حصار مزبورک اوج جانبی
 سازلق و بتاق ایدی عسکر اسلام بولان جبهه خانه سن
 و طوپن آلوب پلنقه بی احراق بالنار ایتدیلر ایرتمی
 ویره کل قلعه سنی دخی براقدیلر بیکچری اغاسی
 واروب احراق بالنار ایتدی چون ملاعین یول اوزرند
 واقع درخستانی کسوب یولی سد ایتدیروب قرشویقایه طوپلر
 قومشیدی تخویل طریق اولنوب چنگلستان ایچندن سلا تله کچلدی
 ماه مزبورک بکر منچی کونی طابور اوزرینه وارلق مقرر اولوب کفار

طابوردن استرغونه ایکی کوپری قوروب عسکر اسلام مک هجرمنی
 بیلد کده قلعه البته کچمک اردنجه اولد یغی خبری وارد اولمشیدی
 سرعت واستبحال ایله ایشمک کرکدر دیو بعض بهادر لری الفا
 ایتدیلسردار دخی برکون بریده قونمسوب جکر دلته دکه کتکه
 عزمت ایتشیدی محمد کتخدا اول کون مقابله دن ابا ایلیوب یازین
 وارلق اولی در دیکله خان دخی موافقت کوستروب قوندیله
 ابرقیسی یکر می ایکنجی کونی اغرلغی کیدو قویوب آلا بلر ایله
 جکر دین صحراسنه وارلدقسله لشکر کفار ججما اوتیه یقایه گذار
 ایدوب حصار البته قونمش وکوپری کسلش بولندی طابور برنده
 قیلان برفاج خسته کافر قتل اولنوب استرغونه فر شو قونلدی کفار
 حبله کار صلح وصلاح بهانه سیله انده عسکر اسلامی بر تاج کون عوق
 مراد ایدوب رهن نامه مبله نمچه امرا سندن برفاج ملعون کوندر دیلر
 مراد پاشا و محمد کتخدا واحد انا اوتیه یقایه کچوب هر سک ماتاش
 و پالانی وغیر وف ایله استرغونه یل اگری ویرلک اوزره برفاج کلام
 بارد سو پلشوب غیر وارد اعتراضلر ایلد یلر کفار محض عسکر تانار
 او یوارد یارنی غارت ایتمک ایچون او یار اید بکنی ییلور ایکن کیو
 وجود ویرلوب وارمه کله اولندی بالاخره طرفینکده رهنبری عودت
 ایتدیله کفار خاکسار دخی قورمانه طوغری کتدی ماه مزبورک
 یکر می در دخی کونی سردار و امرانازی گرای خان ایله مشاوه
 ایدوب چونکه فرمان یوسالده تخریب دیار کفاره ایدی سردار اول
 حوالی ده قرار ایدوب عسکر جرارتانار ایله اقینه کوندرلدی ربیع
 الاخر ک ایکنجی کونی نم ۱ یول و ارات صوبی کچیلوب بشنجی
 کونی او یواره قریب صحرا ده سکیمجال کولی قریبه نزول اولندی
 اقینه کوند ریلن عسکر برده سدار اسیر و مویشی اخذ ایلد یلر
 لکن یوقدر عسکره کوره مراد اوزره غارت وخسارت اولدی سردار

سکمال کولی فریسته ایکن بکلیک او یوانه و اووب کفسار
 قومانه نزول ایستدیکی خبرین کتوردیلر او ان شتا قر بب اولمغله
 من بعد عودتدر دیو باوک اغاغا شتیه اولندی (نخبه تاریخنده
 نقل اولتان ر بیع الاولک بکرمی سکننده رجعت اولوب جکر دلی
 صحرا سنه قونلدی بعده فیلک و خطاوان یولدن ر بیع الاخرک
 التهی کونی پشته صحرا سنه قونلدی وارباب تیماردن یدل ذخیره
 یسکده ایکیشرتون جمع اولندی ماه مزبورک اون دردی کونی
 روز قاسم واقع اولوب بودین اطرافنده خند قلمر کسلدی و غازی
 کرای خان اسنیدان ایدوب قریم طرفنه متوجه اولدی اوسنه دخی
 سردارا کرم خانی البقومغه سعی کلی ایدوب ممکن اولدی عسکر تاتارک
 من بعد قناره بحالری محالدر دیوب کتدی و بالجمله خان ایله
 سردار میانی شکر آب ایدی ابراهیم پاشا نه دگلو قیلنوب
 تواضع ایستدی ایسه خان عالیجا هاق کوستروب اصلا کور یوز
 کورتمدی و بر کره اوطاغنه کلدی اکثریات ارقا سنده ملاقات
 اولوب کوریشورل ایدی بعده کتکه پده قونیلوب صونبور و باج
 یولی ایله ماه مزبورک بکرمی ایکنی کونی فودوار مقابله سنده
 نزول اولند قده آستاله دن قیوجیلر کلوب خواجه جهان
 شیخ لاسلام علامه دوران سعد الدین افتدی وفات ایدوب
 صدارت رومدن متقا عد صنع الله افتدی مفتی الاتام اولدی یغن
 وونفا کجیلری ایله بلغراد کیدر کن یوسف پاشا نک کتار ایله
 محاربه ده شهید اولدی یغن خبر ویردی بکرمی بشنهی کونی اگری
 ازمنی نام منزله نزول اولوب اول محله قریب اطسه ایچنده دونما
 کیلری یولنه جمع اولان کفسار دفعی ایچون برایکی کون او تواق
 تنیه اولندی و میخال لعینک اردله استیلا سی خبری شایع اولدی
 بکرمی طقوزنده صونبوره وارلد قسده مسغور میخال طرفسندن

مکتوب ابله آدم کلوب ولايت اردلی ضبط ايتنديکن ومقام
اطاعتنه ثابت قدم اولديغن اعلام ايتدی جادی الاوایک
ارچنده وارادین کو پر یسی یکیلوب قربنه نزول اولندی قبولونه
موجب ویریلوب یدنجی کونی بلغراد صحرا سنه قونلدی یکچیری
اغاسی طرفنجی حسن اغا اول محله استیذان ایدوب آسانه کندی
اناطولی ایالتنه وسائر عسکره اجازت ویرلمیوب بلغراد قشلا سنه
کیردیلر بوسفرده بعون الله تعالی قور اقلقدن عسکر رفاهیت ورخا
وغنیت اوزره اولوب ایاب وذهابده مشقت چکلمدی

(اطاعت افرنجیان در قلعه پایا) سابقا فرنجیه دن نمچه امدادینه
بر مقدار عسکر کلوب بونلر دن اوج بیک قدر فرنگ پافاقعه سی
محافظه سنه تعیین اولنوب بر ییلاق گذشته علوفه لری ویرمیدیکندن
غیری یرلی مجار ابله بوزیشوب بر قاج کره دوکشملر ایدی بالا خره
فرنگ غالب کلوب مجار لری قیرقدنصر کره بودین محافظه سنه
قالن روم ایلی بکار بکسی محمد پاشایه آدم کوندروب علوفه لری
ویرلک شمرطیله حصاری تسلیمه و عهد ایدوب استونی بلغراد
محافظه سنه قالن بوسنه بکار بکسی درویش پاشایه دخی مراجعت
ایتملر ایدی مزبور محمد پاشا تعهد ایدوب کتخداسی عبدی اغایه اوج
درت یوز قدر آدم قوشوب استرنی بلغراد بکی ارناود حسن پاشای
دخی عسکر یله یله قوشوب کوندردی وارد قلمنده کندی خلافلرنده
اولان کفاری قتل ایدوب اولادوعیا لارین اسیر ایتملر بللو باشلور
برد ایکبشر اسیر ویردیلر و مزبور حسن بکسه اوج نفر نامه دار
کاهره قوشوب بلغرا ده کوندردیلر علوفه لری التمش بیک التون
ایدوب فی الحال در دولته تلخیص اولندی مبلغ مزبور کوندز ملک
وعسکر وارمق اوزره ایکن نمچه عسکری الاجه فارده هجوم ایدوب
طوب و تفنگه محکم محاصره ایتدیلر دردمند فرنگار امداد

امیدی ایله برآیدن زیاده جنك ایدوب ما یوس اوار قارنده برکجه
 چاقوب جوارلنده اولرب التي میل بر اولان استونی بلغرادجا بننده
 طاغله دوشد یلریول دخی بیازل ایدی نمچه و بحار عسکری
 تعقیب ایدب اکثرین قیرد یلر انجی بش التیز قدر فرنگ بحار و ناتوان
 جنك ایدرک استونی بلغراد دوشد یلر برمه داری سرداره کدوب
 بشیوزی انده قرار ایلدی بو قضیه ده بو محله کلنجه اولان تفصیل
 فذلکه دندر (اما حسن بکرزاده و عبدالقادرک روانی پاپا قلعه سنده
 اولان مرقوم فرنگلار استونی بلغراد محافظه سنده قیلان بوسنه
 بکر بکپی درویش پاشایه مکتوب کوند روب کذشته علوفه لر یز
 ویریلوب معین وظیفه لر یز ایله بزی قبول ایدر سه کز اوج آیده
 بر علوفه لر یز ویرلک شرطله پاپا قلعه سن اهل اسلامه تسلیم ایدوب
 بزخی جله ایکی بیک نفر فرنگ خدمت کیری قبول ایدوب پدشکاه
 وزیرا کر مده بذل جان ایده رز دیملر کذشته علوفه لر ی التیش بیک
 قدر فلوری اولمخه سردارا کرم بوجله شرطی قبول و احوالی پایه
 سریراعلا یه عرض ایدوب التیش بیک فلوری کتوردوب اون بیک
 فلور یسنی یول خر جلعی نامه و یروب وعهد نامه هما یون دخی
 یازوب درویش پاشایه ارسال ایلدی اولدخی پاپا فرنگرینه کوندروب اول
 کرو هک ریشلر بیکه فارد نیال دیملکه معروف قدر علامت ریاستی مبانته
 بر زنجیر زدند ایملکه موصوفدرا کابر زنجیر زرین اشلوب التیش بیک
 التون ایله یله کوندردی عهد نامه و خر جلق و التون زنجیر پاپا فرنگرینه
 واصل اولدقده قلعه بی سلطانله تسلیم ایدوب کندولری چاقوب ایکی
 بیک مسلح فرنگ درویش پاشایه قاوشد یلر و اندن عرض و مکتوبلر ایله
 انازندن برین همراه ایدینوب بلغراد کلوب مقام عبودیتده یات
 ویراقلری ایله مقیم اولد یلر سردار اکرم دخی انلره التفات ایدوب
 قنیه سفرینه کتد کده ابتدا مترسه بو فرنگلر کیروب اول مترسه

کیدرکاری کیجه باقی مواجباری اولان اللی بیک فلوری بی دخی
کندولره تسلیم ایتدیلر بوطاقه خدمت سفرو حریده تمام
قولقلاریدوب هر سفرده سربازلی وکیل جلادله سائر کفره دن
بمنازلی ایدرلر دی ساطان عثمان خان حوتین سفینه کتد کده
برقاج یوز فرنگ که اول طاقه نیک بقیه سیدر همراه اولوب آلا ی
هما یون ایله یله ایدیلر حوتین جنکنده دخی دقیقه فوت ایتدیلر
خصوصا ملاعین صقالیه دن اخذ اولنان روس و قزاق کافرلرین
سیاست ایچون مزبورلره و پردر کله زنده سجنه صانجوب آتش ایله
کباب چوروب انواع تعذیب ایله اهلاک ایدرلر دی

(اوصاف حیده سردار ابراهیم پاشا) پچو یلی ایدر ابراهیم پاشا
مرحوم مداراسی غالب برآدم سحاک و کریمی مسلم عالم ایدی غایت
رحیم و شفیق کورینوب برکسته حضورنده بکا ایلسه یله اغلردی
و کاهمی غایت ایله خونیلاک ایدوب صکره فوق الحمد ایچسا غله
اشید نلرک یوره کن طاعلردی حصوزنه کلن کافره برنوع استقامت
و یرر و التفات کوسر رایدیکه تمام راضی و شاکر کیدوب اشیدن
کفار البنده اول هوسه دوشوب دام مداراسنه کرفتار اولوردی سمندره
سجایا غنده و طمشوار یا قه سنده نه قدر دلی قانلو توانا جنکه قادر
رعایا و ارایسه کندویه کلوب بیرا قار آلوب هر بلوکی بر قو ایدن
اشقیاد فتنه اتفاقی ایتدیلر و بونلره انعام و اجسانی ضابطلرینه
اوزرنده ارسلان صورتی نقش اولمش بررسلانکی سجاده ایدی
انی آلوب رعایاینده انکله اقتضار ایده کیدرلر ایدی بو ائنده رعایا دخی
کر چه یوز بولوب بوژ غه قاضیسی اوزرنده غلویله قتل ایتدیلر
لکن سردار بو ضرری اهو ن شرین قیلیدن اختیار ایدوب
بن سیمارش ایتدم دمی هدر درد بو اللرینه تمسک و یردی بو تمسک
و یرمک اجازتدیر دیوا اعتراض ایدنلره سرحد رعایاسنی تفتیش ایله

دار الحرب می قاچوره ام دیرایدی صکره بو مدارا مک قتی چوق حسن
 ظهور ایتدی جله دن ولایت معمور اولوب دراوه دن اوتقه واقع
 سنجا قلره اوتوز سنه دن متجا روز حید و د اشقباسی مسلط اولوب
 برقلعه دن برقلعه په کتمک عظیم عسکره محتاج اولغله تنه اواراقدن
 قالمشیدی قریه لره دخی چیقلز اولوب قلاع و بقا عی دفعاتله با قشدر
 و یقمشرایدی رعا یا بواسطه ایتله قانقوب حید و د ملا تغه سنی
 دوکه دوکه استیصال ایتد یلر و سال آیت ده قانیره دخی فتح اولغله
 بالکلبه کوکلری کسلدی کندی اندن ماعدا بو سفر لره
 عسکری کری کپی ضبط ایلوب رعایا تر که سندن ظلم ایلره برجه
 آلدومزدی لاجرم رعایا عرب لریله ذخیره چکوب پول اوزرنده
 دوکرل و بیع ایدرل ایدی و یو لجه کیدرل ایکن عسکر اکین
 با صمقی واقع اولدی بو قدر ضبط و ربط ده انجق بر دوه جی
 دوه هاودینه صلب اولندی و بر قاج یار کیر میری ایچون
 نفعالمتشیدی

(اطاعت نمودن میخال) حافظ احمد پاشا انهرامند نصکره کوز لجه
 محمود پاشا سپهکش اسلام اولوب میخال اوزرینه سوق سپاه ایتشیدی
 میخال بدفعال افلاقی رعایا سندن مستشعر اولغله مقدما سال بسال
 ادا سنی ملتزم اولدی یغی مال خراجک ضعفنی ارسال تعهدی ایلره
 و یوده لی کند و یه عنایت اولتقی رجاسیله ذیل شفاهت پاشای
 مشار الیه تشبث ایلدی فی شهر ربیع الاخر

(قتل کردن ابراهیم پاشا نفرات شامیان رادر حلب) سنه
 مزبوره ربیع الاخر نده حد و ث ایدن و قایعند ندر که شام
 یکچیر بسنک مال میری تحصیل بهانه سینه دیار حلبک فقر او عالتنه
 تسلط و جور لری حدی تجا و ز ایتکله حلب بکلیر بکدسی حاجی
 ابراهیم پاشا ذکر اولتاق شامبلردن اونیدی شخصک بو بن اوردی

بوسبب ایله ایکی قول مایننه نیچه مدت شقاق دوشوب بیحد خون
ناحق روان اولدی

(اسیرشدن سیمون حاکم کورجیان بدست جعفر پاشا امیرالامراء وان)
حکام کورجیان ظاهرا مطیع فرمان باطناً دهلزن عصیان
اولوب جله دن سیمون بدپیمان نفاق بی پایان ایله کوری قلعه سنه
علی الغفله استیلا ایدوب اساستدن برمقدار ویران ایتدکه تبریز
ووان امیرالامراسی وزیر دلیر جعفر پاشا عون خق ایله گرفتار
قیداسار ایدوب ینه کورجیان بکلرندن الکسندره خانک باشی کسوب
اوغلازینی اخذ و مزبور سیمون ایله معاسنه مزبوره ربیع الاولنده
درگاه خد اوئدکاره ارسال ایلدی یدی قلعه ده محبوس اولوب بعد زران
اسلامه کشیدی دور سلطان احمدخان علیه الرحه ده وفات ایتشد
مزبور سیمون یدی قلعه ده محبوس اولدقده دیدیکی رابعیدر (ظلم)
غارت زده چرخ ستمکار اولدم * خلفک کوز ینه انک ایچون خوار اولدم
کرکتدی ایسه اسب و شتر باربله * باری یه شکرلر که سبکبار اولدم
(جواب حکمی چلی)

برقلعه سنی المغله سن کورینک * کورشمیدی یدی قلعه ده دزدار اولدک
(فصنه قتل کرا) وقایع غریبه دندر که استانبولده کراریمکله معروف
بریمودیه بیچو زنسوان حرم واسطه سیله حیلی نفرد و شهرت
بولوب نسوه مذکور انک رابطه ارتشالری اولغله امور کایه یه
قاریشوب نیچه مشاهیر منصب البیروپ رشونه اماله ایله ایچ خلقنی
اضلال وامور عالمی پراختلال ایتکین سپاهی طائفه سی جمعیت
و هجوم ایدوب ذکر اولانان ملعونه مفسده بی طلب ایتد کلرنده
قائم مقام خلیل پاشا بو شرک ضرری احتمالدر که کندویه و صدف
در خلافت والده ساطانه اصابت ایده دیو خوفه دوشوب چاوش باشی

فرغانچی زاده بی کوندرب و یهودیه نک مسکن با صد یروب
 کندوبی و اوغلاری اخذایتدر دی حضور وزیر و احضار اثناسنده
 هنوز دیوانخانه نزد باندن چیقارر کن زمره سپاه صبرایقوب
 مجوز مزبوزه به اوغلارینه خنجر او شوروب اوچنی بیله یاره لیوب
 لاشه خیشلرین میدانه براقدیلمر و ملعونه نک واسطه رشوت اولان
 دسنى و موضع فرجنى قطع ایلدیر اول لعنه به انتساب ايله منصب
 صاحبی اولان بهمن مغرور جامك قبولینه مخلدیلر و آسیدیلر
 بو وقعه دن مهمل علیاحضرتی زیاده بمحضور اولوب یوبی ادبلكه
 جسارت ایدنلرک دفعنده سعی و اهتمام ایتدی دیو خلیل پاشایه
 مغیرا وادی وازمده اول اغبراره بناء خلیل پاشایی معزول و طواشی
 حافظ پاشایی قائم مقاملق مسندینه موصول ایلدیلر یوبی بایده مفتی
 عصر صنع الله ایتدی دخی تحریک جمعیت سپاهه راز دار در دیو
 بو خصوصده اشریک ایتدیلر نفس الامر بودر که بعض مصالح
 حقیقته توسط ایدن کسندلرک بدیله بالغ و هدا یا النقی هر عصرده
 اکسلا اولر بر معنادر حد معقولی تجاوز ایتدی یکی حالده حبله حکیمانیه ايله
 دفعنه سعی و امانتی لازم ایکن هجوم عمومیه محریک بو مقوله فسادى
 ایضا ايله هتک ناموس دولت ایتمه نک عاقبتنده وخامت مقرر در
 (اشداه خروج جلالیان و ظهور قره یازیچی عبید الحلیم از ارباب
 طغیان زمره سبکبانان) عسکر اسلام نیجه شه ور و اعوام کفار
 خاکسار ايله دست کر بیان و اونه یافه نک عسکری انکروس
 غراسته روان اولغله اثرلک بی ادر اکن و اگر اذ ضلالت نهادن
 نیجه شقیلمر جاده اطاعتدن خروج و قتل خیانت و عصیان عروج
 ایدوب قره یازیچی دیمکله معروف عبید الحلیم نام سبکبان بلوک باشبسی
 سراشقیبا وعدوی جان رها یا اولوب ممالک محروسه دن روها اطرافدن
 رفع لوا و هصبان ایتشیدى سابقا حبش بکمر بکبسی اولوب

یك پدی تاریخی اواخرده اناتولی تغتیشنه تعیین اولنا حسین پاشانك
ظلم و ظفیان معروض عتبه علیه اولدوقده پرموجب فرمان عالی
قرمان متسللی محمد چاوش ایچ ایل اولدندن ییك قدر آدم ایله
اقسرای قریبده اوزرینه واروب بر ایکی ساعت نحراره دن صکره
بوز یلوب قویه یه کلبشیدی بوخبردر دولته واصل اولدوقده اول
عصرده اوچنچی وزیر اولان سنان پاشا زاده محمد پاشا اونه یقاده
بولان عسکره سردار تعیین اولنوب ییك سکر محضندن اسکداره
کچمشیدی قویه یه قریب واردوقده حسین پاشا بر ایکی منزل
اوکچجه کیدوب روها قلعه سته اسبلا ایند قره یازیچی یه ملحق
اولدله قران تحسین واقع اولدی در عقب محمد پاشا دخی واروب
حصارمن بوری محاصره و تضییق و ازعاج و اخراجی تحقیق
ایلدکده حسین پاشایی قلم شیطیه کندو یه سنجاق توجیه
اولنوب صلح و صلاحله قره یازیچی حسین پاشایی فدا ایدوب
قلعه دن اشاغی ایندردی و کندو عهدنامه صلح ایله دامکا
روهادن رها بولوب یازیچی کندو سته کم یازمن مفهومیله عامل اولدی
و کندویه ویزیلن اما سیه سنجاغیه کندی مرویدر که قره یازیچی
محاصره ده تنك اندازله قورشون بولوب غروشلری اریدنوب
فندق دوکدردی اولدخی دوکوروب ضروری استیمان ایلدی
حسین پاشا قیدوبند ایله آستانه یه کوندربلوب دیوانده الی ایاغی
قرلدقدن صکره بر بار کیره سوار اولنوب اسواقده شهر
قلندقدن صکره موجب عبرت ایچون اودن قیوشنده جنکاله اورادی
بعده قره یازیچی ضلال قدیمده برقرار اولدله محمد پاشا یه حکم
وارد اولدیکه من بوری دخی اله کتره سردار مشارالیه یازیچی
اوزرینه واروب یازیچی دخی مصیبتله دونوب مباشر حرب و قتال
اولدوقده پاشانك چاکر اغا نام کخدا سی ورنیجه اغاری دوشوب

وسر دار بالاخره غاب اولد فسد یاز بی فرایدوب سیواس
 حدودنده بعضی مهرب طاعره تحصن ابتدی هنگام شنا حول ایدوب
 محمد پاشا دیار بکر شهرینه قشلاغی کندی اول بهار کلد کده
 سنان پاشا بزاده محمد پاشا تکرار دیار بکر دن قاقوب فرمان
 موجنبجه قره یاز بی اوزرینه عازم اولدی لیکن سیواس بکار بکشی
 محمد پاشا سفره عزیمت ایدوب درد لته کلد کده متور شتی مطیع
 و فرمان بردار اولمشدر من بعد فساددن ال حکمشدر مجرد سنان
 پاشا زاده محمد بسندن قورغی ایچون بدر بنده تحصن ایتشدر امور
 معظمه ده استفادامه لایق نگشته در دوشیخ الاسلامه وقائمقامه
 اعلام ایدوب هر حالته متکفل اولمین جرمی عفو اولوب چورم
 سنجانی و برای و محمود پاشا کبر و سیواسه گویدر بلوب قره یاز بی ایله
 واروب ایچ ایلده ظهور ایدن سوخته و سائر اشقیب ای دفع ایتکه
 ما مور اولدی و سنان پاشا زاده محمد پاشا دردولته کلک فرمان اولندی
 حسن بکر زاده تحریری اوزره صنع الله افندی برادر زاده سی چلی
 قاعی قره یاز بیچیدن مال فراوان الوب سنان پاشا زاده محمد پاشا
 علیه و قره یاز بیچینک استغای جرایمه حتملی یازلدی مکرر باره
 اعتماد ایدوب سنان پاشا زاده محمد پاشای میردارلقدن رفع وجودم
 سنجانی قره یاز بیجه توجیه اولتمنه سنجی ایلدی

(ذکر احوال یمن) ولایت یمنده امام و مهدی نامیده ظهور ایدن
 مفسد و سائر غریبان ایله یمن بکار بکشی حسن پاشا بیجه ایلم جنک
 جدال ایدوب قاب کلد کده بیجه سنک یاشلری کسلوب مهدی
 زامنه اولان شتی دخی اله گتور بلوب حتمدن کلندی و دوقه کین
 سنجانی یکی اولوب یمن محافظه سنده قالدن گنجداسنان پاشا واقع
 اولان محاربه زده برارلر ایلوب کوکبان حاجی محمد و مخه حاجی
 عبد الرحمن دخی خلوص طوبت ایله انقیاد و اطاعت و کرکی کنی

خدمت ایدوب بعونه تعالی اعدایه غالب اوالدیر حالا محافظه
ایچون جبهه خانه وروم عسکری لازم اولغین ساثر مهمانله
در دولته عرض اولند قدح مصردن مستوفی عسکر وجبه خانه
تدارک و بوجه استعجال ارسال اولنق ایچون مصر بکار بکسی
خضر پاشا و ساثر امرایه استمالت نامه لر و کوبان و مخه حاکی
مزبورانه بر خلعت ایله استمالت نامه لر ارسال اولندی در عتب مراد
ایتد ککری مهمات و لوازمی دخی علی جناح الاستعجال
ایصال ایتدیلر

❀ وقایع سنه تسع و الف ❀

(عزیمت سردار اکرم وزیر مکرم ابراهیم پاشا بجانب قیثه)
چون هنگام شناسکوب فصل بهار ایرشدی سنه سابقه
ذی الحجه سنه سردار اگر صلوة عید اضحای بلغراد ادا
ایتد کد نصرکه صحرايه چقبوب عسکر جعی ایچون بر ماه مقداری
آرام و تکبیل مهمات قیام ایدوب در دولته قیو قولینک موجودینه
مواجه ویریلوب جزیه دفتری توزیع اولمشیدی ماه مزبورک
اواثلنده یکچیری اغاسی طرفچی حسن اغا نغری ایله و بلوک
اغاری و طوپچیان وجبه جیان دارالسا طنه دن چقبوب بلغرا ده
عزم ایتدیلر و ماه مزبور اواخرنده اردوی همایونه داخل اولدیلر
چون مقدمه طرف دولت علیه دن خان غالبشان حضرت ترینه او امر
علیه صادر اولمشیدی خان غالبشان غازی کرای خان جانبندن
ارسال اولان سلطان ایله بر فاج بیک ناتار عسکری
دخی قریب کلدکلی خبری واصل اولدی تکمیل لوازمه نصرکه
سنه تسع و الف محرمی اواخرنده صاوه کوپریسندن زمون
صحرا سنه کچیلوب دونما کیری ایله ذخائر بودین طرفنه ارسال
اولندی و استرغون قلعه سی تسخیری نیی ایله یدنی منزلده اوسکه

وار بلوب هسکر اسلام کو پریدن عبور ایچون اوج کون آرام اولندی
 (آمدن تریاکی حسن پاشا) بوندن اقدام قنبره کفاری غایت
 ازغون ومغرور اولوب هر بار طونه و دراهه کنارلنده کزوب یولاری
 کسرل و بلغراد دکر منسارندن کاهی آدم قیازلایدی بود قعه
 کو پری باشنده پور نوار پلنقه سنی یاقوب وافر خسارت ایند کلرنی
 پاشایی مومی الیه ایشتد کده اولزمان بو دین ایالتسندن معزول
 و پیچوده متمکن ایدی علی العجله یاننده موجود اتباعی الیه ایلغار
 ایدوب دراهه قریبده کفاره پشیدی ملاعین انلری کورد کده کو پریدن
 کچرب ایکی صویک اراسنده قوندیلر کو پری بی بوز دیلر پاشایی
 مشار الیهک معلومی اولان کچر دن کچوب کفاره هجوم ایند کده
 منهرم اولوب فرارایتد یلر کینی قتل و کینی اسیرایتوب باقبسی
 دراهه صوبینه دو کلوب جهنمه کندیلر بللویاشلورلی الیه منکوس
 بیراقرین اوکنه قاتوب اوسکده سردار ملا فی اولوب مظهر
 الثفات واکرام اولدیلر سردار اکرم کرفتار اولان کفاردن احوالی
 استفسار ایلدی بعده سفر احوالندن سوز آچلوب استرغون اوزرینه
 وارلاق حسن پاشا الیه استشاره اولد قسده حق تعالی آسان ایلجه
 هر کارک مشکلی ملاحظه اولنوب اکاکوره تدارک اولمق کرک
 اولطرفه توجه اولندیخی تقدیرده قنبره کفاری کلرب بوکو پر یلری
 بوزوب عودنده هسکرانه لاهه رخنه و پرر حالامهم اولان اولد کرک
 بو سمته قریب کفارا لنده اولان بو بوخفه قلعه سی باری فتح اولنوب
 بو اطراف محافظه ایچون ایچنه عسکر قونه تا که بودین یولی الده اوله
 دید کده جلّه بکلر و پاشا ل بوتد بیری بکندیلر ضمیر سردارده
 دخی جایکبر اولان قنبره فتحی ایدی حسن پاشا سوق دخی مطابق
 دوشدی اوسک کو پر یسی بکله کده طوغلر صول قوله دوندر بلوب
 بو بوخفه سمتده کوند رلدی بواشاده میخال بد فعالک دیمونا م
 ایلبجسی کلوب هدیه و مکتوب کتورمشیدی ایلبچی منور رئیس

الکتاب جزء افندی ایله مفرك اون التنجی کونی کو وری
کچرا کدنصره دردوانه کوندریلوب کوچلدی شقاوشه واریلوب
قلعه سندن چول طومازد پرل اون سکر و قبه اتار برطوب اندی
(رفتن مراد پاشا و محمد کخدا برای فتح بو بوفجه) شقلوش منزلده
دیار بکر بکر بکسی مراد پاشا و محمد کخدا به مستوفی عسکر
قوشیلوب بو بوفجه محاصره کوندرلدی اولکون اردوی
همایوندن آیریلوب روانه اولدی لر قلعه مزبوره بی واروب محاصره
ایلد کلرند . کفار جیفوب براز جنک اولدی سکتوار بکی دلی نصوح
بک انده شهید دوشدی خندقه چالی دو کوب طوپراق سورمه مباشرت
ایتدی لر اوچخی کون سردار اسلام سکتواره کلکله کفار خاکسار
ویره ایدوب حصاری تسلیم ایتدی لر محمد کخدا بونلری
چیقاروب بلاطین کولند . نوغراد اسکله سنه اولاشد ردی
سردار شقلوشدن قاقوب پچوی یه واندن سکتواره قونوب
بو قلعه ردن بررطوب آلوب بو بوفجه یه کلوب محافظه سنه
عسکر وضع اولدی

(توجه سردار اکرم بحصار قنیره) بو بوفجه ده مشاوره
اوتوب بودین احوالی نیجه اولور دینلد کده حسن پاشا ایتدی
الحمد لله بو بوفجه تک سهواتله قحی مبسر اولدی بو اطرافده
مکوموریه و بلاطین کولی قلا عنک کلیدی و دیار کفار سد سیدی
قنیره حصاریدر آنک دخی قحی مبسر اولور سه عظیم . صلحت
کورنش اولور کفار خافل ایکن همان واروب محاصره اولغی
کرک دید کده عقلا معقول کوروب بوتدی بری استخسان ایتدی لر
ابراهیم پاشا یا بودین جانی نیجه اولور دید کده بکر حسن پاشا
بودینه کئسون و محافظه امرند . اهتمام ایتسون بر قنیره بی
محاصره اید . ام دیو اتفی ایتدی لر همان اول کون بودین ایالتی

حسن پاشایه توجیه اونوب اول جائیه کوند رلدی و بودین
محافظه سنده اولان روم ایلی بکر بکسی لالا محمد پاشا ایاتی عسکر یله
حصار ددن بش با لیمز طوب قالدیروب استرنی بلغرادده اولان
فرانجه طاقه سنی یاننه الوب قوبان یولی ایله بر موجب فرمان
اردوی همایونه کلورکن یول اوزرنده واقع براندوار پلنقه سن
برکون دوکوب ایرتسی ویره ایله اندی لکن خلقی مملکت رعایاسندن
دوئمه اشقا اولغله سن قتل ایتدی و او طرفده لاهه پلنقه سن
دخی کفار تخلیه و فرار ایتکله ضبط ایدوب کندی وقتیره ده
اردوی همایونه داخل اولدی سردار اکرم او بوفجه بی کچوب
برزنجیه پلنقه سی صحرا سنه قونلد قیده تناره افن انچون فرمان
ویرلدی ریسع الاولک غره سنده تنک در بند کچیلوب قنیره
صحرا سنه نزول اولدی

(وصف قنیره و محاصره او) اول حصار مزبور برق نام نهر
وسطنده واقع دوزاطه ده و اوشی طوبراق طولاه متین و مستحکم
برقعه اووب ایکی جانبی برزاق آتشی نهره وارنجه سازاق و بتاق
و نهر مزبور بلاطی کولندن چیقوب دراوه یه اقا وایدی اطراف
واکنفی اورمانلی طاغله نه متریس ایله یقین وارمق قابل و نه لغم ایله
اتاق ممکنه کلوطوب اورسک کو مولورقا و سردار اعظم عنایت
هه توکل ایدوب محاصره فرمان ایتدی کونده در در بشربوز
دانه آتیلوردی سکتوار قبوسی جانبدن ارنیدی کون دوکیلوب
قرشویقادن دخی دیکلک لازم کلکین طوب ایشمزدن صواوزینه
چبو قدن حصیر مثال چتکرکه اکالسه دیور دوشنوب انجی برعربه
کچر یول یا ییلوب برکون انجی طیانوردی کیر و تعمیر و نجدید
اولنوردی طرفیندن لسه لرد و شنوب بتاقلری اودن یوکلری ایله
طولدرمغه سعی اولنوردی

(احتراق باروت کفار در قلعه) ماه مزبور که اون بشنده قوشلق
 وقتی بر عظیم صدافو بوب آدم کوزه سی قدر طاشلر وطور افلر
 هوایه پرا ن اولوب ایکی ساعت قدر زمان غبار و د خا ن ایچنده
 قلعه نهسان اولدی قالدی بعد آچیلوب کورد یلر که قلعه نك
 ایکی عظیم قله سی وارایدی بری هوایه اوچش مکر ایچر وده
 مسلمان اسیرلری کیجه ایله طوب کد کلرین طولدیرمقدن کلورکن
 باروت خله قپو سنی آچق بولوب بری یاتمش قتل براقش ایچنده
 اولان ییک قطاردن متجاوز باروت وجبه خله اوزرند زندان
 ایچنده اولان یوز یتمش اسیر عورت و اوغلان و دخی اوزرند
 بکلری ایله سرایی جله هوایه آیلوب هلاک اولدیلر بعده برقاج کون
 مر و زاید وب قلعه دن طوب اتلر اولوب کاهی تفنک اتلوردی
 محصور اولان ملا عین خاسرین بوداهیه عظمی ایله دمیسته
 اولوب واقع حالی قراله اعلام و امداد ایرشک باینده اقدام اتدیلر
 (آمدن طاہور افشار) مقدما نچہ چا ساری فردینا ندوش
 بودین اوزرینه عسکر جمع ایتیشکن حسن پاشا نك
 بودینه کیرد یکنی ایشیدوب قنیر امدادینه نفیر عام ایله
 توجه ایتشیدنی یوز قدر طوب و قرق ییک پیاده و سوار ایله ماه
 مزبور ک یکر می سکن یخی کونی کلوب قراوللری والا بلری کورندی
 وقنیر یه قریب یرده طاہور فوردی عسکر اسلام قرشو واردیلر لکن
 کفارک تفنکن اندازی اتلوعسکرینی دوندیلر بیکچری متر بسندن
 جیقوب انجق فرنک طامعه سی قالدی اتلردخی وارد یخی کبی
 دنوب فرار ایتدیلر بکلر وضا بطلر بیر افلری ایله اردویه
 ارقه ویروب طور دیلر لکن کفار اگر طابعه سی و همندن اردویه
 سورمدی طوبلری دیزوب اهل اسلام اطرافنه اتمعه یاشلدی لکن
 کله اردو اوزرندن کجوب متریساری دوگردی اخشامه دک الابر

چنانکه طور و روب بعده کفار طابور را رینه وار و روب اول کجبه عظیم
 خندق قرار و قلعه را طابور استحكام و یردیلر ابر تسی بنه کفار
 پیاده سین و طو بلرین اوکنه دیزوب یورودی سردارا سلام دخی
 سوار اولوب بر بناغک آردینده آلائی باغلندی و یکجیری و یکلر بیکلر
 قولر قولجیه طور دیلر کفار یوریدی کی بکلر و باشا ل قیچنلیوب
 یکجیری ید کلجیه اوردخی فرار ایتدیلر مبدانده انجی بیراق صاحباری
 و اهل عرض ضابطلر قالمشیدی اور مانلره مصغوب طور دیلر
 هوا دومانلی اولغله کنار عسکرلر احوالندن خبردار اولوب بونلرک
 مقابله سزد و نکلر بی حبله و آل اولقی خیال ایدردی بووجه ایله
 اخشام اولوب طبل آسا بش چال دیلر دخی ابر تسی که ماه
 ربیع الاخر غره سی ایدی طابور کفار اوزرینه وار یلوب کار زاره
 قرار و یرلکن عموما بکلر بیکلر و سار عسکر اتلنوب پیاده و سوار
 طابور قرینه وار دیلر صبا حه قریب کفار طابور لی اولان محلده
 مېشه زاره بر فاج ییک تفنگ انداز و ضرر بز نلر قو مشاعر علی الفقله
 وارن عسکره تفنگ و ضرر بز نلر قریبی باران مثال باغدر دیلر
 اول حینده نیچه غازیلر شهید و عرصه وجود دن نابید اولدیلر
 عسکر منصور اولمخلدن طابور اوزرینه وار و روب محاربه به مشغول
 اولدقلر نده کین مزبورده اولان مشرکین حالا اردو اشکر دن
 خالبدردیو ذخیره و باروت کو تور و روب قلعه به داخل اولقی فکر یله
 یورد کلر نده سردار نامدار اردوده بولنان مغرقه و سار عسکر ایله
 سوار اولوب یکجیری زمره سنی اوکنه قاتوب کفار قارشو حیت مشدی
 کفار خاکسار یکجیری الینه هجوم ایتد کسده قبون سور یسی
 قورددن اوردکر کی اور کوب اردو به فرار ایدر کن سردار اوکندن
 گروه گروه یکجیلر سردار اکرم بونلره بهی بولدا شلر نیچون بوبله
 ایدر سزد به کور و روب چنانکه ترغیب و تحریک ایلدی مفید اولدی

سردارانلری قویوب بالذات کفار آلایرینه فر شوکتد کده
 ملاعین تفنگ اندازلی اوکده قاتوب چادرزه دخول مرتبه سنه
 قریب اولمش واراده برتق قالمشیدی یاننده اولان اوج درت
 یوز سپاه و سلخندار ابله ایر شد یکی کی تفنگ سر یوب ایچ
 اوغللرندن و سپا هیلردن نیچه سن شهیدایت یلر سردار پرشته ارنه
 یک ب طوردی او محله بکچیری اغایی قلیچن دوشرمش فریاد
 کتان سردار یاننه کلوب حال نیچه اولور جله اهل اسلام پایمال اوله یور
 دیوب بکایلدی سردار اکا قیوب روم ایلی وانا طولی بکلر بکسنه
 و محمد کتخدا به رطوچی باشی به درت قطعه یورلدی یازوب عسکر
 طابو اوزرندن دو نوب او دردو جائینه کلک فرمان ایلدی سردار یاننده
 عسکر اولد یغدن عظیم مضایقه ده بو کالمشیدی عسکر بجله
 کلوب کفساره هجوم ایلدیلر کفسار بونلره دخی تفنگ سر یوب
 جنگ ایلدیلر محمد کتخدایک اتی دوشوب یدکینه بندی یکچیری به
 هر بار که اقدام اولندی قرق الی نفرندن زیاده بو لغیوب چادرلر دن
 باش کو سترمدیلر طوچی بکچیلر بش منبر بنله ایکی قولبور نه کتور و ب
 سردار اوکنده بر قاج کره آندیلر و کفاری بری بریته قاندیلر کفار طوبدن
 برمدار خوف ایلد ب چادرزه کیره مد یلر اخشام دخی او بوب
 ایکی بدسوز ماننده ک اول مقامه آرام اولنوب طرفین دوندیلر بو حنکده
 براز کافر قریلوب بوند نصکره طابوردن چیقمدیلر ماهه مزبورک
 و چنجی کونی تکرار عسکر اسلام یلده و سوار طابوره واروب هجوملر
 ایتدیلر اخشامه ک جنگ اولدی ربیع الاخرک دردیجی کونی
 طابور محاصره سی ایچون مشاوره اولمشیدی اردوده موجود
 اولان برایکی یک تاتار خلاق بوللردن واروب کفسار طابورینه
 کلن ذخیره عربه لرین الو ب سائر عسکر دخی ذخیره بوللرین
 کسمکله زبون دوشروب قلعه به باروت امدادی دخی ممکن
 اولمقده ماه مزبورک یکر می بشنجی کونی کمارک پای اقدامی متزلزل

اولوب نصف الایله قلعوب کتدیله رود و کوندی مقوله سی
دیو شیریلوب پراز غنائیم الندی

(فتح حصار قنیه و خروج کفار) طابور ادبلرند نصکر بر هفتقه مقدادی
دخی حصار دو کیلوب محصور اولان کفار طابورانه را مندن خبردار
اولد قنده امداددن یأس کلوب بر قاج کون دخی عنا دلرندن اصرار
ایدوب اخر الامر هجوم عسکر طاهر فروتن زبون اولوب یانوش
توان نام بک که هلاک اولان بیک یسته بک اولتشدی اتلو باشی
منلو ش توان ایله بریره کلوب طابور کندی بزه دخی امداد کلز
باروت وجبه خانه مزبوق تور کار کوچ ایله قلعه بی الدقه نصکره
زه امان ویریزلر هسان قلعه بی و یروب خلاص اولقی بکدر
دیو مشورت ایتد کده زمره مجار ویره بی تجویز ایلبوب نیجه کروهی
پراز عناد ایدوب صکره انلر دخی دونوب متفق اولدیلر ماه من بورت
اون اوجخی سبت کیجه سی تمام بغمور یاغش بکن صلاحه دکنه
جنگ منقطع اولوب یارین یوریشدر دیو عسکره تنیه اولمش
و یوریش یولاری اودون و بیشه ایله نصفه قریب طولشیدی
علی السحر عسکر اسلام یوریشه منتظر ایکن ناگاه قلعه قیوسی
اوزرینه ویره سنجاغی دیکلوب امان صداسی عیوقه چقدی
سرحد کده معتمد آمدلرندن یچو بیلی قوجه سنان چاوشی رهن
استد کلرند کوندر یلوب ایچرودن ایکی اوج بلالو باشلو کافر
بوغازلی التوز ونجیرلی بری مجار و بری نیجه بکلرندن چیقوب
سردار اکرمه کلدیله و خلعتلر کوب مراندلی اوزره امان کاغذلی
آلدیلر بار و تمز قالدی یوخسه قلعه بی ضربه دست ایله الیه ز
ایدیکن بزم ایله یانق واکری ویره سی کی معاهده ایدوب صکره
اردی بجه عسکر کوندر وب فراد واسیر ایدر سر عهد بویله می
اولوردید کلرند سردار اکرم عین ابابوب جبه خانه وطولر

پادشاه کدر باقی نه وارا یسه کوتورک برکسند دندنجیده اولت زسز
دیو تسلی ویردی بوکره یوزبولوب ایچروده اتلومز انحق
یکبوزقدرار اوله باقیلری پیاده بیک بشبوزقدر چنکچی و عورت
واغلا ندرنه کوتورسه لکرک دید کده اسبابلرین کوتورمک
بچون ایکبوزدوه فرمان اواندی ایرتسی ماه مزبورک اون
دردیجی کوفی که یوم الاحد ایدی عوماعسکر اسلام الایلر باغلیوب
طور دیلر سحری قلعه نکه مفتاحلرین کتوروب سردار عالیشانه تسلیم
ایتد کلر نده آیتلاری اوزره الای قوروب مال و عباللری ایله گروه گروه
چیقدیلر حتی طاق و تالارین نکه و بشکلرین ییله دوهله یوکلدوب
یقین برده قوندیلر جبهه بی بانئی و طویچی باشی و محمد کتخدایروب
جبهه خانیه بی و طوبلری ضبط ایتدیلر اللی برقطعه بیوک طوب
ویکرمی بشقطعه ضربیرن دفتر اولوب کلپسارلی جامع اولدی
عسکرواروب محصور مزبورک ماکولانه و سائر متاعه متعلق
صائق شلیرین صا تون الوب دوستانه معامله ایتدیلر
روایلی بکلر بکسی محمد پاشا و محمد کتخدای قوشیاوب اوج
کون کتدیلر قاپورنق نام حربی قلعه کورد کده آدم لری
کلوب قرشو لبوب برکون انده اوتوروب کبدن پاشا ره عظیم
هدایا و چور باجیلره یوزطونلق چوقه و دوه جیلره برطونلق
چوقه و پریلوب دوندیلر عالی مرحوم یووجهله تاریخ دیدی
(تاریخ) قتح اولوب قلعه یوزلدی طابور (تاریخ دیگر)

قنبره قلعه سن الدی سردار محمد بحمد الله تعالی قلعه من بوره
بو کونه وجه احسن و اسهل ایله حصون اسلامیه یه ضم
ارلدی و حسن بک زاده انشاسیله قتح نامه لری یازیلوب
اطراف مالکله اولاقلرایله خبر مسرت اشاعت اواندی و قنبره
مضاماتندن کبش قومار و پرزنجیه و دخی نیچمه بقاع

قبضه تسخیر کلدی و ایچاریته امر او قضا و مستحقین و نفقات
تعمین اولندی و خبر فتح ایله سده سعادتیه دفتر امینی اولان عبدی افندی
ارسال اولنوب بشارت خبری وصولنده دارا اسلطنیه اوج کون اوج
کیجه شهر د و نتماسی فرمان اولنوب شاد و خندان آیین مسرت
اولدیلر سار بلادده دخی شنکار اولغیچون او امر کوندر یلوب امصار
ملکده آیین بغلندی و جانب سرداره عواطف خسروانی ظهوره
کلوب خلعت و کمر و خنجر و تیغ مجوهر و او تاغه زیبا و تحف کران بها
کوندر یلوب صدارت قید حیات ایله کند و ره اواق اوزره
خط همایون اصدار اولندی و جله بکار بکیره و ارای صف آرایه
شمشیر و خلعت ارسال اولندی حتی ناقه و قعه حسن بک زاده
دیر که فتح نامه غزائک خدمت انشا و املا مقابله سنده بوجقیه ده
خلعت و شمشیر ارسال اولندی

(ذکر عنایت الهیه و الطاف خفیه) اولاول سفر زده حاضر اولان
غزات ییلوزلر که انکروس سفر لرنده عسکر اسلام ایکی یرده الم
واضطرابی جله دن زیاده کوروب صقلیشرایدی بری اکرری
فتخند نصکره یدی قرالک طابور محاربه سی و بری دخی
قنیره قلعه سنی محاصره سی که هم طابور جنکی ایله عسکر اسلام
زیاده صقلیشرایدی که بر سفرده بواسطه طرا به دو شمامشیدی یدی کون
صباحدن اخشامه دك جنگ ایدر ل دی و هر کون کافر ک غلبه سی
ظاهر اولور کن اسلامیا مک ترک قتالی آل اولغنه جل و ظن ایدر لرایدی
بو حال اوزره من عباد الله کفار ک قلوبنه رعب القا اولنوب
اسباب ظاهر دن موجب یو غیکن راه اد باره دوشوب فرار ایلدیلر
و قلعه دخی متاثر نده اولر رتبه ده دکل ایدیکه ضربات طوب ایله
تسخیری مبسر اوله اکر باروتلرینه آتش دوشمشه التیق محال ایدی
زیرا قرق اوج کون محاصره ده هنوز یوللر نصف مرتبه طولمش

و ندر اوته سرا بابتاق اولوب صعبیری قاشیدی و قحط و غلام سنول
 اولوب بروقبه طوز برغروشه بولم یفتدن هسیری روز قاسم
 حلول ایتمکله یکجیری برکون دخی تأخیر ایتمویب ضروری
 عودت ایدر لرایدی حاصلی عون باری یاری قیلوب وقتیهله
 کفارک ادباری مفسر و حصار دخی احسن وجه ایله مسخر
 اولدی لله الحمد و المنة

(ذکر عطا و عودت) بوندن نصیره قلعه نك مر مات و مهماتی
 کوریاوب ایالتی کوستندیل بکی الاجه ایلالی حسن پاشایه و قضاسی
 قدزی افندی به توجیه و یکرمی قدر او طه و شور باجی ایله سکبان
 شی صغراغا محافظه سنه قونیلوب سپاه بک شریطه اوج بک
 نفر قول اوغلی و ترقی ایله وافر هسکر یازلدی سکتوار و پچوی
 و شقلوش و اوسک مزبور حسن پاشایه ارپه اتق و فنیله تمام بکار
 بکلیک قلندی و عومایلوک خلقنه ایکبشرا فچه ترقی و یریلوب بودین
 واکری قول اوغلاری دفتره یکیدی و اندن کوچیلوب پرزنجیه فرست
 قونیلوب آند مجد دابر پلنقه بنا اولندی بعده دراوه اوزند
 یاقوه نام قصیه ده کوپری بنا اولنوب کچلدکده اوسکه واری
 و عسکره اجازت و یریلوب روم ایلی بکار یکبسی پرزینده و تاتول
 اینه لوقه ده قبشلا غه کوندردی یکجیری اغاسی دخی
 اجازت الوب آستانه به روانه اولدی سردار ظفر شعسار دخی
 کلوب بلغراد داخل اولدی

(سرداری حاجی ابراهیم پاشا بدفع قره یازیچی) سنه سابقه ده
 قره یازیچی دید کلری شقی به چورم سنجاغی یریلوب فساد دن
 رجوع ایتک شریطه عفو صورتند بر فاج کون مدارا اولند یغی
 بوندن اقدم ذکر اولمشیدی ضلال قدیمده مصر اووب حقدرد
 کلتمک مهم اولمسن ماه شوالک اون برنجی کونی حلب ایالتشدن

معزول حاجی ابراهیم پاشا و زبیر سادس ایکن جلالی من بورا و زبیر
سر عسکر و بغداد ایالتی دن منفصل حسن پاشا سردار تعین
اولوب ابراهیم پاشا آستانه دن سن ار مزبوره ملاقی اولغده
کوندردی و حسن پاشا بغدادده اکثر احتمال اولورسه یاننده
اولان اناتولی عسکری ایله واروب یازیچی و برادری دلی حسینی
نه حال بله ممکن ایسه اله کتورمک فرمان اولندی من بور حاجی ابراهیم
پاشا دخی کندویه قوشیلن عسکر ایله متوجه طریق اولد قده
قیصریه صحرا سنده گروه اشقیا فر شوک و ب تقابل عسکرین وقوع
ولدی لشکر جلالی بکرمی بیک قدر و ارایدی جنگ عظیم اولوب
حاجی پاشا منهرم اولد قده لشکر جلالی منهرم اولد قلیج قویوب
اون بش قدر شور باجی و بیک نفر دن زیاده بیکچری دوشدی
حاجی پاشا قاجوب قیصریه حصاریته کوله دوشوب معافلهیه
دوشلردن ماعد اطشمرده قائلرک اکثری اشقیالنده مقول اولدی
بعض نوار بخورده حاجی ابراهیم پاشا انهر منی بیک سکزده یازمشردر
لکن قره یاز بچینک حکمی تاریخی و اکثری تاریخلر واتی بیک
طغوزده اولوق اوزره درشتی من بورك ویرد بکی حکم صورتی
بودر که لاجل الاعتبار نقل اولندی

(حکم قره یازیچی) قیصریه ساکنلردن اشبو حامل حکم شریف
محمد نام کسسه عثمانی طرفدن بعنا یت الله تعالی منهرم اولان
سردار حاجی ابراهیم پاشا محاربه سنده بوجانیه کمال اخلاصه
اطاعت اینکله جمیع تکالیف و رسوم دن مطلق معاف ایلدیم و الله
بو حکم همایونی و یردم و بیورد مکّه دست عثمانیان بو طریقلردن
بالکله منقطع و سلطنت بلا نزاع بکا مقرر و مقدر اولد قده طرفدن
تعمین اولتان امر و حکم مو جبیجه من بوری معاف و مسلم طوئوب
رسوم و تکالیفدن برسنه تکالیف ایتمه لهر کم اوجکجه اطاعت

ایتمز سه جزاسی ویر یلور و بو حکم شریفی الکنده ابقایدوب
مضمون همایونی ایله عمل ایلدیلر شو یله یله لر حرر فی واسطه الربع
الاول سنه تسع بعد الالف (وقعه کرا) سرای سلطانیه محرمی
اولوب ارباب مناصبه واسطه رشوت اولان کرانام یهودیه اوغلی
ایله قائم مقام خلیل پاشا سراینده زردیان ایاننده پاره لندیکی حاجی
خلیفه نک فذلکه ده تعیین ایتدیکی اوزره سنه ماضیه ده ذکر
اولمشدی لکن بوتاریخ صاحبی وقره جلی زاده عزیز افندی
تحریر لری اوزره بیک طغوز سنه سنده اولقی کورینور حتی مزبوره
کرانک براوغلی مسلمان اولوب قتلدن خلاص بولدی اقساق
مصطفی چارش دیرلر ایدی دولت سلطانی ابراهیم خاندان وفات
ایتشدر کرانک مخلفاتی طرف میزیدن مقبوضه اولوب جواهر
و عماردن ماعدا خالص امتعه تجارت بشیوز یوک انچه یه
بالغ اولدی دیو یازمشر

(عزل قائم مقام خلیل پاشا و قائم مقامی خادم حافظ پاشا)
کرآماده سنه قائم مقام خلیل پاشا جنیحه اغراض ایدوب سیاهلره
عدم اعتراض ایله متهم اولوب زبده سندن معزول و صدر نیابت
سلطنت خادم حافظ پاشا یه موصول اولدوغنی کذلک سنه تسع
بعد الالف شوالنده تعیین و تحریر ایتشدر در اون کوندن صکره
حافظ پاشا دخی عزل ویرینه بمشجی حسن پاشا قائم مقام اولشدر
نته کم تفصیلی ذکر اولسه کرکر

(سبب عزل قائم مقام) حافظ پاشا بوندن اقدم قنیره سفرینه
توجه اتشاسنده میخال ضابط ایلمچیسسی دیو نام امین یانوه واپوه
قلعه لری احوالی ایچون سردار اکرم صدر اعظم ابراهیم پاشا یه
ککشیدی سردار عالی جناب یانده رئیس الکتاب نائنه اولان
بازیچی زاده بی بعض عرضلر ایله یانته قوشوب سده سنه یه کوندروب

ذکر اوانان ایکی قلعه ید استیلا سندن استخلاص اولتی ایچون
میخاله مدارا اولتی ایصرلشیدی مزبوران باب همایونه داخل
اولدقلرنده قائم مقام بولنان سلف الذکر حافظ اجد پاشا مقدا
نیکبولی محافظه سنده ایکن میخال حیلله ایله اوزرینه کلوب منهرنا
فرارینه سبب اولدیغندن مرقوم دیمو میخالدن ایلمچیاک ایله
کلوب خزینه کلپور دیو پاشای اغال ایدوب صکره خزینه عرب
سیدر دیو کوستردیکی قرمری چوقه ایله اورتلمش میخالک طوباری
عربه سی چیقوب درعقب میخال دخی باصنوب پاشانک ماملکنی
غارت ونیجه نفوسی شهید ایتشیدی اول عقده قلب پاشاده
مرکوز اولغین بودفعه ایاغیله کلدکده پاشا اول لعیندن اخذ
انتقام مراد ایدوب شیخ الاسلام صنع الله افندیین استغنا ایتدکده
کرک میخال و کرک ایلمچیبی اولان مالدون پرمکر وآلک بر وجهله
عهد وامانی شرعا مقبول اولوب قتل وتکیل اولغری واجبد
دیو غصص فتوی و یروب بناء علی ذلک حافظ پاشا دیمو بیلا امهال
بوکرندن چنکاله اوروب اشد عقوبت ایله اجرای رسم سیاست
ایتشیدی بوندن ماعدا مومی ایله حافظ اجد پاشا صدر اعظم
قنبره التمهه ایکن آستانه دن امر شریف ایله قلاع سرحدک
نقرات و ذخائر و آلاتن یوقلمتغه برچاش کوندروب امور سرحد
سردار ظفر شهارک نظارته مفوض ایکن خلاف معتاد اکا اعتماد
ایتموب چاوش کوندروسی دخی علاوه قضیه دیمو واقع اولوب
صدر اعظم یوابکی ماده ده عین اهانت مشاهده ایتشیدی
و کندویه غایت کران کلکین اول چاوشی حصن بلغراد محبوس
ایدوب مهد عایا والده سلطان حضرت بلرینه و باب السعاده
اغاسنه هر ضار یازوب ایلمچی به زوال عقلا و شرعا مردود
اهل عقل و کمال ایکن دیمو سیاست بوقیره محض اهانت

اولدیغدن ماعدا من بعد بوجانبه ایلیجی کلیوب باب مصالحه
مسدود اولوب و بو طرفدن قرال بدفعاله کسنه وارموب ایقاء
عهد منسوع و مطرود اولاق لازم کلور و بوندن صکره ظاهر
میراد بعد الیوم سردارک قول و قعلنه اعتماد وکیل پادشاه
اولدیغنه اعتقاد اولماسون دیکدر بوندن صکره امور مصالحه بی
تقویت و سرداراق احوالی تمثیل نیکه بکندر خصوص صاکه
بوجانبه احوالی بوجه استقلال بوبنده پرماله تفویض اولندیغده
اشکال یوغبکن دوست و دشمن خصوصاً عسکر بی کران
وصف شکنه قرشو پرچاش صداقتی بوبنده دن ترجیح و الله
ویریلان امر شریفده اکا اعتماد اولندیغی تصریح اولغش اوله
دخی عسکر اسلام بوعید مستهامه اعتبار ایدری و سپارش
یتیمکن خدمته کیدری دخی بونک گئی نیکه مقدمات معقرله
درج و تقود کلمات الزامیه خرج ایلمی بس بومکاتب عجیب
الترتیب پادشاه سریر پادشاهه وصول بولدقده همان اول ساعت حافظ
پاشای قعّمقا ملقند عزل آتیریلز

(عاقلمقام شدن بمشچی حسن پاشا) حافظ پاشا انک یرته بمشچی
حسن پاشا قاعلمقام صدارت عظمی اولوب سردار اکرم ابراهیم پاشا
طرفنه تطیب قلب و تسلیت خاطر ایدر خط همایون
و بکاتب ارسال یوولدی

(انورام اشکر میخال قتال) نیکه سالدن برو افلاق وارعل و بندان
طر فلرینه کمال مرتبه اختلال و یروب مکر و آل ایله اول و لایتلری
قبضه قصر فیه ادخال ایلین میخال بدفعاله کتنه و فساد
متمدی اولشیکن بوندن اقلیم ارل جانیره ارسال اولان سردار
وزیر محمود پاشا پانده اولان عسکر ایله واروب و درنما ایله طون
بالبند محافظه ده اولان قهریس بکلر بکبسی شعبان پاشا دخی

قدر غفر ایلله افلاق یقاسنه کچوب پاشای مومی البهه بنا و تعمیری
فرمان اولنان یرکوی قلمه سی کال است حکام اوزره بنا و میرمت و نهر طونه
اوزرینه کویری بناسنه مباحثرت اثناسنده غرات ظفر قرین افلاق
ولایتنه هر طرفدن اقیلر صالوب میخال ضالک دار و دیارینی غارت
و خسارت ابتدیلر عسکر اسلام بو کرش و تر غوشته نام شهر لره
وار غله میخال ضال کند و وزیری و سر عسکری قره چوبانی اولان
بان قلیطه نام لعینی مباحثه عسکر ایلله حبش ظفر رهبر اوزرینه ارسال
ایدوب مقاتله اولند قدده بعون الله تعالی عسکر اسلام غالب کلوب
ملاعینک اکثری طعمه تیغ آبدار و سردار لری دخی مسافر دار
البوار اولیحق کله سی ایلله التون باشلی علملری و طبلی و نقاره لری
الذوب دیوان همایونه کلدی میخال لعین دخی ایکی دفعه محاربه ده
منهزم اولمغله دولت بانکتی غایت بر کشته اولوب یاننده اولان
ملاعینلر اکثری قیریلوب جله طوباری واروت وجه خانه سی
آلمغله کند و سی حیاتدن قطع امید ایدوب نابید اولدی و قبح
نامه ایلله ابراهیم چاوش عجم شاهنه کوندردی
(بقیه وقایع این سال) در دولته سکه احوالی اختلال اوزره
اولمغله سنه مزبوره ربیع الاولنک بشنچی کونی بمشچی حسن پاشا
کسدر دیکی جدید الحیه چقبوب فلوری ایکوز یکر میدان یوز
یکرمی یه و غروش سکسان الحیه یه تنزیل اولندی ماه رجبده تبریز
محافظی جعفر پاشا نلک انتقالی خبری کلدی شهر شوالده یساغ
سلطانی ایلله ام الحیه سائت نام فاحشه تسیر و اخفا ایدوب خبر
امانتی رفع اولندی سنه ماضیه ده تحریر اولنان حاکم کورجستان
سیون مأمورا در دولته کلوب یدکی قله ده حبس اولندیغنی فذلکده
بوسنه وقایعندن اولیق اوزره تحریر ایلشد

(وقایع سنه ششتر و الف)

(توجیه مصادرات عظمی بایمشی حسن پاشا بعد از وفات ابراهیم پاشا) سنه سابقه آخرنده ابراهیم پاشا قرال بدفعال نتیجه ایله مصالحه مراد ایدوب فصل بهار ایرشد کده صلح وصلاح عقدی ایچون بروجه وکالت وزیر مراد پاشا و محمد کتخدا سرحد . ارسال اولتمشیدی واروب استرغونده قرال وکلاسیله ملاقاته عازم اولدیله سمندره بکی وفتنک انداز بیک نفر سبکان مزبور محمد کتخدا ییله قوشلوب وباشنه ابلق سرغوش صوقوب کوندرلدی و اوسک کوپروسنک اونه باشنده برمحکم پلنقه بناسی سپارش اولوب کفایت قدر عسکر وطوبویریلوب سنه سابقه ذی القعدة سنک غره سنده فرنکر ایله معا توجه ایتشیدی سردار اکرم دخی ماه ذی الحجه آخرنده اوطاق کردون نطابق بلغراد مقابله سنده زمون صحرا سنه قورمش ودر دولته بیکچیری اغالخی ویریابوب ارسال اولنان غضنفر اغا دامادی علی اغالک وصوانه منتظر اولوب طورمش و قنیره ابالتی تریای حسن پاشایه ویرمش و مراد پاشا محمد کتخدا ایله نخمینا اوسکه وارمشیدی بوائنده پاشانک مراجع مخرف وکتدیکه مرضی مشته اولوب درت بش کون مرور ایلیدن علایم ردیه ظهور ایدوب عم زاده سی مرضی پاشای دعوت و امور مهمه پی وصبت ایتدی ایرتسی ماه محرمک طقوزنجی کوننده قبل العصر عمری آخر و مرغ روحی جانب قدسه طائر اولدی مزبور مرضی پاشا و دفتر دار اتمکچی زاده مخلقاتی مهرلدیلر روم ایلی بکلبکپسی محمد پاشا پرشته دن قاقوب الاجه حصار . کلد بکی خبری ورود ایتشیدی وزیر مرحوم مزبوری سردار ایلد بکلی اعلام و سر عتله ایرشمک بابنده اقدام ایتدیله ایرتسی غسل اولنورکن پاشای موی ایله کلوب نمازی فاندقد نصکره بیرام بک جامعی حرمده تر به سنده امانه دفن اولندی مر حومک انتقالی

خبری ایله سرحد احوالی پایه سریر اعلايه و ارکان دیوان معلايه یازیلوب
اولاقلر ایله ارسال اولندی مراد پاشا و محمد کتخدا اوسک
کو برېستك اوتة باشنه سپارش اولتان پلنقه بی یامشلا ایدی
انلره دخی امر شریف کوندر بلوب اوسکیده محافظه ایده سن
دینلدی برفاج کوند نصکره یکچیری اغاسی دخی بلغراده داخل
اولوب ابراهیم پاشا نك جنازه سی استانبوله نقل و شهزاده جایی
حرمنده رهکذاره ناظر تریه سننده دفن اولندی شعرای عصر
تاریخ وفاتی بووجهله ادا ایتشدی (تاریخ) اولدی صحن عدن
پاشایه مکان (تاریخ دیگر) (ماتم سردار) چون ابراهیم پاشا نك خبر
انتقال محرمک بکر منجی کوننده در دولته وصول بولدی خاتم
صدارت قائمقام یشیجی حسن پاشایه ویریلوب پروجه استیصال
بلغراده ایرشك باینده فرمان عالیشان صدور ایلدی دستور مشار
الیه دخی یکریمی کون قدر در دولته مکن اولوب سردار سابق
خیمه و خراک و سایر اسباب و ائصال و آلات سفر و جمال و بغالی
همه طریقه کندویه ویریلوب حتی مخلفه سی عایشه سلطان
دخی ناهزد قلندی وزیر جدید حسن پاشا بوسالده خروج بحال
اولدینی تقدیرجه کیچ وارلفله برایش کورلک محالدرنه حال ایسه
اول طرفده لالا محمد پاشا سردار اولوب محافظه ایلسون سنه
آیه ده ندارك تام ایله کبدلسون دیو عذر ایتشکن شیخ الاسلام
صنع الله افندی خلافت ذهاب اولوب حالا سردارك بحال
کنه سی اهم و الزمدر دیو جناب پادشاهی به سویلبوب ابرام
ایتمکله بوجهله تأخیره درمان اولوب بالاخره جانب بلغراده
عطف عنان ایلدی اهابوا ابرام ایچون صنع الله افندی به ییخضور
اولوب مسند فتوادن عزل ایشدر منجه حرکت ایتدی در دولته
مناصب علیه وسیفه بی کندو رأی اوزره مناسبله توجیه ایدوب

وصدر فتوادن ادرنه پایه سنه وارنجه تبدیل وتغیر کینی ترفع وکینی
 عزل ایله تحقیر ایتدی شیخ الاسلام صنع الله افندی یرینه خواجه زاده
 محمد افندی وصدرین بستان زاده افندی وشمس افندی یرلینه
 عبدالحلیم افندی واسعد افندی واستانبول قاضیسی کفخدا
 مصطفی افندی یرینه ادرنه دن معزول قیاقولاق مصطفی افندی
 انک یرینه یحیی افندی اولوب وزیر سابع اولان خلیل پاشا قائم مقام
 وحافظ احمد پاشا وزارت ثلثه ایله بکام قلندی سابقا اغالقدن
 معزول طر قچچی یه بغداد ایالتی توجیه اولمشیدی بغداد وزرادن
 سنان پاشا زاده محمد پاشایه یریلوب حسن پاشا خااصلر ایله دردوانده
 وزیر اولدی و نساچی اوقچی زاده نك منصبی ساتی حظه افندی یه
 یرلیدی و ماء صفرك طقوزچی کونی که یوم خپس ایدی عظیم
 آلائی ایله استانبول دن چیقوب اصلا چادر و ائقال کوتور میوب
 ایلغار کان سبکسار کیدوب شویله که هر قوناقدن کندوبه میشه دن
 چادرل بیارلیدی و سایه سنده استراحت ایدردی بووجهسه
 مسارعت ایله بکرمی یدنجی کونده بلغزاده ایریشوب زنون
 صحرا سنده ابراهیم پاشا نك اوتاغنه داخل اولنجه خیمه یه کیرمک
 واقع اولدی اردویه ایرشیدیکی کچی تکمیل مهمانه اقدام
 وعسکره ذخایر توزیع ایدوب اون بش کون قدر اول محمله آرام
 وتیم لوازمه قیام ایتدی

(استیلای کفار بحصار اوستونی بلنراد) چون سابقا قنیر شه
 حصاری قمع وتسخیر اولندیغندن جمهور کفار منفعل و دلگیر
 اولمشیدی فصل شتا انقضاسنه قریب نمجه و مجار سردار لری ایله
 هر سک مانیاش یانق صحرا سنده کلوب درنک ایتدکد نصکره بکرمی
 پاره طوب و اون شاهی و فرق الی بیک کافر نمجه و مجار وجهه وله
 عسکری جمعیت عظیمه ایله قلوب اوستونی بلغزاده اوزرینه دوشوب

اوائل بهارده محاصره ایلدکلی خبری ایله بلغیراده
فریادی کلد کده سردار طرفندن مقدما روم ایلی
وانا طولی بکسر بکسی وپوسنه عسکری امداده
کوندلشیدی لکن یوعسکر هنوز اوسک کوپریستی
کچمدین کفار خاکسار اقدام ایدوب طعوزنجی کونده ویره ایله
حصاری الدی وعسکر قویوب ضبط ایتدکد نصکره قرینده طابور
باغلوب اوتوردی

(ذکر دخول تریای حسن پاشا بحصار قنیره) بوندن اقدام قنیره
فکند نصکره موعی الیه تریای حسن پاشا بودین مهماتی کوروب
قبش آخرنده بودین دفتر داری منقر قوشی محمد افندی بی
فلمعهده قویوب کندوب بلغیراده روانه اولدی کلوب سرداره ملاقات
ایتدکده قنیره ایالتی کسندویه الوب بودین ایالتی دفتر دار
منبور منقر قوشی محمد افندی به توجیه ایتدردی واروب قنیره به داخل
اولدقند نصکره سردارک وفاتی خبری کلوب ماتم کنان قلوب
سکتوار قرینده غرر غار نام محله چادرلرین قوروب اوتوردی
(علامت عجیبه) برکون غایت اسی وکونشلی ایدی ناکاه هواده برصبت
وصدا ظاهر اولدی شوبله که ایلر اورکدی اتی کوردیلر که بحساب
غراب صفلری چادرلر اوزرندن بری برینه کوروب جنک ایدرک
قنیره به طوغری کتدیله برسا عتد نصکره انک مثلی برکروه قر تال
صفلری عظیم هنگامه ایله چادرلر اوزرنده جنک ایدرک کیر اول
سمته کتدیله کورنلر قیجیده قالدی حسن پاشا بصیرت صاحبی متیظ
آدم ایدی بوبره من عندالله تنبیه و اشارت وایکی بلوک کفار جنکینه
علامتدربوب اولمان اسکندر پاشا حسن پاشانک کتخداسی ایدی
بانهدعوت ایدوب بلغیراده وار سردار کیم اولور سه بره اعلام و قنیره
طرفنه بر مقدار عسکر تعیین ایتدکه اقدام ایله دیوبوللیدی وکندو

قنبره به واروب تدبیر و تدار که مشغول اولدی سکنوار
 و بچوی و پورغه سنجقارینه ذخیره تدارکی ایچون آد مار کوندر و ب
 و کفار طرفته جاسوس یوللدی جا سوس کلوب کفارک عظیم
 جیمینی یانق التدره اوتور زلرود لر نده بودین سویلر نر غایت
 فر نکستان ن سگسان یک فرنگ کله جک ایمش اکابقار لر دیو خبر
 و یردی بهانه جاسوس کوندر و ب خبره منتظر اولدی
 (توجه کفار بحصار قنبره) بوندن اقدم امیر اطور و ما و اسپانیاس
 و فرانسادن استمداد ایدوب التمش یک قدر کا فر یکلر ایله وندیک
 کور فزندن خروات سرحدنه واصل اولوب اتالیان حکمرینه
 پاپانک قنبره شاهی سردارا و لشبدی و بوجا نیدن زرین اوغلی بچار
 واصلو بن وقره هر سک بکری ایله فردیا ندوس قرال مسغور لر
 ملاقی اولوب مکومور یار یارنده وار ز دین منز انه کلوب قرق ابکی
 عظیم طویلر کتوردیلر و شاهزاده بلد کارنده جمله سی قنبره محاصره سی
 روا کوردیلر زرین اوغلی ابتدای شمدی بره لایق اولدر که
 پر تخته و یو بوفیه قلعه لری خسارت و سکش نام و پناه قلعه بی عارت
 ایلوب حفظ و حرا سته عسکر قود قد نصیره قشوار حصارینی
 فتح اید و ز بعده قو بان واکانایع یارقان خلقی پراکنده و پریشان
 اولور لر بعده استونی بلغرادده اولان نمچه و بچار عسکرینه واروب
 ملاقی اولوب اسلام سرداری آنده کلور سه امداد اید و ز اوزریمز
 کلور سه انلردخی بره مسدد ایدر لر دید کسده تدبیری بکنلوب قنبره
 اوزرینه کلکه اتفاق ایتدیلر دیو جا سوس کلوب سرا حسن پاشایه
 خبر و یردی پاشا بو خبری بر فرده افشا ایتوب کفارک بودین
 طرفته حر کتن الظهار ایتدی بکله و آلائی بکله بنه مکمل ذخیره
 و بات و برا عکر ایله بر ساعت اول ایرشه سزم مکومور یله افن اید و
 دیو آدملر کوندردی بکله دخی جمع اولسان ذخیره و عسکر ایله

سکتواره داخل اولش را بدی کفار عسکری بر منزل قنبره قرینه
 کلوب طوپاری یتشفحه اوج کوز توقف ابتدای ترک عسکری
 بودین سمتنه کنسون بر دخی قنبره به پاشه لم هله مقدم قعله خلقي
 نه طالده در کورلم دیو جاسوس کوندر دیلر جاسوسلری کلوب ایندی
 ترک اصلا سزدن خبری یوق انجق احسن پاشا دیره شکله
 کافر عسکری بودینه کیدر بندخی انلردن صکره مکومو رایه
 اقلیده رم دیو خبرو پردکده کفار بوندن مسرور اولدی بعده
 تفصیل اتی البیان اوزره امتحانلر ایدوب حصاره کلد یلر

بذکر عزیمت سردار اسلام بمشپی حسن پاشا بجانب طابور کفار پاشای
 موئی الیه بلغراد ده ایکن اوستونی بلغرادی کفار محاصره ایتدی یکنی
 اشیدرب امداد کوند رمشیدی بعده اوسکه عزیمت اوزره ایکن
 اوستونی بلغراد اندیغی خبری کلوب قنبره دن دخی محاصره خبری
 بری بری اردنجه وارد اولدی اوسکه کار دان پاشا لر بریره کلوب
 مشاوره بلدیلر کیمی قنبره به وارمق لازم دکلدرد بوهر بری
 رسوز سویلدی آخر دیدیلر که بزقنبره به وارد قده استونی بلغراد
 اتنده اولان طابور اوزرینه کلوب ایکی عسکری بریره کتورمش
 اولور زن بعده جواب و یرمک مشکل اولور اولی بودر که طابور چکنندن
 دوشده امداده ینشورز دیو استمالت نامه کوندریله بوموال اوزره
 مکتوبلر کوندربلوب اوستونی بلغراده توجه اولندی جان قورترانه
 وارلد قده امداده کوندریلن بکلر بودین عسکری ایله منفر قوشی
 محمد پاشا استقبال ایتدیلر مشاوره اولتوب حال طابور کفار اوزرینه
 وراق کرکدر بعده قلعه تسخیری تد بیراونه دیو قرار ویرلدی
 بودیندن سکر بدولشقه درت قولنورنه کتور دبلوب غره ربیع
 الاخرده استونی بلغراد صحرانسته وارلدی ایکی میل جوارنده چرقه
 بوغازی دیمکله معروف ایکی طاغ ارا سنده واقع سازلغه کفار

ارقه و یروب اوکنه خندق کسمش کول اباغندن یکمه که اول کون
 کوپری قوریلوب ایرتسی آلایلر ایله طابور اوزرینه وارلیدی
 وحواله اولان پرله طوپلر چقاریلوب مراد اوزره طابوری دوکدیلر
 و طوب و تفنگ چنکی اولدی ایرتسی علی الصباح دریلوب
 اخشامه دك قتال اولدی حسن بکرزاده تحریری اوزره اول کون
 یکچیری قورایدوب کفار بر مرتبه یوریدیکه سرداری یوزوب
 المغه قریب اولمشیدی حق تعالی حفظ ایلدی پچوبیلی ایدر محمد کتخدا
 سکیانی طابور قریبده بر صعب بره کیزوب تفنگ ایله چوق
 کافر قهر دیلر بواشاده کفارک درت پیاده آلائی هر برنده بشر یوز
 قدر کافر واریدی بر قاج ضر برتله یور ییوب فی الحال عسکر اسلام
 چرخه جیلرین صحران اورد یلر سردار زمره سلجهداران کوندردی
 مفید اولدی وقت غروب یقین ایدی طرفیندن دوندیلر ایرتسی
 کیو آلایلر ایله کوپریدن کچیلوب جنگ پرینه وارلد قده کفار مکر
 اول محل تنک و طار دن صقلوب صحرايه چقمق تدبیرین ایتشلر طوب
 غریبه لرین بر اطرافنه دیزوب پیاده و سوار ایاق ایاق یورود یلر یقین
 ایزیشن عسکری طوب و تفنگ ایله دفع ایدرک تانی اوزره کیدرلر
 ایدی بتون کون انجی اوج طوب بتولی قدریر یور ییوب صحرايه چیقیدیلر
 عسکر اسلام دخی ال طاشی ایدر یرده طور در ایدنی به اقلر و صرقلر
 تفنگ قند یغندن ریزه ریزه اولمشیدی وقت عصرده محمد کتخدا
 و بودن بکلر بکسی محمد پاشا کفار هجم ایدوب ایکیسی دخی
 جنگ ایده رک شهید وید نلری معرکه ایچنده نابید اولدی
 حسن بکرزاده و عبد القادر تحریری اوزره روم ابلی عسکری بونلره
 قفادارلق ایله مأمور ایکن محمد پاشا تک مزبور کتخدايه غرضی اولغله
 قفا دار اولدی سار عسکر دخی حرکت ایتدی اما پچوبیلی دیرکه
 بن پاشا یاننده حاضر و جنگه ناظر ایدم مزبور محمد پاشا ییغیرایکن

مربور انك الايلرى وارد قلرى انله دوندكلى براوادی صكره پاشايه
شهيد دوشدكلى خبرى كلوب خير لشمدين وار دقلرینه تأسف ايتدى
مزبور لك سوزى بهتان صريح ديو بازار اول كچه ملاعين
او محله كچه ايوب اتريسى ينه وجه مشروح اوزره آهسته حركت ايله
كيدوب پولاته قلعه سنى بولى اوزره بر بوغازه قوندى وفي الحال بر عظيم
خندق كسوب من بعد اوزرینه وارلدى قرب شتابهانه سبله
دونيلوب روم ايلي بكلر بكسى محمد پاشايه بودين ابالى ضميمه قلندى
طورنه جى باشى ايله درت ييك يكيچرى مزبور پاشايه قوشيلوب
بودين محافظه سنه كوندرلدى انلردى خى طى مرا حل ايله رك سكدين
سمته كلد يلر روز قاسم كچوب فصل شنادا خل اولشيدى قنيره
طرفنه امداد تداركن كورديلر

(ذكر احوال قنيره در محاصره كفار) چون لشكر كفار مكو مورنياه
وبكار و ذخيره شكوتواره گلشيدى بكار بر ساعت اول اير شكه حسن پاشا
آدم كوندروب انلردى خى قالديلر كفار بر منزل برده قوتوب جاسوس
كوندرمشيدى ربيع الاولك سكزنجى يوم الخميسه بش ييك كفار
عسكرى قنيره الله دل المغه كلوب قوشلق وقتنده يچ قوشى
سمتده ظاهر اولديلر حسن پاشا طوپى باشى يه اوليه كه طوب آنه سن
واتلودن بر كسنه چيقيمه زيرا كافرك رادى دل المقدر همان پياده غازيلر
تفنگ ايله جنك ايلسو نلر ديو تنبيه ايدوب قبوله آدم قودى موجب
تنبيه ايله عامل اولديلر اوليه زمانه دلدو كوشوب برقاج كافر وآت
ياره لديلر كفار كبرو دونوب طاوورلر يته كلد كده قردينا ندوسه احوالى
نقل ايتديلر بونلرك قلعه الله وارد يغه اعتماد ايلدى و جوق ازار ايلدى
ايرتسى بكار ندن برينى تعيين ايدوب اوله كه بدل الله سز ديو كوندردى
چجه كوفى صلا وقتنده كلوب قلعه لك طوپى الله كبرد يلر تفنگ
اندازان يلر اوبله نمازى وقتنده لك اسلوب سابق اوزره جنك ايتديلر

بعده کافر طرورب دین محمد حقیقون باری برطوب ائک دیه کوردی
 حسن پاشا تعلیمی اوزره قلعہ ده بردانه طوپمز یوقدر اواسه آتوب
 سیزی اولدر مکدن اجتنابی ایدر دیک دیدلر کفار کر چک صا نوب
 سرورایله فردینا ندوس قراله احوالی سوبلدیلر مزبور دخی
 کفار بکلرین دعوت ایدوب ایرتسی بنه کوندردی اول کون
 دخی اسلوب سابق اوزره معامله اولنوب بو دفعه چوق چنک ایتدیلر
 وطوب ائک قرالمر استماع ایتسون دیون باز ایتدیلر بنه کالاول
 جواب ویرلدی و بر بوند بر قاج کونلک مسافر ز بویله جزیره
 برده انسان فی طورر پادشاه جزک نیچمه بیک بویله پلنگه سی
 وار دیدیلر اما چنکه حسن پاشا بوئدیبری تعالیم ایدوب طوپمز
 یوقدر سوزنی سوبلک دیمشیدی اغاری معارضه ایدوب بوسوزی
 دشتنه سوبلک ابودکلدر اوزریمزه کلکه قصه دری یوغه ده
 طماعه دوشوب کلکه سبب اولور دید کلرنده سوزیمز بی طونک
 بیلد بیکز یورادر بن طوپلری محله صا قلم دیدی کفار کروهی
 دوتوب سرورایله فردینا دوسه ایشندکلی سوزی سوبلدیلر
 فردینا ندوس دخی مسرور اولوب بکلرینی مشورته دعوت ایتدی
 جاسوس کوندرب خبراله لم تحقیق کیدرلر ایسه جله سنی قرالم
 و یانق التنده اولان قرال هر سک ماتیا ش نه طرفه عزم ایدر سه
 اکا کوره حرکت ایده لم دیوب بعضی عرض تدبیر ایتد کده کیمی
 بکتمیوب سکتواری محاصره ایدوب اله لم اوسکه دیک جله قلعہ زری
 ضبط ایده لم بزیریدن انلرا و نه دن ترکاری اورتادن کیدر لم دیدیلر
 زرین اوغلی انده ایدی اکاشن نه دیر سک دینلکده ایتدی بن اساطار
 سلیمان زماننده سکتواره قیامشیدم طشره قلعہ سی آساند رلکز
 ایچ قلعہ سی مستحکمدر هر قلعہ یه قرقرطوب کر کدر و اطرافنده
 اولان کولی سلطان سلیمان یوز بیک یوک پیاغی طولدر دقد نصکره

براولقدر طو پراغی صو اوزرندن آشوب قلعہ پہ حوالہ ایلدی
وزورایله الدی سنک دخی اولقدر فوتکز وار ایسه و ترک عسکری
اوزر بکره کلز سه بلکه بر مصلحت کوررسر اما یلیدیکم بودرکه
اگر بویل قنیرہ بی قورتاره ییلورسه کز بوندن بیوک خدمت اولز
لیکن انده دخی بر ساحر مکار قناتشدراک حیلہ لرینه عقل ایرشمن
بکرمی سنه در بزانت کاسه کاسه زهرلرین ایچمشزدر هر بار که
خستہ لکی یاموقی شایع اولسه در عقب ولایتک برنده ظهور ایدر
نیچه دار و دیار یز خراب ایتشد بر آتشدک کیسه اوکنه طوره میوب
عارضلری اوزرینه حیلہ ایله غالب اوله کلشیدر دیوب خاموش
اولدی فرنگ بکاری دیکلهمیوبوشخص برنم جنکمری کورمشد
یاخود ترک ایله یکدلدر بره قورقوو پردنیوکلاننه وجود ویرمدیلر
فریتانده وس هله یارین واروب قنیرہ انده قونالم اگر ترک
براغورسه خوش والا محاصره ایدہ لم یو بحار خایلری کورسونلر قنیرہ
نیچه اولور اندنصکره انلرک حقندن کلک کرک زپرا هر یرده ترکک
قلیجی صالزل دیو بوسوز اوزرینه قرار ایتدیلر

(آمدن طاہور کفار بمحاصر قنیرہ) ربیع الاولک اون برنجی بازار کونی
هیبت وصلابت مخصوصه ایله کفار خاکسار طبل وکوسلرین ونقییر
ونا قوسلرین چاله رق الای معکوسلریله کلوب قوشلوق و قنشد
نهر برق کنارنده یچ سمتنه قوندیلر اول محله پرزنیچه دن ذخیره
عربلرینک و عسکرینک ایلروسی کورنسی کافراقی کوروب قلعہ
اهلنی کوتورمکه عربہ لکله یوردیدیلر وندا ایتدیلر که ترک یقاسنه
کیسه کچمیه حاضر باش طوروب ترکار قلعہ دن چیقوب
کتد کلرنده ارد لردن ایروب جله سنی قرار بو طرفدن ذخیره
وعسکر با لتمام ایچرو کلوب بکلر پاشانک حضورنه واردیلر
ووعسکر نه مقوله عسکر در اراده جنک وجدال یوق دید کده پاشا

لطیفه یوزدن مسافرت کیشلر در بحمد الله چونکه سز ایرشد بکر
 بوند نصیره اسی قار پوزل ایله ضیا فنلرین السونلر دیدی طوپلر
 آتلد یغک حکمتن بوراده بیلد یلر طوپلر آتلسه قلعه یه ذخیره
 وعسکر کیره مز دی دیدیلر بعدره حسن پاشا طوپچیلری یاشنه چاغردی
 بو قلعه ده نه قدر طوب وارد دیدی بیوک و کوچک یوزه یقین طوب
 وارد دیدیلر ایتمدی جله سن حاضر ایدوب کلبانک محمدی چکلد کده
 ابتدا بیوک طوب به آتش ایدوب بعده جله سنی براوغوردن کفارک
 ججه کاهنه طوغری آتیه سزدیدی پس جله طوپلری طولدیروب
 منتظر اولدیلر پاشای موی الیه ایکی رکعت نماز قیاب دما ایتدی
 بعده وجه مشروح اوزنه ابتدا بیوک طوپه و صکره جله طوپلره
 آتش وروب زمین نرزه به کلدی کفار بر برینه کوروب نه اوغراد فلرینی
 بیلدیلر فردیناندوس قرال درت بکلریله اوتوررکن اوچنی طوب اوروب
 هلاک ایتدی و نیجه بیگ نفوس ضایع و تلف اولدقد نصکره چادرلرین
 قالد یروب صوی کچمک اردنجه اولدیلر غازیلر چیقوب اخشامه دک
 عظیم جنگ ایلدیلر و برق صوبنی کچوب سکتوار یا قه سنه قوندیلر
 کفسار بکلری فردیناندوس قراله کلوب کوردکی ترک بزه نه آل ایلدی
 ایتدی بونلره امان و یرمیوب جله سن قرالم عاله موجب عبرت
 اولسون دیدیلر قرال ایتدی کوره یم سزی انتقام کونیدر و طوپلر
 دیزوب متر یسه کیردیلر

(ابتداء محاصره) اولواوچ پاشا به روس طوپن اندیلر که بری قلعه آشوری
 کتندی ایکنی طوب حسن پاشانک سیرا نده براوجا غنه اوردی
 و سکتوار بقا سنه سکدی کتدی اوچنی طوب یکچیری افغانی
 سفراخانک اوطله سنه اوغراد ایما کسنه یه ضرر ایتدی بعده قرق
 ایکی عظیم طوپلری التی یردن قوروب کاهی جله سنه بر یردن آتش
 و یردیکه شدت ضربیدن قلعه کشتی وارلرزان اولوردی مقدا

حسن پاشا ذخیره ایله بشیوز قدر سر آخوری البقو یوب
اوسکرل یی دفتر ایله هر اوجاغه تعین ایتشیدی و باقبسی چیقوب
کتمشیدی

(ارسال خبر بسمردار) چون کفار قلعه یه کلدی حسن پاشا اعبانی
جمع و مشورت ایدوب کر چه باروت و ارسویه احتیاج یوق ذخیره مز
دخی کفایت ایتسه اولور شمعی بزه لازم اولان سردار بلغر اددن قالقمیدن
احوالی اعلام ایتکدر بنیم بر آدم کیدر بیکهری اوجاغنیدن دخی آدم
سکرک دید کده اوطه باشیلردن محمد واحد تعین اولاندی
سرحد غازیلردن قره پنجه دیمکله معروف بربکت که هر دلی ییلوردی
اوطه باشیلری یا نه الوب اوغرین قیودن چیقیدی صباحه دك
سکستواره دوشوب اندن شقلو بیه دردنجی کونی بلغرا ده واروب احوالی
سرداره اعلام ایلدی سردار دخی بعد المشوره حسن پاشا یه
مکتوبلر یا زوب بزدخی وارمق اوزره یز دیو یوللادی بونلر
کلوب قلعه محاصره اولمش قوش اوچماز کوردیلر اوطه باشیلر
سکستواره قالوب قره پنجه تبدیل صورت مکتوبی ایچرو ایلندی
محصور اولنلر اوقیوب سردار امدادیمزه کلور امیدنده اولدیلر

(احوال قلعه) بو طرفده کفار هر کون حصاره ییکرن متجاوز طوب
اوروب دیوار لری منهدم اولدقجه غازیلر لحاف و جامه خوابلرین
طولدر مقله هر شب کدکدرین منسدا یلردی و حسن پاشا هر برینه
استقامت و یرردی مقدمایه فتنه قدر قبول قیامیوب غازیلر طشره دن
جنگ ایتدیلر و حیوانات دخی چبقار کرر کرکن کفار بردل و حیوان
آلغه قادر اولدی اندن صکره کفار محمد ککندا کچدن کچوب سکستوار
یاغه سنده اون درت برده متریس قوردیلر و بش طوب ایله الی بیک قدر
عسکر بیج یقاسنده قالمشیدی بعده برق ضوین ساز ایله طولدر مقه
باشلوب اوزرینه چپوقدن لسه دوشه دیلر و قلعه دن یکاسیتلر قویوب

ایچنی اوزون اودن ایله طولدر دیر تمام خندق باشنه کتوروب بیوک
طایبیه باغلدیلر و خندق عرضنه کوره برکوپری دوزوب قلعه اتلی
چام واروللری ایچنه عربیه دینکلری کپی ایکی آدم بوروده چک قدر
اولوب سوردیکه اول واروللر نکرلک واری دوزدی تمام قلعه دینه
کلده ایکی تیور چنگال ایله قلعهیه محکم ایلشدیر و بئناکه کوپری
حرکت ایتمه بونک اوزرینه قرق کون بکوب هنوز کوپری صویه
سالحدین حسن پاشا برقاج فدایلری باقعه کوندردی برکوپر
سفینه ایله کیجه واروب کفار سر مست خوابده ابکن فقط ایله
آتش اور دیر اوزرنده اولان کفار ایله کوپری بر ساعتمده
بر باداودی

(استمداد از سردار) بوندن اقدام حسن پاشا تکرار مکتوب بازوب
فره پنجه ایله سرداره کوندردیکه البته باری سکتواره داک کلک
برکوسز تا که محصور اولان عسکره قوت قلب حاصل اوله والا قلعه
الدن کیدرسه بردخی التزم کره جواب ویره نرسدیمشیدی بزبور
دخی اوغرون قبودن خبیبوب سکتواره اولان اوطه یاشیلری
الیدی و اوسکده سرداره واردی سردار مشاوره د نص کره
اوستونی بلغراد ده طابور اوزرینه کتمکی مقرر ایدوب دونشده
امداده بتشوریز دیو استمالت نامه ویردی اوطه یاشیلر کیرو
سکتواره فالوب فره پنجه ایچرو کیردی تنها مکتوبی حسن پاشابه
ویردی مفهومی معلوم اولدقده آخر مکتوب یازدیروب وافر نوازش
وتحسینده نص کره بردخی واریق اوزره یوز معناسن درج ایلیدی
ایرتسی دیوان ایابوب سردار عظیم الشانک مکتوبی دیونکریم ایله
اوقوتدی خلق کرچک ضانوب جان کوکلدن دین یولنه باشمز فدا
دیوب ثابت قدم اولوب عسکر اسلام کله سنه منتظر طور دیر
(تدبیر کفارای حصار) چون کوپری یاندی تکرار سیحان بوللرینی یکریم

كونده طوادر و بركو پرى دخی بایدیلر طایفه یانیدن صوبه صالحیلر
 حسن پاشا بر قاج غازیلری تمین ایتدی کیجه ایله بر چنکاله اورغان
 باغلوب اوچنی بری کتورد یلر و چکوب اوزرنده اولان ملا عین ایله
 قلعه یانته الدیلر کافر لوطوید قده صوبه دو کلوب غرق اولدیلر بودخی
 کفساره رخنه اولدی بعده چامدن کیلر باپوب اوزرینی بایدیختنه سی
 دخی اوزرینه کون قایدیلر تا که تغنک و خیره کار ایتمه بعده برق
 صوبی باشنه ایندیروب ایچنه یوزر آدم کیردی و بواشاده کیجه
 عظیم شتک ایندییلر حسن پاشا قنیره التند اولان یکجده آدم
 کوندر و ب کفار کچرکن کیجه ایله ایکی دل الدیلر برینی تنها کتور و ب
 سوبلند کده کفار استونی بلغزاده کلوب الدیغنی و شتک انکیچون
 اولدیغنی خبر وردی حسن پاشا ایتدی نندر که شمدیه دك آلمان
 دللر جله سزك طایفه نندر عسکر بکر ده مجار و خروات یو قیدر
 جواب و یردیکه مجار ترك ایله بردر دیو قلعه یانته اوغرا تازل پاشا
 دونوب مجار عسکرینك عددینی صورت قده خرواتدن غیری اونوز
 بیك مجار وارد دیدی بعده اتی چقاروب اول بردی کتورد وب سوال
 ایتدی اولدخی انك کی سوبلندی حسن پاشا طشره کوتورک و باشلرین
 کسک دیو آشکاره ایله اشارت ایتد کد نصکره بشلی اغاسی قره
 عمر اغایی چاغروب تنها جه دیدیکه وار بونلری قلعه ده اولان
 یوزاللی پاندر و بشبوز مجار سراخوری ایچندن کچور و بونلر مجاردر
 و اوج کیجه ده برنوبت ایله بیك فدایی مجار ایچرو یاردیمه کلور
 بن دخی سزدم کورچکدن کلوب پاشا قولی اولشم الم التند بیك قدر
 آدم و یو قدر مال و ارزاق وارد بر اغوب کیده م اما قلمه بی السمل
 حظا یدرم لکن سزك ارا کزده قلعه اندیغنی استیجوق آدم وارد
 و یو قلعه ده بر بلاق ذخیره وارد و باروت و اونوز بیك ترك وارد
 مکر بونده قبشلا یوب یوز اوزرندن بر حال ایده سز و پاشا من شمدی

سزى اولدرمكه امر ايلدى بن مانع اولدم غيرت تريبه واردر سزى
آزا دايديم كورد بىككزى و بنم خير خواهلغمى ضابطلر بكنه
سو بلك ديوتعليم ايدوب كوندردى قره عمدخى پاشانك تعليمى اوزره
ايدوب اول ايكي كافرك اللرينده برقمقد اريساض اتمك ويروب
كى ايله كو يا مخفيجه عسكر لينه كوندردى مزبور ان دخى
فردينان دوس قراله واروب احوالى اعلام ايتديلر قرال غايت منام
اولوب و نتيجه سنه اطلاع انتظاريله حيرتده قالدى

(احوال رأس كخند او منقر قوشى محمد پاشا) بواشنا ده
برككون سكرى كفاطرفندن بر آواز طاهر اولد بيه سزى كله
جوايز واردر طوب آتمك جواب نه در ديديلر امدى باش اوله سزى كه
سردار عيشي حسن پاشا استوفى بلغراد التنده بوزلدى و قلعه ي
الاموب دوندى محمد كخندانك و بودين پاشا سى محمد پاشانك
باشلرخى بنم سردار عيزه تبركا كوندردى ايشته ايكنسك دخى باشى
ديو قلعه قارشوسنه ديكه قوديلر و ديديلر كه يار ين يوقارودن جله
عسكر عيز بونده كلور سزى كچه طيانور سزى سردار يكر بوز يلوب
كشدى كلك قرالك قلعه سنى و برك قتلدن خلاص اولك حسن
پاشا براهل كيق معاند آدمدر سزى جله تلف ايتك استر
سزى كا باقبوب باشكرى و مالكرى سلا مته چيقارك قرالك عهد
وامانى واردر يار ين استوفى بلغراد دن هر سك ماتپاش كلك كده
سزى امان و برمز اكر بو باشلره اينامز ايسه كز محمد پاشانى و محمد
كخنداني يمللردن بر كسنه چيقوب نظر ايتسون اكاضر رطوقن
و قراليز انعام ايدر ديديلر

(جواب باصواب حسن پاشا) اهاالى قلعه بو قضيه نك
استماعندن متغير او اوب بود فعه حال مشكل اولدى سردار
بوز يلوب كفار كلكدن صكره ذخيره و باروقن از قالدى حال نيجه

اولور دیو حسن پاشا به کلوب مزبور کافرک سوزین نقل ایتدی یلر
 وچاره و تدبیر کونیدر دید یلر حسن پاشای عاقل ایتدی ای غاز یلر
 معلومکز در که اول ملا عین سزى قایر دیغندن نصیحت ایتدی
 اول باشلردن و کافرک یاغره سندن هیچ اوشمک بیلش اولک
 سزه بر قاج سوزم وار بندن یکا قولا ق طوتک بوملعونلرک کوستر دکری
 باشلر کر چکمیدر یلانمیدر اولاقره پنجه یی کوندره لم صحیح خبری
 کنورر صحیح اولدیغی صورته بر قلعه به انلر ایچون قیامد ق
 پادشاه صاع اولسون همان برادنی قولنه بیورسه انلر کی اولور
 بزم قیایوب ثابت قدم اولماز دین اسلام اوغریشه وحق یولنه در
 اما قلعه نك ان شاء الله تعالی النیجه جفنه بر قاج دلیم واردر بری
 بودر که ابراهیم پاشا بو قدر کون دو کوب الامیجی اگر حق تعالی
 فکحی مبسر ایدر سه مدینه منوره به وقف اولسون دیدی بعده
 قحی مبسر اولدی مر جودر که اول سلطان انبیایه وقف اولان
 کافره دوشمبه وپردخی کفار خاکسار بیع الاولک اون ایکنجی
 کیجه سی پیغمبر مژک ولادی کیجه سی کلوب محاصره ایلدی
 سرور انبیا حضرت نبری عالمه رحمت ایچون کلد بیکی کیجه حرمتنه
 بو قلعه ده محصور اولان امتی دخی امبسددر که رحمتدن بهریاب
 اوله بری دخی بوکه هراخشام کلبانک محمدی کتوروب الله الله
 دیدیککرده طشره دن کفسار قرق ابکی پاره طوپنی پراوغور دن
 انار که قلاعه دنه چوق آدم قیامشدردیمبر حق تعالی نك اسم شریفی
 حرمتنه غیرت الهیه ظهور وحق تعالیدن زجا ایدر مکه قلعه
 النمد یغندن غیری کفار خاکسار عسکری طوپلرین چکوب سلامته
 کیده مبسه لردیدکده خلق منسلی اولوب سوزنی قال طوطدی یلر
 و دپدیکه متریسدن چاغرن کافره اصلا جواب ویرمک زپرا سوزدن
 آشلاق کسب اولوب مغلوب غایبه میل ایتک امور طبعیه دندر

وهمان قلیچ کو سترک و ممکن اولوری که برکنه اول باشلری صوبه
دوشوره دیدکده پچو یلی بهرام چری باشی ایلر کلوب همتیکزایله
اکا طوب کوندوره ایم دیدی حسن پاشا ایتدی کوره ایم سنی ایشکی
الله راست کتوره اولدخی واروب باشلره مقابل بلبل طوبی دیمکله
مشهور طوبی ائد قده ایکیمی دخی صوبه دوشدی کافر زهر بوتمشه
دونوب شتم ایدر کتندیلر حسن پاشا اکا بواش مقابله سنده
برنجار ویدی کفار فردیناندوس قراله واروب واقع حال ییلدر دیلر
غضبه کلوب هرکیم قلعهدن بردل کتور رسه اون پاره کوی
ویره ایم دیدی ملاهین جد وجهد ایتدیلر بعون الله تعالی قادر
اولدیلر

(آمدن هر سک مائیش) اول کونک ابرتسی علی الصباح
اشکر کفار حرکت کلوب پیاده و سوار قومران طرفه توجه
ایتدیلر اویله وقتنده هر سک مائیش ایلاری و اغریخی کلوب
چادرلی قورلدی کروه کروه قوندیلر ملعون مزبور بر عظمت
و غرور ایل کلدیکه عسکر اسلام کویا کوزینه ذیاب مثابه سنده
کورینوردی بعده بر عظیم دیوان ایدوب جله احوالی اورطایه
کتوروب سويلشدیلر قنیرنه دن صحیح خبر ویرمه برکنه قادر
اولدی فردیناندوس قرال اغلیوب عمرمه بن بونلر کی قوم
کورمدم هزاره که ایچر و سوز سوز یلنسه قلیچ کوستر ررل دیدی
یا ترکی نه سويلد رسن مکر سن یختیمی سن یا خود جنک احوال
یتلزی سن بن یوفا روده استونی بلغراد کی قلعه بی الوب ترک
هیکری ایله بو قدر زحان جنک ایدوب بلاو باشلو نیجه کسنه لرین
کسنده سن اوج آیه قریب زماندر بر یلنقه المغه قادر اولادک
دیوارارنده نیجه قیل وقال اولادی اول محاصره ایدن ملاهین
بز قلع ایدر مدک کیر و چکیلر سن متر بسلره کیروب فتح ایلک

دیمکله از اناخ ایند یلر بعد مایاش تکرار حصا رجا نینه آدم
کوندروب سردار بکر سکنواره کندی یانکر بزه فارش و طوره مدی
برایکی عظیم هسکر بره کادک بدی قرال بوند موجود در ستره
سلام ایتسد یلر می ادیکر بادشاه کره خدمت ایسه انجق اولور
شمدن صکره قیشد قرالک حصارین ویرک ستره بریدن ذخیره
وامداد کلک اجماعی یوقدر صباغ واسن چیقوب کبدیکر اصلا
رقلیکزه ضرر و زیان کلزد یوملا بمتله وافر سوز سوبیلدی و کرم ابلاک
بزه بر بلا و جواب ویرک دیونیا زایلدی قلعه دن قلیج کوشتر و ب
ملعونی تفیکه طوتد یلر بالاخره شتم ایدرک کندی زیراترک بوقدر
عسکری کوروب خوفه دوشمشد رو اگر شمدی بر جواب
و پرر ایسه ضعیف نیشه وحصاری تسلیم ایدجکلر بته دلیلدر دیو
تجربه ایچون کلشیدی د و نوب قلعه خلقتک بو وضعنی دیدکده
مایاش غضبه کلوب یارین یورو بش ایدلم و قلعه بی الوب جله سنی
قتل ایدلم دیدی

(هجوم لشکر کفار بر حصار قنبره) طوب ضرر بندن قلعه نک
اکثریری خاکه برابر اولوب صواوز رنده انواع حبله ایله کوپر یلر
وطاییدلر احضار ایتشلر ایدی وقرنده یاپد قلمری کیلری دخی اولکون
صویه صالوب یورویشه ندا و برکسنه چادرلرده فالسسون دیو تنبیه
ایتدیلر و ایچرو دن دل المغه اویخ آدم کوندروب قلعه البته
کادیلرو قلموری کوشتر و البته برایکی ترک کلوب بزی ایچرو
کوتور سن مسلمان اولقی استرزدیدیلر حسن پاشا دل المغه
کلشاند ز فلان طوطه آتش ایدک کوره یم سزی دیدی نشانه
الوب آتدیلر ایکی سنی کوروب بری یره دوشدی قرال غایت
الم چکوب ایکی یسک سکر یوز سرذن کچدی فدایی کافر
یازدی و هر کیم بدنه چقار سه اون پاره قریه و یره و جسم

پاشای کتور نه قرق پاره قریه تملیک اید . یم دیونجه وعدل
ایتدی ایتسی بازار کونی بورو یش مقرر اولدی
(تد بیروزیر حسن پاشا) چون کفار کیلری صویه صالدی
حسن پاشا اول کیلر کله جنک یره قارشو قلعه نك
طولمه سن یاروب بال یمنز طولیلر قودی وصاچه ایله
طولد یروب بعده وجوه عسکری یانته چاغروب خیر
دعال ایلدی هر یرینه استمالت یروب ای فازیلر کفار جو قلفندن
اوشنک ان شاء الله فرست برمد ر هر بار که کفار اهل اسلام
اوزرینه نارفته ایقاد ایله حق تعالی کند و لطفندن اول آتشی
سویتد یر کور یم سزی دین اوغزینه دلیرانه طوروشوب جنک
اید . لم اولنلر بمن شهید و غازیلر بمن دنیا و آخرتده عزیز و سعیددر
هر یریکز قوللوقولیکزد . حاضر باش اولوب طوب و تفنک وادوت
حرب و جنک ایله مهیا طورک کفار یورید کده مردانه دیره نك امیددر که
بوند بیرلری راست کلمه دیو نصیح و تحریص ایلدی اندن جمله
غازیلر بربریه و توابع ولوا حقاری ایله بودیع و اسفلال و حقوق نان
و نمک و سایر خدمت و امک و حق آخرت و رسم ابوت و اخوت اولکه
قاعدیه فتودر حلال ایتد کد نصکره مایینلرند . عهد و پیمان
بو منوال اوزره منعقد اولدی که مادامکه تیغ بران ایله هر صه
هیچا ده جیعا کله لر غلطان اوایه بو حصن و یرانی عدوی بدکانه
و یر دیوب اولنجه جنک اید . لر بو قول و قرار دنصکره غازیلر
قوی القلب اولوب برلور یرته واروب کوکره مش ارسلان کی
مقاملرند . ثابت اولدیلر بو طرفدن کفار دخی کیجه ایله جبه و جوشندن
کیوب فوج فوج بیرا قلا ایله متریسلسر . طولدیلر و اول کیلر
فدایی سردن یکدیلر طولوب صباح یری اغارمغه باشلدقده
اشارت طوپنه آتش ایتدیلر شدت ضرر بندن زمین و زمان
حرکتد کلدی سکتوار قیوسی بلند . قرق ایاق دیوار دن یکوب

محمود چور باجی اوطه سندہ قرار ایلدی در عقب لشکر کفار دتر
 طرفدن هجوم ایدوب کیلری پورتدیلر تمام قلعه خندقنه قریب اولدقدہ
 ایچر وده مقصد م حاضر ایتد کلری طویلرہ آنش و پردکلرندہ
 بعون الله تعالی هر بری کیمین اورطه دن و کینی صویہ برار
 اوروب ایچنده اولان ملاعین ایله صویہ غرق ایلدی کفار بوحالی
 کور بیک بلاری بوکولوب نفسلری طوتلدی کیر و غیرت جاهلیہ بی
 الدن قومایوب بذل مقدور ایتدیلر غزات اسلام بوکثرت و از دحام
 ایله هجومی کوروب براز خوف و هراسکه ذات عیون ناسدن
 کوکلرینه طاری اولدقدہ در حال و زبردلیر حسن پاشا عسکر اسلامه
 قارشو طوروب (حرض المؤمنین علی القتال) خواستجه اغرای
 غزات و تحریر یصکات ایدوب ارسلانلرم غیرت و حیث کونیدر
 بوز چورمک بر ساعت ثابت قدم اولک شمدی کفار خائب و خاسر
 مقهور اولوزدیونجه حکیمانه نوازش و تحریر یصکات کروه
 مجاهدین دخی غیرت کمرین در میان و جان و باشلرین دین بولنه
 الله تعالی یه فدا و قربان ایلکی بیدریغ طوتوب هر بری هر بر غضبان
 کی حاضر باش طوروب قلعه یه یورون کفار ایله عظیم صولش
 ایلدیلر رئیس راجلان و سردار یکچریان سفراغا دخی زبر و بالای
 حصاری پرکار وارد و ایدوب دفع مضرت اعدا ایچون اسعی
 بی پایان ایلدی مزبور سفراغا اول وقت سکبان باشی ایدی صکره
 پاشا اولوب اشتہار بولشدر قلعه دن اتیلان طوب دهشت نشان
 کفاره شراره فشان اولوب کروه کروه ملاعینی جانب نیرانه کوندردی
 صبت و صدا جنک آوران وهای هوی ار باب طغیان و آوازہ طبل
 و نفیر و شمشیر و تیر صاعقه طوب و تفنگ رعد آهنگ
 و نمرہ اهل جنک بر مرتبه یه واردیکه زمین و آسمان لرزان اولوب
 (مصراع) صناسن قویذی اول یرده قیامت * و الجاصل
 بو جنک و صواش اشتدا دندن هفت آسمانده ملائکه رخا ن

نظر عبرتله ناظر و نکران اولوب احزاب مشرکینک انکساری
حضرت رب مستعان طرفندن رجائیدر لدی قبا قوشلانی
وقتیه دیک جنگ وجدال اوزره اولوب بالاخره عنایت باری یاری
قیلیدی کفارک یوزی دونوب جمعیتلری پریشان و اون سکر بیک
قدر کافرین نام و نشان اولدی برنج و بارویه طرمانوب چقمشیکن
بوز یلوب طابورلینه فرارایتدیله اینجه قره اجدانام طوپیچی باشی
اول کون جمهور ملاعینه پرتاب ایلدیکی طوب باذن الله تعالی خطا
ایلیوب جمعیتلرینی سوقاق سوقاق پریشان ایدردی پایا فرنداشی
تفنگ ایله اوریلوب صکره مرد اولدی اوتوز بیک عسکر صاحبی
برملعون ایدی معرکه آخر اولدقد نصکره غازیلر جله حسن پاشا
حضورینه کلوبال اویدیلر و مبارک باد غزایتدیله اولدخی جله سنه
توازش و انتفات کوسقرو ب هرار تحسین و آفرینلر و خیر دعا
ایلدیلر و یوزوریش معرکه سند نصکره غازیلرک کوزی آجیابوب
کوکلری کشاده اولدی و مها بیت کفار قبلرندن زائل اولدی
هر بری سدا سکندر کپی قوی القلب اولدیله و کفاره تکرار یوروش
ایده لردیو رجا اینکجه باشلیدیلر و خوف و خشیت کفارک قلبه
مستولی اولوب بعون الله تعالی من بعد یوزویشه اقدام ایده مدیلر
(نصیحت) بو مقوله امور معظمه جهاده پیشوای عسکر
اولان طاقل و بویله کاردان مدبرود که بریا یغریه وجود ویرمر
ثابت القلب بهادر کرکدر که یاندیه بولنان عسکر دخی فعلنسه
اعتماد و قولنه اعتقاد ایدوب ثبت همتی ایله شجاعتلری
مستحکم اوله و اتحاد قلوب و اتفاق کلمه ایله بر مصلحت کوریه
و بویله اوقات ضعیفه صبر و ثبات اهم مهماندندر (ورب حیلۀ نفع
من قبیله) مضمونی اوزره طرایق حیلۀ عجیبه و صنایع غریبه
استعمال اینکجه چوق فائده واردر

(مشورت کفار خاکسار) بودند نصکره مایاش و فردیناندوس بکری دعوت ایدوب سرانجام امورد . مشورت اینلدیلر بوقلمه نك صوی چوق لکن آچلق ایله خلق زبون اولور ترك عسکری کلورسه دو کوشورن بوزار سق قلمه خلقنه خوف دوشر قلمه بی ویرلر اولماز سه قبشلا رز لکن هوالر بوزلسدین طوپلری کونده ام دینشکن مالطه حاکی دویچوان ایتدی شمدی بڑطوپلری قالد ر سق ایچروده ترك بڑی آدم یرینه قومز و ترك عسکری سکتوار دن اوزریمزه کلکه نپلری یوغبسه ده ایشند کلری کبی کلورلر طوپسز قارشو طوپو رامرز زیر قلیجه کلد کده بڑم حالیمز بلاودر همان اولی بودر که اولکیدن زیاده طوپلری حواله ایده لم اصلاکوز آچدر میالم ذیو اتفاق ایدوب ضرب طوپی مشند و قلمه اطرافتی مشند ایلدیلر و کونده ایکشیر یسک دانه اتار اولدیلر قلمه نك دیوارلندن اترقا لیوب طایسه کبی ساده طوپراق یغسلری شکلنه کیردی خانه لرایسه خاکه برابر اولدی لکن غزات اسلام اقدام نام ایدوب کوندز یقیلان کدکلری کچه پیارلر و حصارک داکلرین و دشکلرین قبارلرایدی اما کفار کوندز آندیغی کر ترزدن کچه دخی اکسک ایتیبوب علی النوالی طوب آغله چوق کسسه شهید اولوردی

(تدبیر باروت) بواشاده قلمه نك باروق دو کتکه فریب اولوب حسن پاشا طوپچیلری و دیرنداری دعوت ایدوب بوبابده مشورت ایتدی و دیردار ایتدی جبه خانه ده کفار دن قلمه بی نهاییه کبریت و کوهرچله وارد باروت اواقی ممکند ردید کده تفحص اولوب محافظه ده اولان یکچیر یلردن بشنی اغابلو کنده اوزن احدن عجمی اوغلانی ایکن یازوت کارخانه سنده ایشلشدی ایلرو کلوب بوقلمه مهارتم وارد کبریت و کوهرچله اولیق آساندر کورک

ابوسی قندق اغا جندن اولور سكوت دخی ال ویر دیدی قلعه اطرافی
صافی سكو تلك ایدی كسوب کو مر یا قد یلرو کو تکلرندن برهاون
ییدا ایدوب برفاج كسنه اول خدمته تعیین اولندی وهر کون مراد
اوزره باروت یتشدیرر ایدی

(فرار خدام حسن پاشا بكفار و تدبیر عا قلانه آن مردر کار گذار)
بو یور یشدنصكره بر كیجه حسن پاشا لك ایچ اوغلنلرندن اصلی بحار
ایکی كلارچی اوغلان قاچوب اوغرین قیودن چقوب اصلنه رجوع
ایلدی بونرك فرارندن خلاق اضطراره دوشوب قلعه احوالی
دشمنه اعلام ایدرلر دینلد كده حسن پاشا ایسم اولك انلرك تدارکی
كور یلور ذیو غاز یلره تسلی و یردی و دل آلمه تقید اصم لندی كچید
پاشنه واروب برفاج كافر كتوردیلر حسن پاشانو بت ایله كتوردوب
ایتدی ایکی اینان آدم كوندردم واروب قرا كنه بولشدیمی بیلی
دبوب سویلد كلرینی نقل ایلدی قرا ل بونره عسكر عددنی
صور دقده بیلر زنهايت آدم چو قدر اما ذخیره لری اذردهمان
فرست زمانیدر طو یلری اورك دیمش لرتكرار حسن پاشا بز ایچی و دن
كلینا لك كتوردی كمر نه مقدار آدم تخمین ایدرلر دیو سوال ایلدی
كیمی یكر می پك كیمی او تویك تخمین ایدرلر دیدیلر پاشا ال ایله
باشلرین كسمكه اشارت اشد كد نصكره قره عمر اغایه اولکی اسیرلر
کی معامله ایتمکی تعلیم ایتمش اینمش عرا غادخی بونلری بن قتل ایدرم
دیو جلادالندن آلب تنهایه كتوروب بن سزدم اولکی اسیرلری دخی
بن قور تاردم اول ایکی اوغلانی پاشا قصد ایله كوندردی كه قلعه لك
ز بونلغنی سوبلیه لراوله كه قشله یالرز براسك ستوارده اولان عسكر دن
آدم كلدی و بحار عسكری ایله دخی اتفاق اولندی انلر طشردن
بونلر ایچی و دن چیقوب بسرداردخی سز می شیخون ایتسه لرك
ولیچ و ده اولان بحار عسكری نو بت ایله اوج كیجه ده بریكر آدم

کلور کیدرامدی قراله بندن سلام ایله خافل اولسون قلعه ده بر یلاق
 ذخیره و باروت واردرا کا کوره حرکت ایتسون دیوب الارینه بر مقدار
 باز اتمک و یروب صالیو یردی اسیر لرخی واروب چله احوالی قراله
 دیدکلر نده یحضور اولدیلر بوند نصکره حسن پاشا کا تب کتوروب
 سرداره خطا بامکتوب یازدردی عادت اوزره تعظیم نصکره بوندن
 اقدام سزه مکتوب کوند روب الحمد لله تعالی عسکر یمن وافر باروممن
 بر مقدار ازایدی کافر دن فلان کبریت و کوه چله دن هر کون ابکی
 فقط باروت بایلور و ذخیره مز وافر اوج آی رایکان یت نهایت
 مجار عسکر یله اتفاقز واردرا نلر ایله خبر لشوب سز دخی اولوقنده
 کلک ایچون کو چکدن اوغل یرینه بسلد یکم کنعان و خندان
 نام ابکی اوغلانی طشره کوندردم مجار قومله مخفیچه سولشوب
 قراله قلعه نك خطلغنی و باروتی اولدیغنی و دبلد کلری یلانی
 سولوب یتنه فرصت بولدقده قاجوب کلک دیوا صبرلدم اوغلن لرخی
 فرار صورتنده چیقوب رتد اولدق دیو کافر لی ایناندر سه لر کر کدر
 ابدی سز حاضر اولوب اولوقنده ایر شمکه سعی ایلیه سز و خندان
 و کنعان نه خبر کتور لر سه کا کوره اعلام ایده رزو السلام بومکتوبی
 مهر لبوب بر اطلس کپسه یه قویوب اوزرینه مشمع بعده
 مشین دیکوب بر عبا قایلین ایچنه قودی وقره پنجه یی دعوت
 ایتدی بومکتوبی کفار ک اردو کا هته براغه سن اوله که بولوب
 سردار لینه ایلته لر و سن بر آن طور بوب سرداره واره سن عسکری
 قائد یروب کتور مکه سعی ایده سز دیو بولدی مزبور دخی مناسب
 اساس ایله اوغرین قیودن چیقوب بومکتوبی بر مناسب یرده چا موره
 بولشدروب براقدی و کندی و سکتواره کندی باذن الله تعالی پاشا کا
 تدبیری تقدیره موافق کلوب اول عبادن قایلینی بولد یلر سوکوب
 مکتوبی کوردکلر نده طوغری قراله کتوروب کوردکی ایچرو دن

سرداره کوندره شلر کیدرکن کیم ییلورنه حال اولدی که دوشر مشلر
دیوب آچوب او قید بلر مغموی معلوم اولد قنده کور دکی اول
اوغلنلر جاسوس ایشلر هله تجربه ایده لم دیوب اوغلنلری کتور دیلر
سمن پاشا نکه نه خسد متنده اید یکن آد یکن نه در دید بلر انلر دخی
بریمرخندان و بریمز کنعان بزی کوچکدن بسلدی سنت ایتدی لکن
یز مسلمان اولدق بنه بابامز ک دینه کیردک دیدلر بزم جا سوسمز
کلدی ایچروده باروت بوغش بر حریف باروت دوکر مش کرچکمیدر
دیو صورت دیلر اوغلانلر اوت کرچکدر دیدلر یاسمز بزه باروت یوقدر
دیمشید یکن نه کلدی بکنر معلوم اولدی دیو جلاده ویر دیلر ایکسنگ
دخی باشنی کسوب قلعه یه قارشو دیکد بلر وچا غروب باقه اردک
حسن پاشا حسن پاشا آل خندان ایله کنعان اوغلنلرک باشنی سرداره
کوندر دیکک مکتوبک دخی طولندی واحوال بلندی بوکره قلعه
خلقی اوغلنلرک باشنی کوردکده بی اختیار کولشدیلر و حسن پاشا نکه
حکیمانله جمله سنه تحسین ایتدی بلر اما بر روایتده اوغلنلر عزاغا
وسا طئیه اطلاق اولنان اسیرلرک سوزی ایله قتل اولندی اول اسیرلر
واروب عزاغا کفارک خبر خواهی اولق اوزره پاشا ایکی اوغلار
جاسوس کوندردی دیو خبر ویردیکنی قراله سویلدکلری کون اوغلنلر
قتل و قلعه یه قرش و صلب اولندی مکتوب قصه سی بو منوال اوزره در

❀ قدیاره کیمسی عرعر دیمش کیمی الف ❀

❀ جمله نکه مقصودی برامار وایت مختلف ❀

(قصه مکتوب حسن پاشا). برکون پاشای مشارالیه بکلری
وضابطلری دجوت ایدوب ایتدی بو کیمیه قلعه ده نه قدر طوب
وتفنگ واریسه اشارت زمانده شتاک ایچون حاضر ایلاک انلر دخی
نوله دیو حاضر اولدیلر کیمیه نصف الایله اوج دغه کلانک
ایله طو یلره آتش ویروب عظیم شتاک و شادمانلک ایله های هوی

اظهار ابتدا یلر سرخوش کافر لر بکلیوب آت از قسه سنه کلد یلر
 واصلی نه اوله دیو درت طرفه مترقب طور دیلر بو طرفه حسن پاشا
 قنبره دفتر داری شعبان افندی بی چاغیروب بر اهل قلم منشی
 آدم ایدی ایکیسی تنها قالوب وزیر بر مکتوب بازدردی مضمومی
 بوکه سکتوره کلش سز قدو مکر مبارک اوله بزه ارسال ایلدی یکلر
 اوجوز الی یکجیری فلان اغایله و یوزیک التون و یوز قنطسار
 یاروت و سکسان قنطسار قور شون و یوز قنطسار بکسماط دوشنبه
 کیچه سی نصف الیلده کلوب دشمن خبردار اولدین محمد الله
 تعالی قلعه به داخل اولدی لطف ایتمش سز لکن احتیاج جمیز
 یوغیدی زیر پلاق ذخیره و بار و تمز وارد و او تو یکل قدر دلاور
 عسکر عزمه یلر نهایت رجامت بودر که کلیجک بازار کونی بزم
 اسکندر کتخدا یه اون بش یکل قدر فدا بی یرار عسکر قوشیلوب
 ارسال یو ویله سحری کلوب ایرپشه لر و کند و کن زحمت
 کیم یوب راحته او توره سز بو طرفه کفار عسکری ایچنده مجار
 بکاری بزم قدیمی دوشتر در قلعه محاصره اوله هر کیچه یکل نفر تفک
 اندازلی بزه امداده کلورلر و طشرده نه اولور سه بزه بلند یرلر مزبور
 بکلرک الی التئده اولان اونوز یکل مجار عسکری بزدن یکا اولوب
 شویله اتساق ایلدک که کله جک بازار کونی سحری بر ایچرودن چقارلر
 انزل طشرده اسکندر کتخدانخی سکتواردن بر یو یوب کهار ی
 بر باد ایده یوز طای بورلی اطرافنده خندق بو قدر ان شاء الله فرصت
 بزمدر خیر دعا دن فراموش بیوزمیه سز و بوندن اقدام ایکی آدم
 کوندلشیدی که تجسس ایده لر و فرصت بولد فلرنده قرالی قتل ایدلر
 بامر الله تعالی درد مند لر اله کیروب شهید اولدیلر لکن ایکی آدم دخی
 بدارک اولنوب بر صنعت ایله ارسال اولمشد رامید در که قراله ظفر
 مبر اوله دیو تمام ایدوب مهر ایوب اطلس کتسمیه وضع
 و مشع صاروب قره عمر دین بزل یلور آدم استدی سامو سفو عثمان

دیرلر شخصی فرنگ هیئته قویوب یوز التون والئی بیک ایچسه
بریتارویروب مکتوبی کفار اوردو سنه براق دیوسرا تفهیم ایلدی
بعده طشره چیقاروب سنی وژیپره کوندریرم واردیغکنده قلعه حالی
مکدر درو کفار قیشلاق تدبیرن کوردیلریش اون کونه دیک
ایر شمن سه کرخان مشکل اولوردیه سن مکتوب صور رسه یوقدراله
کیرمک خوفندن ویرمدیلر دیوا غزدن سو بلیه سن آکرا له کیررسک
کندوی الئی بیک غروش بهایه دیک کسه سن چقاره یم وقلعه احوالن
سوال ایدرلر سه مکتوب معهود احوالن سو بلیه سن دیو تعلیم
ایتدی اولدنی ال اوپوب روانه اولدی کیچسه مکتوبی بول
اورتاسنده براغوب برزنجیه به طوغری کتندی ضباح براتلو کافر
مکتوبی بولده بولوب الیدی کوردیکه اهل اسلام مکتوبی سدر
طوغری قراله کوتوروب بر ترک ایچرو دن چیقار کن اوزرینه
هجوم ایدوب الم بقاسنده ایکن مکتوبی قویونده کوروب چکوب
الدم بن اکامشغول ایکن فرار ایتدی دیو دروغ مصلحت امیر ایله
عرض ایلدی ترجان کتورب مکتوبی آجدی بؤکاغدی قلعه دن
حسن پاشا سرداره کوندرمش ایچنده چوق نسنه وار آشکاره
اوقوغمز دیوننه سایه کسدوب مفهومی قراله تمام تفهیم ایلدکده
قرال حسه ته واروب وژیپرنی دعوت و بویاید مشورت ایتدی
وزیر ایتدی ایچروده دوستمز عمر اغا بزه مجار خیانتی خبر ویرمشیدی
نه دیدی ایسه کلدی چقدی شمد نصکره تدبیر نه در دید کده
فرینساندوس ایتدی اولی بودر که بوکون چادرلری بریره جمع ایدوب
اطرافنه خندق چکدیره یوز ویا رین عظیم دیوان ایدوب
مجار بکلرینی کتوروب جله سنی قرا یوزاند نصکره ترک اوزریمزه
کلورسه دوکوشه یوز بومکتوبی کتورنه عظیم رعایت ایلدی
بومکتوب اله کیرسه حالی مشکل اولوردی خرسوس برنی اسرکدی

ایدیو در حال چادر لی بریره کتور ب خندقی قازغه ندا اولندی
حسن پاشا کفارک حرکتی کتور ب کیجه دل المغه آدم قودی ایکی
کافر طوتوب کتور ذیلر بر چاغروب طوغری سوبلک سزک
ارا کرده برن دوستمز چوقدر کوریم سوزک طوغری بیدر دیو سوبلتدی
مکتوب احوالی خبر ویدی و بحار عسکری چادرلرین براغوب قاچدی
دیدمی حسن پاشا بره کر چکمی دیوبالن الله اوروب اغلار کی کوزین
سیلدی و تکرار تکرار بحار احوالی صورتی جله چادرلرین یغما ایلدی
بن کوردم دید کده برسیاه دستاله صوغان صوبی قسقیه اولمش
حاضر لشمیدی انک ایله کوزن سبلوب وافر الم و حزنله کر به ناک اولدی
ایکی کافری دخی بر بر سوبلدوب بومه سالمه بی ایلدی و پاشا لرین
کسمکه البله اشارت ایلدی قره عرغا کیو بونلری بحارلر اچندن کچروب
جلاد الدن خلاص ایدوب اللرینه بر پاره بیاض اتمک ویدی
وین سز دغم بازار کونی صاقنه سز قورتلان ترک البتده وزیره واروب
عسکر کتور بحار قومی قاچدی ایسمده اطرافده در بو بحارلر ده
انلردن کلدی دیوب کوندردی انلر دخی واروب ضابطلرینه
سوبلدوب قراله طوبوردیلر فردینا ندوس قرال بونلری کتور دوب
سوبلتدی و عمر اناهیه وافر دعا ایلدی قازدقلری خند قده
چایچاقله لیا یوب طوبلر قودیلر و طوبیچانزه یوزر التون
بخشش و یروب هر کون قلمه یه ایکی اولکی قدر طوب اتمغه
باشلدیلر

(آمدن سردار بمشپی حسن پاشا بسکتوار) چون یوز یشدنصکره
کفار فصل شتاده تحت القلعه قبشلاق آرز وسیله نیجه زیر زمین
ور و باهوش این حفر ایدوب اولر و آخورلر تدارکند اولوب بریره
کلیشایدی بو طرفده قره نیجه عثمان ذکر اولیان مکتوبی بین
الکفار براغوب بسکتوار دن او طله باشیلری الوب سیر داره کیمشیدنی

اندر دخی مهاجمه کلوب دردنجی کون اردوده سرداره کیر دیار قلعه
احوالنی اهلام ایدوب امداده بحال وارمیدر قلعه الدن کیدرسه حال
مشکل اولور دیو وافر سویدلر سردار امر ایلدی هلوغه ویریلوب
بوکون اخشامه دك توزیع اولتسون یارین فنیره اوزینه کیدرم
دیدکده بعض ارکان روز قاسم یکدی بوند نصکره عسکر ایله بریده
طور لر وخیمه وخرگاه دخی قورلن کتمک زمانی دکلدر دیکمک سردار قسم
ایلدیکه عسکر دن بر فرد کلمر سده بالکر کندو توابعیله کیده وکلناری
بوخبر ایله یوللوب انلردخی اوچهی کون سکتواره کلوب اوظه
باشلرینه انده قلوب قره پنجه ایچرو کوروب واقع حالی سویدلی
(طهور شدت شتا باهر الله تعالی) بو طرفده کرچه کفار بریره کلوب
اطرافته خندق چکوب مجار ایلله مابین اولدیلر زاتالیا وفرنکستاندن
اولمکه کلدک بوقلعه بی آلمانجه کترز قبشلا رزدرکن محاصره نک
یتش بشچی کونی که روز چهارشنبه ایدی اویله زمانی تا کههان
جهانی قره بلوط قالمیوب مخالف شمال روز کاری اسوب آهسته
آهسته یغور یاغمه باشلدی اوج آی قدر زمان اولمشدیکه
برقطره نازل اولماشیدی یغور کندیکه زیلده اولوب باد سرد ایلله
صول طوکمه یوز طوندی واخشامه نصکره یغور ایلله قاریشقی
قاریاغوب نصف الایلده صافی قار نازل اولدی اوج کون اوج کیجه
متصل قاریاغوب آدم قوشاغنه چیقدی کفار خا کسار جالی میکدر ایکن
کیرو غیرت جاهلیه بی الدن قومیوب طوپلری اتارل وانکسار اظهار
ایتمز ایدی بواشاده سردار سکتواره کلدیکی خبری شایع اولوب
مکتوب معهود مفهومی قرینه سبله کفاره کالی دهشت واستیلای
خوف وخشیتدن غیرتی ال ایاقی طوطادن قلوب مال واسباب واثقال
دکل کندی باشرین خلاصه درمانلری قالمیوب کر وکره فراره
یوز طوندیلر

(انهمزام و فرار کفار) فردینا ندوس بو حالی که وروب فرار یلری
 دوندیرمکه آدم تعیین ایتیشیدی بحال اولدی حسن پاشا اول کیجه دل
 الوب سولتد کده که فارق حالی مکدر اولدی طو یلری
 چکن بار که بر و او کوزل بحار طر فندده اولمغه جله سن
 قاجر مشلر طو یلری متریسده قالدی یارین ایچرودن و طشره دن
 عسکر هجوم ایدر دیو پریشان اولدی لر دیدی اول کیجه
 فارسا کن اولوب هوا آچلمشیدی و بر عظیم بارد روز کار اسوب
 صوری طو که دردی حسن پاشا قره عمر اغایی دعوت ایدوب
 او جیوز پرار یکت حاضر اولسونلر ان شاء الله طفر مبسر اولور دیدی
 و کندو بیراغ و وروب یونلری طشره کوندردی برقی صوی طو کشیدی
 بوز اوزد تن یوز یسوب سچدی لر قرشورینه بر کافر بکی کلوب
 بی ایچرو کتورک مسلمان اولق استم دیو طاقبه سن چقاردی
 عمر اغا بونی پاشایه کوندردی پاشا کوردی که باشنده مجوهر تاج وار
 الته کرسی قویوب سوال ایتدی جنوز قنودانی اولوب یک نفرم
 وار ایدی چادر مد فرق ییک آلتون نقد و اشیا قالدی براغوب
 اسلامه کلد و قلعه دهنی ابله آلدیم طو یلر قالدی دیو اغلدی
 پاشا مزبوره بر مطلی دولند صاروب تنقین ایمان ایتدی و غاز یلری
 جمع ایدوب ایشته کفسارک حالی یوقیافتده کوره یم سزی ارلک
 کونیدر دیدی و عمر اغایه پیچوی سنجاغی و عدا بلدی و نه قدر طوب
 و تنق و ارا بیه حاضر ایدیلر ایچرو ده اولان غاز یلر جله کفار طرفته
 ناظر طور دیلر طشره کیدن عسکر ابله عمر اغا کفسار متریسنه
 یقین وارد فده قلعه دن یکبار الله الله ابله طو یلر آتش و بریابوب
 طوب و تنق و نمره و کلانک صداسی آسمانه اید کده کفسارک باشنه
 جهان تک و طار اولوب بر برینه کیر دیلر و من بعد قراری فراره تبدیل
 ایدوب فردینا ندوس قرال ابله چادر لزندن طشره قاجدی لر

وسکتوار طرفنه چقبوب رازطور ديلربو طرفده عمر انا اولنكي
 متريسي باصسوب طقوز يوز كافرى في الحال قليج بدن كچوردى
 ويوزاللى قدر كافرى اسير ايدوب ايچرو كوندردى واول متر بسده
 اولان اون ايكي باره طوب وجبه خانه ضبط اولندى حسن پاشا
 يشوز بكيد دخی امداده كوندروب جبه خانه وباروتى ايچرو چكديار
 وپاشا صباح نمازين قيلول سكتوار قپوسنك اوست ياتنده اوتوردى
 بر كېسه آتون وبر كېسه غروش ياتنه قوبوب باش ودل كاتورنلره
 اچقه دوكدى واو كنده باشلر قبه وار بغيلول تخمينا اون سكرزيك
 باش كشميدى بواحوالى يازوب سرداره اول محلدن آدم كوندردى
 بعده سوار اولوب بنفسه كفارك متريسلرينه كلدى وغازيلره
 استمات ووردى قلعه ده انجق التيسوز آدم قوبوب بوكره جيه
 عسكرى طشره چقاردى اينجه قره ديمكله معروف طوپچى باشى
 پاشايى قارشولوب همكز ايله كفارك قرق يش پاره طوپچى ضبط
 ايتدم زيدى پاشا يوردى هر برينك برتر كنكى چقاردى راول كون تمام
 متريسلر ضبط اولندى اويله زمانه دك كفار برنجه طرفنى تجسس
 ايدوب كلور كيدر يوق كوردى لر ترك زنه عجب آل ايلدى ديوفردن باندوس
 قرالاك ياتنه جمع اولديار كبرو ماعون يونلرى جنككه ترغيب
 ايدوب درد رقات پياده وسوار آلايلرين دوزدى ومتريسلر او زينه
 يورودى بو طرفدن حسن پاشا قلعه نك جله طوپلرين كفار
 او زينه دوندروب كندو طوپلرين دخی آلايلرينه قرشو مهابقلىدى
 وفرصت بزمدر اوشنك ديو غازيلره تسلى ايدوب طوپلره آتش
 ايتدكلارنده ملاهينك آلايلرى پريشان واكترى بي نام ونشان اولدى
 در عقب غزات اسلام هجوم ايتدكلارنده اتلوسى قاچوب پياده سنى
 چادرلره وارنجه قيردیلر اول صحرا كفار لاشه سى ايله طولوب بودفچه
 حسن پاشا او كشنه اوتوز بسك قدر باش يغلىدى حسن پاشا

عسکری طور غروب چادره کیرنک ساعتی وار شهسازلم صبر
ایلاک دیدی صنعین کافر چادرلینه کوروب فردینا ندوس مقبر
نیجه ایده لم دیرکن کورد که کفسار چادرلین براغوب کینه یورل
حسن پاشا اینجه قره بی شاهین طوپه کوندروب اولدخی فردینا ندوس
قرالک چادرلین نشانه آلوب آندقه باذن الله تعالی خطا ایتوب
فردینانک باشی اوزرندن کچوب او طاعنی باره لدی ونیجه کافر هلاک
ایلدی بویکا دن غازیلر دخی حرکت کلدکه فردینا ندوسی اتباعی
اتلند یروب ایش ایشدن کچدی ترک کچدی الدقد نصکره حال
مسکل اولور دیوسوروب باولیت کچدینه کتوروب خلق صاودیلر
وکوچله عبورایدوب یوزقدر آدم ایله راه ادباره دوشوب فرار
ایلدی اردوسی وجزینه سی ورخت وختی برنده قالدی حسن پاشا
دخی صلات عصری ادایتد کدنصکره متریس وقلعه دن اوج بیک
آدم ایله مصلی بکی و عمر بکی کفار اردوسنه کوندردی و مزبورلر
اولیه که کفاری بالکله سویندرمدن غنیمت طوپلغنه باقه سز وهر بولدن
ایکبشس بیراق آهسته آهسته واروب آردیکزه کافر قوم یوب قیره
قیره کبدک دیوتنیه ایلدی و بو محله دخی واقع حالی یازوب سرداره
یلدردی بعده حسن پاشا اخشای قیاب قلعده کیردی بو طرفدن
غازیلر وجه مشروح اوزره یور ییوب چادرلر واردقده قلان کفسار
انلری کوروب فرار ایلدیلر ایکی یاتسو زمانی طابوره کیزوب ضبط
ایتیدیلر وهر قونده بیراق دیکوب آدم قودیلر و حسن پاشا به ییلد یروب
عظیم آتشلر یاقیدیلر و ضباحه دک ذوق و صقال سور دیلر فراری
کفار طاعلره دوشوب صحرا ره پراکنده اولدیلر حسن پاشا صباح
غازندن قهرمان واری سوار اولوب اردویه کلدکه غازیلر استقبال
ایدوب مبارک باد غزا ایچون ال اویدیلر اولدخی انلر نوازش
و تحسین کوستروب خیر دعا ایلدی و فردینا ندوس قرالک

اوطاغنه طوغری واروب ایچرو کوردیکه برمال تخت اطراق
 طربزون بری التون بری کش یارمقلری باشلری الوان جواهر ایله
 مرصع و مزین و دیرکلری باشنه برمالس وضع اولنش که
 هر بری روم خراجی دکر ایدی ایکی طرفنده اون ایکشبر کرسی
 قونلش قرمری قطیغه اورتور ایله سچاقلری انجو و صرمه ایله
 اولش هر بری ذی قیمت و تخت اوکنده تخمینا الی ذراع
 اوزونلخی سحاط تره پزه سی اولدخی صنایع کونا کون ایله مزین
 ایدی حسن پاشا انده ایکی رکعت نماز قیلوب جلد و ثنا و قح
 شکرانه سنه دعا ایدوب اغلادی و بونصرت مجرد حق تعالی تک
 عنایتی و حضرت رسول اکرمک معجزاتی اثریدر دیوب
 قیجینی چیقاروب نخی اورتادن قلیجلدی و کچوب اوزرینه امیرانه
 اوتوردی سائر بکار و اغار اول کرسیلر اوزرینه علی مهتابهم
 اوتوردیلر حسن پاشا جله سنه خطاب ایدوب وافر و عطف
 و نصیحت ایلدی و صبر و ثباتک لزومی و اتفاق کله و اتحاد قلوب
 ایله سرداره اطاعت و انقیاد ایتمه تک فوائدنی ییلدردی و هر کیم
 بوغرای عظیمده بولندیسده ان شاء الله تعالی مغفور در دیدی بعده
 اوطاغنه اول کلن کپلدر دبو سوال ایلدی یدی نفرایلر و کلوب اوج
 یکچیری درت سرحدلی کندولرین ییلدیر دیلر بو اوطاغنه جبه خاندن
 غیری هر نه وار ایسه سرکدر دبدی

(کلام عبرت انجام) کیجه ایله طابوره کلن عسکر کرک فردینالدوسک
 اوطاغندن کرک غیری چادرلردن اموال و اشیا غارتنه وضع بد
 ایتموب، تقسیم سرداره انتظار ایله صباحه دک بکلدیله اول صاحب
 شجاعتمک استقامتلی سردار لرینه بومرتبه اطاعتلردن معلوم
 اولور حسن پاشا دخی قرال اوطاغنی جله اشباسیله اول یدی
 نفره و پروب طبع خامه دوشمد یکی نه قدر عنقا مشرب و بلند

همت اولدیغنه دلالت ایدر هر یغنه عسکر بویله مطیع ومنقاد
 و سردار اولان کریم الطبع و پاک نهاد اوله لبته مظهر اطف
 رب العباد اولوب و صافیه الامر فوز و نصرت ایلده داشاد اوله کلاشدر
 (اوصاف غنائم) ذکر اولان قرق ایکی پاره طوب و بش شاهی
 ضرب زن که مترسده قالمشیدی هر بری ذی قیمت انواع صنایع ایله
 مصنوع و موزون کویا که سبیکه اتوندر چشه رنده هیأت غریبه
 و طلسمات عجیبه دنیا لر رنده تمثال سمرغ دنقاوز رنده هیکل
 چاساروپا پا هر برینک قامت و اشکالنه ناظر اولان سحر سامری
 ظن ایدوب استادما هرالنیدن ایا دونی چیقدی درایدی بونردن
 ماعدا اون درت ییک دالیان تغنکی و واقدر کولک و کورک و نیجه
 زدن تسی و صحن و بونجه سمین آوانی و اکن و اللدن زیاده
 ناموسیل اوطاق و اون ییک قدر خیام که بریات و پراغ و طبل و کوس
 و نفیر و ناقوس و صندوق و قوجی و عربیه و بالجه مالدک که حد و عددین
 خالق انس و ملکدن غیری کسینه بتلر و نیجه تخت و یادگار که وصفه
 کلر و ما کولات قسمندن نیجه سمین و چینی اوعیه ده اطعمه و اشربه و ادویه
 پرورده قرنفل و جوارش و خیره و زنجبیل و کوارش و سائر ذخایر
 اعالی قلعهیه مستوفی برسنه یتزایدی جمله باروت و جبه خانه یی حسن
 پاشایورزی نه قدر سر آخور و طویچی و جبه جی و ارایسه قلعهیه
 چکدیلر

(تعقیب غزات بکفار) اول کون اوج ییک قدر یرار غازیلر حسن پاشا
 فرمانی ایله عمر اغابه قوشیلوب کفارک اردنجه کوندردی پاریت
 کچدینه کار کلرنده کفارک ییحد قوچیلرین اموال و ارزاق ایله مالامال
 کوردیلر فی الحال جمله سی یغما اولوب ذی قیمت اولان اشیا اللدی
 و قیسه اثواب پرنده قالدی غازیلر صودن کچوب گروه گروه دوکوش
 صک غاز اوزرلیشه هجوم ایدوب یوزیکلر کندنه بیر اقلزین پراغوت

فرار ایتد یلاردرلر ندن یتشوب بیحد کافر قیدیلر یانکز بلالو باشلو
 مانبس کافر الی بیک قدر ایدی اکثر قیودانلری اسیر اولوب قلعه به
 کنوردیلر حسن پاشا ایچروده اولان کافر اسیری چوغا الدی دیو امر
 ایلدی هر کس کنوردیکی اسیرک قلعه خند قنده باشنی کسوب لاشه سن
 صویه و بردی بعضی اسیرله انهز امک اصلانی سؤال ایتدیلر
 ایچرودن چیقان کاغذاله کیدر کدنه کیره ایچمه قورقو دوشوب
 کوزیمزه یشل باشلو ترکلر خیالات کی کور نمکسه باشلدی
 وسر هجوم ایتدیکجه انلر دخی هجوم ایدر کی کورینور لرایدی
 بو انهر آمده مالطه هر سکی دونچوان نام معاند بر طرفه کیده مبوب
 لباسن چیقاردی و بر کسه به صهار بلوب خسته کی درت کون
 برخند قده یاندی بشنی کون مکومور یه دن زرن اوغلی آدماری
 کلوب طابور دو کوندیشی ارارکن اوزرینه کلوب اولدخی بی کو تورک
 دیونبا زایتمکله زرین اوغله ایتدیلر کندوی بیلدر دکده اگرام
 ایله ولایتنه کوندردی و بوچنکده یتش سکسان بیک کافر قلجدن
 کچدیکنسندن غیری تالسان ونمچه پیاده لرندن قورتولانلر بوللرده
 دو کیلوب طوکدی قالدی پر بلوکی دخی عربان وتالان دیارلر یتشه
 روانه اولوب انجی جان قورتاردیلر پچوبلی عرافا دن نقل ایدر کفاری
 تعقیب ایتدیکمده بریر اوزراون بشر کافر جمع اولوب آتیش یاقوب
 اوتوردرلر ایدی بری کورد کلرنده حرکت قدرتی اولان ایاق اوزره
 قالقوب شقه سنی چیقارر تعظیم ایدر و کبر و اوتوردی بر دخی قیرمقدن
 اوصانوب بر بلوک عاجر وز بونی اولد رمک ارلک دکل دیوانجتمن
 اولدق و ایلروده جانلوجسه ملبس و مسلح کافر کسمکه کیدردک
 ایلروده بر قوچی په خلل کلوب تنک محله قالمش اردنجه ایکوز
 قوچی ابر کیلوب هنوز الی ایاغی طونار قو چاشلر بار کیرلر یتشه

فاجشله ائو اب وارزاقه کیم بافر انجیق سیم قد حاروا و ایلر قسمی
الذوب باقبسی یرنده ترک اوانسدی بعده یرنده قالن جبهه خانه
و طویلری حسن پاشا ایکی آی قدر زمان صرف تاب و توان ایدوب
کوجه فلهه په نقل ایتدردی و مزبور عرافانک کلی خدمتی
سبقت اینکله یجوی سنجاغی حسن پاشانک ارپه لغی ایکن
مزبوره و یردی

(ذکر بقیه احوال قنبره و سردار) بو طرفده عیشچی حسن پاشا
عسکر ابرامنه باقبوب سکنواره کلشیدنی اول وقتکه شدت شتا
ظهور ایدوب نفسی نفسی اولدی عسکر هجوم ایدوب سردارک
اوطاغنی طاشلد یلروا و چ کون سکنواره آرام اوانسد قد فصرکه
جادی الاولینک اون ایکنجی کونی ضربا و قهر اقالد بروب بلغراد
جانبه دوند ردیلر حسن پاشانک اول مکتوبنی کتورن شقلو یشده
سرداره مژده خبر بن کتوردی مکتوبی اوقیوب مسرور اولدی یلر
اولکون بعده العصر ایکنجی مکتوب کلوب صورتی الدی و عینی ایله
آستانه په کوندردی بعده سردار جله عسکره اجازت و پروب کمدی
شقلو یشده قالدی ماه مزبورک اون بشنده اوسک کو پروسنه کلد یلر
اول یکینلر کچدی صکره ماه مزبورک یکر مېسنده شدت برد دن دراوه
صوقی منجمد اولوب کیجه ایچنده کو پری بوزلدی اوزرند
بولان غرق و هلاک اولدی ایکنجی کونی طوفان اشاغه قومغله
نکارار کو پری تجدد یدینه مباشرت ایتدی یلر بعده حسن پاشا
شقلو یشده کلوب سرداره ملاقی اولدی کلی رما یلر ایدوب جله
عرضلری معز یاده مقبوله کچدی مصلی بکه کوسند بل سنجاغی
و عرافه یجوی سنجاغی امرلر یازیلوب یله قسانان غاز یلره بشر اچمه
ترقی و دیرلک و یریلوب حسن پاشا اسکندر کتخدانی آستانه
کوندردی پادشاه اسلام بوغزای اکبر دن شادکام اولوب ذکر

اولان و پرکوری مقرر قیلدی و ششگلر اولوب حسن پاشایه وزارت
 خاصلری احسان ایتدی اوج خلعت فاخره و مرصع شمشیر و اوج
 مزین آت کوندر دی سردار دخی کند لک رغایتلر ایدوب کندو
 کتخداسی مصطفی کتخدای پیچویه کوندردی تا که قنبره به مستوفی
 ذخیره تدارک ایلله و کندو شغل و بشدن کو چوب بلغراده روانه
 اولادی بو ائشاده طاعلر کی بوزبار چه لری ساوه اوزرنده اولان
 و پرویی دخی بوزوب تکرار یاپلنجه عسکر کیلر ایلله کچدیلر
 بوسفر دوکلی زحمت چکدیلر هزار تعب ایلله بلغراده قنیشلاغه
 داخل اولدیلر یکچیری اغاسی علی اغا سلطانیه عقد نکاح ایچون
 سردار اکرم طرفندن وکیل اولوب آستانه کوندرلدی بو طرفده
 فردیناندوس اوج برش طوپنی که قلعه رهنی ایلله المشدی صاحباری
 دعوی ایدوب پایا قلعه بی حکم ایلدی اول اجلدن ارالینه فتنه
 دوشوب بر بینه کیردیلر ایکی ماه بو وجهله مرور ایلدکده بر نیچه
 غازیلر سیرطریقله کفار اوردوسی جانینه کیدوب یوز قدر دیج اتلو
 کافر کوروب بوصویه کیردیلر اوزر لینه هجوم ایدوب سمتنه
 یورو دیلر بکرخی قدر کافر ی درزنجیر قلعه به کتوردیلر مکر ملاحظه
 طوپلری برنده میدر دیو نچسسه کلشلا ایدی شمدی قرالک تدارکی ندر
 دیو سوال اولندقدده اول بهارده ایکی بره حرکت اتسه لکر کدر قرال
 بودین اوزرینه واروب هر سک ماتیا ش قنبره به محاصره به کلسه
 کر کدر قلعه به نک جانب شهر قبسنده اولان سکنوار قیوسنک ایکی
 طرفنده قله لکه واردر حین محاصره ده کاتب و امین تعیین اولنوب
 قیویمینده اولان قله به اون سکنیک کله ویسارنده کی قله به یکرخی
 بیک کله و بوندن ماعدا سار دیوارله اوتوز بیک دانه اوریلوب
 باقی طوب دانه لری متر بسده فالدی جمله سی طقسان الی بیک
 دانه دردیو خبر و بردی در دولندن مقد مآدم کلده حکم

وخط هما یون کتوروب سردار سابق ابراهیم پاشا تعیین ایلدی یکی
قلعه مفتاحه طاقان رنجیرک بانشه بقات التون زنجیر
دخی طاقوب معا بر التون لوح که اوزرنده طغالی امر صورتی
یا زلمشدی بکچیری افا سی هر کیم اولورسه اول التون زنجیری لوحی
بوینته آصوب دعاوئنا ایلله قلعه قیوسی آچه و قبا یه دیو فرمان
اولمش و سلطان محمد خانک خط هما یونتی سنکله محاصره ده
اولان غازیلره او قیوب کلاده سن دیو حسن پاشای
نامداره کوندره شلایدی (صورت خط هما یون)

(الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین وفوض الینا مقالید
مصلح المسلمین والسلام علی سید المرسلین (اما بعد) سنکه قنیره
بکتر بکبسی اختیار قولم و مدبروز یرم حسن پاشا سن بو سال فرخنده
قالده رهنونی اقبال توفیق ذی الجلال امت محمدیه یاور اولوب ایلدی بک
خدمت سده علیایه عرض اولوب سعی نیدر یغک مشکور و نامک
نیک نامان دفتری سلک زده مسطو راولمشدر بر خوردار اوله سن سکا
وزارت و یردم و سنکله محصور اولان قولرم که مقتضای ترتیب
سلطنت ایلله معنی اوغالر مد ر یوزلی آغ اوله ملحوظ شدن زیاده
چا ایشوب جان و یا شلرین دین او غرینه و یرم یولیز ده در یغ ایتدی یار
و مقدور بشر اولان سعی جمیلی برینه کتوروب راه حقه عظیم
چالشه شلر آب و آتش ارا سنده کاه غریق و کاه حریق اولمقدن پرهیز
ایلیوب برج و بند نه تعیین اولدقلری محلدن ایرلما شلر و کاه نبرد کاهه
چیشانلری کقلاری قاجیر وب و جنگجیلرین قیروب یور و یش
ایلدکلرنده جیوش آهن پوشلرین کریزان و اموال غنائمی ریزان
ایلشلر باریک الله فیهم بوندن بویله دخی سنک سوز بکه رام اولوب
هر نه خدمت تکلیف ایدر سنک ادا سنه دقت و اهتمام اوزره اوله لرسکا
اطاعت و انقیاد اوزره اولدقلری بنم رضای هما یون غمه سیددر

بو پند نامه تامه می غازی قولارم محضر نده اوقیوب اطیعوا الله
 واطیعوا الرسول واولی الامر منکم معنای شریفن انله ییلدره سن
 سنکله محاصره ده اولان قوللریمه ویردیکک ویرکوجله مقبول
 همایونم اولمشد زجه که کزی حق تعالی حضر تارینه اصمرلدم
 اولکو نکه بو خط همایونی حسن پاشانک دیوانشده آچوب
 اوقو دقلرنده اغله مدق کسنه قالمدی پادشاه اسلامه خیرد عار
 اولتوب بایعده شکر اولدی اغنام اولنسان طو پلری ایچرو قلعه به
 المغه اوج آئی بیانی چالشد یار اول بی نظیر نورسته فرناک اوغلنلری
 که حسنله ممتاز ایدی صووقدن لاری وایا قلری دوشوب قابل
 استخدام اولدی حتی نیچه لرینی تخلص ایچون قتل ایتد بلمقدما
 تابع اولان فنکار کلوب اسپانیا و تاپان اوغلنلردن
 اوجوزنها ایله ایکوز قدر اوغلان الد بیلر اول قوش کچوب اول بهار
 اولیچق اوج بیگ قدر قریه اهابسی کلوب اطاطت ایلدیلر وایکی
 ییکدن زیاده رعایا اوسک و بوراغه و پجوی و شقلویش و بوسنه دن
 کلوب قلعه تعمیرنه مباشرت ایتدیلر اولکیدن زیاده قالدک اولاق
 اوزره بنا یه باشلیوب سکوت اغاچلرین قیروب پلنقه بی یکیدن
 چاوز دیلر و باششدن باشد بدنه چالوب جدید مناره و بر مسجد
 و منبرای و جبه خانه بنا ایتد یلر طو پلر اوزرینه سایان و بر جدید
 جام یاهد یلر و من بعد غازیلر بیجه وارنجه چتسه یه سکر دوب اسیر
 و غنایم المقدن خالی اولدیلر

(نقل طوبیها بقلمه بلغراد) چون بو معنی کفارده بر داهیه کبری اولدی
 محض اول طو پلری استخلاص آرزو سبله اول عام نفیر عام ایدوب
 قنبره یه دوشمک عزیمتده اولد قلری تاریخ مزبورده بوسنه دن
 من فصل اولوب بلغراد تددیر امور و ترتیب احوال ثغوره مأمور
 اولان وزیر کورچی محمد پاشانک مضموعی اولیچق قطعاً لاطماعهم

ذکر اولسان طو پلر باسرها بلغرا ده کلک مناسب اولمغله اطراف
ممالکدن آد ملر جغوب بروقت معین وموعودده قنبره حصارینه
مجمع اولوب کفار خیدار اولدین محل ایچون احضار اولسان
آلات ییشمار ایله چیقار یلوب دارالامنه کنور ملک ایچون مخفیجه
او امر ومعمد مبا شرل کوندر لمکین بروقت معینده حسب فرمان
اون ییک قدر آدم دفعه هر طر فدن کلوب قنبره خلق بیله آگاه دکل
ایکن بلانأ خیر اول طو پلری چیقارد بلر وزمان یسیرده سکتوره
واندن دراوه نهری کنسار ینسه کنوروب حاضر اولسان سقایته
تحمیل ومدت قبله ده بلغراد اسکله سنه تنزیل ایلد یلر سلاطین
سلف زما نرنده دیار انکروس قلاعتدن وبوزیلان طابورلردن داخل
دائرة غنیمت اولان طو پلردن قدر حاجتدن زیاده سی بلده مزبوره
کنور یلوب قلعه نك بر محله قو نلغله اول محل مالامال
اولوب بردخی ادخاله محل قالممغله قنبره دن کلن طو پلر ایچون بلغراد
قلعه سی جدارینه متصل بر محل مناسبه مشارالیه محمد پاشا مستقل
بر طو پلر نه بنایدوب اگر داخل و اگر خارج عتیق وجدید طو پلری
ترتیب ایتد کدنصکره هر زمان قطعه ایچون علوفه ایله مخصوص
آدملر تعیین ایلدی .

(سرداری حسن پاشا وانهرام قره یازیچی) بوندن اقدام آستانه دن
حاجی ابراهیم پاشا بغداد ایالتیدن منفصل وزیرزاده سردار
حسن پاشا یه ملاقات ایله مأمور اولوب معافره یازیچی اوزرینه
کوندر لمشیدی مزبور خودرأ یلق ایدوب سردار مزبوره ملاقی
اولدین قیصریه ده شقی مزبور ایله دوکیشوب بوزلش وقلعه یه
کیرمش ایدی بوخبر موجش دیابکر قرینده جمعبت اوزره اولان
سردار حسن پاشا نك مسموعی اولد قده بلا توقف کو چوب سنه
عشر والف صفر نك اون ایکچی کوننده البستان یا بلافتده

مفسد مزبور عسکر ایلہ سپہلوانام موضعده ملاقات ایدوب مباشر
حرب و قتال اولد قده وقت ضحی دن عصره دك جنگ اوژ ایوب
بالا خره نسیم فتح و ظفر حسن پاشا طر فندن وزان اولوب باشكر
جلالیان منهنم و پریشان و او تو زیك شقیك ثلثانی طعمه تیغ
بران اولدی قره یازیچی خیمه و خرگاه و بار و پنكا هی دو كوب بقیه
السبوف اشقیسا ایلہ فرار ایده رك كلوب جانبك طاعنارنده قرار
ایلدی حسین پاشا دخی اردنجه سوروب توقات شهره
داخل اولدی

(ذكر بعض وقایع آستانه و مر دن قره یازیچی) جادی الاخره ده جلالی
باشلری كلوب رمضانده قره یازیچی جانبك طاعنارنده مرد اولدیغی
خبری واصل اولدی و مزبورك برادری دلی حسن صاغ واسن قالوب
یرینه بکری در دواتده وزیر ثالث اولان حافظ احمد پاشا انا طول
محافظة سبله ما مور اولوب ربیع الاخر ك بکری سند اسكداره
كچوب برو سه دن کوتاهیه به عزیمت ایتدی شوالك اون ایکنچی
کونی روز خضر و اقسع اولوب در دواتده قائم مقام خلیل پاشا
یوم مزبورده رفع اولتوب پری اول عصرده وزیر ثالث بولسار
شاهیچی حسن پاشایه ویرلدی و کبر و اول کون مرحوم ابراهیم
پاشا مترو که سی عایشه سلطان که وزیر و سردار یمشچی حسن
پاشایه نازد قلنرب عقیب عودتده یکچیری اغاسی علی اغا پاشا
طرفدن تزویجه وکیل اولوب کوندر لیشیدی وزیرك قیو کخنداسی
یعنی حسین اغا و دفتر امینی عبدی چلبی یوم مزبورده علی الصباح
وکیل مشارالیه ایلہ بریره کلوب درت یك التون مهر ایلہ عقد نکاح
ایتدیلمر مقدمه کرا دیملکه مشهوره و سپاهیلرینده مقتوله اولان
یهودی به نسبت ایلہ متهم اولنلر طرفد و عزل اولند قده میر آخور
کبر نصوص اغا دخی سپاه طائفه سی اراده سبله معزول اولشیدی

لکن مردو کار کذا را و اغین ینہ بر مناسبت منصب ایله بهر مند
از بسی ملحوظ طرف سلطنت واقع اولوب لکن طائفة سپاهند
نوعا اندیشه اولند قده باری جانب خلافتد اولماقی ایچون
اغای مومی الیه سردار طرفندن بهره یاب قلمیسی بایند غایت
علیه ظهور ایدوب بناء علی ذلک تهنیت نامه نکاح ایله مزبور
نصوح اغا باغراده سردار طرفنه کوندردی وصول بولوب
تبلیغ مرده ابلدکده بیکچری اغالغی و یاخودینه میرآخور کبیر
اولقی امیدند ایکن ایکسنگ دخی خلعتلرینه امکان اولماغین
بالاخره قیوچی باشیلغی احسان اولندی بونصوح اغا صکره
پاشا اولشدرکه احوالی ذکر اولسه کرکدرماه ذی القعدة تک
بکر منجی کونی بیکچری اغاسی علی اغا الای ایله استانبولدن
چیقوب بلغراد طرفنه سرداراکرمه ملاقی اولقی اوزره روانه اولدی
بولک زیمانده زور با او طه باشیلر ظهوره کلوب کیمده اغایی
میدانه کتوروب استمد کلرینی دفتر ایله عزل ونصب ایدرلایدی

(طغیان دلی حسن برادر قره یازیچی و شهادت حسن پاشا بعد
از محصورئی او) چون قره یازیچی جانبک طاغیرنده قوت اولدی
کنخدا سی اولان شاه وردیدن متقولدرکه مزبورک میثنی پاره لبوب
هر پاره سنی بریره دفن ایتشلر تا که عثمانلی بولوب آتسه یاقیه لر
مزبور شاه وردی و یولارقابدی وطوبل نام کسنه لر که هربری برداهیه
عظیمه شقی ایدی قره یازیچنک برادر دلی حسن یانته کلوب
برقاج بیگ اشقیالیه جانیکدن چیقوب حسن پاشانک دیار بکردن
کلن آغراننی غارته کتدیلر و بر محله باصوب مراد اوزره یغما
وغارت ایتدکد نصکره کر وه انبوه ایله بلا توقف توقاده کلوب
حسن پاشا یاننده موجود عسکر اولماغله هجوملرینه طاقت
کتورده موب توقات قلعه سنه تحصن ایتلیدی لشکر اشقباشهری

غارت و یغما ایتد کد نصکره پاشانک جنت باغی تسمیه ایلدیکی
 مرصع و مجوهر شکوفه لرینی بوزوب تالان ایلدی بونکله دخی
 قناعت ایتوب ایتد قلعہ یی آلورم و پاشانی گرفتار ایدرم دیو
 کنار شهره قونوب حصارى محاصره ایلدیکی خبری دزدوانه
 واصل اولد قده زمزمه طواشیان دن اول عصارده دیار بکر
 بکلر بکسی بولان خسرو پاشایه وزارت ویریلوب کردستان عسکر یله
 جلالی دفعنه نامزد قلندی لکن حسن پاشانک نهی خسرو پاشایه
 ویرلدیکی خبرینی ایلتمکله کسنه جرأت ایتوب واران قپوچی باشی یی
 قتل قصدا ایدوب بویله محله بئی عزل خاندان پادشاهه خیانت ایکن
 نیچون بن عزل اولورم دیو واران سرهنکی طرد ایتشیدی آخر
 قزنداشی درگاه عالی قپوچی باشیلر دن ابراهیم اغا ایله وارد قده
 اتی دخی تهدید و طرد ایتشیدی زمزمه اشقبا چونکله غالب کلوب
 برآی قدر حصارى محاصره ایتدیلر قلعہ دن برترک بدبخت چیقوب
 قپو اوکنده اولان نشینکاه که نخه حولی چورلاشیدی حسن پاشا
 هر سحرانده کلور او تورر دیو خبر ورمکله شوالک او اکرند اشقبا دن
 بعض خیشلر اول محلی نشانه آلوب تفتشک ایله حسن پاشا یی
 اوروب شهید ایتد کده دلی حسنک اقصای مرا می سهولتله
 حاصل اولمغین لشکر منجوسن قالد یروب اناتولی و لایلرینی
 غاراته عزیمت ایدوب کوچدی کندی سابقا حسن پاشا اموالی
 غارت ایتد کلرند تقودی قالدان ایله ویدی او چوقه و قاش منوعه یی
 قلیچ ذراعی ایله او لچوب اولشد بلر و بوندن زیاده قوت بولوب
 یدی سکر سنه ممالکی زیر دست تسلط لرینه آلدیلر

(بقیة وقایع این سال) بوسال محر مننده سلحدار قلند
 چیقمه یا وز علی اغا که مالتوچ لقی ایله ملقبسد روالی مصر
 اولدی و بوسالده فرانچیه پادشاهی در دواته مکتوب کوند روب

سابقه جزایر قور صائری فرانجه قومنه تعدی ایلد کربنی دفعه اتله
اعلام ایتمکین، مؤکد احکام کوند ریلوب جزایر لومن بعد فرانجه
جانبه دخل و ترض ایلیه له بو تنبیه اولمشیدی کیر و متبسه
اولوب اولکیدن زیاده رعایا سنه و بازرگانلرینه دخل اولند یغن
فضایا د فتریه اعلام ایلمکین دفتک بر صورتی کوند ریلوب عهد
مخالف وضع ایلد کربنی ایچون غارت ایله انسان مالاری
هر کچمه ایسه بقصوری ویریلوب بوفسادی ایلیلره کیم اولور سه
امان ویریلوب اشد سیاستله حقارندن کلتمک اوزره تکرار
حکم شریف کوندلش ایدی و بوسالده استانه علما جمع اولوب
قائم مقام خلیل پاشاه و ارملر ایدی و خلاف شرع حرکت ایدن
سیاهک حقارندن کلتمک کر کدر دیوالاتقاق سولملر ایدی
کلاملری تلخیص اولوب موجنبه خط شریف وارد اولدی و اور
پادشاهی ابراهیم خان بوسالده شاه عباس پنجه سنه گرفتار اولمشدر
(مصراع) طلسم گبانی شکست تاریخ دوشمشدر

وفایع سنه احدى عشر و الف

(توجه حسن پاشا بفتح استونی بلغراد) سنه سابقه
اواخرند سردار مزبور تکمیل مهماتنه بذل مقدر و رایدوب
نهر صاوه به کویری یابند یوب چادر لایله طشره چقمقشیدی
استانه ده قبو قولینک ایکشس مواجی ویریلوب جزیه دفتری
ابوالفتح سلطان محمد جامه نده فروخت و توزیع اولند قد نصکره
یکهیری اغاسی ایله بلغرا ده روانه اولملر ایدی غره محرمده اردوی
همایونه واصل و سائر عسکری دخی اطراف واکتا فدن کلوب
داخل اولند یلر ذخیره لری ویریلوب دونغا و ذخیره کبیری بودیشه
کوند ریلوب بعد سمر صحراسنه کوچیلوب محرمک اون بوشنده
جان قورترانه نزول اولندی بودیدن بدوشقه طویلر کلوب ماه مزبورک

یکرمی ایکی کونند استونی بلغراد محاصره اولندی بو دیندن
 لا لا محمد پاشا دخی کلوب قلعه نك جانب جنوبده اوزن واروش
 اوکنه قونندی وزیر اعظم برقولدن ویکچیری اغاسی یدی قطعه
 طرب ایله قبویه فرش و برقولدن من بور محمد پاشا روم ایلی عسکری
 بش طوب ایله بوسنه بکلی بکسی درویش پاشا و بودین عسکری
 مترسه کیر و ب طپراق سور و ب طایبه لریا دیلر اوج بیک نفر
 سردنکچدی و درتوز نفر ملازم یازیلوب ملازملر وزیر اعظم
 خدمتدن منفک اولمازلدی برقاچ کون حصاری دوکوب
 درت پردن لغم ایتدیلمر محمد پاشا قوانده واروش خرابه قپوسنی
 کفار سداید و ب قوررایدی بورویش ایتدکری کی مجددا پنا
 ایتدکری قلعه عظیمه یی برافدیروب الدیلر و بطلال قپو دید کلری
 قلعه اوکنه طوبلر قور و ب دوککه مباشرت ایتدیلمر برقاچ کون
 دوکله کده دوکنه دیسی اوززندن چیققی ممکن اولمشیدی
 کافر دخی ایچرویه بر دیوار چکوب متریس ایتدکری اندی صفک
 اون دخی کونی طعام برکن کر میت هواده مزبور پاشا نك برقول
 البنه بر بیراق الوب اناق اناق یوریوب قلعه یه چیقیدی و بیراخی
 دکدی انی کور و ب فی الحال یکچیری وغیری سکر د و ب قلعه یه
 طول دیلر و بش الی قراولچی کافر یولوب قاجر دیلر لکن کافر
 اول دیواره طبناوب چندان قایرمدی بوظر فدن غزات اسلام
 یوریوب تفنکله کفاری اول دیواردن دخی آیدیلر و محمد پاشا ایله
 ایچر و کیر و ب واروشی الدیلر سردار بو نلر قلعه یه چیقید یغن
 اشید و ب درخان اول محله کلوب چادر قور و ب اوتوردی غازیلمر
 هر طرفدن هجوم ایتدیکنی کور و ب کفار ایچ حصاره فرار ایتدی
 انی دخی محاصره اید و بطور پراق سورد یلر واروشدن جانبیه
 برقله سنی لغم ایله اوچور و ب کدک اچلا فده کفار خاکسار استیمان

ایدوب و پره ایله حصاری و یردی برقاچ بلالو باشلوسی چقبوب
خلعت کیدی سردارلری یوزی یانق غروفه کلی رطایت اولنوب
چیقان کفار ایله ولایتلرینه کوندردی میرلوا و عسکر تعیین اولنوب
لوازم محافظه تکر بلندن صکره و اخر صفرده کوچلوب بودینه
توجه اولنسدی

(ذکر عزیمت سردار بچا نب اردل) مملکت اردلک مستقل
بکرنندن سیکل موریش نام بک قلعه سنه خلاف معتمد اردل
و یوده سی جبراً و قهراً داخل اولوب خزینه وجه خانه سندن
دبلد یکی قدرشی غصباً الوب آدمترین قتل ایتکین کبرمز بور
هنکام شتاده قرار ایدوب سرداره البجا و معاونت رجا الیش
واردلک قهقنی بویننه المش ایدی سردار دخی کبرمز بوزک سوزینه
اعتقاد ایدوب کتمکی مقرر قلمشیدی لکن استونی بلغراد فتحی مهم
اولمغله تقدیم ایتدی چون بعون الله تعالی فتحی مبسر اولوب
ملاحظه سنده غیری برمحذور قائدی اردل تسخیری قصد ایله
بودینه وار بلوب کوپریدن پشته صحرانسه بکادی کفار طابوری
استرغون مقابله سنده جکردان نام موضعده ایدی هر اخشام
عسکر اسلام الله الله دیدکلری کبی کفار دخی صباح و اخشام
بریدن یروش چاغر لر واردنجه اوچر عظیم طوب اتارل ایدی
یزوش افطی یسوعدن غلط سدر یسوع ایسه انجیلده عیسی
علیه السلامک اسمیدر و کفاردن تلن طویلرک صداسی پشته
صحرانسنده اشید بلور ایدی صوفی ستان پاشا بودین محافظه سنه
باش و بوغ تعیین اولنوب قاضی زاده علی پاشا بودین بکربکبسی
ایدی استونی بلغرادده مزبور علی پاشا تنفسک ایله اور بلوب
مجروح اولمشیدی وصال ایله کوتورده شلر ایدی علی پاشا بودین
قاضیسی هابل افندی ایله سرداره کلوب کفارک طوی

ایشید پلورکن کتمکز مناسب دکلدر محققدر که سز پرابکی منزل
برگتمدن کفار عسکری کلوب بزی محاصره ایدر صکره کلی ندانته
مؤدی اولمق خوفی وارد دیدکده حسن پاشا جواب ویردیکه
کرچه بزخی کفارک طوپلرینی اشید پرز لکن اردل ارغلی طمشوار
ایالتده بو قدر قلعه الوب لیوه ویانواپی ضبط ایلدی یانه قالمق
افصاف دکلدر و طابورده الی یدی بیک کافر انجق حاضر اولوب
مجرد اهل اسلام اردله کتمسونلردیو حبله و دام ایلرلر بحبله
یاپشمغه قدر قلمری یوقدر خاطر یکز خوش طو تیکزد یو تسلی
ویردی علی پاشا سلطانم بو کیچه بنم جا سو سم کلدی طابورده
سکسان بیکدن زیاده کافر قرق طوب ایلله حاضر در مراد لری
بودینی محاصره ایتمکدر دیو خبر ویردی بو تقریری هایل افتدی
سجیل ایتسون خلاقی چیقار سه حقمدن کلسون دیدی یمشبی
بر عنود و کنود ارناود اولقله سوزندن د و غبوب کفارک حبله سی
تواتره ایرمشددر بوجعیتی اردله کتمکدن منع ایچونددر
نه محاصره به ونه محار به یه قدرنی واردردیدکده روم ایلی
بکلر بکبسی محمد پاشا بوتقد برجه بنده کر بی سبکیار چاقونه کو ندرک
فیلک و سچان وراسنه اقین ایدهم و مالک کفاری غارت ایدهم دیدی
اکادخی رضا و یرمیوب ابرتسی صونلغه طوغری کو چرب کتدی
ربیع الاولک غره سنده بش طوب ویوز پاره شا هی ایلله درت منزلده
صونلغه داخل اولبدی درت کونده نهر تپسه پی کو پرودن
عبور ایتدی ماه مز بورک اون دردنده صار واش پلنغه سنده قونبدیلر کوله
و طمشوار عسکری دخی کلوب اردو به داخل اولدیلر
و مشاوره صدده ایکن بودیندن فریاد جیلر کلک ایلله
اول جانبه دونلدی

(استیلاء کفار بحصار پشته و محاصره بودین در دفعه ثانیه)

لشکر کفار سردار کتدیکنی اشتدیکنی کچی طویرین قالد پروب
 فردیناندوس قرال بحار و خروات و فرنگ عسکری و قیودانلرینی اوکنه
 قاتوب ماه مزبورده اسکی بودینه کلوب چیل اظه سنده طون باز کیلری
 ایله کوپرو باغلیوب قیر اظه سنه کچدی و دوتما کیلریله یوریهوب
 پشته نکلطونه ککاری دیوار سن اولغله کوپرویی بوزوب کیردی
 و قره دن افاج طوب ایله صارلندی عسکر اسلامک بریلوکی طونه
 باله سنده اولان یولقله به تحصن ایدوب بودیندن بر ایکی شایقه
 کلوب قدر تلی اولان عسکر و خلق قارشویه کچدی یلر باقی ضعیفای
 رجال و نسوان و صبیان جمله کرفتار اولدی بش ییک قدر کافر
 کیروب پشته پی ضبط ایلدی ماعد اسی اسکی بو دین التاره طابور
 قوروب کرزالیاس اوزره اولان پلنقه پی الدیلرو بودین حصارتی
 محاصره ایدوب کل بابا جانندن اون پاره طرب ایله طوپراق قله
 اوکنه و هیچ قپوسندن اووه قپوسندن غتر یسلر و طوپلر قوروب محکم
 دویمکله باشلادیلر

(رجعت سردار بدفع کفار خاکسار) فریاذ ایچون کوند ریلن
 چاوشلر ایلغار ایله صاروش منزلنده سرداره وارد قده جان باشنه
 صحرایوب بلوک خلقندن پویراز و اوکوز محمد ودلی باظه ایله
 سائر نفرتدن ایکی ینک نامدارلی ترقی ایله یازوب لاطولی بکلر بکبسی
 نوح پاشایه قوشوب ایلغار ایله مقدم امداده کوندردی و کندی دخی
 عودت ایدوب کلدیکی بولدن استیصال ایله درت کونده پشته یه
 واروب قهرتده نزول ایلدی کوردیکه لشکر پی پایان کفسار اول
 حوالیده گروه گروه اولوب کمال شدت و کرمیت ایله جنکده
 مباشر اولشلر و بودین قلعه سی بکرمی سکر پاره طوب ایله دوکیلور
 اصلا ورود عسکر دن خوف و حذرلی یوق و پشته ده کفسار
 مالا مال اووب بو امداده تسخیری محال و کفار قیرل اظه سنندن

یشته به کوپری باغلوب عسکر اسلامی طونه به بودینه باقلا شد مر
 بودنی براغرب کتدیکنه نادم وایلدیکی ارناود عنادینه
 یشپان اولدی اما چه فائده نیجه مشاوه دنصکره برابکی یردن
 یشته به اون یاره طوب قوریلوب محاصره اواندی پوراز
 واکوز ودلی باطسه مثالی زوربالدخی متریه یکچیری کی
 کوروب توابعلریله باشقه برقول اودیلر و مزبور اتباعلری اولان
 زوربالریله متریه کلوب کتدکجه مراد پاشا و محمود پاشا و سائر
 بکار بکیملر ایاق اوزره طوروب ایراقدن بونلری سلاملر ایدی
 وار به پادردیو جله پاشالری و کبار اعیانی پر خوشجه حق لر ایدی ایکی
 طرفدن بودین و یشته کوتور کوتور کولوردی کهارطابورینه قارشو طونه
 کنارنده درت بدلو شقه قوریلوب آنکله کو پرولری کسلدی یشته به
 کفار کجه میوب یالکز بودین اوزرینه اوشدیلر اون بش کون مرورند
 اسلام اردوسنده عظیم خط و خلا ظاهر اولوب برکله اون یکر می
 التونه و برکله ار به اون بش التونه چیقوب اولدخی بولنبوب ناچار
 عسکر بودیدن ذخیره انوردی سنه سابقه ده محمود پاشا طونه کنارنده
 بود بنگ ایکی آخوری اراسنی چیت ایله قاپاپوب صوقبوسندن
 این بولک دخی طرفینی جیدن طولمه دیوار ایتشیدی اول سبدن
 شایقه لر صینوب اردویه ایشلر ایدی بو مرتبه دخی اولسه
 شایقه لر دوره جق پر بولوب و بودینه امداد کله و کتد بر طرف اولوردی
 چون حصاردن ذخیره لملک مضرایدی خلقی ذخیره لملکدن منع ایتدیلر
 ممکن اولوب کچی ایقه به طمعندن ستار و کچی دوستنه و برردی
 آخر هلی پاشا و هابیل افندی و یکچیری اغاسی سرداره کلوب
 سزدن امداد احتمالی یوق اون کون دخی طور رایسه کز بود بنگ
 اولانجه ذخیره سی ذو کتور همان بزه محمد پاشایی بر مقدار عسکر ایله
 براغوب وارک کیدن دیدکلرنده محمد پاشا اول امر دن اظهار

امتناع ایدوب ایکی سنه دره توالیا بحافظه ایدرز برینه دخی امر اولنسه
 بزدن زناده خدمت ایدردی دیدکده بودنیلی ایاغنه دوشوب منت
 ایلدیلر وزیر اعظم دخی یالواروب صفالن او یوب فرمان ایتمکله
 بالاخره رضا وردی یک نفر ترقیلی و یک نفر بلوکه کچمک شرطیله
 قول اوغلی یازیلوب جبهه جی و طوپچی و غیریدن کوکلاو عسکر تحریر
 اولنوب مستوفی خزینه و یزیلوب محمد پاشایه خلعت فاخره کیدرلندی
 و اخشام نمازند نصکره میشبچی حسن پاشا و کمنه دوشوب شایقه یه
 ورنجه پیاده تودیع ایلدی مزبور محمد پاشا نغسند بر و قور و مؤدب
 و ضابط و صاحب کوکب مهیب الله آدم ایدی قولک طغیان زماننده
 ذخیره ایچون غلبه و ایدنلری قایدیروب دوکر و تأدیب ایدردی
 کیمسه مخالفته قادر اولردی اکا بر حجاب ایدردی و اصاغر
 خوف ایدردی اول کیچه صباحه دك عسکر اسلام صوقو سندن
 بودینه داخل اولوب طوبلری دخی ایچرو چکدیلر ایتسی غره ربع
 الاخره سردار کوچوب کشمکت واروشنه اندن و ارادینه عن
 ایلدی درت یوک طوبلری عسکر اللریله چکوب کوتوردیلر
 ایکبسنی صونورده ایکبسنی باجقه ده قویوب طی می احل ایدرک
 و ارادین کوپروسنی کچوب بلغرا ده روانه اولدیلر بو طرفدن محمد
 پاشا بودینه داخل اولدقده دیوان ایدوب اعیان و ارکانه جله تطیب
 و اسفالتلر و یردی هر برینه عرض محبت ایلوب مأمور اولدقلری
 کدکلرینه کوندردی و وقت سحرده بشیوز قدر اتلو انتخاب
 ایدوب اووه قیوسی سمته کششلاک یوانده کفساردن بر ایکی الای
 هر بار طوروب فراول بکارلردی اوزلرینه کوندردی همان
 واردقلری کی بوزوب خیلی کافر قیدیلر و نیچه سن اسیر ایلدیلر
 کفار کرز الیاس اوزرینه طوپلر چقماروب اون کون علی التوالی
 جنکله و یوریشلر ایلدیلر عسکر اسلام بونلری تفنک و خجبه ایلله

توسکور دوب کلن کفاری هر بار بوزدیلر و کیر و دوندردیلر برکون
 عظیم هجوم و یوریش ایتدکلرنده دیو سلیمان پاشا احداث ایتدی یکی
 وارل خبیره لرینی کفار اوزرینه یوارلیوب ایچلرینه وارد قده ایچنده
 اولان تیمور پاره لری نیجه بیک کافری قیردی بونکله دفع ایتدیلر
 بعده تکرار ییچ قپوسندن لغملر ایدوب طوبراق سورمه که باشلدیلر
 و یتیه برکون وار قوق بازویه کتوروب قلعه یه براییک بیک طوب
 اورملغه دیواری ییغوب عظیم کدکلر آچسیدیلر که یورودکلری
 تقدیرجه حال مشکل ایدی اول کیچه عسکر اسلام بربریه
 حلالا شوب اولوم اری اولدیلر و محمد پاشانک رأیی ایله ربیع الاخرک
 اوئنجی کونی سحرری اوده قپوسندن عموما پیاده و سواری چقبوب
 علی الغفله متریساری باصدیلر کفار غافل بولونوب طابورلری مسافه
 بعیده ده اولملغه امداد کلنجه عسکر اسلام ایکی ساعت اواقدر
 کافر قیردیلر که متریساری بالکلبه سوندوروب طوپلری چو یلدیلر
 و یاروتلرینک اکثرین قلعه یه چکوب ما عدا سنه آتش و یردیلر بودین
 قاضیسی هایل افندی که سنی سکساندن متجاوز ایدی و غایتله
 پیر ایدی غزاتی جنگه ترغیب ایدوب کنسندوالی ایله برکافر
 اولدردی و بوئنده متوالیا عظیم یغمورلر دخی یاغوب من بعد
 متریسده طوروق زمانی کچوب کفار یاس و حسرت ایله طوپلرین
 چکوب استرغونه طوغری کتندی غزات اردنجه واروب بتاقده قلان
 طوپلرینی باصوب بودینه کتوردیلر محمد پاشا هر برینه احسانلر
 ایلدیر احوالی سرداره اعلام ایلدی حسن پاشا دخی آستانه سعاده
 عرض ایدوب خاصلرایله وزارت ثالنه و سرعسکرلک براتی ارسال
 ایلدوب روم ایلی ابائتی مراد پاشایه توجیه ایتدی
 (آمدن غازی کرای خان باعسکر تاتار) چون وزیر اعظم حسن
 پاشا وارادین کو بروسی کچوب زمون صحرا سنه کلدی ابراقدن

بر عسکر نمایان اولوب غازي کرای خان کندی دیو خبر و بردیلر
سفر دن عودت زمانه شده بیوقت کلکه باعث مکر برادر لری اولان
سلامت کرای و محمد کرای و شاهین کرای اظهار عشق ایدوب کیمی
روم ایلی و کیمی انا طولی به کیدوب دل حسنک بانه وارمشلر دلی
حسن اطاعت ایدرسه شاید یله بولسان فرنداشنی خانلغه رجا
ایلیه و برایکی ستمدن بروسفره کلدیکندن مرآت ضمیر پادشاهی مغیر
اولدیفندن بلکه عزله مساعده اولنه دیو و همه دوشوب سرحد
منصوره به واروب محافظه خدمتمنده اولغه گلش صحرای منورده خان
اعیان تاتار ایله سردار حسن پاشایه بالذات ملاقات ایلدی و هم رکاب
اولوب ربیع الاخر و اخرینده بلغراد داخل اولدیلر غازي کرای خان
دفتر دارانکیمی زاده منزله نزول ایلدی بودفعه خان حضر تلی
حسن پاشا ایله انس و الفت و ایکی کونده مناوله بر برینه ضیافت
ایلدیلر بعد کندی به پجوی و عسکر تاتاره سکتوار و قوبان و مهاج
و غیره در اوهر نهرینک ماوراسی قشلاق تعیین اولوب او جانیه
کندی تاتار عسکری قری و فصا بانه یرلشدیلر خان حضر تلی
دخی اولقبش پجویه عیش و عشرت ایدوب فضولی بغدادینک
نیک و بد منظومه سنه نظیره و قهوه و باده مناظره سنی نظمه
کتور ب بر ساله یازدی اما برادری سلامت کرایدن امین اولوب
دائما افکارنده ایدی و مجلسنده ذکر ی هر بار تکرار اولوب بودفعه
اجداغاسی که تاتاراکا قیو اغاسی تعبیر ایدر لری حاله قومدک
سنگ قار شو که طوتوب باصوب صاری اوکوز کیمی بوغزلیم
بو خاطر دن قورنلور دق دیدی خان حضر تلی جوانی قدره
حواله ایلدی

(ترقی عموم) وزیر اعظم بلغراد ده قیو قولنک موا جیلرین و یروب
بلوک خلقنه عموما ایکبشرا حقنه و پیاده عسکره بر اچقه ترقی

احسان ایتدی و یکجیری اغاسنی آستانه یه کوندوزب بلوک خلفه
وساثر عسکره اجازت ویردی کندی و سی سبکبار بلغار
فکرنده اولدی

(استیلاء دلی حسن بر شهر کوتاهیه و رفتن محمود پاشا) سنه سابقه
اولا خرنده مزبور سر اشقیای دلی حسن توقا تده حسن پاشانی
شهید ایتد کدنصکره قالفوب غارت ایدرک اناطولی سمتسه
کمتشیدی دفعنه مأمور اولان دیار بکر بکر بکیمی وزیر خسرو
پاشایه شام و حلب و مرعش ایالتلری عسکری تعیین اولغشیکن
کچمه اطاعت ایتموب سیواس قرینه کلدکده قرب شتایی بهانه
ایدوب یاننده اولان عسکر طاغیلوب کتد کلری مقصد مزبورک
انکوری قریبده مسموعی اولوبنی بالکوی پرو اناطولی محافظه سنده
اولان حافظ پاشا اوزرینه پوریدی پاشای مزبور خیر اولدقده
جنکه قدرتی اولماغله کوتاهیه قلعه سنه کیروب تحصن ایتدی
در عقب شنی مزبور جنودنا محصور ایله کلوب اوج کون قلعه یی محاصره
ایتد کدنصکره برف و باران زمانی اولماه شهر یی یاقوب قشلاق
ایچون قره حصاره کتدی بوخبر موجش دردولته واصل
اولد قیده وزرادن کوزلجه محمود پاشا مامور جیسده سرداره تعیین
اولغشیدی

(تبدیل و تغییرد آستانه) ماه مزبورک بکر مینسند
قول طاقه سی حرکت ایدوب سوو تد بیر اولندی دیوا اعتراض
ایتمکله ساعنجی حسن پاشا رفع اولوب کوزلجه محمود پاشا
فائم مقام اولدی و مشاوره یه داخل اولان یکجیری اغاسی
علی اغاخنی معزول اولوب یری بوستانچی باشی دلی فرهاد اغا
ویرلدی و ساعنجی پاشای قله یه کوندردی ماه مزبورک
بکرمی ایکنجی لایله سبتده مفتی محمد افندی عزل و یرینه صنع الله افندی

ثانیاً شیخ الاسلام اولدی و یوم مزبور ده انا طولی صدری
اسعد افندی رفع و یرینه استانبول قاضی ابوالیسا من
مصطفی افندی و انک یرینه مصر دن معزول عبد الوهاب
افندی کلدی

(وقعه غصنه فراخا و اغای دارالسلامه عثمان اغا) ماه رجبک بکرمی
اوچنجی کونی زمره عساکر سپاه درگاه شاه جهان کلوب ایاق دیوانی
اولماسنی رجا و جلالی ملالی و احوال ملکک اختلالی بالمشافه عرض
و اتقاسی پابنده الحاح و استدعا یتلرله پادشاه عالمپناه مطلع باب
سعا دندن عرض دیدار و احضار اولسان تخت عالی کردون
نظر اوزره قرار ایدوب شیخ الاسلام صنع الله افندی و قائم مقام محمود پاشا
و صدرین اخی زاده و ابوالیسا من مصطفی افندی و علادن مدرسینه
و انجیه اوتوز نفر اعیان و سائر ارباب دیوان حضورنده سپاه
طرفندن حسین خلیفه و پوراز عثمان و کاتب جزمی پای تخت
همایونه بلا واسطه عرض حال ایدوب دیدیلر که پادشاه هم عسکر
اسلام سفرده ابکن جلالی خان غانلری استیصال واجله اکابری اذله
اصاغر زبیه سنه ایصال و سراسر ممالک محروسه یی پامال ایلدی
ارضروم ایالتی کوسه سفر پاشانک سکیانلری و لوندری انده و سیواس
ایالتی آلاجه اتلو دیملکه معروف احمد پاشا زور بازلی حکمنده و قرمان
ایالتی دلی حسن و مرزیفون و قسطنطونی و کانقری سنخقلری
طویل و قره سعید ضبطنده اولوب جلالیلر دنیا یی طوئدی بشالتی
کره سردار تعیین اولندی بر مصلحت کورلندی و کلاهدولتک اهمالی
و محرم اسرار سلطنت اولنلرک اغفال بوکار بوالعجب سبب اولغله
بحسب الشرع و القانون هر برینک جزاسی درکار و سائر بیاعت
اعتبار اولوقی مهمات دین دولتدن اولد یغنی اشعار ایتلرله مقدمه
قائم مقام اولوب یدی ذله ده محبوس اولان ساعتی حسن پاشا میدانه

احضار اولوب مهمات امور دولتی پادشاهه علی وقوعه اعلام
 ایتدیوب قائم مقام ملخی ائنا سنده رتق وفتق کند و هو اسنجه ایتدی
 دیواتم امله سیاه ستگاهه کلمشیکن هر ماده بی پایه سریر اعلا یه عرض
 ایتدیکنی ناطق خطوط شریفه امله موشخ تلخیص صلین ابراز ایلله ابرای
 ذمت اید و به نجات بولدی و مستشار سلطنت و مؤتمن امور ملک
 و ملت اولان وزیر رابع طر نقیجی حسن پاشا میدان انتقامده بوی
 اور لغه چو کرلمشیکن یکپیچر یلر شفا عتیه عفو اولدی و زمره
 طو اشاندن اولان خسرو پاشانک سردار لغنه باهت اولتی تمحتی ایلله
 قیو اغاسی غضنفر اغا و دار السعاده اغاسی عثمان اغا مظهر عتاب
 و تیغ آیکون و آتش تاب ایلله کلدلی حباب اولدی اول ایکی مهره
 سفید و سیاه غاطسان میدان سیاه ستگاه اولد قنده جمعیت
 کسته زمام و سر رشته قیل و قال انا م قرین انفصام اولوب
 پادشاه عالیه دخی ارکان دیوانی سلا ملبوب حرم خاصه
 روان و خلیق دخی کلبانک دعای فلک الافلاک یتوروب
 پریشان اولدی

(توجه یمشچی حسن پاشا بختاب آستانه و سرداری لالا محمد پاشا) وزیر
 اعظم تاتار خانی تپچوی قشلاغنه کوندر دکه نصکره سرحد امورخی
 لالا محمد پاشایه و بلغرادده ذخائر و سایر مهمات تدارکئی دفتر دار
 اتمکجی زاده ایلله وزیر محمد پاشایه سپارش ایدوب کند و کنخدا سی
 مصطفی اغای بوسنه و بودین ایالتلردن ذخیره جمعیه کوندر و ب
 دردواتده قولک حرکتدن کند و به ضرر توجهی اغلب احتمالدر
 دیو سبکبار بر بلوک خدمتکار ایلله چیقوب استانبوله ایلغار ایلدی
 یاغودنه نام محله حسن اغا نام قیو جی باشی کلوب صنع الله افندی
 دلخواه سپاه ایچون مفتی اولد یغین خبر و یردی و قیو کنخدا سی بمنلی
 حسین اغادنه مکتوب کنوروب و جردک سکا کر کسه علی التجیل

کله سکه دیمکله برآن توقف ایغیوب عجلاله یوله روانه اولدی اکنی نهر
 موروانک طغباتی و بوز پاره لری ایله شدت اوزره جریانی عوقه
 باعث اولوب نه حال ایسه بر تنک محله ده وز اوزندن کچرب نیشه
 وارلد قده آستانه دن تکرار مکتوب و آتم کلوب غضنفر اغا وقعه سنی
 سیدردی بوند نص کره هیچ طور میوب خرمنلویه کلد کده ایکی نفر
 قیوچی باشی خط همایون الله والده سلطان مکتوبی کنوروب
 دعوتی متضمن خبر مسرت اثر ظهور ایتدی وزیر بوقغیری دعوت
 ایدوب جواب نامه لرغی یازدیر بددر حال اول ایکی بواب سر آب ایله
 کروییه ار حاج وارسال اولندی اندن ادرنه یه وصول بولوب
 اتمکچی زاده سراینه نزول اولندی بوقغیر اول وقتده ادرنه قاضی سی
 دولانان ذکر یازده یحیی افندی که صکره شیخ الاسلام اولدی محکمه لر نه
 آرام ایدوب دیدی ساعته وزیر ایله معاقیم و جانب دار السلطنه یه
 ایلمار هاتمام اولندی سلوری ایله قارشدران ییئنده قیو کتخداسی
 یمنلی حسین اقا سلیمانیه متولسی صاری علی اغا ایله قارشو کلوب
 بو کیچه بهر حال سرایه داخل اولکن لازم کلد در اگر یارینه تأخیر
 ونور سه سپاه زور باکو ندروب ستری دفع ایدر طرف سلطنتدن
 سلوری قیوسی بوا بلرینه تنبیه اولتشد دیمکله پاشادخی عربه دن
 جیغرب چاغونه وار اولوب سرعت ایله شهر شعبانک یکر می بشنجی
 کیچه سی دردی ساعته باب مزبور دن داخل و سرائی سروره
 واصل اولد یغی ساعته پایه سریراعلا یه تلخیص ایله قدومنی
 انها ایلد کده خوش کلدک قدومک مبارک اوله دیو جواب پادشاهی
 ایله مقنقر و مباھی اولدی و اول کیچه قائم مقام محمود پاشا خبردار
 اولد قه کلوب بالذات ملاقات ایلدی وینه کندی در عقب ایکی
 قاضی بکر افند بلز کلوب ملاقی اولدیلر کیده چکلری وقته
 پاشای کامیاب ایکسینه خطاب ایدوب دیدیکه افندی یلر پوندن
 کیدر کن شیخ الاسلامه واروب بز دن ایصال دعا و سلام ایدوب

دیه سن که بوجله نزول ایلدین بولدن طوغری سعادتنجه لریته واروب
ملاقات اید. جک ایدک کیچ وقت اولغله حضور لریته مانع اولمه ام
دیو صباحه تأخیر اولدی یارین نه وقت مساعده اولور سه استعلام
و بوجانبه اعلام اید. سر صباح اولدی اصلا انلردن بویاده جواب
کمدی مکر اول. هرد. زور یا ناشیلری مفتی به واروب وزیر
بی تدبیردن سرحد امورنده واقع اولان تقصیری سببی ایله اعدا دین
مسئله غالب و شوکت اسلامی سالب اولمشیدی دیو مؤدا سندن استفتا
وزیر حمزورک قتلنه قوی الرب فتوایی قائم مقام محمود پاشا به
کتور دیلر بر وایتده شهر شعبانده وزیر اعظم آستانه به قریب
اولد قده محمود پاشا اعمال مکر و قریب ایدوب ذکر اولان وجه اوزره
فتوایی المش و سپاه الله ویرمکه تکرار جمعیه باعث وام الخبائث
حوادث اولمشیدی حالا فتوایی تنفیذ قصدی ایله قاضی عسکر لری
کتور دوب الله ویردی و بو فتوی مشر و عمیدر دیو سؤال ایتدی
مشر و عدد دیک امدی مشرو عیثی سر دخی یازک دیو زور بار
مواجهه سنده اقدام ایلد کده انلردخی مشرو عیثی تحریر
وامضا ایتد یلر

(تلخیص کردن محمود پاشا بقتل و وزیر را و امتناع پادشاه بابتد بیر
حسن پاشا) زبور محمود پاشا زور بارک بر موجب فتوی حسن پاشایی
قتل مراد ایتد کلرینی یازوب اگر مساعده اولمسه فساد عظیمه
سبب اولور دیو تلخیص ایدوب فتوایی قاضی عسکر لری یازدیغی
امضای ایله تلخیص ایچنه قیوب حضور همایونه کوندردی بو طرفدن
حسن پاشا خبر دار اولد قده بو فقیری دعوت ایدوب حضور
سعادتمسیره بو مضمون اوزره بر تذکره تحریر ایتدردیکه محمود پاشا
بو غرض فاسد اجر ایچون زور یا اشقیای سنه اوتوز یک فلور
ویرمکه تههد ایلدی و اگر مساعده بیور یلور ایسه بر قاج کونه دل

لسانه كلميكن اعظم فساداته اقداملى مقرر در و حال محمود پاشا
تخليصنه لازم اولان جواب وزير اعظم دن صدور ايلين امور جمله
بنم مرفتمله در جرمي ظهور ايدرسه بن حقندن كله پيلورم ليله
وزيرم اراسته قول نيچون مداخله ايدر قارشده قلرينه رضاي
همايونم بوقدر ديو اشارت پيوريلوب ارسالند نصكره قيو جيلر
كخدا سي قوللرينه دشني همان فرما همايون صادر اولق كر كدر كه
بو كيجه واروب بلا مهل محمود پاشا نك حقندن كلوب دفع فتنه
ايله اكر بود كلوسپاه ايله مقابله نيجه ممكندر ديوسؤال پيوريلور
ايسه بيكچري طاشقه سني بو بنده لري كندومه نحو بل ايشمدر
ديو كوندردلي ذكر اولان تذكره مضوننه وقوف همايون
حاصل اولد قده محمود پاشا تخليصنه بو گونه جوابلر خيرو ارسال
پيورادي فتوى و امضا كاغذلى البقونالوب قيو جيلر كخدا سي
فاسم انا حضور همايونه دعوت اولندي و بو كيجه البته محمود پاشايه
واريلوب حقندن كله سن و بو تخليص ايله فتورلى وزير اعظمه
ويره سن ديو قنيه بيور مشلر مزبور قيو جيلر كخدا سي كاغذلى
وزير اعظمه كتوروب كندى خواجه سي اولان ابوالپاسان
مصطفى افنديك كاغذلى كتم ايلدى و محمود پاشا قتلنه مامور
اولد ينى ييلد يروب كندى لكن محمود پاشا خوف ايله فرار ايدوب
بولندي پاشا كلن فتواي حفظ ايدوب مقتبلك و قاضيه سكرلك
خطي ايدى كنى ييلدى

(التجساي وزير اعظم حسن پاشا بزمه بيكچريان و جمعيت ايشان
وتلاشي ساهبان) چون محمود پاشا كوندرد بكي تخليص كلوب
اوقندي عقل باشندن كيدوب نيه اوفراد ينى ييلوب اضطرابه
دوشدى زور بار منتظر طور لر ايدى چون پادشاه فتوى ايله عمل
ايتوب حسن پاشاي حايه ايلدى زسر اينه وارر كندى قتل

ایده رزد بو چاقوب آت مید اینه واروب بو باده مشا و ره ایله یلر
 حسن پاشا بو قضیه دن خیر اویلیق سرائی قپوسنی قپا یوب
 زوجه سی سلطان مکاننه قریب براوطه یه کیردی زیراهنوز زفاف
 واقع و لما مشیدی سپاه زوربارلی آلا ییله باب سراه کلوب قپاغش
 بولد فلرنده حسن پاشا نیک تدارکی محکم اید یکن بیلوب قلع باب
 حدید عمل کثیر استراخشام قریدر وقت تنک اولمغله بو کون اتمام
 مصلحت مبرسراولمز یارینه ناخیر ایدلم دیوطاغلد یلر بو فقیر ناتوان
 دخی اول اولنده بیت احزانمه روان اولدم ایدی حسن پاشا کیجه
 ایچنده خلق صلوة هشایه اشتغالده ایکن تبدیل صورت پیاده
 ایکی خلد متکار پرار ایله قله قپو سندن چاقوب یکپیری اغاسی
 قپوسنی دیمکله معروف سرائی دلکشایه واروب او موضع بی نظیرده
 پنهان او اش اول کیجه یمنلی حسین اغا ایله صاری علی اغا بو عبد
 حقیرک منزله اوغرا یوب دواتکر ایله بر قاج طبق کاغد الوب
 اغا قپوسنه واره سرزید یلر و عجله ایله کتدی یلر بو حقیر دخی عجله
 اوزره اتلنوب اغا قپوسنه واردم کوردم که حسن پاشا صدر مجلسده
 جالس و یکپیری اغاسی اتباعیله مقام خدمتده قائم و ونس اولمش
 فقیری کور یچک بانه چاغروب پایه سریرا هلا یه بر کاغد املا
 ایدر دیکه حال مستند افتاده اولان مولانا صنع الله افندی
 اشقیایه معین و پناه اولوب سابقا برادرزاده سی چلبی قاضی نام حقه
 نارا ضی و ساطی ایله جلالی قره یاز بیجیدن اوتوز یک غروش
 الوب سنان پاشا زاده محمد پاشایی معزول ایشدر دیک بدن
 غیری زور بار ایله اتفاق ایدوب کاه دیوانه غلوا ایشدیروب
 قپو اغاسیله قزل اغا سنک باشرینی کس دیروب و حالیا
 وکیل سلطنت عظمی اولان حسن پاشا نیک قننه متعاق
 تکلیف لر دغدغه سیله عالی قیغولو ایدوب بونلردن ماعدا اسانه

کلیه جک تدارکاره مباشرت ایدوب هرفته ده حاضر شر
 وفساده باعث در دیو جله یکیکر بلر مفتی مرقومک ازاله وجودی
 لازمدر که یوزور بار طغیانی بر طرف اوله دیرل ازاله اولمز سه
 باری جزیره ردوسه نفی واجلا اولنوب فتوی خدمتی بر صالح
 ومنتدین کسینه ویرلک مهم اولغله اناطولی قاضی عسکری مولانا
 مصطفی افندی داعیلری هر وجهه صالح و دیندار و عقیف
 و پرهیز کار در منصب فتوی اکاعنایت بیوریلوب یری استانبولدن
 منفصل مولانا مصطفی داعیلرینه صدقه بیورلق باینده فرمان
 پادشاهمزدکر دیو بومضمون اوزره تلخیص تمام اولوب پاشایه
 ویرلدکه بردستماله صاروب حاضر ایلدی بوندن صکره جله وزرا
 و علما و مشایخ و جبهه بی و طوبی و ترسانه خانی و اهل حرفه لایسته
 خطابا بیورلدیلر یازلدی و هر کیکه پادشاه طاعت اوزره در آلان
 حر بله سلیمانیه حرمنده حاضر و امره منتظر بولنلر دیو دعوت
 وارل کیجه طرف طرف بیورلدیلر کوندردلی اسفرار فجرو وقت
 شافعیده اغا امامنه اقتدایله صاحب دولت صلوة صبحی ادا ایدوب
 اندن صکره اخشام یازیلان تلخیصی بر معتمد علیه آدمبله عتبه
 خلوت سرای همایونه کوندردیلر طلوع شمسه قریب احضار لری
 فرمان اولنان طوائف سلیمانیه حرمنده و یکیکری مسلح و مرتب
 اغا سیراینک نزدیکی ایاننده عادت مألوفه لری اوزره او طه باشیلری
 ایله طوردیلر و ایچلرندن یه کانه لری طشره سور دیلر بعد ازان وزیر
 مر بور و یکیکری اغاسی فرهاد اغا بالای زربانده طوروب بر خط
 همایون چیقاروب بکتابشانه قرشو اوقوندی مضمونی سز که
 یکیکری قولر مسز بر خوردار اوله سز نعمتم سز زره حلال اوله
 آباء کرام واجداد عظام زمانلرندن بوانه کلنجه سزیدن خیانت و خیانت
 و خلاف رضا حرکت صادر اوابوب دائما رضای شریفمی کوزلیوب

وزیر اعظمه معین اولوب زور با اشقیا سنک حقیر ندن کلمکه امداد
 واقدام ایلیسه سزیم دعا وحسن توجهم سزگله ییله در چون
 یکیکر یلر خط همایونی استماع ایلدیلر پادشاهه خیر دعاه اجتماع
 ایدوب دخی خفیه تعلیم اولندقلری اوزره اغزا چوب بزم دخی خیر
 سوزلر بزم واردد اصغایوروب پادشاهمه عرض ایتمکری رجائیده رز
 اول اقرارال خیر اشتغال بودرکه مفتی اوللر پادشاه اسلامه خیر
 خواه اولورکن خلافتی صنع الله افندی دولت علیه بدخواه اولوب
 قره یاز بیچیدن برادرزاده سی چلی قاضی یدیلر اوتوز بیک التون
 الوب سنان پاشا زاده بی غزل ایتدردی بعده زور بار ایله متفق اولوب
 دیوانی باصدیروب اغارک باشی کسدردی شمدی وزرا باشن طلب
 ایتدیروب مراد نجه فتوال و بره بور جله مزک مرادی بودرکه
 مزبورک حقندن کلمه و محمود پاشا دخی ساعی بالفساد اولدینی
 ایچون قتل اولنه وزور بار دخی سپاهیلردن طلب اولنوب تسلیم
 ایدرلر سه فیهامناد ایدوب و برمرزایسه جله سنک حقندن کلمکه اقرار
 مقرردر قتال لازم کلورسه وقتلرینه حاضر اولسونلر بزم حاضر
 طورمیشن در دیدیلر وزیر اعظم دخی جلی الرأس والعین دیوب
 جواب و یروب اغا ایله معاینه مقامارینه کلوب قه سود ایتدیلر
 وزرا و علما خارج پایه سنه و انجه وسائر اعیان وارکان عموما مجتمع
 اولدیلر جغاله زاده سنان پاشا حضوردن امتناع ایتدکه چاوش
 باشی کوندریلوب جبراحضار اولندی بعده بلاو پاشا وزور بار
 دفتر اولنوب اسامیلری چاندی و هر بری ایچون مرد تیماری
 امری یاز بلوب ضابطلرینه تسلیم اولندی

(جمعیت سپاه) بو طرفدن زور بار سحری ارسلان خانه اوکشد
 جمع اولوب صف باغلیوب طور لرردی وزیر اعظم بلوک اغارینه
 چهره مواجهه سنده امری و یروب دیدیکه سپاه طائفه سنه

واروب بواسامی صاحبین سپاهدن طلب ایدک اگر تسلیم
 ایدر لایسه فیها الوب کتورک والا وقتلرینه حاضر اولسونلر
 عموم ایله اوزرلرینه واریلوب حقلرندن کلنگ مقرر در اغار سجا
 وطاعة دیوب روانه اولدیلر سپاه جمهوری اوکته واروب اوامری
 کوستروب زورباری طلب ایلدکلرند بریستی ویرمز پادشاه
 جله سپاهدن کچمک نه احتمالدردیو جواب ویریچک اغار سپاه
 یانده فالوب کتخدار بوخبر ناصواب ایله وزیره کلدیله بوتئساد
 سرای عامره جانندن ایکی قیوجی ظاهر اولوب فتوی تلخیصی
 کتوروب صدر اعظمه تسلیم ایتدیله پاشا آجوب کوردیکه عرضی
 مقتضاسنجه فتوی وقاضی مسکرلک توجیه اولمش همامم اناطولی
 قاضی مسکری ابوالیمان مصطفی افندیه توجیه بیوروب الله مبارک
 ایله پادشاه عالیشان حضرتلری منصب فتوی یی سزه توجیه
 بیوردیلر دیدکده مصطفی افندی آخره خطاب اولنور قیاض
 ایدوب هم روم ایلی قاضی مسکرندن اشوری جالس اولغله برخوشجه
 فهم ایدمه مدی پاشا قالدوب فرمائی افهامدن مسکره مصافحه
 ایدوب بازو سندن طوتوب وزرائک اوزرلرینه کچوردی وخصار
 مجلسه دستبوس تهنیت فتوی ایچون اشارت ایلدی جله علما
 ووزرا علی الترتیب تهنیت ایتدیله بوندن مسکره صاحب دولت
 طرف پادشاهیدن علی طریق الوکاله مفتی جدیدین استغنا ایلدیکه
 دفتر اولنان زورباشقیاسن تسلیمده امتناع وبغی وعناد اوزره
 اجتماع ایدوب اطاعت امر پادشاه ایتمین زمر سپاه حقلده
 نه بیورر سز شرعانه لازم کاور دیدکده امر سلطان اسلامه اطاعت
 ایتمکله جله سی باغی اولورل قتالده ججه یترلی تفریق ودفترلی
 تمزینی اولغی لازم کاور دیو جواب ویردکده پاشا تکرار بلوک
 کتخدارلرینه خطاب باعتبار ایدوب وارک اول ججهیت ایدنله

یو جوا بی ییلدیرک واول شقیلری الوب کتورک اگر عساد ایدر سه
 پادشاه اول زمره کراه قولاغندن کچم شدر چله سنک دفتری
 آتیه اولری مقرر در صکره ندامت مفید اولر و سز که طوا بف مزوره
 ضابطلر بستر شوبله که سز دخی بوباید حایه کونه اھمال ایدوب طلب
 و اقدامده اھتمام ایتز ایسه کز پادشاه افاق سزک حق کزده ضرب
 اعناق اھی ایلشدر چله کرک نزد بان یاغزده بیونلر اولری مقرر در دیدی
 انلر دخی بته اول طرفه کتدیلر بواشاده وزیر اعظم قیوچی باشلره نکاه
 ایدوب اول زمره دن داود اتا که وقعه عثمان خاند وزیر اعظم اولمشدر
 انی یانه چاغروب سر اسمعنه دیدیکه فرق نفر قیوچی ایله مفتی سابق
 صنع الله افندی خانه سته واروب کندی منزلدن قالدیروب
 اسکله یه کتوروب بره فینه یه وضع وردوسه اجلا ایلله دیو فرمان
 ایلدی مزبور دخی فرق نفر قیوچی ایله مفتی منزلنه وارد فده کوبیکه
 صنع الله افندی مقدحجه فرار و اختفا ایلش و بته قیوچی باشی
 حزه انخابی واورطه دفتر داری مراد افندی بی چاغروب بویکجه
 فرار ایلین وزیر کوزلجه محمد پاشاک واروب سرابنی مهر لبه سز
 دیدی انلر دخی کتدیلر و بوجملده استانبول قبولی قیامق ایچون
 یا یا باشلر کوندلدی کتخدالر کبرواتلیدانسه واروب قبول
 قیاند یعنی اعلام ایلد کلرند اول قومه رعب و هراس مستولی
 اولوب قی الحان پریشان و هربری بر طرفه کر یزان اولد قلی خبری
 وارد فده بیکچیری اتاسی فرهاد اتا قول کتیمکه سوار اولوب
 مسلح بیکچیری عوما شمشیر آبدارین میانسه بند ایدوب عجمی
 اوخلانی وجهه جی و طویچی و ترسانه لی عسکری اوکنه دوشوب
 اسواق استانبولی دوره و زور بازی آرامغه کندی و سائر ارکان
 دولت منزللرینه طاغلدیلر وزیر اعظم اول کون دخی اتا قیوسنده
 قالدی بیکچیری اتاسی شهر استانبول طولا شرکن ضرب بخانه

فر بنده واقع اشقیای سپاهلک مکانی قور شونلی خانی با صوب
ایچروده اولنلرک اثواب و اموالنی یغما و نیجه سنی اله کنوروب
اعدام و افنا ایلدی و یکی قول اراسنده عداوت واقع اولدی
سور قسطنطنیه نل قیورلی اخلاق اولغین اهل بلدک موتاسنی
ییله اخراجہ بحال محال اولوب اولکون اول کیجه بو اسلوب
اوزره قالدی

(ذکر مقتولی پوراز و غیری از اشقیای) اول کونک ایرتسیک
یوم الجمعه ایدی بنه علی السهر شیخ الاسلام و جله وزرا و علماء کرام
وارکان و اعیان واجب الاحترام و عموما قیوقولی و خدام شاه
عالیقام دونکی کی اغا قیوسنه دعوت اولنوب صلا زمانه دیک
مشاوره و تنیم امور دین و دولت ایچون انواع محاوره اولند قد نصکره
پاشای کامکار پادشاه عام مداره ملاقات ایچون سوار اولوب
مفتی جدید و اناتولی قاضی عسکری مصطفی افندی بی ییله آلوب
بودکلو مسلح پیاده عسکراوکنه دوشوب حضور همایونه وارد قد
دسنبوس سعادت مانوسله مشرف اولدی لازم اولان امور چهوری
سویلشوب مشاوره اولند قد نصکره بنه اول الای مرتب ایله
سرای عامره دن چیقوب آت میداند اولان سرای دلکشایه
واروب صاحب دولت سرایند قرارایتد کده لشکر تفنگکار آتوب
سوار لری سلحشور لقلرایدوب شنلکرو شطارتلر کوسه تریار
مفتی ایله قاضی عسکر بر مقدار صحبت و مکالمه نصکره منزلت بنه
کبدوب پاشا مقام حکومتده آرام و مصالح ناس ایله قیام ایلوب
خلق عالم و وجوه ام فوج فوج دسنبوسه کلوب نهیت قدوم
و عرض تشکر رفع اشقیای فتنه رسوم ایلدی یلر اول کون وقت
عصرده ایکی شخص بری بری اردنجه سرعتله کلوب زور بالاردن
پوراز عثمان ایله اوکوز محمد اخذ اولند یعنی اخبار و سپاهیلر انا سی

مصطفیٰ اغا کتوره یور دیو تبشیر ایلدی در عقب اغای ز بور اول ابکی
مغروری کتور وب حضور وزیرده ال باغلوب طور د یلر پاشا
پو یوز ناسازه خطاب ایدوب عثمان بک بزسکا سفرد بهیجده رصایت
والثقات ایدوب منصبلر و ترقیلر و ناه معدود خرجلقلر و یرمشیده
بزمه اقوال و عهد یکر بویله دکل ایدی نه باعث اولدیکه اعدا مرایله
اتفاق ایلله سز دیدکده دلی پو یوز دهان معذرتی باز ایلوب
ای پاشای سرافرازینی نیچون سوزیلدرسن بن اول صوچی ایلدیمکه
اعتذاره بحال اوله کفران نعمت ایتدیکیم یولچمه ایزیمه کلدی
بنی مظهر ایتدیکک احسانی او یله باصدم که بهر تقدیر کوزومه
طوره یه هر مرتبه سیاسته استحقاقم مقرر در همان کال احسان کزدن
انی رجا ایدرکه بو کنه کار قوی عورتلر کی کند کلو فشار ایلله
قتل ایتدر میوب سیف ایلله اولدوره سز دیدی پاشا جوابنده
الله صقلیه که سنک کی بر مرد شجعی ازاله ایتدیره یوز خصوصاً
پلورز که سنی کند و حالیکه قوما مشلدر اما ارباب خلافه تابع
اولغه باعث نه اولدی آتی بیان هر ادیمزد در دیو ابرام ایدیکک
جواب و پردیکه استا نبوله کلدکده اول طائفه بی بو مقوله تدارکده
کور وب خلط لرندن امتناع اوزره اولدم کاتب جزمی وغیری
باشمه او شوب و قنده کیدرسم اردیمه دوشوب در پردیکه بهی
عثمان بک بزبو مصلحتی کورمیش کرک شیخ الاسلام ووزرا و کرک
قاضی مسکرلر و سایر ارکان و کبراجله بزمه یله در البته بو مصلحت
کور یلور همان سنک تفرد ایتدیکک قالور بلکه مداخله ایتدیکک
ایچون صکره ضرر چکرسن دیوب بنی خالدیروب برکون صنع الله
افندیک کتخداسی منزله ترتیب اولمش عالی ضیافته کونوردیلر
زور بار ایلله اجتماعم اولکون واقع اولدی ینه اختلاط ایتدم بعده
محمود پاشا طرفندن دعوت و بالضروره اجابت ایتدر د یلر اول خود

بودار که دامن در میان ایدوب بالانات دیدی که عثمان بك
 بر بن مصطفی کور مشر همان سنك امناك يانكه قالور چه و ره
 مخالفت اتمه نك معناسی یوقدر خصوصاً که یولداشلره اوتوز يك
 فلوری انعام واحضار اوانسدی انبن دخی محروم قاله جغك
 عاقل کاری دكلدر دیو نیجه مقدمات ایراد ایدوب اندن بنی قالدربوب
 مفتی صنع الله افندی یه بعده فاضل کورله کتوردیلر انلرك دخی
 هریری نیجه ادله تحقیق ایلدی چون کوردم جله کبار بوسته
 ذهاب اولوب اجاع و اتفاق ایشلر اوزده اوتوز يك فاوری
 دخی مذکور اولدی شیطان اطماعی ايله ارایه کیروب بعده
 زور بار ايله اجتماع و اتباع و دوشن فتنه بی ایقاع اوزره اولدم
 دیدی اول محل وزیر اعظم حالاً مفتی اولان ابوالیمان مصطفی
 افندی انلره تابع و کلیدی دیدکده پویراز عثمان قسم یاد ایدوب
 انلر غیر یلردن زیاده ساعی ایدی دیدکده حسن پاشا یوققیرك
 یوزینه باقوب اولبا بد استغراب کوستردی پویراز ختم کلام
 ایتد کد نصکره پاشا بلوک انامی مصطفی انایه بیوردی
 وار بونلری باب هما یونه ایلت حضور پادشاهیده بواحوالی
 تقریر ایتسونلر دیدکده ایکبسنی دخی آلوب حضور پادشاهه
 ایلند کلرنده منوال مذکور اوزره تفصیل احوال ایتد کلرند نصکره
 اشارت علیه ايله بیونلری اورلدی برابکی کوند نصکره اول
 زور بار دن دیه کوز رضوان اله کتور یلوب سرای عامر ده
 قتل اواندی قزاز علی و بورناز محمد مقوله سی دفتر لی زور بار
 برر ایکبشر اله کیروب باب هما بونده جله سی تیغ سیاسته قتل
 اولوب حق لرندن کلندی اما سپاهلر کاتبی جز می نام بد بخنك
 بولماسنه چاره اولیوب کسنه ایزینه ایرمدی مکر بر قاج يك التون
 استحباب ایدوب کند وی میت شکله تاپوته قویوب اسکداره

کچوریش سوراستان بولدن بوحيله ايله چيقوب برقاج خد متکار ايله
اتلنوب فرار ايلش خد متکار لی اول فلوری به طمع ایدوب
برکھسارده کئسندی قتل و دینار لی اقلسامده منازعه به
دوشوب آخر بر بر یله عربده ایتکله بری قاچوب بو خبری
افشایه باعث اولدی

(مقتول حسین خلیفه) رؤسای ارباب خلافتدن
حسین خلیفه نام شخص قبواغاسی قتل اولندوغی کونده بالمشافهه
پادشاهه نیجه سی ادبانه کلمات ایتکین ازاله سی مراد پادشاهی ایکن
حسن پاشا و قهقه سنده یکچیر یان صیانت ایدوب حتی زور بالرد فترینه
دخی قید و ثبت اولماسنه یله مانع اولدقارینه بناء اغماض عین اولنوب
اصلا لسانه یله کتور لمیشیدی شقی مرقوم تمام امن حاصل ایدوب
خلاص اولدم دیوبی پروا رمضان کیجه لی قهوه خانه ره چیقوب
یاراتی ايله ذوق نهانی وصحت کامرانی اوزره ایکن رمضانک اون
برنجی کیجه سنده علی الفقه قهوه خانه دن قاید بریلوب حضور
هما یونه کوندردل کده بلا امان عدم دیارینه کوندردلی الحاصل
بو طریق اوزره زور باشقیبسی جله اله کبر و ب وجودی سودل ندن
عالم تطهیر اولندی

(احوال کوز لجه محمود پاشا) محمود پاشا ایسه بو وقعه اولنده فرار و اختفا
ایتمیشدی مکرصوفی زینه کبروب زنجیری سروی سمندده متولان
استانی بولدن مرحوم حاجی خسرو بنا ایتدیکی جامع جوارنده اولان
خانقا هده که بازار کان جامعی دیمکله مشهور در عارف بالله الشیخ
رمضان قدس سره حاضر تدرینه التجا ایلش طلبکار واروب
مشنبه اولمغه سچلمدی یکی معروفدر اول آستانه به التجا ايله جان
رها ایلدی

(عداوت فریقین و قتل طر نفی حسن پاشا و علی اغا و باقی اوضاع

نا پسندیده وزیر) بوقعه را در نصکریه بیکچری ایله سپاه آراسته
عدوات دوشوب بری برین تها بولد جقه قتل ایدر اولدبار خصوصاً
استانبولدن طشرده بوا یکی طاشقه آراسته کارزار اسک اولدی
بمشیحی حسن پاشا ایسه زورباری قیروب اهل فتنه یه بومر تبه تفرقه
و شکست و یروب بوم قوله فائله هائله ی دفع ایتدم دیو جانب خاقان
اسکندر آستانه دلال و امنانه باشلیوب زیاده مقرب و مقبول اولد یقنه
تمام مغرور و عرض ایتدیکم رد اولنم دیو دولت بی اعتبار پنج روزه ایله
فتی مسرور اولمشیدی بوکند و یه مبسر اولان قتح عزیز و نصر
مبینک هر لحظه شکری واجب اولوب هر هیز و تقوایی مزید اولمق
مناسب ایکن عتف و جبر و قی اتر و ب نفس اما ره سی دبلد یکن
تمشبت ایدوب حدا هتد الدن زیاده شدت و بی وجه سفک دما
وسپا سترایمکه باشلیدی و کال غرورندن یخضور اولدیغی کسسه لری
جزئی بهانه ایله ازاله ایدر اولدی جمله دن بری بر کیجه بیکچری انا لغندن
چقمه علی اغایی که قبو اغایی داما دیدز بلا عله بوغده یروب
هر کس مخیر ایکن اول کیجه نک ایرنسی کونی دیوانه واروب
عرضدن چبقارکن اشارت ایدوب وزرای عالی رأ یدن طر نفهی
حسن پاشایی باب السعاده سقنی التنده چو کر دوب بونینی
اوردردی و بونلرک جرمی نه ایدیکی معلوم اولدی انجیق سابقاً
حسن پاشایه بغدادیالی ویر بلوب کشیددی اول زمان عزمی زاده
افندی بو قطعه بی دیمشدر (قطعه) بحب اولمز بورو زمانم ایچون *
کر بلادن اگر دیتلده شدید * نه علی قالدی نه حسن نه حسین *
بریزد ایتدی جمله سنی شهید * و سابقاً قائم مقام اولان وزیر سا عنجی
حسن پاشایی قتل قصه ایدوب بعض سبب ایله اره حق روحندن
تجاوز ایدوب طر بز و نه اجلا ایله درگاه خد اوند کاردن بویله
تبعید و دیگر قائم مقام سابق طواشی حافظ پاشایی دخی مغضوباً

قل سبعة ده حبس ایدوب نجاتدن نا امید اولدی و او طه باشلیق
 منصبی ایله سلحدار شهر یاری اولان نقاش حسن اغا بهر کون
 حضور هما یونه بالکن وار یغنه مزبوره طشره چیق دیوا شارت
 ایدوب تردد ایتمکله بمحضور اولشیدی بر قاج کون مروند نصکره
 بعض جرایم اسناد و عرض ایلوب وقت عشا ده طشره چیقارتدی
 و یو خصوصده جرمی اولوب تنبیه پادشاهی ایله طشره کتدی یکی
 معلوم اولیق بر قاج کوند نصکره قیوچی باشلیق و یرلدی و خزینه دن
 آنچه طلب اولند فیه پادشاهی منع ایدر دیو بر کون جلاد احضار
 ایدوب عرضه اذن همایون اولما مغله ظفر بوله مدی ساعتی
 حسن پاشا بی باعث اجلا بوایمش که مشار الیه قائم مقام ایکن
 سردار عیسی حسن پاشا نک او غور سرزایی بین العسا کر عیان
 و ظاهر اولمغله سفرده عبور ایچون او غور ادینی کو پر یلر قیر یلوب
 تد بیر تده دخی کال تقصیری ظاهر اولمغله افراد لشکر یوز شیشه
 طور و پره او غور سرز چون مهمات و تدارکک بوشکلدر نیچون
 سردار نک امور ینته تعهد ایلد ک دیو سرزنش ایدرلر ایمش عسکر
 بویله یوزه چقه ماغه باهث اولان شخص نیجه سردار او اور محصل کلام
 تبدیلی واجب اولمشدر دیو عرض ایلمش پادشاه حضر تری
 دخی ساعتی نک عرضنی مفتی عصر اولان مولانا خواجه زاده
 محمد افندی به کوندروب واقع حالیدر دیو سوال بیورد قدده محض
 افترا در دیو دفع ایتمش قضیه عیسی به منع کس اولد قدده ساعتی به
 عداوت ایدوب بالاخره طرزونه طریقه ایله کتفا ایلدی و قیودان
 جغاله زاده نک مسند صدارت استعدا دندن خوف ایدوب زور بار ایله
 اتفاق ایلشیدی دیو ازاله سی باینده متعدد عرض و تلخیصلر ایلدی
 طرف شهر یاری به تأثیر ایلدی یکنیدن دلکیر اولوب برهفته
 اصلا عذری یوغیکن دیوانه وارمدی جراح محمد پاشا ایله بو حقیر

امور دیوانی کوروب کنند و سی تمارض کونه طشره چقمادی
و بویوضعی باعث قبل و قال اولدی محصل (لاوفاء للملوك) مضمر نندن
کمال مرتبه ذهول ایدوب مقرب سلطان اولنلر ایله مداراته و کارکران
دولت ایله ترک محاوراته سلوک ایتیموب اخر الامر چراغ باختصاصی اولان
مفتی مصطفی افندی ایله دخی ما بین اولوب ورا ضیه خاتون زاده
مصطفی پاشا و همراز و هواداری بیکچری اغاسی فرهاد اغا ایله
دخی منافرت ایدوب دارالسعاده اغاسی عبد الرزاق اغایی دخی
رمیده قیلوب جلّه اکا برواعیان ایله وفاق شقاقه مبذل ایلدی
و بو ائشاده تجار الحقه سی نامنه فخرایه صالحین صالحین یازمچی زاده
القاسم ایله علمادن رسوم بروآت الوب باب ظلم و تعدی بی یاز و دست
جور و ستمی خلقه دراز ایلدی و سنه آتیه ده بو اوضاع ناهموارک
جزاسنی کوردی

(ذکر بقیه احوال درین سال) درمضان شریفک اون برنده جراح
محمد پاشا جلای اوزرینه سردار تعیین اولمشیدی ماه مرقومک
بکر می بشنیده رفع اولنوب برینه جنفالی زاده مأمور اولدی
و مصردن معزول خضر پاشا به ماه شوالده وزرات خاصلری تعیین
اولنوب دیوانده اوتورمق بیور لمشیدی غره ذی القعدّه ده طونه
یالبسنه محافظه سردار لبقی توجیه اولنوب کوندردی و بیکچری
اغاسی فرهاد اغا معزول اولوب یری قیو جیلر کئنداسی قاسم
اغایه ویرادی قره حصارده قشلا بن دل حسن شاه و یردی
کئنداسنی در دولت کوندروب جرایم کذشته سندن استغفا
ایتکین بیکچری اوجاغندن طور نه جی باشی حسین اغا رایه کیروب
من بعد روم ایلی سرحد لر نه غزایتسون دیوشغاعت ورجا
اولمغله خیر قبولده واقع اولوب بوسنه ایاتی ویراری و مزبور طور ناجی
باشی و شاه و یردی ایله کئید و نه طبل و علم و خدمت فاخره کوندردی

مزبور دخی اشقیایی طاعیدوب غره ذی القعدة ده کلیولی معبرندن
 کچوب روم ایله توجه ایلدی و درتوز قدر مقرب آدم لر نه بلوک رجا
 ایتمکین طغوز افچسه ایله علوفه جیان ینین غربای یمین و یساره
 الحاق اولندی و مزبور طورنا جی باشتی بکچیری الایی ایله ماه
 ذی الحجه نك اون اوچنجی کونی استانبولدن چیقوب بلغارده سردار
 محمد پاشا اردوسنه توجه ایلدی پاشای مومی الیه بودیتدن قالقوب
 بلغارده کلش و طشره چیقوب درنك ایلشیدی دلی حسن و طورنا جی
 بشتی قدومنه منتظر اولوب طور دی ماه ذی القعدة ده مقدما سردار
 زمین اولسان جغالی زاده حالی اوزره قالوب بروسه محافظه سنده
 اولان اتا طولی بکر بکبسی نوح پاشاید خاصلر توجیهی ایله وزارت
 ویریلوب قپوخلقدن سلحسار بلوکی و علوفه جیان یمین بلوکی
 و سکیان باشتی نقراتیل و فرمان و سبواس و مرعش و حلب و آدنه
 ایالتلری تعیین اولوب جلالی حسندن ایریلان قره قاش او باشک
 و طویل بلوک باشنك دفعی ایچون سردار قلندی و جلالی بارشده قد
 یانلرینه التجا ایدن خان زاده لردن سلامت کرای و محمد کرای و شاهین
 کرای درگاه شهنشاهه مراجعت ایلبوب او اخر ذی الحجه ده
 جتهد لری عفو اولندی و ماه مزبور ک بکرمی بدیچی کونی پادشاه
 عمر مشرب سلطان محمود نام شهرزاده لرینی مظهر فخر و غضب
 ایلدی تفصیلی بودرکه مشایخدن بری شهرزاده نك جلو سنه وفق
 قویوب بعض ادعیه و عزایمه متعلق مراسلات واقع اولسقدند
 قزل اغاسی متفطن اولوب خنکاره کاغدی الوب عرض ایدیچک
 اولاشهرزاده اخذ اولندی بعده والده سی و شیخ و واسطه اولنر جمله
 اخذ اولندی لکن بوعدر پادشاهه دخی منین اولیوب برآید نصکره
 اول محذوره اوغراد بلر مزبور شهرزاده بر شیخ و غضبور کپسه ایلدی
 هر بار خنکارک جلایلر امرنده افکاری اولسه تسلی و یروب

نی سردار ابله کوند رسکا ضروری سرف وایتدیره یم کرک سیف و کرک
احسانله انلرک تمخیری آساندر دید کجسه پادشاه اتی بومعقوله
سوزلر دن منع ایدردی

(قتل نداژل عبدالرحمن در دیوان همایون) یوسالده ظهور ایدن
غریب وقایعد ندراسنا بولده بهرام کتخد ا مدرسه سنک خارج
پایه سیله مدرسی اولان نداژلی لقی ابله مشهور صاری عبدالرحمن
سنه مزبوره جادی الاول سنک اوتقی کونی الحادوزند قسه
تهمتی ابله اخذ و دیوان هما بونده قتل اولندی اخی زاده افندی
صدر روم واسعد افندی صدر اناتولی ایدی قتلنه حکم ایتدیلر
اسعد افندی تنک طر نقی حسن پاشایه خصوص مزبوری
سؤال ایتد کده جواب نامه سیدر بنم سلطانم نداژل
خصر می سؤال یولمش یویله زندیق کوردم حشر و قشر
و جنت و جهنمی و ثواب و عقابی بالکلیه انکار ایدوب
(اولس الذی خلق السموات والارض بقادر) نص کرینه
نه درسین دیدم قادر دراکن وقوعه کلز دیدی بوکار خانه یه
زوال احتمالی بو قدر درسین (یوم تبدل الارض غیر
الارض والسموات مطویات یتینه) نص و صنفه درسین
دیدم تا و بلی و توجیهی واردر مرادینه یونشته ده اولان
احوالدر دیدی (یوم یكون الناس کافراش المبروث
وتكون الجبال کاعهن المنفوش) نه دیم کدر دید کده
طاغیر کی آدم لر عالمده بریشان اولورلر دیم کدر دیدی دخی چوق
نصوص قویه ابله شبهه ردیه سن ازاله وقبول حقه اماله قصد
ایلدک بمجل اولندی بومرتبه زندیق در قصور عقلمده اکرچه
شبهه یوقی فاماداره تکلیفدن خارج اوله حق قدر مجنون دکل ابدی
زعیمجه حبلی اداره بحث ابدی مجنون تاویل نصوصه قادر اولر

زندیقك ايسه بعد الا خذتوبه سی مقبول اولوب بلا تاخير قتلی
واجب اولغله شرع شریف موجبجه قتلنه حکم اولندی
حضرتک حاضر اولسه کز کندو الیکز ایله قتلی جائزیدی کندوزعم
فاسدنجسه دنیا بلا بنسدن خلاص اولدی مسلمین دخی النسدن
ودین اسلام دلندن خلاص بولدی

❀ وقایع سنه اثنی عشر و الف ❀

(سرداری محمد پاشا بیجا نب انکروس درسفر چیل اطه وعودت
تا تارخان) سنه سابقه ده وزیر اعظم حسن پاشا در دولته کلدکده
بودین محافظه سنده اولان لالا محمد پاشای سردار نصب
ایتشبدی پاشای مزبور دخی اوائل ربیعه بودیندن قالقوب
بلغراده کلدی اول اطراف واکافه احکام شریفه کوندروب
عسکری درنگه دعوت وبلغراده جمعیت ایتدکد نصکره
آستانه دن کوندرین یکچیری ایله طور ناجی باشی وولی حسن هنوز
واصل اولدین زمان سفر تنک اولدی دیو بلغراده قالقوب بودین
جانیله توجه ایتدی اوسک کو پرستی کچوب قوروا منزله نزول
اولد فده بوسنه بکدر بکسی اولان دلی حسن پاشا کلوب ملاقی
اولدی قره قاش بلوک باشی کلیو لیدن دونوب اناطو اید قالدی
من بوردلی حسن اطاعت صورتده کرچه روم ایلنه کچدی لکن
کیرو جلالیک طرزیندن چقمبوب اولا بوغازده قدرغه سنه بندیکی
بکی جزئی بهانه ایله غضب ایدوب تنک ایله قتل ایتدی ادرنه ده
بجحد یغموراق و سراج خانه اثوابی و سائر لوازم الوب شهره توزیع
ایتدردی ادرنه لی برفاج یوک اچقه صالغن چکد یلر فله و موفیه
وسائر قری و قصباته بوموال اوزره تعدی ایده رک کچوب پیاده
وسواری اون ییک قدر عسکرایله سرداره کلدی و بونک عسکری
کور لشمش بطور و طرز غریب اوزره ایدی کبی عزیان بوینده

حائل و تمام و کمینک رکابنه بر دوه اردله سی اصلش وارقه سنه
 ز بلار حسابلر کی دیزلش کمینک باشی آجیق عورت صاچی
 کی اوزون صاچی ایکی یاننه صارقش کمینک بالدی بری چبلاق
 والنده برقرارغی مزارق اوجنده ایکبشر فارس بیاض بیراق بو هیئنده
 کلوب اوطاغ سرداری احاطه ایتدیلر چله قتلاری یاردی عقیقه
 خنچری کوکسندنه برکروه ییله کوروب حاضر و ناظر طور دیلر سردار
 یوز قرق قدر بللو باشلو زینه خلعتلر و بر اولغدر دخی چوقه لر
 کیدردی اولخلده اوج در نبوز آدمی بلو که عرض ایلدی پاشا
 کوره لم دیو فردایه صالمشیدی آخر الامر تنفیذ ایتدردی و بوندن
 اقدم غازی کرای خان پچویده فشلا یوب بلاد کفاره افن ایتش
 لکن اولغدر مراد اوزره طوبیلق المیوب کلمشیدی سرداردخی
 یودیندن بلغراده کلورکن واروب ککندویه بولشوب صحبت
 ایتشیدی بودفعه سکسار منزلدن پچوبلی ابراهیم افندی کندیو
 فرینی و آد مسی او لغله دعوت کوندر دی مکریمشچی طرفندن
 عوده اشارت اولمش و اردقه بلا تردد عن قریب کیده رز
 دیو جواب و ربوب جلالی احوالین سؤال ایتدی و انلر ایله بز نیجه
 جمع اولورز دیدی و تردد کوسه تزدی مز یوردخی دونوب سرداری
 خبردار ایتدکده اتمکچی زاده طرف سلطنتدن بر معین آدم
 کوندراسه تعظیم بولنوب سوزی تأثیر ایدردی دیو مز بور ابراهیم
 افندی پی یاننه الوب ککندوسی کتدی و اردقه براز
 مکالمه دن صکره ایرتسی در اوه صویندن جلالی پکنجه توقف
 ایدوب دفتر دار افندی ایله معا کیده رز دیو مکتوبلر ایله ابراهیم
 افندی پی کوندر و ب اتمکچی زاده خان یاننده قالدی متعما یمشچی
 دفتر دار ایله متعاهد اولوب خان کیدرسه درد و لنده جایه ایدرز
 جانب بادشاهیدن معاتب اولماز دنیایی قحیمی ایتسه کرک بوسردار

مصلحت کور رسه اعدا من بزه ظفر بواور همان سرحدی محافظه
 ایتسون دیدبکنی بیلدر دی خان دخی کوچوب اول محلدن کنندی
 دیارینه عزیمت ایتسدی دفتر دار دخی کلوب یاس جوا بن کنوردی
 اول محلدن کوچوب لوب طی مراحل ایده رک ماه محرم اواخرنده
 حزه بك سراینه نزول اولندی اتمکچی زاده اول محلدن دونوب
 روم ایلنه تحصیل ماله کسب دوب طریقان علی اخندی اردو دفتر داری
 قالدی و کفسار سرداری و محار قیودانلری و قرال قزنداشی بوجه
 الی بیک قدر کافر طابوری پشته ائنده اولوب چیل اطه به
 کو پرستی قورمشی دی ذخیره مهمات بکیرینی بودین جائینه کچور مامک
 قسندینه جزیره من بوره بکله لوطوب قورمشلرایدی عسکر اسلامک
 نزولن کوروب چادرله طوبلر ایتدیلر اکثری خلق بر چقور قازوب
 قورونورلایدی و کیمسه بی قافله غه قومادیلر اول محلدن دفعاتله
 مشاوره اولوب اصلا بر خیر اومو لور رأی صدور ایتدی یرار اتلو
 اقبیه کیدرسه کفار فی الحسب کو پری قوروب اوزریمه کلور کیم
 مقاومت ایدر بودینه ذخیره قویمدین قالقوب کتمک دخی مناسب
 دکدر ذخیره عسکره توزیع اولوب عربله لودوه لایله بودینه
 نقل اولتسون اندنصه کیره کیدلسون دیدیلر بوکره یمشچی اردله
 کتدیککی کبی کافر بودینی محاصره ایتدیککی تمشل ایدوب جائز
 کورمدیلر آخر اطه به بر دخی کو پری قورالم کافرک طایفه سی
 اوزرینه وارالم دیو کو پویه مباشرت ایتدیلر اول کیمه بلوکلردن
 ترقی ایله سپاه یازیلوب سلحدار اغاسی کوچک عثمان اغا و سلحدار
 کاتپی فدایی بك اون پاره شاهی ایله و امرادن بر مقدار تفک
 انداز و اوج بیک قدر سبکبان کچوب صباحه دک تابه ایچون
 دیزمه دیره سز دیو تنبیه اولندی بیکچیری اغاسی پرینه اولان
 سبکبان پاشی سفر اغا کلوب بر دخی اوجافدن اوج درت بیک آدم
 زمین ایتدک دیدی بیکچیری کچمسون سوزینی سوزیلکله کیمسه

اقدام ایدہ مبوب بیکچریسنز ایش اولورمی بیکچری لازم دکل
سوزیلہ طعن وخوفندن سکوت اولندی لکن چوق بیکچری کچمکه
شروع ایلدی بعدہ برہ ہمسایہ قاج یک اتلو کرک دیمکه باشلدیلر
هرتقدیرکہ بش اون یک اتلو طابورہ مقاومت ایدہ مز انجق یاا
کچوب کوپری قور بلنجہ متریسہ کپروب اوئہ طرفی قورر کوپری
تمامند نصکرہ اتلو دخی کچر تدبیر بودر دیہ کوردیلر مفید اولما یوب
البته اتلو لازم دیدیلر آخر پاشانک ہمشیرہ زادہ نی سرخوش
ابراہیم پاشا کوسنسدیل بکی ایدی انی تعیین ایدہ لم دینلدکدہ
راضی اولوب البتہ روم ایللی بکلر بکسی مراد پاشا جملہ روم ایللی
عسکر یلہ کجسون دیدیلر صکرہ بوسنہ دن معزول درویش پاشا
تعیین اولوب کوپری محانہ کلدکدہ بو کوپری برخطسای فاحش
وتہلکہ درد یو چوق سوز سویلدی محمد پاشا اولیلہ ایدیکہ
ظاهر اما مجبورزدیدی زیرا بیکچری استابولده یمشجیدن و طرف
سلطنتدن یوز بولوب غایت طغیان ایدر اولشلر ایدی و چونکہ
سز نشاؤم ایدرسز کتک دیو لطف یوزندن سویلدی مزبور دخی
قسم ایدوب اولمک یانقدہ بر ایچیم صود کلدر قیاس پیورلیہ کہ
کندو نقصمی قایرم لکن ناموس سلطنت و عرض اسلامی قایرم
دیوب کتدی درت بش یک سوار واون ییکدن زیادہ پیسادہ
قایقلر ایلہ کچوب کارہ یغلدیلر و محمد پاشایہ عظیم غفلت عارض
اولدیکہ خوابدن باش قالدردی ہر بار کہ کوز آجسہ
نہ سویلدیکن بیلزدی نصف اللیل ایریشوب نہ خند فی کندی
ونہ طایبہ یایلدی جلالی سکبانلری براونہ یقادہ بو قدر جنک ایلدک
نہ خندق فازدق نہ دزمہ دیردک شمدی دخی استمرز دیدیلر
بیکچریلر انجق کند وری صغناجق ہر چقور فازدیلر چون صباح
اولوب صفک دردی کونی جراد منتشرہ کی پیسادہ و سوار

قاریشق نه آلائی ترتیب ایدوب طور دیلر ونه متریس قوردیلر بشر
 اوز قشار یلاک ایدوب پشتیه قریبده طابور اوزرینه واروب
 طاهرده بولمقلری برایکی کافری الوب دل دیو کتوردیلر و بر قاجانی
 کسدیلر بو طرفدن کوپری اتمامیه فوق الحد اهدام اولندی لکن
 یتشمدی همان ظهره قریب کفارک آلابیری یوردی خنزیر
 سور یسی کی بری برینه ملاصق کلوب مجار آتلوسی بزم آتلویه
 مقابل اولوب جنگ ایتدیلر پیاده دخی متریسله طیساندی لکن
 برودن کوپری یوق که امداد واره حاصلی عصره قریب زمانه ک
 جنگ متعادلی اولوب بالاخره بو قدر یسک آدم دوکوشی دوکوشی
 شهید و کیمی طونه یه دوشوب نابید اولدی انحق بر ایکوز آدم
 کیمی پیاده و کیمی سوار طونه دن یلدیروب بری یچدی و نیجه سن
 شایقه ل واروب تخلیص ایتدیلر و بریدن طوب و تفشک یله چوق
 کافر دشور دیلر درویش پاشا اون قدر ایچ اوغلانی ایله کفار
 فارشوشنده چوق زمان طوروب یخانیله استقالت و بر رفید اولردی
 عسکر دن کندویه معین یوق کوردی اتباعی ایله کفارک بر یوک
 الایته هجوم ایدوب دوکوشی دوکوشی شهید اولدی و بو طریق
 ایله جلالی عسکر دن التی یسک قدر نفوس ضایعه و تلف اولدی
 بوند نصکره کفار خاکسار ساحل طونه یه طوپلر کتوروب جسره
 طونیا زلزلین طاغتنندی انکله دخی قناعت ایتوب پرو بقایه کیلر ایله
 عسکر کچوروب بر کیجه ده متریسله قوردیلر وارد نیجه جسره
 قورمغه مباشرت ایتدیلر عسکر اسلام اوج کون مقیند اولمیلر
 کفار دخی وافر عسکر کچوروب کوپرولی اتمامه قریب اراشیدی
 درنجی کون فرمان سردار ایله دلی حسن پاشا اتلنوب متریسله
 واروب مهمسا مکن هجوم و اقدام ایتدی لکن خفندقلری عینی
 اولمغه کیرمک ممکن اولمیدنندن دونوب ایکی جانبدن طونه

کاری ایله متر یسارینه دخول ایتدی و بالجمله پرو بقایه کچن سکر ییک
 قدر سردن کچدی کافرک جله سنی طومعه شمشیر ایلدی انجق
 ایکبوز قدر کافر چام کبلرینه بنوب طونه اورتی سنه واردقلری کی
 انلرک دخی کبلری دور یلوز غرق و هسلاک اولدیلر بوند نصکره
 سردار و عسکر اول محلدن کورچوب بودین جاننده وارمشلر ایلدی
 کفار غیرت جاهلیه ایدوب برنیجه ییک کافر عسکری کچوروب چنکار
 ایتدیلر بودیندن براینکی ییک عسکر چقبوب اینکی طرفدن هجوم
 و اکثرین هلاک ایتدیلر اقل قلیل خلاص اولدی بردفعه دخی صفراک اون
 ایکچی کونی سردار بودینه ذخیره قورکن کفارینه حرکت کلوب
 اسکی بودینه کذا رایتکله عسکر اسلام فارشو واروب انده دخی
 جنگ عظیم اولدی آخر الامر کفار کیر و پشته جاننده چکلبوب
 کور بلرین رفع ایتکله دونلدی فصل شتادخی ابتدا ایتشیدی
 سردار بودین و استونی بلغراد مهمانلرین تکمیل ایتد کد نصکره
 قول او غوللرینی یو قلبوب بشبوز جدید قول او غلی یازدی
 و طورنه جی باشی حسن اغایی نونجی تعیین ایتدی و روم ایللی و البسی
 مراد پاشایی ایالتی عسکری ایله بودین محافظه سنه و بوسنه
 بکار بکبسی دلی حسن پاشایی اوسک محافظه سنه قودی و سردار
 ماه ربیع الآخرک اوندر دنده عسکر اسلام ایله بودیندن دونوب
 اخرنده بلغراد واصل اولدی کند و قشلا غه کیر و ب عسکره
 اجازت و یردی و واقع اولان احوال یازوب دردواته عرض ایلدی
 (ذکر بعض وقایع در آستانه) محرمده صوفی سنان پاشا به وزارت
 و یریلوب آستانه به دعوت اولندی و یکچیری اغاغندن معزول
 فرهاد اغایه ایالت شام و یریلوب و سابقا نوح پاشا اناتولی به
 سردار کوتدر بلوب کوتاهیه دن حافظ احمد پاشا آستانه به دعوت
 اولمشیدی ماه صفرک یکرمی دردنده کلوب اون بش ییک فلور یسی

میری ایچون قبض اولنوب ایرتسی دیوانه واروب مقامه جلوس
ایتدی کیرو اول کون اخشامه قریب بیکچری اتاسی قاسم
اغا سراینه واروب قیوجیلر کخدا سی ایله یدی قله یه کوند ریلوب
سرای مهرلندی ایرتسی دارالسعاده اتاسی عبد الرزاق اغا واروب
ماملکنی طرف سلطنتدن قبض ایلدی اون سکنر کون محبوب
اولد قد نصکره اطلاق اولنوب میخالیجده اولان حفته لکنه
کوند رلدی زیرا وزیر حسن پاشا مقدما مزبوری پادشاه بیکم شیدی
جرم اغاری شفاعتیه قتلدن خلاص اولدی و محمدیه ساجچی
حسن پاشایه ارضروم ایالتی و بریلوب سرحد محافظه سنه مأمور
اولشیدی شدت شتاده دریادن طریقه کوند رلدی

(عزل نوح پاشا و سرداری نصوح پاشا) سابقا جلالی اوزرینه
سردار تعیین اولنان نوح پاشایه وزیر اعظم حسن پاشا ک عداوت
قدیمه سی اولغله و زارتدن عزل ایدوب پرینه حلب بکر بکسی
نصوح پاشایی وزیر و سردار تعیین ایلدی مزبور نوح پاشا پراختیار
عمل مانده ادم اولغله ولایتی اولان لارنده ده تقاعدایتک فرمان اولندی
(قضیه عزل و قتل یمشهی حسن پاشا) صدر اعظم مزبور
سرحدی محافظه سنه کارگذار سردار لر تعیین و جلالی غنه شنی
صلح ایله بر مقدار تسکین ایلوب سرکشان عسکری زمام حکمنه
رام و دشمنلرندن اخذ انتقام ایتد کد نصکره بی شریک و سهم
مقام استقلالده مقیم اولوب کید رک ایخیره ردیه غرور دماغه
حتصا عد و قرع انبیک انف شاختدن قطرات کبر و نفوٹ ایله
صحیفه افکاری فاسد اولغله جله احباسیه محبتی بغض و عداوته
مبدل و یارغار لری ایله الفتی منافرتة محول اولدی مفتی مصطفی افندی
و راضیه خاتون زاده مصطفی پاشا و بیکچری اتاسی قاسم اغا
و سایر اعیان دولت بالجمله کندودن نفرت ایتکین دارالسعاده اتاسی

عبدالرزاق ایله عموم خصمانی سر رشته اتفاق پرکیدوب
لطائف الحیل ایله جناب پادشاه عالیپناهک و مهد علیاء عصمت
دستگاهک قبلربی تشجیدن تحویل و محبتلرین عداوته تبدیل
ابتدیلر و سوء اعمال و مظالم نقیر و قلمیر معروض پایله سریر
عالم مصیر ایندک لریده پادشاه عالیشاناه حضرت لریدن شیخ الاسلامه
و کبار موالی و مشایخه تذکر دلچ بقوب وزیر نورک ظامی واقعه میدر
دیو سؤال ایدرکن طویوب مفتی دن وقوعی استخبارونه جواب
وپردکلرین استفسار ایلد کده غیر واقعه ردیو جواب ویرلدی
دندکد نصکره خط شریفی طلب ایدوب مفتی دخی ضایع ایندم
دیگله ارالزنده عداوت مشتد اولدی و مناصب ایچون ترتیب
ایلدیکی سلسله لری حصوله کنور میوب مختصمت ایندی ایچورده
وطشیره ده عداوی جانای اولنر بالا اتفاق پادشاه بو طریقه له
یکدی یلر وزیر مر بور و والد سلطانی اخراج و تبعید ایدوب اغراضی
اجرائتک تدارکننده دربو خصوص ایچون جله یکچیری ایله
اتفاق و اتحاده ایدوب حتی برگچه ایا صوفیه جانبک قبوسنی
اچدیروب طشیره چیقوب خارج سورده یکچیر یاره مال موفور
صره لرینی بذل و تقسیم ایتکه معاهده اید شد بلر دیو قاسم اغا
بهتانه جرأت ایدوب قلاتلری حصول مرام ایچون کیمی شاهد
کیمی مرئی اولدیلر و پادشاهه و والد سلطانه تمام اعتقاد و پردیلر
حتی مهر و زارقی طلب ایتسه کز ویرمه دن امتناع ایتیه سی مقرر در
دبدیلر حتی پرکون داو د پاشاده پادشاهه ملاقت و امید مصافحات
قصده ایله وارد قنده دارالسعاده اغاسی عبدالرزاق اغا
بولشد و میوب عرض اولانه جق نیجه امور مهمه وارد ردیو تذکره
کوند رکده دیوان کونی عرض ایله سن دیو جواب چیقدی
التفات پادشاهیدن مهجور اولد یغنی یلدی و عرض کوننه

منظر اولدی سبت کونی دیوان اولوب یکچیری اغاسی مقده محه
حضور همایونه برتذکره کوند و رب علی سبیل الاستیجال اهلامی
مهم نیجه احوال وارد راکر تأخیر اولتور سه فتنه عظیمه
مؤدی اولورد یوب اول آند عرضسه کیرمکه اسبندان ایتمکین
ماذن اولوب کیردکده حسن پاشا حقند اولدکلو سوز سو یلدیکه
اکر تعجیل او زره تدارکی کورلایسه یکچیریلره تلقین ایلدیک
فسادک ظهوره قرین اولماسنی مقرر یله سز امضان ایچون برک
مهری طلب ایلدک عموما یکچیریلری ایاغسه قالدیرمسه بکا جزا
اونده دیو جناب پادشاهی بی اغضاب ایلدی قیوجیلر کخنداسی پاشایه
کلوب اغا عرضدن چیقدی قاضی عسکرلی طلب ایتدیلر دیدکده
سبت کونی اغا عرضیه کیرمک ندن اولدی دیو اسنخبار ایدوب خرده
واقف اولدی قاضی عسکرل چیقوب وزرا کیردکده صدر اعظمک
دورود رازمکی معتاد ایکن اکلمیوب علی الجله متلاشانه طشره
چیقدی غروبیه قریب والده سلطانیه بر شکایت نامه یازد رمق او زره ایکن
اویالتوب صلوة عشایه شروع ایلدکده قیوجی باشیلر دن ترک
اجدا اغا کلوب نماز د نصکر برد ستمال ایله برتذکره ابراز ایدوب
خط همایوندر دیو پاشایه تسلیم ایلدی و اول ساحت سود لیجه ده
باغچه سلطانیه روان اولدی اما اول حین نحوست قریبند و او جاق
اغالیته خبر کوندروب نوغا تحریک ایتمکله خطای فاحش ایلدی
او جاق اغاری فی الحال جله یکچیریلر ایله بربره نجم ایدوب
کیجه اغا قیوسنه اوشوب باغت سن اولدک دیو اغاری قاسم اغای
بر خانه ده حبس ایدوب خانه قیوسنی اوزرینه کلبدلدر
اندن کوروهری ایله مفتی افندی و قاضی عسکرل
واروب یشه خاتم وزارتق پادشاهدن حصن پاشایه
مجهلا تسلیم ایتدیرمکه کیدر سز یوق دیر سه کز

خاندان یگری احراق و نیچه کیمه لک د منی اهراف ایده رزدیو
 چاغری شوب بو مضبوطی مشغل کاغذ ل یازوب حضور همایونه
 کو ندر دیار اول شب طرف پادشاه بدن خبر طلوع انعامکله ابرته به
 تاخیر اولندی وانلردخی علقه قوسندن دونوب اغا پیوسنه کلدیلر مکر
 بیکجری اغاسی قاسم اغا اول خانه مقفلک دروازه سن قویاروب
 فرار ایتش وطوغری صدر اعظم جدید اولان جراح محمد پاشایه
 واروب کندوبی عرض ایندیروب وزراته چیغندی ویکجری اغا غی
 مهری الوب کتو ن ترک احمد اغایه ویریلوب بویانه ایله وان ایلاندن
 مفصل صارقچی مصطفی پاشایه دخی وزرات ویرلدی خاتم وکالت
 ایسه مصر دن کله جک یاوز علی پاشایه کوندر ملک تصمیم اولنش
 چون اول شب بو مقوله وقایع عجیبه صورت پذیر اولندی هفتته
 آخرینه دلدیوان اولماغه تنبیه اولندی چون صباح اولدی بیکجری
 کسناخلری دیوان اولدیغنه دخی باقیوب بالاتفاق صرای همایونه
 واروب کیر والبتده مهر شریف حسن پاشایه ویرلک کر کدر دیو حرم
 محترم اغا لینه اقدام ایتدیبلر مکر اولکون شیخ الاسلام و بعض
 مشایخ کرام دعوت پادشاه اسکندر غلام ایله صرای همایونه کلش لرایدی
 انده بولما غله اغای جدید ایله ملاقات ایدوب پندو نصیحه بادل
 مقدور ایتدیبلر تا که بلو کلرک اکثرین تحویل و شفا قلرین وفاقه
 تبدیل ایدوب بوکروه متنصح اولوب هر بری وکالتده وزارتده
 نه علاقه من وار پادشاه کیمی دیلر سه استخدا ام ایلمون دیمکسه
 باشدیبلر کنخدا ری وباش چاوشلری و محضر باوکاری
 اصرار ایتش لرایدی بالاخره انلردخی منفاد و مطاع وامکاری
 ضایع اولدی حسن پاشا اعداسنک غزلری افسانه ایکن صحیح
 و غرض و بهانه ایکن صدق صریح اولدی اخرا لامر بو وضع
 بو العجب مخالف طوارد و محرک آتش غضب اولوب اون کون قدر

مرواربتش ایدیکه علی الغفله اون نفرطوا شی ایله بو ستانچی باشی
طرف علیه دن کوندر یلوب سلطان او طه سنک مصدوره سنده
حسن پاشای بیو اب طشمره چیقار دیلر و خندان اغا باغچه سنده
کندوی قتل و اتیا عنک کارین کر یه و عوبل ایلدیلر (ع) اول
حسناته موته تاریخ قتلیدر اول تاریخده سلانیک قاضی غنی زاده
افندی صنع الله افندی نیک دامادی اولغله عزل و تحقیر و عرضه
تفتیش و تغیر اولسد قده وزیرک غرض و تعصی ظاهر و مولانای
من بورك طهارت ذیلی باهر اولغین بو محله یحیی بیک رستم پاشایه
دیدیکی ترکیب بند اسلوبنده بو مطلعی ترجیع بند ایتشیدی (مطلع تاریخ)
* حسنک عزلی حسن قتلی دخی مستحسن *

* دوششه تاریخی نوله قتل یمشچی احسن *

(سبب برودت و عداوت قاسم اغا اغای یکپریان یمشچی حسن پاشا)
قاسم اغا پاشانک صدیق و یار غاری و هرا مرند معین و هو اداری
ایکن انحرافه باعث و خیر خواه ایکن عدوی بدخواه اولماسنه
سبب حادث بو اولدیکه حافظ احمد پاشای پدی قله ده حبس
و مالن مصادره فرمان اولند قده خاصه همایونه لایق اولمان اشیا
فروخت اولتی بیورلد قده قاسم اغا بو خدمته مباشرت ایتشیدی
حسن پاشا اورطه دفترداری اولان التی پوغاچه اوغلانی دیوان
طرفندن کوندر یوب اغای مرقومه تشریک و میری یه سعی
ایده سن دیوتنبیه ایله تحریک ایتکله اولدخی اغای مرقومک بهض
امته یه طمعنه مانع اولوب بهاری تعیننده منازع اولد قده
قاسم اغا تحمل ایده میوب پادشاه بو خدمتی بکاسپارش بیور مش
ایکن سن بو مصلحتنه ندن قرین اولدک دیدکده دفتردار من بور صبره
مجبور اولوب قیو جیلر کتخذ الغندن اون سکر کونده سنی بو مقامنه
اولشدن پاشای با اقبال تشریک ایلدی خصوصاً که بوقوله مصلحت

دفتردار له مخصوص ایدیکی قانون نامه ل ده مصر حدر انارک
علاقه سی یوقدر دیچک اغا اظهار حدت ایدوب ان شاء الله
عن قریب سنک وسنی کوند ره نک اثوابی دخی بیع بکناصب
اوله جقدر دیمکین پوغاچه زاده یوسوزه برک وشاخلر الحاق ایدوب
وزیره نقل ایتمکله اغضاب ایتمشیدی اغاوزیره کلد کده عتاب
وان شاء الله سنی یایه سنجاغنه محتاج ایده یم دیو خطاب ایدوب
ارازنده عداوت از دیاد بولمشیدی بالاخره مکر و حبله ایله پاشایه
غالب وچاه وچان سالب اولوب الی پوغاچه زاده بی دخی عزل
ایله قانع اوایوب نیچه مدت یدی قله ده محبوس ایتمدردی و ماملکن
میری یه الدردی و حسن پاشا نک مهر دارینی دخی اغای جدیدک
حیسنه فالدردی وزعاملرین آخره و پردردی اول عصر دهریس
الکتاب بولنن یایی زاده جزه افندی ایچون که اول دولت مرادیه ده
کا نکش علی پاشا اشارتیه مقتول اولاندر رسوم پروات علمایی
جمع ایتمدردی دیومفتی الانامه عرض واعلام ایتمدی یروب و ستانچی
باشی حیسنه و پردردی جزه افندی صکره بذل اموال ایدوب کوچ
ایله خلاص و سلمدارا رجا سیله مناص بولسیدی برینه جراح
محمد پاشا تذکره حبسی کاتب میم رئیس الکتاب اولدی

(قائم مقام شدن قاسم پاشا) در دوائنده قائم مقام اولان جراح
محمد پاشا مرض تقریسه مبتلا اولفنین دیوان همایونه عرض
کونلرندن غیر یایامده واره میوب کاهی سراینده ایکنددی
دیوانه ییله چیقه میوب نشانچی جزه پاشایی دیوانه چیقاروب
رعایتک شکواسن اصبغا وامور جلبکله بی کسندویه انما ایتمدردی
برکون قاسم پاشا عمل ایدوب مفتی الانام مصطفی افندی بی قصص
همایونه دعوت ایتمدی یروب احوال عالمی سویلشورکن جراح
محمد پاشا نک معلول اولدیغین وقاسم پاشا نک خدمته اقتدار بی

انها جناب مولانادن صدور بولوب كلامنه بونكله رواج ونظام
 و یردیکه جراح محمد پاشا پادشا همك امكسداری وزمره وزرائك
 اختا ویدرلكن مرض تقریسی سبی ابله کما ینبغی خدمتیه قدرتی
 ردیوانه جیقماعه استطاعتی یوقدرحتی موقع دیوان سلطانی اولان
 حزه پاشایی استماع امور وخصوصه استخدام ایده بور وواقعا نیجه
 ایتسون تدبیرینده می اشتغال ایتسون امور سلطانه می آخرکار حزن
 پاشایی اختیار ایلدی اما دولت علیه بیولك دولت درو کات و نیابت
 ابله اموری تمشبت ممکن اولزمومی الیه جراح پاشا بنده ملینه
 تقاعد عنایت بیوریلوب برینه قاسم پاشا قائم مقام قبلنسه امور عالم
 انتظام یولوردی دیمکله جمادی الاخره سنك سکرچی کونی ایدی
 اول کیجه جراح پاشا متقاعد اولوب قاسم پاشا قائم مقام اولدی
 و دائمی ابله مصافات اوزره دریلوردی امور کلبه و جزیه ده مثلا
 مشورتیه تمشبت کوسترردی حتی دستاری مصطفی پاشا وز رادن
 اولغله کاهیجه بعض امورده مداخله ایتسد یکچون اناطولی ایالتیه
 کوندروب برینه قورد پاشایی وزارتیه کچوردی و سارمناصبه دخی
 دیلد کلرین نصب ایدوب اجانبی طرح ایلدی

(فرستادن مهرشریف بعد از قتل یمشچی حسن
 پاشا بوالی مصر یاوز علی پاشا) یمشچی حسن پاشا سنه
 اثنی عشر و الف ربیع الاخره عزل و جنادی الاول سنه
 قتل اولوب خلعت وزارت الباسنه مستعد وزیر دیوان
 بلند ایوانده موجود اولامغین خاتم سلیمانی خزینه عامر ده
 برسم و دبعت موقوف طوروب جراح محمد پاشا بعده قاسم
 پاشا قائم مقامی خدمتده اولشلرایدی و محافظ مصر یاوز علی پاشا
 طرف سلطنتدن دعوت اولغله امراء مصر دن پیری بکی نائب
 مناب ایدوب در دولتداره شتاب ایتشیدی قرب وصالی استماع

اولمغین مهر وزارت مفریان حضرتدن قبلی دلسزید بیلجادی
الاولیده علی پاشا به فارشو کوندردی

(ابتداء ظهور فترت در سرحد عجم) یک اون ایکی سالی که سنه
بخی ایله معلدرانده واقع اولان قران علویین سبیلله باذن الله تعالی
اجلافک تغلب و خروجی امر مبهم اولغله رئیس فتنه باغیه
اولان شاه عجم شاه عباس ناسپاس نقض عهد ایله دائره ابدن
خروج و معارج فتنه و فساد هروج ایدوب ممالک محروسدن
بعضیه دست تعد یسنی دراز ایلدی بوفساد باعث و بادی
بواولدی که چون خاندان مشید الارکان عثمانیک فر دولتری
آفتاب آساقطار عالمه ضیا کستردر دول سالفه ده مراعات اولسان
استحقاق نسبی مظنه ظنه در دیو مدار اواعتبار قیلقدن دامن همنلری
بالو برتر اولوب زمان قلیلده رکاب همایون خدمته رهین اولان
خادم کترینی قاهره مصره سلطان ایدرل کذلک سائر مناصبه
خصوصا فتوحات جدیدده کثرت مطالب و قلت طالب حسبیه
مطالب جلیله بی خدام مسکره توجیه باینده نواب سلطنتک بحسب
الضروره مسامحه لری ادائی زمره سنسک مراتب عالییه وصولده
مؤدی اولور بناء علی هذا تبریز قولیکه هر بری عقلده یکا به وادراکدن
بی ما به لاینکن ضرورت حسبی ایله مدارج عالییه ارتقا ایدوب
ایام دولت سلطان عثمانیه ده واصل یسار و صاحب قطار و مهار
اولوب احسان بی کرانی تحملدن قالوب اظهار بغی و عناد وسلوک
مناهیچ فتنه و فساد ایلوب تعیین اولنان مقرر رینه غیر قانع
وریا یا اموالنه حریرص و طامع اولدیله حکام و ولات کلامنی استماع
مایندلرنده مرفوع و احکام الهی و اوامر پادشاهی میا نلرنده
نامسموع اولوب فرط تکبر لیدن اموال رضا یا غارتی ایله قنا عتدن
کچوب اموال امر او حکام خسارتنه دخی جسارت ایلدیله حتی

جوارر نده واقع قدیمدن اطاعت اوزره اولان اکراددن شاه قوی
اولادندن سلاس حاکی غازی بکه دست تعد یلریتی د رازایمکه
ضه وری حیطه اطاعتندن کردن افرازو عمر دوه صیلان مقدما تنه
شروع و آغاز ایتمسینه باعث اولوب میرمزبور جانب پاد شاهیدن
ید مباحه سن انتراع و طرف مخالفه انقیاد و اتباع قصدایدوب
بعض اتباعی ایله شاه جانبیه مکتوب کو ندر وب کف جایته التها
وامداد و فریادرسی رجا قیلد قده شاه روباه شان ایسه تیجه روز کار
کین کونده مکین و بوزمان ایچون فرصت بین ایدی آینه امله
پیکر مقصودی چهره کشاکش کور بچک یاننده اولان ملا حده دن
جشنید نام بر پلید ایله ارسال تاج و تیغ و کز قلوب هر وجهه
کندویه هوادار و عن قریب متعقب و فسادار اوله جغن اظهار
ایدوب کلدکده مزبور ک دخلوا هی اوزره مقصودی حصول
بو ایچق اظهار صفا و حبور قلوب تاج الحادی بر سر و کسوه
زندقه بی در بر ایدوب بایالتنده مقرر اولان اقطاعی ویر مکدن امتناع
و جانب مخالفه اتبا عن اظهار ابلد کده تبریز یانک نار غیظ و غضب لری
بر التها ب اولوب لکن خصمه بالاستقلال جوابده بی طاق و تاب
خصوصا عد و جانی مخالفیندن استمداد و عنا سن اشتراب ایتمش
او ایچق تدارک تام و مصرف اقسام الغزام اولنق کر کدر دیو
همجوار لری اولان عسکر نخبه و اندن امداد رجا و والی ولایت اولان
علی پاشایی سفره الحجا ایلدیلر چون تبریز یانک رسو لری نخبه وانه
وصول بولوب مفهوم معلوم اولدی قصد حفظ ناموس پادشاهی
و تادیب مقرر د شاهی ایچون اجابت دعوت چار و تحمل مشاق
اسفار قلند قلرنده والی ولایت روان و وزیر روشن ضمیر شریف
پاشا تسکین غبار فتنه و فساد ایچون هر جانبه نصایح مشفقانه
ایدوب لکن هیچ بر جانبه کار کر اولدی آخر کار کتخدا سی

عثمان اغایی سپه سالار عسکریان روان ایدوب اولاتوفیق ذات
البین ایتمک اصهرلیوب اگر اول بد مذهب رجوع ایدر سه فها
والا ترتیب مقدمات حرب ایدر سن دیوتقیه واندن ارسال اولدخی
عسکر نججوانه اتصالدن صکره واسط ربيع الاولده مکنن معهودده
عسکر تبریزیان ايله ملاقات ایدوب اولامترد مزبور سفیر ايله حقه
دعوت اولند قده فرط تکبرندن نصیح پذیر اولیوب کندوده دخی
مقابلیه تاب و طاقت یوق ایدیکنه جازم اولغین زیر حکومتنده واقع
قارنی یارق قلعه سنه تحصن والتجایدوب جواب سغیری صدای
طوب و تفنک ايله ادا قیلدی پس عسکر اسلام حصار مزبوری
محاصره نیتنه کلوب پیرا منه نزول ایدوب مناسبت وارتقا عی
کوزلر بنه کوردخی اقدام تلم ايله هجوم وخلق اوزرینه شراره
تفک و خدنگی مانتد رجوم قیلوب وهله اولده دامن حصاره
وضع قدم وقر ب جد ارده نصب لوا و علم ایدوب برهشته مقداری
اشغال نائرة جنگ ايله قارنی یارق قلعه سنه چکرگاه اوله جق
ایشلر کچد کلریغی محصور مسفور کوردکده قلعه بی الارندن تخلیص
محال اولدغین بلوب ترک فرزد و عیال قیلوب بالای جداردن
کندوی پر تاب و جانب شاهه شتاب ایدوب اقتان و خیران عازم
خراسان اولدی اولاد و اتباع و سائر لری برایی کون دخی مدافعه
ایدوب کوردیلر که خلاصه مجال یوق سائر محصور لراهل و عیال لری
اوزره استیمان ایتدیلر چون مقصود عسکریان تأدیب مقررین
ایدی اولمقدار ايله آتفاقیاتوب پیرامن قلعه دن مباحده و دیلد کلری
یره عزیمتد مساعده ايله مالی و منال لرندن عسکر یانک دست تعدیلری
منوع قانیدی قلعه مزبوره دخی سائر قلاع سلطانیه به الحاق
اولند قده صکره عسکر نججوان کتد و ستملر یته روان اولوب
تبریزیان دخی پرلرینه عطف عنان قلدیلر

(حرکت شاه عجم بچسانب تبریز با تحریک کورد غازی بك) چون
 کورد غازی طی مراحل اید رك اصفهانده عتبه شاهدر و مال و صد بار
 تضرع ايله كشف حال ايدوب اول جانبہ انساب اظهار ايتد بكي
 سبیدن خصماسی ياننده قرين دمار ورهين ذل و خسار اولد يغين
 صوت اعلى ايله ندا ايدوب امداد و داد خواهی امر نده همت
 رجا و عثما نيان ايله مناسطحه يه اغرا ايلدی و دیديکه ديار
 آذر بايجان ملك مورثك و اها لپسی بنسداكان مخصوصك اولوب
 قدومكه ناظر لر در خصوص دارالملك آذر بايجان اولان
 بلده تبریز كه كان تبر و ابريز درو كچينه منال و مال فراوانله مالامال
 اولوب حالا عسكردن نهی ايكن انتها ز فرصت فتحی ايله مبسر
 و اغتنام كلي مقرر در ديو آتش فساد التهاب و ديك تحريك
 و افساده بوسكونه آب و تاب و پردكده هوای نفسه ملايم
 اولغله شاه كراه صدقله سامع و انتهاز فرصت ايله تسلط ايلان
 طامع اولدی آيت كريمه (ولا تنقضوا الايمان بعد تو كيدها)
 فخواستنی كوش ايتوب ياننده موجود اولان عسكركينك كزیده سيكه
 ابكي اوج بيك مقداری مملوك درم خريده سيد ر اصفهان
 و تبریز مابينی منازل كاروان ايله يكرمی كونك مسافه ايكن دأب
 ملوكانه ي تارك و مسلك صملوكانه يه سالك اولوب طقوز كونده
 قطع و سنه مزبوره دبيع الاخرينك اون طقوزنجی كونی علم بغی
 و خروجنی صحرای تبریز د رفعا ايلدی و يرايكي كون ايجنده
 اشرا ر دار و دياردن تولنكي و كوك طوباق نامنه اشتها ر بولان اشقا
 وارديل حاكي ذوالفقار خان عسكری ايله چله او بش بيك قدر
 عسك ر جمع ايدوب تبریز بالله قلعه هر قوه يه دخولدن مقدم
 مقابله يه عزيمت قلوب عسك ر صوفيان نام قریه فر بنده از نيت
 نام موضعه نزول ايتشیدی منزل مزبورده مقابله ايجون ترتيب

مقدمات جنگه مشغول اولدی

(جنگ شاه عجم باتر بریان در قریه صوفیان) بوجانیدن چون قوم تبریزیان نجو انبان ایله مواعده و قلمه زینه مراجهت قیلوب موضع مزوره قریب اولد قلنده اخبار عسکر اعدا متابعه اولوب لکن کیفیت معلوم و شاهک بالذات حضور مقطوع و محسوم اولوب بادی امرده اشرار اکراد و اشقیای اقطار بلا اجتماعه محمول اولدی سر عسکر لری اولان علی پاشانک حضور شاهه جزمی و امراء حدوددن بعضیسنک ارسال مکتوبی سبی ایله قضیه به جسمی اولوب لکن اشاعت ایله بیکی تقدیر جه تفرق خواطر و تفرقه عساکره باعث اولد یوستر و کتم ایدوب عدد عساکری بیک بشوز قدر انجیق وار ایکن (کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة) مضمون شریفه انکارله اضعا ف مضاعف عساکر روافض ایله مقابله به نیت ابتدیلر شهر مر یورک بکرمی ایکچی کوفی وقت ضحی ده چند روم علملرین آچوب هیئت ثم و صلابت مالا کلام ایله مقابله به قیام کوستر دکده شاه سرخ سران دخی یشمار روافض مار شمار ایله الایلرین ترتیب و صدای بدادای کریمه نای ایله قلوب مؤمنینی ترهیب ایلوب طور عجیب و اسلوب غریب ایله تقابل فتنین واقع اولدی عساکر تبریز فی الحقیقه منتخب دلاوران و کریده جنگ آوران اولوب نائرة جنگی اشغال و آتش حرب و ضرری پر اشتغال قیلغله اعدانک طبع سردی اول حرارندن کرم و قلب حدیدی موم کی نرم اولوب همجوره لری ظفر انجم اولق صورتلری آینه املده نمایان اولشیدی حتی طرف اعدانک چرخه جی باشیسی اولان غلام علی اوغلی نام شقی که شجعا عتده سر فراز ایدی اثناء حربده فره حسن نام برغازی النیده مر دا اولدی و اول دمه نیجه ملا حده نافر جام بوش جام

مرک حاتم قلعه اهدایه هزیمت یوزی عیان اولمشکن از قضا و قدر
عسکرده تیمورجی اوغلی دیمکله شهر بر شخص که مذهبنده
اعدادن بدترایدی اثناء حربده ملاحظه انجام کار قبول عد دیز
اعداد عدوئک عشر عاشری و شاهک حضوری پر زاند حیثیت
و اعتبار اشری اولوب شاهه شاه کرک مقدمه سیله مقابله و مقاومه
طمع خام و صغوق تیمور دوکک در د یو مدعا سنی ترویج و حرقت
موروته سی مقتضا سیمه و اهمه سی جلب قراره نهیج ایدوب
یوز قدر اتباعیله هنوز اعلام اسلام برقرار ایکن کباردن اولان
فرار زحنی اختیار ایلدی بقیه عسکر بوحالی کورد که انبره دخی
و هم استیلا ایدوب لکن کانون درونلرند آتش غیرت هیجانی
خار و خاشاک اوهای افنا ایدوب هریری انلهار جلالت و ابشار شهادت
قیلوب دلیرانه جنک ایلدیلر

(انهرام تبریزیان و غلبه شاه کراهان) جانب مخالف دخی عشر
عاشر لری قدر آمده جوابده بیطیافت و تاب اولوب ارتکاب
اضطراب ایدوب درون دلدن طور یشوب دوکشیدیلر نیجه
ساعتانلرک باشی بورکسز و نیجه خانلر خاندانی اوکسز قلوب اوزار حرب
و هجوم اعادی وقت ضحوه دن هیجیره دکن متمادی اولمشیدی
حقا که چند تبریز فی الحقیقه تندوتیز طائفه در اما جنک مبارزه ده
حذاقتلری سبی ایله اوزارون بشر آدم قتل ایتمدن کیمنه شهد
شهادتی نوش ایتمدی حتی منقولدر که قاپور غه سی قالا دیمکله
معروف بر مرد ملاحظه بدکاردن التمس نفسه شیخ خون آشام
ایله زخم رس و اکثرینک خاشاک وجودین نارنجیمه خار و خس
قیلوب بالاخره هر برینک باشنه موریشمار کی نیجه ملاحظه
اوشوب کثرت سبی ایله تغلب ایشدیلر اول روز هائلده سابقا
شجوان بکلر بکسی اولان محمود پاشا و اخجیمه بکلر بکسی اولان

خلیل پاشا نیجه سرخ سرچودنی صغفه روزگار دن حک
و نابود قیلدقدنصکره شهید اولدیلر و بالفعل والی ولایت تبریز
اولان علی پاشا دخی عرصه نبرد ایچره شیرانه حرکت و دلیرانه
مبارزت ایدوب حتی شاه کراه شجاعته تحسین ایدوب ائدن
ایر یلوب و تیغن لندن الدیروب بر خنجر ایله رزمگاهده پیاده خددن
زیاده کندی حضورنده نیجه دلاور لکرا ایتدیکن شاه بالذات
حکایت قیلوب نخبه و انیسار علی پاشایه اعانت ایتمکله اکا غدر
و پادشاهه خیانت ایتشالردر والا بونک اقدام و اهتجای انلرک
معاوننده منضم اولسه حال برکونه دخی اولوردی دیو شاه عجم
منصفانه ادا وحقانه کلمات ایذا ایلشد ربا لآخره مجروح و دلفکار
اسیر و گرفتار و اعیان عسکرک دخی اکثری طعمه شمشیرکار زار و بعض
مبتلای قیدذل و اسار اولدیلر (ذلک تقدیر العزیز الملم)

(فتح شه حبله کر قلعه تبریز) چون شه حبله کر انتهاز فرصت ایله
عسکر تبریزه ابراث انهزام و غنائم کثیره اغتنام قیلوب کنجی ماردن
خال کور یحک مساعدت وقت ایله اخذ انتقام موجب مرور
و کامر انیدر دیو عثمانیان ایله مناطحه به تمام عقد نیت ایدوب
غرور هزم و سرور و غلبه باهره و ظفر برله قلعه تبریز تسخیرینه ساق
اجتهاد فی تسخیر و اعمال مقدمات مکر و تزویر قیلوب ضربت
شمشیر ایله قلعه کیرلکده عجزی ظاهر و فتون مکرده فضلی باهر
اولغین خیال فاسدینه بو گونه صورت ساز اولدیکه قلعه سلطانیه بی
هاله و ارعساکر ستمکری ایله اداره و صورتا وسعنده اولان غبار
جنگ و ییکاری اهل قلعه به آثاره ایلیه امراء عسکر دن مذهب
باطلن قبول ایلین حیوانات مسلویه العقولی یانه کتوروب مقدمات
تسخیر ده تصیر ایتماک اوزره انلری وکیل و سفیر قیلوب کوندر دکده
واروب شاه کرا هک جلادت شائنده اطرا و عسکرینه خددن

زاند کثرت ايله کذب و افترا ايدوب و کندول قلت عدد و انعدام
 زاد ايله امدديد معه ادمه محال و عن قريب جانب سلطانن امداد
 عديم الاحتمال اولوب زمان قلیلده قتي بمسروجه کري قتل مقرر ديدو
 اولان تخویف و تهدید قلوب بعده اظهار خیر خواهی ایلوب
 سلامت رأس و بقای جان تسلیم قلعه و اهلی اوزره استپانه محصور در
 دیو اثبات شدت و یأس و ابراث حرمان و یأس ایلدکلرنده اهل
 قلعه بونلرک کذب و زور بینی فرط کرم و مرحمتدن ناشی کلمات
 صادق صانوب اول محاصره دن بکرمی ایکی کون مروردن نصکره
 جادی الاولینک منصفنده اهل و عیالارینه طلب امان و مالارینه
 تعدی ایتمک اوزره استیمان ایلکی تصمیم و مقابلد قلعه بی دفع
 و تسلیم ایچون اهبان ضراعت و ایتهمال برله خاکپای و قاحت
 مآله رویمال ایلدکلرنده اول بد عهد و بی امان بونلرک کلاب
 روافضی اغرا ایدوب اهل و عیالارین اسیر و تالان و مال و مالارین
 یغما و تالان قیلوب قاضی بلد شیخی اخندی دارالضلالده قرار
 ایتمک اوزره استیمان و زعمجه اعتقاد و اطمینان و یرد کد نصکره
 وان جائنده هجرت ایند کده سرخ سران تعقیب ایدوب معجوره
 وجودنی خراب ایتدیلر و شاه ضلالت پناه اکثر تبریز پاک نسوانی
 دآب قبیحی اوزره گروه فواحشه الحاق ایدوب هر یرینه قطع
 اجور و امر بالفجور قطعله اعراض مسلمینی هنک ایتشیدی چون
 قلعه تبریزی تسخیر و اهل البستی اسیر و عسکر بنی نهب و غارت ايله
 مسیر ایدیلک اقبال چرخ ناهمواره اغترار ایدوب سائر بلادی
 دخی تسخیره ساقی اجتهادی تشمیر ایلوب هر جائه از سال
 سرایا و تغییر قیلدی کند و دخی فحجوان اوزرینه عطف عنان
 و امید فتح قلعه روان ايله ترتیب مهمسات ایدوب صحرای
 تبریزده برایکی کون اقامت و اسباب عیش و نوشی فراغ

خاطر ایلله ادا مت اوزره قالدی
 (مسخر کردن حاجی سر عسکر ارباب الحاد سواد شهر اردو باد)
 ذکر اولتان سر ایدان بر طائفه قصاب حاجی نام شتی که قد یمدن
 مسقط رأسی معدن رفض والحاد اولان بلده اردو باد اولوب
 ابتدای قیئنده آل عثمانه اطاعت و یرار زعامت ایلله بین الاقران
 قدری رفیع و بالا اولشیکن خلق بدی اقتضا سیله نعم سلطانیه بی
 انکار ایدوب اول مجمع رفض والحاد واروب ملاحظه او باشند
 بر فرقه یه باش اولمشیدی بلده آورد و باد وطن مألوفی و موارد
 و مسالکی معلوم و معروفی اولدینی جهندن ضبط و تسخیرینی
 اکاتعین ایدوب توجیه امارت ایلله کوندردی و رؤساء اسرادن
 مقدمه دولت عثمانیه ده رتبه امارت ایلله بانصب اولشیکن رذائل
 طبعی سببیه ملحق اخبت قریق اولان بایندر نام شخصی دخی
 اکا رفیق قیلوب چون اول طائفه خبیثه جوار بلده واقع نهی
 عبور و طریق شهره مره کوستر دکلرند ملاحظه بلده اظهار
 صفا و سرور ایلله استقباله اقبال و توقیر لینه استیصال ایدوب
 بیوت و اسواقی تزین و ریشلرین تراش و جامه لرین تغیر ایتدیلر
 بو طریقله سواد قاعده مسخر و ضبط بلد مبسر اولوب برایکی کون
 قلعده مستحق نظری قلعده بی حایت و حقوق سلطانیه بی رعایت
 ایدوب اخر معاونت اهل ولایت ایلله قلعده دست رس بولوب
 دیوارلرین خراب و تفریق ادوات و اسباب قیلوب فراغ بال ایلله
 عیش و نوشه مشغول اولدیلر

(اسیلا چراق سلطان بر جلها) یند بزرگ خبیثه دخی که
 دودمان بخی و ضلالتدن فروغ افروز اولان چراق سلطان
 نام شخص جلها نام قریه بی تسخیر ایچون ارصال اولمشیدی
 واروب اهالیسی مظاهرتی ایلله تسخیر ایلد کده آستانه جانبدن

ضابط محصول اولان مصطفی اتانك مقبوضنی رعایا ایسترداد
ایدوب برپاش ایله کوچیله زهایولدی

(استیلاء روافضی بقلعه النجف و جوان شیر) وینه برچوق روافضی قلاع
سلطانیه دن حوالی شنجواندن سلاطین سابقه تسخیر ایدنجه نیجه مشاق
اختیار ایلدکاری النجف قلعه سنه ارسال ایدوب اتلردخی ملا حده
قلعه امدادی ایله استیلائی حصار و ضبط دار و دیار قیلدیلر
و برگروه قوم اشرا ری دخی جوان شیر دیمکله مشهور در
اور دن نام قلعه تسخیرینه تسلط ایتدی اتلردخی نیجه اذال بن
بازاول حوالیده ظلم و تعدی به آغاز ایلوب بوجله اخبار هاله
آز مائده بلده نخبوانه متعاقبه و متواتره و عسکریان قلوبنده
اسباب رعب و هراس متکثره اولوردی

(اسیر شدن حاجی امیر اردو باد) اما چون والی روان شریف
پاشا برپیرسا نخورده و محرب روزگار دیده ایدی دریای وقارینه
امواج فتیدن تغیر کلیوب حصول املده ترك شتاب و دفع خللده
الاقرب فالاقرب ایله عمل قیلوب اولاردو یاره استیلایدن قصاب
حاجینك دكان جلالتن تخریب ایچون خضر پاشا زاده محمد پاشایی
سمه سالار عسکر قیلوب بش التبور مقدارى چند ظفر رهبر ایله
اول جائیه ارسال ایددی اولدخی ملائكة آجال کپی علی النجفله برکیجه
مهرنده یتشوب ملا حده بدآیین فراغ بال ایله یتروت روافضه مکین ایکن
عسکر ظفر قرین بلای آسمانی کپی اوژرلینه نازل اولیق ازمندده
اکثرین طعمه شیر شمشیر قیلوب برنیجه سی دخی رویاه وش جبال
وصحرایه پریشان اولدیلر رئیسری اولان شق و شریر اثناء هجومده
آتنی احضار و اوژرینه سوار اولق اوژره ایکن بریدی اولان شاطر
چالاک کندودن جست دبره توب بی خوف و بی باله آتنه سوار اولغین
کند و پیاده وزاره بد انکار زارده قالوب بالضروره رویاه وش براینه

کیزدی مکر برغازی آگاه و حاله نکاه ایدری فی الحال ایریشوب استیر
و گرفتار قیلیدی رفیق اولان بایندری دخی برغازی دلیر علف
شمشیر ایلدی سالار نصرت قرین محمد پاشا کسین باشلری و رئیس
ملاحده پی با شنده تاج ضلال ایله سوروب وزیر صاحب تدبیر
حضوریه کلد کده نوازش و احسانه مظهر اولدی

(برداشتن عسکر بجانب النجف) بعد هذا بر سریه دخی النجف
سمته ارسال اولنوب اول حوالی پی جست و جوایدر لکن بعض
ملاحده تفرج کنان قریه لده عبش و نوشه مشغوللر ایدی غزالک
قدومندن آگاه اولد قلزنده سمت خلاصه کذار ایدر لکن ناگاه
شکار پنجه شیران اولوب شاه جانیندن بعض اخبار و اقتراب
قدومن اشعارا تمکله واقع حال اعلام ایچون دونوبال الان شاهک
حضوری موهوم و عسکرک انهرامی نام معلوم اولوب الان دلار
بی محابا شاهک قدومن روایت و عسکر تبریک انهرامن حکایت ایدیجک
عسکره رعب و هراس ایراث انما مک ایچون آشکاره نکذیب
وسرا لوازم اموری ترتیب ایلد یلر

(رفتن عسکر بتخلیص اردو باد) بر گروه عسکر دخی اردو باد قلعه
سنه مسلط اولان اشرازی دفعه کوندرلشیدی کیدر کن مقدا مباد
طلب اولند قدده کجه بهادر لردن نیجه دلیران اول قوم
اشرار اوژدرینه کلوب کینی مغلوب پنجه ازار و کین هلاک
و گرفتار قیلوب بقیه السیف تار مار اولد قلی اشیاء
طریقده معلوم اولد قدده رجوع ایتد یلر چون شاه غدارک
عسکری افطسار دیاره پروانه وار منشیر اولوب اهالی قری
افرادندن هر برینه کدایانه بر پروانه کوندر دیک مشهور اولغله
اعیان عسکر انلرایله معاشرتدن قوی محذور ایدی جادی الاولینک
اون بشنده بربره کلوب مشاوره ایلدیلر و دید یلر که شاهک حضوری
کر چه دلارده مذکور و پروانه لده مسطور در لکن نقض عهدی

عقلدن دور در شاهنامه کوردغازی هوادارلی اولان اکر اددن صدور
ایتمک احتمالی وارد جواسبسار دخی شفاء صدور ویر بر نسنه اشعار
ایتمیلر مناسب بودر که اولتحقیق امور ایچون جانب وزیردن تجاهل
اموره مبنی اسلوب حکیم اوزره نامه شاه شاهی ارسال اولنوب
بوجانبه رجوع ایتد کده مقتضای وقت ایله عمل وکاره شروع اولنه
ارلا حصار نخجوان بر قلعه سست بنیاندر اجزاء بناسی خاک
و دمدر جدار ینک قدی پست و اکثریری خاکه برا بر اولدیغند ن
غیری ادوات حربده قلت وزادوزواده دخی عزت اولغله بوقلمده
اعدایله مصادمه محالدر پس مقتضای حفظ ناموس دولت بودر که
بلده مزبوره اموال و عیال عسکر یاندن تخلیه قبلنوب سالار
وعسکریان بالاتفاق التجاء قلعه روان ایدوب انده اعدایه
مصادمه کوستره لقلعه مزبوره فی الحقیقه متین و مشید و طو پلری
وافر ذخیره و آلتی حاضر کوکجه صوکی برنهر جاری جدانندن
افار سعد چقوری کی برارض کثیر المنافع جوارنده واقع اولغله
بر محل مناسبدر دیومشورتلری انجام بولدقده جانب شاهسه
اعلام و تهر راوانوب پاشاک کورجکی باشیسی محموداخالیه
کوندردی

(روانه کستن عسکر بسوی روان) جادی الاولینک یکر مبنیه
کلنجه عسکر اسلام نخجوانی کندولره مقام قبلوب بعده شاه کراک
بالذات حضوری معلوم و عنقریب قدومی مجزوم اولوب عسکر
مهرزومدن تیورجی اوغلی دیدکری شوم دخی کلوب اعداد اعداد
مبالغه آشنه کذب وزور ایله بادانداز اولوب من بعد طور مغه
بجال قالیوب اول کیجه ادوات حرب و ضریدن قابل تحمل اولاتی
الوب صغیر و کبیر رحله اتفاق ایتشلر ایکن سکان قلعه دن اولوب
اولاد و اصحاب رفض و الحاد اولتلر ایقاد ناره شقاق و صورت

حقدہ انشاء مبنی مکر و نفاق قیلوب اعدا هنوز شهره هجوم
کوسترمدین محافظه دین رفع ید فکر ناممقولدر حالا موجود اولتریز
اغور هما یونده محافظه یہ تشمیر ساق و بوخصو صده سالار
عسکره خلاف شقاق ایدہ لم دیوا نفاق ایلوب سکری وزیر
عسکر یانی تفتیش و تنغیر ایلد کده سکنان قلعه باب حصار ی مسدود
قبلدیلر وزیر واعیان عسکر هر چند که آچاغه داعی و اخراجہ
ساعی اولد یلرمقید اولیوب بالآخره عددل ینہ ازدیاد وعدولر ینہ
حسب الامکان امداد قلند قد نصکره روانہ متوجہ اولان
اجناد ضحوة کبرا ده یوله سکیر و ب بر کون بر کیمہ ده
قلعه یہ داخل اولد یلر و مباسرت جمع اسباب قتال ایلوب
طورد یلر

(بناء حصار جدید در روان) چون بلاد نخجواندن روان اوزر ینہ
شاهک هجومی متواتر اولدی اعیان و اہالی روان و عسکر نخجوان
دخی قلعه لندہ طوره میوب حصار روانہ تحصن ایدہ جکلر ین
استماع ایلد کلر ندہ ساحہ قلعه تنک اولد یغندن غیری قبلہ چا بندہ
جدار حصارہ ملاصق بیوت مسلمین اولوب ہدم و افنا یتمدن ایسہ
حوالہسنہ جدران رتبہ بنا ویونی حالی اوزرہ ابقا ہوندر دیو
اتفاق و بوخصو صده در سعادت منفز قہ لندن حسین افانام
صاحب ہمتک راہی اوزرہ اجاخ و اطباق ایدوب اولدخی مقتضای
عقل فاعسری حسبہ عسکری طول املہ مبتلا و کثرت عمل ایلہ رہین
اشد بلا ایدوب بر سردار طایمقدار ینای حصار قدیمی عساکر
بیشمار ایلہ اوتوز قرق کوندہ اتمام ایتشیکن ساحہ و مقداری اکامثل
بر حصار ی ایکی او جیوز آدم ایلہ بکرمی کون ایچندہ اتمانہ اقدام
کوستر و ب ماہ مزبور کالتجی کونندہ چا نب مرقومدہ جنوبی
و شرقی و غربی بشر یوز ذراع اوج طرفدن اوج دیوار بناسنہ

شروع ایلوب و اقدام تامی ایله وزیر کلنجه اون بش کون ایچنده
نصفه ایرد کده اولدخی الشروع ملزم مقدمه سبله عمل کوستروب
بقیه بنایی قول قول عسکره تقسیم انلردخی جان و باشی جایه سیچون
اقداملرین تتیم ایلوب بفضل الله تعالی قدوم مبشوم شاهه دک اتمام
میسراولدی

(ورود قاصد محمود) ماه مزبورک یکر می درد نجی کونی بونندن
اقدام شاه سمتنه تحقیق حال ایچون کوندر یان کور کچی باشی
محمودا شاه کمر اهلک نامه سبله بلده روانه کلوب مضمون شأ مت
مکنونه اطلاع اولند قدغه نقض عهد یابنده سوق ایتدیکی مقد مات
سراسیمه و نارواج و اوضاع غریبه معکوسه سنک مقد می تالیمه
نامر بوط اولمغه عقیده الاتاج ایدی میدان نکیر واستیلاده چوکان
مبالغه و اطرا ایلله لعلت باز و عرصه تخویف و تهدید ده حبلی زبان
در از او اوب عسکرانیه هیزم اشکرتند تیز و تسخیر قلعه تبریز
ایلد یکن اعلام و بیان و بعده عزیمتی تسخیر نخجوان و فتح روان
ایدو کن اظهار اعلام قیلوب و سزدن ورود ایدن مکاتب اعیان
مقتضاسی اوزره اهالی نخجوان قلعه یی تسلیم و امان پذیر و قلعه
روان دخی جنک پسیرد نصکره فتح و تسخیر اولوب و ملک موروثی
آذربایجان استیلاد نصکره تسخیر کیمسه و شر وانه رفع اعلام
و بوسنه قره باغده قشلایه جنغ اعلام ایلمش و بوسمتده اولان
رعیت و عسکر امداد پادشاهه مقتون و مغرور اولسونلر که ابتداء
مباشرت امورده آل عثمانه مقابلیه عن مری اکیال و تتیم ایلمش دیو
خرمن لاف و کذا فیه جو حیر و دین باد افزای اولش بعد هیزم دهان
فسون باز قیلوب کسسه نک مالنه تعرضدن ساحتی همی پری
و مسلمینک اهل و عیالری تهدی ایدی دن عری مذهب و ملت
سبیلده اعتراضدن سالم و انواع رهاییات علیه ایله غایم اولسونلر دیو

اهالی تبریزه ابتدییکی ظلم و آزاری اوندوب فنون افسونله تحسیدیه
 ساعی و دروغ بی فروغ ایله طریق ضلالت داعی اولدیغی معلوم
 اولدقده عسکر و سردار جدا انفعال اظهار ایتوب کرکی کبی
 مصادمه یه نیت و مقاتله یه عزیمت قیلوب حصار جدیدک قصورنی
 اتمام ایتدیلر و زیر مکتوب شاهیی ایله آستانه سعادته کوندروب
 مجاری اموری تفصیل اوزره عرض و اعلام ایلدی و بحال الوقت
 جوار ایاتنده اولان ولایته مکتوبلر کوندروب سیواسده سردار نوح
 پاشادن استمداد و اعدا هجو و مندن شکو او فریاد مکتوبلری کوندردی
 اکثری (جواب احق خاموشیست) مقدمه سیله عمل ایدوب
 اقل قلیل مواعید عرقوب ایله ارسال برید ایتدیلر

(استیلاء شاه بشهر نخبوان) شاه تبریزی تسخیر ایتد کد نصکره
 بر قاج کون جلها نام قریه ده ضرب خیام ایدوب اردبیل حاکی
 ذوالفقار خانی عامه عسکر ایله نخبجوانه توجه وزیر و نفیر ارتحال
 ایتدین یتشمکه زیاده تنبیه ایتدین طائفه ملاحده اقدام تام ایله صوب
 نخبجوانه واروب عسکرک ارتحال کوننک نصفده پنجه ظلم و آرازا ایله
 سنی نامنه اولنرک خانه لرینه کیردیلر و بولدقلرین نهب و غارت
 و اوکلرینه کلن رعایایه کلی ظلم و خسارت ایلدیلر اما روافض بلد
 چون مقدمه جیشی کوروب انجمک قدومن مقرر ییلدکلرنده لباس
 الحاد و ضلالتی کیوب سالار روافض اولان ذوالفقار خانی استقبال
 و تعظیم و اکرام ایله اعز اماکنه ازال ایلدیلر لکن اهل قلعه اولکون
 طوائف ملاحده یه طوب و تفنک ایله مر حبا قلوب اول ایلده اظهار
 جلالت و قلعه یه قریب خلال بازارده عقصد ایتدکلری انجمن
 جوارلرین باصوب بر قاجنی قتل و خسارت ایتدیلر اثناء ایلده اوجوز
 قدر اولادر و افض اولاد اروامدن قرق نفر اوزرینه تغلب ایله خروج
 ایدوب عسکر شاه ایله مضاد مدیه بزه اقتدار یوقدر بهر حال

تسلیم حصار اید و بجا نمی آفت ضرب و حردن قور تارقی
 اهم و از مدردیو خواه ناخواه باب قلعه بی کشاد ایتمکله ملاحده
 بانلرنده باکام اولوب باقی قرق نفر شاه قدومنه دک محبوس نظر
 و نگاه اولد قده اوچخی کونی ناکاه اعلام شاه دخی بلده نخبوانده
 نمایان اولوب روافض بلد اعزاز و اکرام ایله استقبال ایدرب
 زیر پای سمندینه اطلس و دیبا دوشوب دأب اهل ضلال اوزره
 جای سم سمندنی سجده کاه قلد یلر اول حبله کر چون وز برك
 ارتخاندن خبردار اولدی رعا یا نك انقیادندن منت پذیر اولوب
 آیین باطلنی میا نلرنده اجرا قلد قد نصکره اهلاک عسکرده
 معاوتلری اولد یغندن ماعدا توقیف و مکش لرنده برتد بیر ایلدیلر
 و اموال عثمانیانی اخفالیشلر درد یو جزای و یلمک اوزره امر ایتمکده
 هر برخی ملاحده قرار کاهلرنده محبوس و عیا لاری ایله انواع
 اذایه مانوس قلوب تحصیل مال ایچون ایلد کیری و فور جورده
 انظار ندامت و بری برلینه لوم و ملامت ایدر لدی ذو الفقار خان
 قلعه یی و یرن روافضی و مانع تسلیم اولنلری پیشگاه بارگاه شاهه
 کتوروب مذهب باطللریخی اختیار اید نلری عین عنایت ایله ملحوظ
 ایدوب فریق آخری تعذیب و شهید ایلد کد نصکره برایکی کون
 او یاش قز لباس نخبوانده مساعده روزگار ایله حرکت و تغلب و خانه
 بخانه اموال عثمانیانی تطلب ایدوب اول تقریب ایله نیجه ظلم
 و آزاری ملاحده دیاره دخی دراز قیلدیلر مسلم و کافر غموم غموم مظالم
 ایله مغموم اولوب آشوب و فتن جددن آشدی خدا و یردی پاشا
 چا معنده امر بالفجور ایلمدیکی فواحشی انزال و ایچنده علانیه
 فجور ایستد یروب زنجیر بهض شعایر اهل سنتی تحقیر واذلال
 ایلدی

(هنیمت سردار محمود) جنود اسلام تعمیر حصار ده اقدام تام

اوزره ایکن جادی الاخره نك النجی کونی سمت عدودن کنار
حصارده بر قاصد عیون عسکره دوچار اولوب علی الفور حضور
وزیره احضار اولند قده خبر ویردیکه مقصد ما کاخ ایله ارزنجان
مابینده نیجه زمان قطع طریق ایتمکله معروف اولوب اسنبصالی بابنده
امری پادشاهی ورود ایتمکین شاهه کر بزان ایتمک ایچون او نوز ایکی
نفر باش بولدا شلرندن ایکنجی اولقی اوزره معدود اولان سردار محمودی
درت بشیوز مقداری اشقیایه باش بوغ ایدوب ممالک عثمانیه ده
کندویه مابند اشرا ره دعوت ایچون پروانه لار سال وکندویه
بالغفل دره الکز سنجا غنی متغلبانه توجیه ایدوب یدینه برات ومثال
ویروب شقی مزبور غرور تام ایله حوالی روانه قریب کلد کده
کنجه یه کبدر کاربانه راست کلوب آج قورد قیونه کبرر کی گیریشوب
جمله سن قرین هلاک ودمار ونهب اموال بیشمار ایلوب حالا
بعض قراده هبش وصفا ده وجام باده ایله خمور یا تور لر دلاوران
کار دیده دن بر قاج کسنه اولسه علی الغفله باصلقی ینسر د ردید کده
سالار عسکر فرستی غنیمت ییلوب علی الفور بشیوزه قریب کسنه
ایلغار مأمور اولوب کخندای وزیر نامدار عثمان اغا سردار قیلنوب
عجمله وایلغار ایله قبیل سحرده قریه مزبوره یه وصل وقضا
آسمانی کی اوزرینه نازل اولنوب هر جا نبندن قویولد یلر ملاحظه
یدکر دار قلل جباله تار مار اولد قلرنده بهادر لر تعقیب ایدوب
اکثرین طعمه شمشیر آبدار ایلد یلر ریسلری اولان شقبنک مقرینه
سالار عسکر واروب هجوم کوستریچک جنود وفور اوزرینه
دوشوب اسیر وکرتار ایلد یلر غاز یلر واصل غنائم بسیار اولوب
سرور تام ایله شهره دخول و دیوان وزیر و وصول بولد قلرنده مظهر
التفات اولد یلر اول باغی متردک سری بریده و پوستی دریده
قندود نصکره اول کون مقصد ما اخذ اولنان قصاب حاجینک زمان

اسیلا سنده ربابه ابتدکی اذا مقابله سنده باشی کسلوب جزاسی
ویرلندی ذکر اولنان سردار محمود پاشا ایلده اعوانندن یوزه قریب باش
ویاننده بولنان شاهک اوتوزه قریب پروانه سی نخبجوان قاضیسی
جراحی زاده عرضی ایلده آستانه یه ارسال اولتندی مفسد مزبور
حدناتنده فرط شجاعت ایلده اول طاقه خبیثه میاننده ممتاز و شاه
بائنده رفیع القدر و سرفراز اولوب خبره زیمتی بغتة مسعود شاه
اولد قده فرط المندن بیهوش مرتبه سنه واروب اخذنارایچون مقدا
نخبجوانده النان قرق نفر سنیلرک قتلنی فرمان ایلندی عنفوان غضبده
بر قاجی نوش جام شهادت ایلده واصل رخت رجان اولمشکن
ارکان دیوانی امان جوی اولوب کوچ ایلده منع قبلدیلر

(مقدم شاه عجم پروان) جادی الاخره نک اون برنجی کوبه که یوم السبت
ایندی سحری روانک قبله جانندن الویه سرخ سران نمایان اولوب
صحرا و دشت روانه اول طاقه خبیثه ارواح خبیثه کی یایلوب
اصل قزلباشش الی ییک قدر انجیق و ارایدی انک دخی اوج ییک قدری
توانکی و کولک طوقاق نامه اولان اشرارو بر مقداری اکر ابد نه دادن
برکروه ایلده مسامحجائی کورد غازی و برادری قوجی و سیف الدین
کوی قباثلی و بر مقداری مقدا اما رت و یریلن میرزا پاشا
او غلی شیخ حیدر نام کورد آلائی و بر مقداری مقدا
نخبجوان و قباثستان تسخیرنده نواب پادشاهه دایل
اولفکه رفعت بولان علاء الدین بک خانی ما کوبه حاکی
مصطفی بک آلائی و بر مقداری کورد زینل بکک آلائی و الشکر
بکی قلیچک و بریدن دوغمه برکشاد سنجاقی بکی فرج روز بک
آیلیری ایدی شاه قلب عسکرده سمت رأسنده سایان آتشین ایلده
شوکت ساز و صدای کره نای ایلده دهشت پرداز اولوب اسب و شتر ایلده
کثرت سواد اظهار ایدوب بر زمان یدشکاه قلعه ده میدان نورد

اولد قلزنده اهل قلعه طمطراق شاهیدن مرعوب و دبدبه بی معنی ایله
قلبلری مضطرب و مغلوب اولوب بالاضطرار تسلیم قلعه ایدملر
زعم ایدرلر دی چون میان عسکر اسلامده اصحاب عقل و شناس
وار باب میزان و قیاس اولوب مبانی رعب و هراس بی اصل
و بی اساس اولد یغنی احساس ایلد کلزنده (بیت)

این همه طمطراق بی معنی * همچو طبلست باطنش خالی *

دیو دبدبه بی معنایه ترتیب احکام ابدیوب الارغه طویلری ایله ایرقدن
مرحبه اقیایدیلر اول کروه مکر و محنت دپه سی دیملکه معروف پشته یه
خیمه شاهلی قور و ب حواله سی بحیم عسکر دولت پناهی اولدی

(جنگ اول در پدشگاه روان) شاه کمره اشارتی ایله بر فرقه
ملاحده پدشگاه قلعه دن حرکت آتاز ایدوب اهالی قلعه یه
صوت انداز اولد قلزنده چند اسلامدن بر قاج بهادر باب نمجواندن
چاقوب طرفین بری برینک شوکت و صلابت لری امتحان ایچون
اشعال نائر فسال ایدوب ابتدا قلیچ نام بر حر دجع اعدایه حله
کمان ایکن حکم قضای و قدر آتی سور چوبد و شملکه جمع ملاحده
باشنه اوشوب شهید ایشیلر بامر الله بو وضع ناهموار انجام کارد
ظفر و غلبه بجانب مخالفه مبر اوله جغین اشعار ایدیلک عاقل
کاردانه تطیر و قلوب مجربانه نوع تغیر طاری اولدی اول امر دن
نکسار حسن عاقبت کار ایله مجبوره قلمتی دخی مجربات امور دندر
دیو اول دمه کریجه تشفی صدور قلمشیدی لکن تعبیر دلپذیر
ایله تقدیر قدیر متغیر اوله جق دکل ایدی بقیه جوش پر خر و شده
ینه فتور کوستر مبوب ملحدان نادانی طوب و تفنک الله چکوب
جانب قلعه دن اوزلرینه جواله طوب و تفنک ایلد کلزنده بر قاجی

چام مرکی نوش ایلیمک رو کردان اولدیلر

(جنگ دوم) یوم من بویوک ایرتسی ماه مر قومک اون ایکیمی

کونی اسلامدن اینکوز قدر اتلو دلاورل کبرو باب من بوردن چیعوب
جانب اعدایه اظهار جلادت قلوب کوک کند نام موضع
سمتته هرور کو ستر دیر عقبه نجه یوز نفر پیاده تفنگ انداز دخی
کننده اختفایدوب وقت ضعی ده وزیر صاحب تدبیر دخی
باب من بوره کلوب منتخب دلاورانی چقاردی چون الویه عسکر افق
قلعه دن ظهور ایتدی اعدا دخی حرکتها آغاز ایدوب میدان
نبرده کلدی جانبینسک چرخه جیلری حرب وقتاله اشتغال
کوستروب میدان رزم ایچره حیلی قتال ونیجه اعدا کلدلرینی
پایمال ایتد کدن صکره سوی حصاره خرامان و کینکاه سمتته
توجه کنان اولد قلرند زمره ملاحد عقبه نجه کینکاهه کلوب
دلاوران سر باز جانب اعدایه بازوی همتلرین دراز ایدوب یوزه
قریب نفوس ضایعه قتل ایتدیلر اول کون اعیان ملاحد دن
شاهک اشکی اغارندن بری مرد اولوب سر بازان غزاندن کیمی
میدان رزمد تاج مرصعن قاپوب و کیمی سر غوج مصنعن الدی
لاشه سنی قایمه چاپان قریب ایلاردن نیجه سنی دخی طعمه تیغ بران
ایتملرله اعدایه روی خذلان نمایان اولوب من بعد دونوب
قرار کاهلرینه کتد یلر شاه انک دوشد یکنندن مضطرب اولوب
فرط جینندن شامت قرار کاهی ایله متأول و علی الفور مکان آخره
منتقل اووب جانب شمال بسند تا بیر طوبدن احتیایه قابل یرده
ضرب خیام ایلدی و کندینک خیمه ادباری اطرافند بر جدار
حصار آسا اتخاذ ایله جای متریس ایلدی و عسکرینه باک مداد
متریس دیو هجومه اغرا ایلدی

(جنگ سوم) ماه من بورك اون یدنجی کونی که یوم جمعه ایدی
شاه قلعه یه طوغری تحریک لوالدیچک ملاحد تک هر بری غلوی
عام ایله تحریک اقدام قلد قلرند اسلوب سابق اوزره پیاده

و سوار د رت بشیوز قدر دلاور نامدار باب مز بوردن چقبوب حله
 کمان نیران حربی فروزان ایتدیلر بفضل الله تعالی اول کون
 دخی نسیم فتح و ظفر جانب سنباه و زان اولوب سمت قلعه به
 توجه کمان عطف عنان قیلد قلند . قزلباشلر عقبلر نیجه سوروب
 پیش یمینکاهه کلدکلرند . غازیلرینه اعدا او زربنه صولت انداز
 اولوب شراره تفنگ ایله ملاحده دن نیجه سنک خاشاک وجودنی
 احراق بالار ایتدکلرند . ماعدا امیره حاکی شیخ حیدر نام شقی که
 فرط شجاعت ایله روافضک ممتازی و خلالت اکرا دک سر بازی ایدی
 اعدام اولد یغدن مباتی دشمن رخنه کراولدی بود فعه ده ایکیزه
 قریب قزلباش قتل اولوب بری طرفدن انجیق الی یدی کسنه
 دوشدی زمره اعدام قهوار رجوع ایلدی

(ورود بخشی فاصد شاه) چون عدوی حیلہ کر کوردیکه لشکر
 هریمت اثر ینک صولتی حفظه قلعه قلوبنه کار کراولدی اجرای
 مراسم مکر و تزویر قلوب ارسال نامه موحش ایله مشوش خواطر
 و فزون فسون برله جلب قلوب عسکر اسلامیان ایتک فکرینه
 دوشوب بوندن اقدام شریف پاشا ارضرومده محافظه ولایته
 مأمور اولان حسن پاشایه وجوار ایاتده اولان سائر پاشا لره تحریر
 ایلدیکی مکاتب که ضمننده اعدا قعی ایچون اعدا دایدیچیک
 عسکر ایچون تعیین طریق و هر وجهله اعدانک ضعفنی تحقیق
 ایدوب بعنایه الله تعالی سمت معهود دن جنود موهود کلدیکی
 تقدیرده قلعه دن دخی عسکر چقبوب آسان وجهله هر م فریق اهل
 طریق مبسر دردیو تحریر اولوب قبیل محاصره ده شاطر محمد چاوش ایله
 ارسال اولمش ایدی چاوش هر نوری روافض دیارندن شوره کل نام قلعه
 خلقی اله کتوروب شاهه خدمت ایتکله رهین منت اولمش ایدی یلنده
 بولنان مکنتو بلرک برنده ظهر بنه شاه ضلالت سمیرا شهر اویوزندن

بوگونه تحریر ابتدا در دیکه باریک الله تدابیر صائبه وافکار ثاقبه اصدار
 یورمشسز بوفکر فاسد وتد بیر کاسددن فارغ اولک که بو یقینلرده
 سزه امداد محالدر اهایء ولایت جلله سده سعادتمه رومال اولوب
 انقیاد کوستر دیلر که ورقه مزبوره نلک الہ کتور لہ سی آکادالدر من بعد
 سترک ایچون ارسال نامه یه دخی مجال اولوب تسلیم قلعه دن
 غیر ایله سلامت حال اولماق بایندہ کلمات موحشہ تحریر
 وائمه قرادن یخشی خلیفه نام قاصد ایله ارسال قیلوب
 شخص مزبور وراء جدار دن قاصد اید یکنی اخبار اید یچک
 حضور وزیرہ احضار اولوب ورقه نلک ظہر و بطنتہ نظر
 اولند قدہ مفہومی معلوم اولیچق وزیر ونفیر قطع رشتہ املی
 ابوالخیلده جواب احق ایله عمل اولوب قاصدی در حصار دن
 مطرود قیلدیلر اما قاصد فاسد دیوان شاهه واروب بکا ویردکری
 ورقه ارکان دیواندن برینک مهری ایله مختوم و رسم معروف
 شاهی ایله مر سوم اولد یفندن معرض جوابده واقع اولدی
 شویله که بود فده دخی ارکاندن بری طرفندن برنامه ایله وارلسه
 مراد شاهی خیر ایله انجام بولور دی دیوفضولی و کالنه
 اقدام ایلدی

(آمدن یخشی قاصد بقلعه) چون شاه قاصد مزبور دن
 رایحه خدمت استشمام ایلدی علی الفور برنامه انشایدوب مضمونشده
 ایات حث وترغیب و اخبار تخویف و ترهیب ایراد قیلوب وزیر ی
 خاتمک و معتمد ولتی بسطام انا و قوریجی باشبسی الله قوی انا
 مهر لیلہ مهر لدوب برید مر قوم ایله ارسال ایلدی مزبور دخی
 کلوب نامه یی حضور وزیرہ ایصال ایلدی نظر اولند قدہ
 قاصد قاسدک عذر باردنی انشاء مکتوبه تقریب و تمشبت مقصودی
 بایندہ مفدمات غیر معقوله ترتیب ایتدی یکی فہم اولوب وزیر ونفیر

دید بیلر که سودای قلعه کشایی دماغند ه جایگیر اولان شاهان
 دلیران لابد تحمل اوزار دار و کیر ایدوب شان
 عجز و زبونی اولان قسوں حبله یه سالک مسالک
 مکر و تزویر اولر لر بزم ایله مردانه ایقاد نائرة چنک
 ایدوب مقصودینه دست رس بولسون شاه قزلباش قلاشه قول
 فص قلعه دن هر طاش باشنه بزدن بر باش کتمه بنجه وملاحده
 اوباش ایله اسباب جنک وساپاشی تکمیل واتمام اتمنجه دامن
 مقصودینه وصول محالدر اوغور پادشاهیده قاعه رواندن بدل
 اوباش ملاحده کله لرندن قله لر پیدا قیلدین فتح حصار عدیم
 الاحتمالدر دیو بریدن اهورای ابعاد و طرد ایلد کاردن صکره افراد
 عسکر دن بر نیجه سیاع اول روباه صاحب خداعک اوزرینه
 هجوم ایدوب رساننده اخبار مو حشه اولد یغی ایچون خنجر
 اوشور و ب پاره لدیلر دردمند ملا یخشی شاه غلط بخشک امید
 عطا و بخشش ایله یاش وردی التزام مالایزم ایله اصلاح ذات
 الدین هوا سنده دم اورمقدن ایسه ایام فترتده محراب عزائی چای
 مامن یلوب ابکم اولقی یک ایدی بوندن صکره شاه حبله کر زمان
 مدید محاصره ایله نه خیره عازم اولوب نائرة جنک وقتاله اشغال
 و یروب واسباب ضرب و حرب احضارینه اشتغال کوستردی
 (ورود خبر نقض عهد شاه عجم و مشورت اعیان دولت در
 آستانه) چون سابقا ارضروم محافظه سی ایچون در دولتبدن
 طر بزونه نفی اولنسان ساعتی حسن پاشا نک و روان و نخبجوان
 امیر الامر امی شریف پاشا دن عرضلرو مکتو بلر کلوب شاه
 عجم نقض عهد ایدوب سرحد ممالک عثمانیه استیلاسی
 و تبریزی الوب تبریز بکلر بکسی زنجیر قران علی پاشایی گرفتار
 ایتدیکی خبری وصول بولوب سکان ولایت نامه لر و پروانه لر

کوندروب کسسه به تبدیل مذهب تکلیفی یوقدره هر کس مذهبیده
 قائم همان بوجانیده طاعتده دائم اولسون دیو بر ایکی قطعه
 فرمانی کوردی اگر امداد اولغز ایسه قلعه روان بلکه دخی
 نیجه بلدان الدن کتمه سنده کان یوقدر دیو عظیم فریاد واستمداد
 اینتلر قائم مقام قاسم پاشا چاوش باشی بی **کے** وندروب مفتی
 ووزرا و قاضی سکرلری دهوت ایدوب عقد مجلس مشورت
 اولندی وآراء صائبه لری قرار بولد یغی تدبیر تلخیص اونوب
 طرق پادشاهیدن عرض ایند کلری وجهه اوزره تدارک اشتغال
 فرمان اولوب ساعتی حسن پاشا اول جانبیه سردار و دلدیکی
 مقدار عسکر و مهمات و یرلک اوزره سپهسالار نصب اولندی
 و امداده ابر شمری لازم اولان ولات اطرافه اوامر علیه یازلدی
 لکن چوق زمان مروز ایندین پادشاه جهسان جوار رحمت
 رحسانه ارتحال بیور مغلله کری **کے** تدارک کورلک وقت
 امکانه تأخیر و توقیف اولندی

(انتقال سلطان محمد خان ابن مراد خان علیهما الرحمة والغفران)
 بوندن اقدام جادی الاولینک یکریمی ایکنی کونی بوم اثنین ده
 پادشاه جهان سلطان محمد خان سرای همایونلرینه کیدر کن
 بر مجذوب الهی سر راهده راست کلوب اللی الی کوندن صکره
 یزاد نه عظیمه ظهور ایدیه یور غافل مباس پادشاهم دیو فریاد
 اینشیدی پاشاه وخلق متعیر اولدیلر سنه مزبوره زجبیک اون
 درنده پادشاه عالمیناهک مزاجلری مخرف اولوب اطباتدیری ایله
 صحت پذیر اولیجق ماه مزبورک اون سکرچی **کے** کونی یوم
 احده روح پرفتوحلری جانب علیینه روان اولدی عمر شریفلری
 اوتوزیدی سنه و سکر ماه و مدت سلطنتلری طقوز سنه و ایکی ماهدر
 شهراده **کے** امکان سلطان احمد خان سریر سلطنته تشریف

پورده قاننده علی الصبح جله وزرا و امر او صلحا دیوان هما یونه
حاضر و ظهور پادشاه صاحب ظهوره ناظر اولوب طور دیر
چونکه تخت جهانبانی قورلدی امر بیعت و دستلبوس شاه
خورشید طلعت تمام اولدی پادشاه مغفورک نعش رجعت
نقشی ساحه سرای سلطانی یه احضار و جنازه نمازینه دعوت
خلق بیشمار اولتوب شیخ الاسلام ابوالیمان مصطفی ائندی
امامت وارکشیاک عنوانله صلواتی اقامت ایتدی بلر ایا صوفیه
حرمنده سلطان سلیم تربیه سی یاننده واقع اولان مزار پرانوارنده مدفون
ومتواری اولدی

(اوصاف مرحوم سلطان محمد خان) پادشاه مرحوم وقور
وادیب و وجیه و مهیب سلطان صالح و عابد جامع محاسن
و محمد سخی و کریم شعار دینه رعایتیه بغایت مجد و ساعی شریعت
شریعه احکامنی مراعی خاقان عالیشان ایدی اوقات خسته ده
جماعته مداومت سنت سنیه لری و حضرت رسول آکرم صلی الله
علیه سلمک نام شریف لری یاد اولندیچه قیام عادت مرضیه لری ایدی
اجداد کرام لری کی گاهی شعر دیر و عدلی تخلص ایدر لری
اولاد کرام لری سلطان سلیم یک بش رمضانک اوچنجی کونی
عزم دار التیم ایلدی سلطان محموده یک اون برزی الحجه سنک
یکرمی یدنجی کونی شربت شهادت ایچورلدی منقولدر که
مشایخندن بری سر بر سلطنته جلوس ایده جککه جازم اولدم دیو
بشارت نامه کوندروب پادشاه عالمپناه بدینه واصل اولمغه شیخ
مر قومی واسطه لریله قتل ایلد کد نصرکه بونلر دخی بی جرم
شهید اولدیلر شهزاده حرمنده مدفوندر سلطان احمد خان وارث
تخت خاقانی اولدی سلطان مصطفی اختیار عزت ایتشار ایدی
مصرکه ایکی دفعه پادشاه اولدی سلطان جهانگیر صغیر ایکن

فوت اولدی مملری جمعرافندی طقوز یوز سکسان ایکیده وفات
ایلدی حیدر افندی طقوز یوز سکسان سکرده وفات ایلدی
عزلی افندی طقوز یوز طقسانه وفات ایلدی نوای افندی یک
اوچده وفات ایلدی

(وزرای عظام) سنان پاشا جلوس همایونلرنده بونلر اوچنچی
دفعه وزیر اعظم و یانق سفرنده سردار اگر مایدی و فرهاد
پاشا ققم مقام ایلدی سنان پاشا آستانه یه کلوزکن ملغریه نئی اولوب
فرهاد پاشا اینکی دفعه وزیر اولدی و سردار دخی افلاق سفرینه
کیدوب کوپری پیارکن عزل اولوب یک درنده قتل اولندی
سنان پاشایک اوچده رابعاصدر اعظم اولدی مچلا سفره چیقوب
میخال مجازیه سنده بالغه دوشوب رهوای و روسیاه روسجه
عودت ایلدی لالا محمد پاشایک درنده سنان پاشا یرینه وزیر اعظم
اولشیدی اوچنچی کونی انتقال ایلدی سنان پاشا بشنچی
دفعه کپرو صدره کلوب پادشاهی سفره تحریک ایلدی و سنه
مزبوره شعباننده سفر آخرته کندی مرقوم سنان پاشا ارنود
جنسیدر عصیر سلیمان خانینده حرم خاصه دن چاشنکیر باشلیق
ایله چیقوب ملاطینه و قسطنطنی و غزه و طرابلس سنجاقلرینه
امیرالو اولوب بعده ارضروم و حلب و مصر ایالتلرینه بکلر یکی
اولوب یمنده فترت اولغله بمش یلیدی یمنه کیدوب بعد القح کپرو
مصره اعاده اولندی بعده آستانه یه کلوب وزارت ایله دونما
سرداری اولدی طقوز یوز سکسان تاریخنده تونس و حلق الوادی بی
قح ایدرب جلوس مراد خانیده آستانه یه کلوب سلاک وزیریه داخل اولدی
سکسان سکرده عجمه سردار اولوب دزغقب احمد پاشا یرینه صدر اعظم
اولدی طقوز یوز طقسان درنده شام ایالتنه نصب طقسان یدینه پته
وزیر اولدی طقسان طقوزده عزل یک برده ثانی وزیر اعظم

اولوب بيك اوجده بيك درنده يته تکرار معزول ومنصوب اولدی
 سنی طعنه اندن زیاده ایکن مرض زخیردن خستلوب سنه مزبور
 شعبانک بشنده فوت اولوب توکل چشمه سی قرینده تر به سنه
 دفن اولندی بش دفعه سردار و بش دفعه وزیر اولوق بوکامبسر
 اولمشدر ممالک محروسه ده یوز قدر خطبه سنی او قنور رستم پاشایه
 و محمد پاشایه تالشد (ابراهیم پاشا) وزیر ثانی ایکن صدر اعظم
 اولوب سفره کتدی (جغاله زاده سنان پاشا) بیگ بشده اگری
 غراسنده وزیر اولوب فرق بش کوندن صکره کبرو (ابراهیم پاشا) ایکنجی
 دفعه وزیر اعظم اولدی (خادم حسن پاشا) بیگ التیده وزیر اعظم
 بعده معزول و مقتول اولوب یرینه (جراح محمد پاشا) کلدی (ابراهیم
 پاشا) اوچنچ دفعه صدره تشریف ایلندی قنبره بی قنچ ایدوب بیگ
 اویده وفات یفتدی (عشقی حسن پاشا) وزیر و سردار اولوب کلده
 عنود و کنود اولغله قتل اولندی یاوز علی پاشا مصر بکار بکبسی
 یکن آستانه به دعوت اولوب و بیگ اون ایگیده توجیه مهر
 صدارت قیلندی (داماد خلیل پاشا) بوسنوی الاصلدر حرم همایوندن
 چاقوب قطع مراتب ایدرک وزیر دیوان و داماد عالیشان او ایشیدی
 ابراهیم پاشا یرینه قائم مقام اولوب بعده وزیر ثانی ایکن سنه
 مزبور رجبهک اون طغوزنده فوت و دبکلی طاش قرینده علی پاشا
 جامعی اوکنه دفن اولندی (حافظ احمد پاشا) طواشی بدر قائم مقام
 اولمشدر (ساعتی حسن پاشا) بودخی قائم مقام بعده معزول اولمشدر
 (کوزلجه محمود پاشا) بودخی قائم مقام اولوب ایام فتنه ده هیثات
 درویشانه کیروب مختی اولمشدی بعده یته وزرات ربه سنه نائل
 اولمشدر (حسن پاشا) ابن صفولی محمد پاشا توفانده تفنگاه شهید
 اولدی یالی بغداد اولد قدن صکره جلای اوزرینه سردار اولوب
 اشقیانده شهید اولدی (ساطورچی پاشا) وارات سفرین ایدوب

بلاخراده قتل اولمشیدر (مصطفی پاشا) مصاحبه راضیه خاتون
او غلیدر قبه نشین اولمشدر (حاجی ابراهیم پاشا) جلا لیدن منهرم
اولدقد عزل اولنوب بعده مصبرده شهید اولاند (طریقچی حسن
پاشا) بغداد ایااتی کندویه ویرلد کده دستبوس ایدوب چبقار کن عیسی
حسن پاشا مزبوری چوکر دوب بویین اورمشدر قوری چشمده
مشهور طر نقیجی سرایی بونک بنا سیدر رحیم الله و تجاوز الله
عن سیاتهم

(علماء الدولة المحمدیه المولی سیدالدین افندی) ابن حسن جان
تعلیم سلطان جم لقابله خدمت افتایی جامع اولان قوجه خواجه
افندی که مستشار امور ملک و ملت و محرم اسرار مصالح
سلطنت اولغله دور سلطان محمدخانده تعین تام بولوب بیک سکر
شهر ربيع الاولک اون ایکنجی یوم الخمیسده ایاصوفیه جاتعنده قرأت
مولد شریف جمعیته عزیمت ایچون تجدیدوضوینیت ایتد کلمی
حاله بقاء انتقال ایلدیبلر جنازه سی سلطان محمد جا نه احضار
وجانشینلری اولان صنع الله افندی امامته اختیار اولنوب اولاد
کرامی درت نفر علما که عماد دین و دنیا ایدیلر تا بولرینی بردوش
ایدوب قصبه آبی ایویده اهداد ایتد کلمی دارالقرء حظیره سند
دفن ایتدیلر (المولی محمد بن بوستان) ایکی دفعه مفتی عصر
اولوب سنه یکیدیده وفات ایتدیلر (المولی صنع الله افندی) مفتی
الانامدر تفاهیل احوالی مسطور در (المولی محی الدین) محمد بن
سیدالدین حسن جاندر قیواغاسی قتل اولند یغی فتنه ده زوربار
فتوا دن عزل ایتد یروب عیسی حسن پاشا به رغما یته صنع الله
افندی بی مفتی نصب ایتدیلر (المولی ابوالمیان مصطفی افندی)
مشار البیه صاری کرزاده قانی دیمکله معروف والسنة ناسده
قیام مصطفی افندی دیمکله موصوف اولان قاضلدر اناتولی صدری

ایکن بمشچی حسن پاشا کندوی مفتی ایدوب بدیه حسن پاشا
 قتلنه باعث اولشدر کا ذکر نا (المولی عبد الباقی) سلطان شعراء
 رومدر مکررا صدر روم اولوب متقاعد فوت اولشدر سنه ۱۰۰۸
 (المولی حبسام الدین) قره چلبی زاده افندی روم ایلنسه مکررا
 صدر اولوب متقاعدا فوت اولشدر سنه ۱۰۰۷ (المولی احمد
 الانصاری) جابر بن عبد الله رضی الله عنه نسلند ندر عالم فاضل
 کسنه در ابراهیم حلبی مر حومک ملتق الابحر نه شرح وافی
 یازمشدر مکررا صدر روم اولوب بعده مصره ائدن کعبه مکر مهیه
 قاضی اولوب جوار کعبه ده مر حوم اولشدر (المولی مصلح الدین)
 بوستان زاده دیمکله شهید در صدر رومدن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی العالم علاء الدین) الشهیر بیستان چلبی زاده صدر رومدن
 متقاعدا فوت اولدی (المولی مصطفی ابن ابی السعود) العمادی المعروف
 بمثل چلبی صدر روم ایکن فوت اولدی سنه ۱۰۰۸ (المولی عبد الحلیم)
 ابن محمد المعروف بانخی زاده صدر رومدن متقاعدا فوت اولدی (المولی
 قوش بحیی افندی) بیک التی رجب زاده تقاعد ایدوب برسنه دنجسکره
 مصره کیدر کن در یاده شهید اولدی (المولی شمس الدین)
 المعروف بنخواجه زاده اناطولی صدرندن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی عبد الرؤف) المعروف بعرب زاده کعبه مکرمه و مصر قاهره
 قضا لادن متقاعدا فوت اولدی (المولی یحیی) الشهیر بکشمیری زاده
 اسکدار قاضی بنی ونقیب الاشراف ایکن فوت اولدی (المولی حسن)
 الشهیر بجبابی زاده ادرنه دن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی عبد الوها) استانبول قضا سندن متقاعدا فوت اولدی
 (المولی محیی الدین) الشهیر براضیه دامادی روم ایل قاضی عسکری
 ایدی (المولی کتخدا مصطفی افندی) اناطولی قاضی عسکری ایدی
 (المولی فیض الله) الشهیر بقاف زاده استانبول قاضی بنی ایدی

(المولی کمال الدین) محمد ابن احمد الشهیر بطا شکری زاده
استانبول قاضی بنی اولوب معزول ایدی (المولی عبد الباقی)
الشهیری بطورسون زاده مصر قاضی بنی ایکن فوت اولدی المولی
حبیدر (بروسه قضا سندن متقاعد فوت اولدی) المولی
(حسن کتخدا زاده) بنم غلطه قضا سندن متقاعد ادر حرم
اولشدر (المولی عبدالله) الشهیر بطورسون زاده خواص
قسطی خط بنیه قاضی بنی ایدی (المولی شریف محمد) مدرس
سلیمانیه نک پرند ایدی (المولی مصطفی حاتق) الشهیر
بزمی زاده شام قاضی بنی ایدی (المولی حسن افندی) صحن
مدر سرندن ایدی (المولی سنبل علی افندی) حره بن
الشرفین اوقافنه مغش اولوب دار السعاده اغا صی مصطفی اغا
تریتیه ظهور ایتشیدر عالم و سخی و غیور و منق آدم ایدی لکن
مقتضای نوع اوزره قسوة قلبدن خالی اولوب جری و خونی
ایدی اما جود و سخا یله اقرارندن ممتاز ایدی بونلردن ماعدا علما
و فضلا یه حد و نهایت یوقدر انجیق بونلر بر سیل انتخاب
تحریر اولمشدر رحیم الله تعالی و نفعنا الله بشفا عثم
(ومن المشایخ العظام الشیخ محمد الحمید) اباصوفیه و اذقی
ایکن تفسیره حاشیه یازمشدر در قوال بالحق کیمسه در (الشیخ خضر)
الشهیر یسایا یاشی زاده علوم عربیانه بی نظیر عالم و ناصح مالک
حسن تقریر و لطیف تعبیر ایدی اگری غرا سنده تابور چنکنده
شهید اولمشدر (الشیخ شمس الدین) سواسی ریاضت و تقوی ایل
استیناسی و برکت انقاسی تعبیر اولنور دکلدرا اگری غرا سنده
بنفسه جهاد حسی ایتشدر تری لسانده امام اعظم رحمه الله علیه
حضر تلمیذک منافقین نظم ایتشدر و دخی نیجه کتبی وارددر (الشیخ
میر میران الحسینی الکمالی) اهل ریاضت و تقوی صریح الحسب

صحیح النسب ظاهرا و باطنا شریفند و مشایخ نقشبندیه دندرا کری
 جنگنده طابور محاربه سنده بیابانی زاده ایله معاشیه و جسم پایی
 اول عرصه ده ناید اولمشدر (الشیخ محمود افندی) لاسکداری
 ذیل دولت مرادیه ده ذکر اولمشیدی بر عزیز عظیم الشاندر
 پادشاهلر و وزرا و علما قطب زمان و متصرف جهان اولماسنده
 شک ایتماشلردر زماننده سلطان الطریقه ایدکنه شبهه یوقدر
 (الشیخ حسن افندی) مصطفی پاشا زاویه سی شنجیدر بعده
 سیاحت ایله دیار غنه کیدوب فوت اولمشدر (الشیخ واعظ امیر) عالم
 و عامل فاضل و کاملدر سلطان سلیمان جاعنده واعظ اولوب
 هرجه نقل تفسیر و حدیث نصرکه رفاع اسوله قرآت ایدوب
 حل مشکلات انام ایدردی قوال بالحق اولوب نهی منکر ایدوب
 بعض اکابر زمانه اطاله لسان ایتمکه برایکی دفعه فی بلدایتدر دیلر
 اما بفضل الله تعالی اعدا سنه غالب اولوب ینه دار السلطنه ینه
 معاودت ایدردی (الشیخ اسمعیل المولوی) غلطه ده مولوی خالده
 نقل مثنوی ایدردی مثنوی شریفه بر شرح مقبول تحریر ایلدی
 جلد سابع اظهار ی ایچون بعض عرفا طعن ابتدیلر عاشق فاضل
 سالت و کامل کسنه ایدی مات فی سنه ۱۰۱۳ طیب الله ارواحهم

❦ جلوس همايون حضرت سلطان احمد خان ❦

هجرت نبویه علیه افضل التحيه نك سنه اثني عشر و الف شهر رجب
 المرجينك اون سكرنجي كوفي قائم مقام صدارت عظمی وزیر قاسم پاشا
 وقت سحرده صلوٰه بخراستند نصرکه وجه مالوف اوزره دیوان
 عدالت عنوان صوبنه توجه ایدوب قبه گردون رفعتده مسند نشین
 اولدی هنوز فقرای شکاه دیوانه کیرمدین حضور وزرا تنه ایکن
 اول زمان بویان سلطانی کتخداسی اولان حسین اغا پر وجه
 مسارعت باب سعاده دعوت اولتوب باب السعاده اغاسی چقبوب

بر دستمال اچره ملفوف برتذکره و یروب بوخط هما یونی قائم مقام
صدارته تسلیم اید. سن دیو تنبیه ایلدی کنخدای مزبور دخی
اولرق منشوری کتوروب قائم مقام قاسم پاشایه تسلیم ایتدکده
آجوب نظر و عباراتی کمال اغلاق اوزره یازلغین قراءته بحال
اویوب کنخدای مرقومه یونی سکاکیم و یردی دیو خطاب
ایتدکده قیواغاسی و یروب خط هما یوندر دیویسان ایدیچک پاشای
مرقوم تکرار خطاب ایدوب بوخط بی نقطه پادشاه مرکه خطنه
بکرمز والفاظ و عباراتی اوقتمز ایچنسه اولان بابام تعبیری
پادشاه مرکه ایسه حیاتده باباری یوقدر دیوب حبلی
اسلشکالدن صکره حسن بک زاده بی چاغروب قراعت ایچون
خط شریفی الله و یردی اولدخی سمع وزیره قریب واروب مضمون
عجیبی اخفا وجهی اوزره قراعت واتبای ایلدی مضمون خط هما یون
بودر سنکه قاسم پاشا سن بابام الله امریله وفات ایلدی و بن تحت
سلطنته جلوس ایلدم شهری محکم ضبط ایایم سن بر فساد
اولور سه سنک باشکی کسرم انتهی الکلام السلطانی چون
قاسم پاشا مضمون خط شریفه واقف اولدی زیاده محزون اولوب
بیچ وتابه دوشوب متحیر و متغیر اولدی و صحنه چندان اعتماد
اید. مدی زیر سلطان محمد خاکن انحراف مزاجی طشره ده قطعه
مسموع اولماشیدی آخر کار قاسم پاشا دارالسعاده اغاسته برتذکره
یازوب شویله درج ایتدیکه بو عید ضعیفه برخط شریف
کتورد یلر اصلنی ییله مدک یوخسه غرض بزی امتحانمیدر
ویا خود برمرادیمی وارد دفع شبهه بیوره سز بورقه بی مرقوم
قیو جیلر کنخدا سیله کوندردی در عقب قاسم پاشایی یالکزجه
عرض اولطه سنه دعوت ایتدیلر واروب کوردی پادشاه نوجاه
مهابت و عنوان سلطان احمد خان تحت جهانبانی اوزره اوتور

بونی کوریچک تمام اعتقاد ایدوب (لبس الخیر کالعبان) مضبوطی
 متذکر و سپهر اہبت بازک بازینہ متفکر اولوب بیر اوپوب
 چیقردی و دیوانخانہ یہ کلوب مسند بندہ قرار ایلدی مفتی افندی یہ
 تذکرہ یازوب چاوش باشی ایلہ ارسال ایلدی اند نصکرہ معماراغانہ
 مہمات جنازہ سپارش اولندی وسائر حضوری لازم اولان ارکان
 دولت واعیان سلطنت دعوت اولندی دیوان خلقتدن ہر کس
 تخت ہمایون طشرہ چیقوب قورلد یغنے بر معنی و یرہ میوب اصلند
 واقف اولما غلہ سلطان محمد خانی چبقار قیاس ایدر لدی
 مفتی زمان مصطفی افندی دیوان عالیشانہ کلدیکی کبی وزرا دخی
 قبہ التندن چیقوب شیخ الاسلام ایلہ معاسر یر ہمایون برابر نہ
 واروب صنف قیامتہ دکلرنہ باب سعادت نمایند و سیاہ شعلہ لو بخندوم
 سلطنت موسوم چیقوب جانبینہ سلام و یروب سر یر عزت نصیرہ
 طوفری کلوب متوکلا علی الحی القدوس کمال شوکت و مہابت ایلہ
 جلوس یوردی چاوشلر کلبانک دعائی اوج آسمانہ ایرشدر دکلرنہ نصکرہ
 مفتی و وزرا وسائر خواص و عوام علی الترتیب اسلوب سابق اوزرہ
 بیعت ایلدیلر دیواندہ جنود قائمہ قد نصکرہ پادشاہ انام سلام لبوب
 ایچر ویہ کندی و سر یر و بسا طی دخی رفعا یتدیلر وزرا و علما و کبرا
 علی الفور سیاہ شعلہ کتوروب باشلرنہ صار دیلر شعلہ سی اولمیا ندر
 بر سیاہ سر بند کتوروب دستارلینہ بند ایتدیلر مفتی و وزرا وارکان
 جیعا باب سعادت یانندہ اولان موقعدہ اوتوروب سلطان محمد خان
 مر حومک جنازہ سنہ متوقف اولدیلر بو محلدہ فاسم پاشا وزیر
 اعظم اولق سوداسنہ دوشوب مفتی الانامی تنہا حضور پادشاہ
 کوندروب خاتم صداری کندیویہ رجالتدرکہ تدبیر و مشاورہ
 بہانہ سیلہ بولشدر مغنہ سعی کشیر ایدوب مساعدت پادشاہ اولما غلہ
 بولشمنی ممکن اولدی لوازم تحفیز و تکفین تمامند نصکرہ تابوت

مغفرت منعت پادشاهی چقبوب کرسی اوزرینه وضع اولنوب
شیخ الاسلام امامتیه اداء صلوتہ نصکره پادشاه ایچرو کبدوب
وزرا وارکان نعلش پادشاهی مناکب اوزره کوتوروب ایاصوفیه
حرمنده جد و پدرلی جوارنده دفن اولنوب روح شریفلیچون فقرا
وایتام اطعام اولندی و ختم شریف اوقنوب تصدقات ویرلدی (رباعی)

✽ نظر کن بتقدیر جبار غالب ✽

✽ که چون شد قضا یش شهان را مغالب ✽

✽ بین تاجداری که در عین شوکت ✽

✽ مواکنیدش جای و اکنون مناکب ✽

بومحمد بنه قاسم پاشا حضور خداوند کاره وارمق استند ما ایتدکده
کاکان مساعده دن مباعده بیور لمغین بالاخره مایوس و غصه والمه
مائوس اولدی وقاسم پاشا خواجۀ پادشاه اولان مصطفی افندی به
جلوس اثنا سنده التفات ایتوب صکره حضور پادشاهیده مکرم
وملعت اولد بغنی پیلدکده خواجۀ لر معیناتی ووظایفی رؤسای
کوندروب عطیه وهدیه لر ایله نواز شرایندی لکن مفید اولوبوب
علی پاشا کلد کسیده مستشار و طرف سلطنته حامل ابرار اولغله
قاسم پاشا طرد و ابغاد نه سبب اولدی

(آمدن دو نژاد و صدراعظم علی پاشا) جلوس همایون کونی فیودان
جغاله زاده ستان پاشا دخی دونمای همایون ایله آق دکر دن کلوب
فرمان ایله لب دریا ده سلطان بایزید کوشکنه شیشا شوب شرف
دامتوب س ایله مشرف اولد قده خلعت فاخره ایله نوازش بیورلدی
وزیر اعظم یاوز علی پاشا دخی رجبت پکرمی بشچی کونی آلی ایله
شهره داخل اولوب قصر اوکندن سهرای عامر به کلیچک اصیان
وارکان باب همایون اوکنده قالب ایچرو دعوت اولندی براز مکث
ایتدکد نصکره چقبوب دیوانخانۀ هما یونه کیروب رینه اوتوردی

وزرا و فاضل عسکر لری دعوت ایدوب هر بری پراویرینه کلدیلر
 اوتوردیلر چونکه جلوس همایون انعامی وزیر مزبورک قد و منه
 موقوف ایدی کند و کتوردیکی ایکی سنه لک مصر خزیننه سی
 دخی کیروده قالوب کندوسی دلدن قرغه ایله گلشیدی همان اولکون
 ایچ خزیننه دن پدی کره یوزیک التون اخراج ایتدیروب اصناف
 عسکره توزیع ایتدی وسعت خزیننه سلطانی و مکننت علیه
 خانقانی معلوم عالیان اولدی چله انعامات و ترفیات عالی و اعیان
 و عساکر دریا نواله قانون اوزره و پرلدکد نصکره تکرار خلعت
 کیوب محل نزولی اولان سیماوش پاشا سراینه کندی بدمه قائم مقام
 فاسم پاشا ثانی و قورود پاشا ثالث اولوب دیوانده اوتوردیلر دستور
 مزبور تدابیر امورده دقت و توقیر مراسم سیاست ایتکله طراران
 جهما نسوزک بر مقدار دست خط اوللری کسلدی ترخ امورنده وسائر
 ضبط و ربط احوالنده نیجه تصرفلر ایدوب بعد العشا طشره
 چیقمه قدن خلق ممنوع اولدی غره شعبان المعظمده پادشاه اسلام
 حضر تملری ابی ایوب انصاری رضی الله عنه زیارتیه آلائی ایله
 واردیلر واجداد کراملری تربلرین دخی زیارت پیوردیلر
 و ماه مزبورک ایکنجی کونی مصر خزیننه سی کلوب داخل خزیننه
 عامره اولدی و اول کون قیو اغاسی مصطفی اغا پیرفانی اولمغله
 عزل اولوب یرینه سرای اغاسی کور محمد اغا قیو اغاسی نصب
 اولدی ماه مزبورک النجی کونی مرحوم سلطان محمد خان والده سی
 سرای عتیقه کوندیلدی و دار السعاده اغاسی عبدالرزاق اغا عزل
 اولوب یرینه مصطفی اغا دار السعاده اغاسی اولدی ماه مزبورک
 یکرمنجی کونی حضرت پادشاه عالیجاه سلوة جمه فی سلیمانیه جامع
 شریفنده اداد نصکره کجه سی سرای عامره ده عظیم سور
 و سرور ایله امر ختان پادشاه اسلام و سنت کرعه رسول الله علیه

الصلوة والسلام اجرا واتمام اولندی بمالك مجروسه ده
اولان بلاد سائر دخی كذلك زینت و سرور ابله مالا مال اولدی
لکن عیسده قریب اولغله پادشاه طایفه حضرتلری
جدری علتندن طشره چقه مدی سرور خلایق غمه منسل
وایلم عید شریف المه محول اولشیندی چوق کچمدی افاقت
بولدیله

(ذکر سبب غلامیه سپاه) بعض توار یخده منسطور اولدوغی اوزره
دوانده قدیم ایلامدن الی بلوک اختیارلری یدوز بکری نفر ملازم
یازیلوب سنه تمامده ایکی نفره برد قتر ویر بلور بری امین ویری کاتب
قید اولند قد فصره جمعه کوندر بلور و او جیوز الشمس جزیه وقیون
حقندن هر جزیه باشنه اوز اچقه غلامیه الی و میری اچقه
کتر ووب میریه تسلیم اشدکارنده قیدلین بوز درلردی رعایه نمدی
اولمزدی بر قاج زمان سفرل بو خصوصه مانع اولوب محصلار جمع
ایتمکله رعایه ظلم و تعدی اولندیغی وزیر اعظم علی پاشانک معلومی
اولد قهره جزیه دفترلری فروخت اولمسون و اون اچقه دن زیاده
غلامیه المسون دیو فرمان عالی صادر اولدی دید کده جله
نیو قولی استماع ایلد کده روم ایلی و اناطولی سپاهیلری
اختیارلری ایلرو کلوب عرض حال ایدوب آستانه سعادتده
اولمهر سنه ملازم یاز بلور و دفترلری آلورل بزر دخی مما سفر اشرز
وزجت چکه رزمحروم قالمق انصاف دکدر اوز اچقه غلامیه
میریدن ویر بلوب جله موجوده علی السویه توزیع اولنق رجالده رز
دید بلر وزیر اعظم اشتابول سپاهیلر ینق توجیه خطاب ایدوب
سزیه درسزدید کده اولمزدخی فرمان پادشاهمزد کدر لکن بوقرلری
در دوانده مکین اولوب روز و شب بر خدمت دوشد کده حاضر و فرمانه
ناظر موجودلر قانون قدیم اوزره حق بزمرد دیو جواب ویردیله

چون او بر طرفه کثرت اولوب وسفرل اشاننده استملات مهم ایدی
اقتضا ایلدیکه اکثر ایچون حکم کل وار در دیو غالب طرفک مامولند
مساعیده اولند پس جزیه دفترلی ویرلیوب اوزراقچه حسابی
اوزره غلامیه ویرلک وعلی السویه موجوده توزیع اولنق فرمان
بیوردلی وقاضیلقلرده بدعت اولان امورک رفعه متعلق مشورتلر
اولوب مجلس تونکله ختام بولدی رمضان شریفک اوچنجی کونی
سپاهیلرک موجودینه اون بشرالتون غلامیه چیقوب وزیراعظم
اوکنده ویرلدی

(سرداری علی پاشا بجاناب انکروس وجغاله زاده بسفر شرق)
الحاقه هذه انکروس جاتبنده ایچر اطور ایله حرب وقتال هنوز فیصل
ورسیده استیصال اولوب شاه عباس دخی ممالک محروسه به علم
افراز اولنخین شرق وغربه ارسال عسکر واجنا دوضرب شمشیر
جهاد ذمت همت شاه نیه محصن دین وفرض عین اولد قده وزیر
اعظم علی پاشا به رمضان مبارک غره سنده خط هما یون ورد
ایدوب بخار مجار اوزره سردار تعین بیوردلی وواج کوند نصکره
صدارت عظمی دن متقاعدوب بالفعل قبولدان اولان جغاله زاده
سنان پاشا دخی قزلباش اوباش اوزرینه قائد الجیش کبر ودارا وادی
اول ایکی سردار کا مکارا وازم سفری احضار دنصکره جغاله زاده
سنان پاشا ذی الحجه نک اون بشنجی کونی کندویه تعین اوانان عسکر
ایله اسکداره کندی صدر اعظم دخی مهمات کوروب سنه آتیه
اوانلنده روانه اولدی حسن بک زاده روابی اوزره وزیراعظم سرایتده
عقد مجلس مشورت ایدوب دیار شرفه جغاله زاده سردار
تعین اواندی چاناب بک قازنه دخی وزرادن بری سپهسالار
نصب اولوب مستوفی عسکر ایله ارسال اولنق وزیرکندومز
در دولتده قرار ایلوب ایکی جاتبنده لازم اولان امردادی

یتشدد یروب تدارك كورمك رأى صائب ملاحظه اواندى سرك
 دخى رأى كز بوبايده نچهد ردديد كده حضار مجلس مخالفتدن
 اجتناب ايدوب رأى معقولد رد بوب طافلديلر لكن معلم پاد شاه
 عالمناه يولده مفتى زمانله همعنان اولد قده بو خصوصده اولان
 تدبير وزير مستحسن و دلپذير دكلدر البته جانب كفاره وزير اعظم
 اولان كتمك كر كدر و الاايش كورلمزد عيشيدى بعده وزير اعظم
 مجلس مشاوره ده صورتا دقاق جه و اولان رأى تلخيص ايند كده
 مساعده بيورليوب البته سنك جانب كفاره سردار او اوب
 عسكرايله كتمك لازمد بوبايده بهانه ايلوب مجلس تدارك
 كوروب چقاسن ديو فرمان طالبشان صدور ايلدى هر چند كه
 بعض مقدمات ايله دفعه تصدى وسعى ايلدى مفيد اوليوب
 بالاخره قالمقندن مايوس اولدى و تدارك سفره مباشرت ايندى
 (تبديل مناصب) رمضانك اون بشته صدر روم ايلي دماد افندى
 رفع و يرينه اسعد افندى نصب اولدى ذى الحجه نيكبرى ايگونسده
 استانبول قاضيسى قاف زاده فيض الله افندى معزول اولوب
 پرى يحيى افندى به و برلدى سلج رجبده بمن بكار بكسى حسن
 پاشا مصره و كنداسى سنان كندايمنه بكار بكى اولدى
 او اخر شوالده سابقا قائم مقام اولان قاسم پاشا مقام خدمند
 يولتمق زعمى ايله تمنى صدارته ايكن مرحوم سلطان محمد خان
 حياتنده اول مقام موى اليه على پاشايه تعيين اولوب والدا مجدلى
 اول امر تفهيمده جائز اولغله قاسم پاشا رجاسى تحلفندن اضممار
 ايلديكى حقد و كين بعض اطوارندن معلوم اولغله صدر اعظم
 على پاشا ايله امتزاج ايدمى بوب وزارت عظمى به طالبدر ديو
 اشتهار بولغله ديوان عاليه دن ازجاج مراد ايلديكى قاسم پاشا
 حس ايتكله بصره ايلانته طالب اولوب ايكن ايلات مرقومه

حاجی ابراهیم پاشایه ویرایش بولنغین صدر اعظم مر قومه همان
بر کون ایالت بغداد منشورین یازوب کوندردی عدم قبول صورت
ارائت ایدوب امتناع معامله سن ایتدکده وزیر اعظم به حضور
اولوب جبراً ازجاج واسکداره اخراج ایلدی قاسم پاشا دخی
بالضروه اسکداره کچوب برفاج ماه مکث ایتد کده البتده
کیدده سن دیو اقدام زیاده اولوب اول دخی علی کره قالقوب
یکشهر قصبه سنه وارد قلزیده صالحونلر صالوب بولدیغن الوب
صاتمغه باشلدی بعده جزای عملی بولوب قتل اولندی تنه کیم
سنه آتیه ده ذکر اولنسه کرکدر وینه آخر شوالده شامدن معزول
اولوب آستانهده وزیر اولان سنان پاشا اوغلی محمد پاشا یه قرمان
بکدر بکلیکی ویرلدی و یوز الی افچه قضادن دفتر داراق بعده
بکدر بکلیک رتبه سنه واصل اولان حاجی ابراهیم پاشا یه
ایالت مصر وراضیه خان زاده مصطفی پاشایه شام حکومتی
و بوشناچی باشیقندن چیقوب حالاشامه منصرف اولان فرهاد
پاشایه حلب و حلب والبسی نصوح پاشا یه سیواس بکدر بکلیکی
بوجه توجیهات وزیر مشار البهک هر ضایله توجیه اولندی لکن
بوعمل هجتنسندن خالی اولوب نظم امورک من وجه اختلاسه
ومزبورلردن بعضنک سؤحانه سبب اولدی وکذلک مرحد
انکروسده آمد مدید جهاد اوزره اولان مراد پاشا یه خواص
وزارت تعیین اولنوب انلر وسابقاوالی بمن اولان وزیر حسن پاشا
آستانه یه کلک فرمان اولندی وسابقا پایه وزارت ویریلوب اوتورمق
مبسر اولین صوفی سنان پاشا یه دیوانه کلک بیورلدی و ذی القعدة تک
التنچی کونی یکپیری اغاسی قوجه احمد اغا معزول اولوب ایکنچی
قبوچی باشی نقاش حسن اغا تک یرنه اغا اولدی
(ذکر وقعه دالی حسن در بوشنه) اناطولیده طغیان اوزره

اولا رافره زنجی قنداشی دلی حسن ام جلالی که نو فاند ه حسن
 پاشا مرحومی باصوب شهید اید بن ملعوندر طغیانی مزید اولوب
 شرعی دفع ممکن اولما مقله اطایف حبسل ایله صورت اطاعت
 کتوریلوب بوسنه ایالتی و یریلوب روم ایلتنه عبور ایلدی یکی اجالا
 فذلکه ده نقل اولمشیدی حسن بک زاده مرحوم بویله تفصیل
 ایدر که شوق مر بوره بوسنه ایالتی امری وارد قده عسکری ایله
 کلیولی معینه کلدکده چارطاق اسکله سی که کلیولی محاذ ایدر
 کاییری خلقه زیاده اضطراب دوشوب کوجی بتن زورق ایله
 بوزازده واقع کلید البحر قلعه سنه نقل ایدوب نیجهل همان منزلنده
 قیاندیلر او باش شهر قصد ایتدیلر که جنک ایدوب کچورمه لینه
 اهل حفاظ منع ایدوب فرمان پادشاه مخالفت ایتش او اورز
 دیویول و یرمکی مقررا ایدوب عتبه علیه طرفندن ر قومی کچورمه مأمور
 اولان قادر غه سنی چارطاغه یناشدیروب دلی حسن پاشای اچر و آلوب
 بوضوق حسین اوغلی علی الجملة قادر غه سن چکدر مبوب اسکله ده
 سیره طوروب شراحتالان و یرمزدی بلکه اگر برشر کورینور سه قاچرم
 دیردی دلی حسن همان سفینه سن اول کمی به یناشدیروب زربانندن
 چیتد قده کمی صاحبی بوضوق اوغلی بک فقیر قارشو واردیکه دستبروس
 ایلید دلی حسن پرکه قوچا غیله اغزینه اوروب بردرسک دخی کوکسینه
 اوروب ییقوبت امر ایلدی حریفی قیچدن دریایه براقدیلر حریف
 دزیاده طالوب چیقارکن امر ایلدی سکیانلر کچدن تفنک اوشوروب
 شهید ایتدیلر خلق بوحالی کلیولی اسکله سندن معانیه ایدوب
 بن عقل قالدیلر الحاصل کچوب سنان پاشا مسیره سنده قونوب
 اولا قصد ایلدیکه عبوره مانع اولدقلر یچون کلیولی خلقه
 قتل عام ایلیدینه اعزّه اهل سلوکن صاحب الکرامات مرحوم
 داعی محمد افندی که اول زمانده سجاد نشین مشیخت ایدی
 اکابولشد قده نصیح و پندایته سله فارغ اولوب قاقوب کندی

پسمانده زدن چوق تو ابعنی کلیو کی و نوا حبسی او باشلری قتل
 ایتدیله اول کعب شوم سرحد رونه وارنجیه اوغرا دینی یزی
 قتل رجال و نهب اموال ایدر بر بلا ی عظیم ایدی کخدا سی
 قورد کخدا بی بوسنه سراینه مسلم کوندروب ککندوسی
 عسکری ایله بلغرا ده واروب سردار محمد پاشا به ملحق اولدقده
 اظهار ایلدیکی اوضاع قبیحه و حرکات شیعه بوسال و قایعک
 ابتدا سنده ذکر اولمشیدی مسلمی اولان قورد کخدا بوسنه
 دیارنده ظلم بیشمار ایدوب بالاخره دباغ طائفه سندن برآمد غلامی
 طو توبزنجیره اوردقده خلق هجوم ایدوب سرایی آتسه اوردیلر
 استونی خلیل نام بر سوخته قورد کخدا بی قتل ایدوب سرای
 ایچنده آتسه یاقدیلهر بنا لوقه خلقی دخی بالاتفاق جلالی مزبورک
 بنا لوقه مسلمی اولان آدمبسی سوردیلر مر قوم جلالی دلی حسن
 سردار محمد پاشا یانته واردقده کاه اطاعت و کاه عصیان
 صورتی اظهار ایتکله نیجه اوضاع غریبه ایله سرداری جانندن
 بیزار ایلدی اطه چنکنده سباق مذکور اوزره جلال
 اشقیبا سنک اکتری قیریلوب بقیه السیوف ایله ایالتی اولان
 بوسنه دیارینه واردقده خلق بولک اوضاع ناهموارینه تحمل
 ایده میوب امرادن سفر نام کسینه بی کندوره باش بوغ ایتدیلر
 و سردار محمد پاشا یه سکایت نامه کوندروب اظهار تظلم ایدوب
 مذافعه یه مأمور اولدیلر بعده دلی حسنک اوزرینه کلوب
 اولدقده ده بوزدیلهر اینکچی دفعه محکم تدارک کوروب عربله
 و حضرینلر ایله یوریوب اشقیبا بی بوزدیلهر دلی حسنک ما ملکن
 غارت و هر برینه ایصال خسارتدن صکره مزبور حسن صاغ
 فرار و ازور بقدن درین صوبینی ییلدیروب کجسیدی و شاه پردی
 کخدا سی بلغرا ده سرداره کوندردی مزبور کخدا کندودن دلگیر
 اولغین آنده قلوب من بعد یانته واریدی پاشا دخی کندو قوللرندن

روزنامه چه بجی محمد افندی بی کوندروب استمالت وردی و واقع
حالی در دولته عرض ایلدوب منصبی طمشوار ایالتنه تبدیل یابنده
شفاعت ایتدی چون اول امر دن شکست عهد و پیمان ایتدی بکی
تقدیر چه جانب سلطنته ناکا اصابت کرد اولامق یابنده
مرحوم سلطان محمد قبلندن عهد سبق ایدوب یو دفعه کندو
طرفندن براءت ذمت و بوسنه اها ایستندن سبق تعدی واذیت
دعوا سنی مشتمل اوراق ضراعت کیشیدی مسامحه اولنوب
بوسنه دن طمشوار بکار بکیلکنه نقل اولندی

(بقیه احوال محاربه زافضیان و اسیران شاه بقعه روان) مقدما
شاه عباس روان قلعه سنی محاصره و دفعاتله محاربه ایتد کد نصکره
ایچرویه کوندربین ایچی قتل اولتقله محصورینک یوم معاصله لرن
استیپان محال ایدوکنه دلالت حال ایله انتقال ایلد کده وارقوتن
بازویه کک توروب قلعه بی دوککه یاشلدی و قنواقی تخریب ایتکله
سبب نشو و نماری اولان میاه جاریه بی قطع ایدوب محصورین
بی آب و تاب ایلدی اگرچه درون قلعه ده چاه و خندق حفر
اولنوب دفع خطش مرتبه سی آب تدارک ایتدیلر لکن ایام محاصره
مدید و امیداد و رودندن قطع امید اولتقله محصورینک تحمل
اوزار کارزار ایله حاللری دیگر کون وضعف و اضطرابلری حدن
بیرون اولمشدی ماه ذی الحجه ده عسکر قزاقباش هجوم و هجوم ایله
حصار جدید کیروب ضبط ایتدیلر و سنیاندن نیجه سن اسیر
ایدوب اکثرین شهید ایلدیلر محاصره یه شروع و قشده عسکری
نامنه یش التی بیک کسسه وار ایکن زمان محاصره یدی آی متادی
اولوب بیک بشیوز قدر آدم خلال جنکده کشته و بشیوز قدر آدم
حتف انفه انتقال ایدوب نصف عسکر ایسه جانب مخالفه دونوب
بالعقل عسکر دن انجق بشیوز قدر کسسه باقی و موجود اولوب

بوشر ذمه قلیله اول حصار وسیعك سد ثغور ینسه می خدمت
و یلمنع صولت اعدایه می بئل همت اید، چکدر دیو وزیر و عسکر
متخیر و سرگردان اولوب محافظه حصاردن دفع ید ایتدیلر اعدا
ایسه کثر تازی سپی ایله غلبه لر ینسه جازم واقدا م ایله تسخیر
قاعده عازم اولوب لکن عشر محرم ملاحده نك ایام ماعی اولغله
اذاء نفوسدن نحاشی قیلوب ایام عشر حلول ایدنجه هجوم و ضولتدن
تکاسل کوستروب بعد ذلک اقداملری ظهور اید . بجکی خبری
متواتر اولمشیدی ناکاه برسائق هادی عسکر شاه جانبندن استیانه
نادی اولغین الحاح و ابرام بقیه نفیر ایله نامه وزیر یازیلوب استدعا ی
عنایت اولندقد . بعض اغراض حسبیه قبول رجال ینه تقریب
ورفع دست تعدی قیلدی

(صورت مجلس شاه) پس شکرانه خلاص ورها قوم قلعه امری
ایله دیوان ضلالت آشیانته واروب ماه محرمك اون برنجی **کوفی**
حاضر اولدیلر راوی فصد اول عصرده نجوان قاضیسی اولوب
محاصر . ده یله بولسا ن جراح زاده دیرکه امعان نظر ایلدیم
بارونکاهی اهالی بوادی مایند . الاجق اوی دیمکله معروف
طرزده ایسلو و پاسلو پرچادر دیوانخانه سی اولوب محصورانه
اسباب تیجمن اظهار ایچون پیشگاهنه اوج دزت چفت ساینانی
ستونلر اوزره کروب التنه بر قاج قالیچه سرمشقر **کندو** هنوز
حاضر اولدین اعیان عسکری اولان او باشلر سبیل در انوریش تراش
باشلرنده تاج الحاد اوتور مشقر ناکاه شاه سبکسر کلوب الک
دخی رویی تحاشندن خالی و لباسی پلاس و عبا و تیغ و خنجر ی
زور یوردن مبراد یوانخانه سنک چاق طاق و سطنده قیام و ناچار
اول قوم ماسور دامنوسه تقدم و اقدام **کوسترد** بلور و رساعت
قدر وزیر نفیر دست بر سینه قارشوشنده قیام و احسینه فطیع و رام

شکلنیده اولوب اول سبکسر اول هنکامده عظمت کستر اولوب
نه وزیری شرف خطاب ایله تشریف ونه ساتری نغز التماس
ایله تلطیف ایدوب انجیق خطابی طرفینده دوران اهل خسرا نه
مقصود وسؤال وجوابی انلرایله مکالمه به محصور قلوب بعد زمان
خیمه معهوده به کوروب اعیان عسکری دخی دعوت اولند قدده
داخل اولدیلر ایچنده معین شاه نشین و هیچ مقعدو بالین اولمیان
رکوشه ده ساده فالچیه اوزرنده اوتوروب جانب یسارنده اولند خان
اوغلی الکسندر رخانی وجانب یمننده سپون اوغلی کورکین در پدیری
اجلاس ایدوب انک التند تیریز بکلبکسی علی پاشایی
واندن صکره کرد غازی وامشالی اوتور مشلر الکسندر التند
شریف پاشایی وسائر اعیان عسکری اوتور دوب اول ملحد فاجر
اهل سننه ازدراء اوزرلینه تقدیم کافر قیلدی بعد ذلک وزیر
خطاب و کتاب لاف و کذا فدن برنجیه فصل و باب تلاوتی ایله
سناک مسالک اطنا ب اولدقد نصکره مزبور جراح زاده قاضی بی
محل عتاب قلوب بوجانبه اطاعت وانقیاد طریق صواب ایکن
چون ارباب عقل و دانشدن اوله سن نیچون تارک احراز فضل
وثواب اولدک دیو سرزنش ایشد کده اولدخی خدام پادشاه
اسلامه دوشن اوضور هما یوندن بذل جان و اعیان وارکانه لازم
اولان جدال و قتاله عطف عنان ایدی بووضع مقبول هند اعقل
مذموم اولیجیق حضور عالیارنده بر معاتب و ملوم اولماق مأمولدر
دیو جواب ویردکده نوعا استصوابا نصکره خادم شرع اولدغنی
عقودنه تقریب ایدوب همان اول مجلسده کتمه دستور و یردی
مقبما اسیر ایتدیکی علمانامنه اولنلری سزر قریلباش طاقه سندن
برینک قتلی یتیش کافر قتلنه معاد لدر دیو فتوی ویزلر سز دیو
حیاسن یاروب جکرلین چبقاروب اشد عذابله قتل ایتشیدی

و اثناء محاوره کلامده ظهور سطوت باس پادشاهیدن اظهار
 بیم و هراس قلوب و وقوع عقود صفح پادشاهی به وسیله اوله
 دیو حضور همایونده اکامتعلق کلمات اظهارینه اغرا ایلوب
 بعض جواثر ایشاری ایله کوند ردی مزبور دخی رجال و نسواندن
 بشببوز قدر کسینه ایلله دارالامان محبیه فرصه کلوب اوائل سنه
 آتیه ده دارالسلطنه علیه به وصول بولدی بوقعه پی برکتاب
 ایدوب حضور همایونه عرض ایلدی که بومحله کلبه اول کتاب
 تلخیص و انتخاب اولندی

(اسنبلای شاه بشروان) حسن بک زاده تحریری اوزره حاکم
 شروان خادم حسن پاشا د نصکره کتایبی عر پاشا ایدی اولدخی
 عزل اولوب جغاله زاده سنان پاشا اوغلی محمود پاشا و برلشیدی الاجه
 اتلو حسن پاشا که انکروس سفر لرنده شدت شجاعت ایلله نام
 چبقا روب مر دمتهور و شجاع ایدی کندویه ارضروم ابالتی
 و یرلده کند و دن مقدم زوجه سنی اقل بندن پیری چاوش اوغلی
 مصطفی چاوش که مرحوم صاحب الخیرات اسکوبی دولکر زاده
 نسلندن بر مر د محبب ایدی منسل کوندربلوب اولدخی واروب
 کاردا نلفه بناء عنف کوستر مکله ارضروم خلی که شدت شکبه
 ایلله معر و فلدر در مزبور منسل مصطفی چاوش درد مندی طاشلوب
 ماملکن یغما ایدوب شهر دن طشره طردایتد ککر نده حسن پاشادخی
 وارمشیدی شهر لی آلایلر باغلوب مر قومی ایچر و قوموب بالاخره
 بعض اسبابن و یروب شهر یغزه داخل اوله سنی قبول ایترز دیدیلر
 حسن پاشادخی بواحوالی عرض و دردواته اعلام ایتد کده کند ویه
 شروان ابالتی و یریلوب امر شریقی ارسال اولندی شروانه
 وارد قده مدت یسره ضبط ایدوب محمود پاشادخی و ن پر زاده اولغله
 فضولا حکومتدن خالی د کلیدی یرماه مقداری مدت جر ورنده

حسن پاشا وفات ایدوب ینه منصب شروان محمود پاشایه مقرر اولدی
حتی مزبورک فوقی ضیاعده سم اسقا اولتیق سبی ایلده در دیوشوع
بولدی اول ائنده عسکر قزلباش شماخی اوزرینه کلوب ایا صره
دنصکره استیلا ایدوب شروانه دخی مستولی اولدی قدیمی
احبابدن قره باغی مدرس محمد افندی نقل ایدر که شاه عباس شروانه
مستولی اولدقده شیخلو نام قریه ایا الیسی ودخی نیجه قری خلقی
جمله سنی اولد قاری ایچون قتل عام ایدوب حتی اطفال بی مجال
مقوله لرینی خرمن آلتیدن اولان دوکن الله براغوب که اول دیارده
اکادل دیرلر اوزرینه دوکن یوریدوب اول شکجه ایلده لاک ایلدی
ومحمود پاشا شما خیده ایکن قزلباش محاصرده ایدوب بعد
عجز ایلده رجعت ایتد کده محمود پاشا دخی اول فرستد
فرجه بولوب غنم روم ایتکله شاه عباس کلوب مستولی
اولمشیدی

(محاصرده فرص بعد از گرفتن روان و ذکر بعضی مفاصله سرخ
سران) حسن بکرزاده تحریری اوزره شاه عباس قلعه روانی محاصرده
ایلد کده شریف محمد پاشا استیمان ایلده چقیقه مشیکن حضور شاهنه
وارد قده قلب مروت وعدم وفا و حیت تهجی ایلده بی امان قتل
ایلیش اوله وائشاء محاصرده لشکر قزلباشدن برکروه ایلده امیرکونه
خان اول حوالی تسخیرنه واجبه قلعه اخذ ینه کوندربلوب
امیرکونه خان دخی الله قلعه بی محاصرده وهنوه مستولی اولوب
اول حوالی بی قتل و غارت ایدوب ارمنی رعایاسنی جیما سورب
اصفهان کوندردی اول ائنده اول اولکه الای بکبسی کنگان بک
قرصدن حاکم قرص عثمان اغا طر قندن دل المغه چیقوب امیرکونه
لشکر ینه شکار اولد قده امیرکونه مزبوری شاهنه کوندروب
مقدم تبریک طوطی پاشایی سبک ایتدیکی طوپه کنگانی قیوب

روانه فر شو آتوب ریزه ریزه اولدی بعده عنوة روانی المشیکنینه
عثمانلور امان و یروب زاد و ذخیره و قطار لرینی کوروب قرصه
کوندردی و سور روانی هدم ویره برا برایدوب ایالتن امیر کونه و یردی
اندن کنددی قاقوب فارص اوزرینه لشکر چکوب قارضی محاصره
ایتد کده فارص قوی و رواندن چیقان عثمانلو کدر تیوز مقداری ار
اکثری مجروح ایدی عجم جنکنه کوزلی الشماغله یسنه چیغوب
مناشه و حرب ایدر لیدی شاه کراه انلره خبر کوندروب قارضی
دخی الد یغمده بوکره بریکره امان و یرم دیوب بالاخره قرصه
دخی استیلا ایدوب مسلمانلر ناچار اضروم امیر الامر اسی کوسج
سفر پاشا انلرک زاد و ندر کن کوروب قایردی اول اثنا ده اخسخته یه
قصده ایدوب اخسخته حاکی قره قاش پاشا انده ایدی هله خدا
صاقلوب حفظ ایلدی و او جیوز عجم اول حوالی یه قلعه قصده نه
کوندر لمش انلر دخی اول حوالیده بر معظم خانه قونوب ارمنی
رعایاسنک عور تدرین چکوب فسقه مشغول اولیحق ارمنیلر اضروم
امیر الامر اسی سفر پاشا به دخی خبر و یروب سفر پاشا دخی رواندن چیقان
عسکری ایله خانق باصوب اکرچه بره قدر تنقنک جنکی اولدی اما خانق
طامدن دلوب ایچرو کیرد کلرنده مسنت عجملری سراپا قیروب
باشلرین آستانه یه کوندر دیلر صکره ذکر اولنان سفر پاشا و قره قاش
پاشا جغاله زاده هرنمتمنده شهید اولمشلر در اما فذلکده ده تهریر اولنان
شاه روانه نظیر بولد قدده شریف پاشا یه اکرام ایدوب امام رضا
تولیتن و یردی مزبور دخی بقیه عمرینی مشهد ده کچوردی و سائر
محصولزه اجازت و یردی استین بنم نو کرم اولسون دیوب
کندولری آد ملریله خضر پاشا اوغلی محمد پاشا یه قوشوب اوج
در تیوز قدر خانه اهل و عیال لریله قرصه کوندردی و بواشاده اضروم
بکله بکسی و سر دار اولان ساعتی حسن پاشانک دخی عمر لری آخر اولوب

وفات ایتکله عسکرطا غیلوب شروع مصلحت سنه آتیه به قالدی

وقایع سنه ثلث عشره والف

ماه محرک یکرمی کونی وقت صحنی ده بصره شهرنده برعظیم
زلزله واقع اولوب بیوت خارجه وداخلیه سی عمو مایقیلوب التده
نیجه نیک آدم هلاک اولدی

(رفتن صدر اعظم علی پاشا بیجا نب بلغراد) سابقا وزیر اعظم
مأمور اولدیغی انکروس سفرین دفع ایتکه قتی چوق سخی ایدوب مقید
اولامغله تدارکنی کوروب کتک اردنیجه اولدی روم ایلی و بوسنه عسکری
ویکیچری اغاسی والی بلو کدن سپاه و علوفه جیان یمین و غربای یمین
بلو کلری انکروس سفرینه مأمور اولدیلر و باش دفتر دارانمچی نژاده
بیله قوشولدی و صدر اعظم علی پاشا صوفی سنان پاشای پرینه
قائم مقام تعیین ایدوب سابقا قائم مقام اولان حافظ احمد پاشا نیک
خواججه پادشاه ایله علاقه و محبتی وزیر خلیجان و یروب مزبوری
بوسنه ایالتی ایله تبعید مراد ایلدی حافظ پاشا دخی خارج شهرده
بر باضیحه به کوچوب بجال و بقال کلک بهانه سیله بش اون کوز
مکت ایلدی وزیر ایسه التده قالقوب کیده سن دیوفر مابان
کوند ردی علی پاشا مزبورک اطوارنده صورت تخلف مشاهده
ایتکله تذکره کوند روب مضمونده بنی قانه شریک ایدرسن هلی
الجمله قالقوب کیده سن والا بالذات واروب وجودیکی ازاله ایدرم
دیو درج ایلدی حافظ پاشا خون ناحقنی اساله به قصد ایتدیکنی بیلوب
سمما و طاعه کوپان حرکتیه مسارعت و مهمانته اشتغال صورتنده
مخفیجه عمله مباشرت ایلدی غره محرم الحرامده مومی ایله صدر
اعظم علی پاشا شوکت کامله و آلا ایله استانبولدن چیقوب
داود پاشاده منصوب اولان اوطاغه نزول ایلدی عموما اعیان و ارکان
تشیع ایدوب تعظیم و اجلال ایله کوندر دیر علی پاشا نیک جناب

پادشا هیدن کوردیکی اقبالی برو زیرکورممشیدی باوجود التفات
 معارضه ستمی ومقر بلرجوری بلنی بوکوب چانه کار ایتش ابدی
 چون مسارعتهمامورایدی ماه من بورك بشنده حرکت ایدیچك پادشاه
 ذیشان تشبیع عزات نیتی ایله حاقه اونام منزله واروب انده واقع
 قصر عالیدن عسکری تماشایلدی پاشای مشارالیه ایچ خزینه دن
 سفر خر جافنی طلب ایتشیدی اول فلورنك ككه سنه متظر ایکن
 برشدید خط شریف کلوب باشك سکا کرکسه البته یارین قالقوب
 کیده سن دیو فرمان یور لغله غیرنی ناخیره بحال اولوب ایرتسی
 کوچ مقرر اولد قده برخبر شیوع بولدیکه بوستانی باشی فرمان
 هما یونیه حافظ پاشایی قوندیغی باغچه دن قالد یروب
 استانبوله کوتوروب سرانیده اسکان ایتش وقائم مقام اولسنه خط
 همایون صدور ایتش علی پاشا ایسه صوفی سنان پاشایی قائم مقام
 دیکوب حتی دستبوس پادشاهی ایله مشرف ایتدرمشیدی تخلف
 احتمالی محال ایکن برجهه کونی حافظ پاشا غمازده وجناب حقه
 نیازده ایدی عتبه علیسه ده قائم مقام ایچون خط همایون
 ورودایلدی حافظ پاشا سرانیده کلدکه ایرتسی دیوان فرمان ایدوب
 صوفی سنان پاشا دخی اکاه اولسون ایچون یارین دیوانه کلسو نلر
 دیو کندو سلام چاوشنی کوندردی صوفی سنان پاشا چاوشنی وزیر
 اعظم دن کلور تصور ایدوب سنی علی پاشای کوندردی دیدی
 چاوش خیر حافظ پاشا کوندردی دیوب سنان پاشا تکرار چاوشه
 یوقسه قائم مقامی اولدیلریدکده چاوش نعم دیو جواب ویریچك
 سنان پاشایی الحال قالقوب حافظ پاشا نك تمنبته واردی ایرتسی
 حافظ پاشا ضحوة صفراده دیوانه وارد قده دعوت ایدوب حرمین
 محترمین احوالده متعلق برایکی ساخته تلخیص یازدروب وضغله سخنچینی
 دخی بر شخصه تلخیص اولنوب دستبوسد نصکره حضورهما یونیه

اول تلخیص صاری اوقیوب بعده طشره چقد یار و دیوان طاغی غماغه
 قریب بر تلخیص دخی یازد یروب مضوننده دیوان صاولد قد
 وزیر اعظم حضور ینه واره جعفرین اسبند ان ایلدی یار تلخیص
 یاز یلوب انسه ویرلد کده قویفتدن برورقه صغیره چقاروب
 تلخیصک ایچنه القالدوب ایکیکسی یله بردستاله صاروب مهرلیوب
 یایه سریر اعلا یه کوندردیلر اندن سرا یار ینه کلوب خد امر ینه
 جریبه حاضر میزد دیو یوردیلر مهابدر دید کلر نده چتالجه حیلی
 مسافه در وار یلوب ینه صباح دیوانه کلک قابلی که هوادخی زیاده کرم
 انجیق دیو زرد ضرورتی کوستروب بعده فارغ اولوب ایچرو
 جرمنه کتدی پادشاه حضر ترینه وزیر اعظم طرفنه کسم کرک
 دیمش وانها ایتمشکن باعث فراغت نه اوله دیو حواشیسی فکر ایتدی
 مکر معلم سلطان کتخداسی عثمان چاوش کلوب وزیر اعظمه وار مرکز
 نه لازم بر غضوب و متهور آدمدر شاید اها نت ایلله دیو حواجه افتدی
 طرفندن خبر کتورمش صکره ینه ملاقات اولدی مکر سبب عزم
 ملاقات بو ایمشکه پادشاه طرفندن قیللی دلسز کلوب بندخی
 پادشاه طرفندن سمری سپارشه متعلق خط همایون کتوروب
 وزیر اعظمه کیده یورم سز ده حلقه کله سز دیو کتمش اکابناء
 حافظ پاشایه ده اعتماد قلب حاصل اولوب چتا لجه به روانه
 اولمش مکر تلخیص ایچنه القا ایلدیکی رقه صغیره کسندوزینی
 وزیر سپارش ایتمک رجایی ایتمش الحاصل حافظ پاشا اول کون
 سوروب چتا لجه ده سرداره بولشوب دونوب ایرتسی علی
 السحر دیوان همایونه ایرشد یلر سردار علی پاشا تخمینا درنه به
 ایرد کده بو جانیده ابوالیاس من مصطفی افتدی صدر فتوادن عزل
 اولوب مکر را صنع الله افتدی شیخ الاسلام اولدی مولانا
 مر قومنک عز لته باعث قاسم پاشا ایلله اتحدی ومعلم پادشاه

ایله عدم و دادی ایملش علی پاشا اگر چه عزیمت سفر ایتدی
لیکن خلاف مرضیسی اوزره حافظ پاشا قائم مقام اولدیغندن
و خواص مقرینک تسلط واستیلا سندن غایت مغیر اولوب افراط
نمیدن راجی بوزلدی هجوم غم و ایله کوندن کونه ضعیف اولوب صوفیه
میزلنی کچد کد نصکره حالی دیگر کون و زیاده زبون اولوب معده سی
طعام قبولندن قالدی نه حال ایسه منزل بمنزل بلغرا ده واروب انسه
سیردار اولان محمد پاشا ایله اجتماع ایدوب تهنیه اسباب سفر اوزره
ایکن عالم آخرته سفر کورینوب ماه صفرک بکرمی سکرچی کونی
تتقال ترک جاه و جلال ایلدی .

(تغصیل توجده سنان پاشا بسفر عجم) بره و جب رای صائب قرلباش
بد معاش جاننده توجیه عسکر لازم اولغین مقدما جغاله زاده سنان
پاشا که بیر سانخوردده بکلر بکیلردن اولوب اکری ققچندن زمان قلیلده
وزیر اعظم بعده والی شام و آخر قبولدن اولغله کتدی و به پنداری
بر مرتبه یه وارمشیدی که مقام تمددده انانجی اهد البر و البحر دیمکی
معتاد ایتشیدی هر چند کتد و نک خلاف مقتضای طبعی اولوب
حکومت درباری سلطنت دنیا یه دکشتر ایکن مرض حوم سلطان
مراد خان زماننده سردار رظفر شمار وزیر اعظم عثمان پاشای
نامدار تبریزی روافض الندن نزع ایتد کد نصکره دوشد . وفاتی
صد دنده مشارالیهی مقامنه اقامت اید یحک تعقیب ایلین عسکر
قرلباشه باز کشت خواب ایتکله آثار حسنیه سی ظهور ایتشدر دیو
سردار اوله سنی وزیر اعظم علی پاشا عرض ایتکله سفر شرق
سردار لیخی کندویه توجیه اولوب سنه سابقه ذی الحجه سنک
اون النجی کونی اسکنداره کچوب محرمک اون یدنجی کونده قلعوب
سلحدار وجهه جانب یسارده اولان زمره لر و یکچیری کتخداسی
وصا مصوبی و اناطولی عسکری ایله جانب شرقه توجیه ایتدی
از نکمیده وارد قده صاغ قول بلوکلرندن اولان خلق غرض حال

ایدوب روم ایل سفرینه ما مور اولمشز اناطولی سفرنده اولسق
 علوفه لر عزو بریلور می د پد کارنده انا طولینک جله قیوقولی شرق
 سفرینه کیدرلایسه علوفه لری وبریلور دیو فرمان اولغله الی بلوک
 اغاری تعین اولتسدی پاشای مومی الیه انشای طریقه ده راست
 کلدیکی اشقیانک حقندن کلوب ارضروم سرحد نه قریب
 اولدقده سابقا دلی حسن ایله هم رکاب اولان قره قاش اجدتوابعی
 ایله توبه کنسان درگاه سرداره کلوب ایلدیکی اوزاردن رجوع
 ایلدکده رجاسنی قبول ایدوب چلدیر بکلر بکلکی توجیه ونصح
 وپند ایله تنبیه اولندیکه توابعی ایله مقدمه الجیش اوله من بعد
 مزبور مظهر التفات اولغله اشقیانک حقندن جوق کسنه کلوب
 اوغور یادشاهیده بذل جان ایتک عهدین ایلدیارو برمنزل مقدم
 کتکه ترتیب اسباب سفر ایچون بر قاج کون توقفه اذن اولدی
 وسابقا مطبخ عامره دن چیقوب برمر دهباسر وفر وسیتده امثالی
 نادر اوغین قطع پایه ایدن کوسه سفر بوالفضولانه حدندن
 زیاده جرکات واخلاط ناسدن جمع اولدات ایدوب اغور پادشاهیده
 بعض خدمات ایتکله حالا ارضروم بکلر بکیمی ایدی اوج درت
 بیک مسلح هسکر ایله استقبال وکندوی بدرقه اصحاب حرب
 و قتال ایدوب موکب عظیم ایله صحرای پاسنه کلدکلرنده وان بکلر
 بکیمی وقد یمدن قزلباش ایله بعض بازکشتی اولان نفیسی ایله
 برار اجدت پاشا اوج درت بیک قدر آدم ایله کلوب ملحق
 اولدودن صکره توفیر عسکر ایچون یوللرده خصوصاً سانه مزبوره
 جادی الاخره سنک اوزیشخی کونی حوالی قرصه کلدکلر صکره
 چرخه جی تعین اولسان قره قاش اجدت لوقی ایچون اون کون
 درنک ومکت ایلدی بو ائشاده شاه عباس روان واجه قلعه حواله سنده
 وهم عظیم ایله قونوب کو چلدیکندن خسبر ایچق سفر پاشا

سرداره کلوب حالا شاه کراه برجی روافض ايله محل مزبوره
روان اولوب سز عسکر ايله منزل بمنزل کلک و بکا بر مقدار
عسکر و یرک ایلغار ایدوب واره لم ان شاء الله امید در که
شاهی دست در کردن بسته حضور بکره کتوره لم هر باز که
بویا بدله الحاح ایلدی کارگراو لیوب قره فاش کلنججه حرکت
ایلدی قره فاش کلنججه قره قش کلک مرتبه لری دخی اولوب
سفر پاشا رآینه رجوع اولنادی بوکونه عوق فرصتی فوت و دشمنی
تبعید و امسال ايله جانب خصمی تأیید ایلدی و بالجله زمان تنک
اولمشکن شاه کراهک اردینه دوشوب و مکتوبلر کوندروب دعوت
ایلدی که قراره مجالی اولدی عسکر نخبه وانه وارد قده شاه روافض
تبریزی آرا بکاه ایلدی چون قصبات و قری رطایسن مقصد ما
اجلا یتش و اول دیار زراعتدن خالی قالوب بخط و غلارینه علیایه
یتشدی و سردار مشارالیهک اوغلی محمود پاشا شروان بکلر بکشی
اولمغله اول طرفه کتمک مراد ایتکین اعیان عسکر سردارک حضور بنه
کیروب دریاه سفر ایتسک والده کی کورمه کیدرسن قره یه سفر ایتسک
اوغلو که کیدرسن شاه طور میوب کریران لکن بز عسکر کران ايله
عقبجه روان اولما مزیهوده اتعا بد رمن بعد واروب تبریزی
محاصره دخی نسنه افاده ایلز زیرا روز قاسم قریب اولمشید ردیو
فشلاق طلی ايله جانب رومه عودت امرنده الحاح ایلدی بلر
هر چند که سردار افله طریق ملایمتدن کلوب بوجعبتی پریشان
ایتمک حزم و احتیاطه لایق دکلدر شاه کراه بزم او قلنش
شکار بزم دروانی بو قش اله کتورمک بزم ادنی کار بزم رومه
کتمکدن کبجه و قره باغ که نعمتی فراواندر قشلاق ایتک اولی در
دید که قولانی اصغارا بویوب او طافنی ییقدیلر و ابجی صوباشدن
جانب تبریزه تحویل ایتدی بلر اول دخی ارس نهرینی کچوب ضروری

شروانه کتمکدن فارغ اولدی ونبریز اوزینه برقاچ منزل کیدوب
 شاه دخی برقوناقی اوکجه یورراییدی بوانشاده دخی سفر پاشا
 وسواس بکدر بکسی احمد پاشا والاحه آتلی حسن پاشا هر بار شاه
 اوزرینه ایلغاره اسنیدان ایتدکجه رضا و یرمبوب قلعه وانه واصل
 اولد قلرند عسکر دن هر طائفه به برسمتی مشتاقه بین ایدوب
 کند ووانده قالمق تدارکنده اولدی

(نزول سردار بقشلاق وان ومحاصره شاه) هر چند که
 امور دیده اختیار چون عسکر اجازه و یرلدی مناسب بودرکه
 سز دخی سرحدده قرار ایتوب ممالک محروسه دن یا حبلده
 یا آمده قبضه سز کاه سرحدده سرداری عسکر السز
 ایاقسز برسمه شله سنده درانکی چون بوانده ک سر عسکر لردن
 بری سرحدده قبضه لاق واقع اولما مشدر دیدیلر لکن مومی الیه
 خود را ای اولغله قبول ایتدی وبلده وانه کیدی ووان ایالتی احمد پاشایه
 و یروب مومی الیهک مراتبی ناخوش اولغله کند وک حکیم پاشا بسنی
 کوندر ووب برقاچ کونده ایشنی بتوردی و یرینی زنجیر قیران علی پاشایه
 و یردی و کوردستان بکدرینه اسمالت و یروب ووان ایالتنده درتک ایچون
 هر یرینی دعوت ایدوب انده جمعیت تدبیر و تریبنی کوردی چون
 شاه روافضک بوقضیه معلومی اولدی بالغا مابلغ چند شیا طینی
 جمع ایدوب گروه ملحدیندن الله و یردی خانی پیشرو قبولوب کندو
 دخی جانب وانه روانه اولوب ایلغار ایله علی الغفله واروب
 برکار ایتک امیه سنی ایله ظلام ایلده صحرا به وصول وانه طوب ایشمن
 محله نزول ایلدی چون صباح بومعنی ظاهر اولدی سردار مومی الیه
 عسکر اکزاده و یاننده بولسان طائفه قلیله به را ضربه زاده
 مصطفی پاشایی سز عسکر ایدوب انلر دخی چیتوب برازالشده بیلر
 لکن زمره روافض بولنلرک اضعا فی اولغله متارکه پی اولی کوردوب

ینه قلعه به **کیردیلر** اول محله خندان اغایکی اوغلو ایله
قرلیاشه اسیر اولدی

(رفتن سردار بجانب ارضروم و عودت شاه) چون سردار
وانده قالدوغنه نادم اولدی لکن بعدالوقوع چه فائده بعدالفکر
نتیجه تدبیری بواولدی که کند و بر طریق ایله قلعه مدد چیتوب
ارضروم دوشه پس اول سفرده بیله اولوب سابقا آستانده
د فتردار و بکر بکیک پایه سیله متقا عد اولان شمس پاشای
پایه وزارت ایله کند و مقامه اقامت ایدوب وان دکرند برکی به
کیوب عاد لجواز قلعه سنه دوشدی انده دخی توقی تجویز ایتوب
لواء مزبور بکی امیر شاه بکک و سائر قلعه ار بابک بارکی رین الو
اول محلدن ایلغار و سرعت بیشمار ایله حسن قلعه سی و ارضروم
طرفه رفتار ایلدی قریب اولد قده ارضروم بکر بکسی
کوسه سفر پاشا استقبال ایدوب رخت و بخت و دوا بن پیشکش
چکدی شاه دخی سردارک جانب آخره کتده و کن تحقیق ایدوب
وان محاصره سنه سعی بیهوده ایدو کین بکک ایله قرق کون قدر
اوتورد قدن صکره کوچوب تبریز و نججوان جاندنسه روانه اولدی
و بولده عثمانلو قلعه لردن ماکو حصارینه دوشوب محاصره ایلدی
لکن خزی و خذلاندن غیری مستفید اولدی و بوندن اقدام
جغاله زاده عجم سفرینه مأمور اولد قده قیودانلق جمفر پاشایه
ویرلس ایدی التمش پاره قدرغه ایله بحر سفید روانه اولدی
بعض توارینخده قیا پاشا زاده مصطفی پاشا قیودان قائم
مقای اولدی دیو مستوردر

(سرداری لالا محمد پاشا بصدارت عظمی در بلغراد بعد
وفات وزیر علی پاشا) چون وزیر اعظم علی پاشا بلغرادده
وفات ایلدی قورد پاشا مصطفی نام قیوجی باشی مهرشریفی

در دولتته کتوردیکی کون قائم مقام حافظ پاشایه تکلیف اولوب
قبول ایتمک ایله خواجه پادشاه مصطفی افندی قصر همایونه
دعوت و مهر و کالت کیم و یرلک مناسبدردیو مشورت پیوردقلرند
حافظ پاشا قبول ایتمز و سرحد انکر و سده هسکره بر سردار
مهمدر دیو بوندن اقدام اول جانبد سردار اولان لالا محمد پاشایه
ارسالی اولی کوریلوب سنه مزبوره ربیع الاولینک طقوزنجی کونی
قپو جیلر کتخداسی جعفر اغا ایله ارسال اولندی حافظ احمد
پاشا مهری قبول ایتمد و کینه علت بواید بکه بوندن اقدام
محمد پاشایه سردارلق امری وارد قدده بو جانبدده هسکره اسلام
وزیر اعظم دن غیرینک سردارلقی ایله استخدا ام اولوب
سنه سابقه ده تاتارخان دخی اکابناء روگردان اولوب ولایتیه کتدی
ویو سنه خلقی دخی خروج ایلدی بونده وزیر اعظم اولینجه ایش
کوراز دیو عرض ایتمد و کینه بشاء وزیر اعظم علی پاشا کوندرلمش ایلدی
بودقه حافظ پاشا سردار اقدن ایا ایدوب مقدا بو سنه ده خصوصاً
میخال محاربه سنده سردارلق شریفتی ایچمش اول سودادن کچمش
ایلی انک ایچون مهری قبولدن امتناع ایدوب محمد پاشا اوزرنده قرار
ایلدی چون خاتم و کالت عز واجلال ایله محمد پاشایه وصول بو اوب
ممکن مقام استقلال اولدی تسخیر بلاد انکر و س ایله مامور
پیورلمغین تجهیزیه مهمات عسکر و تمهید مقدمات قلع و طغر
ایتمد کد نصکره عموماً عسکر اسلام ایله قالقوب بودینه توجه ایلدی
واستراغون تسخیری ضمیرنده جایگیر اولغله اوسک حواله سنده
بکمنش پاشایه بودین ایاتن و یروب اوج ییک قدرد
کرنیده عسکر ایله مقدمه الجیش قیلدی و بودین جانبدده

کونزدی

(فرار کفار از پشته) لالا محمد پاشا نک صبت و صدای شهامتی

اول جوانیده ولوله انداز اولمغه سابقا عیسی حسن پاشا نك
تقصیری اثناسند ه پشته قلعه سنی آلوب آنده ممکن اولان کفار
قلعه بی براغوب یات و یراق قسمندن انسنه آلامیوب فرار
ایتدکلرندن وزیر مشار ایله خبردار اولد قده بر قاج سفینه ایله
طونه بی پکوب ضبط ایلدی لکن کفار قصد اضرار وعزم
تخریب حصار ایله اوج یردن اغ ایدوب کتدکلرینی قلعه ده
قالمش برخسنه کافر خبر ویر مک ایله لغملری ارایوب بولد یلر
آتش بارونه واصل اولمغه نصف ذراع قالدوغن کوروب ازله
ایدیجک بفضل الله تعالی اول غائله دخی بر طرف اولدی صدراعظم
وعسکر بو خبر مسرت ائردن مسرور اولوب شکر ایلدی یلر

(تعمیر حصار رجان قورتران و فرار کفار خطوان) سردار کامکار قلعه
فدواری و تعدی کفار ایله ویران اولان جان قورتران قلعه سنی تعمیر
وعسکر و ذخیره لرین توفیر ایدوب سنه مزبوره جیادی الارلی سی
اوا ثلنده عسکر ظفر رهبر ایله بودینه واصل اولد قده پشته یه
مدود اولان جسره که کفارک تیشه عد اوق ایله مقطوع ایدی
اسلوب سابق اوزره قورلق فرمان اولوب اکا بناء سابقا
خطوان قلعه سنه مستولی اولان کفاره دخی خوف غالب اولمغه
فرار ایتد کلری خبری کلوب محافظه سنه زاد و ذخیره ایله تعیین
اجناس ایدوب حین فرارده کفار یا قد و غی بیوت و حصاری
تجنید ایچون ناکید و تنبیه قلدی

(فتح قلعه واج) بعده سردار نامدار ایکی سنه دن برو کفار
تصرفنده اولان قلعه واج فتحه رواج وروب قلعه مزبوره
مقابله سنه اولان اسکی بودینه زول ایلدی ونهر مزبورک ایکی
چانبدن دونما سفینه لر یله طونه اوزردن عسکر کوندروب ماه
مزبورک بکرمی برنجی کوفی هرچانبدن محاصره ایتدردی عزیمت

صادقه حسیله اول قلعه ده اولان كفاره دخی رغب غالب اولوب
اول شبدن صورت ثباته كورينوب قلعه مرزوره مقابلی واقع
جزیره ده اولان طایفه و پلنقهیه آتش ویردکدن صکره نصف ایلمه
کیلره کیروب استورغون جانبته کشدکاری معلوم اولیجی واروب
ضبط ایتمه یلر

(محاصره استورغون) بملده عساکر نصرت مائرايله قلعه
استورغونه توجه اولنوب جادی الاولینک یکر می دردیجی کونی
محاصره و هر طرفدن طوب و تفنگ ایله جنکه مباشرت ایلمه یلر
لکن هنگام شتای قریب اولمغه تعاقب برف و باران دن مترسارده
قراره امکان اولوب امدن ماعدا اکثر اوقات سفر یشته و خطوان
وواج قلعه لرینک وجسرك تعمیری مصححترینه صرف اولنقی
مهم اولمغه استورغون محاصره می وقتی مقصود اصلی اولوب
انجیق كفاره اظهار جلادت و عرض قدرت قصد اولتمغه
عسکر عن صمیم القلب یاشما د قلرندن ماعدا كفار نهر طونه
وراشنه طاوور قوروب واول جانبدن استورغونه متصل برجمه
چکوب طوپلر ایله محافظه ایدر و مجروح کافرلریرینه دنج کافر
قورایدی بعض لبالیده ملاعین علی الغفله چقبوب مترسارده
نیجه غزات شهید اولوب عسکرك امر محاصره ده فتوری تراید
بولمغه یکجیری بو زمانده نصکره محاصره مضر دردیو تقاضای
عودت ایتمدکارینده سردار کامکار فریم خان غازی کرای اوغلی
تو حتمش کرای که اول سفرده یاباشی یرینه خدمتده ایدی نیجه
بیك تانارایله وروم ایلی بککری بکسی حسن پاشایی براز عسکر
جرارایله اول دیار كفاری تخریب و غارت ایچون البقویوب اوتوز
بر کون محاصره دن نصکره قلعوب کنبد و اردوی همایون ایله
بودین جانبته توجه ایتمدی وبعد الوصول تدبیر امور سرحدده

اهتمام واسباب محافظه قلاهی اتمامد نصکره سنه مزبور
رجبتک اوچنده بلغراد واصل اولدی بودینده اولان اسکی قول
اوغللریک وعده لری تمام اولغین یک نفری التبشیر اچمه ابله
درت بلوکه قید ایتدیرادی

(تته) پچوبلی ایدر نقاش حسن پاشا اول محاصره ده بیکیری
اغاسی بولنوب جبان بی عار اولغله جنک اختیار ایلوب برکون
متریسسه وارمادی بالاخره سردار آنی عزل ابله کوشمال ایدوب
واحوالی دردتهداره عرض ابله مرضی بایمال ایلدی مقدا ابراهیم
پاشا سردار ایکن تاتار و امرا و اعیان اکری ابله استرغونی استبدال
رأین ایدوب اکری بودیندن بعید و مهالك اسلامیه به چندان
نفعی یوقدر دیو استرغونی ترجیح ایتیشلر ایدی محمد کخدا و وزیر
مراد پاشا و خان وزیری احمد اغا و بودین قاضی هسایل
افندی طابوره و اروپ بومنوال اوزره صلح مذاکره اولندقد
هنوز قرارداد قلمش ایدی بودفعه نمچه کفاری بو وجه اوزره
صلحه رضا و اروپ اون قدر التون زنجیری غروف و هر سکری
وزیر اعظمه کلدیله و وجه مشروح اوزره صلحه قرار ویریلوب
حجت و عرض و محضرا بله در دولته مرقوم پچوبلی ابراهیم افندی
کلدیله و بلوب قائم مقامه و شیخ الاسلامه مکتوبلری ویردکده
مفتی صبح الله افندی بونه کونه اولماحق ایشدر بوسوزی لسانه
وقلمه کتورمک ذکل خاطره یله کتورمک جائز دکلدیله و کلنی کیرویه
کوندردی مزبور دخی سرم صحراننده و اروپ پاشا یه ملاقی اولدقد
پاشا انی اصلا سویتلیموب بز بوسوزک حجابن چکه رز دیو بوچتانی
ظهور بن نقله شروع ایلدی

(ظهور بوچتانی اشوان ازامراء اردل) اصحاب خبرته ظاهر درکه
ارادت علیه آله به بعض عبادتک نظام حالته تعاقی ایلنسه طرق

خلافنده اولان اهداسی ماینده خلاف و شقاق و تمام اتحاد
و اتفاق نصکره تقریق کلمه و اتفاق القابدر مصداقی بودر که
اجناس کفره دن نجه جنسی که انواع مسیحیان دن بر صنف
و کسرت عدد و وفرت ایله سائر انواعه نسبت بر نجه ضعف
اولوب ملک الملوك نصار اکه ایمراطور و قیصر عنوانی ایله
مسمادر نجه ده اوستوریا و هونقار باد دوقاری نسلندن
اوله کلکله بو طائفه قوت بولوب اردل و بحار فلاحنی کلیت ایله
منبط ایتدو و کند نصکره بونوع کفارک آتیه دوتیه مالک اولنرینی
عسکر و سپاهی وضعفاسنی رهیت ایتدو کلر ندن غیری انواع
جفا و اذیت و بحار واردل جنسنگ اهل و عیالارینه تعرض
واهاننت ایدوب بونلردخی مدا فعه یه قادر اولدو قلمی جهتدن
نجه طائفه سنه صور تاسر فرو ایدوب اکن در و ناعبد اولاری
مرتبه نه ایتده ایدی و نجه بحاره قدیمدن اهانت اولور
اولوب بحار امراسی نجه نک ادا نسی یاننده بیله رعایادن خور
و حقیر ایدی فرضا یولده بکرکن قاقه چالوب وارد ندن کلورکن
شبهه سن قالدیروب یوزینه توکورمک کی اوضاع ایدرل ایدی
زیرا سابقا بحار نجه اوزرینه بر قاج دفعه خروج ایدوب
ولایتلرینی المشرو عظیم قلمچا المشرا ایدی اکا بنه اراری خلاف
و شقاق اوزره ایدی اول زمانه دک که بحار بکراده لندن بو چقا بی نام
بر بهادر کافر کند ی بنی نوعی اعیاتی جمع ایدوب بزبون نجه طائفه سنک
اذیت و اهاننلرینه نجه یه دک تحمل ایدوب تحت تصرفلرند
مغلوب و هتک عرض و بنا موس ایله نه زمانه دک منکوب اولور
الحمد لله تعالی پادشاهان آل عثمان قدیمدن اولای نفعه تمزا اولوب
یانوش قرال جنت مکان سلطان سلیمان خان آستانه سنه التیجا
ایتمکله ملکی الی الاقراض اولاد و احفادی انده باقی قالمشدر

بز دخی سلفهزه اقتسدا ايله اول سده قوی به اسناد ایدوب
 اعدا مردن انتقام السق اولی وحقیرده انسب واحری دکلیدر
 دیدکده پوچقا یی نک بوکلا منی اعیان بی نوعی حق
 وسایه جایه سلطانی به دخول ايله مال و عبال صیباتی حاللرینه
 اوفق بولوب اتفاتی ايله مز بوری قرالغسه اختیار وکندولر
 سردار ایتک اوزره سنه مز بوره خلانده سرداره مکتو بلر کوندروب
 پادشا هک دوست و شمنه دشمن اولوب قوللغنی قبول
 وزیر جناح جایتلرینه دخول ايله قدیمی اعدا مز اولوب اقتضاء
 ضرورتله تحت حکمنده اولدیغمر نیجه کفارینه قلیچ قویوب
 پادشاه اسلام جان و باش ايله خدمتی نه هدایدوب حقیقت حاکمه
 و قوفد نصکره آستانه دولته عرض ایلکز رجا اولتور دید کلری
 دردولت علیه به عرض اولندقدن القاسی موقع قبولده واقع اولوب
 سرداره مناسب اولدوغی وجهه اوزره معا هده ایلده سن دیو فرمان
 بیورلغله مومی ایلده سرداردخی دخلواهی اوزره جواب کوندرو مکن
 نیجه به اظهار عداوتی متأكد و مجار اودن کتسدویه تابع اولنلر
 یوما فبوما متزاید اولدی

(مجار به مجار و نیجه) سنه مز بوره جهادی الاولی سنک یکر می بدنی
 کونی ایکی نوع کافر مقابل و قتال عظیم ایلدیلر چون پوچقا یی
 عسکر اسلام ايله اعتضاد ایتشیدی نیجه به غالب اولوب اون بیکدن
 زباده کافر کله سی و نیجه دللر و بر قاج قطعه بیر اقلر ايله کندی آدملرین
 اردوی هما یونه ارسال ایلدی سرداردخی استمال ايله قلیچ و قفتان
 کوندرمک ايله پوچقای به قوت قلب حاصل اولوب سابقا ردل فلاحندن
 ایکن نیجه تغلب ايله ضبط و ساطورجی محمد پاشا محاصره ایتدوی و ارات
 قلعه سن محاصره ايله آلوب ایچنده موجود اولان نیجه لری قتل
 عام ایتدک نصکره جهیتلرین دخی بوزوب انده دخی نیجه نیجه لو

هلاک ایتدو کندن ماعدا نوقای نام قلعه لرینی فتح ایلد و کنی
وقاشه قلعه سن ونیجه نیجه مملکتلرین آلد یغن و بحارک اکثری
کنسندوبه لاجق اولوب من بعد دخی امداد اولنور ایسه نیجه
مملکتلرین المی مقرر ایدو کنی و بر مقدار امداد د رجا سنی مشتمل
مکتوبلر ایله نیجه اسیر بکر آده راهد اوارسال ایتکین سردار
نامدار دخی سالف الذکر بودین بکدر بکسی بکتاش پاشایه ترقی
ورعایت شرطیله بلوک خلقتدن بر مقدار عسکر و توختش کرای ایله
اولان تاتاردن درت ییک تاتاره توختشک همشیره زاده سنی باش
ایدوب بکتاش پاشایه قوشدی و پوچقای به آستانه طرفندن
عطاولان اردل قرالغی منشور تی و خلعت واسکوف و علم
ایله ارسال ایلدیکی روایت دیگر در

(ظهیر پوچقای) پچویلی ایدر پوچقای به اضافت ایله شهرت بولان
امیر مقدم کفاره اسیر اولوب پوچقای به دو شمش ایدی برکون
باغچه سین تیمار ایدر کن پوچقای نیجه دن عجره متعلق کفاره
باشلیوب امیر دخی بینی سر داره کوندر جله مسلمان عسکرین سنک
امداد بکه کتوره بم و سنی اردله قرال نصب ایتکه ضامن اوله بم
دید کده بوندن اقدام معنی مذکور مر بورک ضمیرنده هر گوز اوغله
بحسب القرائن خروج احتمالی وارد دیو چاساره انها اولنسد قدسه
حبسه کیر مش و ظاهرد بوقولی مؤکد بر نسنه بولنم افله
کیرو اطلاق اولنشدی جوابشده امیره دید یکسه اردل اهل البسی
عموما خرسنیا ندر ترکه سرفرو ایتنر والا اطاعت اولنوردی دیمش
امیر ایتدی سلطان سلیمان زماننده سرفرو ایدوب سالم اولدیلر
حالیه چون اولیه لرو بالجله نیجه قیل و قالد نصکره امیری وزیر
کوندردی قاین محمد پاشا اول زمان بکتاش پاشاک تر جانی ایدی
امیری وزیره کتوروب برایکی کون اوچی تها سوبلشد کد نصکره
امیری کیر ویه کوندردیلر اوج درت دفعه واروب کلد کد نصکره

اخر معاهده استحكام بولوب خروج ايلدى و نهر تيسه نك ايكى طرفنده چاسار حكمنه دا خل اولان قلعه لرى ضبطنه الوب اسلامياندن استمداد ايتدى چاسار من بوره اغراضنى تحقيق ايتدكده باشتايى يوركى نام سردارنى نچمه عسكريله اوز ريشه كوندروب بعد المقابله نچمه عسكرى بوز بابوز ير اعظم بر مقدار تانار وعسكرك طممشواري امدادينه كوندرومكله پوچقا يى قوت بولوب نچمه يه تابع نواحى وقراني غارت ايتد يروب غنسايم بيشمارايله عسكرك اسلامى ضيافت وانواع ربايت ايلدى وز بردخى مزبورى قوريشه ايله عموما مجمار مملكتسه قرال نصبنه متعهد اولوب آستانه به وارد قنده اجرا ايتشيدى نته كيم ذكرو اولنه جقدر

(ظهوري كوز لجه محمود پاشا) سابقا عيشي پاشا نك صدمه مكرى ايله بر نچمه مدت مختفى و تبدل صورت ايله بعض مشايخ صوفيه زاويه لر نده مزوى اولان كوز لجه محمود پاشا مظهر انتفات پادشا هي اولوب سنه مزبوره صفري ابتدا سنده وزارت ايله كامياب اولدى و عيشي متركه سى عايشه سلطان در تيرزيك اچمه مهرايله كندويه تزويج اولدى

(مقهوري قاسم پاشا) سنه مزبوره ربيع الاخر نك بكر مى ايكنجى كوني سالف الذكر قائم مقام اولان قاسم پاشا كه بغداد اياتى ويريلوب كتمكده تردد كوستر مكله وزير على پاشا ابرامله ازجاج و اخراج ايتشيدى اسكداردن قالدوغى كي رعايايه صالفون صالوب بولدو غنى الوب ظلم و تعدى ايدرك كيدو ب بروسه حواله بنده ايكن جور و ظلمى پايه سرير اعلايه عرض اولندقد، ازاله وجودى ايچون خط همايون صدور ايتكله بوستنجى باشتى كوندربول مزبور دى وارد قنده نوقبسنه بناء ظفر بولا ميوب بهانه ايتديكى مصلحتى كوزوب كلدى

و کند و بی هدم تقریب و اظهار طور عجیب ایتمارن تقریر ایتد کده
 وزیر اعظم بو ستانجی باشی بی ادای خدمت قادر اولمده دیو عز ل
 و برینه بو ستانجیلر کنخداسی درویش اغایی نصب ایلدی مز بور
 درویش اغا پادشاهه تقریب ایدوب اکثر امور انک القاسبله
 ظهوره کلدیکه صکره پاشا اولان درویش اغا در بعهده اقتضاء
 وقت ایله مز بور قاسم پاشا کو تاهیه محافظه سنه
 مأمور اولوب انده دخی مساهله ایتد و کیچون ازاله وجودینه
 بو طریق ایله حسن تدبیر اولمده کی حافط پاشا برینه قائم مقام
 اولق ایچون وعد و قسم ایله خط همایون کوندر یلوب آستانه دعوت
 قیلندی اول دخی اعتماد ایدوب کلد کده (تحفه للسقم) حافط پاشا برینه
 یالکز برکون قائم مقام قیلنوب بعض مصالح سپارشینه متعلق اوج
 قطعه خط همایون کوندر یلوب اولدخی کر چک قائم مقام اولدم
 صانوب او کیجه حافط پاشایه اوچنجی وزارقی و میرا خور سابق
 ابراهیم اغایه میرا خور انخی و تذکره جی میم ابراهیمه ریاست کتبی تلخیص
 ایلدی چاوش باشی چوبان سلیمان وقت عشاءه کلوب یارین صباخ
 حضور همایونده مشاوره اوله جقدر دیو تنبیه ایتمکله معلم سلطان
 و مفتی به وسائر وزرا و اعیانه خبرلر کوندر وب دعوت اولندی ایرتسی
 اشراق وقتنده دستبوس ایچون عظمت ایله دیوانه کیدوب
 مفتی و خواجه پادشاه انام حضورنده مز بور قاسم پاشا پیشکا
 پادشاه بااقباله رویال ایتد کده پادشاه خطاب ایدوب ایکی دفعه
 او او الامر مخلصک سببندن سوأل بیور دقده جوابدن عاجز
 اولیجی پادشاه دین پناه شیخ الاسلامدن شفا ها استفتا ایتد کده
 وجوب قتل ایله افترا ایتمکین اشارت علیه ایله بو ستانجیلر او شوب
 بلامهل کله سین کسیدیلر و لاشه سی احمر پادشاهی ایله برزیل کش
 بار کبر او زر پندهر ضاقنوب ادرنه قموسی خندقنه طرح اولندی

(قائم مقام شدن صارقچی مصطفی پاشا و تشریفات بعض
 اعیان بامناصب) قاسم پاشا قتل اولند قد نصکره پادشاه
 سلیمان چاه جله محضر نده قائم مقامی صارقچی پاشایه
 و یروپ اگر سنک دخی بفسادک ظهور ایدرسه سنی بویتان کی
 طعمه سیف ایدرم دیو خطاب یوردیلر مفتی و خواجده و سائر متزلزله
 عودت ایدوب صارقچی پاشا دخی قائم مقاملق مسندنده قرار واستماع
 اموزه مباشرت ایلدی تبدیل مناصبه آغاز و داد و دهش دروازه سین
 باز ایلدی و اولاد حرم محترم سلطانیده اوطه باشیلق خدمتده
 اولان طواشی کورچی محمد پاشایی اوچنچی وزارت ایلده چیقاروب خاصلر
 تعیین ایتدر دی شویله که ملا ذاکتر ناس اولدی و باش قپوچی باشی
 داود پاشایی و یولک میرا خور مصطفی اغایی میر میرا نلق ایلده تمساز
 و برز هفتده نصکره هر برینی وزارت ایلده سرافراز ایلدی و سلطان
 محمد خان دختر لردن پرر سلطان دخی تزویج اولغله مکرم اولد بلر
 و جیسانلغی حسبله یکچیری اغالغندن عزل اولنسان نقاش حسن اغا
 بعد العزل استانبوله کلد کده احباب و انصاری کثیر اولغله مصلوب
 العیوب اولوب برقاج کون روم ایلی بکلر یکبسی اولوب تهمین بولمش ایدی
 اکادخی وزارت پایه سی و یرلدی بونکده قناعت ایتوب اون ایکبشر
 کره یوزریک اچقه خا صالر تعیین ایتدر دی هر کس بلا موجب
 بوالغله تله حیران قالد بلر چا دی الا ولینک اواخر نده مصر دن
 اولاق کلوب حاجی ابراهیم پاشایی مصر قول شهید ایتد کلر بن
 اعلام ایدوب کلن عرض منظور اولد قدده اوطه باشیلقدن اوچنچی
 وزارت ایلده چیقان طواشی کورچی محمد پاشایی والی مصر ایلد بلر
 قادرغه ایلده برهفته ده اسکندر یه اوکینه ایریشوب دمور آتد بلر
 دیار مصره وارد قدده والی بی قتل ایدن لردن بر فرده امان یرمیوب

اهل فتنه بی معدوم ایلدی عصات مصر قلیچدن کجوب سازناس
کمال اطاعت کلد کد نصکره خزینه مصرک تجهر و تکمیلنده بد طول
کوستروب خوف سیاستدن فتنه فتوده و رطایا آسوده اولدی رجیک
یکرمی بشنده روم ایلی والیسی تیر و خسن پاشایه وزارت رابعه
رتبه سیله اکرام اولندی وینه شهر من بوردده سلحدار شهر یاری طر نقجی
برادری حسین اغایکچری اغاسی اولدی جزائر غرب ایالتی سلطان
سلیم ثانی عصرینده اوطش باشیقسدن چبقان مصطفی اغایه
ویرلدی

(قتل قائم مقام صارقجی مصطفی پاشا وقائم مقامی صوفی شنان پاشا)
بعده درد ولتده قول مواجی ایچون ضرورت اولوب باش دفتردار
اولان موسی چلبی زاده محمد پاشا مواجب تدارکنده بذل مقدور
ایدرکن بعض اعداسی معلم سلطان جهانیه هلاقه ایتشدردیو
قائم مقام صدارت عظمی صارقجی مصطفی پاشایه ضمن ایلمکین
اولدخی نفسانیت بلاسی ایله بلا موجب دفتردار مرفومی عزل
ایتدیروب برینه فن اسنیفادن بخبر حافظ محمودی دیمکله معروف
شخص بی وقوفی دفتردار ایتکله ارتکاب سؤندبیر و تحصیل
ونکمهیل مواجده تقصیر ایدوب پادشاهی کتدودن تنفیر ایلدی
وشیخ الاسلام صنع الله افندی بی صدر فتوادن فالدیروب برینه
خواجه زاده لک کیری محمد افندی بی مفتی ایتکله عمل کثیر کوستردی
صنع الله افندی دخی خیبر اولمغله معلم سلطان ایله ال برایدوب
قائم مقام من بوری خنکاره غمز کثیر ایلدیرومشایخ شکنده بعض
جزو بلره مقارنت ایله کسب ایتدیکی سوءاعتقادی و فساد و اباحت
متعلق خبائن الحادتی سمع پادشاهی به القای ایتدیبرسفت دماء
ومصادر ائده اولان جرات و فساداتی حضور همایونده ثابت
اولدیغندن غیری نصب ایتدیکی دفتردارک مواجب تکمیلنده

عجز و تقصیر اتی یابنده تراکم اسباب ایله ماه شعبانک یکر مېسند
صدرین عرضندن چیتقد قد نصکره و زیر مزبور حضور همایونه
بالکز دعوت اولتوب داخل اولد قده ایقویلوب جلاد
طلب اولندی اول آن بونی اور یلوب جسدین صحن دیوانده
واقع چشمه اوکند بر اقدیلر و قلم مقاملق صوفی سنان پاشایه
ویرلدی

(ظهور و عید پادشاهی) مقدما قاسم پاشا قتل و قلم مقاملق
مرقوم صارقچی پاشایه ویرلد کده پادشاه مزبوره خطاب ایدوب
سنگ دخی حالک بویله اوله جقد رد دیو تقوه بیور مشرایدی
فی الحقیقه چوق یکم یوب و عید پادشاهی ظهور ایددی

(نقمة تبریلات) سابقه مخنی ایکن ظهور ایدوب وزارت احسان
اولسان کوز لجه محمود پاشانک بعض اوضاع ناهموارندن
طبع پادشاهی مکدر اولغله ربیع الاولک اون ایکنجی کونی
وزارتدن عزل ایلد بلر و حلیدن معزول نصوح پاشایه وزارت
احسان اولتوب انا طولیده فساد و شاعت اوزره اولان جلالی
دفعنه سردار تعیین اولندی ذی القعدة نک ایکنجی کونی روم ایلی
بکربکسی نقاش حسن پاشایه وزارت توجیه اولتوب روم ایلی
نیر و حسن پاشایه مقرر اولدی

(صید شاهی و تولد شهرزاده سلطان عثمان خان) پادشاه جمجاه صید
و شکاره میل طبعی مقتضاسنجه سیر صحرا و چمن و تفرج
هر نشین ایچون سنه مزبوره جادی الاخره سنگ اون برنده که
تشرین اولک یکر می دردنی کونیدر حوالی استانبولده واقع
روم ایلی باغچه سنگ اطرافنه خواص و مصاحبان ایله
توجه ایدوب صید و شکاره چیتدی اول حینده
دار السلطنه طرفندن دار السعاده اغاسی کلوب تقبیل رکاب

پادشاهید نصکره موقف عرضده طوروب بر شهراده جوان بخت
ولودی ایله تبشیر ایلدی چون اول ثمره فواد ایدی وجودی باعث
سرور موفور اولوب تبرکاته سلطان عثمان تسمیه اوانوب یدی کون
یدی کیجه شهر دو نتماسی فرمان اولندی * ایده باری کرین آل عثمان *
تاریخ ولادت لیدر وینه سنه مرزوره شوالنک اون پدیسنده که شباطک
یکرمی التیمی ایدی سلطان محمد نام بر شهراده باسعادت
دخی وجوده کلدی

(آمدن وزیر اعظم لالا محمد پاشا باستانه) چون سردار باوقار
بلغرا ده کلوب قرار ایلدی عتبه علیه طرفه دعوت و سرعت
ایله کلک فرمان اولنوب سردار دخی بلغراد دن نهضت و سنه
مرزوره رمضانک یکرمی پسند آستانه په واصل اولوب جانب
پادشاهیدن نوازش بسیار مشاهده ایلدی سنه مرزوره شعبانک
یکرمی پسند اناطولی صدری قاف زاده فیض الله افندی په روم ایلی
قاضی عسکر لکی و انکیری استانبول دن منقصل یحیی افندی په
ویرلس ایدی ذی الحجه آخرنده صدر اعظم عرضی ایله قاف زاده
معزول اولوب یری اناطولی صدری یحیی افندی په و انکیری
کال افندی په توجیه اولندی و خلیل پاشا متروکه سی فاطمه سلطان
بنت مراد خان طونه محافظه سند اولان وزیر مراد پاشایه ترویج
اولنوب آستانه په دعوت اولندی

(ما مور شدن کژدهان علی پاشا بدفع اشقبه) بوائنده
اوتنه بقاده جلالیلر چوغاوب قلندر اوغلو و قره سعید نام شقیلر
ناثره جور ایله آیدین و صاروخان سمتلرینی ویران ایتدکلری
وبرجانبدن طویل خلیل دن امت محمدک بکا و عویلی و برطرفندن
صاچلی نام شقیلک تخریب و تنکیلی اناطولی په ولوله صا اوب
هر طرفدن فریاد نامه لر توارد ایلدی پس امداد لازم کلکین برکون

فانم مقام صوفی سنان پاشا حضو رهما یونه واروب البته
وزرادن بری سرعسکر اولوب اناطولی محافظه سنه کوند رملک
اهمدر د یو ابرام ایله کده چله اعیان وارکان موا جهه سنه
پادشاه فلک تمکین داود پاشایی تعیین ایدوب علی العجله چبقاسن
دیو ابرام پیوردی لکن داود پاشا سفره مکنتم ولوازم و مهمات
ندارکنده قدرتم یو قدر لکن میریدن اعانت اولما سن التماس
ایتد کده صغیر و علیل و عمل مانده و پیر اولان زعماء وار باب تیاریک
بدلاری جمع اولوب اول مبلغ ایله داود پاشا کده مهمات سفره سی
تیم اولتیق بایند فرمان صادر و بروجه تعجیل چمنه مورخ حسن
بکرزاده بی تعیین ایلدی یو مهمه سعی اوزره ایکن اناطول
بکر بکسی کردهان علی پاشایه عاقبت چله ایالتی عسکر یله شرف
سرداری جفاله زاده یه حقوق ایله مأمور سن کیدر کی محافظ مملکت اولان
نصوح پاشایه ملاقات و انکله معا واروب طویل جلالی بی
دفعده انکله همدست اوله سن دیو اصدار فرمان ایتدی یارزیرا
طوبلاک قرمان و اناطول و لایتلرینه استیلاسی حد دن افزون
اولمش ایدی کردهان دخی حسب فرمان واروب نصوح پاشایه
ملحق اولوب جلالی مر قومک اوزرینه وارد قلرند بولا وادین
صحرا سننده تقابل فریقین واقع اولوب نیه منجر اولدیغی
ذکر اولسه کر کدر

وقایع سنه اربع عشر و الف

(سرداری محمد پاشا بجانب استرغون) چون سرحد
انکر و س احوالی تصحیح اولتیق اهم مهمات ایدی سردار مشارالیه
عساکر منصوره یه کاکان سردار تعیین و استرغون قتیق مقصود
پادشاهی ایدوی تبیین اولند که نصکره یکپجری اغاسی طر نقجی
برادری حسین اغا معا مأمور اولوب سنه سابقه ذی الحجه سنک

بكرنى پدنى ائين كونى عظيم آلاى ايله دار السلطنه دن چيقوب
داود پاشايه نزول ايلدى عبدالباقى افندى سفر دفتر دارى اولوب
اتمكچى زاده روم ايلنه تحصيله كوند رلدى صوفى سنان پاشا
كيا كان در دولته قائم مقام اولوب داود پاشا قسطنطينى محافظه سته
مأمور اولدى نصوح پاشا دخی اناطولیده سردار و محافظه
ممالك خد مشده ابقا اولندى سردار برهفته داود پاشا ده مكث
ومحرمك اوچنچى سبت كونى نهضت وعزيمت ايلدى صفرالخیر
اواخرنده بلغرا ده ایريشوب مهمات سفرى تكميلند نصكره ربيع
الاولك در دنده زمون صحرأ سندن بودين جانينه
توجه ايشدى

(مشورت سردار) اوسكده عسكر بريره كلوب مشاوره ايلديلر
سردار نه جانبه توجه اولمقى اوليد رديو سوال ايتدكده سرحد
وعسكر اختيارلارندن برطاشه حالا بودين جانيندن على التماقب
فرياد جيلر كلوب كفار قومر انده حاضر وعسكر كجهت تو جهلرينه
ناظر در شويله كه جانب آخره عزم اولنه اعداء دين كين فرصتدن
چيقوب بودين واوستونى بلغرا ده اسنيلا ايتك مقرر اولغين بهر تقدير
بودين جانينه توجه واجبد ردييچك سست راي برطاشه دخی
سوق كلام ايدوب حالا بودين واوستونى بلغرا ده قلعه لر ينك اسباب
محافظه سى مهيا درو كفار مستولى اولدوغى تقدير جه خيبت
وخسراندين غيرى نسنه يه نائل اولمز لاما قنيره جانينده واقع
مكومور يه كه غايت معمور وكثرت مان ومنال ايله مشهور اولوب
الى الان ياد آياق بصمه مغله خلقى آسوده در حالا اغناى عسكرايچون
اول جانيله توجه اولمقى اوليد رديدك لر نده چون طباع بشر يه
طلب منفعت او زر ه مجبوره اولوب (وتودون ان غير ذات الشوكه
نكون لكم) كلام معجز نظامد رهر جند كه اهسل ند بيرأ نلرك

رأی سست و تدبیر نادر ستلین تزییف ایدوب عسکر کفار پرود
 جمع اولش بکن بزم جانب آخره توجه من انلرک فلاح اسلامیه به
 دسترس اولد قاری تقدیر چه تخریب بلاد ایتلرینه سیدر
 و تمنی غایب ایله اول طرفه کتمک سوء تدبیر د ر دیه کوردیلر مقید
 اولیوب اکثری اخذ غنائمه مائل و سرداری دخی کشد و رأیلرینه
 قائل ایتکین فی الحال بیکجری طائفه سی اغاری ایله قنیره سمتنه
 کوند ریلوب عامه عساکر ایله ایتسی سردار دخی توجه ایتک
 مصمم اولیجی بالفعل ارد و قاضیسی اولان ولدان زاد مولانا
 احمد افندی به سردار توجه خطاب ایدوب مکوم و به جانبنه
 توجه اولی ایدوکنه اتفاق آرا واقع اولدوغی تسجیل و یوبلد
 حجت تخریر ایله دیجک مولانا دیدیکه دشمن قفازنده بزم مترصدایکن
 بر بلوک اسیر حرص و آرزو هواسنه تابع اولمق مقتضای
 عقل دکلدر خصوصاً که حضرت پادشاه بالمشافهه
 سزیه خطاب ایدوب استور غون قحی اقصای مراد مد ریوره
 و ضمنتده صیانت مملکت و حجاب سلطنت واریکن خطام دنیا پیداسی
 ایچون جانب آخره کتمک مقتضای دیانت دکلدر ممالک اسلامیه دن
 برقریه به ضرر ترتب ایدرسه حضور پادشاهید جواب عهده سندن
 کلیم سزیه علی الخصوص روز قاسمه سنکسان کون اولوب امر غارت
 مبسر اولدوغی تقدیر ده یکر می اوتوز کونلک مصلحتد ر اما مال
 غنیمته واصل اولان عسکر بر کون دخی یانکنر ده قرار ایتوب
 طوابعلی مأمورینه اولاشدر مغسه جان آنسه لر کن کدر بوسالده
 آرتق آنلردن چکنه متعلق خدمت امید اولماز اول زمان سزیا لکر
 قالد قیده کفار حرکت و اقتضای ایلیمه کچلرله مقابله رینه وارر سز
 ندا رکه امکان قانور می اما چونکه زمانده وسعت واردر
 امر پادشاهی اوزره استرغون محاصره اولنوب فتحنه سعی کلی

اولنسه میسر اولر سه دخی بعد از سعی عدم حصولی تقدیره
حواله ایله سکن مهتاب اولر سن دیدی مولانای مزبور بفاضل دلیر
ومرد صاحب تدبیر اواغین بو کلام عبرت انجیامی قلب سرداره
تأثیر ایدوب خوابدن بیدار اولمش کبی کوزین آچوب قلب سردار
منشرح اولدی و بلا تأخیر بودین واسترغون جانبیه صرف عنان
عزیمت ایدوب بیکچری بر منزل کتشیبکن اردویه طوقلارینی
متضمن امر ارسال اولندی مولانای مزبور بوبایدن اومه لایم دن
خوف ایتموب مداهنه ایلدونکی ایچون وزیر مشاور ایله وساری
پنجه پایله قدری رفیع و شان و مقامی منبع اولدی اما بچوبلی دیمشدر
مشاوره بودینه قریب حزه بک سرایندن بری شو شوقوره دره سی
منزلده ایدی جمهور استرغون محاصره سند و صعوبت وارد
بوسالده پیچه طوغری دیار کفار افن اولمقی کرکدر دیدیلر
دفتردار باقی افندی وارد و قاضیسی بورایه راضی اولدیلر لکن ساری
اول سمی ترجیح ایتمکله ایرتسی کو چیلوب کیدرکن یولده عربله
ایر کیلوب بر قاجی قالمغله بیکچری زمره سی بو قدر آغراق ایله
آقنه می کیدیلور دیو طعنه باشلار قلرین سردار اشیدوب تحویل
رأی و محاصره قرار ویردی کاتب چلبی دخی فذلکه ده بوروایت
صحیحدر دیدی

(توجه سردار محاصره استرغون) چون استرغون قهی نیتی ایله
اول جانبیه توجه ایندیلر بوسنه بکار بکبسی مسکر ایله ایلرو
بودینه کوندیلوب بکرمی بش پاره طوب و اوتوزیک دانه راون بیک
قنطار یاروت مهماتی ایله کبلره قونوب احضار فرمان اولندی
مهاج صحرا سته وارد قدده سپاه طائفه سته جبهه خانه دن سلاح
و بیکچری یه تفنک توزیع اولوب آلائی کوستدیلر بر یبع الاخذک
نصفنده استرغون حواله بسی مضرب خیام اهل اسلام اولدی

همان اولکون محاصره ویکچیری وامرا قول قول تعیین اولسان
 محارده یوریوب طوب و تفنک ایله جنگه مبادرت ایلدیلر استرغون
 جوارنده واقع بر بلند دپه اوزرنده بنا اولوب استرغونه بر راه نهادن
 اتصال اولغله سدراه واک بعض غوائلن دفع ایتدیکی
 جهتدن اکا نرعا پناه اولان دپه دلن قلعه سن محاصره په
 بودین بکری بکسی بوشناق مصطفی پاشا بعض عسکر ایله
 تعیین اولغین هر جانبدن پایشوب دوککه باشلدیلر چون سنه
 سابقه ده نهر طونه ماوراسنده استرغونه مقابل جکر دلن طرفه
 کفار طابور قوروب پی مانع و مزاحم قلعه په ذخیره و عسکر ایله
 امداد ایتلریله عدم فتحه سبب اولدوغی تیر به ایله بلنمش
 ایدی اول محذوری دفع ایچون جکر دلن یقه سنه عسکر کچورمک
 مهم اولوب طوب یشمسز پردن جسر ترتیب ایدوب طوبلر
 کچوریلوب اول جانبدن دخی ایچ قلعه دوککه شروع اولدی
 (فتح قلعه ویشغراد) بواشاده استرغون مضافاتدن طونه ساحلنده
 استرغون ایله واج یئنده واقع دونما کبیر یله ذخیره و مهمات کلکه
 مانع اولان ویشغراد قلعه سی فتحه نامزد اولان بوسنه بکری بکسی
 خادم خسرو پاشا حصار من یور اوزرنده واروب امان ایله فتح
 ایتدکده ایچنده اولان کفار فرنگ نوعندن او اوب پاپا طرفه ن نیجه
 امدادینه کلوب قلاع حریره په توزیع اولسانلردن ایدی سابقا
 ابراهیم پاشا استمالتی ایله عسکر اسلامیه ملحق اولوب اغر خلوفه لر
 ایله مرعی اولان فرنکاری کوروب بونلردخی بقی نوعنه اتباعا
 کلوب پادشاه بنده اولدیلر سابق ولاحق یکدن متجاوز اولوب
 اکثری جنگده دوشمشلردر

(فتح دپه دلن) دیشغراد امری بز طرف اولیحق خسرو پاشا
 عسکرینک بهضی و مذکور فرنگ طائفه سی دپه دلن قلعه سن



محاصره اوزره اولان بودین بکلیر بکپسنه الحاق اولتمغله محصور
اولان کفارخه خوف مستولی اولغین غزات مسلین قوت بولوب
جادی الارلیک التجی کونی بعد صلوت الصبح دفعه اوج
طوب آتیلوب بر اوغوردن یوریش ایتدیلهر حکمت خدا اول سحر
بر دومان و پوس وار ایلی که اراقیدن آدم سحرلر ایدی ایچرو
کیدیلهر هنوز کافر طوعیدی پس اول هجموده دپه دن قلعه سنک
واروشی و کره ثانیه ده نفس دپه دن وینه اولکونده بوقلعه ایله
استرغون ماییتده واقع قله لر و طایفه لر واجدا بعد واحد قح
اولوب تصف ساعت قدر زمانده استرغونه معادل بر قلعه مع
توابعها قبضه تصرفه داخل اولدی و ایچلرنده محصور اولان
کفارلار بر فرد خلاص اولوب درت بیک قدر کافر طعمه شمشیر
اولدی حتی قلعه ده باش بوغ اولان غروف طشره چیقوب
استیالت ایچون اولکینه انده قالمشیدی سائر مقتولار اراسنده قتل
اولتمش بولندی کذلک ویشقراد قح اولتمغله ذخائر و عساکر
وسائر مهمات قریب محله کلوب مترصد فرصت اولوب طورلردی
اشارت سردلر ایله ایچینده اولان عسکر چیقوب کوچک آطه
نام محله متریس قوروب آذیت ایدن کفار اوزرینه یوریروب اول
متریسلرده ایکی یوزه قریب کافری طعمه تیغ ایتیکله طوپلرینی
ضبط ایتدکدنصکره ایچ قلعه طرفنه دونوب وانلره امداد اولتمغله
ایچ حصاره عظیم رخنه ویردیله

(احراق واروش) بری جانیده دخی میکچیری متریسلری استرغون
واروشنه قریب واروب دپه دن طرفدن وضع اولسان طویلر
ایله دوکیلور ایکن سردار واروش پانقسه سنه آتش ویردیروب
دفعی ایچون کفار انک اوزرینه اوشوب اطفا سنه سعی اوزره ایکن
طوپلر آتیلوب خارج از حد کافر قتل اواندی

(فتح واروش وقلعه) جهادی الاولینک اون النجی کونی اوج کره
 بور بس اولوب دفعه ثلثه ده واروش کلیت ایله ضبط وایچنده
 اولان ایکی بیک مقداری کافر نارجمیمه ایصال اولندی وسالف
 الذکر مصطفی پاشا دیله دن قهند نصر کره قلعه استرغونک صوقله سنی
 فتح ایچون تعین اولمش ایدی اهتمام ایدوب قله بی ضبط
 ایتد کد نصر کره مواعید احسانه بعض دلیلر ایچ حصارک
 بعض برینه بیز اقلردیکوب اوکد لاری آلد بیلر فتح واروشک اوقتی
 کونی کیرو یوریش ندا اولنوب مترساره طولد قده کفار عسکر اسلامک
 مزاحه سن کوروب یوریش ایده جککین بیلدی و برهجومه دخی تحمل
 محال اولدو غن اسن حصار ایلوب ماه مزبورک بکر منجی کونی که
 یوم الاثنین ایدی سحری بودین بیکچری اغاسی عثمان اغا قولندن الامان
 الامان دیو فریاد ایتد کاری سرداره اخبار اولیحق یچوبلی ابراهیم
 افندی سردارک معتمدی وقلعه و یرلنوی زمان چیقوب ویرا حوالین
 سوبلشمکه چیقمش ایدی بود دفعه دخی مزبوری کوندروب ایکی کافر
 چیقوب ویرا حوالن سوبلشدی داب قدیم عثمانی اوزره امان وریلوب
 ماه مزبورک بکر می برنجی کونی مجروح و منکوب بش بیک درتوز کافر
 اموال و ارزاقدن تحمل ایده بلسدکاری قدر نسیه ایله چیقوب
 سفینهل ایله دارالکفر لری چانته توجیه اولندیلر بوا ثاده بریرا قیودانلری
 مسلمان اولوب طرف سردار بدن نائل احسان بی پایان اولدی
 وکذلک سالف الذکر فرنک طائفه سندن بوقلعه ده اوللردخی
 عسکر اسلام ایچنده هم جنسلر نسه هلق و سلفازی کی میعی
 اولدیلر بعد استرغون و دیله دن قلعه لرنک منهدم اولان یزلی
 تعمیر و کمار مستولی اولد قده نصر کره آثار کفر ایله عملوا اولان جامع شریف
 تظهنیر و ضلوه جمعه ادا اولد قده نصر کره محافظه لریچون
 مستوفی عسکر ایله محافظ تعین اولنوب بشارت فتح

و نصرت ايله آستانه يه پياده و سوارى مقبله جهسى پچوبلى
ابراهيم افندى و اوچاقدن كوچك چاوش قره حسن اغا و درگاه
حالى قپوچى باشلارندن خضر اغا ارسلاند نصكره شكرانه فتح
و ظفر عموما سپاهلره ايگيشراجه و پياده لره بر راقچه ترقى احسان
ايلدى بعدده سردار كامكار كوچوب بودين و بلغراد طرفلرينه توجه
ايلدى بمون الله تعالى فتح استرغون انواع خيره رهنمون اولوب من بعد
كفار باب صلمى قرع و انقياد لر بن آستانه يه رفع ايتلرينه سبب
اولمشدر چون تقدير خدای قدير ايله قلعه مزبوره سابقا سردار
مشار اليه الندين كفاره انتقال ايتكله ليل و نهار ايك قحى خاطره سنده
ايدى بحمد الله زمان قليلده قحى ميسر اوليچى مزبوره شفاء صدر
كلوب عامه اهل اسلامه باعث استهاج اولدى اولزمان خواجه زاده
محمد افندى تاريخ قحى قعبيه طريقه يله بوكونه دوشوردى (ع)
* لشكر كفار چيقدى حصن استرغوندن *

(استيلاء بوچقايى بر حصار او يوار) چون بوچقايى دولت غلبه
عسكريه اهتضاد ايتدى هر جانبه كه توجه ايتدى مظفر اولوب
يك اون ذرت ربيع الاخرى او اسطنده سردار اعظم استرغون
محاصره سى اوزره ايكن بوچقايى دخی او يوار قلعه سنى محاصره به
استيذان ضمننده عسكر اسلام ايله انداد رجا ايتكين اكرى
بكلز بكپسى سنان پاشا و سرم و سمندره و آلاجه حصار بكلرى
و ترچاله بكى چركس چل افاج بك تانار و چركسدن بر طاشقه ايله
كوندر يابوب امداد اولند قده مجار بكلرندن هومنسايى نام كافرى
كندى عسكرينه سردار ايدوب سالف الذكر بكتاش پاشا دخی
واروب او يوار قلعه سن محاصره ايلش ايدى استرغون قهند نصكره
زهره يكيچر ياندن يك نفر يكيچرى ايله زغرچى باشى و بر قاج سنجاق
عسكرىنى بوسنه بكلر بكپسى خسرو پاشا يه قوشوب و او بواره

اولان عسکر اسلامه مزبوری سردار ایتدی. وارد قنده قلعه ده
اولان نجه اولاقبرلری قبا یوب قله شروع ایتشلر ایدی صکره
پوچقای یه سرفرو ایدوب حصار ی مجار طرفنه و یرمک اوزره امان
ایله تسلیم ایتکین پوچقای قلعه او یوار کندو ضبطنده اولغی رجا
ایدوب بونک اوزرینه معا هده ایچون سردار طرفندن مستقل
آدم طلب ایتکین بکر نصی و ضبطی ممکن ایکن هنوز پوچقای تک
معا هده سی قریب العهد اولغله تطیب خاطر ایچون روم ایلی
بکر بکسی تریای حسن پاشا اردو قاضی ولسدان زاده
احمد افندی ایله ارسال اولوب انلردخی واروب قلعه یی
امر سردار ایله پوچقای یه تسلیم ایتدک نصکره کلوب اردویه
ملحق اولدی یلر و ائشاده مزبور تریای حسن پاشا روم ایلی
عسکر ندن برفقدا رهسکر ایله پسپرم و یولاته قلعه لر
قحصن نامزد اولوب واروب یولاته قلعه سن امان ایله
ضبط ایتدک نصکره کلوب بودین حواله سند اردویه ملحق
اولدی و بوخلالده بودین بکر بکسی بو شنای مصطفی پاشا
معزول ولسلستره متصرف قاضی زاده علی پاشا منصوب اولوب سمندر
و نیکیولی ولسلستره وچرمن و ویزه سنجاقلری بودین محافظه سنه
تعیین اولند یلر بعد ترمیم القلاع میردار ظفر شعار بلغراد طرفنه
نوجده ندارکنده اولدی

(آمدن پوچقای بسردار) سنه سابقه ده صدر اعظم آستانه یه
وارد قنده پوچقای ایله اولان معا هده احوالی حضور همایونه
عرض ایدوب بذی قیمت قرونه که اوجیلک قدر التوندن خرصع
و محو هر یا بدر وب حالا معا کتور مش ایدی سالف الذکر بلغرادی
سید محمد که پوچقای بدنده اسیر اولغله سردار ایله پوچقای بیتمده
زید اخبار اولوب معا هده امرارین سوبلشمش ایدی سید
مزبور کوئدر بلوب پوچقای دعوت اولتمشیدی سردار

پشته یقاسنه نزول ایتد کده یو چقای نک و رودی خبری کلکله
 بار کاهلر و زیسا سزا پرده لر قوریلوب عسکر اسلام مسلح و مزین
 صفلرین ترتیب ایدوب طورذیلرسانلر ائتده تره لر و صندالیر
 قوریلوب آیین معهودلری اوزره ضیافت ترتیب اولندقد نصکره
 اونیک قدر مجار عسکری و نامدار بککریله یو چقای کاوب سردار
 کامکاره ملاقی اولدقد قورونه دید کلری مرصع تاج زرینی باشنه
 وضع و بر مرصع قلیج قوشا دو ب و عد سابق اوزره مجار قرالخی
 و یریلوب جانب پادشاهیدن عنایت اولسان علم و سنجائی تسلیم
 ایتدیلر یو چقای دخی ال او یوب حال ایز پادشاهه قول اولدق ایقه
 ایله انسان قول اکثر یا ضرب و تعذیب خوفندن کرها قوللی ایدر
 اما بز هبید احسان اولد یغمن جهتدن ازل و جان کمال اطاعت
 و مسرت ایله قوللی ایدر زدیو جواب و یردی پس او محله
 بالمشافهه هراحوالی سویلشوب عهد و میثاقی محکم ایتدیلر طمیلر
 ایلوب عظیم شکر و ضیافتلر نصکره و داع ایدوب کندی (ان الله
 لیؤید الاسلام برجال ما هم من اهله) خواسی اوزره بوند نصکره
 دخی دین اسلامه عظیم خدمت ایتدی شویله که غنچه کفاری
 عاجز قلوب طلبا هراقتال ایله اخذ انتقامه قادر اولما غله زهر ایله
 هلا کتیه سعی ایتدیلر آخر بر فرصت ایله سم اطعام ایدوب بیچاره بی
 اعدام ایله نائل مرام اولدیلر من بورك فوق در دولتیه عرض اولندقد
 ینه اردل بککری نسلندن باتوری غابور اسکف و علم ایله ارذله قرال
 نصب اولندی لکن من بورك نظهوری ازل طرفک انکسار و فتورینه
 باعث اولوب ضروری صلحه بیون اکدیلر سردار کمر آجی
 ناخوش اولغله بوندیه بز قاج کون او توروب ملازمینه توزیع
 خدمت ایتدک نصکره روم ایلی بککری بکسی حسن پاشای غازی بی
 بودین محافطه سنده البقوبوب بلغراد ده هودت ایتدی

انده دخی قیو قولنك علوفه لرین و یروب اذن ایله عسکری
ولایتلرینه کوندردی و کندی شهره داخل اولوب اول قیش انده عیش
و عشرته مشغول اولدی بفضل الله تعالی بوسالده عسکر اسلام
مراد اوزره منصور و مظفر اولوب انکروس سفری آجیلالی اون ایکی
سفرک جله سی بوکام عادل اولوب جله سندن بو قدرایش کورلدی
و بوسفرده اولان غنائیم و اوجوزلق برسفرده اولدی سردار اعظم
بلغراد داخل اولدقده ایک شرقسط علوفه ایشلیش ایدی اکثری
بلوک خلقی بلغرادده اولغله التبتسته بیردن پیاده و سواری
مقابلله جیسی اولان پچو بیلی ابراهیم افندی ناظر تعیین اولوب
علوفه لر ی و یلدی

(ابتداء مقد مات صلح نمچه) چونکه پوچقای نمچه به کلی ضرر
و ایصال خسارت ایلدی اول اوانده نمچه امپراطورینك قریداشی
هو نقاریاد و قهسی اولوب بچده اوتوروب اهل اسلام ایله حرب
و قتال ایدن هر سك ماتباش عسکر اسلامك قوتی و پوچقای نك
مخالفتن کوروب اردل که عسکرینك برکنی ایدی جانب انحطاطه
مائل اولدغنی یلوب سردار طرفته آدمه لارسال ایدوب قرع باب
صلح ایلد و کندن ماعد بوه میا یعنی چه مملکتنده پراغا شهرنده
فرنداشنه مکتوب کونروب اگر اهل اسلام ایله بوا یامده معنای
صلح صورت پذیرا و لمزسه مملکت مزشیاً فشیاً الدن چیقوب کیمی
داخل حوزة ممالک اسلامیة و کیمی پاعمال خیول اردل اولمقی
مقرر رد بوا اعلام ایند کده بهر حال صلح اول اید و کئی اول دخی
یلوب بوباید فرنداشی راینه راضی اولدی و مقد مات صلحی
ترتیب طریقتده دین باطل لر نیجه کبیر کبران اولان ریم پایا نام پایاس
تاسیاسه مرا جعت ایدیچک اول باطل مبطل! بورایه قائل اولوب
قرنداشك انشا ایلدیکی صلحی البتده نقض و راضی اولمزسه قتل

ایده سز دیو جواب نامه کوند د کد . پادبا خبر بنی قرن داشته تبلیغ
والبته پاد کلامی تشبته سعی بلیغ ایده سز والا امر دین سنک ایله
اولان نسبت قرابتدن اولیدر بهر حال قتال اولور دیو اعلام
ایتد کده مرقوم مائشاش بن بوصلی حالمزه اوفق بولوب مقدماتی
ترتیب ایتشمدر ومن بعد رجوع ایتنم دیو خبر ارسال وتصمیم
قتال ایدوب بجمهار ایله اتفاق واردل امد اده واران عسکر دن
واردل و بچار دن بر عظیم لشکر ایله بر انا طرفنه توجه ائنا سنده چا سار
مرد اولوب چون خصوص اجلاس آید لری اوز ره پاد اید کاری
مائشاشک رأینه منوط ایدی مزبور مائشاش امپراطور افسه مستعد
ایکن صلحه رضا و پر مکه امپراطور لغی بوندن مصرف ایدوب
کوچک قرن دانی مفسملیان نوس نام کافر که اگری قهقنده سلطان
محمد خان غازی به ید یوریک کافر ایله اعتراض واول وقعه
عظیمه به انتهاض ایدوب بامر الله تعالی مغلوب اولوب فرار ایله
جان خبیثن کوجیله قورقاروب من بعد ااته نممک و قلیج قوشا نما مق
اوزره رهبا نبت اختیار ایدوب پاییه واروب بر درده قرار اختیار
ایلمشدی ائی مرده مزبور یرینه چا سار نصب ایدوب هونقاریا به
یعنی انکروسه کوندردی مائشاش دخی هلاک اولان قرن دانیله
مچار به ایچون امداد ایتدوکی لشکری مهیا ایدوب جنگه آماده اولوب
حالاریم پاد طر قندن کلن مزبور مفسملیان نه فار شو یورید کده مفسملیان
جیان ترک مکلفه ایدوب مائشاشه انقیاد کو ستر مکه مائشاش بی جنگ
و جدال چا سار لاق سر یرینه او توروب صلح اسلامانه قرار و پردی
مفسملیان دخی بویله معارضه ایتکین مفسملیان بی ولایتنه نصب
ایدوب مائشاش کندو مقر اصلبسی اولان پراغاشه دینه دو نوب چا سار لاق
مقا منده قرار ایلدی پس مفسملیان بیجه کلد کده قرن دانی
مائشاشک نیوروغی و وصیتی اوزره امر صلحک تشبته سعی ایدوب

سنه مصلحه ابكى كره يوزيك غروش و يروب بكرى سنه يه دك تار كه
اولنوب و سنه مصلدن اوج سال مرور ايند كده اول مد بدن هر ييل
بعض هدايايله عرض انقياد ايتك اوزره صلح اولنمق رجا سنه حضور
سردار باوقاره ضراعت نامه كوندروب التماس ايند كده اول ائشاده
شرق طرفنده قزلباش و انا طرفلده جلالى اشقباسى طغيان اوزره
اولم يله سردار اعظم آستانه بئكتك لازم كلكين اكاباء چاسارك
التماضى قرين قبول اولدى اما اول سنه عقد صلح تميم و تجيز اولنوب
على وجه المتسار كده صورت رضا كوستريلوب وقتنه توقف
اولندى

(وقعه جة اله زاده درس حد عجم) سنه سابقه ده ديار شرق سردارى
جغاله زاده سنان پاشا چون فائله وانى حسن تدبير يله دفع و بوسالده
ارضر و مده يته لواء شوكتى رفع ايلدى حسن قاعده سنه ايكن
اوغلو محمود پاشا يى شرواندن قالدروب ديار بكرى و بردى و شروانى
حسين پاشا اوغلو احمد پاشايه توجيه ايتدى قزلباشك
حوالى نبر زده جهيتى مجموع اوليچى سوق عسكر ايدوب سنه مزبوره
ربيع الاخير ينك بكرى برنجى كرنى حوالى سلما سه كلوب شاه كراه
دخى خويده ايدى فريقتك چرخه جهيسى برى برينه ملاقى اولوب
لشكر قزلباش مغلوبا رجوع ايلدىلر ماه مزبورك بكرى دردنجى كرنى
حمله نام محله نزول اولنوب انده كلن بريلوك ملا حده دخى منكمر
دونديلر چون شبستري بگوب تبريزكولى كنارينه قوندىلر ازتسى شاه
عسكرى نى اوج بلوك ايدوب و كندى راه نجاه مشرف بريشته اوزرنده
طور دكرن ارضر و م و البسى كوشه سفر پاشا شور تسر و تدبير سز تبريز
بكر بگمى تنكلى پاشايى و سيواس و البسى راضيه زاده و اخوين احمد
پاشا و برادري و حيدر پاشا زاده على پاشا و بالجه اون التى بكر بكي باليه
گميشه يى و يكر ميدن زباده سبحاق بكرينى كنده و يه اويد يروب

یاندرنده اولان بی سرو سامان لونداتلر یله تهنورایدوب سردار طرفندن
 بجه ایتسون و خفت ایدوب چوق ایلو کتسون دیو خبر وارد بجه
 سرکشاک و تکبرک ایدوب بی محابا الله و یردی خان آلاینه اوروب
 اول ظهر دن بین الصلوتینه دك جنك ایتدیلر حقا که سفر یا شا
 معر که ده مانند شیر و یلنک هر نه جانبه آهنگ ایتسه سینه دشمنی چاک
 و خصم حوب افکنی برابر خاك ایدر دی بالجمله ائک کروفرینه
 سرخ سر تحمل ایده میوب دوندیلر و ذوالفقار خان آلاینه التجا ایتدیلر
 مشار الیه ائلری دخی بری برینه فاقوب وقت عصره دك جنك
 ایتشیدی کتد بجه حرب مشد و اخشامه دك ممتد اولق مقرر
 اولدقدن قزلباش مجال تحمل محال و وقت تنک ایدوکن کوروب
 دست و پا اوروب شاه کراه آلاینه فرار و یاننده فرار ایتدیلر غروب
 شمس دك نصف ساحت فالشیدی بوهرتیه نصره وجه وجه
 (قدمک فاسمح) مصداق بجه خانی قوغیوب دو نوب لشکری
 ترویخ لازم و مهم ایکن سفر پاشا تمقیب د شمسد افراط ایدوب
 سرداری وجه کارو باری براغوب طاغلو آشوری مسافه تبعیده کندی
 و سبکسرک ایدوب کتد و قفاسنی خالی قودیلر قزلباش عسکری
 پریشان اولدقدن شاه اتبای ایله جبل اوزرینه چیقوب بروجله
 انده دخی طوره میوب نصف منزل مسافه یرده هزار خوف ایله پرشته
 وزرینه نزول ایتشیدی بو اثنا ده لشکر قزلباش شاه الای ایله
 اعتضاد ایدوب اردوی سردار خالیدر دیو دفعه دو نوب اردو اوزرینه
 هجوم ایدیچک سردار خیدمتده حربه آماده اولان بیکچری و سلمه
 و سارطوائف اول کلای استقبال و تیر و تفک ایله جنک ایدرک دوندیلر
 غروب قریب اولنجده محاربه اولنوب قزلباش دغراش مایوساعنان ناب
 اولوب بجه لری جزیح و قتل اولدقدن نصره معبر لری بنان ریز

اولش سار ایکن اول محل حرب عدودن معاودت ایدن سفر پاشا
 جهورینه دوش اولدی لر ن بولر جنکدن دوش یورغون وقایل
 وقزلباش عسکری دنج بولوب چوق اولغله مقاومت ممکن اولوب
 بر بلوک شستره طوغری فرار و ایچلرندن تکه لی پاشا و جلالی قره قاش پاشا
 وقاچار محمد پاشا اتیاعلریله قزلباشی سوکوب اردویه طوغری
 کلر یله خلاص اولد بلر سائرلی شهید اولنجه جنک ایتدی لر حتی
 کوسه سفر پاشا الذمه آلات خریدن سنه قالمیچجه جنک ایدوب بالاخره
 مجروح اولوب آتی دخی دوشد کده قزلباشلر طوتوب بعضی مجروحلر
 ایله شاهه ایلند بلر شاه انلرک بعضیسنی قتل بعضیسنی حفظ ایلدی
 سفر پاشا دخی نیم جان ایله اوکینه وارد قده بکامطیع اولوب مذهبی
 قبول ایتسک بررار بکیت سک سکا رعایت ایدر ایدم دید کده سکا
 و سنک مذهبه کده اولان ملحد لر هزار بار لعنت دیو بر براسنه
 جبیره باغملر ایکن چبقاروب بر اقدی بکاشمکنکیر و شهادت اولیدر
 دیوب شاهه شوم غلیظه ایله شتم ایلدی اوپاشان قزلباش اوشوب
 شهید ایتدی لر اگرچه سردار بونلر باله فصاحت خبر کوندروب
 سنک بکاکر بکیلر سز زنه سار مقاملر بکرده ثابت اولوب قاعده
 عثمانیه اوزره مصاف ایدک دیو فریاد ایتشید ی اما سفر پاشا نفسنده
 برار بر مرد سرکش و یاننده اولنلر قره قاش وغیری جله جلال لونداتی
 بر بلوک خارج از ضبط بی باکلر سوز دیکلیوب قغزالرینی خالی قویوب
 تعقیب دشمن قلدی لر (لیفرضی الله امر اکان مفعولا) بو غریزه غریبه
 حکم الهیه دن بر حکمت خفیه یه مبنی ایدیکه اول معرکه ده مقتول اولان
 ظوایف جله سی لوند نامنه بر مدت (ویسه ون فی الارض فسادا)
 مصدر اقبجه باغی اولنلر ایدی که حربه سوریلوب موظف عسکری
 قسمندن اول معرکه ده شهید اولنلر نادر اولوب عامه لشکر سلامتیه
 جبیمشدر اول اواندات طائفه سنه جنایت سابقه لر ی مقابله سنده

تأذیب الهی اولوب اسنشهاد ابله (السيف محاذ الذنوب) چشمه سازیدن
 غسل ادناس ائام ایتدیلر چون اخشام ایشوب فریقینه داعیه آرام
 اولدی قریبلاشلردنوب شاهلرین ارایو کتد یلر سردار پرند قالدوب
 کیجه کردستان بکری واعیانی بوکارک تکیجه سی نیجه اوله جقدر دیو
 مشورت ایچون سرداره کلدی لر لکن ملاقات ممکن اولیوب صاحب
 دولت بورغون حضورده دزدیمکله کلنلر دونوب کپی سردار فرار
 ایتش دیوب معنی ویرمکله کردستان خلقی چادرلرین یقبوب کیدن
 کیده نک اولدقده قره فاش دخی اردوی براغوب بقیه عسکر دخی پیرولک
 ایدوب وان جانبته روانه اولدی لر اتفا فاحلب بکیر بکپی جانبولاد
 زاده حسین پاشایوم معرکدن برکون اول اول موضعه قریب نصف
 مر حله ده نزول ایتش ایکن حربکا هه مسارعندن تقاعد ابله
 نقصیر ایتدو کندن ماعددا اول فرار یلرک سردار صندی دیو
 ویردکلی خبر دروغ وموحش مسموعی اولیحق کرچک ظن ایدوب
 کیرو دوندی صکره بوخبرک عدم صحتی معلوم اولیحق ینه دونوب
 اردویه متوجه اولوب یروا کر اد اشقیاسی معاودت ایدن عسکر اسلامه
 کر ند ایتسونلردیومرده واقع درینده قونوب کلن عسکر یانته جمع اولوب
 سلامت ابله قالدوب وان طوغری چکلدی بعدالواقعه سردار اردوده
 قلان عسکری یانته جمع واستمالترو یروب آلا یلر ترتیب ایدوب اردو
 کنارینه چیقدیلر دشمن جانبته نگاه ایدوب حرکت یوق کورد یلر اوبله
 وقتی هرکس نه ظهور ایدر دیو حیرتده ایکن وان بکیر بکپی
 فاچار پاشا اتباعی ابله عمله یرایان اموالی آلوب نه طور رسز قریبلاش
 کلدی وطوپلری آلدی صداسی چقبوب من بعد کیدن کیده نک
 اولوب بربر ینه باغدی لر سردار ایکی یک قدر قیوقولینک اهل عرضیه
 قالدقده پیاده لری دوه لره بند یروب جله خرینه وار دو وطوپلر پرند
 قالدوب من بعد اول محله طور مقی مناسب اولامغین انلره دخی وان ط فنه

متوجه اولدیار بو طرفده شاه عجم خوفدن بختملکه عثمانلو بر حبله ایتیش
اوله دیوانیکی کون قهری ایدوب بعده سردارک وانه رفتارین
تحقیق اید یچک قاقوب اردو محله کلری اردونک برنده یلار اسر
خیت و خسر اندن غیری نسنه اغتام ایده مدی بویکامبر دار سنان پاشا
وانه کار کرده جانبولاد زاده حسین پاشا حضور سرداره استقبال ایدوب
اشکری سلامت کتوردیکی بر خدمت مقبوله خیال ایتمکله عرض و نیاز
واعذار ایتدی لکن سردارک نار غضبی اول مرتبه دکل ایدیکه
نک سیلاب اشک ضراعتی ایله منطقی اوله پس محل عتابه کتوروب
نه سبب ایله کلوب خدمته بولمک دیو غرین و کشته تیغ کین ایلدی
منقولد رکه جانبولاد زاده سرداره ملاقات قصدینه عزم ایتد رکه
کندوسی منجم ماهرا اولوب زبجه طالع مولود زده قطع دلیل مشاهده
ایدوب خیر خواهری کتمه سنه مانع اولوب اول اژدهای دم بریده
ملاقاتدن کندوبی تحذیر ایتیشلر ایکن ینه غرور دولت ایله اگر بن خفته
اولسم جغه اله اوغلی بنی یدار ایتکه جرات ایتک خاطره کلر دیو جواب
مغروران ایله سردار زیانکاره آهنگ لقا وابتدای وصولنده عزم عالم بقا
یتشد ر جانبولاد زاده قتلند نصکره فساد ایتیه مشتد اولوب
اوتوزیک قدر اتباعی حلبه عودت و فرنداشی علی بک و خضر بک
اوزرل ینه جمعیت ایدوب حسین پاشاک طلب ثاری ایله تخریب
دیار ایتدیلر تا که فتنه لری مشهور مراد پاشا بدیده دفع اولندی
نه کیم ذکر اولنسه کرکدر بعده سردار واندن قاقوب پشته مزبوره
رجینک بکرمی برنجی کوفی دیازه بکره کلدیلر لکن وقوع بولان تقریطی
سبیله مبتلای وهم و غم اولوب جای دق عارضه سنه اوغر ابوب سعال
خلالنده وفات ایتدی مرحومک ظمعدن نشی تبدیلانی بیجه
اختلاله مؤدی اولوب شاهی سنان پاشا زاده یه و پردکد نصکره
عثمان پاشابه توجیه ایلدی و حلب والیهی نصوح پاشایی قالدیروب

کلبس اوجاقلغندە اولان چانپولادزاده نك پيوى حسين پاشايه بعض
الترام شروطى ايله توجيه ايلوب مز بوردى خليه وارد قده نصوح
پاشا دزدولتدن مقررنامه ابرازايتمكله طرفيندن قتال اولوب نيجه
كسند مز دوشدى آخر حسين پاشايه دخی بزموجب امر سردار
مقررنامه كلكله ايلاتي ضبط ايلدى نصوح پاشاميرشرف دامادى
اولغله مز يوزك عزلتدن بى حضور اولوب امراء اكراڭد يلىشند
معين اولغله نك انكسارى سائره سرايت ايدوب جله سى سرداردن
نفرت ايتشلايدى بو حالله سفره واروب ذكر اولتسان امور هائله
ظهور ايتدى

(قتال سرخوش ابراهيم پاشا باخروات) چون بو چقاي
عسکر اسلامه ياردم التزام ايتشيدى صدر اعظم محمد پاشا
استرغون فتحند نصكره تخریب بلاد كفاراچون همشيره زاده سى
اولوب بالفعل قنيره بكار بكبسى سرخوش ابراهيم پاشا بو چقاي
طرفندن برسر عسکر وراز تانار و بچار و بوسنه عسكى جله
يكر مى يك قدره بالغ عسكرايله سنه مز بوره جادى الاخره سنك
بشنجى كوفى ارسال ايتشيدى بچ طرفلرينه ككيدوب خروات
سرحد دند مجتمعا اولان كفاره مقابل اولوب حزب عظيمدن
ضكره نيجه يك كافر قتل اولتوب اوج دفعه اوزرلرينه نچمه نك
عظيم عسكى كلوب اوچنسنده دخی مغلوب اولديلر اول حوالده
پانانصر فسنده صونبور هل وفرمند نام قلعه لى فتح و ايجنده اولان
نچمه كافرلرين قتل ايدوب اونيك قدر لشكرى بچ والامان جانبلرينه
كوندروب ايصال خسارتد نصكره سالما عودت ايتديلر اخراج
اولتسان غنايم واسير قابل تحريركلدر نيجه بلالو باشلونچمه لاسير اولدى
واكثر بچار امراسى متابعت ايدوب كلرب اردورلینه واصل اولش
ايدى انجنى زدين اوغلى و بكان اوغلى قالش ايدى مز بور بو چقاي نك

سر عسکری انلره نسبت دون رتبه اولمغله سرفرو ایلوب باش
قبودانلرین کوندردیلر

(مقبول) محمد پاشا ابن سنان پاشا) سابقاً شرق سرداری جغاله زاده
منزور ایچون جلالی اولوب شام ابالتی امرینی بندن جلالیه
زورایله الدی دیودرد ولته عرض ایلد کد نصکره ایالت شامی
خواجه خصمی عثمان پاشایه ویروب سلفنی شامده قلعه بند و حبس
اولتقی ایچون امر عالی ویرلمش ایدی سنان پاشا زاده کمانه
جست و چا پک دپرنوب آستانه یه کلوب وزرا ایله برکون عرضه
کیردی. مقدما والی اولدوغی پرلده عرض وزارتیه محل اوضاع خفت
و خلاف شرع قتل و مصادره ایلد وی جرایمی سردارمذ کورک
عرضی مذکر اولمغله عرضدن چیقارکن دوندردیلر نظر هماپونه
کتورلد کده آستانه به بعد الدعوه کلمده تأخیری و مناسبتده
ظهور ایدن نقایص و تقصیر لری بلنده بالذات مناقشه بیوروب
جوابدن عاجز اولد قنده نظر عالیده عرضه شمشیر
تأدیب اولدی

(رفتن پادشاه جهان بتماشا کاه ادرنه و عودت بجانب آستانه)
سنه مرزوره جادی الاول بسنده پادشاه جهان صید و شکار
ایده رک چنالجه به واندن اوج کونده ادرنه به واروب بعض آثار
خیر اظهاردن نصکره سکر کون مکشد نصکره اناطولیده جلالینک
طغیان خیری کلکله ابلاغ ایدوب الی کونده استانبوله قدوم مچنت
لر و بیوردیلر

(حرب طویل و انکسار نصوص پاشا) سنه سابقه ده حلبدن
منفصل نصوص پاشا جلالی اوز رینه سردار تعیین اولمشیدی
یریر فرقی جلالیان طغیان اوزره اولمغله محافظه ایچون هر عملکنه
روزی کوندرک لازم کلد کده مقدما داود پاشا دخی تعیین اولنوب

عجز و عدم اقتدار اظهار اینککه بکدها ن علی پاشایه اناتولی ایالتی
ویریلوب عسکر به نصوح پاشایه حقوق و اشقیاد فغند نصکره
سردار جفاله زاده یانده وارمنی فرمان اولمشیدی مزبور دخی
اناتولی عسکری و سارما موراولان عسکر ایله ماه رجبک اولنده
بولوا دین کوپروسنده طویل ایله ملاقات اولدی کوپرینک
ایکی باشند ایکی عسکر طوروب نصوح پاشا آت و جنکه قادر
اولانی بند پروب آلایلرینی دوزوب طویلرین چکوب طبل و نفیر
صداسی کنکره اثره اربوب ایکی لشکر اراسی کوپری الی بر مقدار
شورابه اولغله نصوح پاشا تصور ایدر دیکه آن اشلبوب جلال
کوپرینن بکمه اقدام ایتیه اما اوز نکیلری زبلی بوستلی طلسانی
غریب و عجیب خوارج اتلوری بیکقدمه حله ایتد کلرند اتلری
معلم اولغله بالخی برو طرفه صیچرادوب اعمال سیف و سنان
ایتد کلرند عثمانلو عسکری بوزیلوب اکثری قیریلوب و طوتیلوب
طوتیلانلردخی اکثری طویل اوکند بیونلری اورلدی نصوح
پاشا بر کرکه ارفه سند بریو کرکه قسراغه سوار ایدی فراره یوز
طوتوب آن باشنی سیدی شهرنده بکار باشی نام موضعه چکدی
طویل عویل مغتنم اولوب بولاوادی قصبه سنی یاقوب بیقوب
اهل بی قتل و مضاده و تعذیب و اول نواحی بی سزا پا تخریب
ایلدی نصوح پاشا برایکی کون آرامدن نصکره کونا هی به واروب
بکدها ن علی پاشایه عداوت قدیمه سی اولغله کنذنی فرارینی
اکا تحمل ایدوب یکنه قتل ایلدی مزبور بکدها ن ضایده خدید
اللسان و حرب زبان اولغله حله خلق دینلندن مجتنب اولوب
نصوح پاشا کند و بی و خلقی مزبورک لساندن امین ایتک یچون
قتل ایتدی دیو فذا که ده مسطور در حنی بوندن اقدام دخی طویل ایله
محاربه اولغدن مقدم قوبه به اوغرا قدده ولایت قرمانک رکن رکینی

واختیار کزینی چارش باشیلقدن چقمه قره علی زاده محمد چاوشی
دخی نیجه جنجه لسان ایله ناحق پره صلب ایتشدی بوفضا احتلایله
بین الانام تمام بدنام اولوب مظهر قهر پادشاه اولسنی مقرر بلشکن
سرسیات ایچون جانب دار السلطنه یه ایلغار و بر سحر اسکداره
ایرشدی و بر قایق ایله سرای بورنه کچوب خاص باشجه کنارینه
چیقوب اناطولیدن فریاد جلغه کلدوکن پادشاهه اشعار ایلدی
پادشاه هر قومی حضورینه کتوروب اسنطاق یورود قد
اناطولیده جلالیر طغیان عثه علیه ده و کلا اهل اندر دیو
فصل پردازلق ایتدی که پادشاه بالذات اناطولی سفرینه کتکه
طلبکار اولدی دخی اول آن خواجه افندی و مفتی و وزیرانی
قصره مایونه احضار و نصوح پاشایله مواجهه ایدوب طرفیندن
باب معارضات و مناقشات مفتوح و جناب پادشاه بالذات بروسه یه
عزیمت یورمغی مقرر ایتدی لر هر چند که خیر خواهرلر منعه سعی
و کتمهده نیجه محذورات واردردیو ناموس سلطنتی مرعی اولدی لر
بحال او ابوب بالاخره جلله سی بچضور قالقوب کیدوب وزرا
بروسه سفرینه مهمات تدارکنه مشغول اولدی لر هنوز دوتنما
کلامشدروروز قاسم بکیم کله دریا سفری مخاطره ردیو نیجه
محذور لریسان ایتدی لر مقید اولدی

(رفتن پادشاه بجانب بروسه) شدت شتاکالده ایکن فور تونه به
باقلوب بولان سفینه لر طونادر بلوب بروسه محافظه سینده اولان
نقاش حسن پاشایه امر شریف کوندی بلوب بروسه سرانی
تنظیف وزاد و زواد تهییه سی فرمان اولدی و بوسنایی باشی
درویش انا که صکره وزیر اولوب مقتول اولدی استنبول محافظه سنه
تعیین اولندی بو ائشاده والده پادشاه چچاه سفر آخریه توجه و مرحومه
اولوب جنازه سی ایاصوفیه ده پادشاه و جلله ارکان ایله کتور بلوب

نمازی قلندی بعده سلطان محمد ثالث تربه سنده دفن وروجیون
 وافر طعام وصدقات اولندی مرحومه نك وفاتی سببیه شاید
 پادشاه بالذات حرکت و عزیزی قسح ایده دیواحتمال ویریلور اینکن
 ممکن اولیوب والده سلطان وفاتك یدنجی کونی اولیسه ییله
 صبره مجال اولیوب همان اوج پاره قدرغه ایله عزیمت پیوریلوب
 ایرتسی رجبك اینکچی کونی مدانیه اسکله سنه چقدیلز
 و مزین آلا ییله بروسه یی تشریف ابتدیلر بروسه سرائیه نزل
 ایدوب ایرتسی وزرا و قاضی عسکرلر و سایر وکلا مشورت ایچون دیوان
 همایونه دعوت اولندی قائم مقام صوفی سنان پاشا رأی تدارکدن
 بی بهره اولغین مشاوره منتج اولیوب آخر داود پاشا و نصوح
 پاشا انباطولی حدودنده برر موضعه محافظه یه کوندیلوب اویس
 پاشا اوغلی محمر پاشا دخی بروسه یه حرکت اولنرین معل سلطان
 حضورینه مکتوب کوندروب بیکری بیک مقدار ی عسکر تدارك
 ایلدم بکاوزارت عنایت پیوریلور ایسه نه آستانه دن عسکر و نه مهمات
 ایسترم واروب جلالیلری دفعه بدل مقدور ایده رم دیوا دعا
 ایتمکله القاب وزارت ایله سر عسکر لك امری کوندیلش ایدی
 پادشاه بروسه یه تشریف لرنده مرقومی دعوت وعدواوزینه کندوی
 ارسلده ینه کندوا یله مشورت اراده پیور دقلرنده واران امر شریفه
 هیچ جواب و میوب نه عتیه یه کلدی و نه جلال اوزرینه کتیدی
 همان مسکنی اولان کوزل حصارده اونوروب حبش و عشرته
 مشغول اولدی خواجه افندی حضور پادشاهیده تعجیل قالوب
 پیور یله دروغه الداندوغنه ناد م اولوب پردخی پادشاهی سوزینه اجماع
 ایتدیرمکه امکان قالدی

(آمدن سرکشان سپاه) ماه مزبورك اولنجی کونی سپاه طائفه سندن
 وادی سرکشیده خلیع العذار اولوب کزن کیتاخلر که سابقا

سلطان محمد خان زمانده انکروس سفرلر ینک تماد پسی حسبيله
 سرخارلر بونلری استمالت قصد بيله هر مرادلر یتسه مساعده
 وکستارلقلرنده مساحه ایتلرله مایلنلرنده صاحب مکننت واحاد
 نفر دن ریاست هیئتده اتارلر ظهور ایدوب استدلکاری منحصی
 الدقلر دن غباری سبب طغیان اولغله حکام اوزره تحکم واشرافه
 تهکم وادیسنده اولوب من حوم ومغفور پادشاه حقتده تفریط
 ایدوب بی ادبانه وضعلری تسلط الهی به سبب اولدقده سابقا
 وزیر اعظم عیسی حسن پاشا ریسلر ینک اکثر یتسه ظفر بولوب
 اهلاک ایتکین باقبسی هول چان ایله اناتولیه کچوب جلالی
 کپی صالقرلر صالقی ایله تخرب بلاد اوزره ایکن اول کروه دن
 کدوسلی علی ودلی درویش وکرژمدار وکوشه خرنه وقرلباش
 محمد وارناود حسین وکوخک خلیل وده سنی توکلی وقوم قبولی
 وغیری بزه ظلم واهانت اولمشدر دیو جمیلرله کلوب قاقمقام
 صوفی سنان پاشا محاسنده خبه وجوشن ایله وزرا وقضاة عساکر
 محضرنده شوق کلام ایدوب بونلر نیجه زماندر مهان وقههور
 وانورده ایونده ایلدکاری خدمت غیر مشکور اولوب کپی مقبول
 وکپی خاتمندن دورو مخذول اولدقلر دن شکایت وایچلرنده کستار
 وروسه اهلر واز ایسته عشی نیجه یکنسا حاکم وار ایدوکن حکایت
 ابتد کد نصکره گاهلر یمز عفو وانور ایسه خدمت پادشاهید دیامی
 در میان ایدر دیو عرضحال ایتدکاری پایه سریر اعلا به عرض
 ضمننده مضی ماضی عفو واستمالت اولتیق مناسبدر دیو کلات
 شفاعت آمیزی درج ایتکین عفو یور بلوب متعین اولنلرک
 بمعضنه بلوک اتاقلری قوجه اولوب خلعتلر ایله استمالدن صکره
 مقطوع الوظائف درت بش ینک سپاهی نصیح اسمیلرله
 قید غدن آزاد وکذشته علوفه لر ن تسلیم ایله علنلر ن ازاله دن

صکریه جلّه سن ایکی قسم ایتدیلر بعضی کوتاهییه ده داود
پاشایانه وکیکی نصح پاشایه کوندردی استانبول محافظه سند
قلان درویش اضا بعض آورده کشف سرستور ایتدوی ایچون
محافظه دن منع اوانوب وزاردن مصطفی پاشا استانبول محافظه سنه
کوندردی

(عودت پادشاه باستانه) ماه ربیع الاول النبی کونی پادشاه
عالمیناه حضرتتری مرآت اجداد عظام و مرآقد اولیای کرامی
زیارتدن صکریه قبلوجه به نزول ایدوب اون طقوزنجی کونی مدانییه دن
قادرغه ایله دارالسلطنه به کلوب وصول بولدیلر
(اطاعت طویل) شعبانک طقوزنده رئیس اشقیاولان طویل
استقامت ایچون بکدر بکیرلک امری ارسال اولغین قبولی خبری کلدی
لکن قرنداشی سببی ایله سرک شلاک وادیلرند کندی انواع
دغدغه به اوضراتدی

(عزل ونصب) شعبانک اون یدیسنده قائم مقام صوفی سنان پاشایه
طویل شقی طرفندن مکتوب کلکین قائم مقام دخی تلخیص بازوب
اونه یقاده باغیرلک طغیان ارتوب خصوصاً طویلک ظلم وجوری
حددن کچوب ازاله لری عسیر اولدی باری اناطولی و سیواس
و حلب الشهباء بو اوج ایالت بر اولوب کندی ویرلک ایله
غایله سی دفع اولغی مناسبدر دیو التماس ایدوب طویلک مکتوبی
دخی تلخیص ایله بیله کوندروب عرض ایلدکده کمال جهل
و حقندن بر امر منکری مصلحت ظن ایدوب قلمه کتوردیکی قهصت ایله
پادشاه اول بی تدبیری معزول ایدوب خضر پاشای قائم مقام
نصب ایدیلر شعبانک بکری دردند کیلارجی باشی محمد اغایه
شام ایالتی توجه اولندی رمضانک طقوزنده یوسفنجی باشی
رهیش اغایه قیودانلق ویریلوب طرف همایوندن فوق الحد

مرعی اولدی و شوالک طقوزنده استانبول قاضیسی رضوان
افندی معزول و پرینه اخی زاده حسین افندی
نصب اولدی

(دعوت صدر اعظم محمد پاشا باستانه) بواشاده جغاله زاده نك
شرق طرفدن ظهور ایدن فضاحتى و خائبه عودت و دیار بکرده
فوق خبری کلوب سمع هما یونه واصل اولغله مشاوره اولنوب
نتیجه سی بلغرادده سردار اعظمه خط هما یون کوندربلوب
(الحرب سجال) مصداقجه حوادث غریبه صورت نما اولمشدر
کرکدرکه بوجایسه کلوب شرق سفرینه واره سن اگر امتناع
ایدرسک رزارت ثانیه ایله بلغرادده اوتوروب ختم صدارتی
بوجایسه کونده سن دیو تنیه یوراش ایدی بوندن اقدم ایسه
وزیر مشاور ایله ککند و بی آستانه یه کلک ایچون
عرض ایتشدی

(حرکت یکجریان و سپاه و تأدیب کردن سپاه) پادشاه اوائل
رمضانده برکون یکجیری طاقه سی علوفه و چوقه یه متعلق بی صبرلغه
دار ترک ادب ایدوب ایرتسی سپاه زمهره سی دخی علوفه و اخراج
دفترلینه متعلق کفتکوایدوب انلرکا دیوانه کیرمرز و گاه شوربا یمرز دیو
عشوه های بغل و بونلردخی باب هما یون طشیره سنده اغازی و طاشلیوب
دفتر داره ناسزاکلک ایله هذیان وجدال ایتدکلرندن ماعد اعلوفه ده
وزان و کاتبیدن شکایت ایله عزل ایتدردکد نصکره معزول اولان
قارغه زاده اتباعی مز بورک عزلی موجب حالی بوغنیکن نیچون عزل
اولندی دیو غوغا تکرار ایفا ایتدر دکلری سمع هما یونه واصل
اولدقده رمضانک یکرمی اوجخی کونی علی السحر پادشاه قرمری
لباسلر کوب کال شوکله عضدک چیقوب سلطان یازید کوشکنده
اوتوروب ووزرا و بلوک اغازی و کاتبلی و اختیارلری احضار و خطاب

عتاب آمیزه بالذات سزاوار بیوروب بن سره خط کوندر و ب تحصیله
کیدن دفترا رم برقاج کونه دك كلد كده علوفه لری بکر چبقا ریلوب
وقانون اوزره خراج دفتلری دخی توزیع اولنور دیمش ایکن اعتماد واصفا
اولنوب قبواو كنده بی ادبلك نیچوندر ارا کرده بومقوله کستا خفله
جرات ایدنلری چبقا رك یورد قدومه هابت خطا بدن جله سی سر اسمه
اولوب رد جوابه قادرا اولوب ایچلرندن عربایمین افاسی یوسف اغا ایلرو
كلوب پادشا هم حرم هما یونده پرورده اولان قولار ك بونك کبی نامه مقول
فعله مباشرت ایتماشدر بو جراتی قریم خانی عرضیه كلوب و بعض
قلاعهده سپاهلك شرطیه قپانوب بلو که چیتقان اجنبیلر ایتمشدر
دید کده پادشاه حاضر نلری مبدء فساد اولنلرك اسمنی ذکر ایدوب بونلر
قتغیسدر دید کده وزیر اول مذکور الاسامیدن حاضر بولانسالره اشارت
ایلد کده حققرندن کاتمکه اشارت هما یون بیوریلوب سلحدار باش چاوشی
شهباز اغا و سپاهیلر کاتبی قرغه زاده و یکجشم محمود افندی قتل اولندی
انلردن غیر یرقاج اشقیادخی جراتسن بولدی اتلومقابه جیسی جووشی
مرمر دیر که صار یلوب وزرا شفاعتیه خلاص اولندی و سپاهیلر
کنخداسی مستدام کنخداسی شفاعتیه قور بولدی و جهوره عتاب
آمیر نیجه سوزل سو بلند کد نصکره بر دخی حددن نیجاوز اولنور ایسه
جمله نك حققدن کلینور دیوا جازت و یرلشیکن کبرو دوندر یلوب
مقتوللری کنسدور لقالدر منی فرمان اولندی بعده اقال تبدیل
اولنوب آتکجی زاده خرینة ایله کلد کده عید مواجی و اوچرالتون
غلامیه ویرلدی

(امددن سر داراعظم باستانه) چون انکروس سرحدنده طرفیندن
تخریب بلاد امر ندمه ارکه امری مقرر اولوب اناطولیده جلالتی طوغیان
حددن بیرون اولمشیدی انلرك شروشورنی دفع وزیراعظمک سردار
اولسنه مو قوف ایدی محمد پاشایه سا بقیا کوندر بلن دعوت حکمی

وارد قبه روم ایلی بکلی بکلی تریای حسن پاشای بلغراد
کتوروب پرته قائم مقام وقوسی محمد افندی بی دفتر دارنصب ایدوب
سرحد اموری اصمرد قد نصرکه کندو عید شریفک دردیچی
کونی بلغراد دن چیقوب سابع ذی القعدة ده دارالسلطنة به واصل
وکل اجلال ایله قررعه لیمانی سراینه داخل اولوب جهانب
پادشا هیدن انواع نوازش والتفات اولندی

(مقتولی دلی حسن در طمشوار) چون سابقا برای مصلحت قریلیچی
برادری دلی حسن بوسنه ایالتی و پریلوب اذن طمشواره نقل اولندی
و بوسنه ده ایلاکلی قضا حاکمی اجالا ذکر اونشیدی ایکی
سنه به قریب طمشواره والی اولوب اوضاع ناهمواری ازاله سین
ایجاب ایتمکله استرغون قمتند نصرکه طمشوار خلعنه سردار اکرم
محمد پاشا طر فندن اشارت اولیچی مترصد فرصت اولان د لکیر
برکون قلعه دن چیقوب شکاره کید رکن هجوم و تباعنی قتل
ایتدیلر کندی بلغراد ده قاجوب انده قائم مقام سردار
اولان غازی حسن پاشا کندی قوناغنه کتوروب بعده قلعه به قودی
واستانه به عرض ایدوب شرعا قتلنه فتوی و امر کوندلر مکله دلی حسن
و قرنداشی اوغلی کوچک بکی قتل ایلمدی مریدر که مرزور
بوسنه ده ایکن بفساد عظیمه مباحثت ایتشیدی و ندیکه واپایه
مکتوب کوندروب سمن دونماکر ایله نواقر بندن رسنه قلعه سنه کلوب
حاضر اوله سرحصار مرزوری بنده ویرین بعده سائر آق دکر
سواحلی قلاعی آلیوره بن امار سنه قلعه سی مقابله سنده شمعی
یوز بیک التون ویره سزدیمش ایدی پس بوسنه ده بولک جوابی
کلوب طمشواردن برکور کچی ذمی به بوز التون وروب کوندردی
مرزور کور کچی دخی اول زمان سردار اولان مراد پاشایه
زاروب واقع حالی اعلام ایتدی و مکتوبی بکوستردی پاشا

دخینه اوباقی احتمالی وارد روار مکتوبی کوتور ولکن بوجایبه
کادیکیکه ابتدا ایزه کاک کرکسن دیوتنییه ایلدی پس مر نور کور کجی
ذمی دخی واروب دلی حسنک مکتوبی ویرد کده اسپانیه قرالی برکافر
پا ادا دخی برکافر قوشوب کلیس سرحدندن بریسا فجی ایلله زهونه
کلوب برخانه یه کیرد یلر کور کجی کلوب خبر ویرد کده مکتوبلرک
مضمونی بوجیقدیکه سزه ارسال اوانان آدلر معتمدین در بونلرک
کلامن بزم لسانر دن استماع ایدرکی اعتماد ایدک خلاف احتمالی
یوقدر دیو یمن ایشلر اول کافر لی سردار مراد پاشا کک خداسی
عبدی اغایه ذلی حسن بودر دیو کتوروب سوبلندیلر غرائبات
سویلدی ومطلوب اولان یوز بیسک التوفی بلغراد فرنگلرندن
المغه بو آدلر ایلله جواب کلد کده تمسک کوند ریلوردیمش
بعده اول ملعونلری نابود ایتدیلر

(ظهورد خان) حل وحرمتنده نیجه قیل وقال اولان دخان
فرنگستاندن ظهور و بوسالده دیار اسلامده اشعال نائرة شور ایدوب
ککند کجه شیوع واشتهار بولوب باعث ابتلا ی ظرفای
دیارا اولدی

وقایع سنه خمس عشر و الف

(سردار ی وزیر محمد پاشا وفاتش و وزارت درویش پاشا)
چون وزیر اعظم لالا محمد پاشا دزدولته کلدی وانکروس احوالی هتوز
برطرقا رلیوب اناطولی جا بیلرینک اصلاح احوالی دخی واجباتدن
ایدی حضور همایونده بالذفات مشاوره اولوب استجواب قلند قدده
جمله اعیان ایکی طرفه بیلله سر عسکرلر کوند ریلوب صدر اعظم در
دولته قرا ایدوب امداد طرفین ایلله تقید ایتک انفعدا کر جفاله زاده ک
انهرامی صاحب خاتم اولمدوغنه حل اولنور سه بوملا حظیه بی منادر
سپن سابقه ده نیجه وزرا مانند مصطفی پاشا و فرهاد پاشا

صاحب مهر دکل را یکن یکنه فتحات جلیله و غزوات جبله
وجوده کتور مشل در جغه زاده انهرامی کندونک طمع خامی
وسوء تدبیر و تقصیر مالا کلامیدر خصوصاً واجب الاستیله اولان
طاوایفدن اگرادی کندودن تغیر اینکله انلردخی امداد و انحصار
ایتنوب یان ویر دیلر دیو جواب ویر دیلر بعد الالبی واللی شر ق
سردار لغنه نصوح پاشا سارندن اوقعتدرهم میرشرف دامادی اولغله
اگراد طائفه سنک قلوبن تألیف ایدردیو وزارت؛ لئه ایله شرقه
سردار اولسین مناسب کوردیلر وانکروسه مراد پاشا کوندربلک
مقرر اولتوب بورأی اوزره قرار ویر دیلر و بشورت عرض
اولندقدن مرضی پادشاه اولوب سردار لقی امر لری یازلق فرمان
بیرلدی نصوح پاشایه وزارت سابقه سی ایله بغداد ایالتی ویریلوب
عجمه سردار نصب اولندی و روم ایلی والیسی امرای سرحد
و عسکر یله انکروس سفرینه کتک فرمان بیرلدی یکچیری اغاسی
حسین انجایه حلب ایالتی ویریلوب اول جانبلرده غوائل دفعنه تعیین
اولندی وقائم مقام بخضر پاشا دخی طونه یالیری محافظه سنه
ارسال اولندی وزیر اعظم غازی محمد پاشا بومهمه مشغول ایکن
جغاله زاده بی عزل ایتدیروب یرینه قبودان اولان سر بوستانیان
درویش پاشا غداره فتنه کار اولغله بورأیک خلافتنه ذاهب
اولوب دخی آرای سخیفه سی مقتضیاتن اجرایه متصدی اولوب
اولاقح استرغونه سبب اولان طرفقجی برادری حسین اغا کپی
دلوری اغا لقدن حلبی ویرمکه سبب اولندی هر چند وزیر اعظم اغای
مومی الیه بادی قح استرغوند رباری روم ایلی ایالتی ویرلسون
دیه کوردی مجال اولوب یرینه ماریول حسین اغا یکچیری اغاسی اولدی
حسین پاشا ناچار حلبه روانه اولوب شاء طریقده ادنه یه ایرشدکده
جلالی اشقیبا سندن جشید نام پاید اول مظلومک یوانی باصوب

شهید ایلدی بعده درویش پاشا بوفساد ایله اکتفا ایتوب
 نصوح پاشا تک شرقه سردار اولسنه رضا و برمیوب یاد شاه
 الباقی ایتمکله وزیر اعظمک شرقه کوندر لسنه سعی ایدوب خط
 همایون اضداد ایتدردی وزیر عرضه گیر دکده پادشاه بالمشافهه
 بشتک بحجته سردار اولوب کتک لازم کلسدر همان تدارک
 کورینور دقده امر پادشا همکدر لکن بوسنه مأمولدر که انکروس
 صلحی قرار داده اوله دیمکدن غیرى سوز بولا میوب حیرت واردی
 تکرار امر اوزره تدارکده ول دیو فرمان بیور لب قده حضور پادشاهیدن
 چنقوب سرایشه کلدی واولانجه ملا خطه سنی تفصیلا تلخیص
 ایلدی مفید اولدی ایرتسی نصوح پاشا سردار لاق تمهینه سنه
 کلوب تسلی و تطبیبه متعلق چوق سوز سوبوب بیله کید رزاعدر
 همایونده نیجه خد متلر ایدر زان شاء الله تعالی بر مرتبه محظوظ
 اوله سز که انکروس سفر لرینی اونوده ستر دیمکله قاپنه بر مقیدار
 سکون واطمینان ویردی اول بحالسنه وزیر اعظم درویش پاشا دن
 شکایت وکشد و تک مافی الضمیرینی حکایت ایدوب دیدیکه باری
 سردار لاق ایله اوسکبه واروب بعده مکوموریه طرفته کچوب
 بو حقایق دخی اونه طرفدن پوزونی کچوب بیج التمه ایکی عسکر
 ملاقی اولش اولسقی فیجیه ده مملکتی و قدرتمی فالوردی شمعی
 اصل خورم بو حقایق و بحار قومنه مدارا ایتمز و وضع ناهیه وار ایله طامی
 ایدر لر اذن ایکی بلایک بیه هیا اولور دیوب زاری زاری
 اغلادی و پادشاه تکرار تلخیص ایدوب باری انکروس سفرینه
 کیدهیم و واروب خدمت صلحی تکمیل ایدیم نصوح پاشا میر
 شرف دامادی اولغله تسخیر اکراده قادر در شرقه سردار لاق ایله
 کلسون دیو نیا زایلدی برو جهله تحویل امکان اولدی خوا
 و ناخواه اوطاغنی چیقار دوب اسکداره قور دیلر و بلغرادده

زل امینی اولان قیوچی باشی مصطفی اغا وزیرک برکار گذار آد مبسی
ایدی درویش پاشا عملی ایله اکا دخی قسطی بونی سنجاغ نک
خط شریفی ورود ایلمدی انکی چون دخی تلخیص ایدوب سفردنه ذخیره
تدارکنه معیندر الک خد متنی کورر آرم دخی پوقدر آتی بو فوکی کزدن
ایرمق قولیمز فنا دیمز قیرمقد و عفو بیوریلوب یا نقرده قالمق رجا
اولنورد یو عرض ایلد کده تلخیصک او ز ریته احسان ایتد یگیز
سنجاغیزی بکتفر می دیو جواب یازد بلر پاشاک ظاهر انکسارندن
قطع نظر بو ستلمرد رویته کار ایدوب کوندن کونه تخوم ایله قرتی
ضعفه بیدل اولدی و اول هفته ده اوطاغنه چقبوب اسکداره عبور
ایچرن مؤکد فرما نلر ورود یتکله مجبور اولمشیدی بقدره الله تعالی
برگون اپکسندی دیوان سبوررکنی باشندن بر ماده حاره تا زل اولوب
مفلوج اولغله بر شقی عجلدن قالوب اغازی کندوی یو کلوب ایچرو
کوروب معالجه سنه طیبیلر کلوب بو حاتی عالمه شایع اولمشیکن
ینه درویش پاشا دید کلری ظالم و بی رحم و غدار پادشاهه تمارض
ایتشدو دیو الفا یتکله ایرتسی تشدید و تعینی مشهر بر خط شریف
الوب کوندردی مضمئننده تملل و تمارضی قویوب البسه اوطاغنه
کوجه سن دیشیدی لالا محمد پاشا پیکاره پایه سریر اعلایه ضراعت
نامه یازد یروب اباه کرام واجداد غطاملری ارواح طیبهری ایچون
اولسون جمله دن زیاده معتمد قولیکر کیم ایسه ارسال بیورک تا کیم
نه سالد اولدو غمی کوروب صحتی او زره پادشاهه همه بلد رسون
اگر محفه ایله اسکداره نقل اولغا من معقول کور بلور ایسه امر
عایلری او زره نقل ایتسونلر دیو خبر کوندرد کده پادشاه طرفندن
قیو اغاسی کلوب یاشاک فراشده جالتی کوروب واروب اعلام ایلمدی
واقعا نصف جسدی میت اید و کی معلوم سلطانی اولد قسده
تقاضادن فراغت اولندی فیه اغاسی وزیر کلد کده وزیر یان دیوخی

یرده اغلیوب بودولت علیه به ایندیکم خدمت بلتیوب جالده اعتماد
 اولندی پادشا همک دامن بوش ایدوب بوجالمی سولیه سن
 ووفات ایندی یکمده الی ینیم واردر هر نه احسان ایدر ایسه الله عظیم
 الشان حضرتلری مکافات ایله دیو وصیت ایدوب کوندردی اغا
 دخی اغلیه رق حضور همایونه واروب شویله بروز یک قدری بلندی
 پادشاهم اعدا سوزینه نیچون اعتماد ایدر سرحالا محتضردر
 بلکه بوسکون فوت اولوردید کده اول کیدرسه بری دخی یرینه
 کلور یوردیلر (ع) * حق تعالی قطبینی دائم خط سدن صافلسون *
 خواستی اظهار ایندی لر اما بوجفایی چاره محمد پاشا به سبب نکس
 مرض اولوب اوچینی کونی رحلت ایلدی رحمه الله علیه وزرا و علما
 وارکان نعتی قالدیروب سلطان محمد غازی جامعنده نمازی ادا
 وچرارایی ابوب انصاریده محمد پاشای عتیق تر به سی جوارنده دفن
 ایلدی لر هر کس دونوب قیودان درویش پاشادخی تر به دن دونوب
 ترسانه به اوخلاد قده مهر کندویه و یریلوب ترسانه دن سرور ایله
 سرایشه کندی مفتی صنع الله افندی دن نقل اولندیغی اوزره تدبیر
 امر مزاج ایدن پورتقال حکیم درویش پاشا عملیه مخالف - قنه ایله
 علاج یوزدن تسیم ایلش وزیر مر حومک وصیتی پادشا هسه
 عرض اولتد قده نقودی مصارف سفر به ایچون الیوب سائر
 مختلفاتی عیتمنه و یرلک فرمان اولندی لکن درویش پاشای غدار
 سفر مهماتی ایچون خرج لازمدر دیو بلغراد دن تمکینی زاده ایله
 کتور دوب یوز الی ییک التون و یوز یوک قدر غروش و سائر تحف
 و اشایی جله قبض ایدوب بتیله اقل قلیل می و یردی مهر درویشه
 و یرلدیکی کون قیودانلق ینه کدو صر منیه سابقا اوج دفعه قبریس
 بکیر بکبسی اولان فریک جعفر پاشا به فن در یاده ماهر در دیوب توجیه
 اولندی درویش پاشا ابتدا دیوان صدارته جالس اولدوقده چاوش

باشی به تنبیه ایتدی که اهل دیوان بی سار و زیره قیاس ایتسونلر کیچکه
 فقراتک بو کونکی ایشنی ایرتیه قویه باشنی کسه رم دیچک کلاب
 اشیدوب بو قال بد کندویه حسب حال اوله جقد ر دیدیلر
 راول امر دن نه سوز صدر ایدر ایه غافیت اول معناظهور ایدیه جکی
 مجرید ردیو تطیر ایتدی لر وینه اول کون ایکندی دیواننده بکلر
 بکلیکدن متقاعد بر پیرک اوغلی جرمیله یونین اور دوروب مالنی
 مصادره ایتکله چله کورنلر (بشر القائل بالقتل) مضمرنی شو یلدیلر
 وزیر مر قومک تهنیه سنه عامه اکابر کلوب از دحاک اره سی
 کینلدی او چنجی کون معل سلطانی کلوب تهنیت ایتدی بعد
 صلوة الجمعه مفتی افندی دخی کلوب صلوة عصری معیت
 ایله ادا ایتدی لر کیده جک وقتده مر قوم مفتی افندی به خطاب
 ایدوب یارین دیوان اولوب حضور هما یوند مشاوره اولنسون
 دیدی و کندولر شک دخی حضورین التماس ایتدی مفتی دخی
 وار مغه تعهد ایلوب ایرتسی حضور هما یوند عقد مجلس
 مشورت اولوب وزرا و صدرین و مفتی و خواجه افندی لر جمعیت
 ایدوب قتح کلامه منتظر اولد قلرند پادشاه حضر تری قتح کلام
 ایدوب بوسنه امر سفر غایت کیچ قالدی خصوصاً ذخیره تدارکی
 غایت عسیر در لازم اولان بودر که بوسنه مهمات تدارک اولوب
 سفر سنه آتیه به قالسه معقولیدر دید کلرند اهل مجلس متحیر اولوب
 ساکت طور د یلر بالاخره مفتی افندی سوز آچوب ترک صبیر ایله
 مقتضای جالبی اولان قول بالحسین ایله عامل اولوب بود کلو
 ایچیلره قارشو ارد و و اوطاقی چیقارلشکن بینه ایستابولر دونلک
 مناسب میدر باری سردار حلب الشهبایه دکه واروب آند قشلاسون
 و ذخیره تدارک ایدوب اول بهسارده عجم طرفنه حرکت ایتسون
 دیدکده پادشاه مقابله ایدوب حلبه وارلما نک فائده سی ندر دیدینی

مولانا جواب و پروب فائده بود که اردوی همایون بوق پر حقیقش
اولماز و خیام کردن قیام دوست و دشمنه قارشواچر و دوندورلش
اولمز می جوم سلطان سلیمان خان نجوان سفرینه حریمت بیوردفده
جلبد ه قشلا یوب اول بهارده شرقه کتمشدر حالیا دخی اولوجهله
حرکت اولنقی مصلحت در دید کده پادشاه تکرار حلبه وار لمقده
نه تقع متصور در دبدی کبر و مولانا طور میوب اعدایه قارشو
اسکنداردن خیام عسکر اسلام دوندر ملک معقول کوریلور می
باری محافظه مملکت ایچون عسکر ار سال اولنقر می دید کده
پادشاه حضر تتری محافظه مملکت ایچون فرهاد پاشا بر مقدار
عسکر ایله کنسون وار دوی دوندر میوب بیله کوتورسون دیدیلر
صنع الله افتدی یا انلره ذخیره اشترایچون بر مقدار مبلغ ویرلزمی
دید کده پادشاه خزینه یوقدر نردن ویرلم دیمشلرینه مولانا باری
مصر خزینه سدن بر مقدار احسان بیورلسه اولنقر می دید کلرند
مصر خزینه سی بزم جیب خر جلفمدر آندن نیچه ویر یاور دیو
جواب ویر دیلر مولانا نه طور میوب جدیدکمر جوم سلطان سلیمان
خان حضر تتری سکتواره کتد کلرند سرای عامر ده و تقدیر التون
و کش اوانی و ارایسه مصر بخانه یه و پروب کسدر دیلر و مهماته
صرف ایتدیلر و کیف که مصر خزینه سی دیوب اطناب ایتد کده
پادشاه جبین پرچین ایدوب افتدی سن بنم سوزیمی اکلور سن
زمان زمانه اویماز اولر مالک مقتضای اول ایش اول وقتک
حالی یوز ماند نیچون ایراد ایدرسن بیوردیلر منلا کورد یکه
سوز تأثیر ایتمز جمله ایله قالقوب سلا ملد یلر کاتب چلبی قذک کده
در که بوقصه بی حسن بکراده تاریخنده روایت ایدر (الملوک ملهمون)
و فقیحه پادشاهدن صادر اولان سوز فی الحقیقه حکمت و طبیعت
قانون اوزره تاریخ بازان مورخلر سوزیدر سلطان سلیمان زمانک

احوال مقتضیات اطوار دولت و طبیعت اوضاع جمعیت
 فاعده سنجه بوزمان احوالته عرض و تطبیق قبول ایاز و بوعصری
 او عصره قیاس خطا در یاد شاهک بوخصوصه کلامی صحیح
 و مستقیم در پس مقبالت اول مجلسه اولان جرأت و حق گویندند
 در ویش پاشا دیند کبری بد خوی بخضور اولوب بینی سفره
 کوندر مکرده اقسام ایلدی دیو رنجور اولوب اول اهل تقوی بی
 مسند فتوادن فالدرمقی مراد ایلدی اما اگر خواجه زاده بی
 مفتی ادرسه ایکی برادری صدرین بولمغله اوچی دخی اتفاق
 ایدوب بی سویلتمزل دیو تر د ایلدی بالاخره ابوالیمان مصطفی
 افندی بی دفعه ثابده صدر فتوایه نصب ایلدی خلاصه کلام
 درویش پاشا مر حوم لا لا محمد پاشا تک سردار قی ایلله شرقه
 کتمنه سعی ایدوب لزومه ذاهب و اخراج و از عاجزه بیک جلاله
 مبهم و طالب ایکن حالا کندوشی وزیر اولد قده سفره کتدن ابا
 و احتراز اوزره اولدی و هر طائفه دن کند و طرف کیزری اولان
 اشخاص دخی مجالسده وکیل السلطنه یه کرک اولان یرنده مستقر
 اولوب هر طرفه کیدن سرعسکرله امداد یتشد یره دیو کلیات
 ایدوب عملاز یتشد بر منصب موهوم ایچون بیک مداهنه چالان
 یادکارلردن بری دخی برکون اثنای کلامده کندویه ریشخنده ایدوب
 بنم سلطاتم سن بر آفتاب عالنا بسن یرکده اوطور و اطراف طائمه
 نشر نور ایدوب جهاندن ظلمتی کوتور دیدی اول قباحت نافهم
 حضرت ظل الله جنا بنده سزاوار اولان صفی اول شخص
 دون بی اهله تخصیص ایلدی چون بوسوز درویش پاشا تک مطبوع
 قلبی و موافق مطلبی ایدی زجت سفری دفع ایچون بعض مقدمات
 واهیله ایلله مراد فی تمسبت و پادشاهی کندونک قالمسبنده رغبت
 ایتدردی بالاخره کندوشی سفره کتوب دلی فرهاد پاشایی ارسال

ایلدی من بور فرهاد پاشا نك عدم استعدادی معلوم و بوم صلحتك
عهدہ سندن كلكه قدرق اولدوغی آشكاره ایكن درویش پاشا
كشد و اوزردن دفع ایچون من بوری تعین ایتدیروب ماه صفر ك
دردنچی كونی اسكداره كچوردی و یكچیری كنجداسی عثمان اغا
اون بیک نفر ایله والی بلوك طوپی و جبهه جی بیله قوش بلوب قرمان
وسپاس ایالتری معا مأمور اولدی لکن من بورك سر عسکر لکه
ایاقتی اولد و غنندن غیری عسکر و سپاه ایله امتزاجی اولوب
برنادان مهور و بد زبان اولغله عسکر کندویه متابعت ایتوب بلوك
خلقی علوفه طایفه کاذبجه بنسده سپاهی یم علوفه استرم سزه
بلوك و یردیکم طوتیلور کندومه طوتلازمی دیوم عارضه ایدوب
سپاه كشد و اوطاغنه طاش ایله هجوم ایتدكده كند و دخی آنکینی
طاش ایله طولد وروب چیقاردی و سپاه جهوری اراسنده
كشد و اوطاغنه طاش اوروب طنابلرن چیقارمغه باشلادی بومقوله
اوضاع ایدیه رك زمان كچوروب اتماب عسکر دن غیری برایش
کورلدی عوجه محمود چلی نام كسنه مشاهده دن نقل ایدزكه
مرقوم دلی فرهاد پاشا بروسهیه وارد قده لوندات عورت چكوب
مرقومه شكایت ایلدكزنده یانی می چكسونلر دیوا شمع تعبیر ایله
شاکیله جواب و یرردی سائر احوالی دخی بو كا
مشابه ایدی قونیه ده سفره كلان سپاهیلر قه سعید
نام شهنشك بلوکی ایله جنك ایدوب بورغون اردویه
كلكارنده فرهاد پاشای قونیهیه دوندردیلر و دورد قسط مواجبلری
اشلابوب خزینه وفا اینه مكله یكچیری مواجی و یربلوب بلوك خلفته
آستانهیه واروب علوفه لرین طلب ایتكه اجازت و یردی و كندی
معزول و منكوب قونیه ده قالوب غنندن هلاك و ساكن
پیغوله خاك اولدی

(مقتول درویش پاشا و وزارت مراد پاشا) چون سابقه دلی
فرهاد پاشا سردار کک و ندریلوب وزیر درویش پاشا آستانه ده
فالدی و فرهاد پاشا سردار لقی همده سندن کله ممکله قلندر اوغلی
نام شقی آیدین و ساروخان مملکتلرینه حلول واهالسی تنگنای محنت
و ابتلا به دخول ایتکله داد خواهان رعایا استنبوله دو کپلرب و فرهاد
پاشا دن ولوند اتندن جور و تعدی کک و ندریلوب فوج فوج کلوب
رکاب همایونه رفع رقبه ایدیکون بونجه فسادک ظهوری محضا اول
وزیری تدبیرک طلب راحت ایله قالمسی سبی ایله اولدوغی ظاهر
اولوب و سوخلوق جهشتدن جله نک قلی کندودن نفرت ایتکله
مقربان حضرت فرصت یاب اولوب ازله سی باینده سوق کلامه
باشلدیلر و مفتی صنع الله افندی بی حق کویلمی ایچون بیکنانه
عزل ایتدیردیکي مقدما ذکر اولتمشیدی بحکمة الله تعالی ولانا
مرقوم ابو المیامن مصطفی افندی اوج آی معمر اولوب مرحوم
دارج مدارج رحمت رب قیوم اولوب مولانا صنع الله افندیک دعاسی
کار کر اولدوغن خاص و عام ییلوب دفعه ثانی ده بنده صنع الله
افندی مفتی اولدی چون درویش پاشانک اوضاع ناهمه وارندن
وضیع و شریف متألم اولوب مظالم و مفاسدی حددن تجاوز
ایتدوکنی سمع پادشاهه القا ایتدیلر و اناطولیدن کلن شکاتنک دخی
فریادی محرک غضب سلطانی اولوب درویش پاشانک سوء حالنه
کمال اطلاع سببیلله جناب پادشا هی کندودن روگردان اولدی
بر کون معللریله مفتی بی دعوت و درویش پاشانک قبح احوال
و سوء افعال مذاکره و رفعی باینده مشورت ییوروب بعد الازاله برینه
کیمی نصب ایلک مناسب ایدوکن مکالمه دنصکره درویش
پاشا یه خواب خرگوش و یریلوب بر ایکی کون نواز شد نصکره
بر کون سرای همایونه دعوت ییوروب کلدکه حسب الاشعاره

یوستانیان اول غول یا باقی مقتول و کله نقطه و غنی پیشگاه
شرای بارگاه ده ثانی رأس الغول ابتدا بر سر و پدر که حضوره نمایانده
طیاب و طاع ابله بوغدور ب پرزماندن صکره ایلغی تحریک ایتکله
کندوری خنجر ابله بوغازنی کسدیلر (ع) قیدی درویشته شاه *
تاریخ قتلیدر مر حوم عزیزی زاده حائلی افندیگ حد مستن
ابله مشغلی سسکسان بیت قصاید غرائب غامسی غرقومک
کاشف حالیدر

(سبب قتل درویش پاشا) غرقومک سبب قتل بویه نقل
اولنور کشدوسی غایت ظام و مذموم و طماع بدرسوم اولوب و اکابر
خدمت آیدن یهودیلر دن بری مزبوره خدمت و عرض استقامت
ایدوب زیاده تقرب کسب ایتشیدی مکر یهودیلرک مقتصدی
بویامشکه کناردن برینه خدمت ایتسدر اول کشتهک ایراد و تصرف
واخذ و اعطایه متعلق احوالندن هرینه مطلع اولور ایسه دفتر ایدرلر
یهودی غرقوم دخی بووجهله دفتر ایدرلر و وزیر غرقوم یهودیه
زیاده اعتماد ایدوب انک کفایت فریفته اولوب کلیات و جریات امورین
اکانیدارلر ایتشیدی اولدخی اکثر مضارقی کندودن خرج ایدوب
برنجنده پاشادان استیفا ایتک اویره دفتر ایدرلر و چنانکه دمور
قیو حداسنده سرای بناسنه مباشرت ایلدی جهوده اضممارلر بیکه
مقتصد اولوب تمام اولنجیه قدر مال صرف اولنور ایسه دفتر
ایدوب بعده کندودن استیفا ایلله جهود دخی مال فراوان صرف
ایدوب طرح و رسم و بنا جیسا جهودک رأینیه مقوض اولدی
اتمامه قریب اولدقده برکون جهودی کنشوروب خرج دفترین
طلب ایلدی جهود دخی الینسه و یروب پاشا مطاعه ایتدکده
وردی زاده مال صرف اولنمش کتر نشدن مشغول اولوب نجب
چوق کتمش دیو صورت انکار ابله چین چین کوستری چوب

وزیر مر قوم طماع فی باک وغدار ایدی جهیزود بلیدیکه اول
مال حق اوزره ایضا کندویه کوچ کلوب بر بهانه ایله کندوی
تلف و مالی بلغ ایتمک احتمالی مقردر جان باشنه صحرا یوب فی الحال
فکر شیطننت ایله چاره ساز لقی تدارک ایلیوب پاشادن دفتر تی
الیدی و کرزی قارشوسنده پاره پاره ایلیوب آکشه یاقدی بن بومالی
سلطانمندن المی ایچون دفتر ایتمدم الیمد و ماله اولاه مفهومیجه
مالم اقتدی مکرر بن کندی قولیکم دوات کده نیجه بو قدر مال
قراندم یتنه قرانوب سلطانمندن برجه طلب ایتمه بحکم معلومکن
دیکیدر ایچق نه خرج اولندی دیوسوال پیورسه کن جواب ممکن
اولسون دیود دفتر ایتم دیوب پاشایی اغرار و اغسال ایلدی ایچق
طامع یهودینک سوزینی کر چک نظیله محظوظ اولدی یهودی اخذ
انتقام ایچون حبله یه آغاز ایلوب سرایده اشدین عمله به تعلیم ایلوب
سرایک سردابه سندن سرای عامره نک دیواری الته واریمجه برخفی
دهلیر قازردی شویله که بر قاج ارغاد کیجه ایله قازوب بر فرد اکاه
اولمیدن اقدام تام ایتد یلر اغرنی طایس ایله قیایوب کتم ایلدیلر
یهودی بوجاه شمن ربانی مهیا ایتد کدنضکره پاشانک عدوی جانی
اولان قبواغاسنه اندساب ایلوب وافر هدی و یروب محرمیت
حاصل ایتد کدنضکره پادشاهه وزیرک سو قصدی وارد دیو حفر
اولنان مطبوره قصه سن مخفیجه تقریر ایلدی اولدخی پادشاهه
بلدی یروب عند الاستکشاف حبله کار کر اولوب طبع یاد شاههی
کشدون منتفر و مکدر بولغله تراکم اسباب وزیر مزبورک عرضه
تبع آتشتاب اولسته سبب اولدی وزیر مزبور سائر تعدی نسدن ماهدنا
اول ائشاده مقرر ایتمش ایدیکه استانبول حلقندن هر شه نشین
باشنه بیکر ایچمه جم ایدمه هله قتل اولغله خلق اول تکلیفدن قورتیلوب
حقه شکر ایلد یلر درویش پاشانک قتلی شهبان اوائلند و وقوع

بولوب ماه من بورك اونچى كوني مفتي صنع الله افندي القاسيله
مهر وزارت نيك و بد دیده روزگار کرم و سرد کشبده هر دیار وزیر
جلادت شعار مراد پاشای نامداره سزاوار کوریلوب قیوجیلر
کنخداسیله بلغراد کوندرادی و بحال در دواته کلکده مسارعت
امری ارسال اولندی

(کوندریلن خط همایون مضعونی) سنکه وزیر مراد پاشا سن
حالا کسنه نك القاسيله دکل و بر فردك رجاسی او لمقسنین
خاصه قریحه همایوندن وزارت عظمایی سکا و بر دم و خاتم
همایونگی کوندرم امیددر که جناب عزت هر ایشکده معین
و دستگیر اوله کوره یم سنی هر امورده نیجه سعی ایدرسن و عتبه
علیه مه بر کون مقدم ایرشمکه اقدام اید سن آنتهی مراد پاشا
دخی صلح و صلاح امرنی کوروب بعضی عهدی متضمن ضراعت
نامه لایله ماعلیه الصلح اولان مالی حامل ایلمچیلری استصحاب
ایدوب جانب ان کوروسدن قطع علائق و اسباب ایله
بلغراد کلوب قرار ایلمش ایدی و زیاده ضیق حال ضرورت ایله
تشویش بال اوزره اولوب کثرت اسفار دشمن عنود سیم وزیرینا بود
ایتمکله مضطرب الاحوال اولمشیدی حتی اولزمان بلغراد قاضیسی
چشمی افندی متوجه اولمغه مشا رایسه جا بنه ایکی یك التون
قدر قرض و یروب امداد ایلمسی کندونک سبب رفاهیت بالی اولمشدر
وزیر مشا رایسه بو ضرورتله ینه اجرای حکومته دقیقه فوت
ایتموب ضبط و جلادتی قیاسدن بیرون ایدی بر کون اوضاع لشکرندن
بعضی جبهه جیلر بر قاج دکان غارت ایتد کلرکنده طوئد یروب اللی نفره
قریب اشخاصی اوطاغی اوکنده مظهر ضرب الرقاب ایدوب فرط
سیاستی راحت بخش شیخ و شاب اولمش ایدی بو حال اوزره بلغراد ده ایکن
ذوات صدارت کندویه بمر اولدقده (ان الکرام اذا ماتوا اسلوا ذکروا)

فخواسنجیه چشمی افندیك دوستلغی و آدمینی فراموش ایتموب حلب
مولوتی ایله ممتاز اقران ایلدی حتی اول زمان حساد بد زبان دیمشله (یت)

* حلبه قاضی اولدی چشمی خواجه *

* چقورنده بوله چقورچی قوجه *

(ذکر انعقاد صلح با کفرانجه) سابقا لالا محمد پاشا د نصکره نمجه ایله
مصالحه امری وزیر مراد پاشا ک آینه حواله اولترب سردارلق ایله
سرحد ه کوند رلشیدی کندو متسویاتی ایله چقبوب بودینه وارد قده
ما موراولان عسکر دخی کلوب دیرك ایتدی اول ائنده فرع باب
صلح ایدن کفار ه نعم ایله جواب و یروب دامادی بودین بکگر بکسی
قاضی زاده علی پاشا و بودین قاضیسی ها بیل افندی و بود بنده
اعبادن نصیر الدین زاده مصطفی افندی و علی پاشا کفنداسنی
قادم اجد کتخدا قالقوب قومر ان ایله استرغون مایینده واقع
ژیدوه بو غارینه وارد یلر نمجه و بحار بکری و وکیلاری دخی مقدم
ککشلر ایدی پو چقای ک دخی اذن و رضاسنی اولدی اونه طرفده
انلر استرغون طرفده اهل اسلام قونوب سنه مزبور ه رچی
غره سنده احوال صلحی ایکی طرفدن قایقاره نبوب طوفه و زرنده
سویلشدیلر جانبیدن نیجه قیل و تال و بحث وجدالد نصکره بو سوال
اوزره صلحه قرار و یردیلر که صلح الان معقد اولان صلحدروا بتداسی
پوتار یخدن معتبر اوله زیرا مقدم پو چقای و محمد پاشا ایله سوبله
شیان بحار قومی عموما پو چقای حکو منشد داخل اولوب
وبر دفعه خطبه اوقناب قلاع فلک و یانق و غیره جله و یرك
اوزره ایدی و بونک اوزرینه قول و قرار اولتوب اول زمان متار که
اوزره قالمش ایدی وزیر اعظم محمد پاشا و فاند نصکره پو چقای دخی
اقدام ایده مدی اونه طرفک مرادی اوزره مراد پاشا برای مصالحت

صلح ایلدی صلح نامه ده مسطور اولان وکیلار و شروط صلح
اجالی بود
(خلاصه صلح نامه) بن که ایمپراطور وزیر و قوهران قبودانی
و جمله سرحد رده اولان بیراقلرک بکچبسی بانوش امور لاردی بم
و ایمپراطور وزیر و سرداری ادا لغوش اهو انجاسم و طورس
قومسی سفر پووس قولنجیم و طونه نک اوتنه یاقه قبودانی
نیقولاش اشتونم و طونه نک بری یاقه قبودانی و ایمپراطور وزیر
فرانس کوسنلکاتم و فرسبورک قومبسی قولادی روایدیم
بومصلحتنه تعیین اولنوب کلشنز عهد نامه بازوب دیز که بنه نجه
چاساری پادشاهمز ایکنی اودا لغوش اللهم عنا یتی ایل
الهمان و بحار و چه ود الماسیا و خروات و غوث و لایترینک
چاسار بد غظمتلو پادشاه سلطان احمد خان حضرتلرینک
بزمسله صلح ایتمکسه استقلال کلی ایل و کبلی اولان
بودین بکربکچسی دولتو علی پاشا حضرتلری و بودین قاضیسی
هاییل افندی ایل و کالتیرجهتی ایله الیزده اولان استقلالیز اوزره بکرمی
ایلده نک بوشرطلر ایله بتورد کیمر صلحدر که ذکر اولنور (شرط اول) بودر
که بزم چاسار ایلیجیاری پادشاه حضرتلری آستانه سنه واره و اوتنه دن
برو بری برینه کوندر دیک نامه رده اوغول بابایه و بابا اوغوله یازدقلری
کچی محبت اوزره یازه ل (ایکنی شرط) بودر که نامه هما یوند
رومه چاساری یازیلوب قرال یازلیه (اوچنچی) بعنایه الله تعالی
باریشق تمام اولد قد نصکره پادشاه حضرتلرینه تابع تاتار
طائفه سندن و سائر عسکر دن رومه چاساری ولایتنه ضرر اولیه
(دردنچی) بواکی حاکمک دریاده و فرده و لایترینه بر طرفدن
ضرر اولیه و بحار ناحیه لرند بونلره تابع قریه لر بزم جانجزدن دخل
اولنیه و اسپانیه قرالی باریشق مراد ایدرسه دخل اولنیه (یشنچی)
بودر که هر دور لوچته لر منع اولنوب ایکی طرفدن بورومیه اگر بزم

جانبزدن ضرر اولور سه قره ده طوتیلور سه حاکم ؛ و جانبک
قبودانسه یلدریوب اول محله اندن آدم واروب شرعله کوریلور
اکر قتل و اسکر تعزیر لازم کلن اجرا اولنه اللرنده بولنان اشیا
صاحبلرینه ویریله (التجی) بودرکه بو صلح ایچیده قلعسه
اوغرلنجه و دو کولیه و حبله ابله التمه و بر طریق ایله التور سه
رد اولنه دیو پوچقانی حاکمه ویریلن قلعه لر یچیده بتورلدوی
اوزره انده قاله (یدنجی) بودرکه ایکی جانبدن صلحه کلنجه
بهاسی کسلین طوتساقلر بهالزین و یروب چیقار و بهاسی کسلینلر
بدلی طوتساقی ایله تبدیل اولنه و صلح نصکره کسه طوتساق
طوتمه و بر طریقله طوتیلور سه التدن الینوب مجانا اطلاق اولنسه
وابکی جانبدن طوتانلره حقارت اولنه (سکرنجی) طمشوار
و بوسته واکری و قنیره سر حدلرنده باریشغه مضر حال ظهور ایدر سه
حاکملرینه عرض اولنوب حق اجرا اولنر سه بودین بکار بکشی
جمله باش بوغ تعین اولنوب اکا عرض اولنه که حق اجرا ایلیه
و بوجانیده یانق حاکمه و طونه تک بروی قسای قبودانلرینه و خروات
بانلرینه بلدیریلوب انلردخی حق اجرا ایدلر (طتورنجی) بودرکه
هر جانبده اللرنده اولان قلعه لر تعمیر اولنوب مجدد ابریده قلعسه
و بئلغه باطلیه (اونجی) عظمتلو پادشاه حضرتلرینه شمد یکی
حالده مشاوره اولنان ایکوزیک غروش نقد و یادکار یولک ایلچیلریمز
ایله واروب و اصل اولدقده سعادتلو سردار حضرتلری دخی
دولته لایق هدایا ایله بللو باشلو برسجاق بکنی هر سک جانبده
کوندرلر و بیشکشیمز و اصل اولدقده دولتلرینه لایق ارسدوغی
اوزره عادت قدیمه دن زیاده هدایا ایله چاساریمز کوندرلر
(اون برنجی) بودرکه شمدیکی حالده ایلچیلریمز آستانه یه واروب
ذکر اولنان نقود و یادکاری تسلیم ایدلر (اون ایکنجی شرط)

بود که اشبویک اون بش رچی غره سندن و بلاد عیسی نیک
 التي یون تار یخنده واقع بوا مرک ابتدا سندن بکرمی ییله دك طویلرب
 شمدی کیدن پدشکشدن صکره اوج ییله دك نسنه کتیب اوج سنه دن
 صکره پیشکش نه مقدار ایدو کینک عددی تعیین اولمیه و وارد قدہ
 روما چاسارینه لایق هدیه ایله یلاو باشلو آدم لرین کوندرهل و بو وعدہ
 ایچنده اسلام پادشاهی یا خود بنم چاسار یمز و بچار قرالی
 آخر ته انتقال ایدرلایسه اولاد و انسابی و اقر باسی بویار یشق
 ایچنده محکم طور وب صلحی بوزمیه ل (اون اوچینی) واج
 پلنقه سی نه حالده ایسه مر مات اولتوب زیاده ارتورایه (اون دردنجی)
 ایلیچ لر یمز وارد قدہ هر نه رجا ایدرلایسه ایدل (اون بشنی) اگری
 فتحند نصکره اطاعت ایدوب ویرک ویر قریه لر کیر و ویرل (اون اتنجی)
 قیلک و سچان و نوغراد قریه لر دن اگری به و خطا و نه و بودینه
 و استرغونه اطاعت ایدن قریه ل اطاعت اوزره اولوب ویرکولرین
 ویرل (اون پدنجی) استرغون چاسار یمز الله دوشنجه قلعه مر نوز به
 اطاعت ایدوب ویرک ویرنل کیر ویرل و سائر سرحد لده اولان
 قریه لر دخی قدیم دن ایکی جانب ویرکولرین ویره کلد کلری اوزره
 ویرل و قنبره فتحند نصکره اطاعت ایدن قریه لده نزاع اوزره اولار
 ایچون اسلام چابندن آدم تعیین اولتوب بکان اوغلی ایله محکمده
 کور یلوب قنبره کلن و کلین قریه لر تصحیح اولنه و شمدیه دك کلن
 قریه لر ویرکولرین ویروب کلنلره تجاوز اولمیه تم

(وقعه نصوح پاشا در بغداد) بوسال محرم نك در دنده وزیر
 اعظم سابق محمد پاشا عرضیله بغداد ویریلن نصوح پاشا اول
 جانب توجہ ایلوب نهر فراته وارد قدہ بصره دن معزول پیاله پاشا به
 ملاقی اولوب بغداده بر ساخته امر ایله مستولی و غامه بغداد قولی
 ریشخند و استعالت ایله کندویه یارایمکله فضولا دارالملك عراقه والی

اولان طویل احمد اوغلی محمد نام شقینک طغیان خیزین الوب
سرعت ایله نصیبینه وارد قده بروجہ اوجا قلق جزیره حاکی ورقه
ایالتی بکیر بکبسی اولان میر شرف استقبال وزیر دستنیده اولان
اگرادی ایله رفاقت واعانتی ملتزم اولدی ونصوح پاشا قدیمدن
بغدادہ ایشہ کلن اگراد بکیرندن سیدخان بکک و سهران بکیرینه
وامیر عربان اولان ابوریش اوغلی امیر احمد خلعنار و بغداد سفری
سزہ واجب اولمشدر حالیا اول طرفہ کوندربلان سردارم نصوح
پاشایہ رفاقت ومعاونت ایچون لحوق ایده سز دیوا و امر علیہ
وموجبہ استمالت نامہ لکوندردی ابوریش اوغلی طریق مکرہ
سلوک ایدوب سزا و طرفدن متوجہ اولک بزواج بندن روان اولوب
سز دن مقدم بغدادک جانب غریبسنه واروب نزول ایتمز مقرر در
دیو فریندن ماعداسید خان اوغلی و سائر اگراد دخی بومقوله تقریرات
سقیمه یواندن جواب و پروپ لعل و عسی ایله پاشا قرق کون موصلده
توقف ایدوب مرقوملردن برائظاھر اولدی نصوح پاشا بو حیرتده
ایکن سیدخانک بغدادہ کوندردیکی مکتوبی طوتلدی مضمونده
طویل اوغلی ایشته بز نصوح پاشایی بونجه زمان تعویق و سهران
اگرادی منع ایتدک سندخی کرکدر که ارکی حرکت ایدوب بغدادی
الذن چبقار ممغه سعی ایده سز دیمش نصوح پاشا زیاده منفعل اولوب
هر چند که ناندہ اولان لشکر ایله بغداد اوزر پنه وارلق عسیر ایدوکنی
یلوردی ما آستانہ دن اقدامی متضمن امر هما یون وارد اولغین ناچار
شهر زو بکیر بکبسی ولی پاشا و یلہ پاشا میر شرف پاشا ایله لشکری
یصایوب یوریدیلر اربیل جوار پنه وارد فلرندہ سیدخان و امر اسسهرانه
تکرار نامہ لکوندربلوب اصلا مقید اولدی ومدار اثر قیلدی بوندن
ماعدایرکان طائفه سندن استصحاب اولئرک اکثرین برا زمان ایله
اضلال ایدوب سوء قصدلی ظاھر اولدی حاصلی ابوریش اوغلی

مواعد نه اعتمادايك اون بش سته سنی شعبانك اوچین کونی که
 ابوریشتک موهور و مصلی کونید رفاه بغداد به نزل اولندی امام بورك
 اثری ظاهر اولندی طویل اوغلی کندویه تابع ایتدوی اراذل و ابوریشت
 اوغلی و سید خان طرفلرندن امداد ایچون کلن عربان و اگر ادايله
 بغداد قلعه سنه کیروب تحصن صورتی کوستردی و نصوح
 پاشانک و وظیفه خوار و احساننه مظهر اولان یاراشمازید عهد
 سیکانلرینه نهانی اوتوزینک التون کوندر و ب بجه سن کندویه
 د و ندر و ب بواسطه زلزله بغداد دن چیقوب صف چکوب
 نصوح پاشا ايله مقابله و مصاف ایلدی مقدمه جیوس
 نصوح پاشا غلبه ایتدکه اول سکیانلریان و یوب بر بلوی آشکاره
 بغداد یلرلاحق اولوب و سائر لری قاچوب صحرازه متفرق
 اولمیرله اگرچه ذهن عظیم حاصل اولدی مع هذا نصوح پاشا
 وولی پاشا و بیاله پاشا و میر شرف ضحوة صغرادن بین الصلوتینه دک
 شبات قدم کوستر و ب جنگ ایتدیلر و محاربده مذکور ولی پاشا
 شهید و نصوح پاشا ایکی یردن زخمانک اولوب یرار آدم لریشتک
 اکثری ايله میر شرف توابعندن بر قاج بکر اده لر دخی شهید
 اولد قلرنده نصوح پاشا میر شرف ايله بقیه مسلمینی کنار سلامته
 چیقارمق قصد ايله بالضروره عنان شب اولدی و میر شرفک
 او جاقلمی اولان جزیره به کلوب نهایت شدت شبیه دکن
 انده آرام و سرگذشتی مکتوبله آستانه به اعلام ایلدی اما چوق
 کچمدین طویل اوغلی بغداد ده خنجر بلا ايله مذبح اولدی
 (مردن پوچقانی) ازل ولایتده قاشه پاپاسی پتروس و قرال
 مضاحی ارومندی آستانه به مکتوب کوندر و ب پوچقانی اشتوان
 قرال سنه مزبور رمضانک بشی کونی دنیادن کیدوب
 فوتندن اول مزبور لری یانه دعوت ایدوب کندویک همیشه سی

دامادی ووزیری امراء بحارك دلیری همون نامی که مقدم او بریلن
عهد نامه ده مذکور و صکره قرال اولسی مسطور ایدی
کند و یرینه قرال نصب اولوب بحار بکرینه و قیودانلرینه
خطنابا حکم همایون ایله مزبور قرال جدید خلمت و مقبول
طپوز ایله برسیجق ارسالک اولندی مزبور همون باتوری اردل
ولایتک قدیمی قرالری اولادی بقایا سندن اولمغله اختیار
اولمشیدی ثم و تم الی الآن اول طایفه جانب سلطنتدن استقلال
اوزره قرال نصب اولمده در

(ذکر بقایای و قایم این سال) محرمک اون دردنجی کیمه سی استانبولده
یهود محله سنده حریق واقع اولوب جهود قیوسندن خواجه
خانمشه و خواجه پاشا حاتم و ارنجه محلات واسواق یا نوب
عظیم خسارت واقع اولدی بکری بدنجی کونی مصدرن
معزول کورجی محمد پاشایه بوسنه بکر بکیلی و اغا خسرو
پاشایه قنیه بکر بکیلی ویرلدی ربیع الاخرک اون برنده جلای
فلندر اوغلی کیوه حواله سنده کلکله استانده متفرقه و چاشنکیر
و چاوش و عامه دیرلک تصرف ایدنلر اول جائیه کتک فرمان
اولندی و جادی الاولینک اون النبی کونی چایولا دزاده
اتباعندن اولوب ادنه ده علم شقاوتی بردوش ایدن چشید حلب
بکر بکسی طرفچی قرداشی حسین پاشای علی الغفله
باسوب شهید ایلدو کینک عرضی کلدی و یوم مزبورده حلبده
علم افراز شقاوت اولان چایولا د اوغلی علی پاشا طرابلس
شام حاکمی امیر سیف اوغلی ایله جنک و غلبه ایدوب مشارایه
طرابلسه التجا ایلدو بی خبری کلدی و ماه مزبورک بکری
بدنجی کونی میراخور کبیر جعفر اغا حبش بکر بکسی اولوب
سانی محمد پاشایه بمن و بمنده اولان سنان پاشایه استانده کلک فرمان

بیورلدی ورمضانک اون سکرنجی کونی قلندر اوغلی یاشنده اولان اشقیا ایله
صاروخان دن قصبه نیف حواله سنده انا طرلی بکر بکسی اولان
حسین پاشا ویتسه انا طولیدن معزول احمد پاشا وصاروخان بکی
حاجی بک بالافاقی مقابله وجنک ایتدکلرند ه قلندر اوغلی غالب
و بونلرم غلوب اولدیلر بده قلندر اوغلی مقبضایه قصد ایتدوی
مقرر اولغین بروسه محافظه سنه زیاده تقید اولندی و سنه مزبوره
ذی الحجه سنک بالاشنده سرای عامره ده اولان غلطانان ایچون قانون اوزره
چیقمه فرمان اولوب سلیم دار خاص محمد افاضه وزارت ایله مصر
حکومتی واندرون کیلار کتخداسی ابراهیم اتا قیوجیلر کتخداسی
اولدی و جلوسد نصکره اول چیقمه بو اولغین اهل سرای
لساننده یوک چیقمه دیو تعبیر اولندی و غلطانان سرای عامره دن
ایجه لردخی چیتوب حالو حالجه برمراد اولدیلر ایکنجی
چیقمه بوند نصکره احدی و عشرين و الف شوالنده اولمشدر
و مقدمامه مفرک ایکنجی کونی درویش پاشا عرضیه

صدرین یحیی افندی و کمال افندی معزول

اولوب برلری خواجه زاه اسعد

افندی یه و عبدالعزیز

افندی یه و برلدی

۲۲۴

۲

کل طبع الجلد الاول من تاریخ تعمیرا بحمدہ تعالی
وبیلہ الجلد الثاني منه



Bibliotheca Alexandrina



0437293